

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# روحانیت و حوزه‌های علمیه

از دیدگاه امام خمینی (س)

تبیان  
آثار موضوعی  
دفتر دهم



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	مقدمه
۱	فصل اول: سخن آشنا
۳	نقش روحانیت در احیای اسلام
۱۴	تهذیب نفس و حفظ وحدت
۳۲	منشور برادری
۳۸	منشور روحانیت
۶۳	فصل دوم: هویت روحانیت
۶۵	روحانیون، جانشین انبیا
۶۸	روحانیت، حافظ شریعت و مبلغ رسالت
۸۳	علما، ناصح و مشفق امت
۸۶	علما، امین و خادم مردم
۹۱	روحانیت، دژ اسلام و سنگر مقاومت

۱۰۰	روحانیت، پشتوانه ملت و حافظ استقلال کشور
۱۱۵	هویت صنفی روحانیت

### فصل سوم: وظایف و مسئولیتهای روحانیت

۱۲۱	ارشاد و هدایت
۱۲۳	تبلیغ و ترویج اسلام و احکام آن
۱۴۲	تربیت و تهذیب نفوس
۱۵۴	آگاه و بیدار کردن مردم
۱۸۴	پاسداری و دفاع از اسلام
۱۸۴	شناخت اسلام و دفاع از آن
۱۹۱	ظلم‌ستیزی و شهادت‌طلبی در راه اسلام
۲۳۶	حفظ سنگر مساجد، جمعه و جماعات
۲۵۱	پیوند با سیاست و جامعه
۲۵۱	دخاله در سیاست و حضور در صحنه
۳۰۹	فقرستیزی و حمایت از محرومان
۳۱۷	حفظ وحدت
۳۷۵	تکفل امر قضا

### فصل چهارم: آفتهای فردی و اجتماعی روحانیت

۳۹۷	سطحی‌نگری و تحجر
۴۱۱	هوای نفسانی و عدم تهذیب نفس
۴۴۵	دنیاطلبی و خروج از زی‌طلبگی
۴۵۳	لطمه زدن به شئون روحانیت
۴۸۲	خطر روحانی‌نماها

۵۱۹	فصل پنجم: هشدارها و توصیه‌ها
۵۲۱	توطئه‌ها علیه اسلام و روحانیت
۵۹۶	توصیه به مردم برای مقابله با توطئه‌ها

۶۰۹	فصل ششم: حوزه‌های علمیه
۶۱۱	مقاومت حوزه‌ها بر علیه توطئه‌های دشمنان اسلام
۶۱۸	اهمیت تحصیل علوم دینی و استمرار حوزه‌ها
۶۲۳	تأکید بر سنت سلف و فقه سنتی
۶۳۱	اهمیت تهذیب نفس و درس اخلاق
۶۳۴	ضرورت اصلاح برنامه‌ها و جامع‌نگری
۶۴۷	اهمیت نظم و همکاری طلاب و مدرسین
۶۵۲	خطرات و آفات
۶۵۲	خطر نفوذیها
۶۵۴	آفت تشریفات

۶۵۷	فهارس
۶۵۹	فهرست مآخذ
۶۹۷	فهرست منابع





## مقدمه

روحانیت، واژه‌ای است که در کلیه ازمنه تاریخ و ادیان و فرهنگهای مختلف با همه اختلاف در دامنه معنا و هویت آن، به ایفای نقشی اطلاق می‌شده است که مردمان و پیروان ادیان و شرایع را از احکام و تعالیم دین مورد قبول، آگاه می‌ساخته است؛ و بنا به عللی از جمله: مصاحبت مستقیم و همدلی با پیامبر و آورنده شرایع و یا دسترسی، مهارت و تسلط لازم بر منابع و متون آن، قول و فعلش برای مردم عادی حجت بوده و به واسطه آن، تکلیف و وظایف خویش را باز می‌یافته‌اند. بدیهی است این نقش همچون سایر نقشهای اجتماعی، واجد مراتب و درجات، و نیز مواجه با قلب و حقیقت خواهد بود؛ به گونه‌ای که در عالم واقع، روحانیون از بعد حدود اکتساب اطمینان و اعتماد مردم، و میزان تسلطشان بر منابع و متون دینی، منزلت اجتماعی‌شان مراتب مختلفی داشته است؛ و نیز از باب حدود صدق مدعا و نیت و توافق قول و فعل و اغراض و مطامع آشکار و پنهان، پهنه گسترده‌ای را شامل می‌شده‌اند که چه بسا در میان آنان، دین به دنیا فروشان، کذابان و ساحران و عوام‌فریبان و مداحان ظلمه نیز وجود داشته‌اند؛ اما آنچه مسلم است، پهنه و گستره حضور باورهای دینی و اشاعه کم یا بیش تعالیم ادیان و مذاهب در فرهنگها و ملل مختلف، و بویژه غنا و وسعت انکارناپذیر منابع و متون و میراث عظیم فرهنگ دینی بشر، و حتی بخش اعظم ابنیه و آثار تاریخی و مذهبی و اشیاء و لوازم مرتبط با آنها، دستاوردهایی است که حسن و قبح آن تماماً و بی‌واسطه، به روحانیت بازگشت دارد؛ و علاوه بر آن باید افزود که بخش عظیمی از

دستاوردهای علمی، معرفتی، ادبی، هنری و دیگر آثار تمدنی بشر نیز یا توسط روحانیونی که تفحص و تأمل در این حوزه‌ها را نیز عرصه تکلیفی خود می‌شناخته‌اند، به وجود آمده و یا توسط دیگران؛ اما در مواجهه و مقابله با آنان پا گرفته است، لذا هرچند به نحو غیرمستقیم، میراث و محصول حضور این نقش محسوب می‌گردد.

امام خمینی(س) در خصوص ایفای نقش عظیم علمی و معنوی روحانیت اسلام در جهان تشیع می‌فرماید:

«تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کنجرویه‌ها بوده‌اند. علمای بزرگ اسلام در همه عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند.

اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علوم قرآن و اسلام و اهل بیت - علیهم‌السلام - به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین - علیهم‌السلام - و ثبت و تبویب و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون «کتب اربعه»<sup>۱</sup> و کتابهای دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم. اگر ما نام اینهمه زحمت و مرارت را جهاد فی سبیل الله نگذاریم، چه باید بگذاریم؟»<sup>۲</sup>

با اینهمه، داوری و قضاوت در مورد آثار مثبت یا منفی این نقش، در اینجا مورد نظر نیست؛ ولی اهمیت آن اقتضا می‌کرد در شرایطی که پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، این نهاد همچون کوه یخ - که عظمت و جلوه واقعی آن به مراتب بیش از نمود ظاهری آن است - اقیانوس اجتماعات انسانی را نه تنها در ایران که در سراسر جهان به تموج و جابه‌جاییهای

۱. چهار کتاب معتبر شیعه که عبارتند از: محدث کلینی؛ کافی؛ شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ شیخ طوسی؛ تهذیب؛ شیخ طوسی؛ استبصار.

۲. صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۷۴ - ۲۷۵.

گسترده واداشته است، یک بار دیگر مورد عنایت قرار گیرد. انقلاب اسلامی ایران نه تنها انقلابی منبعث از ارزشها و تعالیم دینی که تحت زعامت و رهبری نهاد مرجعیت و روحانیت شیعه محقق گشت و قطعاً هم در وقوع آن، جایگاه و موضع حضرت امام خمینی(س) به عنوان عالیترین مرتبه این نهاد، یعنی «مرجعیت» دخالت تام داشته است و هم پس از وقوع، همین مرجعیت و اساساً نهاد روحانیت، شأن و جایگاه بس عظیمتری یافته است که ضعف و قوت آن، بیم و امید در سرنوشت و آینده اسلام و انقلاب را رقم می زند.

این نهاد در طول حیات خود در دنیای اسلام، علی رغم موفقیتها و دستاوردهای عظیم و غیرقابل انکار، دچار ضعفها، سوءبرداشتها، تضییقات و محدودیتهای بیرونی و در دوره های اخیر، تهاجم تبلیغاتی و توطئه های گوناگون نظامات استعماری بوده است؛ که وجه اخیر آن بویژه پس از انقلاب اسلامی و بروز توان ضد استکباری، این نهاد با جدیت و مطالعات کارشناسانه تر دنبال می شود.

رویکرد صوفی منشانه و ترک دنیا و گریز از اجتماعات انسانی و ابتلائات آن و پناه بردن به اوراد و ادعیه و یا حتی تأملات و خلسه های عارفانه در خلوتهای مأنوس و اختیاری، جلوه ای مستمر از فهم ناقص اسلام است که به علل گوناگون پس از حاکمیت خلفا و سلاطین جور بر قلمرو دنیای اسلام و بریدن سرها و زبانهای مدافعان اسلام راستین و در شرایطی که رعب و وحشت به نحوی گسترده، دامنگیر امت تحت ستم شده بود، همچون مفر و گریزگاهی امن، مأمن فکری و مأوای ریاضت منشانه نحله ای از دینمداران شد که نه شهامت و شجاعت و یارای مقابله و معارضا با ستم موجود و نابسامانیهای ملموس را داشتند و نه آنقدر پست و حقیر یا اسیر شهوات بودند که به جرگه دنیاطلبان پیوسته، از طریق همنوایی و همکاری با ظلمه و عمال جور، کام خویش برگیرند و تعیش و تنعم دنیا را بر تکلیف معنوی خویش مقدم دارند. اینان به خلوت خلسه ها یا گوشه نشینی زاهدانه و دنیاگریزانه پناه بردند و ریاضت و قناعت پیشه کردند و اگر شمشیری علیه ستم از نیام برنکشیدند، رکابدار و جلیس ستم پیشگان نیز نگشتند و برگردن خلق تازیانه توجیه ستم ننواختند.

مشى دیگر از آن وعاظ السلاطين و آخوندهای درباری است که از آغاز غضب و بدعتها در تاریخ اسلام تا به امروز، جلوه های گوناگون آن را شاهدیم. جعل و حدیث سازان دستگاه

اموی که هزاران حدیث در مدح و منقبت عناصر و سران جریان بدعت و انحراف ساختند، یا متناسب با نیاز و عملکرد خلفای جور، سیره و سنتی از پیامبر اسلام و صحابه معتبرش ترسیم نمودند که مؤید کردار و مشروعیت بخش آن نظامات بود، سر سلسله این جریان انحرافی در تاریخ روحانیت اسلامند. این حدیثها و منقولات ساختگی همراه با برداشتها و تفسیرهای انحرافی از متون اصیل، دستمایه نسلهای بعدی این جریان تخدیرکننده بود، که به نحوی مستقیم و غیرمستقیم، در رکاب سلاطین و حکام جور، بر ایشان مشروعیت می‌آفریدند و احکام و قواعد شرعیه‌ای همچون «الحق لمن غلب»، «السلطان ظل الله» را بر قامت حاکمیت‌های جور می‌پوشاندند که ضمن تیز کردن شمشیر ستم، سپر اعتقادی و انگیزشی جبهه مقابل، یعنی حق‌طلبان و دین‌باوران اصیل را نیز سست و ناتوان می‌کرد. مقدمه‌نویسی، اهدا و عنوان‌گذاریهای اعطایی در آثار مکتوب، مدیحه‌سرایی، دعاگویی و ثناخوانی، نثار القاب، رکابداری و مؤانست و مجالست و تن دادن به وصلتهای مشروعیت‌آفرین و حتی دستبوسی و اظهار خضوع و حرکات ذلیلانه در برابر حکام جابر، مظاهر متنوع چنین عملکردی است که اشکال حقیرتری چون خواب‌نمایی و خواب‌پردازی را نیز شامل می‌شود. اینان علاوه بر ایفای رسالت در توجیه و منقبت ظالم، نوعاً تسفیق و تکفیر و صدور فتوای «مهدورالدم» بودن عناصر و نیروهای مبارز و مقابل را نیز عهده‌دار بودند.

علاوه بر دو جریان مذکور که مسبقاً به سابقه‌ای طولانی بوده و تقریباً همزاد با همه ادیان الهی و بویژه با اسلام است و نوعاً پس از درگذشت انبیا و صاحبان شریعت الهی، دست‌اندرکار تحریف می‌شدند و همراه با دیگر قطبهای منکوب و منعزل عصر پیامبران، جاهلیتهای پیشین را احیا می‌کردند. در یکی - دو قرن اخیر، بشریت و بویژه جوامع مسلمان شاهد پدیده‌ای نسبتاً جدید نیز بودند؛ و آن اینکه تحریفات و انحرافات نوین تماماً و لزوماً از بطن جامعه اسلامی و از سوءبرداشتهای یا تمایلات و نفسانیات مدعیان دین سرچشمه نمی‌گرفت؛ بلکه این بار، دست توطئه‌گر و مفسده‌جوی استعمار نیز در میان بود که برای غارت بی‌رادع ذخایر و داراییها و بسط حضور و نفوذ سلطه‌طلبانه و استثمارگرانه خویش، باید موانع و مزاحمت‌های بالفعل و بالقوه را شناسایی کرده، و از سر راه برمی‌داشت. جستجوی نظری و تجارب عملی به استعمارگران نشان داد که اصلیت‌ترین مانع و خطر بر سر راه منافع

نامشروع آنان در قلمرو جوامع اسلامی، اصل اسلام و باورهای دینی مردم از یکسو، و روحانیت مروج و مدافع آن از سوی دیگر است. این تشخیص، آنان را بدین عزم فرا خواند که برای رفع خطر هر دو، چاره‌اندیشی کنند. ناگفته نماند که تجربه چندین قرن جدال بین علم و دین و کلیسا با منادیان دانش و فرهنگ رسته از بند دین یا سکولاریزم در جامعه اروپا که ناشی از شرایط خاص آن جامعه و بازتاب سوءبرداشتها و تنگ‌نظریها و جزم‌اندیشیها و پاره‌ای مفاسد اخلاقی - اقتصادی کلیسای کاتولیک بود، زمینه‌نظری و بهانه‌ظاهراً موجهی در تعمیم ناروای این جدال به عالم اسلام را نیز فراهم آورد. بدین سان بود که موج حمله به اصل اسلام و تعالیم آن، که از انکار و تردید در ادله اثبات ذات باری تعالی آغاز می‌شد و تا خدشه در وحی و نبوت و ایجاد شبهات و ایراد اتهامات به نبی اکرم اسلام و دیگر بزرگان دین، و «ان قلت» و اشکال بر احکام و قواعد اصلی یا جزئی و نیز کهنه و ارتجاعی معرفی کردن آنها را در بر می‌گرفت، با وسعت و شدت هرچه تمامتر بر زبانها و قلمها جاری شد که مجال بازنمایی آن در این مقال نیست؛ اما در کنار حمله به اصل اسلام و دیانت، حمله به روحانیت نیز وجهه همت قرار گرفت. اگر از اعمال زور و فشارها و تزییقات مستقیمی که در این زمینه وارد می‌شد درگذریم، این حمله دو مقصود را دنبال می‌کرد. اول، تخفیف و استهزا و پایین آوردن شأن و منزلت آنان نزد عامه مردم، به نحوی که هرگونه حمایت و پشتیبانی و پایگاه مردمی را از آنان سلب نموده، تا امکان بالقوه حرکت و اقدام از آنان گرفته شود. دوم، آنکه به خود آنان بباوراند که دینداری و پاسداری از شریعت، در بنیان از سیاست و امور اجتماعی و مصالح و مفاسد امت اسلام منفک است؛ و بدین‌گونه آنان از درون فاقد اعتماد و انگیزه و نیروی محرکه لازم برای حرکت و جوشش، یا حتی تدبیر و تأمل در مسائل سرنوشت ساز گردند که این هدف با طرح و ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست دنبال شد. این اندیشه هرچند ریشه در باورهای انحرافی گروه اول داشت؛ ولی دست استعمار و وسعت تبلیغات و تلاشهای عملی و نظری دستگاههای مرتبط با آن، چنان آرایش و جاذبه‌ای به آن داد که برای بسیاری از روحانیون و شریعتمداران به عنوان امر مسلم و جاافتاده‌ای درآمد تا آنجا که به قول حضرت امام:

«وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در

احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست [و] حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعض افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش بیارد و آلا عالم سیاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت.<sup>۱</sup> در جای دیگر می‌فرمایند:

«تبلیغات ابلهانه و گاهی مودبانه و شیطنت‌آمیز به گونه طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سروکار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند، و حکومت و سیاست و سررشته‌داری برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است، چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلک انبیای عظام است و مع‌الأسف تبلیغ به وجه دوم در بعض از روحانیان و متدینان بی‌خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می‌دانستند و شاید بعضی بدانند!»<sup>۲</sup>

علاوه بر محورهای تبلیغی فوق که حذف و بی‌اعتبار کردن روحانیت را مدنظر داشت و عمدتاً از طرف دستگاههای تبلیغی استعمار غرب و ایادی غربزده آنان مطرح شد، اتهام دیگری که به روحانیت وارد می‌شد، همدستی با خان و فئودال و طرفداری از سرمایه‌داران بود که این موضوع عمدتاً از طرف مدعیان و هواداران فلسفه و نظامات مارکسیستی مطرح می‌گشت و پاره‌ای مواضع و دفاعیات اقشاری از روحانیون که در قبال طرح مالکیت اشتراکی از طرف مارکسیستها، و نیز به لحاظ عدم درک روح عدالت‌گرایانه تعالیم اسلام، به دفاع مطلق از مالکیت خصوصی برمی‌خاستند، زمینه اثرگذاری این قبیل اتهامات را در اذهان مخاطبان که عمدتاً جوانان بودند فراهم می‌کرد. این محور تبلیغاتی حتی در سالهای اول پس از انقلاب اسلامی نیز که عملاً اتهامات و اندیشه‌های انزواگرایانه دیگر رنگ باخته بود، همچنان از طرف رسانه‌های بیگانه و گروهکهای سیاسی وابسته به آن در داخل بشدت مطرح می‌شد.

۱. صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۷۸-۲۷۹.

۲. همان؛ ص ۴۰۵.

حضرت امام در مواجهه با این قبیل تبلیغات و مقابله با کج‌فهمی بعضی مدعیان اسلام است که می‌فرمایند:

«علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه‌داران در یک کاسه است. و خداوند کسانی را که این‌گونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد. روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالوصفت تشنه است و هرگز با آنان سر‌آشتی نداشته و نخواهد داشت»<sup>۱</sup>

علی‌رغم همه این توطئه‌ها و کج‌فهمیها حضرت امام به عنوان سمبل روحانیت اصیل و راستین، ضمن آنکه خود درک جامع و روشنی از نقش و رسالت روحانی به عنوان پاسدار، مفسر، مروج و مدافع دیانت داشت بدرستی دریافته بود که جریان کلی روحانیت شیعه به عنوان رکن رکن اسلام و حاملان و مروجین شریعت در طول تاریخ، رسالت طاقت‌فرسا و بعضاً خونبار خویش را عهده‌دار بوده است و طی یکی-دو قرن اخیر نیز به عنوان اصلیت‌ترین سنگر مقاومت در مقابل هجوم استعمار و بیگانه‌پرستان از ارض و عرض و عزت و ارزشهای مسلمین و فرهنگ اسلامی سرسختانه دفاع نموده است؛ و بر اساس چنین اعتقادی بود که با تکیه بر نقاط قوت و ظرفیت شگرف این نهاد، در هدایت و بسیج توده مردم مسلمان، و نیز از طریق تمیز و تفکیک بین جریان اصیل با نموده‌ها و نمونه‌های انحرافی آن، توانست نقش عظیم خود را در فرایند هدایت و پیشبرد انقلاب اسلامی ایفا نماید. به یمن همین فرایند بود که امام، احیاگر سنتی شد که در آن، روحانیت جایگاه حقیقی خود را بازیافت. اکنون در شرایطی که به برکت اندیشه و عمل آن حضرت، چنین جایگاهی حاصل آمده است، هشدارها و تذکارات مستمر ایشان در جهت تحکیم و تثبیت دستاوردها و رفع موانع و کاستیهای ناشی از قرن‌ها فاصله روحانیت با ایفای نقش حقیقی خود، اهمیت مضاعفی خواهد داشت که همه مدافعان اسلام ناب، باید این مجموعه مواضع روشنگرانه را فراروی خویش قرار دهند تا آفات نسیان، غرور و هوای نفس توأم با توطئه‌های رنگارنگ بیگانگان زخم خورده از نشاط و بالندگی روحانیت، نتواند شکوفایی و ثمردهی این شجره طیبه را مانع

گردد.

در این راستا، حضرت امام هم به بازسازی درونی و رفع کاستیها و نقایص و هشدار نسبت به بروز ضعفها و آفتها در مجموعه نهاد روحانیت توجه دارند، هم به رابطه مطلوب و سازنده این نهاد با دیگر اقشار، بویژه با قشر دانشگاهی و جوانان پرشور مدافع اسلام، نهادها و مراکز و نیز نسبت به دستهای توطئه‌گر و ایادی بیگانه در جهت تخریب فرهنگ عمومی علیه این نهاد مقدس، هشدار می‌دهند. اگر بخواهیم رئوس ملاحظات و توجهات حضرت امام در این مقوله را برشماریم به موارد زیر باید اشاره کنیم:

- توجه به رسالت جامع روحانیت، در دفاع از کلیت شریعت در همه عرصه‌های حیات بشری.

- هشدار نسبت به خطر هوای نفس، توجه جدی به تهذیب نفوس، پرهیز از دنیاطلبی و خروج از زئ‌طلبگی.

- عنایت به بازسازی و تعالی نظام درسی و حوزوی در جهت حفظ ارزشها و دستاوردهای سنت سلف و اصلاح آن متناسب با نیازهای روز و درخور رسالت جامع روحانیت.

- تأکید بر بعد عدالتخواهی و فقرستیزی اسلام و موضعگیری درخور روحانیت در جنگ فقر و غنا.

- توجه جدی به ضرورت حفظ وحدت و نفی تفرقه در درون سازمان روحانیت بین سطوح و مراتب آن و وحدت بین روحانیون فِرَق و مذاهب اسلامی.

- هشدار نسبت به نفوذ عناصر ناصالح و تأکید بر تصفیه نهاد روحانیت از فرصت‌طلبان، مفسده‌جویان، روحانی نمایان و آخوندهای درباری.

- تأکید بر حفظ پایگاه مردمی و حشر و نشر روحانیت با اقشار محروم و متوسط و توجه به خطرات و مطامع سرمایه‌داران و مرفهین بی‌درد.

- عنایت به ضرورت ارتباط و وحدت حوزه و دانشگاه، تأمین لوازم عملی و نظری، درک متقابل این دو قشر و هوشیاری نسبت به توطئه‌ها و عوامل تفرقه‌افکن.

- تأکید بر هویت صنفی روحانیت، به عنوان شرط اجتناب‌ناپذیر تداوم فرهنگ دینی و



سفارش اکید به مردم بویژه روشنفکران و جوانان انقلابی نسبت به خطر احساس بی‌نیازی نسبت به هدایت و همکاری علمای متعهد و اندیشه اسلام منهای روحانیت.

اینک مجموعه مواضع و نصایح این پیر فرزانه، فراروی مشتاقان و طالبان است تا به فراخور درک خویش از خرمن اندیشه‌ی احیاگر اسلام ناب خوشه برچینند؛ اما ملاحظاتی چند درباره این مجموعه را یادآور می‌شویم:

۱. این مجموعه به روحانیت به عنوان قشر وسیع حاملان، مفسران و مدافعان دین نظر داشته و بحث اختصاصی نقش رهبری و ولایت جامعه اسلامی را که در عین حال بارزترین نمود و تجلی رسالت روحانیت است، به مجموعه جداگانه‌ای سپرده است تا از نظر حجم و جنبه‌های صوری چاپ، این مجلد در حد متعارف عرضه گردد.

۲. از آنجا که روال تنظیم این مجموعه‌های موضوعی، انتخاب قطعات برگرفته از آثار امام در خصوص موضوع یا مبحث معینی است که مطابق فهرست عناوین اصلی و فرعی، به صورت تفکیک شده و منقطع از توالی بحث حضرت امام آورده می‌شود، طبعاً نارساییها و کاستیهایی خواهد داشت که در صورت لزوم باید صدر و ذیل بحث را از طریق مجموعه آثار حضرت امام دنبال نمود. در عین حال، در این مجموعه چهار پیام و سخنرانی که طی آن اختصاصاً به مباحث مرتبط به روحانیت پرداخته شده بود، به صورت جامع و تفکیک نشده آورده شد تا کلیت نگرش آن حضرت در اینگونه خطابها محفوظ بماند. بدیهی است در مورد همین پیامها طبق روال معمول نیز عمل شده است و قطعات منتخب از آنها حسب مورد ذیل عناوین و موضوعات ذی‌ربط نیز آمده است.

۳. از آنجا که حضرت امام خود به هنگام ایراد سخنرانی یا کتابت پیامها، لزوماً به تفکیک موضوعات بدان صورت که در این نوع مجموعه‌ها بدان پرداخته شده است، عنایت نداشته‌اند، این قبیل تفکیکهای موضوعی و تشخیص آنکه هر قطعه بیشتر مرتبط با کدام موضوع است، به دشواری ممکن می‌گردد و چه بسا مواردی که مطالب واحد، به موضوعات متعددی ارتباط دارند. در اینگونه موارد کوشش شده است حتی‌الامکان از تکرار قطعات در موضوعات گوناگون خودداری شود و هر قطعه منحصرأ در اصلیتترین موضوع مرتبط با آن آورده شود. در عین حال، در مواردی که احساس می‌شد قطعه مورد نظر دارای آنچنان

اهمیتی است که فقدان مکرر آن در ذیل دیگر عناوین، به فهم کامل موضوع لطمه می‌زند، از تکرار خودداری نشده است؛ اما در اینگونه موارد ممکن است حسب مورد نقاط شروع و پایان قطعات منتخب یکسان نباشد و متناسب با موضوع، حذف و اضافاتی صورت گرفته باشد. با عنایت به این نکته، طالبان اندیشه امام در خصوص هریک از عناوین فرعی این مجموعه، بی‌نیاز از مراجعه و توجه به مطالب تنظیمی ذیل سایر عناوین قریب نیستند.

۴. در تنظیم مطالب این مجموعه، سوای از تفکیک موضوعی برای تنظیم مطالب ذیل هریک از عناوین فرعی، بر اساس ملاک تاریخی و ترتیب زمانی صدور آنها اقدام شده است. به این ترتیب مطالب منقول از کتب و آثار تألیفی بر اساس تاریخ تألیف، و مطالب مستخرج از سخنان و پیامها نیز به ترتیب تاریخ صدور تنظیم شده است. در مورد وصیتنامه آن حضرت، علی‌رغم آنکه زمان نگارش آن، سال ۱۳۶۱ بوده است، به لحاظ ماهیت آن، زمان قرائت متن؛ یعنی روز بعد از ارتحال منظور شده است.

۵. در بخش ضمائم این مجموعه، فهرست اعلام و شخصیت‌های روحانی که به نحوی در آثار حضرت امام از آنها نام برده شده، آمده است. لازم است اشاره شود، این فهرست برگرفته از کتاب جلد ۲۲ صحیفه امام از انتشارات مؤسسه است، که اعلام شخصیت‌های روحانی آن استخراج شده و کاستیهای آن برطرف گردیده است. امید است این فهرست، امر دسترسی به مواضع و نقطه‌نظرهای حضرت امام درباره شخصیت‌های روحانی را تسهیل نماید. با آرزوی توفیق روزافزون روحانیت معظم در انجام رسالت سنگین حراست، اشاعه و دفاع از اسلام ناب محمدی (ص).

#### معاونت پژوهشی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)

## فصل اول

### سخن آشنا



### نقش روحانیت در احیای اسلام

خداوندا، زبان ما را از بیهوده گفتن و گزاف و لغو و دروغ حفظ بفرما. خداوندا، قلوب ما را به نور اسلام و روحانیت روشن بفرما؛ خداوندا گوش شنوا عنایت بفرما به سلاطین دولت اسلامی، به رؤسای جمهور دولت اسلامی، به نمایندگان مجلسین دولت اسلامی، به نخست وزیران و وزرای دولت اسلامی، به رؤسای دانشگاههای دولت اسلامی، به کارفرمایان و کارمندان دولت اسلامی. خداوندا، آنها را قرار بده ...

این سال<sup>۱</sup> برای روحانیت، عرض کنم بسیار بد سالی بود و از جهتی بسیار خوب سالی بود: بد بود برای اینکه یک مملکتی که باید به دنیا معرفی بشود به اینکه مملکت صحیحی است، هیأت حاکمه درست دارد، دستگاه عدالت دارد، دادگستری دارد، محاکم قضایی دارد، اقتصادش خوب است، زراعتش خوب است؛ یک مملکتی که باید به صلاح و به صحت معرفی بشود در جامعه بشر، معرفی شد به مرکز فساد و مرکز هر چیزی که شما بخواهید اسمش را بگذارید؛ از آن بدتر، بخواهیم بگوییم مثل زمان مغول است، نمی توانیم همچو بی احترامی ای به مغول بکنیم. آنها یک جمعیتی بودند کفار، و شاید

مهدور می‌دانستند دم ما را؛ و وارد شدند در مملکت برای گرفتن مملکت اجنبی، آن هم مملکتی که برخلاف مسلک آنها و دیانت آنها بود و کردند آن کارهایی را که کردند. اینجا در این قضایا، اینها مدعی اسلام هستند، مدعی ایمان هستند، مدعی تشیع هستند! در عین حال که با این ادعاها امرار روز می‌کنند و امرار حیات می‌کنند، کارهایشان همان کارهایی است که مغول باید انجام بدهد، چنگیز باید انجام بدهد. در مراکز علمی می‌ریزند، خون بیچه‌های شانزده ساله و هفده ساله [را] می‌ریزند، خراب می‌کنند مرکزهای علمی را، به علما اهانت می‌کنند، فحشهای ناموسی می‌دهند، در حبس می‌برند، زجر می‌کنند، می‌کشند، می‌زنند، خونخواری می‌کنند؛ در عین حال نطق می‌کنند، اظهار اسلامیت می‌کنند، اظهار تشیع می‌کنند، اظهار کشف [و] کرامت می‌کنند. آنها دیگر نمی‌گفتند که ما شیعه هستیم؛ دشمن بودند با ما، در حال تعدی وارد شدند در مملکت ما. اینها با حال دوستی و ادعای دوستی، ادعای تشیع، بالاتر از تشیع، با این ادعاها این اعمال را انجام دادند و می‌دهند.

من [آنچه] به شما عرض کنم مطلبی نیست که مال این چند ماهه باشد؛ این یک مطلب ریشه‌دار است، مطلبی است که مال چندین سال پیش از این است، اگر نگویم چهل و چند سال پیش از این، لااقل بیست سال پیش از این است که اینها نقشه‌شان این بود که قم نباشد. در زمان حیات مرحوم آقای بروجردی<sup>۱</sup> - رضوان الله علیه - هم نقشه این بود که ایشان نباشند و قم نباشد. قم را برای منافع خودشان مضر می‌دانند. قم لشکر حق است؛ جنود ابلیس، جنود حق را با مقاصد خودشان مخالف می‌دانند. در همان زمان ایشان هم، نسبت به ایشان

۱. آیت الله العظمی حاج سیدحسین بروجردی (۱۲۹۲-۱۳۸۰ ه. ق.) از اساتین فقه شیعه و مرجع تام در طول دهه هفتاد هجری قمری بود.

تعبیراتی می شده است که من نمی توانم در این منبر عرض کنم. همان وقت بوده است که، نقشه خارج این بوده است که قم نباشد تا ما هر کاری می خواهیم انجام بدهیم و یک نفس کش در مقابل ما صحبت نکند، حرف نزند، بحث نکند، ایراد نکند، اعتراض نکند.

اینها از همان زمان مرحوم آقای بروجردی، اگر نگویم از چهل و چند سال پیش از این، از زمان مرحوم آقای بروجردی این نقشه را داشته اند، منتها با بودن ایشان می دیدند که مفسده دارد اگر بخواهند کارهایی را انجام بدهند. بعد از اینکه ایشان تشریف بردند به جوار رحمت حق تعالی؛ از همان اول، اینها شروع کردند به اسم احترام از مرکزی، کوبیدن این مرکز را؛ نه از باب اینکه حُبی به آن مرکز داشته اند؛ به هیچ مرکزی از مراکز دیانت اینها احساس حُب نمی کنند؛ نه از باب اینکه به نجف علاقه داشتند، از باب اینکه قم را نمی خواستند. قم موی دماغ بود، نزدیک بود به اینها، مفسد را زود ادراک می کرد و کارهای اینها زود برش منکشف می شد. اینها قم را نمی خواستند منتها نمی توانستند به صراحت لهجه بگویند: قم نه، می گفتند: نجف آره، مشهد آره؛ «در قم چیزی به نظر نمی خورد»! فهمیدند که چیزهایی به نظر می خورد، چیزهایی به چشم می خورد، چیزهایی به دهان می خورد، به گوش می خورد؛ فهمیدند که نه آنطور نبوده است. اینها از آن وقت نقشه کشیدند برای نابودی روحانیت و دنبالش نابودی اسلام و دنبالش نفع رساندن به اسرائیل و عمال اسرائیل.

از اول، مطلب اینطور بود، منتها در پرده بود؛ اعلان نکرده بودند مطالبشان را؛ گاهی اعلان می کردند، لکن مضمضه می کردند مطلب کفر خودشان را. بعد از فوت ایشان، ابتدائاً یک نقشه شیطانی کشیدند و در بلاد ایران، آنجایی که من مطلع شدم، از مردم می خواستند

التزام بگیرند به اینکه شما به فلان مرکز تلگراف کنید و انتخاب کنید فلان مرکز را؛ نه از باب اینکه علاقه‌ای به آن مرکز داشتند، از باب اینکه این مرکز را نمی‌خواستند. مردم اعتنا نکردند به آنها. [به] دنبال آن، نقشه‌ها کشیده شد، دولت‌ها سرکار آمد؛ نمی‌دانم به آن دولت‌ها این پیشنهادهای شد و قبول نکردند، یا اینکه نتوانستند اینقدر بی‌شرافتی بکنند. شاید شریف بودند، عالم بودند، دکتر بودند، مهندس بودند، و نتوانستند با همه مراکز علم مخالفت کنند. تا اینکه منتهی شد به اینکه باید دولت، دولتی باشد که علم نداشته باشد، قدر علم را نداند، تا کلاس پنجم بیشتر درس نخوانده باشد، آن هم در کرج تحصیل اجازه‌نامه با اعمال نفوذ کرده باشد، نداند معنای علم چه هست، نداند معنای دیانت چه هست، نداند نقش روحانیت در بقای این مملکت چیست، نفهمد مطالب را؛ سربسته و چشم بسته به او دیکته کنند و بگویند و نفهمد چه می‌گویند، و بکنند و نفهمد چه می‌کنند.

دیدیم که از اولی که این دولت بیسواد و بی‌حیثیت روی کار آمد، از اول اسلام را هدف قرار داد: در روزنامه‌ها با قلم درشت نوشتند که بانوان را حق دخالت در انتخابات داده‌اند، لکن شیطنت بود؛ برای انعطاف نظر عامه مردم به آن موضوع بود که نظرشان به الغای اسلام و الغای قرآن، درست نیفتد؛ و لهذا، در اولی که اینجا ما متوجه شدیم و اجتماع شد و آقایان مجتمع شدند با هم برای علاج کار، توجه ما در دفعه اول منعطف شد به همان قضیه؛ بعد که مطالعه کردیم دیدیم آقا، قضیه، قضیه بانوان نیست، این یک امر کوچکی است؛ قضیه معارضه با اسلام است: منتخب و منتخب، مسلمان لازم نیست باشد، حَلْف<sup>۱</sup> به قرآن لازم نیست باشد، قرآن را می‌خواهیم چه کنیم؟ بعد که مصادف شدند با تودهنی از ملت مُسَلَّم، تأویل کردند حرفشان را به اینکه خیر،



مراد ما از «کتاب آسمانی» قرآن است. ما هم از شان پذیرفتیم؛ به حَسَب ظواهر شرع، لکن به مجرد اینکه اینها یک چند نفر عمله را دور خودشان دیدند و یک زنده باد و مرده باد را دیدند، باز همان مطالب خبیثشان را از سرگرفتند، همان مطلبی را که ابطال کرده بودند دوباره از سرگرفتند: دوباره تساوی حقوق مِنْ جَمِیعِ الْجِهَات. تساوی حقوق من جمیع الجهات، پایمال کردن چند تا حکم ضروری اسلام است، نفی کردن چند تا حکم صریح قرآن است. بعدش باز دیدند که مصادف شد با یک ناراحتیها و یک حرفها و یک چیزهایی؛ حاشا کردند؛ وزیرشان یک جا حاشا کرد، امیرشان یک جا حاشا کرد.

در روزنامه‌ها به صراحتِ لهجه نوشتند که بردن بانوان به سربازی، تصویبش در دست تنظیم است؛ لکن بعد از آنکه دیدند که خیلی فضاحت بار آمد [و] مردم ناراحت شدند، همان نوکرهای ارباب، به حَسَب واقع هم ناراحت شدند؛ وقتی دیدند [مردم] ناراحت شدند، گفتند: اکاذیب است. پرونده‌سازی خواستند بکنند؛ پرونده‌سازیهای بچگانه مضحک بکنند.

این سال بد بود برای اینکه حمله به اسلام زیاد شد، حمله به قرآن زیاد شد؛ مراکز علم را کوباندند به حَسَب توهم خودشان؛ بچه‌های ما را، عزیزهای ما را زدند، سرهایشان را شکستند، پاهایشان را شکستند، بعضی‌شان را کشتند، از پشت بامها انداختند. اگر اینها دهقانها بودند، پس چرا این دستگاه انتظامی کمکشان می‌کرد؟ اینکه دیگر مخفی نبود؛ این را صد هزار جمعیت از توی خیابانها و از توی صحن و از توی مدرسه، خوب می‌دیدند که دستگاه شهربانی دارد کمک مستقیم می‌کند؛ این دهقانها را کمک می‌کرد بر ضد اسلام. اگر راست می‌گویند که دهقانها بوده‌اند، پس چرا وقتی که مَرْضای ما را بردند در مریضخانه‌ها، شهربانی و [ساواک] فرستادند گفتند:

دشمنهای اعلیحضرت را می‌برید در مریضخانه؟ پدرتان را درمی‌آوریم، اینها باید بروند. اگر دهقانها بودند، به اعلیحضرت چه کار دارد؟ اگر کماندوها بودند و آنهایی که مربوط به خود ایشان است و از دستگاه خود ایشان هست، [آیا] با قول ایشان بوده، با فرمان ایشان بوده است و یا بدون اطلاع و بدون فرمان؟ اگر با اطلاع است، خوب بگویید ما تکلیفمان را با ایشان بفهمیم؛ خوب بفهمیم؛ خوب ما، طرفمان کی است؟ یک نفر است. اگر اینطور نیست، خوب بگویند تا ما بفهمیم که این کماندوها سر خود آمدند؟! و همین طور بیخود بیخودی آمدند؟! یا سازمان امنیت اینها را آورد؟ یا شهربانیها آوردند؟ یا نخست‌وزیر امر کرد، یا فلان وزیر و فلان امیر امر کرد؟ خوب بگویند کی این کارها را کرده؛ چرا حاشا می‌کنند؟ پیش هر که می‌روی، گردن دیگری می‌گذارد، به هر که اعتراض می‌کنی، به دیگری نسبت می‌دهد، دستگاه شهربانی می‌گوید که سازمان امنیت؛ سازمان امنیت می‌گوید شهربانی؛ دوتایشان می‌گویند: امر اعلیحضرت؛ راست می‌گویند که امر اعلیحضرت است؟ اعلیحضرت با دیانت اسلام مخالف است؟ واقعاً با قرآن مخالف است اعلیحضرت، به حسب قول اینها؟ اگر مخالف است، آن حرفها چه هست دیگر؟ آنهمه کشف و کرامت کجاست؟ اگر مخالف نیستند، پس چرا جلوگیری نمی‌کنند از این وحشیگریها؟ چرا تودهنی نمی‌زنند به این شهربانیها، به این سازمانها، به این نخست‌وزیرها؟ ایشان که فعال مایشاء‌اند می‌توانند یک همچو کاری را بکنند؛ حالا که دیگر مطلبی نیست، برگرد [ند] به عصر سابق [دوران استبداد] و قبل از صد سال پیش از این. حالا که مطلب اینطوری است، خوب بزنند تودهنی به اینهایی که کار بد می‌کنند، کارهای خلاف اسلام می‌کنند، کارهای خلاف دیانت می‌کنند و نسبت می‌دهند به ایشان؛ تبرئه کند

خودش را. آقا، نمی شود سلطان اسلام با اسلام مخالف باشد؛ نمی شود این. اگر نیستند بگویند، اظهار کنند، اظهار تأسف کنند به اینکه مردک آمده است، ریخته مدرسه فیضیه را خراب کرده است.

بنده [هنوز] این مسائل جوانهای خودمان را ندیدم، و بعد از مباحثه می روم می بینم. اول وقتی است که می روم می بینم. برویم آنجا یک فاتحه ای بخوانیم برای آنها؛ اینها که کشتند [گریه حضار]؛ یک اظهار تأثری بکنیم برای اینها؛ اینها که نمی گذارند ما فاتحه هم بگیریم [گریه حضار]. اگر دهقانها کردند، پس چرا نمی گذارید فاتحه بگیریم؟ چرا فاتحه تهران را به هم می زنید؟

سال بدی بود برای اینکه مفتضح شد هیأت حاکمه؛ مفتضح شد دستگاه جبار؛ و ما نمی خواستیم. ما نمی خواهیم که مملکت ما در خارج معرفی بشود که همچو عناصر خبیثی سرکارند؛ ما نمی خواستیم این را. ما می خواهیم که مملکت ما از آن نقطه اولی اش تا آن آخرش، جوری باشند، طوری سلوک بکنند که مایه افتخار یک مملکتی باشد. بگویند آقا، ما امیرکبیر داریم؛ وزرای سابق، مشاورین سلاطین سابق، علما بودند؛ علی بن یقطین بوده است؛ گاهی ائمه اطهار - علیهم السلام - بوده اند.

حالا مشاورین کیانند؟ اسرائیل؟! مشاورها اسرائیل، از یهود .... دو هزار نفر بهایی را به اقرار خودشان که در روزنامه دنیا [نوشته است] - بعد فردا مردک [شاه] نگوید که اشاعه اکاذیب است - در روزنامه دنیا دو هزار نوشته است، اسرائیل بهایی را، اسم بهایی [را] نیاورده؛ [نوشته] بعضی وابستگان به مذاهب، اسمش را مذهب گذاشت!؛ دو هزار نفر را، و می گویند پنج هزار است، دوتایش را اینجا نوشته است، اینکه نوشته حالا؛ اینها با کمال احترام - نه مثل حاجیه های بدبخت ما که وقتی می خواهند تذکره به آنها بدهند، باید چقدر

زحمت بکشند، چقدر رشوه بدهند، چقدر بیچارگی بکشند تا اینکه یک چند را رد کنند، چند تا را قبول بکنند، آن وقت در فرستادنشان چه فضاحتها باشد، در برگشتنشان چه فضاحتها باشد؛ وقتی هم مکه می‌روند، در «منی»، حتی آن نماینده بی‌عرضه آنجا هم شکایت می‌کند که فلان آقا را بگیرید از باب اینکه جایی حرف حقی زده است، گفته اسلام در خطر است از دست یهود. آقا مگر شما یهودید؟ مگر مملکت ما، مملکت یهود است؟ - دو هزار نفر را با کمال احترام، با دادن به هر یک از اینها پانصد دلار ارز، به هر یک پانصد دلار از مال این ملت مُسلم به بهایی داده‌اند، ارز داده‌اند، به هر یک هزار و بیست تومان تخفیف هواپیما [داده‌اند]، چه بکنند؟ بروند در جلسه‌ای که بر ضد اسلام در لندن تشکیل شده است شرکت کنند.

وای بر این مملکت! وای بر این هیأت حاکمه! وای بر این دنیا! وای بر ما! وای بر این علمای ساکت! وای بر این نجف ساکت، این قم ساکت، این تهران ساکت، این مشهد ساکت! این سکوت مرگبار، اسباب این می‌شود که زیر چکمه اسرائیل، به دست همین بهاییها؛ این مملکت ما، این نوامیس ما، پایمال بشود. وای بر ما! وای بر این اسلام! وای بر این مسلمین! ای علما، ساکت ننشینید؛ نگویید علی مَسْلُک السَّیِّئِ ۱ - رضوان الله علیه - والله، شیخ اگر حالا بود، تکلیفش این بود.

سکوت؛ امروز سکوت همراهی با دستگاه جبار است؛ نکنید سکوت. دو هزار بهایی را با پانصد دلار ارز به هر یک، و هزار و بیست تومان تخفیف هواپیما؟! اینها در روزنامه دنیا است. یک شخصی به من گفت که یک معامله‌ای کرده است شرکت نفت با ثابت پاسال<sup>۲</sup> و در این

۱. مراد، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری می‌باشد.

۲. وی یکی از سرمایه‌داران بزرگ ایران، و پیرو فرقه ضاله «بهائیت» بود و از عمده‌ترین شرکای سرمایه‌گذاران خارجی در ایران محسوب می‌گردید.

معامله تخفیفی داده است که بیست و پنج میلیون تومان در این تخفیف نفع برده است؛ برای نفع این جمعیتی که فرستادند به لندن بر ضد اسلام. این وضع نفت ما، این وضع ارز مملکت ما، این وضع هواپیمایی ما، این وضع وزیر ما، این وضع همه ما؛ سکوت کنیم باز؟ هیچ حرف نزنیم؟ حرف هم نزنیم؟ ناله هم نکنیم؟ خانه‌هایمان را خراب می‌کنند آخ نگوییم؟

مردک می‌فرستد رئیس شهربانی را، رئیس این حکومت خبیث را، می‌فرستد منزل آقایان. من راهشان ندادم. ای کاش راه داده بودم تا آن روز دهنشان را خرد کرده بودم! می‌فرستند منزل آقایان که اگر نَفستان در فلان قضیه درآید، فرموده‌اند اعلیحضرت فرموده‌اند: اگر نفس شما درآید، می‌فرستیم منزهاتان را خراب می‌کنیم، خودتان را هم می‌کشیم، نوامیستان را هتک می‌کنیم. این وضع ماست با این اعلیحضرت، اگر اینها راست می‌گویند. اگر دروغ می‌گویند، پس ایشان بگویند: دروغ می‌گویند؛ ایشان بفرمایند، اعلام کنند که حکومت قم دروغ گفته است تا من پدر حکومت قم را درآورم؛ بگویند: رئیس شهربانی دروغ گفته تا من زیر چکمه اهل علم، پدرش را درآورم؛ نمی‌گوید که.

و اما سال خوبی بود برای اینکه روحانیت ارزش خودش را به دنیا اعلام کرد؛ فهماند که آنکه صحبت می‌کند، باز روحانی است، آنکه ایستادگی می‌کند در مقابل ظلم و جور ظالم و جائر، باز حوزة‌های علمیه است؛ کتک می‌خورد، داد می‌زند، کشته می‌دهد، فریاد می‌کند، مدرسه فیضیه‌اش را خراب می‌کنند، اعتنا نمی‌کند، باز صحبت خودش را می‌کند؛ هر کاری سرش بیاورند، این صحبت می‌کند. روحانیت موجودیت خودش را به همه عالم اعلام کرد. پس بد بود چون هیأت حاکمه، فضاحت ایران را در همه جا اعلام کرد؛ و خوب

بود برای اینکه روحانیت حیثیت خودش را به عالم معرفی کرد. فهماند به عالم که ما آدمیم، روحانی هستیم ما. همه‌اش قضیه ذکر و دعا نیست؛ ما داد می‌زنیم، ما می‌گوییم نباید بکنید این کارها را، ما نصیحت می‌کنیم به شما.

من نصیحت کردم به شاه. فرستاد آدم آنجا؛ در آن اول امر، قبل از رفراندوم، به وسیله بهبودی<sup>۱</sup>، به وسیله پاکروان<sup>۲</sup> پیغام دادم به او، آقا! نکن این کار را، این رفراندوم رانکن؛ این خوب نیست برای شما [که] این کار را بکنید، دست به این قانون نزن. اگر امروز ارسنجانی<sup>۳</sup> چهار تا رعیت را بیاورد برقصاند و بگویند: زنده باد؛ فردا چهار تا رعیت می‌آیند و می‌گویند: مرده باد! نکن این کار را؛ صلاح نیست بکنی این کار را. گوش نکرد، دیدید چه جور شد. دو هزار نفر رأی نداشتند اینها، باقی‌اش زور بود. همه می‌دانند بازار تهران بسته شد که رأی ندهد، بازار قم بسته شد که رأی ندهد، سایر شهرستانها رأی ندادند؛ اینها دو هزار تا رأی آزاد بدون سرنیزه نتوانستند تهیه کنند.

ما نمی‌خواستیم اینطور مفتضح بشوی ما نمی‌خواستیم ملت از تو رویگردان بشوند. ما می‌خواستیم شما آدمی باشی که وقتی یک چیزی را بگویی [مثلاً] «ای ملت»، تمام ملت لبیک بگویند. ما میل داریم شاه ما این جور باشد؛ ما میل داریم وزیر ما این جور باشد که اگر یک مطلبی را گفت تمام ملت با او موافق باشند نه اینکه با حرفهایش [ادعا کند] «شش میلیون»، «شش میلیون»؟! به جان عزیز شما، اگر اینها چند هزار هم داشتند؛ باقی‌اش با پر کردن صندوق. شاید به سمع ایشان نرسیده. شاید آنها گفته‌اند به او که خیر «شش میلیون، اکثریت قاطع».

۱. نماینده‌ای که شاه به درخواست علما برای مذاکره پیرامون اصول ششگانه انقلاب سفید به قم فرستاد.

۲. سرلشکر حسن پاکروان، معاون نخست‌وزیر و رئیس وقت سازمان اطلاعات و امنیت کشور.

۳. سیدحسین ارسنجانی، وزیر کشاورزی کابینه علی امینی و اسدالله علم، که در جریان «اصلاحات ارضی» ثروت هنگفتی به دست آورد.

و الا شاه که دروغ نمی‌گوید؛ نمی‌شود که دروغ بگوید. «با اکثریت قاطع! تمام قاطبه اهل ایران!» پس بازار تهران از اهل ایران نیست؟ خیابانهای تهران اهل ایران نیستند؟ قم از اهل ایران نیست؟ روحانیین از اهل ایران نیستند؟ سایر شهرستانها ایرانی نیستند؟ این ایران کجاست؟ این آرا از کجا آمد؟

بد شد امسال برای اینکه این مطالب واقع شد؛ و خوب شد برای اینکه شما آقایان زنده کردید اسلام را، ایستادید در مقابل ظلم؛ ایستادید، اگر نایستاده بودید خدا می‌داند که حالا رفته بودند تا آن آخر. ایستادگی شما اسباب این شد که حاشا کردند مطالبشان را؛ گفتند: «خیر، طلاق به دست مرد است؛ کی ما گفتیم؟» تساوی حقوق این است؟ د مردک از «حزب مردم» است. ... که داد زد که «تساوی حقوق من جمیع الجهات» تساوی حقوق من جمیع الجهات، از این طرف می‌گویند؛ از آن طرف می‌گویند: کی ما گفتیم طلاق به دست زن باشد؛ نخیر طلاق به دست مرد است. از آن طرف می‌گویند: نخیر کی ما راجع به ارث گفتیم؛ نخیر ارث هم همان طوری است که خدا گفته. از آن طرف هم می‌گویند: کی ما گفتیم زنها بروند به نظام وظیفه. تو روزنامه‌هایتان هست آقا! این روزنامه‌هایی که دیکته می‌کند سازمان امنیت، و می‌نویسند.

می‌گویند که مدیر کیهان گفته است: ما دیگر راحتیم؛ برای اینکه آن وقت ما می‌نوشتیم و اینها نظر می‌کردند، حالا خودشان می‌نویسند، ما دیگر راحتیم. منتها این اعتراض هست که آقا! چرا اینقدر بی‌حیثیت هستید که آنها بنویسند و شما هم بنویسید؟ چرا باید مطبوعات ما اینقدر بی‌حیثیت باشند؟

خوب بگویید آقا حرف را؛ [مگر] چه می‌کنند؟ اگر همه علمای اسلام یک مطلبی را بگویند، حالا که خطر بر اسلام وارد شده و آن

خطر یهود است و حزب یهود - که همین حزب بهائیت است - این خطر که حالا نزدیک شده، اگر آقایان، علمای اعلام، خطبا، طلاب، همه با هم هم صدا بگویند که آقا ما نمی‌خواهیم که یهود بر مقدرات مملکت ما حکومت کند، ما نمی‌خواهیم که مملکت ما با مملکت یهود هم پیمان بشود در مقابل پیمان اسلامی؛ آنها - مسلمین - باهم هم پیمان می‌شوند، آقایان با یهود هم پیمان می‌شوند! خوب، چه وضعی است این مملکت؟ اگر نوکر هم هستی چرا اینقدر نوکر؟! من سرم درد می‌کند؛ و من برای خواندن یک فاتحه لازم می‌دانم بروم به مدرسه فیضیه؛ و از خدای تبارک و تعالی، می‌خواهم که در این سال و سالهای بعد، همه سالم باشید، اسلام مؤید باشد، اسلام مؤید باشد. (۱)

۴۲/۲/۱۲

\* \* \*

### تهذیب نفس و حفظ وحدت

بنده می‌خواستم امروز مباحثه بکنم لکن دیروز دو نفر از آقایان آمدند و مطالبی گفتند که موجب تأسف شد، و لازم شد که من یک تذکراتی به آقایان عرض بکنم. حتی بعضی‌شان گفتند - در پرده گفتند - که اگر یک جلوگیری نشود، ممکن است که یک اختلاف شدید و یک زد و خورد راه بیفتد در بعضی موارد. و من نمی‌دانم که این اختلافات سر چیست؟ سر دنیا هست؟ شما که دنیا نداشته‌اید؛ ما و شما که دنیا نداریم که سر دنیا این اختلافات را داشته باشید. همه زندگیمان را که روی هم بریزند، به مرتبه زندگی اشخاص مرفه نیست. برای یک امر خیلی مبتدل و خیلی پیش پا افتاده آیا لازم است که آقایان قیام بکنند و با هم جبهه‌بندی کنند؟ و خوف این برود که سه دسته از آقایان



در بعضی موارد بریزند به جان هم؟ شما احتمال نمی‌دهید که یک دستی در کار باشد برای اینکه این حوزه‌ها را مفتضح کند؟ از این مفتضح‌تر؟ شما احتمال نمی‌دهید که دشمن دنبال این مطلب باشد و دست داشته باشد در این مسائل، به طوری که شما ملتفت نشوید. از پشت یک حجابی باشد، با آن زرنگیهایی که آنها دارند و سیاستی که آنها دارند و خدعه‌ها و فریبی که آنها دارند، یک دستی دنبال این مطلب باشد، دست ناپاکی، و بخواهد شما را در جامعه مفتضح کند و بعد از افتضاح از بین ببرد، و مردم تشکر کنند بر اینکه این آخوندها از بین رفتند. احتمال این معنی نمی‌رود به صورت دیانت، به صورت عرض می‌کنم که مقدسی، به صورت ظاهرالصلاح، اشخاصی وارد بشوند در بین شما؛ یا اشخاصی اشخاص دیگری را که از خود شما هستند اغفال کنند؛ یا این اغفال شده‌ها در بین شما بیایند و یک مطلبی را پخش بکنند که به واسطه این مطالب یک مفسده‌هایی پیدا بشود، علاوه بر این مفسده‌هایی که در حوزه‌ها انسان می‌بیند؟

ما عددمان - اصلش - چندتاست؟ عدد ما که الآن در نجف هستیم و در اعتبار مقدسه دیگر و در ایران و در سایر ممالکی که حوزه شیعه هست، شما عددتان چندتاست؟ به بیست هزار می‌رسد عدد شما؟ حوزه‌های ما به بیست هزار... ما فرض می‌کنیم شما دویست هزار جمعیت باشید از آخونده و غیره و اینها، دویست هزار جمعیت شما باشید؛ این دویست هزار جمعیت اگر چنانچه با هم بودند و اجتماع داشتند و همین طوری که اسلام دعوت کرده است اینها هم تبعیت می‌کردند، ازشان خیلی کار برمی‌آمد. لکن دویست هزار نفری که، اگر نگویم دویست هزار رأی، آرای متشنت مختلف دارند، هر کسی هر جبهه‌ای به قول شما یک رأی مستقلی دارد که روی آن رأی جبهه‌های دیگر را می‌کوبد، اگر بنا شد جمعیت ما اینطور شد که در

داخل خودمان ما یکدیگر را مفتضح کردیم، پیرمردمان پیرمرد را، جوانمان جوان را، جوانمان پیرمرد را، پیرمردمان جوان را، مفتضح کردیم، و یک دستهایی هم در دنبال قضیه بود که علاوه بر این مفسده‌ای که هست و انسان می‌بیند، یک آشوبی در حوزه‌ها پیاپی کند به اسم جبهه کذا و جبهه کذا، و دنبال این آشوب یک نتیجه‌هایی - آنهایی که می‌خواهند این حوزه‌ها نباشند و اینها را مضر به حال خودشان می‌دانند، اینها یک نتایجی - ببرند و با این نتیجه ملت هم به شما اظهار تأسف نکنند، بگویند اینها وضعشان این بود که دیدید و وضعشان این است که می‌بینید.

من متأسفم که یک نفر جوان - از اروپا آمده بود اینجا، یا یکی دو دفعه با من ملاقات کرد، و شاید هفت - هشت روز، پنج - شش روز، هفت - هشت روز، یک همچو چیزی، خیلی کم اینجا بود، به یکی از آقایان گفته بود - به من صحبتی نکرد - به یکی از آقایان گفته بود که خوب شد که من که آخوندزاده‌ام آدم نجف، اگر یک کس دیگری می‌آمد و این وضع را می‌دید چه می‌کرد؟! من نمی‌دانم که در این چند روز، در این چهار - پنج روز، یک نفر، یک نفر آدم محصل خارجی که از سنخ ما هم نیست، ولو پدرش از سنخ ماست، خودش از سنخ ماها نیست، این در این حوزه مبارکه چی دیده است! با چه اشخاصی تماس پیدا کرده، آنها چه مطالبی به این آدم گفته‌اند که باید اظهار تأسف کند یک نفر آدم محصل جدید. اظهار تأسف کند از اینکه چرا وضع نجف اینطور است! اگر یک دستهایی در کار باشد و شما را همین دستها وادار کند که من از جبهه کذا و زید از جبهه کذا و آن از جبهه کذا - حتی در یک مدرسه - شما با هم جبهه‌بندی کنید و خدای نخواستہ اگر راست باشد این مطلب، یکوقتی یک انفجاری در یک مدرسه پیدا بشود و از این مدرسه هم به مدرسه دیگر سرایت کند و از این طایفه

هم به طایفه دیگر سرایت کند و دستهای ناپاکی هم اینها را دامن بزند و این آتش را روشن کند، علاوه بر اینکه در دنیا ما کاذب می شویم و نجف ساقط می شود - نه من و شما تنها - یک حوزه هزار ساله دینی ساقط می شود،<sup>۱</sup> یک اشخاص عالم متدین که بحمدالله باز فراوانند، اینها هم در جامعه ساقط می شوند - علاوه بر این ما جواب خدا را چه بدهیم؟

اینکه در روایات ما هست که اهل جهنم متأذی می شوند از بوی عالمی که به علمش عمل نکنند، این برای چیست که عالم وضعش اینطور است؟ این برای این است که فرق است مابین عالم و غیر عالم - از جهاتی فرق است. عالم اگر خدای نخواستہ منحرف شد، یک امت را ممکن است منحرف بکند. من خودم دیده‌ام این مطلب را که در بعضی از شهرستانهایی که در ایام تابستان ما می رفتیم، بعضی از شهرستانها را من می دیدم که اینها بسیار مؤدب به آداب، جامعه آنجا مؤدب به آداب شرع هستند - مثل محلات که آن وقتها این جور بود - انسان وقتی ملاحظه می کرد می دید که عالم خوبی آنجا بوده. چند تا

۱. پایه گذاری حوزه عظیم و تاریخی نجف را در حقیقت باید به شیخ طوسی - رحمه الله علیه - نسبت داد. پس از آنکه طغرل بیک با کمک مخالفان شیعه، حمله سختی را به شیعیان و مراکز دینی و علمی بغداد شروع کرد و کتابخانه عظیم بغداد که دارای هزاران جلد کتاب نفیس و بی نظیر بود به آتش کشید، شیخ طوسی که دیگر امکان فعالیت علمی و اجتماعی را در بغداد نمی یافت، به نجف اشرف هجرت کرد، و بتدریج جمعیت فراوانی از شاگردان به دور او جمع شدند و نطفه حوزه عظیم نجف منعقد گردید. شیخ طوسی، عالمی جامع الاطراف و ذوفنون و مبتکر بود و آثار علمی فراوان از خود به جای نهاد. وی یکی از برجسته ترین و متنفذترین رجال علمی تاریخ تشیع است؛ چنانکه امروز نیز حوزه های علمی شیعه تحت تأثیر او قرار دارند. وی ملقب به «شیخ الطائفه» است. بعد از درگذشت شیخ طوسی، فرزند وی شیخ ابوعلی، حسن بن محمد حسن طوسی، که بعدها از مشاهیر دانشمندان و راویان حدیث گردید، زعامت حوزه را احراز کرد. ابوعلی را به سبب علم و زهد فراوان «مفید ثانی» لقب دادند. پس از شیخ ابوعلی و فرزندش، دوران جلا و رونق بیشتر حوزه علمیه، با وجود رجال بزرگان فقه و اصول و... آغاز گشت. سپس مدتی حوزه نجف از رونق افتاد و این امر تا هجرت شاگردان مرحوم آیت الله وحید بهبهانی به نجف ادامه داشت؛ ولی از آن پس دوران نهضت علمی این حوزه با ظهور نوابغی مانند سیدبحرالعلوم، محقق نامدار، کاشف الغطاء، محمدحسن نجفی (صاحب جواهر الکلام) و شیخ مرتضی انصاری آغاز گردید و در طول مدت کوتاهی به بالاترین درجه ممکن رسید.

مآلای متدین خوب اگر در یک جامعه‌ای، در یک شهری، چند نفر مآلای متوجه به دیانت، عاقل و عامل به علم خودش باشد، لازم نیست موعظه کند اصلاً، خود وجود او موعظه است. ما اشخاصی را دیدیم که خود وجودشان در انسان تأثیر می‌کرد. مآلهایی یکوقتی در قم بود [ند] که خود وجودشان، اصلاً انسان وقتی نگاه می‌کرد به او - همان نگاه - موعظه بود. از آن طرف، ما الآن می‌بینیم که، تهران را من یک قدری اطلاع دارم؛ محلات مختلف تهران فرق دارد، یک گوشه می‌بینید که یک آدم منحرف آنجا معمم است یا امام جماعت شده است، یک طایفه‌ای را منحرف کرده است! این گندش چقدر است؟ همان گند است که اینجا به مشام می‌رسد. این گندی است که ما در دنیا تهیه می‌کنیم؛ نه یکی یک گندی را به ما اضافه بکنند؛ این گند خود ماست. هر چه در عالم آخرت واقع می‌شود، یک چیزی است که از اینجا ما تهیه کرده‌ایم و وارد می‌کنیم در عالم آخرت. به ما یک چیزی خارج از عملمان نمی‌دهند؛ اعمال ماست اینها.

وقتی بنا شد که یک عالمی مفسده جو باشد و یک حوزه را در معرض خطر قرار بدهد، این گندش یک حوزه را بلکه یک امت را می‌گیرد؛ و همین گند است که الآن شامه ما درست نمی‌تواند ادراک کند؛ وقتی که در جهنم رفتیم - خدای نخواست - آنجا ادراک می‌کند شامه‌ها. و این گندی که از این عالم بلند شده است و در دنیا اینطور کرده، آنجا مردم را متأذی می‌کند. و در همین روایت است که **أَشَدُّ النَّاسِ حَسْرَةً** <sup>۱</sup> آنهايي هستند که دعوت می‌کنند اشخاص را به صلاح و خیر و آنها استجابت می‌کنند و عمل می‌کنند به قول این آدم و آنها در بهشت می‌روند، و خود این آدم عالمی است که به علم خودش عمل نمی‌کند

۱. امام صادق(ع) فرمود: **أَشَدُّ النَّاسِ حَسْرَةً** يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ عَمَلَ بَغْيَرَةً؛ حسرت‌دیده‌ترین مردم در قیامت کسی است که در عدالت و نیک‌رفتاری سخن می‌گفته و برخلاف آن عمل می‌کرده است؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۲۹۹.

و در جهنم می رود! آن شاید می بیند آنها را که آن بقال بود که به واسطه ارشاد من و به واسطه امر و نهی من الآن وارد شده است در نعیم مقیم،<sup>۱</sup> و این منم که به واسطه اینکه عمل نکردم به علم خودم وارد شدم در این. این چقدر حسرت دارد!

وظایف عالم خیلی زیاد است. همان طوری که آن همه تعریف از برای عالم شده است در روایات کریمه، در قرآن هم تعریف شده است، وظایفی که در روایات شریفه ما وارد شده است مراجعه بفرمایید، کتاب کافی<sup>۲</sup> را مراجعه بفرمایید، کتاب وسائل<sup>۳</sup> را، آن ابوابی که مُعد<sup>۴</sup> برای این چیزهاست مراجعه بفرمایید، اصول کافی خصوصاً در این مسأله، در این مسائل مراجعه بفرمایید که آن وظایفی که از برای

۱. نعمت جاویدان، مقتبس از آیه ۲۱ سوره توبه: يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ؛ پروردگارشان ایشان را مژده می دهد به رحمتی از سوی خویش و خشنودی، و بهشتهایی از برای آنهاست که در آنها نعمتی دائمی است.

۲. کافی یکی از کتب حدیث شیعه از تألیفات محدث مشهور شیعی ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۸ ه.ق.) است. کافی شامل ۱۶۰۹۹ روایت مستند از اهل بیت می باشد. احادیث این کتاب شامل مباحث اعتقادی، اخلاقی، فقهی و... است. نزدیکی عصر کلینی به دوران ائمه معصومین (ع)، نوع گردآوری، دسته بندی و بیان سلسله سند احادیث، به کتاب کافی اهمیت فوق العاده ای بخشیده است به طوری که کافی در کنار سه کتاب دیگر، مهمترین کتب روایی شیعه محسوب، و به «کتب اربعه» شهرت دارند. کتاب کافی به سه بخش تقسیم می شود: اصول کافی، فروع کافی و روضه کافی. اصول کافی حاوی مباحث اعتقادی و اخلاقی است و شامل کتابهای عقل و جهل، فضل علم، توحید، کتاب الحجّه، ایمان و کفر، قرآن و دعاست؛ اما فروع کافی شامل کتابها و ابواب فقه است و دارای اهمیت بسیار و در استنباط و اجتهاد از مراجع معتبر نزد فقهای شیعه است؛ و روضه کافی شامل احادیث مختلف در مسائل متعدد است. کتاب شریف کافی قرنهای گذشته که به عنوان یک منبع مورد توجه علما و فقهای شیعه بوده است. دانشمندان اسلامی شروح و حواشی بسیاری بر آن نگاشته اند، از جمله شرح ملاصدرای شیرازی، شرح مجلسی و دیگران.

۳. کتاب وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ تألیف شیخ محمد بن حسن خُرّ عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴) از بهترین جوامع حدیث است که در قرون اخیر تدوین شده است. وسائل نزد علمای شیعه اهمیتی عظیم دارد، و تاکنون شروح و تعلیقات متعددی بر آن نوشته شده است. وسائل شامل احادیثی است که از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) در «کتب اربعه» و بسیاری دیگر از جوامع حدیثی نقل شده است. دسته بندی و طریق تبویب احادیث این کتاب ویژگی خاصی دارد. وسائل الشیعه در متجاوز از ۵۱ کتاب (از کتاب «الطهاره» تا کتاب «الدیات») یک دوره کامل مباحث مربوط به فقه یا احکام و آداب و سنن شریعت حقه جعفری (ع) را در خود گنجانیده است.

۴. آماده شده.

مآها هست، آن وظایفی که از برای اهل علم هست، آن آدابی که از برای مفید و مستفید<sup>۱</sup> هست.

آقا این اصطلاحات<sup>۲</sup> - خدا می‌داند که این اصطلاحات - یک وبالی است به عهده ما! خدا می‌داند که این اصطلاحات هر چه زیادتر شد، اگر تهذیب نفس در کار نباشد، به ضرر دنیا و آخرت جامعه مسلمین تمام می‌شود. اصطلاحات اثری ندارد. علم توحید، اگر چنانچه مشفوع نباشد با این صفای نفس، همان علم توحید برای انسان وبال خواهد شد! چه بسا اشخاصی که عالم به علم توحید بودند و منحرف کردند طوایفی را؛ اشخاصی را منحرف کردند؛ و حال اینکه عالم به علم توحید بودند. چه بسا اشخاصی که همین اطلاعات شما را بهتر می‌دانستند لکن از باب اینکه انحراف داشتند، وقتی که وارد شدند در یک جامعه، منحرف کردند یک جامعه را.

از اموری که باید مواظبت بشود - و نکته این است که عالم وضعش اینطوری است - این است که (آقا بفرمایید) [خطاب به یکی از حضار] در سایر مردم اصلاً وضع این جور شده اگر یک بقالی یک خلافی بکند مردم می‌گویند فلان بقال آدم بدی است؛ یک عطاری، یک اداری، یک کذا، اینطور می‌گویند؛ لکن اگر یک آخوندی یک کاری را بکند، می‌گویند «آخوندها» کذا! نمی‌گویند که، آخوند را تجزیه و تحلیل نمی‌کنند که در بین آخوند، خوب، اینها هم بشرند، دو طایفه هستند، یک طایفه شان مردم صالحی هستند، یک طایفه شان هم مردم - نعوذبالله - غیر صالحی هستند. اینجا تجزیه نمی‌کنند؛ اینجا اگر من یک کار بدی بکنم، می‌گویند «آخوندها» کذا هستند! این لطمه‌اش به اسلام وارد می‌شود؛ این لطمه‌اش به حوزه‌های دیانتی وارد

۱. فایده دهنده و فایده برنده.

۲. اشاره به اصطلاحات و علوم است که در حوزه‌های علمیه، در زمینه مباحث فقهی، اصولی، فلسفی، قرآنی و غیره مورد بررسی و مذاقه علما قرار می‌گیرد.

می‌شود؛ این لطمه‌اش به احکام اسلام وارد می‌شود. اگر چنانچه شما خودتان حذف کنید خودتان را، و خود جامعه‌های علمی به جان هم بیفتند و هم را حذف کنند و فحش بدهند و تفسیق بکنند و تکفیر بکنند، و عرض می‌کنم هیاهو درست کنند و امثال ذلک، اگر ما خودمان را بشکنیم و خودمان را از بین ببریم، در جامعه دیگر از قول ما اسلام قوت نمی‌گیرد؛ ما نمی‌توانیم پخش اسلام بکنیم. این امانت است در دست ما آقا! خدای تبارک و تعالی دینش را امانتاً در دست ما -الآن اشخاصی که در اینجا هستیم، اشخاصی که در جاهای دیگر هستند - امانت گذاشته خدا این دیانت را؛ خیانت به این امانت نکنید. این جبهه‌بندیها خیانت است. مگر شما از دو دین هستید؟ مگر مذهب شما شُعب مختلفه دارد؟ مگر مآلهای شما هر کدام به یک دینی دعوت می‌کنند؟ جبهه‌بندی یعنی چه؟ این دنبال آن مآل، آن دنبال آن مآل. اینها غلط است؛ اینها کفر است؛ اینها از کبایر، از اعظم کبایر است اگر چنانچه این مفاسد بر آن مترتب بشود. نکنید این طور.

این اختلافات جزئی‌تر و یک مطالب خیلی غیر ارزنده است؛ خیلی مبتذل! از جهت مادی حساب کنند، هیچ نیست. مگر آقایان به شما چه می‌دهند؟ پول سیگارتان است. من در یک روزنامه‌ای، مجله‌ای، کجا یادم نیست الآن، یک وقتی دیدم که بودجه‌ای را که پاپ برای آن کشیشی که در واشنگتن دارد، آن بودجه‌ای که برای همان کشیشی که در واشنگتن است، آن وقت من یادم است که حساب کردم، حساب کردیم دیدیم شد، قلم؛ یک قلمی بود که از تمام بودجه‌ای که حوزه‌های شیعه دارند بیشتر بود! شما چیزی ندارید که سر او دعوا کنید. سر دیانت است؛ دیانت هم که دعوا ندارد. الحمدلله دیانت دارید اما دیانت که دعوا ندارد. سر همه اینها به دنیا برمی‌گردد. انسان خودش را بازی می‌دهد که من در فلان جبهه که واقع شدم تکلیف شرعی

اقتضا می‌کند! تکلیف شرعی اقتضا می‌کند که انسان اهانت کند به مسلمین؟! اهانت کند به مآلاً؟! اهانت کند به - عرض می‌کنم که - همجنس خودش؟! این تکلیف شرعی است؟! دنیاست آقا اینها! هواهای نفس است.

انسان اگر چنانچه در خلال تحصیلی که مشغول تحصیل است یک قدم هم برای تهذیب نفس بردارد... این حوزه‌ها فاقد شدند این مطالب را. این نیست الآن، کم است اینها. اینها هم نمی‌گویند. کم است آن اشخاصی که حالا هم یک حوزه تهذیبی داشته باشند؛ یک حوزه اخلاقی داشته باشند؛ یک حوزه موعظه‌ای داشته باشند. یک دستهای ناپاک اینها را ساقط کرده؛ یعنی این حوزه‌ها را ساقط کرده است. ای آقا! فلانی اهل منبر است! خوب، اهل منبر باشد. حضرت امیر هم اهل منبر بود. اینها برای این است که این حوزه‌ها از این معنویاتی که دارند ساقط بشوند. مادیات هم که ندارند، یک آبرویی هم که در جامعه دارند که دولت‌ها از این آبرویی که اینها در جامعه دارند می‌ترسند، از من و جنابعالی که نمی‌ترسند، من و شما که قدرتی نداریم، اگر از یک آخوندی، از یک مرجعی، بترسند، نه از دعای او می‌ترسند و نه از نفرین او می‌ترسند، کئی آنها اعتقاد به دعا و نفرین دارند؟ آنها از ملتها می‌ترسند؛ می‌ترسند که اگر اهانتی به فلان بکنند ملتها بر آنها چه بشود. اگر ما به جان هم بیفتیم و من آن را تکفیر کنم، او من را تکفیر کند، هر دومان ساقط بشویم، خوب در بین ملتها هم، ملت هم از دست ما می‌رود؛ چنانچه رفته است حالا؛ یک مقدار کمی از آن مانده، باقی‌اش از بین رفته. همه‌اش وقتی که انسان می‌شنود از اشخاص، هی اشکال بر این است که آخوندها این جورند و

۱. اشاره به جوّ حوزه نجف است که اصطلاح «اهل منبر» را به عنوان تحقیر به کار می‌بردند؛ یعنی کسی که عالم به فقه و اصول نیست؛ بلکه اهل منبر و دروس اخلاق است. در حوزه نجف حتی تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه را «علم» نمی‌دانستند و می‌گفتند که اینها «فضل» است، نه علم؛ علم را در فقه و اصول منحصر می‌دانستند.



این جورند!

در خصوص نجف یک زوایدی هست که در سایر جاها نیست؛ این از مختصات نجف است. حوزه، حوزه قدیمی هزار ساله است؛ دیگر حوزه‌ها حوزه‌های جدید هستند. حوزه در جوار حضرت امیر واقع شده، دیگران در جوار حضرت امیر نیستند. خوب، ما باید یک قدری مطالعه کنیم در وضع زندگی این مرد بزرگ. ما ادعا می‌کنیم شیعه هستیم؛ چه شیعه‌ای؟! خوب آن زهد دارد، من که ندارم، باز شیعه‌ام؟! او تقوا دارد، ما نداریم، باز شیعه هستیم؟! او وضع زندگی‌اش چطور است، ما نداریم، باز هم شیعه هستیم؟! شیعه هستی، آخر شیعه باید یک مشایعتی از او کرده باشد، یک تبعیتی از او کرده باشد تا شیعه باشد.

من می‌ترسم که وقتی که رسید به اینجایی که موت آمد برای ما، ما از این مذهب شیعه و از این اسلام و از اینها اصلاً خارج بشویم - خدای نخواست - از این دنیا برویم! اگر بنا باشد که اعمال ما اینطور باشد که وضع زندگی ما وضع اعمال ما این نحو باشد که انسان ملاحظه می‌کند، بترسید از اینکه خدای نخواست در آخر عمر وقتی که... در روایتی هست که وقتی که نفس به اینجا رسید، یا نفس به اینجا رسید و اشاره به حلقوم کرد، عالم دیگر برایش توبه نیست!<sup>۱</sup> برای اینکه در آیه شریفه فرموده است که آنهایی که عمل می‌کنند «بِجَهَالَةٍ»، آنها برایشان توبه است. عالم حالا که مهلت دارد، توبه می‌تواند بکند؛

۱. امام صادق (ع) می‌فرماید... سَمِعْتُ ابا عبد الله (ع) يقول: اذا بَلَغَتِ النَّفْسُ هَهنا - و أشارَ بِيَدِهِ إلى حَلِقِهِ - لم يَكُنْ لِلْعالمِ توبَةً. ثُمَّ قَرَأَ: إِنَّمَا التَّوبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ؛ از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: چون جان به اینجا رسد - با دست به گلوی خود اشاره کرد - برای عالم توبه‌ای نیست. سپس این آیه را قرائت فرمود: خدا از کسانی توبه قبول می‌کند که از روی نادانی بدی می‌کنند. مرحوم فیض می‌گوید: وقتی که جان به حلقوم رسید توبه عالمی که نشانه‌های مرگ را می‌شناسد و از زنده ماندن مأیوس می‌شود، پذیرفته نمی‌گردد؛ اما جاهل چون هنوز امید به زنده ماندن دارد، توبه‌اش پذیرفته است؛ وافی؛ ج ۱، ص ۲۱۸.

اما به شما سند دادند که از این مجلس می‌توانید بیرون بروید؟ شاید صاعقه آمدش. سندی ندادند که. به شما سند دادند که تا فردا زنده هستید؟ شاید نبودید! به ما سند دادند که تا ده سال دیگر زنده هستیم؟ خوب، شاید نبودیم. اگر جوانها به فکر نباشند و به فکر نیفتند؛ ما به پیری رسیدیم و مصیبت را می‌دانیم آقا. من که حالا آمده‌ام به شما عرض می‌کنم، نه اینکه خود من یک آدمی هستم، آدم شدن مرحوم آقای حاج شیخ<sup>۱</sup> می‌گفت محال است! من عرض کردم که سنم یک قدری از شما زیادتر است، و شما وقتی به سراغ بنده می‌آیید اینجا حرف من را گوش کنید، از این جهت به شما عرض می‌کنم تا جوان هستید می‌توانید یک کاری انجام بدهید. ریشه‌های فساد در قلب جوان ضعیف است؛ هر چه بزرگ شد... آن روایت را ملاحظه کرده‌اید؛ من سابقاً [در احادیث] دیده‌ام که قلب انسان نقطه سفید است؛ بعد که چیز می‌کند، گناه می‌کند، نقطه سیاهی پیدا می‌شود؛ و هر چه گناه زیاد بشود، سیاه سیاهتر می‌شود.<sup>۲</sup> این جوان قلبش لطیف است، ملکوتی است، لکن وقتی که وارد شد در این جامعه‌ها، وارد شد در این چیزها، کم‌کم - خدای نخواست - ابتلائات پیدا می‌کند. دائماً یک کاری می‌کند؛ یک شب و روزی از او نمی‌گذرد الا اینکه یک کار - نعوذ بالله - خلافی می‌کند. خوب، این یک نقطه سودا در قلبش پیدا می‌شود؛ نه در این قلب، در آن قلبی که نفسانی و روحانی است. کم‌کم آن نقطه سیاه زیاد می‌شود؛ وقتی که به پیری رسید و قلبش سیاه شده

۱. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری (۱۲۷۶-۱۳۵۵ ه. ق.) استاد حضرت امام و مؤسس حوزه علمیه قم بود. ایشان می‌فرماید: ملا شدن چه مشکل، آدم شدن محال است!

۲. در روایتی از امام باقر(ع) آمده است که: ما مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نَكْتَةٌ بِيضَاءٍ فَإِذَا... كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ هر بنده‌ای در دلش نقطه سفیدی است، که چون مرتکب گناه گردد، خال سیاهی در آن پیدا شود، سپس اگر توبه کند آن سیاهی از بین می‌رود، لیکن اگر به گناه ادامه دهد، آن سیاهی افزایش می‌یابد تا روی سفیدی را ببوشاند؛ و چون سفیدی پوشیده شد، دیگر صاحب آن دل هرگز به خیر نگراید؛ و این سخن خداوند عزوجل است که می‌فرماید: نه چنین است، بلکه آنچه مرتکب شدند بر دلشان زنگاری بست؛ بحارالانوار؛ ج ۷۳، ص ۳۳۲.

است، او نمی‌تواند به این زودیه‌ها این قلب را برگرداند به حال اول؛ لکن شما جوانها می‌توانید؛ قدرت دارید؛ قدرت جوانی دارید. از این طرف قدرت جوانی دارید، از آن طرف این امور در شما ضعیف است الآن. هر چه سن شما اضافه بشود و هر قدمی که بردارید و برداریم، بروی به طرف آخرت، آن چیزهایی که منافی است با سعادت انسان زیاد می‌شود؛ قدرت هم کم می‌شود. به سن پیری که رسید نمی‌تواند دیگر؛ از او نمی‌آید توبه.

توبه یک امری نیست که انسان بالفظ *أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ* کارش درست بشود! ندامت است. این ندامت به این زودیه‌ها نمی‌آید برای یک اشخاصی که پنجاه سال غیبت کرده؛ پنجاه [سال] فحش داده؛ ریشش را سفید کرده در فحش و غیبت! او نمی‌تواند. او تا آخر عمر مبتلاست. اما [شما] جوانها که گاهی اتفاق می‌افتد - و نگذارید اتفاق بیفتد - اگر یک مجلسی دیدید که غیبت می‌کنند، در یک روایتی مثل اینکه هست که حضرت می‌فرماید: پاشو از این مجلس. می‌گوید نمی‌شود. گفت: اگر به قدرت فحش می‌داد تو پانمی‌شدی که جلوبگیری؟ پامی‌شدی دیگر! مثل اینکه یک همچو روایتی هست؛ نگذارید غیبت بشود *السَّمِيعُ أَخَذَ الْمُغْتَابِينَ*<sup>۱</sup>. این جور نیست که او غیبت می‌کند؛ منی هم که گوش می‌کنم *أَخَذَ الْمُغْتَابِينَ* هستم. نگذارید که این مفسده‌ها پیدا بشود؛ خودتان را نصیحت کنید.

آقا شما چند نفر جوانید که عمرتان را گذاشته‌اید روی این کار، در صورتی که این کار برای شما یک منافع سرشاری ندارد. جوانیتان را دارید تلف می‌کنید. اگر چنانچه این جوانی را در راه خدا بدهید و در راه خدا تلف بکنید، تلف نشده؛ برای شما باقی است. اگر چنانچه

۱. پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: *المُسْتَمِعُ أَخَذَ الْمُغْتَابِينَ*؛ شنونده غیبت، یکی از غیبت‌کنندگان است؛ برای توضیح بیشتر نگاه کنید به: *محجة البیضاء*؛ ج ۵، ص ۲۶۰؛ و خمینی، روح‌الله؛ شرح چهل حدیث؛ ص ۲۷۰.

خدای نخواستہ شما هم مثل سایر اهل دنیا باشید، جوانی از دستتان برود، آنها دنیا را دارند، شما جوانی را دادید دنیا را هم ندارید، *خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ*<sup>۱</sup> خوب، آنها دنیا را لااقل دارند. اگر بنا شد که حب دنیا و حب نفس در ما همچو غلبه کند که نگذارد حقایق را ببینیم، نگذارد واقعیات را ملاحظه کنیم، سد راه هدایت ما بشود، کم‌کم زیاد بشود این معنی تا آنجایی که گفته می‌شود که شیطان ایمان را می‌خواهد... همه وسایل برای این است که ایمان را از انسان بگیرد. این آخر امر ایمان را از دست ما بگیرد. کسی سند ندارد که من ایمان همین طور صاف! زیرا شاید *مُسْتَوْدَعٌ*<sup>۲</sup> باشد.

من باید جدیت کنم؛ شما باید جدیت کنید. مذهب کنید خودتان را. موظفید علاوه بر تهذیب خودتان، رفقایان را هم مذهب کنید. جرم شما مثل جرم سایرین نیست؛ در روایت است فقط این نیست که یک گناهی من می‌کنم؛ اگر چنانچه عالم ارتکاب یک معصیتی بکند، این جامعه را فاسد می‌کند: *إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالِمُ*<sup>۳</sup>. این یک مطلب واضحی است که هر مقداری که شعاع وجودی این عالم است، همان مقدار فاسد می‌کند. الآن عالمهایی پیدا می‌شود - که در فرض کنید - که یک جایی، در تهران، در جاهای دیگر، پیدا می‌شود که همان‌جا که هستند یک محله را به گند زده‌اند! خوب گند این آخوند در آنجا یک محله را برده؛ در جهنم هم گندش را همه می‌شنوند؛ اذیت

۱. زیان برنده در دنیا و آخرت. بخشی از آیه ۱۱ سوره حج: *وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخَسِرَانُ الْمُبِينُ*: از مردم گروهی خداوند را به ظاهر می‌پرستند و چنانچه بدانان خوشی و نعمتی رسد، بدان آرام گیرند؛ و اگر به بلا و مصیبتی آزموده شدند، به حال اول خویش [کفر] برگردند؛ و این زبانی است در دنیا و آخرت، زبانی آشکار.

۲. امانتی، عاریتی، موقت.

۳. امام علی(ع) می‌فرماید: *زَلَّةُ الْعَالِمِ تُفْسِدُ الْعَوَالِمَ*؛ لغزش عالم، عوالم را فاسد می‌کند؛ آمدی؛ غرالحکم. ماده «زَلَّة» از پیغمبر اکرم(ص) سؤال می‌شود: «بدترین مردم چه کسی است؟ می‌فرمایند: العلماءُ إذا فسَدُوا؛ علما، زمانی که فاسد شوند؛ مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۱۳۸.

می‌کند همه را.

ما وظیفه نداریم؟ آقا، این قرآن، این قرآن کریم پیش ما امانت است؛ ما وظیفه نداریم حفظ این قرآن کریم را بکنیم؟ حفظ این احکام اسلام را ما وظیفه نداریم بکنیم؟ وظیفه ما همین است که یک مطالب اصولی<sup>۱</sup> را بحث کنیم تا آخر. بعد از پنجاه سال که مطالب اصولی هم خیلی درست شده است، وقتی که اخلاقش را، عرض می‌کنم آدابش را، آداب دینی‌اش را اینها... اینها نیست اینطور. باید از اول این مطلب را شما در نظر داشته باشید، شما جوانید می‌توانید، از اول هر قدمی که برای علم برمی‌دارید، همان قدر یک قدم هم برای تقوا بردارید؛ برای تهذیب نفس بردارید؛ برای اینکه هوای نفس را کم کنید بردارید.

برای چی شما نزاع با هم دارید؟ آخر چه‌تان است؟ چه دشمنی‌ای با هم دارید شما؟ هر کدام از یک بلدی هستید، همه‌تان هم اهل علم هستید، و همه‌تان هم ان شاء الله خوب هستید، چرا باید اینطور باشد که بگویند که آقایان اگر چنانچه یک صحبتی نشود، اگر چنانچه یک موعظه‌ای نشود، ممکن است یک انفجاری حاصل بشود! ممکن است که به جان هم بیفتند! آخر چرا؟ سر چی شما دعوا دارید؟ شما خیال می‌کنید دعوای شما دعوای بین دو نفر پهلوان است؟ دعوای شما پیش خدا اعظم از همه معاصی است؛ ... برای اینکه یک جامعه را شما به گند می‌زنید؛ یک نجف را شما ساقط می‌کنید در نظر مردم. نجف اگر ساقط شد دیانت اسلام ساقط است. شما باید وقتی که وارد اینجا می‌شوید، وقتی اینجا هستید و از اینجا می‌خواهید بروید در یک شهر دیگری، باید مردم آن شهر از علم شما، از اخلاق شما، از - عرض می‌کنم که - اعمال شما، از همه اینها باید استفاده کنند و موعظه گیرند. شما خیال نکنید تا آخر عمر بتوانید با ریاکاری کارتان را درست کنید

---

۱. اشاره به علم اصول که در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود.

که بیخود من همه کارها را می‌کنم ولی می‌روم آنجا با ریا! نمی‌توانید. بالاخره کشف می‌شود فساد. خوب، فرض کنید توانستید؛ چند سال عمر می‌کنید؟ چند سال با ریا و تزویر و با خدعه و با فحش به مردم زندگی می‌کنید؟ صد و بیست سال؟ و حال اینکه صد و بیست ساله در بین ما نیست! در بین مردم هم خیلی خیلی کم‌اند - حالا ما فرض می‌کنیم صد و بیست سال؛ شما صد و بیست سال با خدعه و فریب توانستید یک زندگی [داشته باشید]؛ چه زندگی‌ای؟ چه زندگی‌ای؟ یک زندگی طلبگی! یک زندگی مبتذل! ما فرض می‌کنیم یک زندگی مثل هارون الرشید<sup>۱</sup> - اینطور فرض می‌کنیم که - یک زندگی‌ای شما صد و بیست سال عمر می‌کنید و یک زندگی‌ای پیدا می‌کنید مثل هارون الرشید! صد و بیست سال در مقابل غیر متناهی چه نسبتی دارد؟ بعدش غیر متناهی معذیبید! اگر چنانچه به دیانت اسلام اعتقاد دارید، اگر اعتقاد انسان باقی ماند و اینطور چیزها، خوب، فشارها وارد می‌کند.

خدای تبارک و تعالی عنایت دارد به بندگان خودش؛ عقل داده به اینها؛ عرض می‌کنم که قوه اینک بتوانند خودشان را تهذیب کنند داده است؛ اکتفا به این نکرده، انبیا فرستاده است؛ کتاب فرستاده است؛ اولیا فرستاده است؛ مهذبین فرستاده است؛ اگر اینها تأثیر نکرد، باز فشارهایی در دنیا به آنها وارد می‌کند. اینها عنایاتی است که از طرف حق تعالی است که فشار بر آنها وارد می‌کند؛ یوغ و خنّاق بر آنها وارد می‌کند؛ حبسشان می‌برد و - عرض می‌کنم که - جلویشان را در امور می‌گیرند؛ عمامه آنها را برمی‌دارند، هزار اهانتها می‌کنند. اینها همه عنایاتی است که خدا بر شماها دارد، و ما خودمان نمی‌فهمیم که اینها

۱. هارون الرشید (۱۴۸ یا ۱۵۰ - ۱۹۳ ه. ق.) پنجمین و نام‌آورترین خلیفه عباسی که در سال ۱۷۰ ه. ق. در بغداد به خلافت رسید. شکوه و تجمل دربار وی، اعجاب‌انگیز بود.

عنایت است. اگر چنانچه با این هم آدم نشد، در مرضها فشارها بر او وارد می‌شود. اگر در آنجا هم نشد، عِنْدَ النَّزْعِ<sup>۱</sup> فشار زیاد بر او وارد می‌شود. اگر آن هم نشد آن مهالک و آن «عَقَبَاتِي»<sup>۲</sup> که در کار هست، در آن عقبات، در برازخ و در آن عقبات بر او چیز [فشار] واقع می‌شود. اگر نشد در قیامت بر او یک فشارهایی وارد می‌شود، برای اینکه جهنم نرود. لکن اگر نشد چطور؟ آخِرُ الدَّوَاءِ الْكَيِّ؛<sup>۳</sup> خدا نکند به او برسد. در روایتی هست که لَا يَثْبِينُ فِيهَا أَحْقَابًا،<sup>۴</sup> این مال اشخاصی است که اهل - عرض می‌کنم که - هدایت هستند؛ یعنی اشخاصی هستند که دیانتشان محفوظ است! برای من و جنابعالی است! آن وقت هر «حَقْبَةُ»<sup>۵</sup> اش ۵ چند هزار سال! آقا شما الآن یک سنگ گرمی را نمی‌توانید دستتان بگیرید، آتش است؛ بترسید از آتش! این آتشها را از حوزه‌ها بیرون کنید؛ از قلبهائتان این اختلافات را بیرون بکنید. مهذب کنید خودتان را. شما می‌خواهید وارد بشوید در یک جامعه‌ای، تهذیب کنید آنها را؛ از شما که تهذیب بر نمی‌آید! کسی که خودش را نتواند اداره کند دیگران را می‌تواند؟! این دسته‌بندیها غلط است؛ این دسته‌بندیها فسق است. حوزه‌ها را ضایع می‌کند این کارها. دست بردارید از این لوطیگریها.

۱. هنگام مرگ (جان کندن).

۲. «عقبات» جمع «عقبه»، جای دشوار برآمدن بر کوه. در اصطلاح، این «عقبات» همان «مواقف» قیامت است که انسان باید از آن بگذرد؛ و چون این عبور دشوار و سخت است، «عقبات» نامیده شده است.  
۳. آخرین درمان و چاره، داغ کردن است؛ نهج البلاغه؛ ترجمه فیض الاسلام؛ خطبه ۱۶۷. از مثلثهای مشهور است؛ چنانچه حافظ گوید:

به صوت قمری و بلبل اگر ننوشی می  
علاج کی کنمت آخرالدواء الْكَيِّ  
۴. لا يَثْبِينُ فِيهَا أَحْقَابًا (در آن روزگاران بسیار عذاب کشند)؛ نبأ / ۲۳. از امام صادق(ع) در تفسیر آیه لا يَثْبِينُ فِيهَا أَحْقَابًا، روایت شده است که فرمود: احقاب هشتاد حقب است و هر حقبی هشتاد سال و هر سالی ۳۶۰ روز است و هر روز مانند هزار سالی است که شما حساب و شماره می‌کنید؛ معانی الاخبار؛ ص ۲۲۰، «باب معنی الاحقاب».  
۵. مدت زمان نامعلوم را «حقبه» گویند. در بعضی روایات مدت آن را هشتاد سال از سالهای قیامت ذکر کرده‌اند که هر روز آن هزار سال از دنیا است. مفردات راغب؛ ص ۱۲۶.

من همه‌اش خوف - خیلی خوف - از این مطلب دارم که یک اشخاصی در بین این جمعیتها پیدا می‌شود، پیدا شده باشد. ممکن هم هست که اینجا توی مدرسه‌ها نباشد، توی مدرسه‌ها ممکن است اصلاً نباشد، همه اشخاص مهذب و خوب باشند لکن او به وسایط، وسایط به واسطه، واسطه به واسطه برسد به اینکه تکلیف شرعی درست کنند! تکلیف شرعی من این است که باید چه بکنم، تکلیف شرعی او هم این است که باید چه بکند! با این تکلیف شرعی یک فسادی در حوزه نجف ایجاد بکنند. آنها از آدم می‌ترسند؛ می‌خواهند این آدمها ساقط بشوند. آنها می‌خواهند آدمها را ساقط کنند. آن دستها بیاید حوزه‌ها را اینطور کند که اگر یک جوانی که برای آتیه اسلام مفید هست یا اشخاصی برای آتیه اسلام مفید هستند، اینها ساقط بشوند در جمعیت که نتوانند دیگر فایده بدهند به اسلام و مسلمین. شما باید فایده بدهید به اسلام؛ و الایک موجود بیفایده‌ای که در اینجا باشد و نه درس بخواند نه درس بدهد نه هیچ، این چه اثری دارد؟ اینها اگر چنانچه تحصیل کرده‌اند، چه کرده‌اند، آنهایی که در اینجا هیچ کاری ندارند، خوب، بروند مشغول کار بشوند؛ مشغول تهذیب مردم بشوند.

شما جوانها باید خودتان را مهیا کنید برای آتیه. آتیه شما بدتر از آتیه ماست. ما آتیه‌مان تمام شد دیگر. من چند سال دیگر هستم؟ من هفتاد سالم است؛ از ما تمام شد. ما این نفسهای آخر هستیم، چند روز دیگر می‌گذرد و تمام می‌شود. شما برای آتیه اسلام باید به درد بخورید. آتیه شما یک آتیه بدی است. باید مجهز بشوید. دستهای دشمنهای کثیر برای شما هست از هر طبقه. مجهز بشوید؛ تهذیب کنید خودتان را آقا. اخلاقتان را تهذیب کنید. حب دنیا را از دلتان بیرون کنید - این دنیای نداشته! آنها حب دنیا دارند، دنیایش را هم



دارند؛ من و شما حبش را داریم! آن مفسده‌اش را داریم، آن مصلحتش را نداریم! خودش را نداریم، حبش را داریم! حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ<sup>۱</sup> مَا ذُئِبَانَ ضَارِيَانِ - در قَطِيعِ غَنَمٍ - هَذَا مِنْ أَوْلَاهِ وَ هَذَا مِنْ آخِرِهِ<sup>۲</sup> و اضرُّ بر این ظاهراً از حب نفس است و از حب دنیا است یک همچو چیزهایی. آن - حالا اگر با این تعبیر هم نباشد - واقع مطلب همین است. دین اسلام، دین ما را، از بین می‌برد این حب نفس؛ این حب جاه؛ این حب مسند - اینها دین را از بین می‌برد. یک قدری فکر کنید که این حب را از دلتان بیرون بکنید. چیزی نیست. آخرین صحیح نیست که اینها حب دنیا داشته باشند؛ آن هم این دنیا!

من تکلیفم این بود که امروز به آقایان این مطالب را عرض بکنم، و آن مقداری که از قَبَلِ من است ابلاغ بکنم به آقایان که آقایان خیلی توجه داشته باشند این نحو کارها که انجام می‌گیرد، یا بنا دارند انجام بدهند یا امثال ذلک، اینها به ضرر آبروی خودشان تنها تمام نمی‌شود؛ به ضرر آبروی یک جامعه تمام می‌شود، به ضرر آبروی یک ملت تمام می‌شود، به [ضرر] اسلام تمام می‌شود. و شما خیلی مسئولید در این باب اگر چنانچه جلوی مفسد را نگیرید. دست بردارید از اینطور اختلافات جزئی و امثال این اختلافات جزئی که خیلی مبتذل است! بسیار مبتذل است! مبتذل! خودمان این را نمی‌فهمیم چقدر مبتذلیم. ما مبتذلیم! ما یک اشخاصی هستیم که جامعه هم، کأنه دنیا مان را رأس خودمان قرار داده‌ایم. حب نفس ما... چیزی دست ما نیست! همه را از دست ما گرفته‌اند. ما را زیر یک مدرسه‌ای، کنج یک مدرسه‌ای، یک

۱. امام صادق(ع) می‌فرماید: ... رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا؛ منشأ همه گناهان دنیا دوستی است؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۱۳۱، ۳۱۵.

۲. امام باقر(ع) فرمود: مَا ذُئِبَانَ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ لَيْسَ لَهَا رَاعٌ، هَذَا فِي أَوْلَاهَا وَ هَذَا فِي آخِرِهَا مَا أَسْرَعَ فِيهَا مِنْ حُبِّ الْمَالِ وَ الشَّرْفِ فِي دِينِ الْمُؤْمِنِ؛ دو گرگ درنده خونخوار، در گله بی‌شبان که یکی از جلو و دیگری در عقب آن بیفتند، دیرتر گله را از بین می‌برند تا حب مال و جاه، که دین مؤمن را از میان می‌برد؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۳۱۵.

خانه‌ای، کنج یک خانه [گذاشته‌اند]! سراین مدرسه، سراین کنج خانه دعوا کنیم! سرچی دعوا کنیم؟ این دعوا دارد؟! این حرفها چیست آقا؟ شما با نظر رحمت نگاه کنید به بندگان خدا. خوب، هر کسی حق دارد خوب یک کاری بکند، به شما چه اگر خلاف شرع است؟... امر به معروف و نهی از منکر برای شما... امر به معروفش کنید، دعوا و چیز دیگر لازم نیست.

ان شاءالله خدای تبارک و تعالی به همه آقایان توفیق عنایت کند؛ و اصلاح حال همه حوزه‌های اسلامی را ان شاءالله بکند؛ و ما را مجهز کند برای آن دنیا. این دنیا از دست ما رفته و می‌رود، چیزی نیست؛ چیز حسابی نیست که انسان به او دل ببندد، مهم آن دنیاست. ان شاءالله خداوند آن دنیای شما را آباد کند؛ و شما را موفق کند به خدمت به اسلام و مسلمین؛ و شما را مهذب کند؛ و خود شما در فکر تازه ان شاءالله بیفتید. (۲)

۱۳۴۴ تا شهریور ۱۳۴۶

\* \* \*

### منشور برادری

جناب حجت‌الاسلام، آقای حاج شیخ محمدعلی انصاری<sup>۱</sup> - دامت افاضاته نامه شما را مطالعه کردم. مسئله‌ای را طرح کرده‌اید که پاسخ به آن کمی طولانی می‌گردد ولی از آنجا که من به شما علاقه‌مندم، شما را مردی متدین و دانا - البته کمی احساساتی - می‌دانم و از محبت‌های بی‌دریغت نسبت به من همیشه ممنونم. به عنوان نصیحت به شما و امثال شما که تعدادشان هم کم نیست مسائلی را تذکر می‌دهم:

۱. حجت‌الاسلام محمدعلی انصاری، از اعضای دفتر امام و مسئول مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

کتابهای فقه‌های بزرگوار اسلام پراست از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشتها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود، از اختلاف اخباریها و اصولیها بگذریم. از آنجا که در گذشته این اختلافات در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتابهای علمی آن هم عربی ضبط می‌گردید، قهراً توده‌های مردم از آن بیخبر بودند و اگر با خبر هم می‌شدند، تعقیب این مسائل برایشان جاذبه‌ای نداشت. حال آیا می‌توان تصور نمود که چون فقها با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند - نعوذ بالله - خلاف حق و خلاف دین خدا عمل کرده‌اند؟ هرگز. اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی حرفهای فقها و صاحب‌نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها کشیده شده است، چرا که نیاز عملی به این بحثها و مسائل است؛ مثلاً در مسئله مالکیت و محدوده آن، در مسئله زمین و تقسیم‌بندی آن، در انفال و ثروتهای عمومی، در مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری، در مالیات، در تجارت داخلی و خارجی در مزارعه و مضاربه و اجاره و رهن، در حدود و دیات، در قوانین مدنی، در مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم؛ چون عکاسی، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره. در حفظ محیط زیست و سالم‌سازی طبیعت و جلوگیری از قطع درختها حتی در منازل و املاک اشخاص، در مسائل اطعمه و اشربه، در جلوگیری از موالید در صورت ضرورت و یا تعیین فواصل در موالید، در حل معضلات طبی همچون پیوند اعضای بدن انسان و غیر به انسانهای دیگر، در مسئله معادن زیرزمینی و روزمینی و ملی، تغییر موضوعات حرام و حلال و توسیع

و تضییق<sup>۱</sup> بعضی از احکام در ازمنه و امکانه مختلف، در مسائل حقوقی و حقوق بین‌المللی و تطبیق آن با احکام اسلام، نقش سازنده زن در جامعه اسلامی و نقش تخریبی آن در جوامع فاسد و غیراسلامی، حدود آزادی فردی و اجتماعی، برخورد با کفر و شرک و التقات و بلوک تابع کفر و شرک، چگونگی انجام فرایض در سیر هوایی و فضایی و حرکت بر خلاف جهت حرکت زمین یا موافق آن با سرعتی بیش از سرعت آن و یا در صعود مستقیم و خنثی کردن جاذبه زمین و مهمتر از همه اینها، ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه که همه اینها گوشه‌ای از هزاران مسئله مورد ابتلای مردم و حکومت است که فقهای بزرگ در مورد آنها بحث کرده‌اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است و اگر بعضی از مسائل در زمانهای گذشته مطرح نبوده است و یا موضوع نداشته است، فقها امروز باید برای آن فکری بنمایند.

لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به‌طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل

---

۱. سخت گرفتن، در تنگنا قرار دادن.

اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.

اما شما باید توجه داشته باشید تا زمانی که اختلاف و موضعگیریها در حریم مسائل مذکور است، تهدیدی متوجه انقلاب نیست. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است و لویانکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند کشورشان مستقل باشد، هر دو می‌خواهند سیطره و شرّ زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند. هر دو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان، زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو می‌خواهند دزدی و ارتشا در دستگاههای دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که هر دو عقیده‌شان است که راه خود باعث رسیدن به اینهمه است. ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضعگیریها باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام

برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه‌داری غرب و در رأس آن امریکای جهانخوار و کمونیسم و سوسیالیزم بین‌الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند. هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره‌ای از آن عدول شود، آن را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی‌کند. دو جریان با کمال دوستی مراقب امریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند. هر دو جریان باید مردم را هوشیار کنند که درست است که امریکای حيله‌گر دشمن شماره یک آنهاست ولی فرزندان عزیز آنان زیر بمب و موشک شوروی شهید گشته‌اند. هر دو جریان از حيله‌گریهای این دو دیو استعمارگر غافل نشوند و بدانند که امریکا و شوروی به خون اسلام و استقلالشان تشنه‌اند.

خداوندا! تو شاهد باش من آنچه بنا بود به هر دو جریان بگویم گفتم، حال خود دانند. البته یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد - که همه باید از شر آن به خدا پناه ببریم - که آن حب نفس است که این دیگر این جریان و آن جریان نمی‌شناسد. رئیس‌جمهور و رئیس مجلس و نخست وزیر، وکیل، وزیر و قاضی و شورای عالی قضایی و شورای نگهبان، سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات، نظامی و غیر نظامی، روحانی و غیر روحانی، دانشجو، غیر دانشجو، زن و مرد نمی‌شناسد و تنها یک راه برای مبارزه با آن وجود دارد و آن ریاضت است، بگذریم.

اگر آقایان از این دیدگاه که همه می‌خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند، بسیاری از معضلات و حیرتها

برطرف می‌گردد ولی این بدان معنا نیست که همه افراد تابع محض یک جریان باشند. با این دید گفته‌ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومی متفاوت نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر بحق باشد، موجب هدایت دو جریان می‌شود. هیچ کس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است. اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورتها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آنقدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید.

البته می‌دانید که دولت و مجلس و گردانندگان بالای نظام هرگز اصول و داربستها را نشکسته‌اند و از آن عدول نکرده‌اند. برای من روشن است که در نهاد هر دو جریان اعتقاد و عشق به خدا و خدمت به خلق نهفته است. با تبادل افکار و اندیشه‌های سازنده مسیر رقابتها را از آلودگی و انحراف و افراط و تفریط باید پاک نمود. من باز سفارش می‌کنم کشور ما در مرحله بازسازی و سازندگی به تفکر و به وحدت و برادری نیاز دارد. خداوند به همه کسانی که دلشان برای احیای اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - و نابودی اسلام امریکایی می‌تپد، توفیق عنایت فرماید و شما و همه را در کنف عنایت

و حمایت خویش محافظت فرماید و ان‌شاءالله از انصار اسلام و محرومین باشید. (۳)

۶۷/۸/۱۰

\* \* \*

### منشور روحانیت

خدمت حضرات روحانیون سراسر کشور و مراجع بزرگوار اسلام و مدرسین گرام و طلاب عزیز حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات - دامت برکاتهم

صلوات و سلام خدا و رسول خدا بر ارواح طیبه شهیدان خصوصاً شهدای عزیز حوزه‌ها و روحانیت. درود بر حاملان امانت وحی و رسالت پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بر دوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده‌اند. سلام بر حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیاتشان گوهر شیچراغ ساخته‌اند. افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبکبالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند.

سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود مُنذران صادقی شدند که بند بند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقاً از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی‌رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم، خود اولین قربانیها را بدهد و



مُهر ختام دفترش شهادت باشد. آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه‌ها و روحانیت را درک کرده‌اند در خلسه حضورشان آرزویی جز شهادت ندیده‌اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرب جز عطیه شهادت نخواسته‌اند. البته همه مشتاقان و طالبان هم به مراد شهادت نرسیده‌اند. یکی چون من عمری در ظلمات حصارها و حجابها مانده است و در خانه عمل و زندگی جز ورق و کتاب منیت نمی‌یابد و دیگری در اول شب یلدای زندگی سینه سیاه هوسها را دریده است و با سپیده سحر عشق عقد وصال و شهادت بسته است. و حال من غافل که هنوز از کتم عدمها به وجود نیامده‌ام، چگونه از وصف قافله سالاران وجود وصفی کنم؟ من و امثال من از این قافله فقط بانگ جرسی می‌شنویم، بگذارم و بگذرم. تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کج رویها بوده‌اند. علمای بزرگ اسلام در همه عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند.

اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علوم به عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت - علیهم السلام - به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین - علیهم السلام - و ثبت و تبویب و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون «کتب اربعه» و کتابهای دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام

و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم. اگر ما نام اینهمه زحمت و مرارت را جهاد فی سبیل الله نگذاریم، چه باید بگذاریم؟

در بُعد خدمات علمی حوزه‌های علمیه سخن بسیار است که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد. بحمدالله حوزه‌ها از نظر منابع و شیوه‌های بحث و اجتهاد، غنی و دارای ابتکار است. تصور نمی‌کنم برای بررسی عمیق همه جانبه علوم اسلامی طریقه‌ای مناسب‌تر از شیوه علمای سلف یافت شود. تاریخ بیش از هزار ساله تحقیق و تتبع علمای راستین اسلام گواه بر ادعای ما در راه بارور ساختن نهال مقدس اسلام است. صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتها و تلخیهایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارتها و تبعیدها، زندانها و اذیت و آزارها و زخم زبانها، شهدای گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند. شهدای روحانیت منحصر به شهدای مبارزه و جنگ در ایران نیستند، یقیناً رقم شهدای گمنام حوزه‌ها و روحانیت که در مسیر نشر معارف و احکام الهی به دست مزدوران و نامردمان، غریبانه جان باخته‌اند زیاد است.

در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبین شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش کسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرشهای حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟

در ۱۵ خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده‌اند؟ خدا را سپاس می‌گزاریم که از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلولهای مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه‌ها و میداین مین، خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاقت را گلگون کرده است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه‌ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است. بیش از دو هزار و پانصد نفر از طلاب علوم دینیه در سراسر ایران در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این رقم نشان می‌دهد که روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران تا چه حد مهیا بوده است.

امروز نیز همچون گذشته شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان از مصر و پاکستان و افغانستان و لبنان و عراق و حجاز و ایران و اراضی اشغالی به سراغ شیردلان روحانیت مخالف شرق و غرب و متکی به اصول اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - رفته‌اند و از این پس نیز جهان اسلام هر از چندگاه شاهد انفجار خشم جهانخواران علیه یک روحانی پاکبخته است. علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه‌داران در یک کاسه است. و خداوند کسانی را که اینگونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد. روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و

تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پرفتوت آنان برای کسب معارف می‌کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگواری زیستند.

در ترویج روحانیت و فقاہت نه زور سر نیزه بوده است، نه سرمایه پول‌پرستان و ثروتمندان، بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده‌اند. مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط‌آمیز کنند. علمای راستین از بس که دروغ و فریب از جهانخواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آنها را می‌دادند. آیا رادیو و تلویزیون در کشورهای چون ایران و سائیلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و تلویزیون برای بی‌اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی‌نمود؟ به هر حال خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرتها و مهمتر از همه احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است و چه عزتی بالاتر از اینکه روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است و نهال مقدس فقاہت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است. راستی اگر کسی فکر کند که استعمار،

روحانیت را با اینهمه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی‌کند، ساده‌اندیشی نیست؟

مسئله کتاب آیات شیطانی کاری حساب شده برای زدن ریشه دین و دینداری و در رأس آن اسلام و روحانیت است. یقیناً اگر جهانخواران می‌توانستند، ریشه و نام روحانیت را می‌سوختند ولی خداوند همواره حافظ و نگهبان این مشعل مقدس بوده است و ان شاء الله از این پس نیز خواهد بود، به شرط آنکه حيله و مکر و فریب جهانخواران را بشناسیم. البته بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست تقدس مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش‌خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مروج اسلام امریکایی‌اند و دشمن رسول الله. آیا در مقابل این افعیها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟

استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه زدن انتخاب نمود؛ یکی راه ارباب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ در قرن معاصر. وقتی حربه ارباب و تهدید چندان کارگر نشد، راههای نفوذ تقویت گردید. اولین و مهمترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون‌شان فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد؛ یقیناً روحانیون مجاهد از

نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز؛ ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاریترا از اغیار بوده و هست.

در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس‌نمای واپسگرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختیهای دیگران نخورده است. وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست [و] حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعض افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش بیارد و الا عالم سیاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هرکس کج راه می‌رفت متدینتر بود. یاد گرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک بشمار می‌رفت. در مدرسه فیضیه فرزند خردسال، مرحوم مصطفی<sup>۱</sup> از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود.

علمای دین باور در همین حوزه‌ها تربیت شدند و صفوف

۱. مرحوم آیت‌الله حاج سیدمصطفی خمینی، فرزند ارشد امام که در اول آبان سال ۱۳۵۶ ه. ش. در شهر نجف اشرف به شهادت رسید.

خویش را از دیگران جدا کردند. قیام بزرگ اسلامی مان نشأت گرفته از همین بارقه است. البته هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند و یکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود، همین قضیه است که چگونه در دوران وائفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده‌لوحان بیسواد، عده‌ای کمر همت بسته‌اند و برای نجات اسلام و حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشته‌اند. اوضاع مثل امروز نبود، هر کس صد در صد معتقد به مبارزه نبود زیر فشارها و تهدیدهای مقدس نماها از میدان به در می‌رفت؛ ترویج تفکر «شاه سایه خداست» و یا با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و اینکه ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه‌کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان - علیه السلام - باطل است و هزاران «إن قُلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آنها را گرفت؛ تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهر آگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند. اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می‌نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید. در آن زمان روزی نبود که حادثه‌ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار امریکا و شاه به

شایعات و تهمتها متوسل شدند حتی نسبت تارک الصلوة و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده داشتند می‌دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می‌گریست که چگونه امریکا و نوکرش پهلوی می‌خواهند ریشهٔ دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس نمای ناآگاه یا بازی خورده و عده‌ای وابسته که چهره‌شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می‌نمودند.

آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونهٔ بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین - علیه السلام - که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه‌ها را بیش از این تلخ نکنم. ولی طلاب جوان باید بدانند که پروندهٔ تفکر این گروه همچنان باز است و شیوهٔ مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز شده‌اند. آنها که به خود اجازهٔ ورود در امور سیاست را نمی‌دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند. غائلهٔ قم و تبریز با هماهنگی چپها و سلطنت‌طلبان و تجزیه‌طلبان کردستان تنها یک نمونه است که می‌توانیم ابراز کنیم که در آن حادثه ناکام شدند ولی دست برنداشتند و از کودتای نوژه سر در آوردند، باز خدا رسوایشان ساخت. دسته‌ای دیگر از روحانی‌نماهایی که قبل از انقلاب دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانهٔ دربار می‌ساییدند، یکمرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آنهمه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند. دیروز مقدس‌نماهای بیشعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزهٔ با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند! تا



دیروز مشروب‌فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - را مفید و راهگشا می‌دانستند، امروز از اینکه در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ می‌دهد، فریاد «وا اسلاما» سر می‌دهند! دیروز «حجتیه‌ای»ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابیتر از انقلابیون شده‌اند! «ولایتی»های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند! راستی اتهام امریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرامها و حرام کردن حلالها، اتهام کشتن زنان آبستن و جلیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می‌شود؟ از آدمهای لامذهب یا از مقدس نماهای متحجر و بیشعور؟! فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعن‌ها و کنایه‌ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست؟ کار عوام یا خواص؟ خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معممین یا غیر آن؟ بگذریم که حرف بسیار است. همه اینها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌هاست، و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است.

از یک طرف وظیفه تبیین حقایق و واقعیات و اجرای حق و عدالت در حد توان و از طرف دیگر مراقبت از نیفتادن سوژه‌ای به دست دشمنان کار آسانی نیست.

با اینکه در کشور ما در اجرای عدالت بین روحانی و غیر آن امتیازی نیست، ولی وقتی با متخلفی از روحانیت خوش سابقه یا

بدسابقه برخورد شرعی و قانونی و جدی می‌شود، فوراً باندها فریاد می‌زنند که چه نشست‌اید، جمهوری اسلامی می‌خواهد آبروی روحانیت را ببرد. اگر احیاناً کسی مستحق عفو بوده و بخشیده شود، تبلیغ می‌کنند که نظام به روحانیت امتیاز بیجا می‌دهد.

مردم عزیز ایران باید مواظب باشند که دشمنان از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به اصطلاح روحانیون سوءاستفاده نکنند و با موج‌آفرینی و تبلیغات اذهان را نسبت به روحانیون متعهد بدبین نمایند و این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچ‌کس قائل نیست و خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخلفی از من هم سر زند مهبای مؤاخذه‌ام. حال بحث این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها چه باید کرد؟ گرچه کار مشکل است ولی چاره چیست باید فکری کرد. اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی حفظ شود و گرنه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل.

امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه‌ها و برداشت‌ها و حتی ضعف مدیریتها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد. ممکن است هر کس در فضای ذهن و ایده‌های خود نسبت به عملکردها و مدیریتها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین انتقادی داشته باشد، ولی لحن و تعبیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرتها که همه مشکلات و نارساییها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعفها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که

این عمل کاملاً غیر منصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین می‌برد و زمینه را برای ورود بی‌تفاوتها و بی‌دردها به صحنه انقلاب آماده می‌کند.

من امروز بر این عقیده‌ام که مقتدرترین افراد در مصاف با آنهمه توطئه‌ها و خصومتها و جنگ‌افروزیهایی که در جهان علیه انقلاب اسلامی است، معلوم نبود موفقیت بیشتری از افراد موجود به دست می‌آوردند. در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب خصوصاً از حوادث ده سال پس از پیروزی باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ در هیچ زمینه‌ای مغلوب و شکست خورده نیستیم، حتی در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آنهمه خسارات چیزی به دست نیاوردند.

البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده‌ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرتها

و ابرقدرتها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد، جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظامهای فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد و از همه اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

همه اینها از برکت خونهای پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه اینها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با امریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت. جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوتاه‌نظرند آنهایی که خیال می‌کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بیفایده است! درحالی که صدای اسلامخواهی افریقا از جنگ هشت ساله ماست، علاقه به اسلام‌شناسی مردم در امریکا و اروپا و آسیا و افریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست.

من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیلهای غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی ببخشد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و

خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید نمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه<sup>۱</sup> دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهارنظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی اش عدول می‌کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیآورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟! تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیا و معصومین -علیهم السلام- در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی‌بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلند مدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است ذکری به میان آورند. در حالی که به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه‌هایی که شعار داده است به موفقیت نایل شود. ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده‌ایم، ما شعار «مرگ بر امریکا» را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی امریکا تماشا کرده‌ایم، ما همه شعارهایمان را با عمل محک زده‌ایم. البته معترفیم که در مسیر عمل، موانع زیادی به وجود آمده است که مجبور شده‌ایم روشها و تاکتیکها را عوض نماییم. ما چرا خودمان و ملت و مسئولین

۱. اشاره به قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد که با پذیرش آن از سوی امام، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به پایان رسید.

کشورمان را دست کم بگیریم و همهٔ عقل و تدبیر امور را در تفکر دیگران خلاصه کنیم؟

من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القائنات روحانی نماها و مقدس‌مآبها باشند، از تجربهٔ تلخ روی کار آمدن انقلابی نماها و به ظاهر عقلای قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبادا گذشتهٔ تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزیهای بیمورد و ساده‌اندیشیها سبب مراجعت آنان به پستهای کلیدی و سرنوشت‌ساز نظام شود.

من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پستها و امور مهمهٔ کشور به گروهی که عقیدهٔ خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، گرچه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و الآن هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی امریکای جهانخوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده‌اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروهها و لیبرالها می‌خوریم، آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همهٔ کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همهٔ اصول، که چرا مرگ بر امریکا گفتید! چرا جنگ کردید! چرا نسبت به منافقین و ضدانقلابیون حکم خدا را جاری می‌کنید؟ چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟ چرا لانهٔ

جاسوسی را اشغال کرده‌ایم و صدها چرای دیگر. و نکته مهم در این رابطه اینکه نباید تحت تأثیر ترحمهای بیجا و بیمورد نسبت به دشمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام، به گونه‌ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حدود الهی زیر سؤال بروند. من بعضی از این موارد را نه تنها به سود کشور نمی‌دانم که معتقدم دشمنان از آن بهره می‌برند، من به آنهایی که دستشان به رادیو - تلویزیون و مطبوعات می‌رسد و چه بسا حرف‌های دیگران را می‌زنند صریحاً اعلام می‌کنم: تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرالها بیفتد، تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند، تا من هستم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد، تا من هستم دست ایادی امریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می‌کنم و اطمینان کامل دارم که تمامی مردم در اصول همچون گذشته پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی خود هستند که علاوه بر دهها و صدها صحنه اعلام حضور و آمادگی خود امسال نیز در راهپیمایی ۲۲ بهمن حقیقت آمادگی کامل خویش را به جهانیان نشان دادند و واقعاً دشمنان انقلاب را شگفت زده کردند که تا کجا حاضر به فداکاری اند. من در اینجا خود را شرمنده و کوچکتر از آن می‌دانم که زبان به وصف و تقدیر از آنان بگشایم. خداوند پاداش عظیم اینهمه اخلاص و رشد و بندگی را خواهد داد ولی به آنان که ناآگاهانه مردم شریف و عزیز ما را متهم به رویگردانی از اصول و انقلاب و روحانیت می‌کنند سفارش و نصیحت می‌کنم که در گفتار و کلمات و نوشته‌ها با دقت و مطالعه عمل کنند و برداشتها و تصورات نابجای خود را به حساب انقلاب و مردم نگذارند. مسئله دیگر اینکه امروز مقابله و تجزیه روحانیت انقلابی به سود کیست؟ دشمنان از دیرباز برای اختلاف افکنی میان روحانیون آماده شده‌اند. غفلت از آن، همه چیز را بر باد می‌دهد. حال

اختلاف به هر شکلی باشد، بدبینی شدید نسبت به مسئولین بالا باشد یا مرزبندی فقه سنتی و پویا و امثال آن. اگر طلاب و مدرسین حوزه علمیه با یکدیگر هماهنگ نباشند، نمی‌توان پیش‌بینی نمود که موفقیت از آن کیست و اگر بر فرض محال حاکمیت فکری از آن روحانی‌نماها و متحجرین گردد روحانیت انقلابی جواب خدا و مردم را چه می‌دهد.

ان‌شاءالله در بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی اختلافی نیست، اگر باشد بر سر چیست؟ بر سر اصول یا بر سر سلیقه‌ها؟ آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه‌های علمیه بوده‌اند -نعوذبالله- به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده‌اند؟ مگر همانها نبودند که در کوران مبارزه حکم به غیرقانونی بودن سلطنت دادند؟ مگر همانها نبودند که وقتی یک روحانی به ظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت، او را به مردم معرفی کردند؟ آیا مدرسین عزیز از جبهه و رزمندگان پشتیبانی نمودند؟ اگر خدای ناکرده اینها شکسته شوند چه نیرویی جای آنان را خواهد گرفت؟ و آیا ایادی استکبار، روحانی‌نماهایی را که تا حد مرجعیت تقویت نموده است، فرد دیگری را بر حوزه‌ها حاکم نمی‌کنند؟ و یا آنها که در توفان پانزده سال مبارزه قبل از انقلاب و ده سال حوادث کمرشکن بعد از انقلاب نه غصه مبارزه و نه غم جنگ و اداره کشور را خورده‌اند و نه از شهادت عزیزان متأثر شده‌اند و با خیالی راحت و آسوده به درس و مباحثه سرگرم بوده‌اند می‌توانند در آینده پشتوانه انقلاب اسلامی باشند؟ راستی شکست هر جناحی از علما و طلاب انقلابی و روحانیون و روحانیت مبارز و جامعه مدرسین، پیروزی چه جناحی و چه جریان‌ی را تضمین می‌کند؟ جناحی که پیروز شود یقیناً روحانیت نیست و اگر آن جناح الزاماً به روحانیت رو آورد، راستی به



سراغ کدام قشر و تفکر از روحانیت می‌رود؟ خلاصه اختلاف به هر شکلی کوبنده است. وقتی نیروهای مؤمن به انقلاب حتی به اسم فقه سستی و فقه پویا به مرز جبهه‌بندی برسند، آغاز باز شدن راه استفاده دشمنان خواهد بود. جبهه بندی نهایتاً معارضه پیش می‌آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می‌کند، یکی متهم به طرفداری از سرمایه‌داری و دیگری متهم به التقاطی می‌شود که من برای حفظ اعتدال جناحها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام، چرا که همه را فرزندان و عزیزان خود می‌دانم البته هیچ‌گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام ولی نگران تقابل و تعارض جناحهای مؤمن به انقلابم که مبادا منتهی به تقویت جناح رفاه طلب بی‌درد و نق‌بزن گردد.

نتیجه می‌گیرم که اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بجنبند ابرقدرتها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می‌دهند. جامعه مدرسین باید طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتک خورده و جبهه رفته را از خود بدانند. حتماً با آنان جلسه بگذارند و از طرحها و نظریات آنان استقبال نمایند و طلاب انقلابی هم مدرسین عزیز طرفدار انقلاب را محترم بشمارند و با دیده احترام به آنان بنگرند و در مقابل طیف بی‌عرضه و فرصت طلب و نق‌زن ید واحده باشند و خود را برای ایثار و شهادت در راه هدایت مردم آماده‌تر کنند، حال جامعه و مردم، طالب حقیقت باشند مثل زمان ما که حقاً مردم بیشتر از آنچه که ما فکر می‌کنیم وفادار به روحانیت بوده و خواهند بود، یا نباشند مثل زمان معصومین - علیهم السلام. اما مردم شریف ایران توجه داشته باشند که نوعاً تبلیغاتی که علیه روحانیت انجام می‌پذیرد به منظور نابودی روحانیت انقلاب است، یادی شیطان در تنگناها و سختیها به سراغ مردم می‌روند که بگویند روحانیت مسبب

مشکلات و نارساییهاست؛ آن هم کدام روحانی، روحانی بی‌درد و بی‌مسئولیت نه، بلکه روحانیتی که در همه حوادث جلوتر از دیگران در معرض خطر بوده است. کسی مدعی آن نیست که مردم و پابره‌ها مشکلی ندارند و همه امکانات در اختیار مردم است. مسلم آثار ده سال محاصره و جنگ و انقلاب در همه جا ظاهر می‌شود و کمبودها و نیازها رخ می‌نماید ولی من با یقین شهادت می‌دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند امروز جز ننگ و ذلت و عار در برابر امریکا و جهانخواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی چیزی برایمان نمانده بود.

لازم به یادآوری است که ذکر شمه‌ای از وقایع انقلاب و روحانیت به معنای آن نیست که طلاب و روحانیون عزیز در فردای این نوشته حرکت تند و انقلابی بنمایند بلکه هدف، علم و آگاهی به نکته‌هاست که در انتخاب مسیر با بصیرت حرکت کنند و خطرهای گذرها و کمینگاهها را بهتر بشناسند. اما در مورد درس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری<sup>۱</sup> هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان

۱. شیخ محمدحسن نجفی (....-۱۲۶۶ ه. ق.) با به‌کارگیری اجتهاد مبتنی بر کتاب و سنت و دیگر ادله، یک دوره کامل فقه در ۴۳ جلد نگاشته است. روش وی در تحقیق احکام فقهی مورد تأیید حضرت امام بود.

خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاستها و حتی سیاسیون و فرمولهای دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگیهای یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد. راستی به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی<sup>۱</sup> مورد اتفاق همه علما در مورد یک مزدور بیگانه اینقدر جهانخواران برافروخته شدند و سران کفر و بازار مشترک و امثال آنان به تکاپو و تلاش مذبوحانه افتاده‌اند؟ غیر از این نیست که سران استکبار از قدرت برخورد عملی مسلمانان در شناخت و مبارزه با

۱. اشاره به حکم اعدام سلمان رشدی، نویسنده کتاب موهن آیات شیطانی، که توسط امام صادر شد.

توطئه‌های شوم آنان به هراس افتاده‌اند و اسلام امروز مسلمانان را یک مکتب بالنده و متحرک و پرحماسه می‌دانند و از اینکه فضای شرارت آنان محدود شده است و مزدبگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی‌توانند علیه مقدسات قلمفرسایی کنند مضطرب شده‌اند. من قبلاً نیز گفته‌ام همه توطئه‌های جهانخواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم اسلام جوابگوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم. ما نباید غفلت بکنیم، واقعاً باید به سمتی حرکت نماییم که ان‌شاءالله تمام رگه‌های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود.

استکبار غرب شاید تصور کرده است از اینکه اسم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد ما درجا می‌زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف نظر می‌نماییم. خیلی جالب و شگفت‌انگیز است که این به ظاهر متمدنین و متفکرین وقتی یک نویسنده مزدور با نیش قلم زهرآگین خود احساسات بیش از یک میلیارد انسان و مسلمان را جریحه‌دار می‌کند عده‌ای در رابطه با آن شهید می‌شوند برایشان مهم نیست و این فاجعه عین دموکراسی و تمدن است اما وقتی بحث اجرای حکم و عدالت به میان می‌آید، نوحه رافت و انسان دوستی سر می‌دهند. ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاقت از همین نکته‌ها به دست می‌آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از یک فرد نیست، قضیه حمایت از جریان ضد اسلامی و ضد ارزشی است که بنگاه‌های صهیونیستی و انگلیس و امریکا به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله خود را رو به روی همه جهان اسلام قرار داده‌اند. البته باید ببینیم که بعضی دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی چگونه با این فاجعه بزرگ برخورد می‌کنند. اینکه دیگر مسئله عرب و عجم و فارس و ایران

نیست بلکه اهانت به مقدسات مسلمانان از صدر اسلام تاکنون و از امروز تا همیشه تاریخ است و نتیجه نفوذ بیگانگان در فرهنگ مکتب اسلام است که اگر غفلت کنیم این اول ماجراست و استعمار از این مارهای خطرناک و قلم به دستان اجیر شده در آستین فراوان دارد.

ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته و علاقه مند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و آرام می‌گذریم. آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند. این یک نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز «آیات شیطانی» در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام برملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به درآییم و همه چیز را به حساب اشتباه و سوء مدیریت و بی‌تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درک کنیم که مسئله اشتباه ما نیست، بلکه تعمد جهان‌خواران به نابودی اسلام و مسلمین است و الا مسئله فردی سلمان رشدی آنقدر برایشان مهم نیست که همه صهیونیستها و استکبار پشت سر او قرار بگیرند.

روحانیون و مردم عزیز حزب‌الله و خانواده‌های محترم شهدا حواسشان را جمع کنند که با این تحلیلها و افکار نادرست خون عزیزانشان پایمال نشود. ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده

سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم! خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حيله‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم و الا مادامی که فقه در کتابها و سینه علمای مستور بماند، ضرری متوجه جهانخوااران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.

نکته آخری که توجه به آن لازم است اینکه روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که در حوزه نشستند بلکه برای اجرای حکم خدا راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند. اگر طلبه‌ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند،

در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می‌شود و هرگز عذر او موجه نیست، ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت. امیدوارم از نصایح و تذکرات مشفقانه این پدر پیر و این خدمتگزار حقیر خود، دلگیر نشده باشید و در مظان استجاب دعا با انفاس قدسیه و با دل‌های منور خود برایم دعا و طلب مغفرت نمایید. من هم از یاد و دعای خیر برای روحانیت اصیل و حوزه‌های علمی غفلت نمی‌کنم.

خداوندا! توان علما و روحانیت را در خدمت به دین خود افزون‌نما. خداوندا! حوزه‌های علمیه، این سنگ‌های پاسداری از فقهت و اسلام ناب را تا ابد پا برجا بدار. خداوندا! شهدای روحانیت و حوزه‌ها را از نعم بیکران و رزق حضور خویش بهره‌مند فرما. خداوندا! به جانب‌زانشان شفا مرحمت کن و به خانواده‌های شهداشان صبر و اجر مرحمت فرما. مفقودین و اسراشان را هر چه زودتر به اوطانشان برگردان. خداوندا! ارزش خدمت و خدمتگزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما «انک ولی النعم» (۴)





## فصل دوم

### هویت روحانیت

- روحانیون، جانشین انبیا
- روحانیت، حافظ شریعت و مبلغ رسالت
- علما، ناصح و مشفق امت
- علما، امین و خادم مردم
- روحانیت، دژ اسلام و سنگر مقاومت
- روحانیت، پشتوانه ملت و حافظ استقلال کشور
- هویت صنفی روحانیت



## روحانیون، جانشین انبیا

حوزه‌های روحانیت محل تدریس و تعلیم و تبلیغ و رهبری مسلمانان است. جای فقهای عادل و فضلا و مدرسین و طلاب است. جای آنهاست که امانت دار و جانشین پیغمبران هستند. محل امانت‌داری است و بدیهی است که امانت الهی را نمی‌توان به دست هرکس داد. (۵)

\* \* \*

اینها مظهر اسلامند، اینها مبین قرآنند، اینها مظهر نبی اکرمند. مردم اینها را این جور شناخته‌اند؛ مردم علاقه دارند به دین خودشان، علاقه دارند به اسلام خودشان. آن علاقه‌ای که به اسلام دارند، علاقه‌ای به علمای اسلامی دارند. (۶)

۵۷/۱۰/۳

\* \* \*

دانشگاه‌هایی که یک عضو مؤثرند، توجه به این داشته باشند که ما باید با

این معممین که یک عضو مؤثرند [یا هم باشیم]. آقایان خیال نکنند که معممین چه! شما می‌بینید که ملت با اینهاست. ملت - که با شما با آن ملت می‌خواهید کار انجام بدهید - با اینها هستند؛ هر روزی اینها بخواهند ملت را به یک راهی ببرند تبعیت می‌کنند؛ برای اینکه اینها را نماینده امام می‌دانند تبعیت می‌کنند. اینها را از دست ندهید، این یک قوه بزرگی است؛ این قدرت را از دست ندهید. (۷)

۵۸/۲/۳۱

\* \* \*

روحانیون با دانشگاهی یک مسیر دارند؛ و مسئولیت این دو طایفه از همه طوایف دیگر بیشتر است چنانچه شغلشان شریفتر است برای اینکه با شغل دانشگاهی و روحانی اگر چنانچه به شرایط عمل بشود، انسان درست می‌شود. این است که این شغل، شغل انبیا بوده است. تمام انبیا برای آدم درست کردن آمدند؛ و قرآن کتاب آدم‌سازی است. (۸)

۵۸/۳/۳

\* \* \*

آخوند یعنی اسلام. روحانین با اسلام درهم مُدغمند. (۹)

۵۸/۳/۲

\* \* \*

اینها [قشر روحانیت] نمونه‌ای از اسلام هستند؛ نمونه‌ای از انبیا هستند. (۱۰)

۵۸/۳/۸

همه انبیا برای آدمسازی آمده‌اند. قرآن کریم یک کتاب آدمسازی است. همه انبیا آمده‌اند که آدمها را درست کنند. به درست کردن آدم همه بساط درست می‌شود. این دو قطب که هر دو مأمور آدمسازی هستند، قطب دانشگاه مأمور آدمسازی هست و قطب روحانیت مأمور آدمسازی، کارشان شریفترین کارهاست برای اینکه همان کار انبیاست؛ و هم مسئولیتشان بالاتر از همه مسئولیتهاست، برای اینکه در اینجا همه چیز درست می‌شود. (۱۱)

۵۸/۳/۲۱

\* \* \*

روحانیین که مربی انسانها هستند، به جای انبیا نشستند، مبعوث از طرف انبیا هستند. (۱۲)

۵۸/۴/۲

\* \* \*

آقایان علمای اعلام مسئولیتشان زیاد است؛ چنانکه شغلشان از همه شغلها شریفتر است. شغل شغل انبیاست، و مسئولیت مسئولیت انبیا. و همه و همه مسئول هستیم. همه هستیم. (۱۳)

۵۸/۴/۲

\* \* \*

شما نشانه خدا هستید؛ نشانه اسلام ان شاء الله خواهید بود؛ و کسی که نشانه خدا و نشانه اسلام است، باید همه حرکاتش، همه سکنااتش، همه اعمالش، همه گفتار و کردارش الهی باشد؛ روی موازین الهی باشد. مردم به روحانیون نظر دارند، توجه دارند، توجه به

پیغمبر اکرم، که اینها نمایندگان پیغمبر اکرم و امام زمان - سلام الله علیه - هستند. (۱۴)

۵۸/۴/۲

\* \* \*

شما آقایان علما و اهل علم در سرتاسر کشور وظایفشان بیشتر است. مسئولیتتان بیشتر است. مسئولیتتان بیشتر است؛ برای اینکه شما وضعتان و مشیتان نمایشگر این است که ما نماینده انبیا هستیم. شما اشتغالتان و لباستان، همه حکایت از این می‌کند که این جمعیت نماینده اسلام هستند. (۱۵)

۶۰/۴/۱۰

\* \* \*

## روحانیت، حافظ شریعت و مبلغ رسالت

علمای از صدر اسلام تا امروز که از خودشان چیزی ندارند؛ آنها قوانین اسلام را، قوانین وحی را به مردم ابلاغ می‌کنند؛ ابلاغ قوانین الهی ارتجاع است؟

شما اگر چنانچه به احکام اسلام اعتقاد دارید، این احکام اسلام. اسلام انسان را آزاد خلق کرده است و انسان را مسلط بر خودش و بر مالش و بر جانش و بر نوامیسش خلق فرموده است. امر فرموده است، مسلط است انسان؛ آزاد است انسان؛ هر انسانی در مسکن آزاد است؛ در مشروب و مأكول - آنچه خلاف قوانین الهیه نباشد - آزاد است؛ در مشی آزاد است. حکم اسلام است که اگر کسی حمله برد به منزل کسی، برای آن کسی که مورد حمله واقع شده است جایز است کشتن

او. اسلام اینقدر با آزادیها موافق است؛ اسلام، ارتجاع سیاه است؟ علمای اسلام که از خودشان چیزی ندارند، ما که خودمان حرفی نداریم، ما هر چه می‌گوییم «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ» می‌گوییم، رسول‌الله هم «قَالَ اللَّهُ» می‌فرماید. اگر ما مرتجعیم، معلوم می‌شود رسول‌الله مرتجع است؛ اگر شما ما را مرتجع می‌دانید، ما را کهنه‌پرست می‌دانید - مردک امروز هم باز دست از حرفش بر نمی‌دارد - اگر ما را کهنه‌پرست می‌دانید، ما که از خودمان حرفی نداریم، ما می‌گوییم «قَالَ اللَّهُ تعالی»، ما می‌گوییم «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ»؛ پس شما رسول‌الله را کهنه‌پرست می‌دانید، اُف بر این تجدد! (۱۶)

۴۳/۱/۲۶

\* \* \*

این افکار نورانی که در علمای اعلام ما هست، در مراجع بزرگ ما هست، اینها به واسطه نور اسلام است. این افکار نورانی که در رجال عظیم‌الشأن ما هست، هر جا باشد مال اسلام است. این افکار پوسیده‌ای که، کهنه‌پرستی‌هایی که آقایان دارند، تبعیت از همه، سر بسته و در بسته تحویل دادن، همه مخازن یک مملکت را تحویل دیگران دادن، این ارتجاع است. روی این ارتجاع، سیاه! (۱۷)

۴۳/۱/۲۶

\* \* \*

هدف مراجع عظام و روحانیون در هر جا باشند، یکی است. و آن پشتیبانی از دیانت مقدسه اسلام و قرآن مجید و طرفداری از مسلمین است. اختلافی بین علمای اعلام و نگهبانان اسلام در این هدف مقدس نیست. اگر فرضاً اختلاف اجتهاد و نظری در امری جزئی و

ناچیز باشد، مثل سایر اختلافات در امور فرعی، مانع از وحدت نظر در امور اصولی نیست. اگر سازمانهای دولتی گمان کرده‌اند با سمپاشیها می‌توانند ما را از هدف مقدس خود منحرف کنند و به دست جُهاَل متعصب به قصد شوم خود برسند، خطا کرده‌اند. (۱۸)

۴۳/۸/۴

\* \* \*

اکنون اگر چه عده کثیری از ایرانیان، بر اثر اختلافی که بین دولتهاست، وجه‌المصالحه شدند و با این وضع فجیع از این مملکت بیرونشان می‌ریزند لکن ممکن است مصالح بزرگ در کار باشد که ما نمی‌دانیم؛ و خداوند تعالی همان طور که حضرت رسول اکرم -صلی الله علیه و آله و سلم- را فاتح و غالب به مکه برگردانید شما را به این حوزه‌ها باز گرداند و روزی برسد که نجف بیش از حالا قوی باشد. ما اطمینان داریم که دیر یا زود حوزه علمیه به حال اول خود باز می‌گردد و شما ان شاءالله اگر به وظایف دینی و علمی خود عمل کردید باز به نجف برمی‌گردید.

بار علم بار سنگینی است که به عهده شماست. آنطور نیست که تنها وظیفه شما تحصیل مشتی الفاظ و مفاهیم باشد بلکه حفظ اسلام و احکام اسلام است که به شما سپرده شده و شما امین و وحی الهی هستید. (۱۹)

۵۰/۱۰/۱۰

\* \* \*

چون دشمنان اسلام و غارتگران ملل ضعیف، مصالح خود را با نفوذ روحانیت - که یگانه حافظ قرآن کریم و احکام نجات‌بخش اسلام



است - در خطر می‌بینند ناچار برای حفظ مصالح استعماری خود دست به ایجاد احزاب انحرافی وابسته و گروه‌های به ظاهر مُتَّحِل به اسلام و در حقیقت مخالف با آن زده‌اند. (۲۰)

مرداد ۱۳۵۶

\* \* \*

اما آن گروه‌های روشنفکر و دانشگاهی و محصلین جدید و آنها - ایدهم‌الله - آنهایی که خدمتگزارند برای اسلام - خداوند تأییدشان کند - من از آنها گلایه دارم برای اینکه می‌بینم که در نوشته‌هایشان، بعضی نوشته‌هایشان، اینها راجع به فقها، راجع به فقه، راجع به علمای اسلام، راجع به فقه اسلام، اینها یک قدری زیاده‌روی کرده‌اند، یک قدری حرف‌هایی زده‌اند که مناسب نبوده است بگویند. اینها غرض ندارند. من می‌دانم که غالباً اینها که برای اسلام می‌خواهند خدمت کنند، نه این است که مغرض باشند و از روی سوءنیت اینها حرفی بزنند؛ اینها اطلاعشان کم است. من هم اطلاع کم از تاریخ کم است لکن من هشتاد سالم است و قریب شصت سال در جوامع علمی بوده‌ام و قریب سی سال در مجاری امور. من یک مشاهداتی خودم دارم؛ و در این صد و چند سالی که دیگر نزدیک است به ما، ما از آن سوابق سوابق کم اطلاع - یعنی بنده کم اطلاع هستم. اینقدری که اطلاع داریم از سوابق، از زمان اول - عصرهای اول اسلام - تا حالا اطلاعات اجمالی است. ما می‌بینیم که این اسلام را به همه ابعادش روحانیون حفظ کرده‌اند، به همه ابعادش. یعنی معارفش را روحانی حفظ کرده، فلسفه‌اش را روحانی حفظ کرده، اخلاقش را روحانی حفظ کرده، فقهش را روحانی حفظ کرده، احکام سیاسیش را روحانی حفظ کرده. همه اینها با زحمتهای طاقت‌فرسای روحانیین محفوظ شده. الآن که

شما یک همچو فقه غنی‌ای می‌بینید که فقه شیعه غنی‌ترین فقهی است که در دنیا هست، غنی. قانونی که با زحمتهای علمای شیعه توضیح و تفریع شده است، غنی‌ترین فقه است، غنی‌ترین قوانین است در دنیا. قانونی در دنیا به این غنا نیست. قوانین دیگر، آنهایی که آسمانی است البته غنی بوده، آنها دیگر به ما نرسیده؛ آنهایی که زمینی است و اهل زمین درست کرده‌اند، اینها به اندازه همان ادراکات ضعیفی که اگر چنانچه مغز انسان را - در روایت است - یک گنجشک بخورد سیر نمی‌شود، با این مغزها درست شده است، آنهایی که مغزهایشان درست کار می‌کند، آنهایی که درست کار نمی‌کند که اطلاع ندارند. همه اینهایی که اینها درست کرده‌اند ناقص است. در هر جایی که این قوانین درست شده است یک قوانین ناقصی است؛ آن هم برای یک محیط خاصی، آن هم برای یک وضع خاصی، برای - مثلاً - تمشیت امور یک مملکتی، برای سیاست بین مملکت و مملکت دیگر؛ اما دیگر، قوانین دیگر ندارد. آنی که دارد اسلام است. و در اسلام آن فقهی که غنی‌ترین فقه‌هاست، فقه شیعه است. همچو فقهی در دنیا نیست - نه در بین مسلمین هست، علی‌کثرِ تهم، و نه در غیر، بین غیر مسلمین. و این با زحمات طاقتفرسا از علمای شیعه درست شده است. از اول که زمان پیغمبر بوده است و دنبالش زمان ائمه، این علمای شیعه بودند که جمع می‌شدند دور ائمه - علیهم السلام - و احکام را از آنها اخذ می‌کردند و در اصولی که چهارصد تا کتاب بوده است نوشته‌اند. و آن اصول بعد در اصول دیگری، که این کتب اربعه<sup>۱</sup> ما و سایر کتب است، تدوین شده است. و اینها همه با زحمت علمای شیعه، فقهای شیعه درست شده است. تمام ابعادی که اسلام دارد و

۱. چهار کتاب معتبر شیعه که عبارتند از: محدث کلینی؛ کافی؛ شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ شیخ طوسی؛ تهذیب؛ شیخ طوسی؛ استبصار.

قرآن دارد، آن مقداری که درخور فهم بشر است، تمام اینها را این جماعت عمامه به سر - به قول این آقایان، عمامه به سر و ریش دار - اینها درست کرده‌اند. تا اینجا اسلام را اینها رسانده‌اند. و کتابهایی که اینها نوشته‌اند؛ در هر رشته‌ای از رشته‌ها که شما ملاحظه کنید کتابها نوشته شده، زحمتهای کشیده شده است، تا حالا رسیده است به این طبقه. این در رشته علم، علم اسلام، در رشته علوم اسلامی.

در باب امور سیاسی - آن مقداری که من عرض کردم که تاریخ نمی‌دانم و اگر دیده باشم یادم نمانده است دیگر حالا - اما خوب این تاریخ صد ساله، صد و چند ساله اخیر در دست است. ما یک خرده جلوتر می‌رویم می‌بینیم که یک طایفه از علما، اینها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شده‌اند به یک سلاطینی. با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق اینها متصل شده‌اند به یک سلاطینی، و این سلاطین را وادار کرده‌اند - خواهی نخواهی - برای ترویج مذهب، مذهب دیانت، مذهب تشیع. اینها آخوند درباری نبودند. این اشتباهی است که بعضی نویسندگان ما می‌کنند. سلاطین اطرافیان آقایان بودند. الآن هم حجره شاه سلطان حسین در چهارباغ اصفهان، در مدرسه چهارباغ اصفهان، الآن هم حجره‌اش هست. اینها او را کشاندنش تو [ی] حجره نه اینکه او اینها را کشیده است دنبال خودش. اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند. نباید یک کسی تا به گوشش خورد که مثلاً مجلسی<sup>۱</sup> - رضوان الله علیه - محقق ثانی<sup>۲</sup>

۱. علامه محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ه.ق.)، از علما و محدثان بزرگ شیعه و مؤلف کتاب عظیم بحار الانوار است. وی در دربار شاه سلطان حسین، موقعیت ویژه‌ای داشت.

۲. شیخ زین‌الدین ابوالحسن علی بن حسین معروف به محقق ثانی (... - ۹۴۰ ه.ق.) از علمای معروف دوره صفوی که شیخ الاسلام و قاضی القضاة بود. بعضی از تألیفات وی عبارت است از: جامع المقاصد فی شرح القواعد و حاشیه شرایع الاسلام.

-رضوان‌الله علیه - نمی دانم شیخ بهائی<sup>۱</sup> - رضوان‌الله علیه - با اینها روابط داشتند و می رفتند سراغ اینها همراهی شان می کردند، خیال کنند که اینها مانده بودند برای جاه و -عرض می کنم - عزت، و احتیاج داشتند به اینکه شاه سلطان حسین و شاه عباس به آنها عنایتی بکنند! این حرفها نبوده در کار. آنها گذشت کردند؛ یک گذشت، یک مجاهده نفسانی کرده اند برای اینکه این مذهب را به وسیله آنها، به دست آنها [ترویج کنند]. در یک محیطی که اجازه می گرفتند که شش ماه دیگر اجازه بدهید ما حضرت امیر را سب بکنیم، وقتی جلوگیری از سب حضرت امیر می خواستند بکنند - در یکی از بلاد ایران شنیدم اجازه خواستند که خوب شش ماه دیگر صبر کنید ما سبش بکنیم - بعد اینها در یک همچو محیطی که سب حضرت امیر اینطورها بوده و رایج بوده و از مذهب تشیع هیچ خبری نبود و هیچ اسمی نبوده، اینها رفته اند مجاهده کرده اند؛ خودشان را پیش مردم ... مردم آن عصر شاید اشکال به آنها داشتند از باب نفهمی، چنانچه حالا هم اگر کسی اشکال کند نمی داند قضیه را، نه [اینکه] غرض دارد، نمی داند قضیه را. زمان ائمه هم بودند. علی بن یقطین<sup>۲</sup> هم از وزرا بود. در زمان ائمه هم بودند. خود حضرت امیر را چرا نمی گوئیم؟ بگوئیم حضرت امیر هم هست؟ حضرت امیر بیست و چند سال به واسطه مصالح عالیة اسلام در نماز اینها رفت - عرض بکنم که - تبعیت از اینها کرد، برای اینکه یک مصلحتی بود که فوق این مسائل بود. سایر ائمه -علیهم السلام - هم گاهی مسالمت می کردند. (۲۱)

۵۶/۸/۱۰

\* \* \*

۱. علی بن محمد حسین عاملی، معروف به شیخ بهائی (۹۵۳ - ۱۰۳۰ ه. ق.) که در علوم و فنون، استاد و یگانه دوران بود و به شیخ الاسلام اصفهان لقب گرفت. از تألیفات اوست: جامع عباسی، مشرق الشمسین، تشریح الافلاک در هیئت و...  
 ۲. علی بن یقطین (۱۲۴ - ۱۸۲ ه. ق.) از یاران امام موسی بن جعفر (ع) که وزیر هارون الرشید بود.

حوزه قم زنده کرد ایران را. حوزه قم خدمتی به اسلام کرده است که تا صدها سال دیگر این خدمت باقی است. کم نشمرید آقایان این را. دعا کنید به حوزه قم؛ و دعا کنید ما هم این جور بشویم. صدها سال دیگر هم اسم حوزه قم در تواریخ هست، و ما مرده‌ها را دفن کرده است. حوزه علمیه قم زنده کرد اسلام را. (۲۲)

۵۶/۱۱/۲۹

\* \* \*

هم اسلام را بد معرفی می‌کنند؛ هم آخوند را بد معرفی می‌کنند. چرا؟ برای اینکه آنی که در مقابل اینها بایستد، اسلام است. آن کسی که می‌خواهد پیاده کند آن را، آخوند است. آنها نمی‌خواهند این مطلب واقع بشود. آنها می‌خواهند که اسلام را بد معرفی کنند، مردم از اسلام برگردند و آخوند هم که کنار برود، باقی بماند خودشان و هر کس که دلشان می‌خواهد. (۲۳)

۵۷/۷/۲۹

\* \* \*

این حوزه‌های علمیه است که اسلام را تا حالا نگه داشته است. اگر روحانیون نبودند از اسلام خبر نبود. آنکه اسلام را زنده نگه داشته است در مواقع سیاه، در این زمانهای سیاه، همین روحانیین بودند. پشتیبانی کنید از اینها. (۲۴)

۵۷/۱۲/۱۰

\* \* \*

همه آمال ما این است که احکام اسلام به انطوری که هست در بین

مسلمین پیاده بشود و اسلام به آنطوری که هست معرفی بشود و فقه اسلام تدریس بشود، تعلم بشود، حفظ بشود، که با حفظ احکام اسلام، اسلام محفوظ است و حفظ احکام اسلام بسته به وجود طبقه روحانیون سلام الله علیهم [است]. (۲۵)

۵۷/۱۲/۱۵

\* \* \*

از آن کسانی که مروج اسلام هست می ترسند، از منبری می ترسند، برای اینکه مروج اسلام است. از روحانی و اهل محراب می ترسند، برای اینکه مروج اسلام است. چون از اسلام می ترسند، هر چیزی که دنباله اسلام باشد، هر چیزی که ترویج از اسلام بکند، از آن می ترسند و نمی خواهند آن را. (۲۶)

۵۸/۳/۱۱

\* \* \*

ما قانون اساسی مسکو را که نمی خواهیم درست بکنیم؛ و یا قانون اساسی امریکا را. ما می خواهیم قانون اساسی اسلام را درست کنیم. اسلام شناس باید در اینجا دخالت داشته باشد. اسلام شناس روحانیون هستند، و بعضی از اشخاصی که در روحانیت داخل هستند، ولو از صنف دیگر، لکن اطلاعات اسلامی - سیاسی دارند. (۲۷)

۵۸/۳/۲۶

\* \* \*

باید شما سخنگوی اسلام باشید، این شغل شماست و این شغل اگر واقعیته داشته باشد، از همه شغلها بالاتر است؛ برای اینکه مقاصد

اسلام با زبان شما ادا می‌شود، همه مقاصد اسلام؛ و مسئولیتش از همه چیز زیادتر است. (۲۸)

۵۸/۴/۱۷

\* \* \*

روحانیون در طول تاریخ مقدّم بر دیگران در فعالیت بودند و قلمهای فاسد، این فعالیت روحانیون را سرپوش کرده است که هیچ؛ شاید گاهی هم برخلاف جلوه داده‌اند. از بعد از هجرت رسول اکرم و در طول زمان غیبت امام - سلام الله علیه - تا حالا، آن که حفظ کرده است اسلام را و حفظ کرده است ملت اسلامی را این طبقه روحانیون بوده‌اند. شماها بودید که مردم را حفظ کردید و اسلام را به مردم معرفی کردید و ملت اسلام را روشن کردید؛ و آن کسی که با شماها دشمنی داشته باشد، او با اسلام دشمنی دارد. آنهایی که مخالفت با شماها می‌کنند، اولاً با اسلام مخالفند؛ و چون شما را خادم اسلام می‌دانند، با شما مخالفند. آن چیزی که پیش من طرح است، این است که ما همه در یک ردیف باشیم. من را از خودتان حساب نکنید. مسئله طبقاتی نیست در کار، همه در یک صف واقع هستیم و باید همه در این صف، این صف واحد، خدمت کنیم. (۲۹)

۵۸/۶/۱۸

\* \* \*

از شماها هم که می‌ترسند به عنوان اینکه شما هم مُبیین اسلام هستید و می‌خواهید که اسلام را در خارج محقق کنید. (۳۰)

۵۸/۶/۲۲

\* \* \*

آنهایی که بر ضد روحانیت حرف می‌زنند، قلمفرسایی می‌کنند، و حالا بیشتر، برای اینکه می‌بینند این روحانیت است که اسلام را نگه داشته؛ و این اسلام است که با منافع آنها مخالف است. (۳۱)

۵۸/۷/۴

\* \* \*

اسلام بدون روحانیت مثل کشور بدون طبیب است. (۳۲)

۵۹/۱۲/۱۴

\* \* \*

حالا این مطلب را هم باید عرض کنم به عموم حوزه‌های علمیه، حوزه قم، حوزه مشهد و همه حوزه‌های علمیه که شما می‌بینید که در رأس اهداف خبیثه دولتهای بزرگ واقع شدید. این برای چیست؟ برای اینکه ملت شما را به عنوان فقها، به عنوان علما، به عنوان علمای دینی می‌شناسد و تکلیف الهی خودش را تبعیت می‌داند. پس حفظ این حوزه‌ها، حوزه‌های فقاقت، حفظ این حوزه‌های علمی به همان معنایی که سابق بود، باید بماند. جدیت بکنید در اینکه تحصیل بکنید و محصل زیاد کنید، ملاً زیاد کنید. خیال نکنید که حالا ما دیگر احتیاجی نداریم، ما تا آخر احتیاج به علما داریم. اسلام تا آخر احتیاج دارد به این علما. این علما اگر نباشند، اسلام از بین می‌رود. اینها کارشناس‌های اسلام هستند و حفظ کردند اسلام را تاکنون و باید اینها باشند تا اسلام محفوظ بماند. اسلام با روشنفکر محفوظ نمی‌ماند. روشنفکرش آن است که آیه صریح قرآن را مسخره می‌کند. (۳۳)

۶۰/۶/۱۸

\* \* \*



اگر فقهای اسلام، از صدر اسلام تا حالا نبودند، الآن ما از اسلام هیچ نمی‌دانستیم. این فقها بودند که اسلام را به ما شناساندند و فقه اسلام را تدریس کردند و نوشتند و زحمت کشیدند و به ما تحویل دادند. و ما باید همین جهت را حفظ بکنیم. (۳۴)

۶۰/۶/۱۸

\* \* \*

باید توجه کنید که اسلام همان است که از صدر اسلام تا کنون فقها آن را حس کرده‌اند. در بعضی موارد، قدرت داشته‌اند و پیاده کرده‌اند و در بیشتر موارد، دست نخورده در قرآن و اخبار و کتابهای فقه موجود است. (۳۵)

۶۰/۷/۲۹

\* \* \*

روحانیون در همه بلاد، حافظ اسلامند و حافظ مقاصد اسلامی هستند و از اول هم بوده‌اند.

اگر روحانیون نبودند، ما الآن از اسلام اطلاعی نداشتیم. این مجاهدت روحانیون است که از خود شما هستند؛ مجاهدت آنهاست که برای ما اسلام را تا کنون نگه داشته است. (۳۶)

۶۰/۸/۲۵

\* \* \*

آن چیزی که باز تشخیص دادند این است که اینها داعی اسلام هستند و اینها به مردم اسلام را یاد می‌دهند و دعوت می‌کنند مردم را به اسلام؛ از این جهت، بیشتر از سایر طوایف مورد نظرشان هست

و هدفشان. (۳۷)

۶۰/۹/۲۱

\* \* \*

مسئله برنامه از مهمات یک کشور است. و چنانچه بدون برنامه، یک کشوری بخواهد اداره بشود، نمی‌شود اداره بشود، باید برنامه باشد. برنامه ریزیها را باید با کمال دقت، اشخاصی که تخصص دارند، اشخاصی که توجه به مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی و مسائل اسلامی دارند، اینها باید با کمال دقت بررسی کنند و متحداً با هم برنامه ریزی کنند و برای کشور راه برنامه ریزی، راهی باز می‌کند برای پیشبرد مقاصد کشور. لکن یک نکته را عرض کنم و آن اینکه اگر برنامه ریزی را بدون نظارت روحانیون بکنند - یعنی، متخصصینی که از روحانیون هستند - این موجب این می‌شود که برنامه را که ریختید ببرید مجلس، مجلس رد کند؛ آنها قبول کردند، ببرید در کمیسیونی که تخصص در این امر دارند، آنها رد کنند. از اینجا بگذرد، ببرید در شورای نگهبان، آنجا رد کنند. این اسباب این می‌شود که کارها معطل بماند. شما در این اجتماعاتی که می‌خواهید بکنید، روحانیونی که در این امر تخصص دارند، آنها را دعوت کنید که نظارت کنند که یک وقت - خدای نخواست - برخلاف اسلام چیزی واقع نشود، که اگر برخلاف اسلام واقع بشود، جز اینکه شما زحمتتان هدر رفته است، کاری نکرده‌اید؛ برای اینکه بالاخره وقتی رسید به شورای نگهبان، شورای نگهبان رد می‌کند. آنوقت شما مدت‌ها زحمت کشیده‌اید زحمتتان از بین رفته است، دوباره از سر باید شروع کنید. این را از اول یک کسی که تخصص داشته باشد در امور

اسلامی و بینایی و توجه به مسائل کشور و به گرفتاریهایی که امروز ما در کشور داریم، توجه به این مسائل روی هم رفته داشته باشد، آن هم حاضر باشد و با شما کمک کند و نظارت کند تا اینکه مسائل مطابق ارزشهای اسلامی باشد. وقتی مطابق شد، دیگر آسان می شود؛ مجلس که برود مجلس قبول می کند و شورای نگهبان هم که برود، شورای نگهبان هم قبول می کند. این اسباب تند شدن کار می شود. آنطور، اسباب این می شود که کارها [به] تعویق بیفتند. و در حالی که برنامه لازم داریم و محتاج است کشور ما به برنامه، چندین ماهی دست به دست برود، از این کانال رد بشود، آن کانال رد کنند تا آخر هم به نتیجه نرسد. و اما اگر متخصصین در اصل برنامه ریزی، متخصصین در امور اسلامی، اینها با هم مجتمع بشوند و برنامه را درست بکنند که مطابق ارزشهای اسلامی باشد، آنوقت دیگر بزودی کار تمام می شود و بهتر هم خواهد شد. و من امیدوارم که ان شاء الله، این کار را جدیت کنید که بشود. (۳۸)

۶۱/۹/۱۱

\* \* \*

هر طایفه‌ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته‌ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به

سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و رؤسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم‌الشان آوردند. (۳۹)

۶۵/۵/۱۶

\* \* \*

علمای بزرگ اسلام در همه عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند. اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علمی به عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت - علیهم السلام - به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین - علیهم السلام - و ثبت و تبویب و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون «کتب اربعه» و کتابهای دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم. اگر ما نام اینهمه زحمت و مرارت را جهاد فی سبیل الله نگذاریم، چه باید بگذاریم؟ (۴۰)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

## علماء، ناصح و مشفق امت

شما<sup>۱</sup> بنا ندارید به نصیحت علمای اسلام که ناصح ملت و مشفق امتند، توجه کنید؛ و گمان کردید ممکن است در مقابل قرآن کریم و قانون اساسی و احساسات عمومی قیام کرد. علمای اعلام قم و نجف اشرف و سایر بلاد تذکر دادند که تصویبنامه غیرقانونی شما برخلاف شریعت اسلام، و برخلاف قانون اساسی و قوانین مجلس است.

اگر گمان کردید می شود با زور چند روزه قرآن کریم را در عرض «اوستا»ی زرتشت، «انجیل» و بعض کتب ضاله قرار داد، و به خیال از رسمیت انداختن قرآن کریم، تنها کتاب بزرگ آسمانی چند صد میلیون مسلم جهان، افتاده‌اید و کهنه‌پرستی را می‌خواهید تجدید کنید، بسیار در اشتباه هستید. اگر گمان کردید با تصویبنامه غلط و مخالف قانون اساسی می‌شود پایه‌های قانون اساسی را که ضامن ملیت و استقلال مملکت است، سست کرد و راه را برای دشمنان خائن به اسلام و ایران باز کرد، بسیار در خطا هستید.

اینجانب مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید، و از عواقب و خیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون بترسید؛ و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید؛ و الا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد. (۴۱)

۴۱/۸/۱۵

\* \* \*

---

۱. اسدالله علم، نخست‌وزیر وقت.

این اجتماع که برای دیگران خرج دارد، برای ما با یک کلمه تهیه می‌شود. مردم فهمیده‌اند ما دوست آنها هستیم؛ مردم به دوستشان علاقه دارند. روحانیین پدر ملتند، به فرزندان‌شان علاقه دارند. یک پیرمردی نصف شب می‌نویسد: جمع شوید دعا کنیم، تهران حرکت می‌کند! یک پیرمرد هم اینجا بنویسد ما می‌خواهیم یک ختم «أَمَّنْ يُجِيبُ» بگیریم، ببینید چه می‌شود! چون ملت ادراک کرده است که علما صلاح آنها را می‌خواهند؛ علما مصلح هستند، مفسد نیستند. ما میل داریم دولت اینطور باشد. میل داریم اگر عزای ملی اعلام کند، همه عزا بگیرند؛ برخلاف نباشند. می‌خواهیم همان طور که مردم قلبشان متوجه روحانیین است و با اشاره آنها جمعیت انبوه فراهم می‌شود، با دولت هم اینطور باشند.

از ری نوشتند ما پنج هزار نفر با کفن آماده‌ایم؛ از جاپلق<sup>۱</sup> نوشتند ما صد هزار نفریم، مهیای دستور شماییم؛ از لرستان نوشتند طایفه‌هایی با کفن حاضریم. مردم بیدارند؛ یک مملکت بیدار، عقب افتاده است؟ شما خلع سلاح کنید، بیاییم در تهران؛ شما بگویید ما یک اجتماع می‌خواهیم در شرق، ما می‌گوییم یک اجتماع می‌خواهیم در غرب؛ بیایید قم، شما بگویید ما یک اجتماع می‌خواهیم در اینجا، ما می‌گوییم یک اجتماع می‌خواهیم در خاک فرج،<sup>۲</sup> در دو فرسخی؛ شما نزدیک، ما دور. بروید خوزستان، جای دیگر، تا بفهمند [و] این پشتوانه را از دست ندهند. من به شاه مملکت نصیحت می‌کنم این قوه را از دست ندهند. (۴۲)

۴۱/۹/۱۱

\* \* \*

۱. ناحیه‌ای است در استان اصفهان.

۲. محلی در اطراف قم.

نصیحت از واجبات است؛ ترکش شاید از کبایر باشد. از شاه گرفته تا این آقایان، تا آخر مملکت، همه را باید علما نصیحت کنند. (۴۳)

۴۱/۹/۱۱

\* \* \*

شما به احکام اسلام اعتقاد پیدا کنید، ما همه جزو سازمان شما؛ همه ملت، همه ملت جزو شما. مگر ما به این ملت یک پولی داده‌ایم که با ما دوستند؟ مگر ما به این ملت یک رشوه‌ای داده‌ایم که با ما رفیقند، ما را می‌خواهند؟ اینها فهمیده‌اند، اعتقاد به این معنا پیدا کرده‌اند، که این آقایان، این مراجع بزرگ اسلام، این طلبه خمینی، اینها می‌خواهند مردم را؛ دوست دارند مردم را؛ صلاح حال ملت را می‌خواهند؛ صلاح حال مملکت را می‌خواهند؛ این اعتقاد در قلب مردم است؛ انسان هم تابع احساسات قلبش هست؛ همه تبعیت می‌کنند. (۴۴)

۴۳/۱/۲۶

\* \* \*

علما و روحانیون که می‌گویند باید قدرت سرنیزه در مقدرات کشور دخالت نکند، باید وکلای پارلمان مبعوث از ملت باشند، باید دولتها ملی باشند، باید اختناق از مطبوعات برداشته شود و سازمانها نظارت در آنها نکنند و آزادی را از ملت مسلمان سلب ننمایند، برای آن است که این ننگها را بر ملت تحمیل نکنند و ما را مواجه با این مصیبتها نمایند. (۴۵)

۴۳/۸/۴

\* \* \*

هر چه رفتید به دهقانها گفتید که خیر این آخوندها اگر بیایند روی کار شما دیگر کارتان زار است، از شما گوش نکردند برای اینکه آخوندها کار اینها را زار نمی‌خواهند بکنند؛ آخوندها می‌خواهند اینها را از این نکبت بیرون بیاورند، از اینکه گول خوردند بیچاره‌ها، از این نکبت بیرون بیاورند. و من کراراً گفته‌ام این معنا را که اگر چنانچه اختیار دست ما بیاید اینطور نیست که ما اینهایی که ده‌تاده، صدتاده داشته‌اند، ده‌هایشان را برگردانیم. اینها حساب دارند، اینها سالهای طولانی حساب باید پس بدهند. اینها می‌آیند به این کشاورزها، دهقانها به اصطلاح خودشان می‌روند تبلیغات می‌کنند که اگر چنانچه چه بشود، چه بشود. آنها شما را شناخته‌اند! تا حالا چه کردید برای آنها؟ تا حالا اینها را به بدبختی انداختید. چرا آمدند اطراف تهران توی این زاغه‌ها زندگی می‌کنند؟ ما می‌خواهیم اینها را دستشان را از این زاغه‌ها بگیریم بیرون بیاوریم؛ ما می‌خواهیم این انگلی که ایران دارد، که انگل غیر است، بسته به غیر است، از این بستگی بیرونش بیاوریم. ما حرفمان ابهامی ندارد. (۴۶)

۵۷/۱۰/۱۷

\* \* \*

### علماء، امین و خادم مردم

آیا علمای اسلام که حافظ استقلال و تمامیت کشورهای اسلامی هستند، گناهی جز نصیحت دارند؟ آیا حوزه‌های علمی، غیر از خدمت به اسلام و مسلمین و کشورهای اسلامی گناهی دارند؟ (۴۷)

۴۶/۱/۲۶

\* \* \*



شما پشتوانه‌تان ملت است. ملت باز مسلمان است، این ملت مسلمان  
علاقه دارد به اسلام، علاقه دارد به روحانی اسلام. روحانی اسلام باید  
خدمت بکند؛ اگر خدمت نکند، مردم عمل روحانی با او  
نمی‌کنند. (۴۸)

۵۶/۷/۶

\* \* \*

پس از اهدای سلام و تحیات وافره، به عرض محترمتان می‌رساند، در  
این موقع که دست جنایتکاران و دژخیمان شاه بیش از پیش به خون  
جوانان و اطفال ما آغشته شده است، و کشتگان و مجروحان بسیاری  
به جا گذاشته و عده کثیری را در سراسر کشور بی‌خانمان و  
بی‌سرپرست نموده است، و حضرات آقایان و اینجانب را به عزا  
نشانده است؛ در این موقع که اعتصابات و تعطیلات عمومی برای  
اعتراض به دستگاه جبار و احقاق حق مردم بی‌پناه صورت گرفته  
است؛ بدیهی است این حوادث ضایعاتی را به دنبال دارد و قشرهایی  
از کسبه و کارمندان و کارگران محترم و محروم دچار مضیقه شده و  
می‌شوند؛ و این امر موجب نگرانی شدید اینجانب است؛ لهذا از  
حضرات آقایان تقاضای محترمانه دارم که در تمام شهرستانها و توابع  
آنها، هیأت‌هایی را که مورد وثوق هستند انتخاب و مقرر فرمایید تا نیاز  
نیازمندان را، چه از حیث لزوم جراحی و چه از حیث فقدان  
سرپرست، و چه در اثر گرفتاریهای اقتصادی‌ای که در اثر اعتصابات و  
تعطیلات بحق خود با آن دست به گریبانند، بر طرف نموده و به قدر  
مقدور نیازهای آنان را رفع کنند تا با پشتگرمی با اعتصابات خود  
ضربه شدیدی بر پیکر دشمن وارد آورند. و بر ملت شجاع و آگاه  
است که خود نیز مستقیماً به خواهران و برادران خود کمک کنند و

دین الهی خود را ادا نمایند.

حضرات آقایان مجازند از سهم مبارک امام - علیه‌السلام - در این امر مشروع و مقدس صرف نمایند؛ و وکلای اینجانب در هر جا که هستند مجازند تا نصف سهم مبارک امام - علیه‌السلام - را صرف این نیازها نمایند. و نیز حضرات آقایان از بازرگانان و مردم خیرخواه دعوت نموده و آنان را تشویق کنند تا نگذارند برادران و خواهران آنان که در راه اسلام و احقاق حق خود صدمه دیده‌اند، و به ملت بزرگ خدمت کرده‌اند و در راه آن خون داده‌اند، به سختی بیفتند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و سربلندی ملت عظیم‌الشان اسلام و ایران را خواستارم و قطع ایادی اجانب را امیدوار. (۴۹)

۵۷/۸/۱۸

\* \* \*

مردم ایران علاقه اسلامی دارند به روحانیون و هر کمکی روحانیون بخواهند به آنها می‌دهند و احتیاجی به کمک خارجی ندارند. (۵۰)

۵۷/۱۱/۳

\* \* \*

من از همه اقشار ملت متواضعانه تشکر می‌کنم. من در خدمت شما هستم. روحانیت در خدمت اسلام و در خدمت ملت است. (۵۱)

۵۸/۲/۲

\* \* \*

مردم به عنوان اینکه اینها اسلامی هستند و معرف اسلام هستند همه ما اینطوری هستیم. به عنوان اینکه ما یک آدمی هستیم خدمتگزار اسلام

هستیم مردم ما را می‌پذیرند؛ و الا چشم و ابروی سیاهی که ما نداریم که مردم برای خاطر او ما را بپذیرند. اینها می‌دانند که ماها خدمتگزار هستیم به آنها و خدمتگزارها را به آنها علاقه دارند. (۵۲)

۵۸/۶/۲۳

\* \* \*

ما یک همچو دانشگاهی می‌خواهیم هم‌تراز با حوزه‌های علمیه که وابستگی هیچ روز نداشته‌اند با خارج و اگر یک کس، یک نفر، دو نفر، وابستگی داشتند، رسوا هستند. ما می‌خواهیم دانشگاهی باشد که هم‌فکر باشد با دانشگاه‌های علمی قدیمی که آنها هیچ روز وابسته به خارج نبودند و اگر فردی یا افرادی از آنها منحرف بودند در بین آنها رسوا بودند. ما می‌خواهیم یک همچو مطلبی تحقق پیدا بکند. (۵۳)

۶۰/۳/۴

\* \* \*

روحانیونی که در حوزه‌های علمیه بوده‌اند و بزرگ شده‌اند در آنجا، اینها با مجاهدات می‌توانند از آن محل خارج بشوند و در جاهای دیگر خدمت کنند. همچو نیست که بعضی امثال منافقین تصور می‌کنند که حالا دیگر آخوندها مثلاً دستشان چه افتاده و چه می‌خواهند بکنند. اینها الآن هم با مجاهده می‌آیند، تکلیف شرعی است که امروز وارد بشوند در این مسائل؛ نه اینکه مقام پیش آنها مطرح است. آنها سی سال، چهل سال در حوزه‌ها با آن وضع حوزه‌ها گذرانده‌اند و عادت کرده‌اند... و اگر یک وقت تکلیف دیدند که در خارج حوزه‌ها باشد در خارج حوزه‌ها [خدمت می‌کنند]. (۵۴)

۶۱/۱۰/۱۹

لازم است به رهبر محترم آتیه، یا شورای رهبری، تذکری برادرانه و مخلصانه بدهم: رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ چیزی نیست که خودبخود ارزش داشته باشد، و انسان را خدای نخواست به غرور و بزرگان‌اندیشی خود وادارد. آن همان است که مولای ما، علی بن ابیطالب، درباره آن گوشزد فرموده است. اساساً انبیاء خدا - صلوات الله و سلامه علیهم - مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمت‌های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور، و خدمت به مظلومان و ستم‌دیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی.

شما که خود را پیروان اصحاب وحی و اولیاء عظیم الشان می‌دانید و بحمدالله هستید، خود را جز خدمتگزار به ملت‌های ستم‌دیده ندانید. (۵۵)

۶۲/۴/۲۲

\* \* \*

من امیدوارم که خداوند همه آقایان را موفق به خدمت کند. خداوند به ما منت گذاشته است که سفرای دولت ما همه از اشخاصی هستند که درد جامعه را می‌فهمند، زیرا بسیاری از آنها روحانی هستند که با مردم رابطه داشته‌اند و می‌دانند مردم چه وضعی داشته‌اند و درد آنها را ادراک می‌کنند. ولی سابق وضع این طور بود که افراد حکومت هیچ ارتباطی با مردم نداشتند و نمی‌فهمیدند که بر مردم چه می‌گذرد. ولی اکنون خدا خواسته است که حکومت مستضعفین تشکیل بشود که بحمدالله تاکنون عملکرد او خوب بوده است و امیدوارم از این به بعد بهتر باشد. (۵۶)

۶۴/۸/۱۱

جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می‌شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می‌کند. علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی‌کنند. (۵۷)

۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

### روحانیت، دژ اسلام و سنگر مقاومت

فقط جرم علمای اسلام و سایر مسلمین آن است که دفاع از قرآن و ناموس اسلام و استقلال مملکت می‌نمایند و با استعمار مخالفت دارند. (۵۸)

۴۱/۱۱/۳

\* \* \*

در روز وفات امام صادق - علیه السلام - با شعار «جاوید شاه» به مرکز امام صادق و به اولاد جسمانی و روحانی آن بزرگوار حمله ناگهانی کردند؛ و در ظرف یکی دو ساعت تمام مدرسه فیضیه، دانشگاه امام زمان - صلوات الله و سلامه علیه - را با وضع فجیعی، در محضر قریب بیست هزار مسلمان، غارت نمودند؛ و دربهای تمام حجرات و شیشه‌ها را شکستند. طلاب از ترس جان، خود را از پشت بامها به زمین افکندند. دستها و سرها شکسته شد. عمامه طلاب و سادات ذریه پیغمبر را جمع نموده آتش زدند؛ بچه‌های شانزده - هفده ساله را از پشت بام پرت کردند؛ کتابها و قرآنها را - چنانکه گفته شده -

پاره کردند. (۵۹)

۴۲/۱/۱۳

\* \* \*

این چیزهایی که مانع هستند، چیزهایی که سد راه هستند، این سدها را می‌شکنند؛ قرآن سد راه است، باید شکسته شود؛ روحانیت سد راه است، باید شکسته شود؛ مدرسه فیضیه سد راه است، باید خراب شود؛ طلاب علوم دینی ممکن است بعدها سد راه بشوند، باید از پشت‌بام بیفتند، باید سر و دست آنها شکسته شود برای اینکه اسرائیل به منافع خودش برسد؛ دولت ما به تبعیت اسرائیل به ما اهانت می‌کند. (۶۰)

۴۲/۳/۱۳

\* \* \*

ما می‌گوییم نکنید اینطور. خوب، ما همه از هم هستیم؛ اولاد یک خانواده هستیم، اهل یک مملکت هستیم، چرا ما را می‌خواهید بشکنید؟ ما مجاناً پشتوانه این مملکت هستیم، هیچ هم تحمیل بر بودجه شما نداریم. می‌سازیم؛ می‌سازیم با این کتکها، با این حبسها، با این زجرها، با این اهانتها، با این فحشها و برای این مملکت یک استوانه‌ای هستیم؛ ایستاده‌ایم اینجا. اگر خدای نخواست یک چیزی، یک خطری برای این مملکت پیش بیاید، ما ایستاده‌ایم در مقابلش و نمی‌ترسیم.

این آقایانی که می‌گویند که ما مملکت را می‌خواهیم حفظ کنیم، ما چطور هستیم و کذا هستیم، شما یادتان نیست که وقتی که متفقین آمدند اینجا، چطور فرار کردند این بیچاره‌ها از تهران تا به یزد. اگر

یک آخوند پیدا کردید فرار کرده [باشد]. (۶۱)

۴۳/۱/۲۶

\* \* \*

خدمت عموم طبقات ملت محترم ایران - ایدهم الله تعالی  
پس از اهدای سلام و تحیات؛ کراراً تذکر داده‌ام که تنها چیزی که  
می‌تواند سد راه اجانب و دولت استعمارگر باشد و نگذارد سلطه بر ذخایر  
ممالک اسلامی پیدا کنند اسلام و علمای جلیل اسلام است؛ و این حقیقتی  
است که در طول تاریخ برای دولت استعمارگر ثابت شده است. (۶۲)

۵۰/۸/۲۱

\* \* \*

اسلام و مذهب مقدس جعفری سدی است در مقابل اجانب و عمال  
دست‌نشانده آنها - چه راستی و چه چپی - و روحانیت که حافظ آن  
است سدی است که با وجود آن، اجانب نمی‌توانند به نحوی که  
دلخواه آنهاست، با کشورهای اسلامی و خصوصاً با کشور ایران  
رفتار کنند. (۶۳)

مرداد ۱۳۵۶

\* \* \*

آقا، اینطور نیست که شما خیال بکنید که ما اسلام را می‌خواهیم اما ملا  
نمی‌خواهیم. مگر می‌شود اسلام بی‌ملا؟ مگر شما می‌توانید بدون ملا  
کار را انجام بدهید. باز این ملاها هستند که جلو می‌افتند کار انجام  
می‌دهند. اینها هستند که جانشان را [می‌دهند]. الآن هم ما تو حبش  
ملاها داریم، الآن هم علما داریم، الآن هم علمای فداکار داریم، الآن

هم هستند توی حبس، و زیر بار این ظلمها نمی‌روند. پیششان می‌روند که شما هم یک عذری بخواهید، نمی‌خواهند. و ما هم خوب الآن هم داریم؛ الآن هم علمای ما در حبس هستند. (۶۴)

۵۶/۸/۱۰

\* \* \*

نمودهای بارزی از ضعف و سستی پایه‌های لرزان حکومت طاغوتی به چشم می‌خورد، به هم پیوستگی قشرهای بیدار ملت و طبقات مختلف از روحانی تا دانشگاهی، از خطیب تا نویسنده، از بازاری تا کارگر و دهقان چنان لرزه بر اندام رژیم افکنده؛ و چنان بر اعصاب شاه خائن فشار آورده و ضربه زده که با حمله‌های سبغانه به ملتی که سلاحش اسلام و پناهش قرآن مجید و شعارش کلمه توحید است، و به حوزه علمیه قم که دژ محکم وحی و عدالت و ملجأ مسلمین عدالتخواه است، و به مردم مسلم محترم قم که همواره سرباز فداکار اسلام و پشتیبان مکتب قرآن است، و بالاخره با حمله به فرهنگ نجاتبخش شیعه، خواست به فشار و حمله عصبی تخفیف دهد. (۶۵)

۵۶/۱۱/۲۴

\* \* \*

منطق قلدرها قلدری است، تفنگ است و مسلسل، مسلسل بستن به علمای دین. این منطق اینهاست: مدرسه فیضیه خراب کردن؛ گرفتن و ندادن. الآن تعطیل است مدرسه فیضیه؛ مع ذلک در عین حالی که مدرسه فیضیه را گرفتند غارت کردند، طلبه‌ها را غارت [کردند]، عمامه‌هایشان را آتش زدند، کتابهایشان را آتش زدند، قرآن را اهانت کردند، در عین حال همین جمعیت مرکزشان را در مدرسه حجتیه



قرار دادند و در مدرسه خان؛ حالا آنجا دارند کتک می خورند. صد دفعه دیگر هم کتک بخورند، یک مدرسه دیگر. اینها زنده شدند؛ بیدارند اینها. (۶۶)

۵۶/۱۱/۲۹

\* \* \*

از حضرات روحانیون عظیم الشان سرتاسر کشور - اعلی الله کلماتهم - که هادیان طریق نجات و پیشقدمان نهضت بزرگ اسلامی و سد بزرگ در مقابل ابرقدرتهای شرق و غرب و خدمتگزاران به ولی الله اعظم - ارواحنا فداه - هستید، با کمال تواضع و احترام تقاضا دارم که ضررهایی را که به مناسبت مسائل مبارزاتی - از هر نوع - بر طبقه ضعیف، که همیشه پیشقدمان مبارزات مردمی ما بوده اند، وارد شده و می شود، از سهم مبارک امام - علیه السلام - و وجوه شرعیه ترمیم فرمایند. من از زحمات ملت شریف خصوصاً روحانیت تشکر می نمایم. (۶۷)

۵۷/۸/۲۴

\* \* \*

آنکه ملاها را پیش می برد برای این است که اینها برای خدا دارند حرف می زنند، و عمال اسلام هستند و مردم علاقه به اسلام دارند. (۶۸)

۵۷/۱۰/۳

\* \* \*

آنکه می تواند تودهنی بزند آخوند است، آنی که با منبر و محرابش جلو توپ و تانک می ایستد آخوند است. (۶۹)

۵۷/۱۰/۲۸

من از آقایان علما و افاضل باید تشکر کنم. پیروزی ملت مرهون اقدامات علما - اولاً - و سایر طبقات - ثانیاً - بوده است. شما علما همان طوری که وظیفه شرعی تان هست که امام امت باشید، پیشقدم باشید در مسائل امت، دفع کنید مفسد را از ملتها، بحمدالله قیام به امر فرمودید. و من از قِبَل ملت شریف ایران از شما تشکر می‌کنم. (۷۰)

۵۷/۱۱/۱۴

\* \* \*

کسی که تاریخ را دیده است می‌بیند که روحانیون هم همیشه در هر عصری ... آنکه قیام کرده بر ضد طاغوت روحانیون بودند. در زمان مشروطه روحانیون قیام کردند، زمان تحریم تنباکو روحانیون قیام کردند، در این زمان هم که شما مشاهده می‌کنید قشر روحانی قیام کرد. هم خون داد، هم حبس رفت، هم زجر کشید، هم تبعیدی کشید، همه اینها را [تحمل کرد]؛ لکن قیام کرد. (۷۱)

۵۷/۱۱/۲۷

\* \* \*

این حوزه‌های علمیه است که اسلام را تا حالا نگه داشته است. اگر روحانیون نبودند از اسلام خبر نبود. آنکه اسلام را زنده نگه داشته است در مواقع سیاه، در این زمانهای سیاه، همین روحانیین بودند. پشتیبانی کنید از اینها. (۷۲)

۵۷/۱۲/۱۰

\* \* \*

امروز اشخاصی که دیده‌اند در رأس این قوا روحانیت بوده است و

روحانیت در همهٔ اقشار ملت - مقدم بر همهٔ اقشار - در این نهضت قیام کرده است و سایر ملت دنبال او، به واسطهٔ اسلامیت و به واسطهٔ قرآن مجید، قیام کرده است، در صدد برآمدند که با روحانیت معارضه کنند. آنهایی که در این نهضت هیچ حظی نداشتند، امروز از روحانیت انتقاد می‌کنند، می‌گویند روحانیت نباشد. این خیال خامی است برای اشخاص خام یا برای اشخاص خائن. روحانیت در رأس ما هست و ما تبع روحانیت هستیم. ملت ما تبع روحانیت است و اگر روحانیت در کار نبود، این نهضت به ثمر نمی‌رسید... من به همهٔ کسانی که برای کشور خودشان کار می‌خواهند بکنند و علاقه به کشور خودشان دارند نصیحت می‌کنم که این صف الهی را نشکنید. شکستن این صف، شکستن قرآن است، شکستن این صف، شکستن اسلام است؛ اگر بیرق اسلام در رأس ملت ما نباشد، تا آخر... برده و کارکن دیگران خواهند بود. آنهایی که به کشور خودشان علاقه‌مند هستند، این سد را نشکنند، و نمی‌توانند بشکنند. ملت، ملت با روحانیت است؛ آنکه به اسلام علاقه دارد، به کارمندان اسلام هم علاقه دارد. (۷۳)

۵۸/۲/۲

\* \* \*

آنهایی که به واسطهٔ الهام از دیگران یا به واسطهٔ کج‌فهمی خودشان خیال کردند که این دژ محکم را می‌توانند بشکنند در اشتباهند. این دژ دژ الهی است؛ این سد سد خدایی است؛ پشتوانهٔ این، امام زمان - سلام الله علیه - است. این حرفهای نامربوط را کنار بگذارند! ملت تحمل نمی‌تواند بکنند... [مرتب] «آخوند ارتجاعی» نگویند! غلط است این حرف؛ کشور شما را می‌برند اگر این آخوندها نباشند. ما

همه دیدیم که در همهٔ بلاد، معممین - معممین متعهد - در رأس مردم بودند و مردم را وادار کردند به اینکه نهضت کنند؛ و مردم هم اطاعت کردند. این دژ را خیال نکنید می‌توانید بشکنید! اسلام را نشکنید؛ قرآن را نشکنید. ملاحظهٔ حرفهای خودتان را بکنید، عاقلانه حرف بزنید، به اسلام خیانت نکنید... این سد را حفظ کنید تا کشور شما حفظ بشود. (۷۴)

۵۸/۲/۲

\* \* \*

هر کس تاریخ را بداند می‌داند که در طول تاریخ آنی که بر ضد قدرت قیام کرده روحانیون بود [ند] نه اینکه آنها روحانیون را درست کردند. روحانیون مردم را بعث کردند بر ضد آنها. (۷۵)

۵۸/۲/۳۰

\* \* \*

من به شما جمعیتها، جمعیتهایی که هر چند روز دور هم می‌نشینید، نصیحت می‌کنم. من علاقه دارم که همه سعادت‌مند باشید. من نصیحت می‌کنم که مسیر خودتان را از اسلام جدا نکنید. مسیر خودتان را از روحانیت جدا نکنید. این قدرت الهی را. این قدرت روحانیت که یک قدرت الهی است، از دست ندهید. اگر این قدرت از دست برود، شما هیچ خواهید بود. این قدرت روحانی است که مردم را به کوچه‌ها می‌کشد. قدرت اسلام است که از حلقوم روحانیت بیرون می‌آید. اینها را نشکنید. خدایا، تو می‌دانی که من برای اینکه معمم هستم از روحانیت طرفداری نمی‌کنم. برای اینکه می‌دانم این قشرند، این قشرند که می‌توانند ملت را نجات بدهند؛ این قشرند که مردم آنها

رامی خواهند. (۷۶)

۵۸/۳/۱۵

\* \* \*

اسلام با این سد بزرگ روحانیت تا حالا محفوظ مانده اگر خدای  
نخواست این سد شکسته بشود، اسلام شکسته می‌شود. از این جهت،  
وظیفه بسیار بزرگ است. وظیفه بسیار بزرگی به عهده ماست. (۷۷)

۵۸/۶/۱۸

\* \* \*

اسلام به دست روحانیون تا حالا زنده ماند [ه]. هیچ قشری، هیچ  
قشری در این مسئله دخالت نداشته است، جز خود روحانیون و  
خطبایی که در دنباله آنها بودند. از صدر اسلام تا حالا، اسلام به دست  
اینها به اینجا رسیده است. قشرهای دیگر؛ روشنفکر و امثال اینها از  
اسلام خیلی اطلاع ندارند؛ اگر هم داشتند کاری نداشتند به این کارها.  
در زمان رضاشاه و محمدرضا و خصوصاً زمان رضاشاه - که آنهایی که  
یادشان هست می‌دانند چه خبر بود - همین حوزه‌های علمیه با تمام  
ورشکستگی که پیدا کرده بودند و توسری که از همه اطراف  
می‌خوردند، مقاومت کردند و حفظ کردند، و همین خطبا باز  
اشخاصی بودند که گاهی صحبت می‌کردند و مسائل رایا به صراحت  
یا به کنایه، به مردم می‌گفتند. (۷۸)

۶۰/۸/۴

\* \* \*

پس از جنگ، از مدارس علمی و دانشگاهها، که در حقیقت قلب تپنده

و نبض زنده ملت هستند، شروع می‌کنیم. می‌دانیم که این دو مرکز در حقیقت دو شاخه‌اند از یک شجره طیبه و دو بازو از یک مقام انسان روحانی؛ که اگر به صلاح گرایند و تعهد روحانی خود را حفظ کنند و دست در دست هم در صف واحد و در خدمت به حق و خلق قیام کنند ملت را به کمال خود در دو بعد معنوی و مادی می‌رسانند و آزادی و استقلال را در کشور حفظ می‌کنند و چون سدی محکم و صفی و بنیانی مرصوص در مقابل تهاجم اجانب و نفوذ فساد ایستاده و ملت و کشور را با قامتی راست و پرچمی افراشته به سوی ترقی و تعالی سوق می‌دهند. (۷۹)

۶۳/۱۱/۲۲

\* \* \*

تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجرویها بوده‌اند. (۸۰)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

## روحانیت، پستوانه ملت و حافظ استقلال کشور

اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این ملت اسیر انگلیس یکوقت باشد؛ اسیر امریکا یکوقت باشد. اگر نفوذ روحانیین باشد نمی‌گذارد که اسرائیل قبضه کند اقتصاد ایران را! نمی‌گذارد که کالاهای اسرائیل در ایران بدون گمرک فروخته بشود! اگر نفوذ روحانیین باشد نمی‌گذارد که اینها سر خود یک همچو قرضه بزرگی را به گردن ملت

بگذارند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این هرج و مرجی که در بیت‌المال هست بشود. اگر نفوذ روحانیین باشد نمی‌گذارد که هر دولتی هر کاری می‌خواهد انجام بدهد ولو صددرصد بر ضد ملت باشد. اگر نفوذ روحانیین باشد نمی‌گذارد که مجلس به این صورت مبتدل درآید. اگر نفوذ روحانیین باشد نمی‌گذارد که مجلس با سرنیزه درست بشود تا این فضاحت از آن پیدا بشود. اگر نفوذ روحانیین باشد نمی‌گذارد که دختر و پسر با هم در آغوش هم کشتی بگیرند - چنانچه در شیراز شده است! اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که دخترهای معصوم مردم زیر دست جوانها در مدارس باشند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که زنها را در مدرسهٔ مردها ببرند، مردها را در مدرسهٔ زنها ببرند و فساد راه بیندازند. اگر نفوذ روحانیون باشد توی دهن این دولت می‌زنند! توی دهن این مجلس می‌زنند، و وکلا را از مجلس بیرون می‌کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد تحمیل نمی‌تواند بشود، یک عده از وکلا بر سرنوشت یک مملکتی حکومت کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارند یک دست نشاندۀ امریکایی این غلطها را بکند؛ بیرونش می‌کنند از ایران. نفوذ روحانی مضر به حال ملت است؟! نخیر، مضر به حال شماست! مضر به حال شما خائنهاست، نه مضر به حال ملت. (۸۱)

۴۳/۸/۴

\* \* \*

بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کنند. بر ارتش ایران است که اجازه ندهند چنین کارهای ننگینی در ایران واقع شود. از بالاترها، به هر وسیله هست، بخواهند این سند استعمار<sup>۱</sup> را پاره کنند؛ این

۱. اشاره به مصوبهٔ مجلس در خصوص مصونیت مستشاران امریکایی یا کاپیتولاسیون.

دولت را ساقط کنند؛ وکلایی که به این امر مفتضح رأی دادند از مجلس بیرون کنند. بر ملت است که از علمای خود بخواهند در این امر ساکت ننشینند. بر علمای اعلام است که از مراجع اسلام بخواهند این امر را ندیده نگیرند. بر فضلا و مدرسین حوزه‌های علمیه است که از علمای اعلام بخواهند که سکوت را بشکنند. بر طلاب علوم است که از مدرسین بخواهند که غافل از این امر نباشند. بر ملت مسلمان است که از وعاظ و خطبا بخواهند که آنان را که آگاه از این مصیبت بزرگ نیستند آگاه کنند. بر خطبا و وعاظ است که با بیان محکم، بی‌هراس، بر این امر ننگین اعتراض کنند و ملت را بیدار کنند. بر اساتید دانشگاه است که جوانان را از آنچه زیر پرده است مطلع کنند. بر جوانان دانشگاهی است که با حرارت با این طرح مفتضح مخالفت کنند؛ با آرامش و با شعارهای حساس، مخالفت دانشگاه را به ملت‌های دنیا برسانند. بر دانشجویان ممالک خارجه است که در این امر حیاتی که آبروی مذهب و ملت را در خطر انداخته، ساکت ننشینند. بر پیشوایان دول اسلامی است که فریاد ما را به دنیا برسانند، و از مراکز پخش آزاد، ناله جانسوز این ملت بدبخت را به جهان گوشزد کنند. بر علما و خطبای ملل اسلامی است که با سیل اعتراض این ننگ را از جبهه ملت معظم ایران، برادران اسلامی خود، بزدایند. و بر جمیع طبقات ملت است که از مناقشات جزئی موسمی خود صرف‌نظر کرده، و در راه هدف مقدس استقلال و بیرون رفتن از قید اسارت کوشش کنند. بر رجال شریف سیاسی است که ما را از مطالب زیر پرده که در مجلس گفته شده آگاه نمایند. بر احزاب سیاسی است در این امر مشترک با یکدیگر توافق کنند. (۸۲)



آیا علمای اسلام که حافظ استقلال و تمامیت کشورهای اسلامی هستند، گناهی جز نصیحت دارند؟ آیا حوزه‌های علمی، غیر از خدمت به اسلام و مسلمین و کشورهای اسلامی گناهی دارند؟ اجانب اینها را سد راه نفوذ خود می‌دانند و به انهدام و اضمحلال آنها کمر بسته و شماها مجری احکام دیگران و محکوم دلار هستید. (۸۳)

۴۶/۱/۲۶

\* \* \*

کراراً تذکر داده‌ام که تنها چیزی که می‌تواند سد راه اجانب و دَوْل استعمارگر باشد و نگذارد سلطه بر ذخایر ممالک اسلامی پیدا کنند اسلام و علمای جلیل اسلام است؛ و این حقیقتی است که در طول تاریخ برای دَوْل استعمارگر ثابت شده است....

باید ملت اسلام بدانند خدمتهایی که علمای دین به کشورهای اسلامی در طول تاریخ کرده‌اند قابل شمارش نیست. (۸۴)

۵۰/۸/۲۱

\* \* \*

حوزه‌های علمیه و علمای اعلام همیشه حافظ استقلال و تمامیت ممالک اسلامی بوده‌اند. خدمتهایی را که با الهام از اسلام برای آرامش و حفظ انتظامات کشورها کرده‌اند عُسُری از اعشار آن را دولت‌ها و قوای انتظامی نکردند؛ با آنکه هیچ تحمیلی بر بودجهٔ مملکت نداشته‌اند. در نظر اجانب و عمال خائن آنها باید این سنگر شکسته شود تا با خیال راحت به تاخت و تاز و چپاول و عیاشی به زندگانی ننگین خود ادامه دهند. (۸۵)

۵۰/۸/۲۱

آن مقداری که من مطلعم و نزدیک بوده به ما، شما نهضت‌هایی که واقع شده است، برخلاف چیزهایی که مخالف مصالح اسلام بوده، در این صد و چند سال، یکیش قضیه تنباکو بود که همه مطلع هستید. میرزا - رضوان‌الله علیه - میرزای شیرازی بزرگ<sup>۱</sup> - رضوان‌الله علیه - امر فرمود و علمای ایران، علمای بلاد ایران - رضوان‌الله علیهم - که در رأسشان میرزای آشتیانی<sup>۲</sup> بود، در تهران اجرا کردند این مطلب را و دولت ساقط شده ایران را زنده کردند؛ ساقط کرده بودند اینها، برای یک مقدار کمی که می‌خواستند بروند تعیش کنند و دوره‌گردی کنند، اینها فروخته بودند ایران را به خارجیها. و میرزای شیرازی - رضوان‌الله علیه - امر فرمود و سایر علمای ایران جانفشانی کردند و زجر کشیدند، زحمت کشیدند، قیام کردند، مردم را به قیام وا داشتند تا اینکه لغو شد. این نهضت در مقابل استبداد و مشروطیت؛ این نهضت از نجف شروع شد به دست علما. در ایران هم با دست علما بود که آن استبداد سخت که هرکاری می‌خواهد بکند، هرکس را بکشد، کشته... این سربازهای بیچاره [را] از اطراف آورده بودند، به آنها نان نمی‌دادند؛ کالسکه اعلیحضرت همایونی از طرف حضرت عبدالعظیم می‌رفت؛ اینها جمع شده بودند آنجا شکایت کنند، یکی هم سنگی زده بود؛ فرستاد اینها را - از قراری که در تاریخ هست - آوردند و جمع کردند اینها را و گفت اینها را اخفه کنید! عده کثیر اینها را اخفه کردند؛ تا یکی از

۱. آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی (۱۲۳۰ - ۱۳۱۲ ه. ق.)، مرجع تقلید بزرگ شیعه پس از مرحوم شیخ انصاری است، که فتوای معروف تحریم تنباکو را صادر کرد.

۲. میرزا محمدحسن آشتیانی (۱۲۴۸ - ۱۳۱۹ ه. ق.) از شاگردان بنام شیخ انصاری است. حاشیه‌ای بر رسائل به نام بحر الفوائد و کتاب القضاء از آثار اوست.

[رجال] - مستوفی الممالک<sup>۱</sup> بود، کی بود - رفت فریاد کرد: آخر این چه کاری است؛ شفاعت کرد. یک همچو مردمی بودند، یک همچو مستبدهایی بودند. آن محمدعلی میرزایش<sup>۲</sup> را همه می‌شناسند چه آدم - چه جانوری بوده. دیگرانش هم همین طور. در مقابل این استبداد، علما قیام کردند و یک نهضتی به وجود آوردند. و در صف اول علما بودند که می‌خواستند بشود، نشد؛ نه اینکه شد. اگر شده بود خوب بود. نتوانستند. خوب وقتی نتوانستند چه بکنند آنها؟ اما بهتر شده از آن وقت - از آن وقت که یک مردکه‌ای هر کاری بکند «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ»<sup>۳</sup> - از آن وقت بهتر شد. منتها نماسید آنی که می‌خواستند. خوب، متمم قانون اساسی با زحمت علما درست شد لکن عمل نکردند [به] متمم قانون. الآن این دولت ایران رسمی نیست، دولت رسمی نیست، قانونی نیست. الآن این وکلای ایران قانونی نیستند، اینها رسمی نیستند. به حَسَبِ قوانین اساسی، این مجلس ایران الآن رسمی نیست. مجلس ایران به حَسَبِ قانون اساسی باید پنج نفر از فقها ناظر بر آن باشند؛ حالا یک نفرش هم هست؛ اصلاً نظارتی در کار هست؟ اصلاً وکالتی در کار هست؟ یا نصب است؟ قضیه نصب است. نخواستند، خواستند بشود نشد. خوب باز هم تا آن اندازه‌ای که بود باز نهضت روحانیون بود. باز همت روحانیون بود و دیگران هم تبعیت می‌کردند. البته دیگران هم سهم داشتند اما روحانیون هم در صف اول بودند.

۱. میرزا یوسف آشتیانی (۱۲۲۷-۱۳۰۳ ه. ق.) ملقب به «مستوفی الممالک» و معروف به «آقا» است. وی از رجال شریف و درستکار دوران قاجاریه و مورد توجه میرزا تقی خان امیرکبیر بود.

۲. محمد علیشاه (۱۲۸۹-۱۳۴۳ ه. ق. / ۱۳۰۴ ه. ق.) وی فرزند ارشد مظفرالدین شاه قاجار بود. در زمان او مجلس را به توپ بستند و جمعی از نمایندگان را کشتند و عده‌ای از آنها را تبعید یا زندانی کردند. یک سال پس از این ماجرا، وی از سلطنت خلع شد.

۳. نسبت به افعال خود، مورد سؤال واقع نمی‌شود.

در قضیه عراق اگر چنانچه این مجاهدات علمای عراق نبود ... پسر سید<sup>۱</sup> در جنگ کشته شد - پسر مرحوم آقاسید محمدکاظم<sup>۲</sup> در جنگ کشته شد. علمای اینجا تفنگ به دوش گرفتند رفتند مقابله، مرحوم آقای خوانساری - آقای آقاسید محمدتقی خوانساری<sup>۳</sup> - رضوان‌الله علیه - به حبس رفت یعنی [انگلیسیها] گرفتند اسیرش کردند. با یک عده دیگری اسیر کردند و بردند در خارج، که ایشان می‌فرمود که ما را می‌شمرند: یک، دو، سه، چهار، تحویل یک کسی می‌دادند؛ آن وقت می‌گفتند اینها آدم می‌خورند، اینکه می‌شماریم برای این است که اینها آدم‌خورند! و رعایایی بودند که - در جاهایی بودند که - آدم می‌خورند و ما می‌شماریم که مبادا شما را بخورند! قضیه عراق را میرزای شیرازی دوم<sup>۴</sup>، این شخص عظیم‌الشأن، این شخص بزرگ، این شخص عالی‌المقام در علم و در عمل، این نجات داد عراق را. او حکم جهاد داد و فرستاد اینها را به [جنگ] و - عرض می‌کنم - آن وقت هم تبعیت می‌کردند عشایر از علما؛ مثل حالا نبود، تبعیت می‌کردند. عشایر آمدند خدمت ایشان و ایشان حکم داد، حکم جهاد داد. جهاد کردند، کشته دادند، کشته شدند، چه کردند و چه کردند تا مستقل کردند عراق را. اگر نبود حالا ما اسیر بودیم، حالا ما هم جزو مستعمره انگلستان بودیم. آن هم با جدیت علما واقع شد.

این علمای عراق را که تبعید کردند به ایران، برای مخالفتی بود که

۱. آیت‌الله سیدمحمد طباطبائی یزدی، فرزند آیت‌الله محمدکاظم طباطبائی یزدی است. وی از علمای مشهور مقیم عراق بود که بر ضد انگلیسی‌ها اعلان جهاد داد و خودش در این جهاد به شهادت رسید.

۲. آیت‌الله سیدمحمد کاظم طباطبائی یزدی (۱۲۴۷ - ۱۳۳۷ ه. ق.) از علما و مراجع بزرگ شیعه بوده است. کتاب ارزشمند عروة‌الوفاقی از اوست.

۳. آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری (۱۳۰۵ - ۱۳۷۱ ه. ق.) پس از مرحوم آیت‌الله حائری، مرجع تقلید شیعه و از اداره‌کنندگان حوزه علمیه قم بود. وی در عراق علیه مهاجمان انگلیسی جنگید.

۴. میرزا محمدتقی بن محبعلی شیرازی (۱۳۳۸ ه. ق.) پس از مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی، ریاست شیعه را دارا شد و رهبری مبارزات شیعیان در عراق بر علیه انگلستان را برعهده داشت.

می‌کردند با دستگاہها. مرحوم آسید ابوالحسن<sup>۱</sup> و مرحوم آقای نائینی<sup>۲</sup> و مرحوم شهرستانی<sup>۳</sup> و مرحوم خالصی<sup>۴</sup>، اینها را که تبعید کردند از عراق به ایران، برای این بود که اینها برخلاف اینها صحبت می‌کردند، خلاف این دستگاہها حرف می‌زدند؛ از این جهت تبعید کردند و اینها را هم فرستادند به ایران که ما خودمان دیگر اینها را شاهدیم. در زمان این مرد سیاهکوهی، در زمان این رضاخان قلدر نانجیب، یک قیام از علمای اصفهان شد، ما حاضر واقعه بودیم. علمای اصفهان از اصفهان آمدند به قم و علمای بلاد هم از اطراف جمع شدند در قم و نهضت کردند برخلاف اینها. حالا نهضت را شکستند. اینها زور که نداشتند. آنها نهضت را شکستند؛ حالا با فریب یا با هر چی. یک نهضت نهضت علمای خراسان بود: مرحوم آقازاده و مرحوم آقاسید یونس<sup>۵</sup> و سایر علمای آن وقت - همه را گرفتند آوردند در حبس، در تهران. و من خودم مرحوم آقازاده<sup>۶</sup> - رضوان‌الله علیه - را، امیرزا محمود آقازاده - رضوان‌الله علیه - را دیدم که یک جایی نشسته بود بدون عمامه. با اینکه تحت مراقبت بود، یک جایی نشسته بود بدون

- 
۱. آیت‌الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۷۷-۱۳۶۵ ه. ق.) از عالمان بزرگ که مرجعیت شیعیان را بر عهده داشت و یک بار از عراق تبعید گردید.
  ۲. میرزا حسین بن عبدالرحیم نائینی (۱۲۷۳-۱۳۵۵ ه. ق.) پس از میرزا محمدتقی شیرازی، مرجعیت تامه پیدا کرد. وی پس از انقلاب عراق (۱۳۳۷ ه. ق.) به ایران تبعید گردید.
  ۳. آیت‌الله سیدعلی شهرستانی از مجتهدان معروف شیعه در انقلاب عراق بود. که پس از انقلاب عراق (۱۳۳۷ ه. ق.) به ایران تبعید گردید.
  ۴. آیت‌الله خالصی از علمای شیعه و از رهبران نهضت عراق در برابر انگلستان بود که اول به حجاز، و سپس به دلیل اعتراضات علما و مردم به ایران تبعید شد.
  ۵. آیت‌الله سیدیونس اردبیلی (۱۲۹۳-۱۳۷۷ ه. ق.) از مراجع بزرگ شیعه بود. وی در واقعه مسجد گوهرشاد دستگیر، و به اردبیل تبعید شد.
  ۶. میرزا محمد آقازاده (۱۲۹۴-۱۳۵۶ ه. ق.) فرزند آخوند خراسانی، که بر علیه رضاخان مبارزه می‌کرد. وی پس از واقعه گوهرشاد به اعدام محکوم شد؛ ولی بر اثر اقدامات علما، رژیم مجبور شد او را زندانی، و سپس در تهران تحت نظر قرار دهد.

عمامه و کسی هم حق نداشت پیش او برود؛ و ایشان را بدون عمامه می‌بردند توی خیابان به دادگستری، محاکمه می‌کردند. آن وقت هیچ خبری از این احزاب نبود. در این قیامهایی که اینها کردند از این احزاب اصلاً خبری نبود؛ بودند اما مرده بودند. یک نهضت هم از آذربایجان شد: مرحوم آمیرزا صادق آقا<sup>۱</sup>، مرحوم انگجی<sup>۲</sup>، آنها هم نهضت کردند. آنها را هم گرفتند بردند. مدت‌ها در تبعید بودند که مرحوم آمیرزا صادق آقا بعد از آن هم که گفتند که شما آزادید دیگر نرفت به آذربایجان؛ در صورتی که آذربایجان او را خیلی گرامی می‌داشتند، هیچ دیگر نرفت. در قم آمدند و تا آخر عمرشان در قم بودند و ما هم خدمتشان می‌رسیدیم.

مرحوم مدرس<sup>۳</sup> - رحمه‌الله - خوب، من ایشان را هم دیده بودم. این هم یکی از اشخاصی بود که در مقابل ظلم ایستاد؛ در مقابل ظلم آن مرد سیاهکوهی، آن رضا خان قلدر ایستاد و در مجلس بود ... ایشان را به عنوان طراز اول، علما فرستادند به تهران و ایشان با گاری آمد تهران. از قراری که آدم موقفی نقل می‌کرد، ایشان یک گاری آنجا خریده بود و اسبش را گاهی خودش می‌راند، تا آمد به تهران. آنجا هم یک خانه مختصری اجاره کرد. و من منزل ایشان مکرر رفتم؛ خدمت ایشان - رضوان‌الله‌علیه - مکرر رسیدم. ایشان به عنوان طراز اول آمد لکن طراز اول که اصلاً از اول موضوعش متفی شد. بعد ایشان وکیل می‌شد. هر وقت هم که ایشان وکیل می‌خواست بشود، وکیل اول؛ در تهران وکیل اول مدرس بود. ایشان در مقابل ظلم تنها می‌ایستاد و صحبت می‌کرد، و

۱. آیت‌الله میرزا صادق (۱۲۷۴ - ۱۳۵۱ ه. ق.) فقیه شیعه و مرجع تقلید مردم آذربایجان بود.

۲. حاج میرزا ابوالحسن انگجی (۱۲۸۲ - ۱۳۵۷ ه. ق.) از فقها و مراجع شیعه در تبریز بود. در سال ۱۳۵۳ ه. ق. توسط رژیم دستگیر، و به سنندج و سپس به قم تبعید گردید.

۳. آیت‌الله سیدحسین مدرس در سال ۱۲۸۷ ه. ق. به دنیا آمد و در مشروطه و مبارزه با رضاخان نقش بسزایی داشت و در سال ۱۳۵۷ ه. ق. در کاشمر به دستور رضاخان به شهادت رسید.

اشخص دیگری از قبیل ملک‌الشعرا<sup>۱</sup> و دیگران همه دنبال او بودند اما او بود که می‌ایستاد و برخلاف ظلم، برخلاف تعدیات آن شخص، صحبت می‌کرد. یک اولتیماتوم در همان وقت دولت روسیه فرستاد برای ایران و سرپازش هم - سالداتش هم، به اصطلاح خودشان - تا قزوین آمدند و آنها از ایران (من حالا یادم نیست چه می‌خواستند، این تو [ی] تاریخ است) یک مطلبی را می‌خواستند که تقریباً اسارت ایران بود و می‌گفتند باید از مجلس بگذرد. آن را به مجلس بردند و همه اهل مجلس ماندند که چه باید بکنند؛ ساکت که چه بکنند. در یک مجله خارجی نوشته است که یک روحانی با دست لرزان آمد پشت تریبون ایستاد و گفت: حالا که ما بناست از بین برویم، چرا خودمان از بین ببریم خودمان را؟ رأی مخالف داد. بقیه جرأت پیدا کردند و رأی مخالف [دادند]؛ رد کردند اولتیماتوم را. آنها هم هیچ غلطی نکردند. بنای سیاسیون هم همین معناست که یک چیزی را تشر می‌زنند ببینند طرف چه جوری است؛ اگر چنانچه طرف ایستاد مقابلشان، اینها عقب می‌زنند و اگر چنانچه نه، آن بیچاره عقب رفت، اینها هم جلو می‌آیند. حیوانات هم همین جورند. حیوانات هم همین خصوصیات را دارند که اول می‌آید جلو ببیند این چه آدمی است. اگر این آدم ایستاد دستش را بلند کرد، فرار می‌کند. اگر این فرار کرد، دنبالش می‌کند. این خوی حیوانی است. آن هم باز یک روحانی بود که در مقابل یک همچو قدرت بزرگ، یک چنین قدرت شوروی بزرگ ایستاد. به اصطلاح آن، با دست لرزان گفت: حالا که ما بناست از بین برویم، چرا خودمان خودمان را از بین ببریم؟ رأی مخالف داد، دیگران هم جرأت کردند رأی مخالف دادند. (۸۶)

۵۶/۱۱/۲۹

۱. محمدتقی بهار، ملقب به ملک‌الشعرا (۱۲۶۵ - ۱۳۳۰ ه. ق.) از شاعران بزرگ ایرانی و استاد دانشگاه، که در انقلاب مشروطه از یاران و پیروان سید حسن مدرس بود. در زمان رضاخان بارها به حبس و تبعید گرفتار آمد.

خداوند ان شاء الله روحانیت را که ذخیره ملت است، پشتوانه ملت است، حفظ کند و قوت به او بدهد. (۸۷)

۵۷/۱۱/۱۴

\* \* \*

آنکه مردم را راه انداخت برای این چیزها آخوندها بودند. حالا قیام نکنید بر ضد آخوند بگویید که «اسلام منهای آخوند!» معنایش این است که اسلام هیچ؛ «منهای آخوند» یعنی هیچ؛ مثل «طب به استثنای طبیب!»! طب به استثنای طبیب یعنی ما طب نمی‌خواهیم! و الا نمی‌شود طب باشد به استثنای طبیب. اسلام به استثنای آخوند و روحانی معنایش این است که اسلام را ما نمی‌خواهیم. اگر این سد را بشکنید، همه‌تان هم جمع بشوید، کار ازتان نمی‌آید. اینها ایند که کار ازشان می‌آید. مطالعه کنید، ببینید؛ در همین نهضت مطالعه کنید، ببینید کی کار را پیش برد؟ کدام قشر از دیگران بیشتر پیش بردند. همه، همه کردند، اما آنکه مردم دنبالشان بود و عامه مردم، میزان کشاورز است؛ میزان بازاری است؛ میزان این خیابان است و این مردم خیابانی هستند، کی اینها را تجهیز کرد برای این کار؟ آخوندها بودند. البته دیگران هم بودند؛ لکن مهم اینها بودند. (۸۸)

۵۸/۲/۳۰

\* \* \*

آنی که کار از او می‌آید، آن کسی است که برای اسلام و برای شهادت [آماده است] کار از او می‌آید. و او آنی است که آخوند در کله اینها کرده؛ و به حق هم کرده و انبیا کردند و خدا کرده. این را از دست مردم نگیرید شما آقایان. شماها در هر جا هستید



نفوذ دارید ان شاء الله، و بیشتر نفوذ پیدا می کنید، این مطلب را از دست مردم نگیرید. هم مردم را تقویت کنید که پیش می توانیم ببریم و می توانید؛ و می دانم که می توانید.

ان شاء الله پیش می برید و هم خودتان این سنگرها را یکی بعد از دیگری خراب نکنید. این سنگرهایی که با وجودشان، شکست این سنگرهای بزرگ را، این دیوار را شکست، این را قدرش را بدانید و به همش نزنید. این را نگویید که اینها کهنه پرستند! همینها با اینکه شما خیال می کنید، از شما متنورتر هستند. توی قشرهای اینها نویسنده بهتر دارد؛ گوینده بهتر دارد، متفکر بهتر دارد. خیال نکنید که اینها چیزی نیستند. مجرد اینکه خیر، پارک ندارند، و مجرد اینکه اتومبیل سیستم کذا ندارند، مجرد اینکه [چنان] هستند، پس متنور نیستند! متنور آن است که یک پارکی داشته باشد و یک اتومبیلی داشته باشد و خودش را بزک بکند، بیاید بیرون! و این مسائل ضرر دارد به مملکتمان. (۸۹)

۵۸/۲/۳۰

\* \* \*

در روحانیت هم ممکن است یک روحانی یک کشور را نجات بدهد و ممکن است یک روحانی یک کشور را به هلاکت برساند. این دو قطب، که عبارت از قطب دانشگاه، به معنای تمام کلمه، دانشگاه، همه دانشگاهها و روحانیت، این دو قطب تمام سرنوشت یک ملت را در دست دارند. (۹۰)

۵۸/۳/۲۱

\* \* \*

حوزه علمی نجف اشرف، که در خدمت اسلام و مسلمین است، در طول تاریخ حافظ استقلال عراق بلکه سایر کشورهای اسلامی بوده است، انتظار ندارد که مورد اهانت واقع شود و یکی از شاخصترین بزرگان آن، مورد تهاجم واقع شود.

من به دولت عراق نصیحت می‌کنم که این دژ محکم را که حافظ کیان [و] مصالح کشور است حفظ کند. این نصیحتی بود که من در دوران گذشته به شاه مخلوع و دولت ایران کردم. (۹۱)

۵۸/۳/۲۴

\* \* \*

روحانیت نمی‌خواهد شما را خواب کند. اینها از روحانیت می‌ترسند، برای اینکه روحانیت می‌خواهد اینها را بیدار کند. اینها از بیداری، از آدم بیدار می‌ترسند. از آدم خواب چه ترسی دارند؟ اگر اینها را خواب می‌کردند، روحانیت را به عرش اعلیٰ می‌بردند. اگر اینها اهل این بودند که مردم را خواب می‌کردند، رضاشاه، روحانیت را ترویج می‌کرد؛ نه همچو می‌کرد که شوفر، سوار اتومبیلشان نکند! (۹۲)

۵۸/۶/۱۲

\* \* \*

در تمام این مراحل، روحانیت نقش اول داشت. یعنی دانشگاهیها بودند، روشنفکرها همه‌شان نه البته، دانشگاهیها، دانشجوها تقریباً اکثراً همیشه همه، بازاری چه و چه، همه اینها نقشی داشتند. لکن آنکه ملت را بسیج کرد، آن روحانیون بودند. یعنی هر محله‌ای یک مسجد یا چهار تا مسجدی که دارد، چهار تا روحانی دارد، مردم به آن اعتقاد

دارند. آنکه من همیشه به ملت ایران سفارش کردم که این دژ محکم را از دست ندهید و به این روشنفکرهایی که می‌خواهند، شاید میل داشته باشند که مملکتشان استقلالی داشته باشد، مملکتشان آزاد باشد، سفارش کردم که اینها سد بزرگی است که اگر از دست بدهید نمی‌توانید کاری انجام بدهید. اگر این روحانیت را از این نهضت از اول برمی‌داشتیم، اصلاً نهضتی نمی‌شد مردم به کس دیگر گوش نمی‌دادند. مردم به این روشنفکرها گوش نمی‌دهند. اینها یک ده نفر - صد نفر، هزار نفر آنکه خیلی از اینها. من الآن نمی‌دانم یک حزبی باشد، هزار نفر داشته باشد، غیر از حزب اسلامی اگر باشد مردم به آنها گوش نمی‌دهند. [دائماً] فریاد بزنند، هرچه فریاد بزنند، اینها بیخود می‌گویند. اینکه می‌تواند یک ملت را تجهیز کند و تا پای مرگ ببرد، آن این جمعیت است. اینکه می‌گوید نقش بزرگی داشتند، واقعاً اینطور است که مایی که مطلعیم بر میزان علاقه مردم به روحانین‌شان، منتها سعه شعاع نفوذ روحانین مختلف است با هم. اما هر کدام در هر شعاعی هستند، آن عده‌ای که آنجا هستند به حرف آنان گوش می‌دهند. یعنی می‌بینند که چنانچه دنبال حرف این بروند، این برایشان سعادت است. خیرخواهشان هست. اگر هم کشته بشوند، سعادت است.

اینها بودند که تجهیز کردند سرتاسر ایران، مردم را، این خطبا، این روحانین، این مسجدیها خودشان آمدند و دنبالشان هم اینها آمدند. همه ملت آمدند و همه قشرها هم آمدند. لکن آنی که ملت را همچو به طور عمومی تجهیز کرد این طایفه بودند. (۹۳)

مسئله انحلال مجلس خبرگان<sup>۱</sup> روی این زمینه بود که آنهایی که توجه به مسائل دارند، این آقایان را که توجه به مسائل و ریشه‌های مسائل کم دارند و ادار کردند؛ روی این زمینه که دیدند مجلس خبرگان یک مجلس اسلامی شد، یک مجلسی شد که اکثرش از علما هستند. اینها از اینها می‌ترسند - خوب، از این علما می‌ترسند - ضربه خوردند، دیدند یک مجلسی است که مجلس علماست؛ اینها اگر قانون بنویسند، یک قانونی می‌نویسند که با مزاج غرب و شرق سازش ندارد و آن غیر آنی است که شرقی می‌خواهد یا غربی می‌خواهد. از این جهت، این آقایان را وسوسه کردند، و ادار کردند. این آقایان هم توجه به مسائل خیلی ندارند - مع‌الأسف - با اینکه بودند در مسائل سیاسی. و از این جهت، آن طرح را درست کردند. (۹۴)

۶۰/۳/۲۴

\* \* \*

در جنبش مشروطیت، همین علما در رأس بودند و اصل مشروطیت اساسش از نجف به دست علما و در ایران به دست علما شروع شد و پیش رفت؛ اینقدری که آنها می‌خواستند که مشروطه تحقق پیدا کند و قانون اساسی در کار باشد شد. لکن بعد از آنکه شد، دنباله‌اش گرفته نشد، مردم بیطرف ماندند، روحانیون هم رفتند؛ هر کس سراغ کار خودش. (۹۵)

۶۰/۸/۴

\* \* \*

---

۱. اشاره به طرحی است که توسط تعدادی از لیبرالهای عضو دولت موقت مهندس مهدی بازرگان برای انحلال مجلس خبرگان تدارک دیده شده بود و با هوشیاری امام و امت خنثی شد.

در هر مسئله و گرفتاری که برای اسلام پیش می‌آمده، باز پیشقدم همینها بودند و همینها بودند که قیام می‌کردند؛ حالا یا موفق می‌شدند یا سرکوب می‌شدند. در همین مدتی که من اطلاع دارم و من شاهد بودم، قیامهای مختلفی بر ضد رضاخان و محمدرضا شد. و این قیامها همه، مبدأش روحانیون بودند؛ از آنجا شروع می‌شد، لکن چون ملت باز درست مجتمع با هم نشده بودند، موفق نمی‌شدند یا کم موفق می‌شدند. (۹۶)

۶۰/۸/۲۵

\* \* \*

### هویت صنفی روحانیت

(اگر روحانی خرج خود را به وسیله کار کردن یا از یک راه ثابت و معین دیگری به دست آورد که در گفتن حقایق آزاد باشد بهتر است یا مانند امروز خرج خود را بی واسطه از دست توده بگیرد و ناچار شود به میل آنها رفتار کند).

جواب این گفتار معلوم شود پس از معلوم شدن دو چیز: یکی معلوم شدن شغل روحانی و دیگر معلوم شدن خرج روحانی تا معلوم شود که اینها که این سخن را می‌گویند به هیچ وجه از حال روحانی و کار آنها اطلاع ندارند و در عین حال خرج آنها را هم نمی‌دانند از کجا می‌گذرد و بیخردانه و بیخبرانه به اشکال برخاستند.

... روحانی چندین شغل دارد که اساس عمده آن تشکیلات حوزه‌های علمیه و تأسیس مدارس و دانشکده‌های علم دین است در این تشکیلات مهمترین اعضا که روحانی به تمام معنی نام آنهاست مدرسین نهایی علوم دینی است که تشکیل حوزه‌های عالی علوم را

آنها می‌دهند و تدریس (خارج) یا علم‌نهایی می‌کنند اینهایی که به رتبه این قسم تدریس می‌رسند آنهاایی هستند که تمام علوم مقدماتی و دوره‌های سطحی و خارجی را دیده و در آنها استعداد ذاتی و ذوق فطری هم بوده با همه وصف دارای قوه بیان و نزدیک کردن مطالب دقیقه عالی را به شاگردان باشند از اینگونه اشخاص در هر دوره از حوزه‌های مهم دینی مثل نجف و قم و مشهد (قبل از به هم زدن پهلوی حوزه آنجا را) اشخاص معدودی پیدا می‌شوند که عده آنها در حدود ده نفر مثلاً بیشتر نیست برای چه این عده که پایه مهم روحانیت به دوش آنهاست اینقدر کم و معدود هستند برای آنکه رسیدن به این مقام کار هر کس نیست، هر کس کم و بیش از فقه تنها که یکی از علوم اجتهاد است با خبر باشد می‌داند که مثل یک ریای بی‌پایانی می‌ماند که احاطه به کلیات آن پس از چهل سال زحمت شب و روزی می‌توان پیدا کرد. شما یک کتاب کم حجم کوچک فقط می‌بینید به نام *عروة الوثقی*<sup>۱</sup> یا *وسیله*<sup>۲</sup> دیگر نمی‌دانید این با چه زحمتهای طاقتفرسا و خون دلها تهیه شده و به دسترس توده گذاشته شده این نتیجه شصت هفتاد سال عمر یک نفر فقیه است در صورتی که این کتابها احاطه به تمام فقه بلکه احاطه به معظم فقه هم ندارند.

ای بیچاره بیخبر از ملک هستی، اجتهاد یعنی اطلاع بر تمام قانونهای خدایی که در شئون فردی و اجتماعی و از قبل از آمدن انسان به دنیا تا پس از رفتن از دنیا در همه کارها دخالت مستقیم دارد و چنین عملی که کروورها قواعد و فروع دارد با پنجاه سال هم نمی‌توان تکمیل

۱. *عروة الوثقی*، تألیف آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد کاظم یزدی، از آثار گرانسنگ فقهی و دارای فروع فراوان می‌باشد که مراجع تقلید و فقهای بزرگ، فتاوی خود را به صورت حاشیه بر آن می‌نگارند.  
 ۲. اشاره به کتاب *وسیلة النجاة*، تألیف مرحوم آیت‌الله‌العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی که شامل اکثر ابواب فقه به صورت فتوایی می‌باشد و حضرت امام بر آن تعلیقاتی را در گذشته نگاشته بودند و سپس آن تعلیقات را در متن وارد کرده و برخی ابواب دیگر فقهی را بر آن افزودند و نام *تحریر الوسیله* بر آن نهادند.

کرد در صورتی که هیچ شغلی برای انسان نباشد جز تعلیم و تعلم هر کس کتاب جواهر الکلام<sup>۱</sup> را دیده است می‌فهمد که زحمتهای مجتهدین که امروز چند نفر کوچه گرد تکلیف برای آنها معین می‌کنند از چه قرار است.

اکنون ما با توده دیندار که خدا و قرآن و پیغمبر و احکام او را به حساب می‌آورند سخن می‌گوییم (نه با شماها که شاید می‌گویید اصلاً اینها لازم نیست) آیا خدا و پیغمبر که این احکام را آوردند برای ما از برای عمل آوردند یا آنکه بیش از سیاه مشقی نبوده اگر برای به کار انداختن آوردند به دست آوردن آن احکام ناچار لازم است و البته این کار وقت لازم دارد و وقتش هم از اول عمر است تا آخر عمر. اگر کسی با زحمت و جدیت وارد کار باشد آیا پس از این مقدمات ضروریه مجتهدین و روحانیین که معلوم شد چه کسانی می‌توانند مشغول کار دیگر شوند و برای معاش به تجارت یا کسب دیگر که خود نیز وقت انسان را به تمامی می‌گیرد اشتغال پیدا کنند هیچ جای شبهه نیست که جمع میانه این دو نشود یا باید حوزه‌های علمی و اجتهادی را کنار گذاشت و از قرآن و احکام پیغمبر اسلام یکسره معذرت خواست و گفت ما کار داریم و کار بادین نمی‌سازد و یا اگر قرآن و احکام آن و پیغمبر و احادیث او را می‌خواهید باید لازم بدانید که این طبقه به کار دیگر نپردازند. (۹۷)

\* \* \*

شما خیال می‌کنید که روحانیت اسلام را می‌شود مثل روحانیت مسیح کرد؟ هیچ امکان ندارد این. روحانیت شیعه مستقل است، مستقل؛ اتکا

به هیچ جا ندارد. بیایند بگویند به کی اتکا دارد. این روحانیت مستقلی که اتکا ندارد به هیچ جا، این طلاب محترمی که باسی -چهل تومان در ماه ساخته‌اند و زحمت دارند می‌کشند، اینها دیگر نمی‌ترسیم ما که طرفدار یک مملکتی و یک دولت دیگری باشند؛ اینها مستقلند در افکار خودشان. (۹۸)

۴۳/۶/۱۸

\* \* \*

**سؤال:** [گفته شده است که اصلاحات ارضی شاه «روحانیونی را که دومین طبقه زمینداران بزرگ را تشکیل می‌داده‌اند» (نیویورک تایمز، ۱۱ دسامبر) صدمه زده است. و این یکی از دلایلی است که شما با شاه مخالفت می‌کنید. آیا این مطلب صحیح است؟ پیش از سال ۱۹۶۳ چند درصد از زمینهای زراعتی را افراد مذهبی اداره می‌کرده‌اند؟ آیا پس از رفتن شاه، عوامل مذهبی دوباره اداره زمینها را به عهده خواهند گرفت؟ کشاورزی دولتی که مورد تأیید شما باشد چه خواهد بود؟ آیا مکانیزه کردن کشاورزی جایگزین کار یدی خواهد شد؟ در این صورت این ماشینهای کشاورزی از کجا تهیه خواهد شد؟]

**جواب:** به طور کلی هیچ یک از روحانیون مخالف شاه از زمینداران بزرگ نبوده‌اند، تا اصلاحات ارضی شامل زمینهای آنها بشود. و من هم اعلام کرده‌ام که چون زمینداران بزرگ مالیاتهای اسلامی خود را نپرداخته‌اند ما زمینها را از رعایا پس نخواهیم گرفت و مخالفت من و سایر روحانیون با شاه هرگز بدین خاطر نبوده است، و این هم از تبلیغات سوء شاه است که دیگر رنگ خود را باخته است. (۹۹)

۵۷/۱۰/۶

\* \* \*



**سؤال:** [پیرامون شایعه ثروتمند بودن روحانیت و همچنین گرفتن کمک از کشورهای دیگر و احتمال بازگشت به نظام قرون وسطی چه می‌گویید؟]

**جواب:** قضیه ثروتمند بودن روحانیون در ایران مطلب کذبی است. کمک از جاهای دیگر نیز تکذیب می‌شود. از هیچ مملکتی و از هیچ جایی، روحانیون ایران پشتیبانی و کمک مالی نمی‌گیرند. (۱۰۰)  
۵۷/۱۱/۳

\* \* \*



## فصل سوم

### وظایف و مسئولیتهای روحانیت

- ارشاد و هدایت
- پاسداری و دفاع از اسلام
- پیوند با سیاست و جامعه



## ارشاد و هدایت

### تبلیغ و ترویج اسلام و احکام آن

برای راه انداختن چرخهای دین و عملی کردن قانونهای آسمانی و دعوت کردن مردم را به راه حق پرستی و تقوا و برانداختن ریشه خیانت و جنایت و تجاوز از حدود و صدها مانند اینها کارمندانی لازم است و اینها چنانچه پیش گفتیم کمکهایی به کشور و نظم مملکت می کنند که یک صدم آن را دادگستریها و شهربانیها نمی کنند و دلیلش همان است که آن دسته مردم که با اینها سر و کار دارند در تمام شهربانیهای مملکت یک سابقه سوء و یک دوسیه<sup>۱</sup> خراب ندارند و یا اگر داشته باشند نسبت آن به دوسیه های دیگران که با اینها سر و کار ندارند نسبت یک بر صد هم نیست صدها دوسیه از قهوه خانه نشینها و خیابان گردها می بینید و یکی از مسجدها معلوم نیست ببینید این خدمت بزرگی است که اگر دولت توجه به آن داشته باشد اگر با دین هم کار نداشته باشد باز باید روحانی را تقویت کند و بر نفوذ او بیفزاید لکن باید چه کرد زمامداران در فکر خود هستند و به اصلاح کشور کاری ندارند و اگر در بین آنها هم کسی باشد که کم و بیش کار داشته باشد در اقلیت واقع است و کاری از پیش نمی برد.

اکنون که معلوم شد برای به کار انداختن چرخهای دین، این کارمندان لازمند، همه می‌دانید که اگر اینها یک حزب جداگانه نباشند که در نظر توده با اهمیت و بزرگی نام آنها برده شود حرف آنها هم بی‌اثر می‌شود.

هر کس در خودش تجربه کند می‌داند که قیمت حرف در نظر انسان به قدر قیمت صاحب حرف است و این جبلت و فطرت در نوع بشر هست که حرف هرچه درست باشد انسان وقتی از کسی که در نظر او ارج ندارد شنید، در روح او تأثیر ندارد چه بسا که شما یک مطلب را بی‌کم و کاست از دو نفر می‌شنوید تأثیر سخن یکی از آنها که در نظر شما محترم و بزرگ است ده مقابل سخن دیگری است. هیچ بقالی حاضر نیست موعظه بقال دیگر را که مثل خودش هست قبول کند ولی همین بقال وقتی از یک نفر پیشنهاد شهر که ده صف جماعت دارد و مردم به او احترام می‌گذارند همان موعظه را شنید بزودی می‌پذیرد. اگر مأمورین شهربانی، یک حزب جداگانه نبودند و با مردم شریک بودند در لباس و کسب و تجارت مردم از آنها ده یک حالا ملاحظه نمی‌کردند. آن روزی که نظامی لباس عادی می‌پوشد در نظر همه مردم فرق می‌کند تا روزی که لباس رسمی می‌پوشد؛ برای آن است که تشریفات در روح انسان آثار خیلی روشن دارد پس ما اگر بخواهیم دینداری را میان مردم رواج دهیم و با آن خدمتهای خیلی برجسته هم به مردم و هم به کشور بکنیم باید بگوییم حزب روحانی یک حزب جداگانه باشد و باید احترام آن را خیلی منظور کنیم. (۱۰۱)

\* \* \*

خیال می‌کنند که برنامه ندارد اسلام. بر علمای اسلام است که این

مطلب را تصویب [کنند] البته خودشان با مسائلی که دارند نمی‌توانند، اما تصویب این مطلب بر علمای اسلام است که تصویب کنند این مطلب را، که اسلام را، همه شئون اسلام را، همه فنون اسلام را، همه احکام اسلام را بنویسند، بیان کنند، عرضه بدارند به دنیا. قوانین اسلام را در هر رشته‌ای که هست بنویسند، منتشر کنند؛ اگر موفق بشوند دستگاه فرستنده پیدا بکنند که به دنیا ابلاغ بکنند؛ اسلام را آنطور که هست معرفی کنند به دنیا؛ بفهمد دنیا که ما چه داریم و با اینکه این را داریم اینطور زندگی می‌کنیم. این مسئولیت بزرگی است که به دوش علمای اعلام - اَعْلَى اللَّهِ كَلِمَتَهُمْ - به دوش آنهاست و شما آقایان، شما فضلاء اعلام و علمای جوان هم مسئولیت دارید؛ آتیۀ اسلام به دوش شماست مسئولیتش؛ الآن هم مسئولیت دارید و بسیار مسئولیت سنگینی است. (۱۰۲)

۴۴/۸/۲۳

\* \* \*

بر تمام مسلمانان و پیشاپیش آنان بر علمای روحانی و طلاب حوزه‌های علمیۀ اسلامی واجب است که علیه سمپاشیهای دشمنان اسلام، به هر وسیله ممکن، قیام کنند، تا اینکه بر همگان آشکار شود که اسلام برای اقامۀ حکومتی عدل‌گستر آمده است. (۱۰۳)

\* \* \*

امام صادق - علیه السلام - با این عمل، یعنی تعیین رهبری امت از جانب خود، اساسی استوار برای امت اسلامی و نیز برای مذهب تشیع بنا نهاد، به طوری که اگر این طرح و برنامه در میان شیعیان منتشر شود

و فقها و اندیشمندان آن را به مردم، خصوصاً به جوامع علمی و روشنفکران، برسانند، یقیناً موجب بیداری ملت‌ها و جلب توجه آنان به این امر خواهد شد؛ بویژه طبقه جوان با آگاهی یافتن از این امر، آتش بیداری در دل‌هایشان شعله‌ور می‌شود. و چه بسا این طرح باعث شود شخص یا اشخاصی جهت تأسیس و برپایی حکومتی اسلامی و دادگرانه به پاخیزند و دست بیگانگان را از سرزمین‌های اسلامی کوتاه کنند. امروز بر دانشمندان بزرگ و مبلغان اسلامی - که خداوند تأییدشان فرماید - واجب است هر چه سریعتر به این امر حیاتی اقدام کرده، ناامیدی را از دل‌های خود و از دل‌های طلاب و دانشجویان و سایر مردم نسبت به تشکیل این حکومت دور کنند و بدانند که ناامیدی، سرچشمه سستی و دل‌سردی و مانع اصلی رسیدن به حق است. (۱۰۴)

\* \* \*

اسلام را به مردم معرفی کنید تا نسل جوان تصور نکند که آخوندها در گوشه نجف یا قم دارند احکام حیض و نفاس می‌خوانند و کاری به سیاست ندارند؛ و باید دیانت از سیاست جدا باشد. (۱۰۵)

\* \* \*

ما موظفیم ابهامی را که نسبت به اسلام به وجود آورده‌اند برطرف سازیم تا این ابهام را از اذهان نزداییم هیچ‌کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم. ما باید خود و نسل آینده را وادار کنیم و به آنها سفارش کنیم که نسل آتی خویش را نیز مأمور کنند این ابهامی را که بر اثر تبلیغات سوء چند صد ساله نسبت به اسلام در اذهان حتی بسیاری از



تحصیل‌کرده‌های ما پیدا شده رفع کنند، جهان بینی و نظامات اجتماعی اسلام را معرفی کنند. حکومت اسلامی را معرفی نمایند تا مردم بدانند اسلام چیست و قوانین آن چگونه است. امروز حوزه قم، حوزه مشهد، و حوزه های دیگر موظفند که اسلام را ارائه بدهند و این مکتب را عرضه کنند. مردم، اسلام را نمی‌شناسند. شما باید خودتان را، اسلامتان را، نمونه‌های رهبری و حکومت اسلامی را به مردم دنیا معرفی کنید مخصوصاً به گروه دانشگاهی و طبقه تحصیل کرده. دانشجویان چشمشان باز است. شما مطمئن باشید اگر این مکتب را عرضه نمایید و حکومت اسلامی را چنانکه هست به دانشگاهها معرفی کنید دانشجویان از آن استقبال خواهند کرد. دانشجویان با استبداد مخالفند. با حکومت‌های دست‌نشانده و استعماری مخالفند، با قلدری و غارت اموال عمومی مخالفند، با حرام‌خوری و دروغ‌پردازی مخالفند با اسلامی که طرز حکومت اجتماعی و تعالیم دارد هیچ دانشگاه و دانشجویی مخالفت ندارد. (۱۰۶)

\* \* \*

در خلال تحصیلات خود در فکر باشید که اسلام را به مردم معرفی کنید. فعلاً که اسلام غریب است و کسی اسلام را نمی‌شناسد؛ ولی لازم است که شما اسلام و احکام اسلام را به مردم برسانید تا مردم بفهمند اسلام چیست و حکومت اسلام چه می‌باشد، رسالت و امامت یعنی چه؟ اصلاً اسلام برای چه آمده است و چه می‌خواهد؟ کم‌کم اسلامی معرفی گردد و انشاءالله روزی حکومت اسلامی تشکیل شود. (۱۰۷)

\* \* \*

اکنون که ماه محرم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالی‌مقام سیدالشهدا - علیه‌الصلوة والسلام - است، باید حد‌اعلای استفاده از آن را بنمایند، و با اتکا به قدرت الهی، ریشه‌های باقیمانده این درخت ستمکاری و خیانت را قطع نمایند؛ که ماه محرم، ماه شکست قدرتهای یزیدی و حیل‌های شیطانی است. (۱۰۸)

۵۷/۹/۱

\* \* \*

اینها تمام عمرشان را صرف کرده‌اند در اینکه کلمات ائمه اسلام را و پیغمبر اسلام را و احکام ائمه اسلام، پیغمبر اسلام را و احکام خدا را به مردم برسانند. کسی که هفتاد سال عمرش را صرف این معنا کرده و مردم او را به این سمت شناختند، مردم دنبالشان هستند. (۱۰۹)

۵۷/۱۰/۳

\* \* \*

اگر بدعتها در دین ظاهر شود، بر علماست که دانش خود را آشکار کنند و نگذارند فریبها و نیرنگها و دروغهای بدعت‌گذاران در دین و در مردم اثر کند و منحرف سازد. \* (۱۱۰)

۵۷/۱۰/۱۸

\* \* \*

در این سال که ایران در آستانه جمهوری اسلامی است و به واسطه تبلیغات ناروای اجانب ممکن است مسلمین بلاد از عمق نهضت

اسلامی ایران مطلع نباشند، لازم است آقایان علما و خطبا و دانشمندان محترم با وسایل ممکن این نهضت مقدس را معرفی نمایند و مقصد مسلمانان ایران را که همان برقراری حکومت اسلامی تحت پرچم اسلام و هدایت قرآن کریم و پیغمبر مکرم اسلام است، گوشزد نمایند که برادران اسلامی ما بدانند ما بجز اسلام و برقراری حکومت عدل اسلامی فکر نمی‌کنیم. (۱۱۱)

۵۸/۶/۲۹

\* \* \*

در این ایام، که اعلان می‌کنند مسئله انتخاب رئیس جمهور [را]، آن اشخاصی که در حوزه‌ها هستند، باید دست از کارها بردارند و راه بیفتند توی شهرها و دهات و روستاها و آن جاهای دور افتاده و کمک کنند. و اگر نکنند، فردا مسئول‌اند پیش خدا و اگر مسامحه کنند، فردا مسئول‌اند پیش خدا. مردم را دعوت کنند به دخالت در امور، به انتخاب یک رئیس جمهور صحیح، کمک کنند برای رساندن صندوقها به روستاهای دور افتاده. اگر شما نکنید، آنهایی که بر ضد شما هستند، می‌کنند این کار را؛ تبلیغ می‌کنند آنجاها. شماها مبلغ اسلام هستید.

امروز تبلیغ اسلام برای حفظ خود اسلام. تبلیغ این است که رئیس جمهورتان را خودتان تعیین کنید. اهمیت این همان اهمیتی است که اسلام دارد. (۱۱۲)

۶۰/۴/۱۰

\* \* \*

امروز کسانی که کار خودشان را تمام کردند، تحصیل خودشان را تمام

کردند لکن در حوزه‌ها فعالیت تدریسی و فعالیتهای تبلیغی و اینها ندارند، اینها باید بروند در بلاد دیگر که محتاج هستند و در آنجا ادای وظیفه کنند. باید اشخاص، همان طلاب جوان که مشغول به تحصیل هم هستند علاوه بر اینکه ایام تعطیل را باید بروند و تبلیغ کنند سرتاسر کشور - و آن وقتها هم، تا اندازه‌ای می‌روند - در غیر ایام تعطیل هم به حسب نوبت، قرارداد؛ نگذارند همه جای ایران، یعنی بسیاری از جاهای ایران بی روحانی بماند، بسیاری از جاهای ایران بی مبلغ بماند. اینها تکلیف دارند، تکلیف شرعی - الهی دارند که تبلیغ کنند و احکام اسلام را به مردم بفهمانند. تحصیل وسیله است از برای تربیت. آیه نَفْرًا می‌فرماید که: «چرا نمی‌روید تحصیل کنید تا برگردید مردم را انداز کنید». تحصیل برای این است که مردم انداز بشوند، به مردم مسائل گفته بشود. البته حوزه‌ها باید باشد، حوزه‌های فقه باید باشد لکن این مسئله را هم باید منسی نشود. ممکن است که در سال یک عده قابل، اینکه هم درس بخوانند و هم تبلیغ بکنند و هم مردم را آگاه کنند؛ در غیر ایام تعطیل هم به حسب نوبت قرار بدهند که - یعنی، مدرسین آنجا، مراجع قرار بدهند - به حسب نوبت، یک عده‌ای چند ماه آنجا، دو سه ماه اینجا، دو سه ماه هم جای دیگر. ما می‌خواهیم تکلیف الهی را ادا کنیم. همانطور که تحصیل یک تکلیفی است، تبلیغ بالاتر است از او، تحصیل مقدمه تبلیغ است، مقدمه انداز مردم است. (۱۱۳)

۶۰/۹/۱۸

\* \* \*

انبیاء شأنشان تبلیغ بوده است، اولیاء خدا شأنشان تبلیغ بوده است،

۱. نَفْرًا به معنای کوچ کردن است. اشاره است به آیه ۱۲۲ سوره توبه.

همه آقایان علمایی که هستند، اینها همه مبلغین اسلام هستند. باید خطبای عظام ما که مبلغین اسلامند، علمای اعلام ما، طلاب عزیز ما و قشرهای دیگری که در تبلیغات دخالت دارند و مشغول این عمل شریف هستند، باید به سرعت خودشان زیاده بدهند، و تبلیغات خودشان را تسریع کنند. البته روی یک موازینی و روی یک نظامی و روی یک سازمانی که آنطور البته بهتر خواهد بود. (۱۱۴)

۶۱/۲/۲۶

\* \* \*

همان طوری که در روایات ما هست که از قم علم به جاهای دیگر منتشر می شود، بحمدالله مدتهایی است که این معنا تحقق پیدا کرده است. و امروز امیدواریم که به همت علمای قم و مدرسین قم و خطبای قم این مسئله زیادتر بشود. و امروز بحمدالله همه ایران قم است، و همه علما هستند و همه دانشمندان و همه اشخاصی هستند که اسلام از آنها بهره می گیرد و به آنها پشتیبانی می کند. (۱۱۵)

۶۱/۲/۲۶

\* \* \*

امروز توقع ملت، بلکه توقع مستضعفان و ملت‌های جهان از شما آقایان روحانیون، در هر جا هستید، بسیار زیاد است. و امروز شما غیر از دیروزی است که در سلطه نظام فاسد پهلوی و در تحت ستم ستمکاران جهان بودید. آن روز اگر چنانچه سکوتی، قصوری بود، می پذیرفتند که آقایان نمی توانند الآن مسائلشان را آن طور که هست، مسائل اسلام را آن طور که هست، قدرت ندارند که عمل کنند و به مردم برسانند، ولی امروز این مسئله حل شده است و بحمدالله، همه

آقایان در هر جا که هستند، با آزادی می‌توانند مسائل را طرح کنند و با آزادی می‌توانند مردم را ارشاد کنند. (۱۱۶)

۶۱/۵/۳۱

\* \* \*

تکلیف همه روحانیون، چه خطبایی که منبر تشریف می‌برند، یا ائمه جمعه و جماعت و هر کس که با مردم سروکار دارد و با آنها صحبت می‌کند، این است که وضعیت قیام حضرت سیدالشهدا را به مردم درست بفهمانند که قیام برای چی بود، چه بود و با چه عده‌ای قیام شد و با تحمل چه مصایبی آن قیام به آخر رسید. (۱۱۷)

۶۱/۷/۲۵

\* \* \*

حج از مسائلی است که جنبه سیاسی‌اش بسیار بیشتر است از جنبه‌های عبادی‌اش. و شما آقایان که ان‌شاءالله با سلامت مشرف می‌شوید باید توجه به این معنا داشته باشید که این فکر استعماری که در مغز بسیاری از حتی روحانیین ممالک اسلامی گنجانیده شده است این را ازاله کنید. در صحبت‌هایتان، در اجتماعاتتان بگوئید به آنها که اسلام وضعش این نیست که تاکنون ماها داشته‌ایم، فقط بیایند در حج و چند دور بگردند دور خانه مبارک و بعد هم وقوف و چه و چه و هیچ کار نداشته باشند که مستکبرین بر مردم دنیا و بر مسلمین چه می‌کنند، بی تفاوت باشند. محکوم کنند این اشخاصی که می‌خواهند راجع به مصالح مسلمین صحبت بکنند. (۱۱۸)

۶۲/۵/۲۵

\* \* \*

وضع تبلیغات باید متناسب با نیازها و وضع حوزه‌ها باشد. باید آقایان توجه داشته باشند، همیشه دنبال مسائل واقعی بروند. کتاب‌هایی را که می‌خواهید منتشر کنید، حتماً بدهید عده‌ای از فضلا بخوانند و نظر دهند و خودتان دقیقاً بررسی کنید. اعزام مبلغ از امور بسیار لازم است که باید با دقت عمل شود. ما که می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی‌خواهیم با شمشیر باشد بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد. ما می‌خواهیم تبلیغات گسترده‌ای را که کمونیست‌ها و دیگران برضد اسلام می‌کنند، با تبلیغات صحیح خشتی کنیم، و بگوییم که اسلام همه چیز دارد. اسلام مثل مسیحیت کنونی نیست... شما یادتان نیست در قدیم وضع خاصی بود. فلسفه و عرفان، کفر مطلق بود، و اینکه فضلا زبان خارجی بدانند که بتوانند در خارج تبلیغ کنند در حد کفر بود، و واقعاً فکرها عقب افتاده بود. اگر ماهمه زبان‌ها را برای تبلیغ اسلام بدانیم عبادتی بزرگ است. ما با زبان اینجا که نمی‌توانیم برای مردم امریکا و سایر کشورها مسائل اسلام را بگوییم. امروز اسلام در اکثر کشورها مطرح است.

امیدوارم که شما بتوانید اسلام را برای مردم جهان عرضه کنید. ان‌شاءالله خداوند به شما اجر دهد. البته تبلیغات باید بر اساس معنویات باشد، معنویات اساس اسلام است. سعی کنید معنویات را زیاد کنید و از تشریفات تا آنجا که مقدور است بکاهید. همه‌اش در فکر درست کردن سالن و ساختمان نباشید بلکه در فکر معنویات اسلام باشید. (۱۱۹)

۶۲/۶/۲

\* \* \*

از امور مهمه‌ای که لازم است حجاج محترم و علمای کاروانها وقت

شریفشان را صرف آن کنند یاد دادن و یاد گرفتن مسائل حج است؛ که کوتاهی از آن ممکن است موجب زحمتهای فراوان شود، از قبیل بطلان حج یا باقی ماندن به احرام. علمای اعلام کاروانها از زوار کاروان خویش دعوت نمایند و برای آنان مجلس درس مناسک قرار دهند. و حجاج واجب است برای یادگرفتن لحظه‌ای را کوتاهی نکنند و با تمام توان مسائل را یاد بگیرند، و با علم به مسائل مناسک را عمل کنند. (۱۲۰)

۶۲/۶/۱۲

\* \* \*

ما امروز نمی‌توانیم مثل سابق فکر کنیم، ما سابق تبلیغاتمان محصور به ایران بود. گاهی اتفاق می‌افتاد که در یک جای دیگر هم می‌رفتند اما گاهی بود، خیلی کم. و تبلیغات آن قدری که برای خارج لازم است برای داخل کمتر از او لازم است. شما می‌بینید که امروز همه تبلیغات دنیا بر ضد اسلام است؛ با اسم ضدیت با جمهوری اسلامی اصل اسلام را محکوم می‌کنند. صورت اسلام را به یک صورت دیگری در آورده‌اند که غیر واقعیت اوست. پیشتر احتیاج به زبان، زبانهای خارجی نبود، امروز احتیاج است به این، یعنی جزو برنامه تبلیغات مدارس باید زبان باشد، زبانهای زنده دنیا، آنهایی که در همه دنیا شایع تر است. این باید یکی از چیزهایی باشد که در مدارس دینی ما که می‌خواهند تبلیغ بکنند، این امروز محل احتیاج است، مثل دیروز نیست که ما صدآمان از ایران بیرون نمی‌رفت. امروز ما می‌توانیم در ایران باشیم و به زبان دیگری همه جای دنیا را تبلیغ کنیم، در همه جا مبلغ باشیم، و علاوه بر آن امروز رفتن به همه جای دنیا یک امر آسان و عادی است که مبلغین ان شاء الله باید تربیت بشوند، و فیضیه و دانشگاه



ما باید یک دانشگاه و یک فیضیه باشد برای همه دنیا، تبلیغ برای همه دنیا، برای همه کشورهای عالم. (۱۲۱)

۶۲/۶/۱۵

\* \* \*

شما آقایان که بسیاریان در منابر و بسیاری در پایین منابر مردم را ارشاد می‌کنید، باید در این دو ماه مبارک ارشاداتان را قوی بکنید و مسائل اسلامی را برای آنها بگویید، مسائل سیاسی را برای آنها بگویید، در عین حالی که مسئله کربلا، که خودش در رأس مسائل سیاسی هست، باید زنده بماند به همان فرمی که بود، منتها الفاظ تغییر بکند. مصیبت‌ها همان است، مصیبت‌ها تغییری ندارد، باید آن بعد سیاسی کربلا را برای مردم بیان کرد. (۱۲۲)

۶۲/۷/۱۳

\* \* \*

عید سعید و مبارک در حقیقت آن روزی است که با بیداری مسلمین و تعهد علمای اسلام تمام مسلمانان جهان از تحت سلطه ستمکاران و جهانخواران بیرون آیند. و این مقصد بزرگ زمانی میسر است که ابعاد مختلفه احکام اسلام را بتوانند به ملتهای زیر ستم ارائه دهند. و ملتها را با اسلام ناشناخته آشنا کنند، و فرصتها را برای این امر بزرگ سرنوشت ساز مغتنم شمرده و از دست ندهند. و چه فرصتی بالاتر و والاتر از کنگره عظیم حج که خداوند متعال برای مسلمانان فراهم آورده است. (۱۲۳)

۶۳/۶/۴

\* \* \*

برادران،<sup>۱</sup> وقتی که می‌روید بیرون، مسائل را بگویید. ننشینید دیگر در خانه تا این که آنها برایش هجوم کنند، شما هجمه کنید آنها عقب می‌نشینند. شما ننشینید در خانه و هی ترس این که مبادا چه بشود. خوب! همین چیزی بود که در ایران بود و قدرت ایران از اکثر این بلادی که هستند زیادتر بود، لکن ایران علمایش رویش کار کردند، مردم را بیدار کردند، به مردم مصلحت را گفتند، اسلام را گفتند به مردم، مردم هم اسلام را به ذات می‌خواهند، مسلمانند. شما اسلام را به مردم بگویید شما احکام اسلام را، نروید سراغ احکام فقط نماز و روزه، آنها را هم باید بگویید، اما احکام اسلام که منحصر در این نیست. شما سوره براءت را برای مردم چرا نمی‌خوانید؟ شما آیات قتال را چرا نمی‌خوانید؟ هی آیات رحمت را می‌خوانید! آن قتال هم رحمت است برای این که می‌خواهد آدم درست کند. آدم گاهی درست نمی‌شود مرض گاهی صحیح نمی‌شود، *إِلَّا بِالْكَيْ*؛<sup>۲</sup> باید ببرند، داغ کنند تا درست بشود جامعه. باید آنهایی که فاسد هستند، از آن بیرون ریخته بشوند؛ جنبه رحمت است همه اش. منتها آقایان، بعضی‌ها خیال می‌کنند که همان رحمت این است که به آن مهلت بدهند تا بکشند آدم‌ها را. این رحمت است؟ از حبس‌ها بیرونشان کنید تا بریزند مردم را بکشند، این رحمت است؟ شما روی قرآن عمل کنید. قرآن با اشخاصی که مسلمند و معتقدند و ایمان به خدا دارند، به برادری رفتار می‌کند. با اشخاصی که بر خلاف این هستند آنها را می‌گوید بکشید، بزنید، حبس کنید؛ *أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ*. شما همان طرفش را گرفتید، زمین هم می‌خورید. ما، اگر بنا باشد اسلام را به یک طرفش قبول داشته باشیم، همان جنبه باصطلاح شما رحمت، من همه

۱. اشاره به علما و روحانیون خارجی شرکت‌کننده در سومین کنفرانس اندیشه اسلامی.

۲. ص ۲۹، پاورقی ۳.

جنبه‌هایش را رحمت می‌دانم، اما آنکه شما خیال می‌کنید که آن جنبه‌اش رحمت است که دزدها را بیرونشان کنیم، مفسدها را بیرون کنیم، آدمکش‌ها را بیرون کنیم، دست بردارید از این طور رحمت‌هایی که شما توهم می‌کنید. اینها رحمت نیست، اینها مخالف خداست، مخالفت با خداست. شما آقایان، باید بگویید مسائل را، در بلاد خودتان که رفتید، مسائلی که خدا فرموده است، بگویید. أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ؛<sup>۱</sup> این را باید به مردم حالی کنید که معنی اش چی است. ما باید چه بکنیم با آنها؟ آنهایی که هجمه کردند به همه بلاد اسلامی و دارند همه چیز بلاد اسلامی را از بین می‌برند. (۱۲۴)

۶۳/۱۱/۱۴

\* \* \*

حضرات آقایان علمای محترم کوشش فرمایند که زائران محترم را به وظایف خود آشنا نمایند، تا صورت حج مطابق شرع مطهر انجام گیرد. (۱۲۵)

۶۴/۵/۲۵

\* \* \*

ما باید مردم را با توحید آشنا کنیم، علمای اعلام باید مردم را با توحید آشنا کنند، با معارف الهی آشنا کنند. «الغیرک مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ»<sup>۲</sup> دعای عرفه حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - «متی غِبت حتی تحتاج إلی»<sup>۳</sup> چه. قرآن هم همین است، هر کدام یک زبانی دارد. قرآن

۱. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ (محمد ص) رسول خداست؛ و یاران و همراهانش بر کافران بسیار سخت و با یکدیگر مشفق و مهربانند؛ فتح / ۲۹.

۲. آیا برای غیر تو ظهوری است که برای تو نیست؛ اقبال الاعمال؛ (دعای عرفه امام حسین ع).

۳. کی پنهان بودی تا نیاز به دلیلی داشته باشی که تو را نشان دهد؛ اقبال الاعمال؛ (دعای عرفه امام حسین ع).

نازل شده تا اینجا رسیده است و ادعیهٔ ائمهٔ ما - علیهم‌السلام - به حسب تعبیر بعض مشایخ، «قرآن صاعد» است و هر چه مسائل بخواهید، در ادعیه هست. (۱۲۶)

۶۴/۶/۵

\* \* \*

هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان مُتَنَسِّک و عالمان متهتک<sup>۱</sup> که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می‌گویم از عمر به باد رفتهٔ خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را مَحْطٌ نظر<sup>۲</sup> و مقصد اعلائی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده‌ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید همچون نویسنده. (۱۲۷)

۶۵/۵/۱۶

\* \* \*

به زائران بیت الله الحرام - ایدهم الله تعالی - عرض می‌کنم که اعمال و مناسک را به طور دقیق از روحانیون محترم که در کاروانها هستند فراگیرید و به هیچ عملی بدون راهنمایی آنان دست نزنید، چه بسا باشد که خدای ناخواسته با سهل‌انگاری، عملتان باطل شود و جبران را

۱. جاهلان زاهدنما و عالمان پرده‌در (بی‌تقوا).

۲. مورد توجه، منظور نظر.

تا آخر نتوانید بکنید و یا به احرام باقی بمانید و در برگشت موجبات زحمت خود و نزدیکان خویش شوید و این یک تکلیف شرعی است که از آن غفلت نباید کرد. و به روحانیون محترم عرض می‌کنم که علاوه بر آنکه مسائل را به طور وضوح که همه کس بفهمد در جلسات متعدد به گروه خود یاد دهید، در وقت اعمال آنان نیز مواظب آنها باشید و آنها را هدایت فرمایید. (۱۲۸)

۶۵/۵/۱۶

\* \* \*

آن چیزی که من توصیه می‌کنم به همه اهل علم و به همه آقایان، به همه دانشمندان اینکه دنبال این بروید که معارف اسلامی را در بین مردم تقویت کنید که رأس امور این معارف اسلامی است و اگر او درست بشود همه کارها درست می‌شود. (۱۲۹)

۶۶/۴/۱۱

\* \* \*

روحانیون و مدیران و مسئولین محترم کاروانها و حج با توجه به مسئولیت خطیری که در اداره و توجیه زائران محترم پذیرفته‌اند و با در نظر گرفتن شرایط استثنایی کشور جمهوری اسلامی ایران باید تمام همت و تلاش خود را در برگزاری صحیح و منظم حج به کار گیرند و با سعه صدر و به دور از هر گونه توقع و متنی زائران محترم بیت‌الله را در آموزش و تعلیم مناسک و مسائل حج همراهی نمایند و متناسب با حضور قشرهای مختلف اعم از بیسواد و باسواد برای آنان برنامه‌ریزی کنند و از نقش سازنده خود و تأثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان می‌گذارد غافل نشوند، چرا که در آن فضا

و شرایط معنوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است، لذا از اعمال نظرهای شخصی در امور حج و خصوصاً در مسائل و مناسک جداً خودداری شود و مسائل حج را با علم و یقین و در موارد ضرورت با مراجعه به اشخاص مطلع و یا منابع فقهی آن بیان فرمایند، چرا که در اعمال و مناسک حج مسائل جدید و مورد ابتلا فراوان است و خدای ناکرده بیان ناقص و غلط مسائل، موجب بطلان عمل و گرفتاری حجاج محترم و عسر و حرج می‌گردد.

روحانیون عزیز در عین حالی که مسائل را به طور واضح و دقیق بیان می‌کنند ولی از مشکل تراشی و حالت‌های وسواس‌گونه که زائران [را] در شک و تردید و احتیاط‌های بیمورد قرار می‌دهد خودداری کنند، چرا که وسواس در برنامه و مراسم و عبادتها و ادعیه موجب کسالت و بی‌توجهی در واجبات می‌شود. (۱۳۰)

۶۶/۵/۶

\* \* \*

علما و روحانیون ان‌شاءالله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف بر نوشته‌هایشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان

می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و آلا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان‌گونه‌ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدیری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیراین صورت خدای ناکرده به دام لیبرالها و ملیگراها و یا چپ و منافقین می‌افتند؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده‌سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. (۱۳۱)

۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته‌اند. (۱۳۲)

۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه علمی است. حوزه علمی و دانشگاه باید چهارچوبهای اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. (۱۳۳)

۶۷/۹/۲

\* \* \*

### تربیت و تهذیب نفوس

بر اهل علم خیلی لازم است که این مقامات را حفظ کنند و خود را کاملاً از این مفسد پاک کنند تا هم اصلاح آنها شود و هم اصلاح جامعه را کرده، و عظم آنها مؤثر گردد و پند آنها در قلوب موقعیت پیدا کند. فساد عالم موجب فساد امت شود، و معلوم است فسادی که ماده فسادهای دیگر شود و خطیئه‌ای که خطیئات دیگر زاید، بالاتر و بزرگتر است پیش ولی‌النعم از فساد جزئی غیر متعدی (۱۳۴)

\* \* \*

بباید دانست که مشکلترین امور و سخت ترین چیزها دینداری است در لباس اهل علم و زهد و تقوا، و حفظ قلب نمودن است در این طریقه. و از این جهت است که اگر کسی در این طبقه به وظایف خود عمل کند و با اخلاص نیت وارد این مرحله شود و گلیم خود را از آب بیرون کشد و پس از اصلاح خود به اصلاح دیگران پردازد و نگهداری از ایتم آل رسول نماید، چنین شخصی از زمره مقربین و سابقین به شمار آید. چنانچه حضرت صادق - علیه السلام - در خصوص چهار نفر حواریین حضرت باقر - علیه السلام - چنین تعبیر فرمود. و در وسائل از رجال کشی سند به ابی عبیده الحذاء رساند، قال: سمعت ابا عبدالله - علیه السلام - يقول: زُرارةٌ، و محمد بن مسلم، و ابوبصیر، و برید، من الذین قال الله تعالی: **وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* اولئک المقربون** <sup>۱</sup>.

و احادیث در این مقوله بسیار است و فضیلت اهل علم بیش از آن است که در حوصله بیان آید. و کفایت می‌کند درباره آنها حدیث

۱. گفت از حضرت ابوعبدالله(ع) شنیدم، می‌فرمود: زراره و محمد بن مسلم و ابوبصیر و برید از آنان هستند که خداوند تعالی درباره ایشان فرموده است: پیشی گیرندگان پیشی گیرنده، آنانند مقربان درگاه الهی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۱۸، ص ۱۰۵، ح ۲۲.



منقول از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله: *مَنْ جَاءَهُ الْمَوْتُ وَهُوَ يَطْلُبُ الْعِلْمَ لِيُحْيِيَ بِهِ الْإِسْلَامَ، كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ*<sup>۱</sup>. «کسی که بیاید او را مرگ در صورتی که طلب کند علم برای زنده کردن اسلام، در بهشت مقام او با مقام پیغمبران یک درجه بیش فاصله ندارد». و پس از این، ان شاء الله، ذکری از فضیلت آنان پیش می آید. و اگر خدای نخواست از طریق خلوص برکنار شد و راه باطل پیش گرفت از علمای سوء، که بدترین خلق الله هستند و درباره آنها احادیث سخت و تعبیرات غریب وارد شده است، به شمار آید. و باید اهل علم و طلاب این راه پر خطر اول چیزی را که در نظر گیرند این باشد که اصلاح خود کنند در خلال تحصیل. و آن را حتی الامکان بر جمیع امور مقدم شمارند که از تمام واجبات عقلیه و فرایض شرعیه واجبتر و سختتر همین امر است. (۱۳۵)

\* \* \*

آتیه شما تاریک است، دشمنان زیادی از هر طرف و هر طبقه پیرامون شما گرد آمده اند؛ نقشه های اهریمنانه خطرناکی برای نابودی شما و حوزه های علمیه در دست اجرا می باشد؛ ایادی استعمار خوابهای خیلی عمیق برای شما دیده اند؛ خوابهای خیلی عمیق برای اسلام و مسلمانان دیده اند؛ با تظاهر به اسلام نقشه های خطرناکی برای شما کشیده اند. شما فقط در سایه تهذیب، تجهیز و نظم و ترتیب صحیح می توانید این مفاسد و مشکلات را از سر راه خود بردارید و نقشه های استعماری آنان را خنثی کنید. من اکنون روزهای آخر عمرم را می گذرانم و دیر یا زود از میان شما می روم، ولی آینده تاریک و

---

۱. سنن دارمی؛ ج ۱، ص ۱۰۰ (با اندکی اختلاف).

روزهای سیاهی برای شما پیش‌بینی می‌کنم. اگر خود را اصلاح نکنید، مجهز نگردید، نظم و انضباط در امور درسی و زندگی خود حکمفرما نسازید، در آتیه خدای نخواستہ محکوم به فنا خواهید بود. تا فرصت از دست نرفته، تا دشمن بر همه شئون دینی و علمی شما دست نیافته، فکری کنید؛ بیدار شوید؛ به پا خیزید. در مرحله اول در مقام تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح خود برآیید؛ مجهز و منظم شوید؛ در حوزه‌های علمیه نظم و انضباط برقرار سازید؛ نگذارید دیگران بیایند حوزه‌ها را منظم کنند؛ اجازه ندهید دشمنان (به بهانه اینکه اینان لایق نیستند، کاری از آنان ساخته نیست و مشتی بیکاره، در حوزه‌ها گرد آمده‌اند، به حوزه‌های علمیه، دست بیندازند، و به اسم نظم و اصلاحات، حوزه‌ها را فاسد سازند، و شما را تحت سلطه خود درآورند. بهانه دست آنان ندهید. اگر شما منظم و مهذب شوید، همه جهات شما تحت نظم و ترتیب باشد، دیگران به شما طمع نمی‌کنند؛ راه ندارند که در حوزه‌های علمیه و جامعه روحانیت نفوذ کنند. شما خود را مجهز و مهذب کنید. (۱۳۶)

\* \* \*

باید در ضمن تحصیل علم مشغول تهذیب نفس هم باشید و چنانکه غیر را تبلیغ می‌کنید نفس خود را هم اصلاح نمایید. وظایف خود را فراموش نکنید؛ با هم صلح و صفا داشته باشید، دسته‌بندی و اختلافات را کنار بگذارید، با هم برادر باشید، با روح واحد و صفای باطن برای اسلام کار کنید. (۱۳۷)

۵۰/۱۰/۱۰

\* \* \*

حوزه‌های علمیه در هر جا هست - در هر جا - حوزه‌های علمیه هم بیدار بشوند، هر جا هستند. امروز روزی نیست که حوزه‌های علمیه مثل سابق عمل کنند. سابق وضع دیگر داشت، حالا وضع دیگر. حوزه‌های علمیه بیدار باشند. تقوا را، تقوا را، تقوا را نصب عین خود قرار بدهید. فضلا، طلاب علوم دینیه! تقوا، تقوا، تنزیه نفس، مجاهده با نفس. یک مجاهد با نفس می‌تواند بر یک امت حکومت کند. مجاهده کنید، تهذیب کنید. (۱۳۸)

۵۷/۱۲/۱۰

\* \* \*

حوزه‌های علمیه باید خودشان را تهذیب کنند. در خلال تهذیب، هر کاری که هست تعقیب کنند از علمیات. ما فقاہت لازم داریم. اگر فقیهی از بین برود، اسلام از بین می‌رود. ما فقیه لازم داریم، باید دنبال فقه باشیم. در عین حالی که دنبال فقه هستید، همان طوری که ائمه -علیهم السلام- بودند، حضرت امیر - سلام الله علیه - بود، در عین حالی که نمازش آنطوری بود، در عین حالی که عبادتش آنطور بود، شمشیرش هم آنطور بود؛ در عین حالی که بسط علم و توحید می‌کرد و مثل نهج البلاغه را گذاشت برای ما، در عین حال جنگ می‌کرد، در عین حال شمشیر می‌کشید؛ در عین حال که زاهد بود، در عین حال قوی و قدرتمند بود؛ جنگجو بود. اینها با هم باید باشند. (۱۳۹)

۵۷/۱۲/۱۱

\* \* \*

دانشگاه باید مرکز درست کردن انسان باشد. چه دانشگاه روحانی، و چه دانشگاه شما. و این یک امری بوده است که انبیا - علیهم السلام -

مأمور بر همین امر بوده‌اند که انسان درست کنند. کتب آسمانی، همه کتب آسمانی، برای انسان ساختن آمده است. اگر انسان ساخته بشود، همه چیز به صورت معنویت درمی‌آید؛ یعنی مادیات هم به صورت معنویت در می‌آید. به عکس، اگر چنانچه قشرها شیطانی باشند و از دانشگاه ما و شما انسانهای منحرف بیرون بیایند، معنویات هم به صورت مادیات درمی‌آید؛ فانی در مادیات می‌شود. (۱۴۰)

۵۸/۳/۱۶

\* \* \*

ما می‌خواهیم یک تربیت انسانی باشد، به طوری که همه با هم دوست باشند؛ همه رفیق باشند؛ نه من از شما بترسم؛ نه شما از من بترسید. محیط، محیط رحمت باشد؛ نه محیط رعب و وحشت. این خدمت، که خدمت به انسانیت است و خدمت به اسلام است، بر عهده ما و شماست. بر عهده ما هست در جانب روحانیت؛ بر عهده شما هست در جانب دانشگاههای خودتان.

... ما و شما که این شغل را داریم، ما در طرف روحانیت و شما در طرف دانشگاهها مسئول این جوانها هستیم. در پیشگاه خدای تبارک و تعالی مسئول هستیم که اینها را خوب بار بیاوریم، اینها را اشخاصی که به درد یک مملکت بخورند؛ اشخاصی که خدمتگزار باشند به اسلام؛ خدمتگزار باشند به کشور خودشان؛ امین باشند و خیانتکار نباشند. و همه اینها زیر بیرق توحید است و اسلام است. اسلامی بار بیاورید بچه‌هایتان را؛ و اسلامی بشوید همه شما. (۱۴۱)

۵۸/۳/۲۱

\* \* \*

اینها از روحانی می ترسند، برای اینکه روحانی تربیت می کند انسان را، و آنها نمی خواهند انسان پیدا بشود. (۱۴۲)

۵۸/۵/۲۷

\* \* \*

آموزش وقتی مفید خواهد شد که تزکیه باشد، که تربیت روحی و اخلاقی در آن باشد. در دانشگاهها و در سایر مراکز علم، چه در آنجاهایی که علمای روحانی هستند، و چه در آنجاهایی که دانشمندهای غیر روحانی هستند، اینها باید اشخاصی باشند در آنها که این طلاب را در آنجا، و این دانشجویها را در اینجا تربیت اخلاقی بکنند. تزکیه بکنند نفوس اینها را. همان طوری که دارند تحصیل می کنند تزکیه نفس هم داشته باشند. اگر یک عالم مُرکّای به همه معنا، در یک جامعه باشد، ممکن است یکوقتی جامعه را این و آن ور کند. من در جوانی در بعضی وقتها که در بعضی از این شهرها می رفتم می دیدم بعضی از این شهرها خیلی مردمش مؤدّب به دیانت هستند. دنبال این شدم که چطور شده است که اینجا اینطوری است و آن شهر دیگر اینطور نیست؛ می دیدم که اینجا آن عالمی که در اینجا هست یک عالمی است که خودش را تزکیه کرده. یک عالمی است که خودش اصلاح شده است. مردم را او اصلاح کرده.

باید عالم وقتی که در یک جامعه ای می رود، در یک محلی می رود، در یک دهی می رود، در یک شهری می رود، دنبال این باشد که تزکیه کند آنها را، قبل از اینکه تعلیم کند آنها را. (۱۴۳)

۵۹/۴/۱۰

\* \* \*

عزمتان جزم این معنا باشد، و توجهتان به خدا و اعمالتان خالص برای خدای تبارک و تعالی. جدیت کنید که در آن مدرسه که هستید تحصیل کنید. و بالاتر از تحصیل، تهذیب اخلاق [است]. اسلامی باشید و علوم اسلامی را با نفوس اسلامی تکمیل کنید. در کنار تحصیل جدی در احکام اسلام و معارف اسلامی، تهذیب اسلامی داشته باشید. مدرسه‌های علمی و دینی و تمام مدارسی که در آن تحصیل می‌شود، چه تحصیلات علوم دینی باشد یا تحصیلات دیگر، در رأس برنامه‌هایشان در این جمهوری اسلامی باید این معنا باشد که مهذب باشند، قبل از اینکه عالم هستند. مهذب باشند، قبل از اینکه محصل هستند. در مدارس، همه مدارس سرتاسر کشور، لازم است که اشخاصی که مهذب هستند و علما و گویندگانی که راه حق را تا آن اندازه که قدرت داشتند پیموده‌اند در این مدارس بروند و حوزه اخلاقی و حوزه تهذیب و حوزه معارف اسلامی تشکیل بدهند، که در کنار تحصیلات علمی، تهذیب اسلامی و اخلاق اسلامی باشد. اگر تهذیب اسلامی در مدارس نباشد، چه مدارس دینی و چه مثل سایر دانشگاهها، که آنها هم باز مدارس اسلامی و دینی هستند، باید توجه کنند که معلمانی که در این مدارس هستند و کسانی که در این مدارس تبلیغ می‌کنند یا صحبت می‌کنند اشخاصی باشند که صد در صد اسلامی و معتقد به احکام اسلام و عقاید اسلامی باشند، که کسانی که پیش آنها تربیت می‌شود تربیتهای اسلامی با تهذیبهای اسلامی باشد...

آنقدر که کشور ما از دانشگاه و فیضیه صدمه دیده است از جاهای دیگر ندیده است. باید هر دو اینها مهذب باشند. علمای اسلام و اساتید دانشگاه با هم پیوند داشته باشند، تفاهم داشته باشند، که این دو محل را محل اسلامی کنند. و معلمهایی که انتخاب می‌شوند در

دانشگاه بخصوص و در سایر جاها معلمهای متعهد باشند؛ و معلمهایی باشند که نه فکر آنها طرف شرق باشد، و نه دست آنها طرف غرب دراز باشد. چنانچه در بین معلمین ما شرقی یا غربی باشد، این کشور ما یا گرایش به شرق پیدا می‌کند، یا گرایش به غرب پیدا می‌کند؛ و از محتوای جمهوری اسلامی، که شعارش نه شرقی و نه غربی است، تهی می‌شود. اعتنا [نکنید] به اینکه بعضی از اشخاص می‌گویند که نباید اینطور تہذیبها بشود؛ و باید آزاد و سر خود هر کس هر جا می‌خواهد برود. هر معلمی بخواهد جوانها و بچه‌های ما را هر جور تربیت کند این انحراف است؛ بر خلاف تعالیم عالیہ اسلام است. اسلام آنقدر که به تہذیب این بچه‌های ما و جوانهای ما کوشش دارد به هیچ چیز کوشش ندارد. اسلام اصلاً برای آدم ساختن آمده است. این مکتبهای انحرافی آدم را از آدمیتش بیرون می‌کند؛ کشور ما را به جایی می‌رساند که یا پناه به شرق و کمونیست ببرد؛ یا پناه به غرب و امریکا. و منشأ تمام این بدبختیها این اساتیدی بودند که متعهد نبودند، و زیر دست آنها افرادی بیرون آمدند که آن افراد جامعه ما را به هلاکت رساندند و مملکت ما را و سران مملکت ما را با شرق یا با غرب متصل کردند. مهمتر چیزی که برای کشور ما لازم است تعهد اسلامی و تہذیب اسلامی است. اگر این یک سنگر صحیح بشود و سنگر دانشگاه و فیضیه یک سنگر اسلامی باشد، دیگر سایر ملت به این طرف یا آن طرف نخواهند گرایید؛ و با صراط مستقیم راه انسانیت و راه اسلامیت و راه استقلال و راه آزادی را طی می‌کنند. (۱۴۴)

۵۹/۱۲/۱۰

\* \* \*

از عموم علمای عظیم‌الشان و ائمه جمعه و جماعات تقاضا دارم که با

دیده رحمت و عطوفت به جمهوری اسلامی و متصدیان امور نظاره کنند و با ارشاد و موعظه حسنه، خطاکاران را تربیت کنند و کجیها را راست فرمایند که این شیوه انبیای عظام و اولیای خداوند است. و تأثیر موعظه حسنه در نفوس بسیار زیادتر است از عیبجویی و بدگویی، و ممکن است قلمها و زبانهای عیبجو در بعضی از نفوس عصیان بیاورد و به جای اثر مثبت و نیکو اثر منفی و بد به جا گذارد و به جای اصلاح، موجب افساد شود. باید حضرات اعلام بدانند که با وجود اشتباه و خطا در متصدیان امور آثار نیک و مثبتی که در کشور به دست متصدیان و به کمک ملت عزیز انجام گرفته بسیار بیشتر است از اشتباهات و خطاها، و چنانچه تمام قلمها و زبانها به ارشاد آنان به کار افتد و با دیده رحمت و سنت انبیا - علیهم صلوات الله - با آنان رفتار شود، بزودی با تأیید خداوند رحمان، امور اصلاح و نقیصه‌ها مرتفع می‌شود. (۱۴۵)

۵۹/۱۲/۲۹

\* \* \*

امروز - تقریباً - همه مسائل تهذیبی و مسائل اخلاقی قابل دعوت است و هیچ مانعی از این نیست. اگر سابق شما می‌خواستید که بعضی از احکام الهی را منتشر کنید یا بعضی از اخلاق فاسده را ذکر بکنید، حتی در یک جای محدود هم نمی‌توانستید؛ برای اینکه آنهایی که مخالف شما بودند آن قدر فاسد بودند که شما از هر صفت زشتی که اسم می‌بردید، آنها به ریش می‌گرفتند و جلوی شما را می‌گرفتند و امروز بحمدالله این فرصت برای ما، برای شما آقایان علما، برای همه علمای اسلام در ایران پیش آمده است که راه باز است برای مهذب کردن مردم و دعوت مردم به صلاح. بنابراین، آن چیزی که در رأس



همه امور است، برای همه ماها اول تهذیب نفس است و در خلال او تهذیب مردم است. اگر انسان خودش مهذب نباشد نمی تواند دیگران را تهذیب کند، حرف اثر ندارد. وقتی که آقایان خودشان را تهذیب کردند، خصوصاً، ائمه جمعه که سر و کارشان با توده های عظیم مردم است، ائمه جماعت هم هست، اما ائمه جمعه بیشتر الآن مورد توجه هستند، آنها باید ان شاء الله به مقام عالی تهذیب برسند و مردم را هم دعوت به این مطلب بکنند. تمام آن مسائلی که در اسلام [است] حتی مسائل سیاسی اش، مسائل تهذیبی است، برای درست کردن آدم است. ما نباید همه مسائل را حالا دنبال مسائل سیاسی قرار بدهیم. باید همه مسائل را دنبال مسائل اسلامی و خصوصاً، این وجهه تهذیب مردم [قرار دهیم]. شما ملاحظه می فرمایید که لحن قرآن در این باب از همه ابواب دیگر زیادترو بیشتر تأکید در آن دارد؛ چندین آیه قسم هست و بعدش **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْنَهَا \* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْنَهَا**<sup>۱</sup>. این به ما می فهماند که اساس مسائلی که همه چیز به آن درست می شود، آن تهذیب است و اساس همه مسائلی که انحرافی است، این عدم تهذیب است و «دَسَّيْنَهَا» در نفس انسان است، «دَسَّيْنَهَا» شیطان است؛ بنابراین، باید ما سرلوحه همه امورمان را این قرار بدهیم. (۱۴۶)

۶۰/۱۰/۳۰

\* \* \*

از همه کوششها لازمتر، کوشش دو قشر روحانی و دانشگاهی در راه تهذیب و تربیت خود و جوانان عزیز همدوش با تعلیم تا حد تخصص است، چرا که با فساد آنان عالم فاسد می شود و با صلاح آنان

۱. بدرستی که هرکس نفس خود را از گناه منزه سازد، رستگار خواهد بود؛ و هرکس آن را به کفر و گناه پلید گرداند، زیانکار خواهد گشت (شمس / ۹ - ۱۰).

صالح. علمای اعلام و مدرسین عظام حوزه‌های علمیة بلاد و اساتید محترم و متعهد دانشگاهها در نزدیک کردن هر چه بیشتر حوزه‌ها و دانشگاهها کوشش نمایند. اساتید محترم و متفکران متعهد دانشگاهها و سایر مراکز تحصیلی که فساد رژیم سابق را لمس کردند و بدبختیهایی که از آن دستگاه فاسد نصیب ملت و کشورشان شد دریافتند، برای رضای خداوند تعالی و برای حفظ استقلال و آزادی کشورشان در تربیت انسانی نونهالان همراه با تعلیم آنان کوشش کنند؛ که علم و تخصص بدون تهذیب و تربیت، بلایی است که امروز بشر مبتلای به آن است و می‌رود تا عالم را به آتش کشد. و مسابقه و رقابت دو ابرقدرت در مجهز شدن به سلاحهای مدرن اتمی و هسته‌ای که از مبادی شیطانی و نفسانی سرچشمه می‌گیرد، چه مصیبتی برای بشریت دارد؛ مگر آنکه دستی از غیب بیرون آید و بشریت را نجات دهد. (۱۴۷)

۶۲/۱/۱۲

\* \* \*

تزکیه مقدم است بر همه چیز. طلبه‌ای که در مدرسه درس می‌خواند، همدوش با درس، هممقدم با درس تزکیه لازم دارد. امام جمعه‌ای که می‌خواهد هدایت کند مردم را، باید تزکیه خودش را کند تا بتواند هدایت کند. دولتی که بخواهد مردم را وادار به کار خوب بکند باید تزکیه بکند خودش را. عارفی که بخواهد مردم را به معارف الهیه دعوت کند، تا خودش را تزکیه نکند این قدرت را ندارد. فیلسوفی که بخواهد توحید را به مردم بیاموزد، تا این خصیصه شیطانی در او هست، این عمل را نمی‌تواند انجام بدهد؛ یعنی، زبان، زبان شیطان است و توحید می‌گوید و دل، دل شیطان است که توحید را دریافت

کرده است، و قلب، قلب شیطان است که فقه را آموخته و فقه را تعلیم می‌کند. تا این خصیصه هست، تمام امور لنگ است در اشخاصی که بخواهند خودشان را تهذیب کنند، یا اشخاصی که بخواهند جامعه را تهذیب کنند.

بر عهده کی است که جامعه را تهذیب کند؟ بر عهده علما، بر عهده دانشمندان، بر عهده اندیشمندان، بر عهده ائمه جمعه، بر عهده مدرسین، بر عهده علمای بلاد... اگر چنانچه قلب، قلب رحمانی شد، الهی شد، توجه به خدا کرد، از خدا همه چیز را خواست، همه چیز را به دست او دانست، او می‌تواند که مردم را تهذیب کند. و این به عهده علمای بلاد است در هر جا هستند، اندیشمندان بلاد است در هر جا هستند، مدرسین است، خبرگان است، هر جا هر کس هست. این تکلیف، ابتدائاً متوجه به اینهاست و همه مردم تکلیف دارند، لکن اینها خودشان را در این معرض قرار دادند. اگر بخواهید جامعه را تهذیب کنید که این جامعه، یک جای دنیا اگر اسم از اسلام برد، مخالفت با آن نکنند باید تهذیب شان کنید، باید آشنایشان کنید به مسائل. (۱۴۸)

۶۳/۱۱/۱۴

\* \* \*

علمای بلاد هم هر جا هستند و خصوصاً در حوزه‌های علمیه باید همه جهاتی که اهل علم را، آنهایی که تازه آمدند و مشغول درس خواندن هستند، آنها را به خدای تبارک و تعالی نزدیک می‌کند و علاقه‌مند می‌کند، همه آن جهات را باید حوزه‌ها داشته باشند. حوزه‌ها باید درس اخلاق داشته باشند، نه یکی، نه دوتا، ده‌تا، بیست‌تا، درس اخلاق داشته باشند. اگر بخواهید که آینده کشور شما

یک آینده نورانی باشد، تربیت کنید اینهایی که وارد در حوزه‌ها هستند، یا در آنجایی که درس می‌گویید وارد می‌شوند، تربیتشان کنید به یک تربیتی که از این عالم هجرت کنند، توجه به ماورای اینجا بکنند، روحانی باشند؛ یعنی روح باشند، یعنی توجه به ماورای طبیعت داشته باشند. از اول قدمها که برداشته می‌شود، برای آن طرف برداشته بشود، وقتی این طور شد، اینجا هم درست می‌شود. آن کسی که جهات معنوی خودش را تقویت کرد، آن کس در جهات طبیعی هم قوی می‌شود. مثل، مثل انبیاست و اولیا، با همه آن معنویات، با همه آن معارف الهیه، کشورداری هم می‌کردند، حکومت هم تأسیس می‌کردند، حدود را هم جاری می‌کردند، کسانی هم که مضر به جامعه بودند از دم شمشیر می‌گذرانند، در عین حالی که در آن پایه از معارف بودند.

اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیتی سالم، و دعوت کنید به اینکه با خدا آشنا بشوند، با معارف الهی آشنا بشوند، با قرآن آشنا بشوند، اگر این طور شد، کشور شما سالم می‌ماند و به سایر جاها هم سرایت می‌کند؛ قهری است این. (۱۴۹)

۶۴/۶/۵

\* \* \*

### آگاه و بیدار کردن مردم

خوب بگویید آقا حرف را؛ [مگر] چه می‌کنند؟ اگر همه علمای اسلام یک مطلبی را بگویند، حالا که خطر بر اسلام وارد شده و آن خطر یهود است و حزب یهود - که همین حزب بهائیت است - این خطر که حالا نزدیک شده، اگر آقایان، علمای اعلام، خطبا، طلاب، همه با هم هم صدا بگویند که آقا ما نمی‌خواهیم که یهود بر مقدرات مملکت ما

حکومت کند، ما نمی خواهیم که مملکت ما با مملکت یهود هم پیمان بشود در مقابل پیمان اسلامی؛ آنها - مسلمین - باهم هم پیمان می شوند، آقایان با یهود هم پیمان می شوند! خوب، چه وضعی است این مملکت؟ اگر نوکر هم هستید چرا اینقدر نوکر؟! (۱۵۰)

۴۲/۲/۱۲

\* \* \*

اگر ملت ایران تسلیم احکام اسلام شوند و از دولتها بخواهند برنامه مالی اسلام را با نظر علمای اسلام اجرا کنند، تمام ملت در رفاه و آسایش زندگی خواهند کرد.

مقامات روحانی برای قرآن و مذهب احساس خطر می کنند. به نظر می رسد این رفتارندم اجباری مقدمه برای از بین بردن مواد مربوط به مذهب است. علمای اسلام از عمل سابق دولت راجع به انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی، برای اسلام و قرآن و مملکت احساس خطر کرده اند؛ و به نظر می رسد که همان معانی را دشمنان اسلام می خواهند به دست جمعی مردم ساده دل اغفال شده اجرا کنند. علمای اسلام وظیفه دارند هر وقت برای اسلام و قرآن احساس خطر کردند، به مردم مُسلِم گوشزد کنند تا در پیشگاه خداوند متعال مسئول نباشند. (۱۵۱)

۴۱/۱۱/۲

\* \* \*

روحانیت، با هر فشار و مضیقه و اهانتی که دولت بر آن وارد کرده و درصدد وارد کردن است، تکلیف دینی و وجدانی خود را در این تشخیص داده که مصالح و مفاسد را به دولتها و به جامعه مسلمین

گوشزد کند؛ و از نصیحت مشفقانه به زمامداران و اولیای امور خودداری نکند؛ و آنچه را برای این ملت بدبخت ضعیف گرسنه بناست پیشامد کند، و آثار و نشانه آن یکی بعد از دیگری نمایان می‌شود، به جامعه بشر برساند. (۱۵۲)

اسفند ۱۳۴۱

\* \* \*

آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پستهای حساس به دست این فرقه<sup>۱</sup> است که حقیقتاً عمال اسرائیل هستند. خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی یا بسته شده یا می‌شود. لازم است علمای اعلام و خطبای محترم سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم. (۱۵۳)

اردیبهشت ۱۳۴۲

\* \* \*

آقایان موظفند ملت را آگاه کنند؛ علما موظفند ملت را آگاه کنند. ملت موظف است که در این امر<sup>۲</sup> صدا دریاورد. با آرامش [به] عرض برساند؛ به مجلس اعتراض کند؛ به دولت اعتراض کند که چرا یک همچو کاری کردید؟ چرا ما را فروختید؟ مگر ما بنده شما هستیم؟ (۱۵۴)

۴۳/۸/۴

\* \* \*

۱. منظور امام، فرقه ضاله بهائیت بوده است.

۲. اشاره امام به طرح اسارت‌بار کاپیتولاسیون یا مصونیت کارگزاران امریکایی در ایران است.

بر شما جوانان روشنفکر است که از پای ننشینید تا خواب رفته‌ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید؛ و با فاش کردن خیانتها و جنایتهای استعمارگران و پیروان بی‌فرهنگ آنها غفلت زده‌ها را آگاه نمایید، و از اختلاف کلمه و تفرقه و هواهای نفسانی که رأس همه فسادهاست احتراز کنید، و به خداوند تبارک و تعالی روی نیاز آورید که شما را در این راه هدایت فرماید، و با جنود فوق طبیعت کمک کند. (۱۵۵)  
۱۳۴۶ ه. ش.

\* \* \*

بر رجال دینی و سیاسی و جوانان مدارس دینی و دانشگاه و بر همه طبقات لازم است که قبل از اجرا شدن این واقعه<sup>۱</sup> و نتایج مرگبار آن اعتراض کنند؛ به دنیا برسانند که این قراردادها مخالف رأی ملت است. (۱۵۶)

۴۹/۴/۲۰

\* \* \*

بر کافه علمای اعلام و وعاظ محترم است که اگر گلایهایی از هم دارند، نادیده گرفته و خود را مجهز نموده صفوف خود را فشرده‌تر کرده و در صف واحد در این امر حیاتی چاره‌جویی کنند. و بر آنان و سایر دانشمندان و علاقه‌مندان به اسلام و استقلال کشور است که ملت مسلمان، خصوصاً ساکنین قرا و قصبه را از این فکر شیطانی که با نام فریبنده «سپاه دین» می‌خواهند دین و استقلال کشور را پایمال کنند، آگاه سازند و با هر وسیله ممکن مفاسد این نغمه شوم را به مردم برسانند. (۱۵۷)  
۵۰/۸/۲۱

---

۱. اشاره امام به حضور سرمایه‌داران امریکایی برای سرمایه‌گذاری در ایران است.

اینجانب در این تبعیدگاه ثانوی<sup>۱</sup> چشم امیدم به جوانان روحانی و دانشگاهی مسلمان بوده و انتظار دارم که با تهذیب نفس و اخلاص، مطالعات و تحقیقات وسیع و دامنه‌داری را در زمینه شناخت احکام اسلام و مبانی نورانی قرآن آغاز نمایند؛ اسلام واقعی را بشناسند و بشناسانند. ملت اسلام را بیدار و آگاه ساخته، تباین اسلام پیغمبر خدا و اولیای او را از اسلام ساختگی امثال معاویه و حکومت‌های غاصب و جائر دولتهای دست‌نشانده استعمار - که از تلویزیونها، رادیوها و وزارتخانه‌ها به خورد مردم می‌دهند - به آنان برسانند؛ و به دنیا بفهمانند این اسلامی که دولتهای دست‌نشانده از آن دم می‌زنند، و کنفرانس به اصطلاح وحدت اسلامی تشکیل می‌دهند، اسلام ساخته و پرداخته سلاطین اموی و عباسی می‌باشد که در برابر قرآن و آیین مقدس پیامبر بزرگ اسلام درست شده است. (۱۵۸)

۵۱/۱۲/۲۴

\* \* \*

اکنون سکوت در مقابل این نقشه‌ها و فجایع در حکم انتحار است و استقبال از مرگ سیاه، و سقوط یک ملت بزرگ می‌باشد. تا فرصت از دست نرفته لازم است که سکوت شکسته شود و استنکار و اعتراض آغاز گردد. بر علما و خطبای اسلام است که در مساجد و محافل، نقشه‌های پشت پرده دستگاه را به ملت برسانند و در این مصیبت بزرگ که برای اسلام و مسلمین و خصوص علمای اعلام و خطبای محترم پیش آمده است از هیچ‌گونه اقدامی فروگذار نکنند. مراجع عظام نظر مبارک خود را با طبع و نشر اعلام نمایند. (۱۵۹)

۵/۱۲/۲۳

۱. منظور، شهر نجف اشرف است که امام را پس از یک سال تبعید در شهر بوسرای ترکیه به آنجا تبعید کردند.



علمای اعلام و سایر طبقات بدانند که تشکیل این حزب<sup>۱</sup>، مقدمه بدبختیهای بسیاری است که اثراتش بتدریج ظاهر می شود. بر مراجع اسلام است که ورود در این حزب را تحریم کنند و نگذارند حقوق ملت مسلمان ایران پایمال شود. (۱۶۰)

۵۳/۱۲/۲۱

\* \* \*

اکنون وظیفه عموم مسلمانان و خصوص علمای اعلام و روشنفکران و دانشگاهیهای علوم قدیمه و جدیده است که برای دفاع از اسلام عزیز و حفظ احکام حیاتبخش آن، که ضامن استقلال و آزادی است، و از میهن بزرگ خود - که مهد بزرگان و آزادیخواهان بوده و اکنون در شرف سقوط است - از فرصت استفاده کنند و گفتنیها را بگویند و بنویسند و به گوش مقامات بین المللی و سایر جوامع بشری برسانند، و بر ارتش و سران آن است که خود را از ننگ اسارت در دست اجانب نجات دهند و مملکت خود را از هلاکت و سقوط برهانند. (۱۶۱)

۵۶/۸/۲۱

\* \* \*

گویندگان محترم در مجامع و مساجد وظیفه دارند که مصایب وارده بر ملت را در این پنجاه سال سلطنت سیاه پهلوی، خصوصاً در این چند ماه اخیر و کشتار اخیر شهر مقدس مشهد در جوار حضرت ثامن الائمه - علیهم السلام - و رفسنجان، به سمع مردم برسانند و آنان را از مسائلی که مفید برای اسلام و مصالح مسلمین است آگاه گردانند، و از مطالبی که موجب سردی و سستی است احتراز کنند که عذر در

---

۱. منظور حزب رستاخیز است.

درگاه خدای متعال و پیش ملت مسلم پذیرفته نیست. (۱۶۲)

۵۷/۵/۵

\* \* \*

باید طبقات دانشمند از نویسندگان و گویندگان در هر لباس و شغلی که هستند دست در دست یکدیگر گذاشته و با قلم و بیان، جنایات بیشمار دستگاه را برای ملت بیدار ایران روشن تر کنند. باید طلاب و دانشجویان عزیز و شجاع سراسر ایران از هر فرصت استفاده کرده و شعار ضد شاهی را که شعار اسلام است زنده نگه دارند. (۱۶۳)

۵۷/۵/۲۲

\* \* \*

روحانیون معظم در این موقع حساس که شاه زلزله<sup>۱</sup> را بهانه قرار داده و دست به بهره‌برداری زده است، وظیفه الهی و سنگین خود را عمل فرمایند و به مردم هشدار دهند. سیاسیون و روشنفکران و دانشگاهیان وظیفه اسلامی و ملی خود را به جا آورند و نگذارند نهضت را به وسیله تبلیغات پر سروصدا منحرف کنند. (۱۶۴)

۵۷/۶/۲۷

\* \* \*

شما<sup>۲</sup> و ما و سایر قشرها مکلفیم به ارتش بفهمانیم که باید زنجیر تسلط اجانب را با قدرت نظامی پاره کند و به ملت بپیوندند و کشور را از ننگ فرمانروایی مستشاران اجانب برهانند؛ زیرا صلاح دین و

---

۱. زلزله شهر طبس، واقع در کویر مرکزی ایران که خسارات زیادی به بار آورد.

۲. خطاب به طلاب و دانشجویان.

دنیای همگی در آن است و بدون سرنگونی رژیم شاه، نجات امکان ندارد. باید ارتشیان را آگاه گردانید که شاه و عمال سرسپرده او، شما را در راه مقاصد شوم خود و ابرقدرتها و (غارتگرانِ ضعفا) به خدمت می‌گیرد، که حفظ منافع اجانب و همدستی با اسرائیل نمونه آن است. و کشته دادن و ننگ از آن شماسست، و حفظ مقام و ادامه ستمگری و غارتگری از آن او و ستمگران است. هلاکت و برادرکشی، نصیب درجه‌داران جوان و سربازان است، و استفاده و عیاشی برای دیگران. باید خود را از شر شاه نجات دهند و شاهد پیروزی را در آغوش کشند. (۱۶۵)

۵۷/۷/۱۶

\* \* \*

خطبای محترم و گویندگان عزیز، بیش از پیش به تکلیف الهی خود که افشاگری جرایم رژیم است عمل فرمایند، و خود را در پیشگاه خداوند تعالی و ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - سرفراز و رو سفید نمایند. طلاب و فضلاء حوزه‌های علمیه که در این ایام برای روشنگری به قرا و قصبات می‌روند، لازم است دهقانان محروم و محترم را از فجایع شاه و کشتار مردم بی‌دفاع، آگاه گردانند و به آنان تذکر دهند که بر خلاف تبلیغات مسموم شاه و بستگانش، دولت اسلامی، طرفدار سرمایه‌دارها و مالکین بزرگ نمی‌باشد؛ این حرفهای بی‌معنی برای انحراف از راه حق است. مطمئن باشند که اسلام طرفدار ضعفا و دهقانان و مستمندان است؛ این شاه است که به طرفداری از امریکا کشاورزی را به تباهی کشانده است، این شاه است که به طرفداری از سرمایه‌دارها ذخایر ملت ضعیف را به نفع آنان از بین برده است. شما آنان را مطمئن کنید که در دولت حق، از شما به

بهترین وجه حمایت خواهد شد. (۱۶۶)

۵۷/۹/۱

\* \* \*

این نهضت جنبشی است که همهٔ مردم را شامل می‌شود و از آنها و مردم سرچشمه می‌گیرد، و اعتقادش به این است که این نهضت را تا به ثمر رسیدن باید ادامه داد. البته ما روحانیون، مردم را هدایت کردیم و تمام جرایم رژیم را افشا کردیم و روشننگری روحانیون، بحمدالله مفید واقع شد و مردم روشن شدند، و یک تحول فکری برای جامعهٔ ایران به وجود آمد. (۱۶۷)

۵۷/۹/۱۶

\* \* \*

لازم است علمای اعلام بلاد و خطبای محترم به کشاورزان عزیز کشور تذکر دهند که امسال در کشت مواد غذایی خصوصاً گندم همت فراوان کنند و از کشت چیزهایی که دولت مجرم به اجانب می‌دهد احتراز نمایند. از این خائنان بعید نیست که قحطی مصنوعی به وجود آورند. من از مردم ایران تقاضا دارم که در این امور به کشاورزان محروم کمک نمایند. (۱۶۸)

۵۷/۱۰/۱۲

\* \* \*

این شاه است که با انواع دروغها و حيله‌ها، هم دین خدا را تحریف کرده و خواسته‌های شیطانی خود و اربابانش را به عنوان قوانین منطبق با اسلام بر ملت مظلوم ایران تحمیل می‌کند، و هم حقایق و

واقعیات را وارونه جلوه می‌دهد. بر علمای دینی و مذهبی است که چهره واقعی او را به ملت معرفی کنند. مثلاً ببینید شما، شاه کشاورزی ما را نابود کرد و کشور را در مواد غذایی وابسته به خارج نمود و هنوز هم به اصلاحات ارضی خود افتخار می‌کند؛ آیا این یک تحریف نیست؟ و یا مثلاً نفت ایران را تا آنجا که می‌تواند استخراج می‌کند و با پول آن برای اجانب پایگاه نظامی تأسیس می‌کند. و یا به بهانه صنعتی کردن کشور - صنایع مونتاژ - آن هم اکثراً با سرمایه‌های خارجی و بدون هماهنگی با شرایط اقتصادی کشور، ایران را بازار مصرف اجناس تجملی خارج ساخته و از این طریق ثروت کشور را به هدر می‌دهد و بعد ادعای مدرنیزه کردن کشور را دارد. و صدها تحریف و خیانت دیگر که بر هر مسلمانی و در درجه اول بر علمای دینی و مذهبی واجب است که قیام کنند و خود و ملت را از این ستمگریها نجات دهند. (۱۶۹)

۵۷/۱۰/۱۸

\* \* \*

اینجانب از اهالی محترم آن ناحیه [کردستان] کمال تشکر را دارم که دین خود را به اسلام و مسلمین به نحو شایسته ادا نموده‌اند و در این نهضت عظیم سهم بسزایی داشته‌اند. خداوند تعالی به آنان خیر عنایت فرماید. از قبیل اینجانب به دهقانان و کشاورزان محترم تذکر دهید که گول تبلیغات بی‌اساس شاه و شریکهای جرم او را نخورید. اسلام و حکومت اسلامی برای شما احترام زیاد قائل است و با شما به بهترین وجه رفتار می‌کند و حتماً بدانید که حال همه طبقات در حکومت عدل اسلامی مثل زمان حکومت طاغوت نیست که در آن، همه را از هستی ساقط نمود. از خداوند تعالی پیروزی مسلمین و

ملت مظلوم را خواهانم. (۱۷۰)

۵۷/۱۰/۲۴

\* \* \*

آقایان هم که از اهل علم و از علما هستید مردم را ارشاد کنید. و اگر بناست که به جاهای دیگر هم بروید، بروید به همه جا و مردم را ارشاد کنید و به آنها بفهمانید که مسئله حکومت عدل است، مسئله مسئله حکومت اسلامی است. و ما امیدواریم که بعد اختیار به دست خود شما بیفتد و مجلس را خود شما تعیین کنید. ما پنجاه سال است که مجلسمان مجلس شاهنشاهی بوده، نه مجلس ملی بوده، و حالا ما می‌خواهیم مجلس ملی درست کنیم؛ اختیار دست خود مردم، و کلا را خود مردم تعیین بکنند؛ سرنوشت خودشان به دست خودشان باشد. (۱۷۱)

۵۷/۱۱/۱۶

\* \* \*

آن چیزی که الآن بر شما آقایان اهل علم و طلاب محترم و فضیلتی معظم - عَظْمُ اللَّهِ أَجْرَهُمْ - ... هست این است که باید متفرق بشوید در بلاد، و مسائل ما را به بلاد تبلیغ بفرمایید. در بلاد، در آنجاهای دورافتاده این مسائل را تبلیغ بکنید که این اختلافات رفع بشود و این اشتباهات برکنار برود. (۱۷۲)

۵۷/۱۱/۱۷

\* \* \*

لازم است مردم هر چه زودتر از خیابانها به مساجد و مراکز اجتماع

بروند و به فرموده علمای اعلام و خطبای محترم گوش دهند. و بر علمای اعلام و خطبای بلاد است که به مساجد و مراکز عمومی تشریف برده و مردم را دعوت به صلاح و سداد کنند؛ و از اعمال خلاف شرع و خلاف مسیر نهضت بشدت جلوگیری نمایند و با بیانی رسا، مردم را از هرج و مرج و خرابکاری باز دارند و حکم شارع مقدس را ابلاغ نمایند.

اکنون که قوای انتظامی، از قبیل ارتش و ژاندارمری و شهربانی، به ملت پیوسته‌اند بر عموم ملت لازم است که به هیچ وجه تعرض به آنان نکنند و آنان را چون برادر نگهداری کنند. و بر علمای اعلام است که مردم را ارشاد کنند که از قوای انتظامی، که تحت لوای حکومت اسلامی آمده‌اند، حمایت نمایند. (۱۷۳)

۵۷/۱۱/۲۳

\* \* \*

باید با نظم و ترتیب و انسانیت و اسلامیت رفتار کنید و به دنیا بفهمانید که شما ملت مسلم به حقایق اسلام آگاهید و به دستورات اسلام پایبند هستید. باید از اینگونه چپ‌اولگریها جداً احتراز کنید. علمای اسلام مکلف شرعی هستند که مردم را از اینگونه اغتشاشات باز دارند و نگذارند مردم به اشخاص و مراکز هجوم آورند. باید علمای اسلام که راهنمای مردم هستند مردم را در این لحظات حساس راهنمایی کنند و نگذارید که اختلافاتی و اغتشاشاتی در مملکت واقع بشود.

حالا روزی است که باید مملکت حفاظت شود. در هر شهر و محله‌ای باید با نظر علما و معتمدین کمیته‌هایی تشکیل بشود و حفاظت از شهرها را به عهده بگیرد. باید به مراکز شهربانی و

ژاندارمری و ارتشی حمله نشود، اینها دیگر برگشته‌اند و از خود ما هستند؛ ارتش و ژاندارمری، شهربانی از خود ما هستند؛ تمام قوای انتظامی از ما و ما از آنها هستیم؛ همه هوادار اسلام هستیم. باید از اغتشاشات جلوگیری شود. (۱۷۴)

۵۷/۱۱/۲۳

\* \* \*

شما در این راه جدیت کردید و روشنگری کردید و ملت را به قیام وادار کردید. شما هدایت کردید مردم را. روحانیت ایران هدایت کرد مردم را. و بحمدالله روشنگریهای شما اثر خودش را کرد و مردم ایران یکپارچه با هوشیاری قیام کردند. (۱۷۵)

۵۷/۱۲/۷

\* \* \*

یک مملکت آشفته است که با همت شما باید درست بشود، با همت علما باید درست بشود، با همت - عرض می‌کنم - همه طبقات باید درست بشود.

الآن هم یک آشفتگیهای زیادی هست که مفسدین افتادند توی مردم و پخش اکاذیب می‌کنند؛ و می‌روند در این کارخانه‌ها به آنها می‌گویند که ببینید هیچ چیز نشده! خوب، آن بیچاره‌ها هم نمی‌دانند که «هیچ چیز نشد» نبوده. آئی که شد حساب نمی‌کنند که یک قدرت شیطانی و یک استبداد مبرمی را به هم زدند؛ این را حساب می‌کنند که حالا که آنها رفتند پس حالا باز هم هیچ چیز نشد! خیال کردند که حالا باید مثلاً تا آنها رفتند یک دست غیبی بیاید و همه چیز را برای همه ... اینها مفسد هستند؛ اینها می‌خواهند مردم را اغوا کنند، و شماها باید



در مقابل آنها ایستادگی نکنید؛ مردم را هدایت نکنید. هر کس می‌تواند، برود در این کارخانه‌ها برای مردم صحبت کند، بفهماند که اینها می‌خواهند باز اوضاع سابق را، می‌خواهند باز آن قلدریهای سابق را برگردانند به صورت دیگر. البته دیگر شاه برگشتنی نیست - شاه سابق - لکن می‌خواهند با وضع دیگر همان بساط را درست بکنند. بیدار کنید مردم را، هوشیار کنید مردم را؛ توی این کارخانه‌ها اشخاص مطلع، اشخاص بافهم از علما و غیره بروند آنجاها با مردم صحبت کنند؛ بفهمانند که اینها چه اشخاصی هستند. اینها اشخاصی بودند که بزرگانشان در خود دربار خدمت می‌کردند، حالا آمدند این حرفها را می‌زنند! حالایی که این ملت پابره‌نه این پیروزی را برد، از اطراف دارند هجوم می‌آورند و می‌آیند به ایران برای اینکه در این سفره شریک باشند! ... باید به مردم اینها را فهماند. (۱۷۶)

۵۷/۱۲/۷

\* \* \*

آقایان، اینهایی که قدرت بر این معنا دارند که تشریف ببرند در بلاد و در محالی که آشنا هستند یا غیر آشنا، و مسائل را برای آنها بگویند و آنها را روشن کنند و دعوت کنند به اینکه رأی بدهید به جمهوری اسلامی - این هم با همین کلمه: نه یک حرف زیادتر و نه یک حرف کمتر - برای اینکه الآن شیاطین افتاده‌اند دنبال اینکه «جمهوری» محض، همین جمهوری باشد، «جمهوری دمکراتیک» باشد و از این حرفها، برای اینکه آقایان تشریف ببرند و رفع ابهام بکنند، این خوب است. که به همان طوری که مدرسین محترم اینجا بنا دارند که یک مثلاً هیأتی را به اطراف یا اشخاصی را به اطراف بفرستند برای روشن کردن مردم، این لازم است که عمل بشود. و غصه نخورید که درستان

تعطیل می‌شود! ان‌شاءالله مجال درس خواندن [دارید] - الحمدلله جوان هستید و مجال درس خواندنتان هست. من هم یک طلبه بودم که وقتی دیدم وضع اینطوری است درسم را رها کردم و رفتم، و حالا هم آمدم پیش شما. الآن هم تعطیل هست. نه مطالعه دارم نه درس دارم. مشغول همین خدمت به شما آقایان هستم.

در هر صورت این نکته بود که از اینکه حالا مثلاً دو ماهی، چهار ماهی درس تعطیل بشود، از این نگرانی نداشته باشید. برای اینکه یکوقت انسان درس را تعطیل می‌کند برای اینکه برود تَعْيِش بکند، برای اینکه برود تنبلی بکند؛ یکوقت درس را تعطیل می‌کند برای خدا. همان طور که درس خواندن برای خدا ثواب و اجر دارد و ارزنده است پیش خدای تبارک و تعالی، گاهی وقتها هم تعطیل درس و اشتغال به یک مطلب مهمی - بلکه مهمتر از درس - این هم ارزنده است پیش خدا. الآن تعطیل شما و رفتن در اطراف و دهات دوردست، شهرها، دهات دوردست، مقصد، مقصد الهی است. فرق نگذارید بین اینکه در یک شهرستانی بروید و با یک جمعیت انبوهی مواجه باشید، یا در یک دهی بروید و با یک جمعیت کمی. وقتی بنا شد مقصد الهی باشد، مابین این و آن فرق نگذارید بلکه گاهی آن اولی است. در شهرستانها - خوب - اقشار زیاد هستند، آمال زیاد است، شاید هوای نفس در آنجا زیادتر باشد اما در قرا و قصبات و دهات دورافتاده این مسائل کمتر است: هم افراد کم می‌روند هم جمعیت‌های آنجا کم است، هم آنها از فقرا و - عرض می‌کنم - مستمندان هستند؛ طمع بین آنها کمتر است. از این جهت جنبه الهی آنجا بیشتر است. اینطور نباشد که همه مجتمع بشوند در شهرهای بزرگ. متفرق بشوند در شهرها و قصبات و دهات و - عرض کنم - قرا و همه جا، و همه را آگاه کنند که فراندوم که شد، همه بگویند جمهوری

اسلامی می‌خواهیم، (۱۷۷)

۵۷/۱۲/۱۵

\* \* \*

باید ما بدانیم که همه مکلف هستیم. علمای اسلام مکلفند در صف جلو. وظیفه آنها زیادترا از دیگران است. وظیفه آنها هدایت جامعه است. الآن ما احتیاج داریم به اینکه جامعه را هدایت کنیم؛ از این تفرقه‌ای که می‌خواهند بین جامعه بیندازند جلوگیری کنیم. و این به عهده علمای در درجه اول است که مردم را آگاه کنند از شرّ این شیاطین که می‌خواهند بین قشرها تفرقه بیندازند، و از توطئه‌های باقیمانده رژیم سابق جلوگیری کنند؛ مردم را آگاه کنند که اگر این قشرها در بین شما نفوذ کنند و خدای نخواستہ تفرقه بیندازند بین مؤمنین و بین مردم، ممکن است که مسائل سابق برگردد. و مسائل سابق اگر برگردد، اسلام در خطر است؛ کشور تا آخر در خطر است. (۱۷۸)

۵۸/۳/۸

\* \* \*

جدیت بکنید! شما آقایان که وظیفه‌تان سنگینتر از سایر طبقات است، شغل شریفتر و مسئولیت زیادترا، آگاه کنید مردم را به اینکه یک چند قدم دیگر ما داریم که برسیم به اینکه همین طور که گفتید رئیس‌جمهور درست بشود، مجلس شورا درست بشود، و قانون اساسی تصویب بشود. شما و من و همه اهل منبر و محراب و همه روحانیون و طبقات دیگر و همه دانشگاهیها و دانشمندان موظفند که امروز همه با هم و همه مجتمع کوشش کنند که زود این مطلب بگذرد. (۱۷۹)

۵۸/۳/۲۷

اگر یک شخصی را دیدید که از وظیفه اهل علم، از وظیفه انسانی - اسلامی تخطی می‌کند، او را نهی کنید. اگر نمی‌شوند، کنار بگذارید. باید همه به وظیفه اسلامی عمل کنیم، به دست دیگران فرصت ندهیم، بهانه ندهیم دست دشمنان که ما را آلوده کنند و بگویند که اهل علم، یا دیکتاتور هستند یا انحرافات دارند یا برای خودشان می‌خواهند یک بساطی درست کنند. امروز بسیار مسئله مهم است و با سابق بسیار فرق دارد. (۱۸۰)

۵۸/۴/۵

\* \* \*

شما آقایان هم حالا آزاد هستید؛ تشریف می‌برید در شهرها، در قرا، در قصبات، برای هدایت؛ ملتفت باشید که از این آزادی حسن استفاده کنید. خدای نخواسته سوءاستفاده نکنید. مردم را همه دعوت کنید به اینکه وکلای خودشان را بشناسند. علما برایشان معرفی کنند. آنهایی که آدم‌شناسند معرفی کنند که این سابقه‌اش چه بوده؛ دیروز در آن رژیم چه می‌کرده. حالا آمده البته تسبیح هم دستش ممکن است بگیرد و خیلی هم فریاد اسلام بزند، من بینم دیروز چه جور بوده؛ چه جنایتهایی را کرده، یا اجازه داده. باید اینها را بشناسند. و علمای بلادشان به آنها معرفی کنند. اشخاصی که برای اسلام دلشان می‌تپد آنها را تعیین کنند.

خداوند ان شاء الله همه شما را موفق کند. و همه قرائت کنید، قدم بردارید، منبر بروید. همه چیز باسم ربك الذي خلق<sup>۱</sup>. (۱۸۱)

۵۸/۴/۷

\* \* \*

---

۱. به نام پروردگاری که تو را آفرید (علق / ۱).

شما آقایان و همه آقایان اهل منبر، و همه خطبا و همه نویسنده‌ها و همه گوینده‌ها تایید کنید. عیب است که ما بنشینیم هی [انتقاد] بکنیم تا قانون اساسی مان را نتوانیم درست بکنیم. این قانون اساسی، قانون اساسی صحیحی است. رأی بدهند به آن دیگر، الزامی نیست، می‌خواهند رأی ندهند خودشان می‌دانند. در این جهت هم باید آقایان بگویند به مردم، بیدار کنند مردم را در همه جا. این آقایان طلابی که از قم می‌روند به جاهای دیگر برای ترویج. اینها هم باید بگویند این مطلب را و بمانند آنجا تا این کار انجام بگیرد. همچو یک روز، روز دوازدهم است، چیزی نیست دیگر. خوب ایام عاشورا که هستند دیگر نگذارند روز بعد از عاشورا برگردند، بمانند آنجا. مردم را بیدار کنند، هدایت کنند مردم را. نویسنده‌های ما همینطور، گوینده‌های ما همین طور. (۱۸۲)

۵۸/۸/۲۹

\* \* \*

این وظیفه مأمورین الهی است که در دنیا آمده‌اند برای اینکه بشر را از این عالم به عالم بالا ببرند. و یک وظیفه هم روحانیین ملتها دارند؛ روحانیین مسیح، روحانیون مسلم، روحانیون یهود، همه روحانیون. و آن وظیفه تبعیت تام از پیغمبرها، و از آنهایی که آمدند برای تربیت بشر و برای صلح و صفا بین تمام افراد بشر. روحانیون در مرتبه اول واقع‌اند برای تحقق دادن به آرمانهای انبیا که همان وحی الهی است. روحانیون یک وظیفه الهی دارند که این وظیفه الهی بالاتر از آن وظایفی است که سایر مردم دارند. یک مسئولیت الهی دارند. روحانیون مسئول‌اند در مقابل پیامبران و در مقابل خدای تبارک و تعالی. مسئول‌اند که تعلیمات انبیا را به مردم برسانند و دست مردم را

بگیرند و از این گرفتاریهایی که دارند نجات بدهند. مردم دنیا امروز مبتلا هستند به قدرتهای بزرگ، و به قدرتهایی که شیطانی هستند و در مقابل انبیای بزرگ ایستادند و نمی‌گذارند تعلیمات انبیا تحقق پیدا بکند. روحانیت مسیح یک خصوصیت زیادی دارد، و آن اینکه قدرتهای بزرگ مسیحی هستند، مدعی مسیحیت هستند و آن قدرتهای بزرگ‌اند که در دنیا برخلاف تعلیمات خدای تبارک و تعالی که به همه انبیا تعلیم فرموده است و برخلاف تعلیمات عیسی مسیح عمل می‌کنند. روحانیت مسیح موظف است به حسب تعلیمات مسیح، و به حسب تعلیم خدای بزرگ که با این قدرتهایی که برخلاف مسیر انبیا و برخلاف مسیر مسیح رفتار می‌کنند مبارزه معنوی بکنند. آنها را ارشاد بکنند به ملت مسیح. هدایت کنند ملت مسیح را که تبعیت از این قدرتهایی که بر ضد مسیح هست نکنند. (۱۸۳)

۵۸/۱۰/۴

\* \* \*

کسانی را انتخاب کنند<sup>۱</sup> که صد درصد مسلمان و معتقد به احکام اسلام و متعهد به اجرای احکام اسلام و مخالف با مکتبهای انحرافی و معتقد به جمهوری اسلامی باشند. شناخت این اشخاص یا با آشنایی به اعمال و رفتار آنان از زمان رژیم طاغوت تا کنون است و یا به معرفی روحانیون متعهد در شهرستانها یا اشخاص متدین موجه که گرایش به چپ و راست یا دسته‌ای نداشته باشند. (۱۸۴)

۵۹/۲/۱۷

۱. منظور، انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی است.

باید کاری کرد که ملتها هر جا هستند، ملتها بفهمند تکلیف خودشان را. اگر بخواهید و بخواهند و دانشمندا بخواهند و علمای همه بلاد اسلامی و دانشگاههای همه بلاد اسلامی بخواهند مشکله اسلام و ممالک اسلامی حل بشود، باید مردم را بیدار کنند. (۱۸۵)

۵۹/۵/۱۸

\* \* \*

مسلمانان متعهد که در این مجمع عمومی و سازمان الهی<sup>۱</sup> با لغو امتیازات متحدالشکل و بدون توجه به رنگ و زبان و کشور و منطقه، هر سال یک بار در مواقف شریفه مجتمع می شوند و با ساده ترین و بی آرایش ترین جهات مادی با توجه به معنویت و وفود علی الله گردهم می آیند و به وظایف و آداب اسلامی عمل می کنند، باید از جهات سیاسی و اجتماعی آن غافل نباشند. علمای اعلام و خطبای معظم، مسلمانان را به جهات سیاسی و وظایف بسیار خطیرشان آگاه سازند. وظایف خطیری که اگر مسلمانان جهان به گوشه ای از آن توجه کرده و عمل کنند، عزتی که خداوند برای مؤمنین قرار داده است باز یابند و به مفاخر اسلامی - الهی که حق مسلمین است برسند و در پناه اسلام عزیز و زیر بیرق توحید و پرچم لاله الا الله از استقلال و آزادی حقیقی برخوردار شوند و دست مستکبران و عمال آنان را از کشورهای اسلامی قطع کنند و مجد و عظمت اسلامی را بازگردانند. (۱۸۶)

۶۰/۶/۱۵

\* \* \*

---

۱. منظور، مراسم عبادی - سیاسی حج است.

اینجانب از علمای معظم و ائمه جمعه و جماعات محترم و خطبا و گویندگان متعهد در سراسر کشور تقاضا دارم که مردم شریف را از اهمیت این موضوع حیاتی<sup>۱</sup> و سرنوشت‌ساز مطلع و آنان را به تکلیف شرعی خود ارشاد فرمایند. (۱۸۷)

۶۰/۷/۲

\* \* \*

امروز آن چیزی که وظیفه همه ملت ما هست و این وظیفه بردوش روحانیین بیشتر است و بردوش خطبای اسلام - گویندگان - هم بیشتر است، این است که کوشش کنند که باقی بماند این جنبش و جلو برود. توده‌های مردم آنطور که ملاحظه می‌کنید، حاضرند برای پذیرایی حرفهایی که گفته می‌شود از روحانیون یا از خطبا. و لهذا، حجت بر روحانیون و بر خطبا و بر گویندگان، بر ائمه جماعت و همه قشرهای روحانی از طرف خدا، تمام است. (۱۸۸)

۶۰/۸/۴

\* \* \*

باید در همه منابر به این جوانهایی که گول خورده‌اند - از این منافقین و امثال آنها - نصیحت بشود، دعوت به حق بشود. باید آنها را فهماند که اینهایی که شما را دعوت می‌کنند که به ضد جمهوری اسلامی قیام کنید، اینها با اسلام بدند؛ با اسم اسلام، می‌خواهند اسلام را از بین ببرند. اینها یک روز با مقاصد اسلامی همراه نبوده‌اند. اینها نهج البلاغه و قرآن را اسباب دست قرار دادند؛ برای اینکه نهج البلاغه و قرآن را از بین ببرند. و این جوانهای بی‌اطلاع، این دخترهای بی‌اطلاع، این

۱. منظور، انتخابات ریاست جمهوری است.



پسرهای بی اطلاع [که] دستخوش این تبلیغات سوء اینها شده‌اند و در مقابل ملت ایستاده‌اند و در مقابل ملت می‌خواهند کاری انجام بدهند، حالا باید بفهمند اینها که نمی‌توانند کاری انجام بدهند. ...

آقایان در مجالس اینها را دعوت کنند. ما میل نداریم که جوانهایی که باید برای کشور خودشان خدمت کنند، در خدمت امریکا باشند، به وسیله این اشخاصی که به اسم اسلام می‌خواهند اسلام را از بین ببرند. بالاخره، باید شماها که دعوت کردید تاکنون مردم را به اسلام و اسلامیت و به فضایل اخلاقی، امروز هم همت بگمارید که بیشتر دعوت کنید؛ هم مسائل روز را برای مردم بگویید و هم مفاسدی که مترتب بر فعل این گروه‌ها هست که می‌خواهند این جمهوری را به هم بزنند به نفع امریکا یا به نفع شوروی - اینها را تنبه بدهید به مردم - و هم جنبه‌های اخلاقی را... این طایفه باید در منابر، در مساجد و هر جایی که مقتضی است، با مردم صحبت کنند و علاوه بر اینکه مسائل روز را می‌گویند، مسائل اخلاقی و مسائل اعتقادی و این مسائل تهذیب نفس را به مردم بگویند و مردم را هدایت کنند و مردم را به این مسائل اسلامی آشنا کنند و در آخر منبر روضه را بخوانند و زیاد بخوانند؛ دو کلمه نباشد. همان طوری که در سابق عمل می‌شد، روضه خوانی بشود، مرثیه گفته بشود، شعر و نثر در فضایل اهل بیت و در مصائب آنها گفته بشود تا این مردم مهیا باشند؛ در صحنه باشند، بدانند که ائمه ما تمام عمرشان را صرف برای ترویج اسلام کردند، اگر آنها یک سازش می‌خواستند بکنند، همه جهات مادی برایشان مهیا بود، لکن خودشان را فدای اسلام کردند و با ستمکاران سازش نکردند.

باید مردم را آشنا کنید به وظایف خودشان. و از مردم هم تقاضا می‌شود که راهپیماییها به عنوان راهپیمایی نباشد، به عنوان دستجات

باشد. همان دستجات سنتی با حفظ جهات شرعی اسلامی. و عاشورا را زنده نگه دارید که با نگه داشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد دید. شما گویندگان نقش مهمی در این باب دارید و مسئولیت بزرگی هم دارید؛ چنانچه تمام علما، هم نقش بزرگ دارند، هم مسئولیت بزرگ. هر کس به اندازه خودش مسئولیت دارد. (۱۸۹)

۶۰/۸/۴

\* \* \*

آنها هم همین چیزهایی که من عرض کردم وظیفه دارند. مردم را دعوت به صلاح، دعوت به اصلاح، دعوت به حقایق اسلامی بکنند و آنها را ارشاد بکنند. آن وقت این جوانهایی [را] که گول خورده‌اند، [دعوت بکنید،] در همه جا، در هر دهی که می‌روید، در هر شهری که می‌روید به این جوانها سفارش کنید که رها کنند، خودشان را تباه نکنند، زندگی خودشان را تباه نکنند. اینها نمی‌توانند کاری انجام بدهند؛ این سران شما فرار کردند خارج، هی شما را وادار می‌کنند به این کارها. کاری هم از شما نمی‌آید، جز اینکه خودتان را تباه بکنید. ما میل نداریم که شما در وقتی که گرفتار شدید جوری باشد که اسلام حکم جزمی کرده باشد و دادگاهها هم نتوانند تخلف بکنند. ما میل داریم که جوری باشد که دست این دادگاهها باز باشد، برای اینکه شما را عفو تان کنند، شما را رهایتان کنند. نکنید کاری که دست آنها هم بسته بشود و اسلام آن حکم جزمی که دارد، اجرا بشود. (۱۹۰)

۶۰/۸/۴

\* \* \*

علمای اعلام و ائمه جماعت و خطبای محترم بر حجم ارشاد و

رهنمودهای خود بیافزایند و قشرهای میلیونی مردم را متوجه طرق نگهبانی از اسلام و احکام مقدسه و حراست از جمهوری اسلامی نمایند، و به توده‌های متعهد میلیونی اسلامی لزوم تشریک مساعی در تمام امور کشوری و لشگری و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را گوشزد نمایند و به آنان توصیه کنند که برای کمک به اقتصاد کشور - که امروز از اهم مسائل است - از اسراف، تبذیر و استعمال امور تشریفاتی و تجملی اجتناب نمایند، و از سپردن پولهای خود اگرچه اندک باشد به بانکهای دولتی برای به راه افتادن چرخهای اقتصاد و کمک به دولت اسلامی دریغ ننمایند، و از کمک کردن به جنگ و جنگزدگان غفلت ننمایند، و از شرکت در بسیج مستضعفان و تعلیم تربیت دیدن برای حراست از اسلام عزیز کوشا باشند. (۱۹۱)

۶۰/۹/۴

\* \* \*

علمای بلاد هدایت کنند مردم را، همفکری کنند با دولت و ارشاد کنند مردم را و نگه دارند مردم را در این حال نهضتی که هستند و الآن در حال انقلابند؛ مردم را در صحنه نگه دارند و مردم را از اینکه یک اختلافی - خدای نخواستہ - بخواهند درش ایجاد کنند و در جاهایی ایجاد کنند؛ مردم را تنبه بدهند به اینکه دستهای خبیثی هست که می‌خواهند نگذارند این انقلاب به ثمر برسد. از این جهت، یکی از امور مهمی که به عهده علمای بلاد و خصوصاً ائمه جمعه هست، همین است که در خطبه‌هایشان، که یک فرصتی است که مردم مجتمعند و مطالب را می‌شود گفت، تنبه بدهند مردم را که غفلت نکنند از این دستهایی که به خیانت، می‌خواهند این انقلاب را متلاشی کنند. (۱۹۲)

۶۰/۹/۱۰

همه گویندگان مادر سرتاسر کشور و همه ائمه جماعت مادر سرتاسر کشور، این مسئله را بگویند، بگویند که ما از راهی که شکست عراق است، به لبنان برویم. عراق را نگذاریم سرجای خودش بایستد و جمع کند قدرت خودش را و دیگران هم به او کمک کنند و مرزهای خودش را قوی کند و بعد هم یک حمله ناگهانی به ما بکند، باز برگردد به آن چیزهایی که از اول بود. غفلت از این، انتحار است. همه گویندگان موظفند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعت و چه خطبا و همه نویسندگان موظفند که این توطئه را افشا کنند و ذکر کنند و مردم را از توجه به جبهه جنگ خودمان غافل نکنند و بیدار کنند. (۱۹۳)

۶۱/۳/۳۱

\* \* \*

از مسائل دیگری که باز آقایان روحانیون که در کاروانها هستند به مردم بگویند، [این] که باید این امر، اموری که در آنجا واقع می‌شود، امور سیاسی که در حج واقع می‌شود، روی نظام باشد. اینکه هر کس خودش بخواهد یک کاری بکند، این هرج و مرج همیشه غلط بوده. هر امری باید یک نظمی داشته باشد. می‌خواهند اجتماع کنند برای فلان امر، خوب، یک کسی که متکفل امور حج است باید برنامه بدهد، روی آن برنامه عمل بکنند. (۱۹۴)

۶۱/۵/۳۱

\* \* \*

بر روحانیون محترم و نویسندگان و گویندگان متعهد لازم است که در فرصتهای مناسب و در محضر مسلمانان، به جبران تبلیغات مسمومی که از وسائل ارتباط جمعی وابسته به امریکا و اسرائیل، به شایعه‌افکنی

و دروغ‌پردازی بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران اشتغال دارند، از اسلام و انقلاب اسلامی ایران دفاع نمایند، و چهره واقعی آن را به جهانیان معرفی نمایند. و دستاوردهای اسلامی را که با جهاد بی‌امان ملت متعهد ایران، با همه گرفتاریها و کارشکنیهای دشمنان اسلام در داخل و خارج، نصیب کشورشان شده است، یادآور شده و ملتها را آماده کنند. و از تهمتهایی که از ناحیه بوقهای تبلیغاتی به این ملت زده شده است پرده بردارند و نقشه‌ها و توطئه‌های امریکا و وابستگان به آن را افشا کنند. (۱۹۵)

۶۱/۶/۲۹

\* \* \*

ما باید در پشت جبهه، همان طوری که توده‌های مردم در پشت جبهه دارند کمک می‌کنند به جبهه‌ها، علمای اعلام، گویندگان بزرگ، خطبای عظیم‌الشأن هم باید جهاد کنند و جهاد آنها تبلیغ است، جهاد آنها فهماندن حجم این پیروزی است. (۱۹۶)

۶۱/۷/۲۵

\* \* \*

شما آقایان روحانیون و همه روحانیونی که در کشور هستید، همه مکلفند به اینکه این نعمت خدا را، این عطیه الهی<sup>۱</sup> را حفظ کنند و شکر این نعمت را برآورند و شکر به این است که تبلیغ کنند. آنچه که سیدالشهدا عمل کرد و آن ایده‌ای که او داشت و آن راهی که او رفت و آن پیروزی که بعد از شهادت برای او حاصل شد و برای اسلام حاصل شد، به مردم روشن کنند و بفهمانند به همه که مسئله مجاهده در راه

---

۱. روحیات معنوی رزمندگان اسلام.

اسلام آن است که او کرد. (۱۹۷)

۶۱/۷/۲۵

\* \* \*

شما باید تبلیغ کنید آقا! محرم است. این محرم را زنده نگه دارید. ما هر چه داریم از این محرم است و از این مجالس. مجالس تبلیغ ما هم از محرم است، از این قتل سیدالشهداست و شهادت اوست. ما باید به عمق این شهادت و تأثیر این شهادت در عالم برسیم و توجه کنیم که تأثیر او امروز هم هست. اگر این مجالس و عظم و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری نبود، کشور ما پیروز نمی شد. همه در تحت بیرق امام حسین - سلام الله علیه - قیام کردند. الآن هم می بینید که در جبهه‌ها وقتی که نشان می دهند آنها را، همه با عشق امام حسین است که دارند جبهه‌ها را گرم نگه می دارند. لکن در این اجتماعاتی که در محرم و صفر می شود و در سایر اوقات، مبلغین عزیز و علمای اعلام و خطبای معظّم باید مسائل روز را، مسائل سیاسی را، مسائل اجتماعی را و تکلیف مردم [را] در یک همچو زمانی که گرفتار اینهمه دشمن ما هستیم، معین کنند؛ به مردم و به کشور بفهمانند که ما در بین راه هستیم و باید تا آخر راه ان شاء الله، برویم. (۱۹۸)

۶۱/۷/۲۵

\* \* \*

روحانیت باید عضو فعال جامعه باشد و مردم را هدایت و ارشاد نماید. شما آقایان<sup>۱</sup> هم بر امور جاری در محل خودتان نظارت داشته

۱. خطاب به ائمه جمعه.

باشید و مردم را هدایت کنید. (۱۹۹)

۶۱/۹/۳

\* \* \*

من امیدوارم که همه آقایان در این ماه مبارک همتشان را صرف کنند به اینکه مردم را مهیا نگه دارند، و مردم را مجهز نگه دارند، و اسلام را با دست مردم نگه دارید و خودتان هم در مساجد، در منابر مردم را دعوت به صلاح بکنید، و دعوت به اینکه دنبال مسائل باشند، و بگویید به آنها که **فَاشْتَقِمُ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ نَابَ مَعَكَ**<sup>۱</sup>. (۲۰۰)

۶۲/۳/۲۱

\* \* \*

اکنون بر علمای اسلام و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و فیلسوفان و محققان و عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج می‌برند و به حال اسلام و مسلمین تأسف می‌خورند، در هر منطقه و دارای هر مذهب و مسلکی که هستند، لازم است برای جلوگیری از این خطر عظیم<sup>۲</sup> که اسلام و مسلمین گرفتار آن هستند دامن همت به کمر زنند، و با هر وسیله ممکن در مساجد و محافل و مجالس عمومی مسلمانان را هشدار دهند و از آنان غفلت زدایی نمایند، و آنان را برای یک نهضت عمومی اسلامی مهیا کنند. و باید بدانند که این امری است ممکن و شدنی، ولی محتاج به کوشش و فداکاری می‌باشد. ملت ایران - أعزهم الله - راه عذرها را مسدود نموده، و اثبات نمود که در مقابل قدرتهای بزرگ می‌توان ایستاد و حق انسانی خود را باز پس گرفت. و

۱. پس ای رسول ما! چنانکه مأموری پایداری کن و کسی که همراه تو به خدا رجوع کرد (هود / ۱۱۲).

۲. تحجّر و برداشتهای نادرست از احکام اسلام.

با اتکال به قدرت لایزال حق تعالی، که وعده نصرت به شرط آنکه حق را یاری دهیم عنایت فرموده است، هراس به خود راه ندهند که ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ<sup>۱</sup>. و برای تحقق اهداف اسلامی، که در مقدمه آن کوتاه کردن دست قدرتمندان منحرف و مخالف اسلام از کشورهای اسلامی و رفع موانع داخلی و خارجی می‌باشد، همت گمارند؛ و با احزاب و حکومتها و گروهها و اشخاصی که با نهضت‌های اسلامی، که بحمدالله تعالی در آستانه رشد و شکل‌گیری است، مخالفند مقابله نموده، و مبارزه با آنان را در سرتاسر جهان سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند؛ و مطمئن باشند که با وعده صریح خداوند تعالی، توفیق پیشرفت حاصل شود و مظلومان از دست ستمگران نجات یابند. (۲۰۱)

۶۳/۶/۴

\* \* \*

ملت ایران همین طور نخوابید شب و صبح پا شود، بیدار شده باشد. ملت ایران علمایش سالهای طولانی زحمت کشیدند، در همان اختناق‌ها زحمت کشیدند، در همان کتک خوردن‌ها زحمت کشیدند، در همان حبس‌ها که رفتند زحمت کشیدند. زحمت کشیدند، به مردم گفتند، جنایات را گفتند، هر جا رفتند گفتند، مردم هم دلشان آگاه شد و وقتی آگاه شد، البته خوب را می‌خواهند مردم. فطرت این است که وقتی خیری را دید، بخواهد. شما خیر و شر را به مردم بگویید، تا مردم به فطرت خودشان از شر گریزان بشوند و به خیر توجه کنند. این طور نباشد که تشریف آورید و صحبت کردید و احسنت هم شنیدید و درش را ببندید و بروید در بلادتان بخوایید. نه! این درست

۱. اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری کرده و ثابت قدم گرداند (محمد / ۷).



نمی‌شود، این بدتر می‌کند مطلب را، برای این که، دشمن‌های شما می‌فهمند که خبری نیست، حرف است، عملی نیست، صحبت است، قطعنامه است نه عمل. دنبال قطعنامه عمل می‌خواهد، همان طور که در ایران بود. در ایران عمل کردند؛ جوان‌های ما کشته دادند، فداکاری کردند و الآن دارند می‌کنند. شما بروید ببینید این سنگرها را، ببینید مساجد است این سنگرها. این سنگرها مراکز عرفان است، مراکز توحید است و در این مراکز که شب آن طور مشغول هستند، روز هم آن طور فداکاری می‌کنند. این، برای این است که روی این جمعیت، مدت‌های زیاد چندین سال - بیست سال تقریباً - کار شده است؛ علمای بلاد کار کرده‌اند، فضلاء کار کرده‌اند، اینها را بیدار کرده‌اند، متحول کردند. اگر نبودند اینها؛ این جوان‌هایی که از دست ما گرفته بودند، از دست اسلام گرفته بودند و در مراکز فحشا برده بودند آنها را؛ اگر نبود این نهضتی که در ایران شد؛ این نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی که در ایران شد، خدا می‌داند که آنها بنا داشتند چه بکنند. (۲۰۲)

۶۳/۱۱/۱۴

\* \* \*

شما آقایان مخصوصاً روحانیون، هرچه می‌توانید مردم و جوانان را تهذیب کنید و متوجه سازید که وقتی برای اسلام کار می‌کنیم باید به طور مهذب باشد که اگر خدای نخواست، کارها با خودخواهی و غرور همراه شد، مبدأ شکست انسان است. باید اتکال به خدا باشد و خدمت برای خدا؛ خدمتی که در هر جا انجام شد عبادت باشد. (۲۰۳)

۶۴/۱/۲۵

\* \* \*

خوشبختانه اخیراً در همین موضوع حدود ولایت فقیه نویسندگان و گویندگان متعهد و آگاه به مسایل اسلامی، مسئله را در مجالس و روزنامه‌ها تا آنجا که دیدم مورد بحث قرار داده که من از تمامی آنان تشکر می‌کنم و امید است ائمه محترم جمعه و بویژه امثال جنابعالی<sup>۱</sup> که در بیان مسائل دست توانا دارید، مسئله را تعقیب و در خطبه‌های نماز جمعه اذهان ناآگاهان را روشن و زبان دشمنان اسلام را قطع فرمایید. (۲۰۴)

۶۶/۱۰/۲۱

\* \* \*

## پاسداری و دفاع از اسلام

### شناخت اسلام و دفاع از آن

اینکه فرموده‌اند «فقها حصون اسلامند» یعنی مکلفند اسلام را حفظ کنند، و زمینه‌ای را فراهم آورند که بتوانند حافظ اسلام باشند. و این از اهم واجبات است. و از واجبات مطلق می‌باشد نه مشروط. و از جاهایی است که فقهای اسلام باید دنبالش بروند، حوزه‌های دینی باید به فکر باشند و خود را مجهز به تشکیلات و لوازم و قدرتی کنند که بتوانند اسلام را به تمام معنا نگهداری کنند، همان گونه که خود رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) حافظ اسلام بودند و عقاید و احکام و نظامات اسلام را به تمام معنا حفظ می‌کردند. (۲۰۵)

\* \* \*

---

۱. خطاب به ریاست جمهور وقت و امام جمعه تهران، آیت‌الله خامنه‌ای.

بار علم بار سنگینی است که به عهده شماست. آنطور نیست که تنها وظیفه شما تحصیل مشتی الفاظ و مفاهیم باشد بلکه حفظ اسلام و احکام اسلام است که به شما سپرده شده و شما امین و حسی الهی هستید، و باید در ضمن تحصیل علم مشغول تهذیب نفس هم باشید و چنانکه غیر را تبلیغ می‌کنید نفس خود را هم اصلاح نمایید. (۲۰۶)

۵۰/۱۰/۱۰

\* \* \*

باید جوانان روحانی و دانشگاهی قسمتی از وقت را صرف کنند در شناخت اصول اساسی اسلام که در رأس آن توحید و عدل و شناخت انبیای بزرگ، پایه‌گذاران عدالت و آزادی است، از ابراهیم خلیل تا رسول خاتم - صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین - و در شناخت طرز تفکر آنها از نقطه اقصای معنویت و توحید تا تنظیم جامعه و نوع حکومت و شرایط امام و اولی الامر و طبقات دیگر، از امرا و ولات و قضات و فرهنگیان که علما هستند و متصدیان مالیات اسلامی و شرایط آنها تا برسد به شرطه<sup>۱</sup> و کارمندان شهربانی؛ و ببینند اسلام چه کسانی را برای حکومت و کارمندان آن به رسمیت شناخته و چه کسانی از شغل حکومت و شاخه‌های آن مطرود است.

باید شما دانشجویان دانشگاهها و سایر طبقات روحانی و غیره از دخالت دادن سلیقه و آرای شخصی خود در تفسیر آیات کریمه قرآن مجید و در تأویل احکام اسلام و مدارک آن جداً خودداری کنید، و ملتزم به احکام اسلام به همه ابعادش باشید. و مطمئن باشید آنچه صلاح جامعه است، در بسط عدالت و رفع ایادی ظالمه و تأمین استقلال و آزادی و جریانات اقتصادی و تعدیل ثروت به طور عاقلانه

و قابل عمل و عینیت، در اسلام به طور کامل می‌باشد و محتاج به تأویلات خارج از منطق نیست. و لازم است مراقب باشید با کمال دقت و هوشمندی که کسانی که التزام به اسلام ندارند به جمیع ابعادش ولو در اصلی از اصول با شما موافق نیستند، آنها را دعوت به التزام کنید؛ و اگر مؤثر نشد از شرکت دادن آنها در اجتماعات و انجمنهای اسلامی احتراز کنید. و گمان نکنید زیادی افراد هر چه باشد شما را به هدف نزدیک می‌کند و پس از وصول به هدف، آنها قابل تصفیه هستند. باید بدانید و می‌دانید که قشرهای غیرمسلم یا غیرملتزم به اسلام، از پشت به شما خنجر می‌زنند و شما را قبل از وصول به هدف از کار می‌اندازند یا نابود می‌کنند. از تجربه‌های سابق عبرت بگیرید. (۲۰۷)

۵۶/۱۱/۲۴

\* \* \*

الآن یک تکلیف بسیار بزرگی به عهده همه ماست. من که یک طلبه هستم این تکلیف را دارم؛ آقایان هم، که از آقایان هستند، این تکلیف را دارند؛ سایر قشرها هم دارند؛ که کوشش کنیم وجهه اسلام و صورت اسلام را آنطور که هست نمایش بدهیم؛ نه آنطوری که خلفایی مثل معاویه و یزید و بعضی، یا بسیاری از خلفای اموی و بنی عباس جلوه می‌دادند. به عنوان اینکه ما نماینده اسلام هستیم کارهایی می‌کردند که با اسلام مخالف بود؛ و اسباب این می‌شد که یکوقت وجهه اسلام را در دنیا دگرگون کنند. (۲۰۸)

۵۸/۳/۸

\* \* \*

من از همه، از همه کمیته‌ها، از همه پاسدارها، از همه معممین، از همه اهل منبر، از همه اهل محراب، از همه مسلمانها، عاجزانه، با کمال عجز و تواضع، استدعا می‌کنم که این اسلامی که الآن به دست شما افتاده است وارونه نشانش ندهید؛ همان طور که هست عرضه کنید. اگر اسلام را همان طور که هست عرضه کنید، دنیا قبولش می‌کند؛ متاع خوبی است. اما اگر چنانچه امروز خدای نخواستہ ما یک جور عملی بکنیم که این عمل اسباب این بشود که بگویند اسلام اینطور هست، بزرگتر خیانت را ما به اسلام کردیم. (۲۰۹)

۵۸/۳/۸

\* \* \*

طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید دقیقاً روی مبانی اسلامی مطالعه کنند و شعارهای گروههای منحرف را کنار گذارند و اسلام عزیز راستین را جایگزین تمام کج اندیشیها نمایند. این دو دسته باید بدانند اسلام خود مکتبی است غنی که هرگز احتیاجی به ضمیمه کردن بعضی از مکاتب به آن نیست. و همه باید بدانند که التقاطی فکر کردن خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین است که نتیجه و ثمره تلخ این نوع تفکر در سالهای آینده روشن می‌گردد. با کمال تأسف گاهی دیده می‌شود که به علت عدم درک صحیح و دقیق مسائل اسلامی، بعضی از این مسائل را با مسائل مارکسیستی مخلوط کرده‌اند و معجونی بوجود آورده‌اند که به هیچ وجه با قوانین مترقی اسلام سازگار نیست. دانشجویان عزیز! راه اشتباه روشنفکران دانشگاهی غیرمتعهد را نروید و از مردم خود را جدا نسازید. (۲۱۰)

۵۹/۱/۱

\* \* \*

روحانیون در هر جا که هستند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه کسان دیگری که مشغول شغل روحانی هستند، اسلام امروز به ملت ما و به شما که شاخص هستید و اولی هستید سپرده شده است. ما امروز همه پاسدار اسلام هستیم. تمام ملت از دولتها گرفته و قوای نظامی و انتظامی گرفته و نظامی و انتظامی گرفته و تا همه قوای مسلحه، همه بازارها، همه اداره‌جات، تمام ملت، بی‌استثنا مسئول هستیم در مقابل خدای تبارک و تعالی برای این امانت. این اسلام که امانت است و دست ماست، اگر ما به این امانت خدای نخواستیم خیانت بکنیم، این یک گناهی است که معلوم نیست که آمرزیده بشود. فرق دارد با گناههای دیگری حتی با کبایر گناههای دیگر. برای اینکه بسیاری از گناهها هست که به خود انسان برمی‌گردد، به جامعه بر نمی‌گردد. لکن خیانت به این امانت، خیانت به اسلام و خیانت به ملت‌های مسلم است. (۲۱۱)

۵۹/۱۰/۳

\* \* \*

فرهنگ فاسد غرب و شرق اقتضاء می‌کند که با وسائل عظیمی که در دست دارند در تمام ساعات روز به دروغ‌پردازی و تهمت و افتراء بر فرهنگ الهی اسلام بتازند و در هر فرصتی قوانین الهی جمهوری اسلامی و اصل اسلام را بکوبند و وابستگان به آن را مرتجع کهنه‌پرست فاقد شعور سیاسی بخوانند و قوانین اسلام را کافی برای این زمان ندانند، به بهانه آنکه قوانینی که هزار [و] چهارصد سال بر آن گذشته قدرت اداره امور را ندارد، که دنیا نوآوردهایی دارد که در آن اعصار نبوده و بعضی اشخاص مدعی اسلام نیز این مطلب را تکرار کرده و می‌کنند.

در این محیط باید به حسب فرهنگ الهی اسلامی، در مقابل این توطئه‌های دامنه‌دار استقامت کرد و از این فرصت الهی که به دست آمده است نویسندگان متعهد و گویندگان و هنرمندان استفاده کرده و به مدد روحانیون آشنا به فقه اسلام و قرآن کریم، احکام الهی را که برای همه قرون است با اجتهاد صحیح از قرآن کریم، سنت نبی اکرم (ص) و اخبار سرشار از معارف الهی و فقه سنتی استخراج کرد و به عالم عرضه داشت و از خرده‌گیری کج‌روشان و آخوندهای درباری و وعاظ السلاطین نه‌راسید و به آن روحانی‌نمایان یا روحانیانی که از روی عمد یا کج‌فهمی، یا حسد و دسیسه‌های شیطانی [مخالفت میکنند]، با موعظه حسنه و طریقه نبی اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و امیرالمؤمنین و سایر ائمه معصومین - علیهم صلوات الله - فهمانند که این کج‌رویها اگر خدای ناخواسته بجائی برسد و خللی در جمهوری اسلامی - که می‌خواهد اسلام مظلوم در طول تاریخ را تجدید کند - وارد شود، اسلام چنان سیلی از غرب و شرق و وابستگان به آنان می‌خورد که قرن‌ها فسادى بالاتر از عصر ستمشاهی را شاهد خواهیم بود. (۲۱۲)

\* \* \*

هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد. راستی به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی مورد اتفاق همه علما در مورد یک مزدور بیگانه ایتقدر جهانخواران

برافروخته شدند و سران کفر و بازار مشترک و امثال آنان به تکاپو و تلاش مذبح‌خانه افتاده‌اند؟ غیر از این نیست که سران استکبار از قدرت برخوردار عملی مسلمانان در شناخت و مبارزه با توطئه‌های شوم آنان به هراس افتاده‌اند و اسلام امروز مسلمانان را یک مکتب بالنده و متحرک و پرحماسه می‌دانند و از اینکه فضای شرارت آنان محدود شده است و مزدبگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی‌توانند علیه مقدسات قلم‌فرسایی کنند مضطرب شده‌اند. (۲۱۳)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

ما باید بدون توجه به غرب حیل‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم و الا مادامی که فقه در کتابها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهانخواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند. (۲۱۴)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*



### ظلم‌ستیزی و شهادت‌طلبی در راه اسلام

هان ای روحانیین اسلامی! ای علمای ربانی! ای دانشمندان دیندار! ای گویندگان آیین دوست! ای دینداران خداخواه! ای خداخواهان حق‌پرست! ای حق‌پرستان شرافتمند! ای شرافتمندان وطنخواه! ای وطنخواهان با ناموس! موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیشنهاد فرموده بپذیرید و ترک نفعهای شخصی کرده تا به همه سعادت‌های دو جهان نایل شوید و با زندگانی شرافتمندانه دو عالم دست در آغوش شوید. **إِنَّ لَهٗ فِی آیامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتُ أَلَا فَعْتَرُوا لَهَا**<sup>۱</sup>؛ امروز روزی است که نسیم روحانی الهی وزیدن گرفته و برای قیام اصلاحی بهترین روز است، اگر مجال را از دست بدهید و قیام برای خدا نکنید و مراسم دینی را عودت ندهید، فرداست که مشتی هرزه‌گرد شهوتران بر شما چیره شوند و تمام آیین و شرف شما را دستخوش اغراض باطله خود کنند. امروز شماها در پیشگاه خدای عالم چه عذری دارید؟ همه دیدید کتابهای یک نفر تبریزی<sup>۲</sup> بی‌سروپا را که تمام آیین شماها را دستخوش ناسزا کرد و در مرکز تشیع به امام صادق و امام غایب - روحی له الفداء - آنهمه جسارتها کرد و هیچ کلمه از شماها صادر نشد. امروز چه عذری در محکمه خدا دارید؟ این چه ضعف و بیچارگی است که شماها را فرا گرفته؟ ای آقای محترم<sup>۳</sup> که این صفحات را جمع‌آوری نمودید و به نظر علمای بلاد و گویندگان رسانید! خوب است یک کتابی هم فراهم آورید که جمع تفرقه آنان را کند و همه آنان را در مقاصد اسلامی همراه کرده از همه امضا می‌گرفتید که اگر در یک گوشه مملکت به دین جسارتی می‌شد، همه

۱. آگاه باشید که برای پروردگار شما در روزهای زندگی شما نسیمهایی است؛ پس خود را در معرض آنها قرار دهید؛ بحار الانوار؛ ج ۷۷، ص ۱۶۷.

۲. اشاره امام به احمد کسروی، نویسنده منحرف که توسط فداییان اسلام به هلاکت رسید.

۳. خطاب به مرحوم حجت‌الاسلام وزیر یزدی که مؤسس کتابخانه وزیر یزدی بود.

یکدل و جهت از تمام کشور قیام می‌کردند. خوب است دینداری را دست کم از بهایبان یاد بگیرید که اگر یک نفر آنها در یک دیه<sup>۱</sup> زندگی کند، از مراکز حساس آنها با او رابطه دارند و اگر جزئی تعدی به او شود برای او قیام کنند. شماها که به حق مشروع خود قیام نکردید، خیره‌سرن بی‌دین از جای برخاستند و در هر گوشه زمزمه بی‌دینی را آغاز کردند و به همین زودی بر شما تفرقه‌زده‌ها چنان چیره شوند که از زمان رضاخان روزگارتان سخت‌تر شود. **وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ.** (۲۱۵)

۲۳/۲/۱۵

\* \* \*

وای بر این مملکت! وای بر این هیأت حاکمه! وای بر این دنیا! وای بر ما! وای بر این علمای ساکت! وای بر این نجف ساکت، این قم ساکت، این تهران ساکت، این مشهد ساکت! این سکوت مرگبار، اسباب این می‌شود که زیر چکمه اسرائیل، به دست همین بهایها؛ این مملکت ما، این نوامیس ما، پایمال بشود. وای بر ما! وای بر این اسلام! وای بر این مسلمین! ای علما، ساکت ننشینید؛ نگویید **عَلَى مَسْلَكِ الشَّيْخِ**<sup>۳</sup> - رضوان الله علیه - والله، شیخ اگر حالا بود، تکلیفش این بود. سکوت؛ امروز سکوت همراهی با دستگاه جبار است؛ نکنید سکوت. (۲۱۶)

۴۲/۲/۱۲

\* \* \*

۱. تلفظ قدیم «ده».

۲. و هرگاه کسی از خانه خویش برای هجرت به سوی خدا و رسول بیرون آید و در سفر، مرگ وی فرا رسد، اجر و ثواب او بر خداست (نساء / ۱۰۰).

۳. منظور، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری می‌باشد.

اما سال<sup>۱</sup> خوبی بود برای اینکه روحانیت ارزش خودش را به دنیا اعلام کرد؛ فهماند که آنکه صحبت می‌کند، باز روحانی است، آنکه ایستادگی می‌کند در مقابل ظلم و جور ظالم و جائز، باز حوزه‌های علمیه است؛ کتک می‌خورد، داد می‌زند، کشته می‌دهد، فریاد می‌کند، مدرسه فیضیه‌اش را خراب می‌کنند، اعتنا نمی‌کنند، باز صحبت خودش را می‌کند؛ هر کاری سرش بیاورند، این صحبت می‌کند. روحانیت موجودیت خودش را به همه عالم اعلام کرد. پس بد بود چون هیأت حاکمه، فضاحت ایران را در همه جا اعلام کرد؛ و خوب بود برای اینکه روحانیت حیثیت خودش را به عالم معرفی کرد. فهماند به عالم که ما آدمیم، روحانی هستیم ما. همه‌اش قضیه ذکر و دعا نیست؛ ما داد می‌زنیم، ما می‌گوییم نباید بکنید این کارها را، ما نصیحت می‌کنیم به شما. (۲۱۷)

۴۲/۲/۱۲

\* \* \*

به خواست خدا استقلال و حیات مملکت دست شماست. هر چه پیش بیاید به نفع شماست یا به ضرر شما؛ اگر به ضررتان تمام شد، باید شکست روحی نخورید. شکست ظاهری مهم نیست؛ آنچه مهم است، شکست روحی است. اگر انسان شکست روحی خورد، تا آخر باید به گورستان برگردد. شما که استناد دارید به ذات مقدس حق تعالی، شما که روحانی هستید، شما که قلبتان با ماوراءالطبیعه است، این عالم شکست ندارد؛ عالم چیزی نیست؛ کسی که رابطه با خدا دارد شکست ندارد؛ شکست مال کسی است که آمالش دنیا باشد. اگر آمل دنیا باشد، شکست است؛ اگر آمل غیب و ماورای غیب

باشد، شکست ندارد. شکست مال بیچاره‌هاست؛ شکست مال کسانی است که معتمد به شیطانند و ذخایر دنیا قلبشان را فرا گرفته است. اگر یک جایی به ضرر شما تمام شد، قلبتان محکم باشد؛ تا آخرین فردتان بایستید. گمان نکنید این آدم شکست خورد، تمام شد؛ تو هم یک موحدی، تو هم یک مسلمی، تو متصل به خداوندی؛ خدا شکست نمی خورد: **وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**<sup>۱</sup>

اگر به نفع تمام شد، دست و پای خود را گم نکنید؛ محکم باشید. نه در آن طرف فَنَعَ داشته باشید، و نه در این طرف زیاده‌روی داشته باشید. (۲۱۸)

۴۱/۹/۱۱

\* \* \*

مسلمین آگاه باشند که اسلام در خطر کفر است. مراجع و علمای اسلام بعضی محصور و بعضی محبوس و مهتوک هستند. دولت امر داد حوزه‌های علمیه را هتک کنند، و طلاب بی پناه را کتک بزنند، و بازار مسلمین را غارت کنند و درب و پنجره مغازه‌ها را بشکنند. در تهران حضرت آیت‌الله خوانساری و حضرت آیت‌الله بهبهانی<sup>۲</sup> را در محاصره شدید قرار دادند؛ و عده‌ای از علمای محترم و وعاظ معظم را محبوس نمودند. و ما از آنها به هیچ وسیله نمی‌توانیم اطلاع پیدا کنیم. اراذل و اوباش را تحریک می‌کنند که به علما و روحانیون اهانت کنند. آقایان طلاب و مبلغین را مانع می‌شوند که برای تبلیغ اسلام در نواحی ایران بروند و تبلیغ احکام کنند. با ما معامله بردگان قرون وسطی می‌کنند. به خدای متعال من این زندگی را نمی‌خواهم. **إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ**

۱. سستی نکنید و اندوهگین نباشید؛ شما سربلند و پیروزید اگر مؤمن باشید (آل عمران/۱۳۹).

۲. آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی از رهبران مشروطه و از علمای بزرگ تهران بود که در تیرماه ۱۲۸۸ ه. ش. در منزل ترور شد.

إِلْسَاعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا. کاش مأمورین بیایند و مرا بگیرند تا تکلیف نداشته باشم. (۲۱۹)

۴۱/۱۱/۳

\* \* \*

روحانیون تمام این پیشامدها را که اکنون می بینید و بعد خواهید دید پیش بینی کرده بودند، و با صراحت در اعلامیه های دو - سه ماه قبل ذکر نموده اند؛ و حالاً نیز خطرهای بالاتر و بیشتری را اعلام می کنند، و از عواقب امر این جهشهای خلاف شرع و قانون اساسی بر این مملکت و استقلال و اقتصاد و تمام حیثیات آن می ترسند؛ و وظیفه خطیر خود را در این شرایط، که همه ملت می دانند و می بینند، ادا می کنند و با صراحت می گویند تصویبنامه اخیر دولت راجع به شرکت نسوان در انتخابات از نظر شرع بی اعتبار و از نظر قانون اساسی لغو است. و با اختناق مطبوعات و فشارهای قوای انتظامی و جلوگیری از طبع و نشر امثال این نصایح و حقایق، اقدام به نشر آن به مقدار مقدور می کنند تا دولتها نگویند ما تصویبنامه صادر کردیم و علماً مخالفت نکردند. و به خواست خداوند متعال در موقع خود اقدام برای جلوگیری می کنند. (۲۲۰)

اسفند ۱۳۴۱

\* \* \*

شما آقایان محترم، در هر مقامی که هستید، با کمال متانت و استقامت در مقابل کارهای خلاف شرع و قانون این دستگاه بایستید. از این

---

۱. من مرگ را جز سعادت و خوشبختی و زندگی با ستمگران را چیزی جز رنج و نکبت نمی دانم؛ تحف العقول؛ ص ۱۷۴؛ تاریخ طبری؛ ج ۷، ص ۳۰۰.

سرنیزه‌های زنگ زده و پوسیده نترسید؛ این سرنیزه‌ها بزودی خواهد شکست. دستگاه حاکمه با سرنیزه نمی‌تواند در مقابل خواست یک ملت بزرگ مقاومت کند و دیر یا زود شکست می‌خورد. اکنون هم درمانده و شکست خورده است و روی درماندگی به این بی‌فرهنگی‌هایی که ملاحظه می‌کنید، دست می‌زند. ما میل نداشتیم که کار به این رسواییها بکشد. چرا باید شاه مملکت اینقدر از ملت جدا باشد که وقتی پیشنهادی می‌دهد با بی‌اعتنایی و عکس‌العمل منفی مردم مواجه گردد. شاه مملکت باید جوری باشد که وقتی پیشنهادی می‌دهد، درخواستی می‌کند، ملت با جان و دل در انجام آن بکوشند، نه آنکه با آن به مقابله برخیزند و رفرا ندیم شاه در سراسر مملکت بیش از دو هزار نفر به همراه نداشته باشد. ما میل نداشتیم برای سران این مملکت، چنین شکست و فضا حتی به بار آید.

خوب است که قدری عبرت بگیرند، بیدار شوند و در سیاست خود تجدید نظر کنند؛ به جای قانون شکنی و به زندان کشیدن علما و محترمین، به جای سرنیزه و قلداری، در مقابل درخواست ملت تسلیم شوند و به این حقیقت توجه کنند که با سرنیزه نمی‌توان ملت را ساکت و تسلیم کرد؛ با زور و قلداری نمی‌توان روحانیت را از وظایفی که اسلام به عهده آنان گذاشته است، باز داشت... اگر با بردن عده زیادی از علما و خطبا به زندان، آنها را از سخن گفتن باز داشتند، سایر آقایان روحانیون که هنوز توقیف نشده‌اند، سخن خواهند گفت و مردم را متوجه خواهند کرد. مگر می‌شود زبان روحانیت را برید؟ (۲۲۱)

۴۱/۱۲/۷

\* \* \*

حضرات آقایان توجه دارند اصول اسلام در معرض خطر است. قرآن

و مذهب در مخاطره است. با این احتمال، تقیه حرام است؛ و اظهار حقایق، واجب «وَلَوْ بَلَغَ مَا بَلَغَ» (۲۲۲)

۴۲/۱/۱۳

\* \* \*

من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کردم، ولی برای قبول زورگوییها و خضوع در مقابل جباریهای شما حاضر نخواهم کرد. من به خواست خدا احکام خدا را در هر موقع مناسبی بیان خواهم کرد؛ و تا قلم در دست دارم کارهای مخالف مصالح مملکت را برملا می‌کنم. (۲۲۳)

۴۲/۱/۱۳

\* \* \*

امید است با وحدت کلمه علمای اعلام اسلام و مراجع وقت - کثرالله أمثالهم - حفظ استقلال مملکت و قطع دست اجانب را نموده، از حریم اسلام و قرآن کریم دفاع کرده، نگذاریم دست خیانت به احکام مسلمة اسلام دراز شود. ما می‌دانیم با هجرت مراجع و علمای اعلام - أعلی الله کلماتهم - مرکز بزرگ تشیع در پرتگاه هلاکت افتاده و به دامن کفر و زندقه کشیده خواهد شد، و برادران ایمانی عزیز ما در شکنجه و عذاب الیم واقع خواهند شد. ما می‌دانیم با این هجرت، تغییرات و تحولات عظیمی روی خواهد داد که ما از آن بیمناکیم. ما عجالتاً در این آتش سوزان به سر برده و با خطرهای جانی صبر نموده، از حقوق اسلام و مسلمین و از حریم قرآن و استقلال مملکت اسلام دفاع می‌کنیم؛ و تا سر حد امکان مراکز روحانیت را حفظ نموده، امر به آرامش و سکوت می‌نماییم؛ مگر آنکه دستگاه جبار راهی را بخواهد

طی کند که ما را ناگزیر به مطالبی کند که به خدای تبارک و تعالی از آن پناه می‌بریم. (۲۲۴)

۴۲/۱/۲۳

\* \* \*

امروز روزی نیست که به سیرهٔ سلف صالح بتوان رفتار کرد. با سکوت و کناره‌گیری همه چیز را از دست خواهیم داد. اسلام به ما حق دارد، پیغمبر اسلام حق دارد. باید در این زمان که زحمات جانفرومای آن سرور در معرض زوال است، علمای اسلام و وابستگان به دیانت مقدسه، دین خود را ادا نمایند. من مصمم هستم که از پانزدهمین تا دستگاه فاسد را به جای خود بنشانم؛ و یاد در پیشگاه مقدس حق تعالی با عذر و فود کنم. شما هم، ای علمای اسلام، مصمم شوید؛ و بدانید پیروزی با شماست: **وَاللَّهُ مُتِمِّمٌ نُّورِهِ وَتَوَكَّرَ الكَافِرُونَ**. (۲۲۵)

اردیبهشت ۱۳۴۲

\* \* \*

امروز مسلمین، و خصوص علمای اعلام، در مقابل خدای تبارک و تعالی مسئولیت بزرگی دارند. با سکوت ما نسلهای آتیه‌ی ابد در معرض ضلالت و کفر هستند و مسئول آن ما هستیم. خطر اسرائیل و عمال ننگین آن، اسلام و ایران را تهدید به زوال می‌کند. من برای چند روز زندگی با عار و ننگ ارزشی قائل نیستم. و از علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین انتظار دارم که با تشریک مساعی، قرآن و اسلام را از خطری که در پیش است نجات دهند. و از خداوند متعال عظمت

۱. و خداوند کامل‌کننده است نورش را؛ اگرچه خوش نداشته باشند کافران (صف / ۸).



اسلام و مسلمین و علمای اسلام را خواستارم. (۲۲۶)

۴۲/۲/۱۶

\* \* \*

آقایان که در دانشگاه هستید، برسانید به همه که روحانیت با این «انقلاب» موافق نیست. ما که وسیله انتشاراتی نداریم؛ همه چیز را از ما گرفته‌اند. تلویزیون و رادیو را از ما گرفته‌اند. تلویزیون که در دست آن نانجیب است؛ رادیو هم که در دست خودشان هست؛ مطبوعات ما کثیف است. آنها مطلبی را می‌نویسند یا می‌گویند، فوراً به تمام نقاط دور دست می‌رسانند؛ آن وقت مردم بی‌اطلاع فکر می‌کنند که روحانیون هم با آنها هستند. روحانیون با این مفاسد دوستی ندارند. اگر روزنامه اطلاعات جبران نکند، با عکس‌العمل شدید ما مواجه خواهد شد!....

خمینی را اگر دار بزنند تفاهم نخواهد کرد. با سرنیزه نمی‌شود اصلاحات کرد. با نوشتن «خمینی خائن» به دیوارهای تهران که مملکت اصلاح نمی‌شود! دیدید غلط کردید؟ دیدید اشتباه کردید؟ خاضع به احکام اسلام شوید ما شما را پشتیبانی می‌کنیم. اگر از آزاد نمودن ما برنامه دیگری دارند، اگر خیال دیگری در سر دارند، اگر می‌خواهند آشوب کنند، بسم‌الله! بفرمایند. (۲۲۷)

۴۳/۱/۲۱

\* \* \*

آخوندها با این سیاه‌روزیهایی که نصیب مملکت است، مخالفند؛ این

---

۱. روزنامه اطلاعات، مورخه ۱۳۴۳/۱/۱۸ در سرمقاله خود نوشته بود: «چقدر جای خوشوقتی است که جامعه روحانیت نیز اکنون با همه مردم، همگام در اجرای برنامه‌های انقلاب شاه و مردم شده است.»

کهنه‌پرستی است؟ علمای اعلام با این زدن‌ها، کشتن‌ها، قلدری‌ها، دیکتاتوریه‌ها، استبدادها مخالفند؛ این کهنه‌پرستی است؟ علمای اسلام در صدر مشروطیت، در مقابل استبداد سیاه ایستادند و برای ملت آزادی گرفتند، قوانین جعل کردند، قوانینی که به نفع ملت است، به نفع استقلال کشور است، به نفع اسلام است، قوانین اسلام است؛ این را با خونهای خودشان، با زجرهایی که کشیدند، با بیچارگیهایی که متوجه به آنها شد، گرفتند؛ این آخوندها مرتجع هستند؟

امروز هم، روحانیت قیام کرده است، نهضت کرده است؛ ملت به تبع روحانیت نهضت کرده است؛ ملت‌های اسلام بیدار شده‌اند، نهضت کرده‌اند؛ خواسته‌های روحانیت عمل به قوانین اسلام است؛ این ارتجاع است؟ رسول اکرم مرتجع بود؟ قوانین آسمانی، قوانین الهی، که ما برای آن اینقدر اهانت می‌شویم، اینقدر زجر می‌کشیم، دعوت به عمل کردن به قوانین آسمانی ارتجاع است؟ خدای تبارک و تعالی مرتجع است؟ جبرئیل امین، واسطه وحی الهی، مرتجع است؟ پیغمبر اکرم مرتجع است؟ ائمه هدی مرتجع هستند؟ (۲۲۸)

۴۳/۱/۲۶

\* \* \*

پیغام دادم که من از آن آدمها نیستم که اگر یک حکمی کردم بنشینم چرت بزنم که این حکم خودش برود؛ من راه می‌افتم دنبالش. اگر من خدای نخواسته، یکوقتی دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می‌کند که یک حرفی بزنم، می‌زنم و دنبالش راه می‌افتم و از هیچ چیز نمی‌ترسم بحمدالله تعالی. والله، تا حالا نترسیده‌ام. آن روز هم که می‌بردندم، آنها می‌ترسیدند؛ من آنها را تسلیت می‌دادم که نترسید.

۱. اشاره به روز ۱۳/۳/۱۳۴۲ که مأمورین رژیم، مخفیانه امام را دستگیر کرده و به تهران انتقال دادند.

آخر اگر ما برای مقصد اسلامی، برای مقصدی که انبیا خودشان را به آب و آتش زدند، اولیای عظام خودشان را به کشتن دادند، علمای بزرگ اسلام را آتش زدند، سر بریدند، حبس کردند، تبعید کردند، حبسهای طولانی کردند، اگر چنانچه ما برای مقاصد اسلام بترسیم، دین نداریم. دیندار هم برای اینکه خرقه را از این عالم خالی کند می‌ترسد؟ اگر ما ماورای این عالم را اعتقاد داشته باشیم، باید شکر کنیم که در راه خدا کشته بشویم و برویم در صف شهدا. بترسیم؟ از چه چیز بترسیم؟ آن باید بترسد که غیر این عالم جایی ندارد. خدای تبارک و تعالی وعده کرده به ما که یک جای خوب دارید، اگر چنانچه به دین من رفتار کنید؛ و ما امیدوارم که رفتار کنیم؛ امید دارم که رفتار کنیم. ما از چه بترسیم؟ چه ترسی ما داریم از شماها؟ شما آن آخر امر این است که ما را اعدام کنید؛ اول زندگی راحت ماست؛ از این کثافتکاریها بیرون می‌رویم؛ از این رنج و محن خلاص می‌شویم. آقای ما فرموده: **وَاللّٰهُ، لِأَنَّ أَبِطَالِبَ آتَسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِئَدَىٰ أُمَّه.**<sup>۱</sup> خوب ایشان فرموده‌اند، ما البته نمی‌توانیم همچو دعویها بکنیم، لکن ما شیعه‌ او هستیم. ما اگر از مرگ بترسیم، معنایش این است که ماوراءالطبیعه قبول نیست. (۲۲۹)

۴۳/۱/۲۶

\* \* \*

مراجع تقلید عظیم‌الشان؛ زحمت کشیدند، تهران رفتند، اهانتها دیدند در آنجا؛ زحمتها کشیدند در آنجا. مراجع بزرگ از بلاد جمع شدند در مرکز؛ از مشهد تشریف آوردند؛ از اهواز تشریف آوردند؛ از قم اعظم ما تشریف بردند؛ مراجع ما تشریف بردند؛ نجف همراهی کرد؛

۱. به خدا قسم، فرزند ابیطالب با مرگ مانوس تر است از طفل به پستان مادرش؛ نهج‌البلاغه؛ خطبه ۵.

قم، آن کسی هم که اینجا بود همراهی می‌کرد. همه، همه با هم دست دادند به هم؛ فهمانند به اینکه ما ملت زنده هستیم؛ ما برای آزادی این ملت به همه جور حاضریم؛ یکی مان حبس می‌رود؛ یکی مان زجر می‌کشد؛ یکی مان اهانت می‌شود؛ یکی مان فحش می‌خورد؛ ما به همه چیزش حاضریم. حالا هم همین مراجع عظام تشریف دارند - کثرت الله امثالهم؛ همان مراجع نجف تشریف دارند - کثرت الله امثالهم؛ همان مراجع تهران و مشهد تشریف دارند - کثرت الله امثالهم. اسلام این نیست که یک فرد داشته باشد، دو فرد داشته باشد، همه سرباز اسلامند؛ همه سربازان اسلامند؛ همه علماء جان‌نثار اسلامند؛ نمی‌شود نباشند؛ همه هستند الحمدلله. همه دست به هم داده‌اند، چه آنکه صلاح دیده است که به ملایمت کار را انجام بدهد، چه آنکه صلاح دیده است با حدت کار را انجام بدهد؛ همه اینها از ما هستند. (۲۳۰)

۴۳/۱/۲۶

\* \* \*

ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام؛ آمال و آرزویمان را باید فدا کنیم برای اسلام. همه مراجع از شصت به آن طرفند؛ در عَشْرَه مشئومه یا میمونه.<sup>۱</sup> اگر برای خدا در این عشره از بین برویم، عشره میمونه است؛ و اگر چنانچه باز به [دنبال] آمال و آرزو باشیم مشئومه. (۲۳۱)

۴۳/۱/۲۶

\* \* \*

علمای اسلام وظیفه دارند از احکام مسلّمه اسلام دفاع کنند، از استقلال ممالک اسلامی پشتیبانی نمایند، از ستمکاریها و ظلمها

۱. «عَشْرَه مشئومه»، دهه نامبارک و نامطلوب و «عشره میمونه»، دهه مسعود و مبارک.

اظهار تنفر کنند، از پیمان با دشمنان اسلام و استقلال و ممالک اسلام اظهار انزجار کنند، از اسرائیل و عمال اسرائیل - دشمنان قرآن مجید و اسلام و کشور - براءت جویند، از اعدامهای بی جهت و تبعیدهای دسته جمعی و محاکمات غیرقانونی و محکومیتهای بدون مجوز بیزاری جویند؛ و صلاح حال ملت و مملکت را در هر حال بیان کنند. (۲۳۲)

۴۳/۳/۱۵

\* \* \*

علاقة علمای اسلام به ممالک و قوانین اسلامی علاقة الهی ناگستنی است.

ما از جانب خدای تعالی مأمور حفظ ممالک اسلامی و استقلال آنها هستیم و ترک نصیحت و سکوت [را] در مقابل خطرهایی که پیش بینی می شود برای اسلام و استقلال مملکت جرم می دانیم؛ گناه بزرگ می دانیم؛ استقبال از مرگ سیاه می دانیم. پیشوای بزرگ ما، حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - سکوت را در مقابل ستمکاری جایز نمی دانست؛ و ما نیز جایز نمی دانیم. وظیفه ما ارشاد ملت است، ارشاد دولتهاست، ارشاد جمیع دستگاههاست. ما از این وظیفه به خواست خدای تعالی خودداری نمی کنیم.

در این زمان، سکوت در مقابل ستمکاری، اعانت به ستمکاران است. وظایف اسلامی وظیفه ما تنها نیست وظیفه تمام طبقات است، وظیفه مراجع اسلام است، وظیفه علمای اسلام است؛ وظیفه خطبای اسلام است؛ وظیفه تمام ملت است؛ وظیفه تمام ممالک اسلامی و ملل اسلام است. ما امید واثق داریم که ملل اسلامی در آتیۀ نزدیکی بر استعمار چیره شوند. و ما در موقع خود، به خواست خدای تعالی، از

هیچ گونه فداکاری دریغ نمی‌کنیم. (۲۳۳)

۴۳/۳/۱۵

\* \* \*

تکالیفی که برای فقهای اسلام است بر دیگران نیست. فقهای اسلام برای مقام فقهاتی که دارند باید بسیاری از مباحثات را ترک کنند و از آن اعراض نمایند. فقهای اسلام باید در موردی که برای دیگران تقیه است تقیه نکنند. تقیه برای حفظ اسلام و مذهب بود که اگر تقیه نمی‌کردند مذهب را باقی نمی‌گذاشتند. تقیه مربوط به فروع است، مثلاً وضو را اینطور یا آنطور بگیر، اما وقتی که اصول اسلام، حیثیت اسلام، در خطر است، جای تقیه و سکوت نیست. اگر یک فقیهی را وادار کنند که برود سر منبر خلاف حکم خدا را بگوید، آیا می‌تواند به عنوان **التقیه دینی و دین آباء**<sup>۱</sup> اطاعت کند؟ اینجا جای تقیه نیست. اگر بنا باشد به واسطه ورود یک فقیه در دستگاه ظلمه بساط ظلم رواج پیدا کند و اسلام لکه‌دار گردد، نباید وارد شود، هر چند او را بکشند. و هیچ عذری از او پذیرفته نیست؛ مگر اینکه معلوم شود ورود او در آن دستگاه روی پایه و اساس عقلایی بوده است؛ مثل علی بن یقظین<sup>۲</sup> که معلوم است برای چه وارد شده است؛ یا خواجه نصیر<sup>۳</sup> - رضوان الله علیه - که معلوم است در ورود او چه فوایدی بود. (۲۳۴)

\* \* \*

۱. تقیه، مسلک من و مسلک پدران من است؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۲، ص ۲۵۸.  
 ۲. علی بن یقظین (۱۲۴-۱۸۲ ه. ق.) از یاران امام موسی بن جعفر (ع) که وزیر هارون الرشید بود.  
 ۳. محمد بن محمد (۵۹۷-۶۷۲ ه. ق.) معروف به خواجه نصیرالدین طوسی که مدتی در خدمت هولاکو خان مغول بود. کتابهای اخلاق ناصری، شرح اشارات، تجرید الاعتقاد از آثار ارزشمند اوست.

برای جلوگیری از مفاسدی که می‌خواهد پیش بیاید مهیا شوید؛ حوزه‌های خود را برای مقاومت در برابر حوادثی که می‌خواهد پیش بیاید آماده سازید. شما خدای نخواستہ روزهای سیاهی در پیش دارید؛ اینطور که زمینه است، روزهای بدی خواهید دید. ایادی استعمار می‌خواهند تمام حیثیات اسلام را از بین ببرند، و شما باید در مقابل ایستادگی کنید. (۲۳۵)

\* \* \*

اگر علمای ایران دسته‌جمعی اعتراض کنند همه‌شان را می‌گیرند؟! همه علمای ایران را می‌گیرند و اعدام می‌کنند یا تبعید می‌کنند؟! اگر از تمام مملکت ایران، علمای ایران - که اقلاً صد و پنجاه هزار نفر معمم در ایران دارد و آن همه ملا و مرجع و حجت‌الاسلام و آیت‌الله دارد - اگر اینها اعتراض کنند و این مهر سکوت را بردارند و این امضا را (که به سکوت آنها امضا حساب می‌شود) این مهر را بردارند، سکوت را بردارند، همه آنها را از بین می‌برند؟! (۲۳۶)

۵۰/۴/۱

\* \* \*

شماها راه دارید و آن این است که یکی یک کاغذ بنویسید. کاغذ که اینقدر تمبرش، پولش زیاد نیست؛ ولو مئونه شما کم است لکن یک کاغذ برای خاطر خدا بنویسید به حکومت ایران به اینکه آقا! این جشن را دست از آن بردار. مردم گرسنه‌اند؛ گرسنه‌ها را سیر کنید. از آقایان خواهش کنید که آنها هم خواهش کنند. من نمی‌گویم آنها صحبت نکنند؛ آنها هم خواهش کنند؛ به طور تمنا و خواهش.

بخواهید از آقایان، از افاضل اینجا، از علمای اینجا و از مراجع اینجا که آقا نصیحت کنید این حکومت را. این دارد پدر مردم را درمی‌آورد؛ و اگر به این افسارگسیختگی باشد مصیبت‌های بعد بالاتر است. هر روز اینها کار درست می‌کنند. کارشناس دارند برای اینکه ایجاد کنند یک مطلبی را. هر روز جشن درست می‌کنند و هر روز بساط درست می‌کنند. آنی که در ذهن من و شما نمی‌آید بعدها درست می‌کنند اینها. (۲۳۷)

۵۰/۴/۱

\* \* \*

شما ای محصلین علوم دینی! ای فضلا و روحانیون حوزه‌های مقدسه بخصوص حوزه مقدسه قم! از این اهانتها و آزارها نهراسید. شما که امروز پاسداران اسلام و قرآنید وظیفه دارید این سنگر مهم را که آماج تیر اجانب و عمال آنهاست، حفظ نمایید و با کمال دلگرمی و اتکال به خداوند متعال و استمداد از ارواح مقدسه صاحبان شریعت و حُفاظ قرآن، به کار خود که تحصیل فقه اسلام، تهذیب اخلاق، تنویر افکار و هدایت ملت ستمدیده است، ادامه دهید که خدای متعال با شماست. (۲۳۸)

۵۱/۶/۲۰

\* \* \*

شما ای سربازان غیور ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - که به سربازخانه‌ها کشیده شده‌اید! با کمال شجاعت تعلیمات نظامی را تحکیم کنید؛ باشد که چون حضرت موسی (ع) که در آغوش فرعون بزرگ شد و اساس ظلم و جور او را در هم پیچید، شما هم روز



مناسبتی تحت دستور مقام صالحی بتوانید این دستهای خبیث را قطع،  
و این ریشه‌های فساد و ظلم را از بیخ و بن برآورید. (۲۳۹)

۵۱/۶/۲۰

\* \* \*

اکنون سکوت در مقابل این نقشه‌ها و فجایع در حکم انتحار است و استقبال از مرگ سیاه، و سقوط یک ملت بزرگ می‌باشد. تا فرصت از دست نرفته لازم است که سکوت شکسته شود و استنکار و اعتراض آغاز گردد. بر علما و خطبای اسلام است که در مساجد و محافل، نقشه‌های پشت پرده دستگاه را به ملت برسانند و در این مصیبت بزرگ<sup>۱</sup> که برای اسلام و مسلمین و خصوص علمای اعلام و خطبای محترم پیش آمده است از هیچ‌گونه اقدامی فروگذار نکنند. مراجع عظام نظر مبارک خود را با طبع و نشر اعلام نمایند. (۲۴۰)

۵۱/۱۲/۲۳

\* \* \*

شما وقتی که اوضاع مملکت خودمان را ملاحظه می‌کنید، اینها یک جوری درست کرده‌اند که الآن شکاف مابین دولت و ملت جوری است که اگر یک وقت ان شاء الله ساقط بشود این دولت، همه چراغان خواهند کرد. شما نمی‌دانید این چراغانی چقدر باشکوه است! چرا؟ برای اینکه - اگر حضرت امیر هم ساقط می‌شد این جور بود؟ ملت این طور بود؟ - برای اینکه اینها جدا هستند از مردم، اینها کاری به مردم ندارند، کاری ندارند؛ یعنی کار دارند اما کار ظلم و تعدی، کار اشاعه فحشا.

---

۱. اشاره به تشکیل سپاه دین، و قرارداد مساجد و مدارس و تکایا زیر نظر سازمان اوقاف.

شما نمی‌دانید که اخیراً چه فحشایی در ایران شروع شده است. شما اطلاع ندارید؛ گفتنی نیست که چه فحشایی در ایران شروع شده است. در شیراز عمل شد و در تهران می‌گویند بناست عمل بشود و کسی حرف نمی‌زند. آقایان ایران هم حرف نمی‌زنند. من نمی‌دانم چرا حرف نمی‌زنند! این همه فحشا دارد می‌شود. و این دیگر آخرش هست یا نمی‌دانم از این آخرتر هم دارد! در بین تمام مردم - جمعیت - نمایش دادند اعمال جنسی را! خود عمل را! و [آقایان] نَفَسشان در نیامد. دیگر برای کجا گذاشته‌اند؟! برای کجی؟ چه وقت می‌خواهند یک صحبتی بکنند؟ یک حرفی بزنند؟ یک اعتراضی بکنند؟

... فردا هم در تهران - خدای نخواستہ - این کار خواهد انجام گرفت و نه آخوندی و نه سیاسی‌ای و نه دکتری و نه مهندسی و نه دیگری اعتراض نمی‌کند. اینها باید اعتراض بشود؛ باید گفته بشود. اگر ملت‌ها همه با هم، ملت همه با هم، مطلبی را اعتراض کنند و احکام اسلام را بایستند و بگویند، امکان ندارد که همچو قضایایی واقع بشود. اینها واقع می‌شود از سستی ما و از ضعف ما و استفاده از ضعف ما. [می‌گویند] اینها یک دسته‌ای هستند ضعیف و بیچاره! در صورتی که قوه دارید شما. (۲۴۱)

۵۶/۷/۶

\* \* \*

این نهضت آخری هم که منتهی شد به ۱۵ خرداد و اینهمه کشته دادند مردم، این هم در صف اولش اهل علم بودند، علما بودند؛ تا حالا هم دنباله‌اش کشیده شده است. تا حالا هم آنکه بیشتر هیاهو می‌کند باز اهل علم است. البته دانشگاهی هم حالا داخل است، آنها هم داخلند؛ سایر مردم هم به تبعیت علما می‌رفتند نه به تبعیت دیگران.

علمای تهران را - تقریباً اکثرشان را - گرفتند حبس کردند. از خطبا، از علما، گرفتند حبس کردند. چندین روز حبس بودند. زجر دیدند اینها. (۲۴۲)

۵۶/۸/۱۰

\* \* \*

مطالب را گوشزد بکنند، اشکالات را بگویند. امروز روزی است که باید گفت. و پیش می‌برید. و من خوف این را دارم که خدای نخواستہ اگر این فرصت از دست برود و اگر این مرد پایش یک خرده‌ای محکم بشود، همچو لطمه‌ای بزند به مردم که آن طرفش پیدا نباشد؛ و اولش شما روحانیون هستید. من خوف این را دارم. نگذارید این فرصت از دست برود. با هم بنویسید، بنویسید اشکالات را. به دنیا اعلام کنید. نمی‌توانید توی ایران، بفرستید در خارج منتشر می‌کنند برای شما. به یک وسیله‌ای بفرستید اینجا، ما می‌فرستیم منتشرش می‌کنند. اشکالاتتان را بنویسید، به خودشان اعتراض کنید، مثل آن کسی که ... خوب ما دیدیم که چندین نفر اشکال کردند و [اعتراض] کردند و همه حرفها، بسیاری از حرفها را زدند و امضا کردند و کسی هم کارشان نداشت. فرصتی است این؛ این فرصت را نگذارید از دست برود. و من خوف این را دارم که خدای نخواستہ اگر این فرصت از دست برود و این حسابهایش را جور کند با آنها (اینها الآن مشغول این هستند که حسابها را درست بکنند، مشغولند که نوکری را همچو خیلی محکم‌ش کنند، آنها نمی‌پذیرند؛ اینها دنبال این هستند که محکم کنند قضیه را؛ این را بیاورند و خودشان بروند و هی چه بکنند تا کارشان تمام بشود) اگر خدای نخواستہ کار اینها تمام شد و این پایش را محکم دانست این دفعه دیگر مثل آن دفعه‌ها نیست؛ لطمه‌ای بزرگ به

اسلام وارد خواهد کرد. (۲۴۳)

۵۶/۸/۱۰

\* \* \*

این اهل قم و طلاب علوم دینی، با چه شجاعت - که شاید در تاریخ کم‌نظیر باشد - و دست خالی، با این دولت و با این عمال شاه مبارزه کردند و کشته دادند. و حتی در خیابانها و در کوچه‌ها و در پس کوچه‌ها از قراری که ذکر شده است مأمورین ریخته‌اند؛ و مردم هم بعد از کشتار و قبل از کشتار آنقدری که می‌شده است مقاومت کرده‌اند و زنده بودن خودشان را اثبات کرده‌اند که ما زنده هستیم، نه مرده. مراجع بزرگ اسلام در قم، چه در خطابه‌هایشان، چه در اعلامیه‌هایشان و چه در این اعلامیه‌های اخیری که همین چند روز - همین دو سه روز - برای سوگواری و برای اربعین و تعطیل اربعین داده‌اند، مطالب را شجاعانه ذکر کرده‌اند و نکته اصلی را ولو به صراحت نگفته‌اند، به کنایه اَبْلَغ از تصریح فرموده‌اند. خداوند ان شاءالله آنها را پایدار نگه دارد.

طلاب علوم دینی، آن طلابی که الان در مرکزی واقع شده‌اند که مورد هَجْمه اشراست، در عین حال که در یک همچو مرکزی واقع شده‌اند، دیروز عصر اجتماع کثیر و یک مجلس تعزیه بسیار بزرگ تأسیس کرده‌اند، و بعضی از افراد، جوانهای زنده، در منبر بی‌باکانه مطالب را گفته‌اند. (۲۴۴)

۵۶/۱۱/۲۹

\* \* \*

با خواست خداوند قهار، اکنون در تمام کشور صدهای ضد شاهی و ضد رژیم بلند است، و بلندتر خواهد شد؛ و پرچم اسلام بردوش

روحانیون ارجمند، برای انتقام از این ضحاک زمان، به اهتزاز خواهد درآمد؛ و ملت اسلام - یکدل و یکجهت - به پاس از مکتب حیات بخش قرآن، آثار این رژیم ضد اسلامی و مروج زرتشتی را محو خواهد کرد. **أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ**<sup>۱</sup>؟! (۲۴۵)

۵۶/۱۲/۸

\* \* \*

حوزه قم حوزه زنده است. کشته می دهد، می کشد، کشته می دهد - عرض می کنم که - اگر بتواند می کشد. الآن هم در تحت فشار هست و مع ذلک زنده [است]، مع ذلک ایستاده است. طلبه قم ایستاده است، قمی ایستاده است، ملت قم ایستاده است. کتک می خورد و ایستاده است. طلبه قم کشته می دهد و ایستاده است و لهذا زنده است. اصلاً در اذهان مردم، هر چی هست قم است؛ و من برای نجف متأسفم. من قمی هستم اما برای نجف متأسفم. ما علاقه داریم به همه اینها. ما علاقه داریم به یک همچو حوزه هزار و چند صد ساله. نگذارید این حوزه از بین برود. نگذارید این حوزه منسی بشود. (۲۴۶)

۵۷/۲/۲۳

\* \* \*

حضرات ائمه جماعت محترم - دامت برکاتهم - گویندگانی را دعوت نمایند که معتقد و علاقه مند به نهضت اسلامی و با هدفی اصیل روشنگری مردم را بر عهده گیرند؛ و از دعوت «وعاظ السلاطین» و اشخاصی که به نفع دستگاه جبار، دانسته یا ندانسته مطالبی را انتخاب می کنند که ملت را از مسائل اصلی روز باز دارند جداً احتراز فرمایند،

---

۱. آیا صبح نزدیک نیست؟ (هود/۸۱).

و از کسانی که عمال دولت تعیین می‌کنند دوری و احتراز کنند، و فداکاری در راه اسلام و مصالح مسلمین را در رأس برنامه خود قرار دهند. (۲۴۷)

۵۷/۵/۵

\* \* \*

شما ای علمای بزرگ اسلام و سیاسیون بزرگ، که از فشار شاه هراسی به دل راه نمی‌دهید! نشانه اعتماد و قوت روحیه ملت هستید، و در این موقع حساس نه تنها باید استقامت کنید بلکه روحیه عالی مقاومت جامعه را هر چه بیشتر باید تقویت کنید، و هر چه بیشتر صفوف خود را برای مقابله با دشمن مردم ایران متشکلتر کنید. (۲۴۸)

۵۷/۶/۱۸

\* \* \*

حضرت امیر هم که در رأس روحانیت و آقای روحانیون است، ایشان هم که وقتی می‌خواهند جنگ بکنند، وقتی می‌خواهند زندگی بکنند و خلافت را بشناسانند، نمی‌آیند مردم را خواب کنند تا قدرتمندها بیایند اینها را بخورند. ایشان هم جنگ می‌کند؛ با کی؟ با معاویه که در مرکز شام نشسته و اسلام با بودن او در خطر است، و دارد مردم را استعباد کرده و ظلم می‌کند.

... ائمه ما - علیهم السلام - که همه شان کشته شدند، برای این [بود] که همه اینها مخالف با دستگاه ظلم بودند. اگر امامهای ما تو خانه‌هایشان می‌نشستند و عرض می‌کنم، آنطوری که اینها می‌گویند ... مردم را دعوت می‌کردند به بنی‌امیه و بنی‌عباس؛ اینها که محترم بودند، روی سرشان می‌گذاشتند آنها ائمه ما را، لکن آنها می‌دیدند هر

یک از [ائمه] حالا که نمی‌تواند لشکرکشی کند، از باب اینکه مقتضیاتش فراهم نیست، دارد زیرزمینی اینها را از بین می‌برد اینها را می‌گرفتند، حبس می‌کردند. ده سال در حبس آنها بودند. برای نماز و روزه بود که حبس کردند حضرت موسی بن جعفر را؟ چون نماز می‌خواند؟ چون روزه می‌گرفت؟ چون مردم را دعوت می‌کرد به [پیروی از] هارون‌الرشید و ... [که] شما بروید و با آنها بسازید؟ هرچه آنها ظلم می‌کنند شما حرف نزنید؟! یا قضیه این نبوده است آنها از باب اینکه می‌دیدند این خطرناک است برای دولت خطرناک است، برای قدرتها اینها خطرناک بوده‌اند برای اینها؛ از این جهت، اینطور شد که آنها را حبس کردند، کشتند، [اذیت] کردند، تبعید کردند.

می‌گویند مردیکه از [مدینه] برمی‌دارد امام - علیه السلام - را می‌آورد در اینجا، یا حضرت عسکری را در سامرا چندین سال نگه می‌دارد و تحت فشار و در نظام، در عسکر ... در جُند ایشان را نگه می‌دارد و محبوس است امام - علیه السلام - در آنجا. این از باب این [بود] که نماز می‌خواست بخواند؟ خوب ...، خود آنها هم نماز می‌خواندند، به نماز چه کار داشتند؟ چون امام - علیه السلام - پسر پیغمبر بود، آن وقت پسر پیغمبر خیلی هم [مورد احترام بود]؛ اگر پسر پیغمبر سر جای خودش می‌نشست و کار نداشت به مردم، چیزی نبود؛ اما آنها گاهی به اشاره آنها ... (چون موردی بود که اگر می‌فهمیدند، ریشه اینها را می‌کنند) در ظاهر وقتی که یکی از این هاشمیون قیام می‌کردند بر ضد حکومتها؛ در ظاهر اینها یک انتقاد صوری هم از آن می‌کردند، لیکن با دست اینها بود. اینها آنها را وادار می‌کردند به اینکه این کار را بکنند. دعا می‌کند امام - علیه السلام - به

زید<sup>۱</sup> و امثال اینها که قیام کردند بر ضد این خلفا و بر ضد این قدرتمندها. روحانیت همیشه مخالف با قدرتمندها بوده است. اگر یکوقت شما، مثلاً فرض کنید یک فردی، چند نفری دیدید که سازشی کرده است یا منحرف است، به اسلام مربوط نیست. مکتب [او] این مکتب نیست؛ و یا اینکه یک مقتضیاتی می‌بیند که در این مقتضیات الآن صلاح اینست که اینطور عمل بکند. (۲۴۹)

۵۷/۷/۲۳

\* \* \*

علمای ما از آن صدر اول تا حالا، در هر عصری قیام کردند و در تاریخ نشان می‌دهد که اینها [پیوسته] قیامهایی کردند و زمین خوردند. در زمان ائمه، اولاد ائمه قیام می‌کردند و به تحریک خود ائمه بوده؛ نه این است که ائمه اطلاع نداشتند. گاهی هم امام - علیه السلام - یک چیزی می‌فرموده‌اند برای حفظ او یا برای جهت دیگر؛ اما به حَسَب واقع اینها همانها بودند و برای خاطر ائمه، آنها قیام می‌کردند. زید برای آن قیام ایتقدر ثنا از او کردند. اگر زید یک آدمی بود برخلاف کرده بود، دیگر ائمه - علیه السلام - چرا تعریف از او می‌کردند؟ چرا تأسف می‌خوردند ایتقدر؟ ما در عصر خودمان چند تا قیام علما را سراغ داریم؛ این علمایی که اینها می‌گویند که درباری هستند و علمایی که، عرض می‌کنم که چپها و این منحرفین می‌گویند اینها جزء دربارها هستند. خوب، اینها مطالعه نکرده‌اند، سسشان هم ایتقدر اقتضا نکرده، گوششان [و چشمشان] هم ایتقدر باز نیست که ببینند که چند دفعه در زمان رضا شاه تا زمان محمدرضا شاه، این علمای اسلام قیام کرده‌اند بر ضد پهلوی - که نفسها

۱. زیدبن علی(ع)، فرزند امام سجاد(ع)، وی بزرگمردی با دانش و تقوا بود که برای اصلاح امر امت پیامبر قیام کرد و در سال ۱۲۱ ه. ق. به دست حکام اموی به شهادت رسید.



را در سینه‌ها حبس کرده بود - [کسانی] که بلند شد [ند] و قیام کرد [ند]، یک دفعه علمای اصفهان بودند، یک دفعه علمای عرض می‌کنم، آذربایجان بودند، یک دفعه علمای مشهد بودند، [علمای] قم بودند؛ که اجتماع می‌کردند و مخالفشان را اعلام می‌کردند. (۲۵۰)

۵۷/۷/۳۰

\* \* \*

ما در زمان خودمان، در این مدتی که خودمان مشاهده کردیم، قیامهایی از همین طبقه ما دیده‌ایم در مقابل رضا شاه. آن وقت که آمد و کودتا کرد و عرض می‌کنم، آن بساط را درآورد و آن ظلمها و آن تعدیات را کرد به همه طبقات مردم، هیچ قدرتی در مقابلش نایستاد الا قدرت روحانی که قیامهای متعدد شد که ما همه‌اش را یادمان است. قیامهایی که از علمای اصفهان شد؛ در قم جمع شدند همه با هم، از علمای بلاد هم آمدند در قم. قیامی که از خراسان شد که همه علمای خراسان را که قیام کرده بودند گرفتند و بردند در زندان؛ مثل مرحوم آسید یونس<sup>۱</sup> و مرحوم آقازاده<sup>۲</sup> و دیگران. قیامی که از آذربایجان شد، علمای بزرگ آذربایجان را مثل مرحوم امیرزا صادق آقا<sup>۳</sup> و مرحوم انگجی<sup>۴</sup> و دیگران را گرفتند و از آنجا بردند تبعید کردند. قیامهای متعدد [شد]؛ قیامی که مرحوم آقای قمی<sup>۵</sup> کرد که آمد به تهران، و مردم با او همراهی درست نکردند و ایشان را

۱. ← ص ۱۰۷، پاورقی ۵.

۲. ← ص ۱۰۷، پاورقی ۶.

۳. ← ص ۱۰۸، پاورقی ۱.

۴. ← ص ۱۰۸، پاورقی ۲.

۵. آیت‌الله العظمی حاج سیدحسین قمی (۱۲۸۲ - ۱۳۶۶ ه. ق.) از فقها و مراجع تقلید شیعه که در اعتراض به واقعه کشف حجاب به تهران مهاجرت کرد. وی پس از رحلت آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی مدت کوتاهی در نجف، مرجعیت تامه پیدا کرد.

هم گرفتند و تبعید کردند. قیامهای زیادی کرده‌اند که تاریخ نشان می‌دهد. (۲۵۱)

۵۷/۸/۸

\* \* \*

هیچ حرکت و عملی از فرد و یا جامعه نیست مگر اینکه مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است. بنابراین طبیعی است که مفهوم رهبر دینی و مذهبی بودن، رهبری علمای مذهبی است در همه شئون جامعه، چون اسلام هدایت جامعه را در همه شئون و ابعاد آن به عهده گرفته است. و اما اینکه چرا امروز تمامی علمای مذهبی علیه رژیم شاه و دولتهای او قیام کرده‌اند بسیار واضح است. امام علی (ع) می‌گوید: «خداوند از دانشمندان پیمان گرفته است که بر سیری ستمگر و گرسنگی مظلوم سکوت نکنند.»<sup>۱</sup> و این شاه ستمگر و دارو دسته اوست که با همه فقر طاقت فرسای مردم ما، میلیاردها دلار ثروت کشور را به خود اختصاص داده است. (۲۵۲)

۵۷/۱۰/۱۸

\* \* \*

من از شما آقایان که - در این مدت طولانی اطلاع دارم - زحمات جانفرسا کشیدید و تحمل جنایات رژیم را کردید تشکر می‌کنم. خداوند تعالی به شما علمای اعلام و شاگردان مکتب امام زمان - سلام الله علیه - عمر و برکت و عزت عنایت فرماید. (۲۵۳)

۵۷/۱۲/۷

\* \* \*

۱. و ما أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُّوا عَلَى كَيْفَةِ ظَلَمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۳ (شقشقیه).

آنکه با این قدرت شیطانی در این طول پنجاه و چند سال مخالفت کرد روحانیون بودند؛ تمام جبهه‌های سیاسی کنار بودند. گاهی ممکن بود یک کلمه‌ای در خارج اینها بگویند اما آن که در داخل - در داخل مملکت - قیام کرد بر ضد رضا شاه، علمای تبریز بودند؛ یکوقت هم علمای خراسان بودند؛ یکوقت هم علمای اصفهان بودند که در قم جمع شدند؛ که ما همه‌اش را حاضر بودیم. آن که در مجلس مخالفت می‌کرد، «جبهه ملی» نبود مدرس بود. «نهضت آزادی» نبود مدرس بود؛ که می‌ایستاد. (۲۵۴)

۵۸/۱/۲۹

\* \* \*

در این طول تاریخ که ما یادمان هست، آنکه قیام کرد بر ضد این قدرتها روحانیون بودند که در همین پنجاه و چند سال، چند دفعه قیام کردند. و البته قدرت آنها زیاد بود شکست خوردند. آذربایجان و مشهد قیام کرد، تقریباً یک قیام عمومی اصفهان کرد، از همه علمای بلاد بودند، لکن قدرت زیاد بود، و این قدرت زیاد، شکست اینها را، حبس کردند اینها را، تبعید کردند اینها را، علمای درجه یک را حبس و تبعید کردند. علمای آذربایجان را، که درجه یک بودند، آنها را آوردند و بردند به سقز یا سنقر و به آنجا تبعید کردند؛ و مدتها در آنجا بودند. علمای مشهد را، همه را، گرفتند و آوردند حبس در تهران. علمای اصفهان را شکستند آن نهضتشان را و نتوانستند کاری بکنند. در تمام این مدت پنجاه سال آنکه قیام کرد بر ضد اینها علما بودند، و لا غیر. هیچ کس. ملت هم همراه علما بود؛ تا آن اندازه که می‌توانستند. آن وقت البته این نهضتی که حالا پیدا شده است نبود و نمی‌شد. لکن از طرف علما نهضت شد و شکست خوردند. کشته

دادند؛ حبس شدند؛ تبعید شدند. (۲۵۵)

۵۸/۲/۳۰

\* \* \*

با فرا رسیدن ۱۵ خرداد خاطره غم‌انگیز و حماسه آفرین این روز تاریخی تجدید می‌شود. روزی که بنا بر آنچه که مشهور است قریب به پانزده هزار نفر از ملت مظلوم و ستم‌کشیده ما به خاک و خون کشیده شد. روزی که طلیعه نهضت اسلامی این ملت شجاع و غیور گردیده؛ نهضت عظیمی که بیش از شانزده سال پیش به دنبال قیام روحانیت مسئول و متعهد در مقابل محمدرضا پهلوی - که مخالفتش با اسلام عزیز آشکار و آشکارتر شد - شکل گرفت. روحانیت به اعتراض برخاست و عصر عاشورا، پس از حادثه‌ای ناگوار، اعتراض با موج عظیم انسانی - اسلامی بالا گرفت و به اوج رسید. و پس از آن، دست ناپاک استعمار از آستین شاه مخلوع در آمد و غائله ۱۵ خرداد - ۱۲ محرم - را هر چه دردناکتر به وجود آورد. (۲۵۶)

۵۸/۳/۱۲

\* \* \*

از اول تا حالا آن که با این قدرتها معارضا کرده ابتدایش از روحانین شروع شده.

در این صد سال آخری - که خوب، تاریخش دیگر خیلی نزدیک است و همه شما هم اطلاع دارید - در این صد ساله اخیر آنی که معارضا کرده با سلاطین وقت، ابتدایش از روحانی شروع شده. (۲۵۷)

۵۸/۴/۳۰

\* \* \*

از وقتی که رضاخان آمد تا امروز چند مرتبه قیام شد؟ کی قیام کرد؟ از این طبقات دیگر، مردم، از روشنفکرش بگیر و از نمی دانم نویسنده اش بگیر و اینها، در این قیامهای بر ضد [حکومت] کی بود که قیام کرد؟ قیام آذربایجان را کی کرد؟ علمای آذربایجان. مرحوم امیرزا صادق آقا<sup>۱</sup>؛ مرحوم انگجی<sup>۲</sup>، دیگران هم تبع. قیام اصفهان را کی کرد؟ مرحوم حاج آقا نورالله<sup>۳</sup>. دیدید که آمده اند علمای اسلام به اینجا و علمای بلاد هم جمع کردند، قیام بر ضد رضاخان. قیام خراسان را کی کرد؟ علمای خراسان. مرحوم یونس<sup>۴</sup> و مرحوم آقازاده<sup>۵</sup>، و امثال اینها. بعد از او هم، یک قیام تنهایی آقای قمی<sup>۶</sup> کرد که آمد به حضرت عبدالعظیم و ما هم حضرت عبدالعظیم بودیم و منتها این قیامها شد، و قدرت آن قدرتی بود که اینها را شکست داد. قیامها را شکستند. علمای آذربایجان را گرفتند و در یکی از این بلاد کردستان، سَقر بود یا سُنقر، آنجا تبعیدشان کردند و بعدها - بعد از مدتها - اجازه دادند که مرحوم امیرزا صادق آقا آمدند همین قم، و اینجا فوت کردند. علمای مشهد هم، همه آنها را گرفتند آوردند در تهران حبس کردند. مرحوم آقازاده یکی از علمایی بود که درجه یک آنجا بود. من خودم می دیدم که ایشان در گوشه یک جایی یک منزلی داشتند، این طور به خیابان بود، تنها آنجا نشسته بود؛ مأمورها هم مواظبش، کسی نمی توانست با ایشان تماس بگیرد، ایشان را هم می بردند در عدلیه آنجا محاکمه می کردند و اینطور در مجلس کی بود که می ایستاد در

۱. ← ص ۱۰۸، پاورقی ۱.

۲. ← ص ۱۰۸، پاورقی ۲.

۳. آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی (۱۲۸۷ - ... ه. ق.) از فقها و مبارزان بنام دوران مشروطه که در برابر رضاخان قیام کرد و در دیماه ۱۳۰۶ ه. ش. به شهادت رسید.

۴. ← ص ۱۰۷، پاورقی ۵.

۵. ← ص ۱۰۷، پاورقی ۶.

۶. ← ص ۲۱۵، پاورقی ۵.

مقابل اینها؟ مدرّس<sup>۱</sup> بود. این علمای «درباری» که اینها می‌گویند عکس بودند. این پانزده - شانزده سال قیام، مال کی بود؟ مال همین آقایان بود. همین آخوندهای بلاد و اطراف، همینها بودند که اینها بر ضد آنها تبلیغ می‌کنند و الآن هم نمی‌خواهند که این رژیم که اسلامی است باز اسم آخوند در آن باشد؛ الآن هم نمی‌خواهند! از اینها همچو می‌ترسند که مبادا این منافع نامشروعی که اینها می‌بردند و در خارج و در داخل برای خودشان این بساط را درست می‌کنند دست اینها بیفتد که وقتی در مجلس خبرگان می‌روند برایشان بودجه قرار می‌دهند، بگویند که ما عبایمان را رویمان می‌کشیم می‌خواهیم، بودجه می‌خواهیم چکار؟ این آخوند است که این را می‌گوید.

همین آخوندها هستند که شما می‌گویید که اینها کذا و کذا هستند که وقتی رفتند مجلس خبرگان و برایشان ده میلیون بودجه قرار دادند، اعتراض کردند که ما بودجه می‌خواهیم چه کنیم برایشان یک جایی را گرفته بودند، تختهایی گرفته بودند، ما تخت می‌خواهیم چه کنیم؟ ما هر کداممان بیاییم در مجلس، همین جا عبایمان را دوش می‌کشیم، همین جا هم می‌خواهیم. اینها نمی‌خواهند اینها را. (۲۵۸)

۵۸/۶/۱۲

\* \* \*

روحانی باید خدمتگزار ارواح مردم باشد؛ قلوب مردم را حفظ بکند. شماها مأمورید که قلبهای مردم را حفظ بکنید. در آیه شریفه دو جا آمده است که **فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ**<sup>۲</sup>. لکن در یک سوره **وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ**<sup>۳</sup>

۱. - ص ۱۰۸، پاورقی ۳.

۲. هود / ۱۱۲.

۳. پس ای رسول ما، چنانکه مأموری پایداری کن (شوری / ۱۵).

است؛ و در یک سوره: **فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ**<sup>۱</sup>. روایت شده است از پیغمبر اکرم که **شَیْبَتُنِي سُوْرَةُ «هُودٍ» لِمَكَانِ هَذِهِ الْآيَةِ**<sup>۲</sup>. در سوره «شوری» هم هست. نفرمود سوره «شوری»؛ فرمود سوره «هود»؛ برای اینکه در سوره «هود» **وَمَنْ تَابَ مَعَكَ** است؛ یعنی چون استقامت ملت را هم به عهده من گذاشته است، که مستقیم باش و هر که با توست مستقیم باشد، این من را پیر کرد.

الآن استقامت ملت با شما روحانیون است؛ یعنی خطاب **فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ**. یک نهضت حاصل شده، استقامت لازم دارد. یک جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده، استقامت در مقابل او لازم است، باید نگهش دارید؛ و همه اشخاصی که با شما هستند هم به عهده شماست که استقامتشان را حفظ کنید. اهل مسجدید، اهل مسجد را. امام جماعتید، اهل مسجد را باید استقامتشان را حفظ کنید. خطیب هستید، مستمعین را باید حفظ بکنید. هر چه هستید و در هر جا هستید، زمام امور مردم به دست شماهاست. و پیغمبر اکرم می فرماید که **شَیْبَتُنِي سُوْرَةُ هُوْدٍ**. پیرم کرد سوره هود؛ برای اینکه استقامت امت را هم به عهده من گذاشته اند. این یک چیز بزرگی است. استقامت هر مسجدی و اهل هر مسجدی به عهده امام مسجد است. استقامت هر شنونده ای به عهده گوینده است. گوینده ها باید مستقیم باشند تا بتوانند مستقیم کنند. ائمه جماعت باید مستقیم باشند تا بتوانند مستقیم کنند دیگران را. (۲۵۹)

۵۸/۶/۱۸

\* \* \*

۱. هود / ۱۱۲.

۲. سوره هود مرا پیر کرد به واسطه وجود این آیه: «فاستقم...»؛ کشاف؛ ج ۲، ص ۴۳۲.

در رژیم سابق، آنهایی را که می‌کشتند، بهترین جوانهای ما و متعهد و مُسَلِم، برای اینکه می‌گفتند که خلاف نکنید، می‌گفتند که مملکت ما را به باد ندهید. علمای اسلام بودند. این آقای منتظری مدتها در حبس بود. آن مرحوم آقای طالقانی مدتها در حبس بود و امثال اینها زیاد. آنهایی که اعدام شدند چه اشخاصی اعدام شدند؟ مرحوم سعیدی<sup>۱</sup> اعدام شد و امثال اینها. از همین علمایی که در همهٔ اطراف اینها گرفتند و در بعضی وقتها در حبس بودند. این آقای لاهوتی<sup>۲</sup> که الان در [سپاه] پاسداران هست، ایشان مدتها حبس بود. و چه زجرهایی این مرد دیده است و چه اهانت‌هایی دیده است. در تبعید فضلالی این حوزه، علمای این حوزه، دانشمندان این حوزه در تبعید بودند. این طرف، آن طرف، اینها را می‌بردند و تبعید می‌کردند. آنهایی که حبس بودند در آن وقت، این سنخ مردم بودند. (۲۶۰)

۵۸/۸/۱۴

\* \* \*

شما روحانیت مسیح باید مسیح را از این تنگنایی که ایجاد کرده‌اند رؤسای جمهور شما، نجات بدهید. مسیح چشمش به علمای مسیحیین و سایر قشرها، روشن است. مسیح چشمش این است، مطالعه می‌کند، تحت نظر قرار داده است شما را، که شما با این ظالمهایی که با بشر اینطور کردند چه رفتار می‌کنید. آیا در کلیساهای شما هیچ وقت راجع به این جرایم صحبتی شده است؟ آیا از پاپ انکاری راجع به این مصایب شده است؟ آیا پاپ که ما را به حسب آن چیزی که در روزنامه بود محکوم کرده است که این گروگانها را نگه

۱. آیت‌الله سید محمدرضا سعیدی (۱۳۴۹-۱۳۰۸ ه. ش.) از روحانیون آگاه و مبارز که در جریان افشاگری علیه

سرمایه‌گذاری صهیونیستها در ایران، توسط رژیم دستگیر و به شهادت رسید.

۲. سیدحسین لاهوتی، اولین نمایندهٔ امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران.



داشتیم، پاپ مطلع هست از اینکه اینها چه بودند و چه هستند؟ آیا محکوم کردن یک ملت ضعیف در خور شأن یک روحانی‌ای است که خود را روحانیت بزرگ مسیح می‌داند؟ آیا محکوم کردن آنهایی که پنجاه سال در زیر یوغ این قدرتهای بزرگی که با طرفداری حکومتهایی که خودشان را به مسیح نسبت می‌دهند و می‌گویند مسیحی هستیم، آیا هیچ وقت به اینها انکار شده است؟ آیا روحانین مسیح انکار این اعمال ظالمانه‌ای که برخلاف دستورات عیسی مسیح - سلام الله علیه - است، هیچ وقت انکار این مسائل را کرده‌اند؟ ما در پاریس در عید مولود حضرت مسیح اعلامی کردیم و راجع به مطالبی که شده است، آنجا چیزهایی نوشتیم، و مع‌الأسف گفته شد که پاپ اجازه نشر آن را ندادند. چرا باید یک روحانیت بزرگ مسیح با مظلومها اینطور عمل کنند؟ چرا باید روحانیت بزرگ مسیح مظلومها را محکوم کنند و طرفداری از ظالم کنند؟

آیا شماها اطلاع ندارید از این جریمه‌هایی که در اینجا واقع شده است؟ آیا شما اطلاع ندارید که یک ملتی را تمام ذخایرش را بردند و خودش گرسنه مانده است؟ آیا اطلاع ندارید که یک ملتی را چندین سال؛ در طول پنجاه سال، با زجر و زحمت تحت فشارها قرار دادند و همه دارایی او را به دولتهای بزرگ دادند؟ آیا روحانیت مسیح اطلاع ندارد که برخلاف گفته همه انبیا و برخلاف گفته مسیح داراییهای ایران را آقای کارتر<sup>۱</sup> حبس کرده است، سد کرده است در همه بانکها؟ آیا عیسی که برای عدالت آمده است و مردم را به عدالت می‌خواهد وادارد، و شما موظفید که عمل کنید به آن چیزی که عیسی مسیح فرموده است و ظالمها را وادار کنید به عمل کردن. آیا مطلع هستید که یک ملت ضعیف را چطور می‌خواهند در تحت فشار قرار بدهند؟ آیا

۱. جیمی کارتر، رئیس جمهور اسبق امریکا.

مطلع هستید که حصر اقتصادی که آقای کارتر می‌خواهد انجام بدهد، معنایش این است که می‌خواهد - در نظر او این است - که سی و پنج میلیون جمعیت از گرسنگی بمیرد؟ آیا آقای پاپ مطلع از این مسائل هست و ما را محکوم می‌کند؟ یا به او بد مسائل را می‌رسانند؟ اگر مطلع هست وای به حال ما و وای به حال مسیحیت و وای به حال علمای مسیح، و اگر مطلع نیست وای به حال واتیکان. چرا باید شما آقایان که آمدید اینجا مسائل را آنطور که هست ادراک نکنید و به واتیکان چرا نباید برسانید؟ آیا واتیکان از شما قبول نمی‌کند؟ آیا واتیکان از اشخاصی که طرفدار ابرقدرتها هستند و طرفدار ظالمها هستند قبول می‌کند مسائل را، از مظلومین قبول نمی‌کند؟ آیا مظالم این ابرقدرتهایی که خودشان را به مسیحیت زدند و می‌چسبانند به حضرت مسیح، این مظالمی که اینها کردند، به کجا باید گفت؟ با کی باید در میان گذاشت؟ با شما روحانیین مسیح باید در میان گذاشت؟ با آقای پاپ باید در میان گذاشت؟

[آیا] صدای ما به آقای پاپ می‌رسد؟ می‌گذارند برسد؟ اگر رسید ترتیب اثر به صدای مظلوم می‌دهد ایشان؟ بنای ایشان هست که با مظلومها، با آن اشخاصی که تحت ظلم هستند و برخلاف دستورات حضرت مسیح با آنها عمل می‌شود یک معارضه‌ای بکند؟ ایشان از این مظالمی که الان در دنیا واقع می‌شود و با دست رئیس جمهور امریکا واقع می‌شود و قبلاً شد و به دست رؤسای جمهور واقع شد، ایشان بی‌اطلاع هستند؟ ایشان نمی‌دانند در فلسطین و لبنان و ویتنام و سایر جاها چه می‌گذرد و از کی این مظالم واقع می‌شود؟ به آقای پاپ این مسائل اصلاً نمی‌رسد؟ ایشان در محاصره هست و کسی با او نمی‌تواند صحبت بکند؟ یا می‌دانند، مطلعند، مسائل را می‌دانند و ساکت نشستند؟ ما این سؤال را داریم که چرا سکوت در مقابل ظلم؟

این دستور حضرت مسیح هست؟! چرا واگذار کردند ابرقدرتها را به حال خود تا هر چه جنایت می‌خواهند بکنند و هر چه مظلومان را می‌خواهند از بین ببرند؟

عیسی مسیح که پیامبر صلح هست و می‌خواهد صلح در دنیا باشد و الآن عید صلح هست. شما می‌دانید که در عید صلح در این مواردی که الآن اینها مشغول جنگ هستند چه می‌گذرد؟ شما از امثال این رؤسای جمهور باور می‌کنید که یک وقت می‌آیند و دعا می‌کنند، دعای آنها را باور می‌کنید؟ شما این تبلیغاتی که الآن در امریکا بر ضد ما می‌شود، این روزنامه‌هایی که بر ضد ما تبلیغ می‌کنند، این رادیوها و تلویزیون‌هایی که بر ضد ما تبلیغات می‌کنند، آیا از آنها مطلع هستید؟ آیا از وضع مظلومها مطلعید و می‌دانید که این تبلیغات بر ضد مظلومها و بر وفق مرام ظالمهاست؟ شماها وظیفه ندارید که از این تبلیغات جلوگیری کنید؟ آقای پاپ وظیفه ندارند که هدایت کنند اینهایی که بر ضد مظلومین قیام کردند؟ با قلم خودشان، با قدم خودشان، با همه وسائل تبلیغاتی بر ضد مظلومین قیام کردند، آقای پاپ وظیفه ندارند از اینها جلوگیری کنند؟ پس کی وظیفه دارد؟ مذهب مسیح را کی باید ترویج کند؟ کی باید تعلیمات مسیح را به مردم بگوید؟ فقط تعلیمات مال آن قشر پایین است؟ تعلیمات مال این زاغه‌نشینان است؟ تعلیمات مال کشاورزان است؟ یا اولی به تعلیمات آن طبقه بالا هستند؟ آیا نباید آنها را به تعلیمات مسیح آشنا کرد؟

دردها زیاد است و نه وقت شما و نه وقت من مجال این دارد که دردهای یک ملت ضعیف را به شما برسانند. من به شما که روحانین مسیح هستید، به وسیله شما به ملت امریکا، به روحانین امریکا، به روحانیت مسیح در تمام دنیا پیام می‌فرستم که هم مظلومین را دریابید و هم حضرت عیسی را و هم مذهب مسیح را. مذهب مسیح و

حضرت عیسی در معرض اتهام واقع شده است، این مذهب را دریابید. آقای پاپ در معرض اتهام است. مردم حق ندارند بگویند این «چرا» را. حق ندارند که [پرسند] چرا آقای پاپ مظلومین را محکوم می‌کنند برای ارضای ظالمها؟ شماها برسانید این مسائل را به مردم. ملت امریکا را می‌گویند بر ضد ما تجهیز کردند در این عیدی که باید عید صلح باشد. و رئیس جمهور امریکا در همه جا؛ در بین مظلومین جنگ راه انداخته است. مظلومین را دارد می‌کوبد. مع‌ذلک روحانین مسیح ساکت‌اند. چرا باید ساکت باشند؟ چرا باید از حال مظلومین مطلع نباشید؟ چرا اگر از حال مظلومین مطلعید باید با ظالمها مقابله نکنید و لاقلاً هدایت نکنید آنها را؟ هدایت محصور به کلیساست؟ هدایت محصور به یک جمعیت پایین است؟ یا هدایت اول مال بالاهاست؟ انبیا که مبعوث شدند اول با طبقه بالا مقابله کردند. حضرت موسی با فرعون مقابله کرد. طبقه بالا اولی هستند به اینکه مقابله بشوند و هدایت بشوند. شما روحانیون هدایت کنید این طبقه بالا را. هدایت کنید این رؤسای جمهور را. دریابید عیسی مسیح را. دریابید ملت مسیح را. دریابید مسیحیت را. نگذارید مسیحیت در نظر مردم مشوه بشود. نگذارید روحانیت مسیح در نظر مردم یک روحانیتی باشد طرفدار ظالمها. خداوند ان‌شاءالله بشر را از شر این بشرهایی که بر ضد تعلیمات آسمان، بر ضد تعلیمات ملکوت رفتار می‌کنند هدایت کند. و خداوند مظلومان را از چنگ ظالمان نجات دهد. (۲۶۱)

۵۸/۱۰/۴

\* \* \*

در عین حالی که ۱۵ خرداد یک مصیبتی بود برای ملت ما، لکن مبدأ

جنبش بود. از همان وقت و جلوتر از آن وقت روحانیون قیام کردند و به دست روحانیون نهضت شروع شد، از قم شروع شد و ۱۵ خرداد یک انعکاسی بود از همان قیام. روحانیت را گرفتند قریب تمام علمای تهران را گرفتند و حبس کردند، و شاید مدتی هم علمای تهران و عاظمی تهران در حبس بودند و بعد بتدریج رها شدند، و از آنجا شروع شد به نهضت و مخالفت. در عین حالی که ۱۵ خرداد مصیبت برای ما بود لکن این موهبت هم خدای تبارک و تعالی، به ما عطا کرد که مردم بیدار شدند و لبیک گفتند به صدای روحانیون. و در همه جا، در همه مملکت این نهضت شروع کرد و مبدأش از همان ۱۵ خرداد بود. (۲۶۲)

۵۹/۳/۱۴

\* \* \*

امروز که یک تحول بزرگی در ملت ما پیدا شده است، و خدای تبارک و تعالی به این ملت عنایت فرموده است و این تحول را به قدرت خود ایجاد فرموده است، در روحانیین هم این تحول حاصل شده است. الآن در صف مجاهدین جهاد می کنند و کشته می دهند و شهید می دهند، و با سلاح در بین توده های مردم ظاهر می شوند؛ و آن سدّ عدم دخالت روحانی در امور اجتماعی و سیاسی و جنگی شکسته شد. بحمدالله شما آقایان و همه علمای بلاد و همه طلاب و روحانیین بلاد حاضر در صحنه هستند، و همراه با برادران سپاهی خودشان و برادران ارتشی خودشان در جبهه ها می روند و فداکاری می کنند. (۲۶۳)

۵۹/۱۲/۱۴

\* \* \*

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ<sup>۱</sup> و این «رعی» برای شما بیشتر مطرح است؛ برای علما بیشتر مطرح است. همه‌مان مسئولیم. اگر فوج فوج از ما را بکشند، آن بعدیها باید بیایند جایش را بگیرند. اسلام است، اسلام را ما باید همه‌مان فدایش بشویم. پیغمبر هم فدای اسلام شد. سیدالشهدا هم فدای اسلام شد. اسلام بزرگترین چیزی است که ودیعه خداست در بشر. ما باید عزممان را مصمم کنیم که در این راه شهید بشویم و علما بیشتر. (۲۶۴)

۶۰/۴/۱۰

\* \* \*

آیا روحانیون، نویسندگان، گویندگان، روشنفکران، متفکران از هر ملت و مذهب که هستند، در این زمان تکلیفی انسانی، مذهبی، ملی و اخلاقی ندارند و باید نقش تماشاگر را در کشورهای خود ایفا کنند؟ یا آنکه باید این سران و سردمداران با گفتار و نوشتار خود، ملت‌های مظلوم دربند را بسیج کنند تا ستمگران را از صحنه خارج نمایند و حکومت را به دست مستضعفان بسپارند، چونان که در ایران با همت ملت بزرگوار شد. آیا در منطقه قدرتی به پایه قدرت رژیم ظالمانه شاهنشاهی و ستمشاهی بود و ملتی همچون این ملت مظلوم دربند بود؟ و دیدید که با دست خالی و ایثار جان و توان در مدت کوتاهی از بندها رها و ستمگران و دزدان را یا در بند کشیدند و یا بیرون راندند. محرومان و ستمدیدگان تاریخ باید خود برخیزند و انتظار نکشند که ستمکاران آنان را از بند نجات دهند. (۲۶۵)

۶۲/۳/۲۸

\* \* \*

۱. همه شما نگهبان، و همه شما مسئول هستید؛ بحار الانوار؛ ج ۷۵، ص ۳۸.

الآن که ایران به واسطه گرفتاریها به اهل علم احتیاج دارد، اگر چه به طور موقت آقایان باید به خدمتهایشان ادامه دهند، و درست است که تحصیل فقه در اولویت است، اما همه اینها به خاطر حفظ اسلام است. و امروز اگر برای حفظ اسلام احتیاج باشد که آقایان به جبههها بروند و رزمندگان را تشویق بنمایند، باید این کار را انجام دهند. (۲۶۶)  
۶۲/۶/۱۳

\* \* \*

آنها به جان مردم افتاده‌اند و همه چیزشان را دارند می‌برند. و ما هم کنار بنشینیم، تماشا کنیم؛ ما تماشاچی هستیم! ما چه کاری به این کارها داریم! ما می‌رویم نمازمان را می‌خوانیم و روزه مان را می‌گیریم و تمام شد! تکلیف همین است؟! امیرالمؤمنین همین بود؟ سیدالشهدا، اگر این فکر را می‌کرد که نمی‌رفت به کربلا، با یک عدد معدودی. این فکر را نمی‌کرد، این فکر غلط ما در ذهن او نبود. امیرالمؤمنین، اگر بنا بود که خیر، هی مسامحه کند شمشیر نمی‌کشید هفتصد نفر را یکدفعه بکشد، تا آخر آن اشخاصی که قیام کرده بودند به ضدش، تا آخر، ضد اسلام بود دیگر، تا آخرشان را کشت و چند نفر دیگر فرار کردند، بعد هم آمدند آن فساد را کردند، فراریهایشان آن فساد را کردند. (۲۶۷)  
۶۳/۱۱/۱۴

\* \* \*

علما و دانشمندان سراسر جهان بویژه علما و متفکران اسلام بزرگ یکدل و یک جهت در راه نجات بشریت از تحت سلطه ظالمانه این اقلیت حيله‌باز و توطئه‌گر که با دسیسه‌ها و جنجالها سلطه ظالمانه خود را بر جهانیان گسترده‌اند، پیا خیزند و با بیان و قلم و عمل خود

خوف و هراس کاذبی را که بر مظلومان سایه افکنده است بزدایند؛ و این کتابهایی را که اخیراً با دست استعمار که از آستین کثیف این بردگان شیطان منتشر شده و دامن به اختلاف بین طوایف مسلمین می‌زند نابود کند و ریشه‌خلاف که سرچشمه همه گرفتاری مظلومان و مسلمانان است را برکنند؛ و یکدل و یک سو بر این رسانه‌های گروهی که در بیشتر ساعات شب و روز به فتنه‌انگیزی و نفاق افکنی و دروغ‌پردازی و شایعه‌سازی عمر خود را می‌گذرانند پرخاش کنند و بر سرچشمه تروریزم که از کاخ سفید می‌جوشد بشورند. چرا که با ریشه‌یابی معلوم می‌شود اساس آنچه که تفنگداران و سربازان امریکا را در بیروت و دیگر جاها با انفجارهای محیط به هلاکت رسانده و می‌رساند همان کاخهای ستم بویژه کاخ سفید است. (۲۶۸)

۶۳/۱۱/۲۲

\* \* \*

ما اعتقادمان این است که امریکا از اسلام ترسیده است و می‌خواهد اسلام را به هم بزند، تصریح هم می‌کند. ما این کسانی که با دولت اسلامی ایران معارضه می‌کنند، اعتقادمان این است که اینها با اسلام دارند معارضه می‌کنند. ما روی این اعتقاد با اینها تا آخر باید مبارزه کنیم برای اینکه اسلام همچو تکلیفی برای ما معین کرده است. (۲۶۹)

۶۴/۱/۱۵

\* \* \*

آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ‌آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - و ائمه معصومین - علیهم السلام - احکام و مقررات کفر در



ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاستگذاران کرمین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند؟ علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومت‌های جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها را سپر کنند و جلوی تهاجم فرهنگ‌های مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملت‌ها منتهی شده است را بگیرند، و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و به دولت‌ها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرتها که جنگ و مسلمان‌کشی در جهان به راه انداخته‌اند، گوشزد کنند. (۲۷۰)

۶۶/۵/۶

\* \* \*

من مجدداً تأکید می‌کنم که دنیا امروز تشنه حقایق و احکام نورانی اسلام است و حجت الهی بر همه علما و روحانیون تمام گردیده است، چرا که وقتی جوانان کشورهای اسلامی برای دفاع از مقدسات دینی خود تا سرحد شهادت پیش رفته‌اند و برای بیرون کردن متجاوزان، خود را به دریای حوادث و بلا زده‌اند و زندان‌ها و شکنجه‌ها را به جان خریده‌اند و همچون مسلمانان شجاع و مبارز و عزیزان حزب‌الله لبنان و سایر کشورها مقاومت کرده‌اند و به جهاد علیه متجاوزان برخاسته‌اند، چه حجتی بالاتر از این و چه بهانه‌ای برای سکوت و مماشات و در خانه نشستن و تقیه کردن‌های بیمورد مانده است؟

علما و روحانیت متعهد اسلام اگر دیر عمل کنند، کار از کار می‌گذرد. البته ما درد تنهایی بعضی از علما و متعهدینی که در شهرها و کشورهايشان در محاصرهٔ سرنیزه‌ها و فشار تحلیلهای و حکمهای نامشروع علمای سوء و درباری گرفتار آمده‌اند [را] احساس می‌کنیم ولی به همهٔ این عزیزان که در فشار جباران می‌باشند، موعظهٔ خدا را یادآور می‌شویم که **أَنْ تَقُومُوا بِنَهْ مَثْنَى وَفَرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا**؛<sup>۱</sup> برای خدا قیام کنید و از تنهایی و غربت نهراسید. (۲۷۱)

۶۶/۵/۶

\* \* \*

البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینهٔ دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادت‌های خود را نمی‌توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بندگان استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان‌نامهٔ کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم. (۲۷۲)

۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و

۱. اینکه برای خدا قیام کنید، دو نفر دو نفر یا به تنهایی؛ سپس فکر و اندیشه کنید (سبأ/۴۶).

سپر بلای مردم بوده‌اند؛ بر بالای دار رفته‌اند و محرومیتها چشیده‌اند؛ زندانها رفته‌اند و اسارتها و تبعیدها دیده‌اند؛ و بالاتر از همه، آماج طعنها و تهمت‌ها بوده‌اند؛ و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده‌اند؛ و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمند؛ و در هر حادثه غمبار و مصیبت‌آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده‌اند. در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی - علیهم السلام - و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه‌ها گردند. و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت‌پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاریهای بیشتر آماده کنند؛ و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند. (۲۷۳)

۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

خدمت حضرات روحانیون سراسر کشور و مراجع بزرگوار اسلام و مدرسین گرام و طلاب عزیز حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات - دامت برکاتهم

صلوات و سلام خدا و رسول خدا بر ارواح طیبه شهیدان خصوصاً شهدای عزیز حوزه‌ها و روحانیت. درود بر حاملان امانت

وحی و رسالت پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بردوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده‌اند. سلام بر حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیاتشان گوهر شبچراغ ساخته‌اند. افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبکبالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند.

سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود مُنذران صادقی شدند که بند بند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره‌پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقا از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی‌رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم، خود اولین قربانیها را بدهد و مهر ختام دفترش شهادت باشد. آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه‌ها و روحانیت را درک کرده‌اند در خلسه حضورشان آرزویی جز شهادت ندیده‌اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرب جز عطیه شهادت نخواسته‌اند. البته همه مشتاقان و طالبان هم به مراد شهادت نرسیده‌اند. یکی چون من عمری در ظلمات حصارها و حجابها مانده است و در خانه عمل و زندگی جز ورق و کتاب منیت نمی‌یابد و دیگری در اول شب یلدای زندگی سینه سیاه هوسها را دریده است و با سپیده سحر عشق عقد وصال و شهادت بسته است. و حال من غافل که هنوز از گتم عدمها به وجود نیامده‌ام، چگونه از وصف قافله سالاران وجود وصفی کنم؟ من و امثال من از این قافله فقط بانگ

جرسی می‌شنویم، بگذارم و بگذرم. (۲۷۴)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتهای و تلخیهایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارتها و تبعیدها، زندانها و اذیت و آزارها و زخم زبانها، شهدای گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند. شهدای روحانیت منحصر به شهدای مبارزه و جنگ در ایران نیستند، یقیناً رقم شهدای گمنام حوزه‌ها و روحانیت که در مسیر نشر معارف و احکام الهی به دست مزدوران و نامردمان، غریبانه جان باخته‌اند زیاد است.

در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبین شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش‌کسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرشهای حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟ در ۱۵ خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده‌اند؟ خدا را سپاس می‌گزاریم که از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلولهای مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه‌ها و میادین مین، خون پاک

شهدای حوزه و روحانیت افق فقاہت را گلگون کرده است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه‌ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است. بیش از دو هزار و پانصد نفر از طلاب علوم دینی در سراسر ایران در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این رقم نشان می‌دهد که روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران تا چه حد مهیا بوده است. (۲۷۵)

۶۷/۱۲/۳

### حفظ سنگر مساجد، جمعه و جماعات

مسجدها [را] باید محکم آقایان بگیرند، نگهش دارند. دلسرد نشوید از حرفهایی که این عمال خارجی در بین مردم منتشر می‌کنند. باید در عین حالی که حضور دارید در صحنه سیاست، و هر واقعه‌ای که واقع می‌شود شما توجه باید داشته باشید که این واقعه آیا به نفع ملت است یا نه، لکن حوزه‌های فقاہت را به همان قوت خودش حفظ کنید. این فقه است که اسلام را حفظ کرده و تا آخر حفظ می‌کند ان شاء الله. و از این شغلی که دارید و از این راهی که دارید منحرف نشوید، و بروید یک کارهایی که شما نباید بکنید. (۲۷۶)

۵۹/۴/۲۰

\* \* \*

ائمه جمعه و جماعات - ایدهم الله تعالی - در خطبه‌ها و منابر و سایر گویندگان کوشش فرمایند که آرامش در کشور برقرار باشد و از هر سخنی که موجب نگرانی مردم و تفرقه شود خودداری نمایند و مردم را در پشتیبانی از ملت و تمام ارگانهای جمهوری اسلامی و نهادهای

انقلابی و قوای مسلح و مردمی تشویق فرمایند. (۲۷۷)

۵۹/۱۲/۲۵

\* \* \*

ما در سابق، جماعت و جمعه، جماعت داشتیم، جمعه هم کمی داشتیم، بین برادرهای اهل سنت ما رایج تر بود، لکن نه آنها و نه ما نمی توانستیم مسائل روز را در خطبه های جمعه بیان کنیم، مسائل سیاسی را بیان کنیم از باب اینکه اختناق بود. امروز که این اختناق برداشته شده است باید ائمه جماعات و ائمه جمعات همه شان توجه کنند به اینکه تکلیفشان این است که مسائل را به ملت بگویند. توجه بدهند مردم را به مسائل سیاسی، به مسائل اجتماعی، خصوصاً، ائمه جمعه که بحمدالله امروز در سرتاسر کشور جمعه ها بسیار خوب است و مردم هم باید بیشتر باز توجه کنند. مردم خودشان را غنی ندانند راجع به مسائل. این مسائل، مسائلی است که باید بروند و گوش کنند و عمل کنند. (۲۷۸)

۶۰/۹/۱۸

\* \* \*

آن چیزی که بسیار مورد توجه آقایان باید باشد این است که مردم را ارشاد کنید. مردم را اطمینان بدهید که پیروز هستند و خدای تبارک و تعالی وعده اش تخلف ندارد؛ وعده پیروزی داده به کسی که برای خدا قیام می کند و نصرت می کند اسلام و دین خدا را. و جوانها را از اینکه خدای نخواستہ یک وقتی به دام این اراذل بیفتند، باید خیلی تحذیر کنید. اینها در همه جا باز هم دارند [توطئه می کنند]؛ اشخاصی که انحراف می خواهند حاصل کنند. جوانها و بچه ها هم زود انفعال پیدا

می‌کنند از یک صحبتی و نمی‌گذارند آنها هم که مسائل ایران به آنها برسد؛ آنها را نمی‌گذارند گوش کنند به این مسائل. شما در نمازهای جمعه، در جماعات، سایر آقایان در جماعاتشان، در جمع‌اتشان مردم را اطمینان بدهند که پیروزی هست برای شما. مردم هم بحمدالله حاضرند در صحنه و مادامی که اینطور انسجام هست بین مردم و گروه‌های مختلف، بین ارتش و مردم، بین روحانیون و ارتش، تا این محفوظ باشد، ایران محفوظ است، هیچ نمی‌شود که کاریش کرد. و من امیدوارم که آقایان جدیت کنند مردم را دعوت به تقوا، دعوت به آرامش، دعوت به توجه به مسائل [نمایند]. (۲۷۹)

۶۰/۹/۲۱

\* \* \*

آنچه مردم را مجتمع می‌کند همین ائمه جماعت و جمع‌هاست. شما<sup>۱</sup> در کرمان و دیگران در سایر شهرها سعی کنید مسائل خودتان را مطرح کنید و با یکدیگر تفاهم داشته باشید، مردم هم که در صحنه حاضر و ناظرند، دیگر هیچ ترسی نیست. امروز همکاری و همیاری مردم بی سابقه است. (۲۸۰)

۶۱/۳/۴

\* \* \*

سعی کنید مطالعه کنید که در خطبه‌هایتان چه می‌خواهید بگویید. امیدوارم اسلام به دست شما منتشر شود تا مقدمه‌ای شود برای ظهور حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف. (۲۸۱)

۶۱/۳/۴

---

۱. خطاب به روحانیون کرمان.



ائمه جمعه و جماعت و علمای همه بلاد باید این مطلب را به مردم بفهمانند که یک کاری کردیم که زحمت دارد و برای خدا شما کردید و همه تان هم می گویند کاری که برای خدا بشود زحمت دارد. **أَلْجَنَّةُ حُفَّتْ بِالْمَكَّارِهِ**. کسی بخوهد به جنت لقاء الله برسد مکاره را هم باید تحمل کند و دلسرد نشود. (۲۸۲)

۶۱/۳/۱۶

\* \* \*

این مسئله را باید آقایان خطبا و ائمه جماعت و ائمه جمعه درست بیشتر از آن قدری که من می دانم، برای مردم تشریح کنند تا اینکه گمان نکنند که ما یک ملت گریه هستیم. ما یک ملتی هستیم که با همین گریه ها، یک قدرت ۲۵۰۰ ساله را از بین بردیم. (۲۸۳)

۶۱/۳/۳۱

\* \* \*

ائمه جمعه بلاد نصب و عزل نکنند. و کسانی که در بین ارتش یا سایر ارگانها، انجمنهای اسلامی دارند، اینها دخالتهای غیر چیزهایی که بر عهده آنها است نکنند. ارشاد بکنند دولت را، ارشاد بکنند مأمورین دولت را و همه کسانی [را] که در پیش آنها هستند؛ آنها را ارشاد بکنند. و چنانچه کسی هم گوش به ارشاد نداد، به مصادر اموری که مسئولیت دارند مراجعه کنند، حل خواهد شد.

برای حفظ حیثیت اسلام که شماها پاسدار آن هستید و حفظ حیثیت جمهوری اسلامی که شماها نگهبانان آن هستید، از کارهایی که نباید انجام بدهید و از کارهایی که دخالت در امور اجرایی است که با کسی دیگری است که انجام بدهد، مستقیماً عمل نکنید، ارشاد بکنید

همه را. نظر ارشادی داشته باشید. اگر یک مطلب اشتباهی از یک استاندار واقع شد یا از یک فرماندار، در منابع نبرید این را و آبروی او را بریزید. این امری است که خدا راضی نیست. به او بگویید در خلوت و با او تفاهم کنید و از او بخواهید که رویه را تغییر بدهد. اگر نداد، به مصادر امر مراجعه کنید. مستقیماً بخواهید این کار را بکنید، حیثیت جمهوری اسلامی و حیثیت اسلام در دنیا لکه دار می‌شود. و شما حافظ این حیثیت هستید و فریضه است برای همه ما حفظ حیثیت این جمهوری اسلامی. شما می‌بینید که امروز همه قلمها و همه زبانها از ابرقدرتها یا دولتهای مرتبط به آنها، بر ضد این جمهوری اسلامی تجهیز شده‌اند، و همه با یک رویه خاصی عمل دارند می‌کنند؛ ما دیگر بهانه دست آنها ندهیم. (۲۸۴)

۶۱/۳/۳۱

\* \* \*

یک تذکر هم به روحانیون هست، به ائمه جمعه و جماعات و روحانیون دیگری که با مردم سرو کار دارند؛ آنها هم توجه بکنند به اینکه این جمهوری اسلامی ربطش به آنها بیشتر از دیگران است و این جمهوری اسلامی اگر از - خدای نخواست - یک نفر روحانی صدمه ببیند، بیشتر از دیگران مؤاخذه دارد. باید آقایان توجه بکنند، در رفتارشان، در کردارشان، در گفتارشان؛ چیزهایی که مضر به حال جمهوری اسلامی [است] نزنند. مسائلی که با جمهوری اسلامی مخالف است و آنها گمان می‌کنند که نباید هر مسئله‌ای را گفت، نگویند. و باید ما مسائل اسلامی را با طریق اسلام و شکایات را به طریق اسلامی رسیدگی کنیم؛ یعنی، قضات رسیدگی کنند و علمای اعلام هم در همه جا که هستند و خصوصاً ائمه جمعه‌ها که با

گروههای زیادی سروکار دارند، باید توجه بکنند که در گفتارشان، در رفتارشان، همه چیز اسلامی باشد و - خدای نخواستہ - یک مطلبی که - فرض کنید - که یک استاندار را در محل خودش تضعیف می‌کند، یک قوه قضاییه را در محل خودش تضعیف می‌کند، از اینها احتراز کنند که ما الآن محتاج به این هستیم که در کشورمان آرامش باشد. (۲۸۵)  
۶۱/۵/۱۷

\* \* \*

شما آقایان به این نماز جمعه اهمیت دهید. این هم از برکات جمهوری اسلامی است که این سنت سیاسی - الهی ترویج شود، به طوری که تمام خارجیها متوجه آن شده‌اند که امیدوارم ان شاء الله، باقی بماند. (۲۸۶)

۶۱/۵/۲۵

\* \* \*

خطبا تکلیف دارند که با خطبه و با صحبت، مردم را بیدار کنند و حفظ کنند. علما و ائمه جمعه و جماعات با آن سنگرهایی که دارند، مردم را در سنگر حفظ کنند و خود مردم هم بحمدالله، حاضر هستند و ما باید از آنها تشکر کنیم و انصافاً ما رهین منت این توده‌های بزرگواری هستیم که همه چیزشان را می‌دهند و چیزی هم نمی‌خواهند. (۲۸۷)  
۶۱/۷/۲۵

\* \* \*

ائمه جمعه باید توجه داشته باشند که یکی از مؤثرترین قشرهای جامعه به حساب می‌آیند و باید توجه داشته باشند که مردم گوششان

به اینهاست و در اجتماع، سعی می‌کنند ببینند امام جمعه چه می‌گوید. از این رو، باید سعی شود خطبه‌ها پرمحتوا باشد. در خطبه‌ها، هم باید امر به تقوا و اینگونه مسائل رعایت شود و هم مردم را به وحدت و حضور در صحنه دعوت نمایند. (۲۸۸)

۶۱/۹/۳

\* \* \*

یک کلمه به علمای اسلام و خصوصاً علمای ایران و آقایانی که از استان همدان تشریف آورده‌اند و از اصفهان و بالاخره تمام علما و ائمه جمعه و جماعتی که در تمام کشور هستند و یا امام جمعه هستند یا مبلغ هستند و مشغول به خدمت هستند. مردم را دعوت کنید به تقوا. اول واجب است دعوت به تقوا. با همین عنوان، عربی‌اش را بگویید، فارسی‌اش را بگویید و مردم را دعوت کنید که متقی باشند. و در خطبه دوم هم احتیاط لازم است که مردم را دعوت کنند به تقوا. و این دلیل بر این است، که در این خطبه واجب فرموده است که مردم را به تقوا دعوت کنند، دلیل بر این است که عنایت حق تعالی به تقوا در درجه بالای از سایر عنایتهاست. و ما مردم را، شما آقایان علمایی که ائمه جماعت هستید، علمایی که ائمه جمعه هستید، علمایی که مبلغ هستید، در هر جا هستید مردم را به تقوا و به توجه به خدای تبارک و تعالی دعوت کنید که این دعوت به تقوا و دعوت به توجه به خدا - که ان شاء الله، مؤثر خواهد بود در همه نفوس - موجب این بشود که عنایت حق تعالی به ما ادامه پیدا کند و خداوند این نعمت را برای ما حفظ بفرماید. (۲۸۹)

۶۱/۹/۱۱

\* \* \*

اینکه می‌بینید که در نماز جمعه، که بزرگترین اجتماعات است - در اسلام قاعده‌اش بود، باشد - و بحمد الله، امروز در ایران بزرگترین اجتماعات است، در خطبه امر شده است به اینکه دعوت به تقوا بکنید، این برای اهمیتی است که تقوا دارد. دنبال اینکه توحید را تذکر می‌دهید و صلوات و سلام را بر پیغمبر اکرم و اولیایش می‌فرستید و از آنها نام می‌برید، در قبال او، امر به تقوا کنید. و سرسری از امر به تقوا نگذرند ائمه جمعه، این را یکی از مسائل مهم بدانند. ملت اگر متقی شد، می‌تواند که حفظ کند خودش را از همه آفاتی که در دنیا پیش می‌آید. و ائمه جمعه ان شاء الله، بیشتر توجه بکنند که مردم را دعوت کنند به تقوا. باید مردم را آشنا کرد با آن چیزی که انبیا برای آن آمدند. برای مکارم اخلاق همه انبیا آمدند؛ *يُعِثُّ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ*.<sup>۱</sup> برای تقوا و آدم سازی آمدند انبیا، و حالا که این ائمه جمعه شغل انبیا را که نماز جمعه بوده است و نماز بوده است، در سایر جاها این شغل شریف را متکفل شده‌اند، همت کنند به اینکه مردم را آموزش تقوا بدهند، دعوت به تقوا بکنند. ذکر تقوا و تاریخ تقوا گفتن، این در خطبه جمعه کافی نیست، باید دعوت کنند مردم را به تقوا، وادار کنند مردم را به تقوا. اهمیت بدهند به این خاصه الهی که انبیا برای آن آمدند. (۲۹۰)

۶۱/۱۰/۵

\* \* \*

این ائمه جمعه هستند که در بلاد باید این مسائل را به مسلمین بفهمانند و گمان نکنند که اگر اینها در مجمع عمومی مسلمین این مسائل را طرح بکنند حکومتهای آنها دیگر بتواند به آنها آزاری بدهد. امروز اگر ائمه جمعه که از همه بلاد اطراف آمده‌اند وقتی که رفتند در

۱. برانگیخته شدم تا کرامتها و ارزشهای اخلاقی را تکمیل کنم؛ مجمع‌البیان؛ ذیل تفسیر آیه ۴ سوره قلم.

بلاد خودشان در همان جمعه اول گرفتاریهای مسلمین را و اینکه راه گرفتاری چی است، گرفتاری چه بوده است، علل گرفتاری چه بوده و راه حل او چی است و راه نجات چی است به مردم بفهمانند، اگر همه با هم این مسائل را طرح کنند، مطمئن باشید که حکومتها نمی‌توانند شما را آزار بدهند، مسائل ایران را ببرند، مسائل سیاسی ایران را، مسائل اجتماعی ایران را، مسائل اسلامی ایران را ببرند و به همه ملت‌ها عرضه کنند که ایران توانست در مقابل طاغوت، آن هم طاغوتی که از همه این طاغوت‌بچه‌ها بالاتر بود بایستد و او را از کشور خودش بیرون کند، و به جای او اسلام را جانشین کند. همان طوری که ایران با توده‌های ملت توانست این کار را بکند و روحانیون و نویسندگان و گویندگان مبدأ این امر شدند، آقایان هم هر جا بروند همین امر را بگویند؛ مردم را بیدار کنند، مردم را هوشیار کنند، بفهمانند به مردم دردها را و بفهمانند راه درمان را. مجرد اینکه آقایان در یک مجلسی یا در مجالسی بنشینند و پیش خودشان نطق کنند و چیز بنویسند این کافی نیست، خوب است ولی کافی نیست. باید این مسئله در اسلام، در همه ممالک اسلامی پخش بشود؛ مطالب ایران پخش بشود در مقابل همه بلندگوهایی که الآن از اسلام ترسیده‌اند و می‌بینند که ایران می‌خواهد که اسلام را در خود و در سایر بلاد اسلامی عرضه کند و ترویج کند؛ در مقابل همه بوقها که ایران را می‌کوبند و همه گویندگان که ایران را اسلامی نمی‌دانند، و ایران را مملکت اختناق می‌دانند، مملکت آدمکشی می‌دانند، مملکتی می‌دانند که بچه‌ها را می‌کشند و زنهای آبستن را. و این نیست جز اینکه از ایران ترسیده‌اند و می‌خواهند ایران را بکوبند پیش مسلمین. ائمه جمعه‌ها که در همه بلاد هستند و تشریف آورده‌اند اینجا و اوضاع ایران را دیدند، و امید است که به بعضی از بلاد دیگر هم سفر کنند؛ و چنانچه سفر کنند به

خوزستان و آن همه جنایاتی که امریکا در خوزستان کرده است و آن همه جنایاتی که عمال امریکا در بلاد عرب‌نشین ایران کرده است به اسم عجم ببینند آقایان، و ببینند که طرز تفکر آن آخوندهای درباری چیست و طرز تفکر آن سلاطین جور چیست؟ باید عمل کرد، گفتار تنها فایده ندارد، عمل لازم است. مسلمین باید در میدان بیایند، در صحنه بیایند، علمای اسلام باید در صحنه بیایند؛ همان طوری که علمای کشور ما آمدند و نتیجه گرفتند باید مسلمین را آنها در صحنه بیاورند، باید با تبلیغات، مسلمین را در صحنه نبرد بیاورند که دست عمال دولتهای بزرگ را کوتاه کنند یا آنها را خاضع کنند در مقابل اسلام. (۲۹۱)  
۶۱/۱۰/۱۲

\* \* \*

ائمه جمعه کوشش کنند مردم را به تقوا دعوت کنند، مردم را متقی کنند، مردم را از دنیا و از آمال دنیایی پرهیز بدهند. و اگر این معنا را موفق بشوند، موفق می‌شوند که برخلاف آنهایی که بر مصالح اسلام سلطه دارند تجهیز خواهند شد. (۲۹۲)

۶۱/۱۰/۱۲

\* \* \*

منصب امامت جمعه، یعنی منصب تماس روحانیت با ملت، و روحانیت با مجلس و دولت، و این از اموری است که با دست توانای ائمه جمعه انجام می‌گیرد، که امید است هر روز بیشتر و بهتر انجام شود، و جمعیت‌ها بیشتر بیایند، و این سنت حسنه‌ای باشد که برای مردم و آیندگان محفوظ بماند. (۲۹۳)

۶۲/۸/۴

آقایان ائمهٔ جمعه علاوه بر اینکه با هم سمینار دارند، با سایر علمای بلاد تهران و قم در ارتباط باشند که انتخابات خوب باشد. و این مسئله، مسئله شخصی نیست، بلکه برای اسلام و از امور مهمه است. و امروز عمدهٔ مسئولیت‌ها به عهدهٔ شماست، و کسی نباید کنار برود و شانه خالی کند. با دولت همکاری و همراهی کنید، و استاندارها را تقویت نمایید، منافقین هر چه می‌خواهند بگویند. امیدوارم موفق و مؤید باشید و همهٔ امور به طور شایسته درست بشود. (۲۹۴)

۶۲/۸/۴

\* \* \*

شما آقایانی که از اطراف آمده‌اید، از اطراف دنیا آمده‌اید، علما هستید، باید متشبث به آن سیره‌ای بشوید که پیغمبر اکرم و ائمهٔ اسلام بین ما گذاشته است، که حتی آن روزی که دستهایشان بسته بود و نمی‌توانستند یک کلمه برخلاف سیاست دولت وقت بگویند، با ادعیه‌شان مردم را دعوت می‌کردند؛ دعا می‌کردند، با دعا مردم را دعوت می‌کردند و هر روزی که فرصت می‌کردند، در هر فرصتی دعوت را تصریحاً می‌کردند. ما باید به آنها تشبث پیدا بکنیم، به قرآن کریم تشبث پیدا بکنیم. قرآن کریم دعوت به وحدت می‌کند، دعوت به این می‌کند که مخالف با هم نباشید که فشل<sup>۱</sup> بشوید. و مع‌الأسف بعض از روحانیون وابسته به دولتهای اسلامی دعوت به فشل می‌کنند؛ می‌خواهند فشل ایجاد کنند. در یک مرکز اسلامی به اسلام نمی‌توانند حمله کنند، به ایران که می‌خواهد اسلام را پیاده کند حمله می‌کنند. آن قاضی‌ای که در حجاز یا در مصر یا در سایر جاها برخلاف قرآن کریم دعوت می‌کند. لکن نه به طوری که صریح باشد،



ضمناً برخلاف قرآن کریم دارد دعوت می‌کند و مسلمین را از هم جدا می‌کند، آن قاضی، قاضی جور است و شما باید آنها را سرجای خودشان بنشانید. شما که بر می‌گردید به ممالک خودتان، در خطبه‌های نماز جمعه، در ادعیه‌ای که می‌خوانید، خطبه‌های شما همان طور که در صدر اسلام، خطبه‌ها یک جنبه سیاسی داشته است، نماز جمعه یک اجتماع سیاسی است. نماز جمعه یک عبادت سر تا پا سیاسی است، و مع‌الأسف در جاهایی انسان می‌بیند که در نماز جمعه ابداً مربوط به چیزهایی که ملت‌ها به آن احتیاج دارند، چیزهایی که مسلمین، اجتماع مسلمین بر آن احتیاج دارند، خبری نیست. نماز جمعه‌ها را همان طوری که در صدر اسلام، مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسی داشته است، از مسجد راه می‌انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آنجایی که باید بفرستند. از مسجد مسائل سیاسی طرح ریزی می‌شد. از مسجد - مسجد محل این بود که مسائل سیاسی در آن طرح بشود. مع‌الأسف مساجد را ما کاری کردیم که بکلی از مصالح مسلمین دور باشد، و با دست ما آن طرحهایی که برای ما ریخته بودند با دست خود ما پیاده شد، و ما دیدیم - آنچه که - مسلمین دیدند آنچه که باید ببینند. و امروز باید بیدار بشوند مسلمین. می‌توانند، بصراحت - وقتی که می‌بینند حکومتشان بر خلاف اسلام عمل می‌کند - بگویند، [و اگر] نمی‌توانند، با دعا، با خطبه؛ و به طور کلی با ظالمین، به طور کلی با متجاوزین، با مخالفین اسلام معارضه کنند. خطبه‌ها را نگذارند یک چند تا دعا باشد و یک چند تا ذکر باشد و این چیزها، همان طوری که تا حالا بوده است، خطبه‌ها را محتوایش را قوی کنید.

شما قوی هستید، مردم همراه شما هستند، مردم همراه حکومتهای جور نیستند، مردم همراه با علما هستند. شما قوی

هستید. شما هر کدام در محل خودتان همان قدرتی دارید که روحانیان ایران در اینجا دارند. آنها عمل کردند در مقابل یک قدرتی که در منطقه نظیر نداشت، در مقابل یک قدرتی که هیچ یک از قدرتهای منطقه شبیه به او نبودند. همین مردم کوچک و بازار ما و همین کشاورزان و کارگران ما به واسطه تعلیمات اسلامی که علمای اسلام به آنها داده بودند و دادند بیدار شدند، و هجمه کردند بر یک همچو قدرتی و او را شکستند و او را بیرون کردند. شما هم می‌توانید. ننشینید که برای شما حکومت‌هایتان کار کنند، آنها برای خودشان کار می‌کنند. شما اسلام را باید تقویت بکنید. شما باید در کشورهای خودتان، در خطبه‌های نماز جمعه خودتان، که برای همین مقصد نماز جمعه پیا شده است، در ادعیه خودتان، در زیارات خودتان، در هر چه رفت و آمد دارید مصالح اسلامی را طرح بکنید، مصالح اجتماعی مردم را طرح بکنید. مسائل خصوصی نگوید، مسائل اجتماعی را بگوید. بگذارید اگر شما این را گفتید نمازتان را تعطیل کنند، مردم عکس العمل نشان می‌دهند. اگر دولتی به واسطه خطبه‌های نماز جمعه، نماز جمعه شما را تعطیل کند، با عکس العمل مردم مواجه می‌شود و همانی است که ما می‌خواهیم. منتظر نشوید که یک لشکری پیدا بکنید - نمی‌دانم - یک اسلحه‌ای پیدا بکنید، جنگ نمی‌خواهید بکنید، شما مصالح مسلمین را می‌خواهید بگوید. شما انتظار نکشید که اول قدرت پیدا بکنید بعد بگوید، شما بگوید تا قدرت پیدا بکنید. ایران همین کار را کرد، ایران گفت تا قدرت پیدا کرد، نه اینکه نشست تا قدرت پیدا بکند، اگر نشسته بود تا ابد هم نمی‌شد. در مقابل آن قدرتی که محمدرضا داشت و آن پشتیبانی‌ای که همه از او می‌کردند علمای ایران نشستند تا اینکه اول اجتماع پیدا کنند، بعد قیام کنند. علمای اسلام اول دعوت کردند مردم را و در هر

فرصتی نترسیدند و در منبر و پایین و مسجد مردم را دعوت کردند تا قدرت پیدا کردند، شما هم همین کار را بکنید. می‌توانید. اگر خیال کنید نمی‌توانید، بدانید که نخواهید توانست. به خودتان تزریق کنید که می‌توانید، و بدانید که خواهید توانست. هر عملی اولش فکر است. هر کاری اولش تفکر و تأمل در اطراف کار است. اگر مادر روحمان ضعف باشد نمی‌توانیم کاری بکنیم، روح را قوی کنید، قلب خودتان را قوی کنید، به خدا منقطع بشوید. این همه ادعیه‌ای که وارد شده است و همه را دعوت کرده است به اینکه اتکال به خدا بکنید، برای اینکه او مرکز قدرت است. این همه دعوت شده است که به کس دیگری غیر خدا متشبث نشوید، برای اینکه به شما تزریق کنند قوت را، که شما یک پشتوانه عظیم دارید و او خداست. کسی که خدا را دارد، از چه باید بترسد؟ شمایی که برای خدا بخواهید کار بکنید از چه قدرتی می‌ترسید؟ می‌ترسید که شهید بشوید؟ شهادت ترس دارد؟ می‌ترسید حبس بشوید؟ حبس در راه خدا ترس دارد؟ می‌ترسید شکنجه بشوید؟ شکنجه در راه خدا اشکال دارد؟ ایران در راه خدا همه چیز دید، مع ذلک دست برنداشت. و این روحانیون بودند که مردم را بسیج کردند و مردم متحول شدند، و امروز از آن بچه کوچولویی که تازه زبان باز کرده است تا آن پیرمردی که چند جوان از دستش رفته، یکصدا بر ضد قدرتهای بزرگ صحبت می‌کنند و قیام کردند. نتوانید، نگویند. هیچ وقت فکر نکنید که نمی‌توانید؛ همیشه فکر کنید که می‌توانید، همیشه فکر کنید که خدا با شماست، همیشه فکر کنید که اسلام شرف شماست و این اسلام باید به دست شما تقویت بشود. (۲۹۵)

در بین روحانیون، ائمه جمعه بیشتر از دیگران مسئولند. سروکارشان الآن ائمه جمعه با مردم بیشتر است تا سروکار سایر روحانیون. ائمه جمعه باید خیلی مواظب باشند که خدای نخواستہ اگر در یک جایی یک چیزی اتفاق افتاد و چه شد، با جهت روحانی، جهت پدری حل کنند. اگر خدای نخواستہ، یک وقت بنا باشد که یک اعمال قدرت بخواهد بکند، برای اینکه امام جمعه است، این پای خودش حساب نمی‌شود، پای روحانیت حساب می‌شود، پای اسلام حساب می‌شود. از این جهت، آنها وظیفه شان خیلی خطیر است و باید خیلی ملاحظه بکنند. (۲۹۶)

۶۴/۲/۱۶

\* \* \*

ائمه جمعه، ائمه جماعت، روحانیون محترم، اینها باید توجه به این معنا داشته باشند که اینها پدر هستند از برای ملت. اینها با مردم باید سمت پدری داشته باشند، اینها با مردم باید رفتارشان رفتار پدرانه باشد. (۲۹۷)

۶۴/۲/۱۶

\* \* \*

مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسبترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند. امروز دولتها و سرسپردگان ابرقدرتها اگر چه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند و همچون دولت هند مسلمانان بیگناه و بی‌پناه و آزاده را قتل عام می‌کنند ولی هرگز جرأت و قدرت تعطیل مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند و نور عشق و معرفت میلیونها مسلمان را نمی‌توانند خاموش

کنند. در عین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی و سیاسی علمای اسلام را به تعطیلی بکشانند و حتی علمای اسلام را در ملاء عام به دار کشند، خود دلیل مظلومیت اسلام و موجب توجه بیشتر مسلمانان به روحانیت و پیروی از آنان می شود. مگر نه این است که خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر ستم ستمکاران و ظلم جنایت پیشگان ساکت و آرام نمانند؟ مگر نه این است که علما حجت پیامبران و معصومین بر زمین هستند؟ پس باید علما و روشنفکران و محققان به داد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامنگیرش شده است نجات دهند و بیش از این ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهانخواران را بشکنند و با بصیرت و سیاست چهره منور و پراقتدار خود را آشکار سازند. (۲۹۸)

۶۶/۵/۶

\* \* \*

## پیوند با سیاست و جامعه

### دخالت در سیاست و حضور در صحنه

ما باید در اصلاح فکری و اخلاقی افراد حوزه کوشش کنیم. آثار فکری و روحی را که ناشی از تبلیغات و تلقینات بیگانگان و سیاست دولتهای خائن و فاسد است از بین ببریم و با آن مبارزه کنیم. این آثار، کاملاً مشهود است. مثلاً بعضی را می بینیم که در حوزه‌ها نشسته و به گوش یکدیگر می خوانند که اینکارها از ما ساخته نیست. چکار داریم به اینکارها؟ ما فقط باید دعا کنیم و مسأله بگوییم! این افکار، آثار تلقینات بیگانگان است. نتیجه تبلیغات سوء چند صد ساله استعمارگران است که در اعماق قلوب حوزه نجف و قم و مشهد و

دیگر حوزه‌ها وارد شده، و باعث افسردگی و سستی و تبلی گردیده و نمی‌گذارد رشدی داشته باشند.

مرتباً عذرخواهی می‌کنند که این کارها از ما ساخته نیست. (۲۹۹)

\* \* \*

این را که دیانت باید از سیاست جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند، استعمارگران گفته و شایع کرده‌اند. این را بی‌دینها می‌گویند. مگر زمان پیغمبر اکرم (ص) سیاست از دیانت جدا بود؟ مگر در آن دوره عده‌ای روحانی بودند، و عده دیگر سیاستمدار و زمامدار؟ مگر زمان خلفای حق یا ناحق، زمان خلافت حضرت امیر (ع) سیاست از دیانت جدا بود؟ دو دستگاه بود؟ این حرفها را استعمارگران و عمال سیاسی آنها درست کرده‌اند تا دین را از تصرف امور دنیا و از تنظیم جامعه مسلمانان برکنار سازند، و ضمناً علمای اسلام را از مردم و مبارزان راه آزادی و استقلال جدا کنند. در این صورت می‌توانند بر مردم مسلط شده و ثروتهای ما را غارت کنند. منظور آنها همین است. (۳۰۰)

\* \* \*

شما نسل جوان حوزه‌های روحانیت باید زنده باشید و امر خدا را زنده نگهدارید. شما نسل جوانید؛ فکرتان را رشد و تکامل دهید. افکاری را که همه در اطراف حقایق و دقایق علوم دور می‌زند کنار بگذارید؛ چون این ریزبینها بسیاری از ما را از انجام مسئولیتهای خطیرمان دور نگهداشته است. به داد اسلام برسید و مسلمانان را از

خطر نجات دهید. اسلام را دارند از بین می‌برند، به اسم احکام اسلام به اسم رسول اکرم (ص) اسلام را نابود می‌کنند. (۳۰۱)

\* \* \*

امروز جامعهٔ مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند، و به اسم اسلام به اسلام صدمه می‌زنند. ریشهٔ این جماعت، که در جامعه وجود دارد، در حوزه‌های روحانیت است. در حوزه‌های نجف و قم و مشهد و دیگر حوزه‌ها افرادی هستند که روحیهٔ مقدس‌نمایی دارند؛ و از اینجا روحیه و افکار سوء خود را به نام اسلام در جامعه سرایت می‌دهند. اینها هستند که اگر یک نفر پیدا شود بگوید بیایید زنده باشید، بیایید نگذارید ما زیر پرچم دیگران زندگی کنیم، نگذارید انگلیس و امریکا اینقدر به ما تحمیل کنند، نگذارید اسرائیل اینطور مسلمانان را فلج کند، با او مخالفت می‌کنند. (۳۰۲)

\* \* \*

به هوش بیایید؛ نجف را بیدار کنید. اعتراض کنید. اگر صدتا تلگراف از نجف برود که با کمال ادب، آقای کذا و کذا - «اعلیٰ کذا» - با کمال ادب برود که آقا این گرسنه‌ها را سیر کنید؛ این مقدار خرجی که برای این امور می‌خواهی بکنی خرج این ملت بیچارهٔ گرسنه بکن؛ خرج این ورشکسته‌های بیچاره بکن که بعضی‌شان فرار کردند از ایران؛ در همین جا هستند، در نمی‌دانم جاهای دیگر هم بعضی. اگر یکصدتا تلگراف از اینجا، از علمای اینجا، از فضایی اینجا، از طلاب اینجا

برود، احتمال تأثیر دارد لکن کو که یک همچو چیزی بشود؟ اگر اعتراض نکنند که چرا اعتراض می‌کنید خیلی ما متشکر هستیم! ما تکلیف نداریم واقعاً؟! ما باید به حال این ملت بنشینیم نگاه کنیم هر چه سر ملت می‌آید؟! همان برویم حرم حضرت امیر و یک دعایی بکنیم؛ همین مقدار کافی است برای ما؟! یا مایی که داریم در پناه اسلام و با بودجهٔ اسلام، این بودجه‌ای که یک جزئی جزئی‌اش را به ما می‌دهند مع‌ذلک با بودجهٔ اسلام داریم زندگی می‌کنیم، برای اسلام یک قدم نباید برداریم؟ «تَرْتُّبٌ»<sup>۱</sup> اسلام است؟ خوب آن هم بسیار خوب، سر جای خودش اما کافی است همین؟ کفایت می‌کند که ما جمع بشویم در مسجد کذا و کذا و فقه بخوانیم و اصول بخوانیم لکن غافل باشیم از همهٔ جهات مسلمین؟ غافل باشیم از اینکه این یهود می‌خواهد ممالک اسلامی را قبضه کند، تا اینجا برسد، تا همه جا برسد، این قبور را می‌خواهد خراب کند؛ ما باید غافل باشیم از این؟ آن وقت آن کسی که نفت به این آدم می‌دهد مُسْلِم است؟ این اعتراض ندارد که آقا نفت، نفت مسلمین را چرا به کفار می‌دهی؟ نفت مسلمین را چرا به کسی که در حال جنگ با مسلمین است می‌دهی؟ (۳۰۳)

۵۰/۴/۱

\* \* \*

حضرت امیر ملاً نبود [که] خطبه‌های به آن طولانی داشت؟ حضرت رسول [که] خودشان خطبه‌های به آن طولانی دارند، ایشان ملاً نبودند؟ وقتی نوبت به ماها می‌رسد عذرهای درست می‌کنیم برای اینکه ما می‌خواهیم از زیر بار در برویم. شما این جور تربیت نشوید

۱. «تَرْتُّبٌ» یکی از مباحث اصول فقه است که اصولیین در مبحث اوامر (نهی از ضد و تزاحم امرین) بدان پرداخته‌اند.

← آخوند خراسانی؛ کفایة‌الاصول.



آقا. شما موظفید برای اینکه به اسلام خدمت بکنید. موظفید. خدمت همین نیست که درس بخوانید؛ این هم یک شعبه است. موظفید که گرفتاریهایی را که برای مسلمین پیش می‌آید شما دخالت در آن بکنید. موظفید دخالت بکنید. هی به گوش ما خواندند که آقا شما چه کار دارید با کار دولت؟! دولت است، نمی‌دانم چه است! هی به گوش ما این را خواندند، ما هم باورمان آمد که نباید دخالت در کار دولت بکنیم، نباید معارضه بکنیم.

از اول تاریخ بشر تا حالا، دولتهای جائر را مقابلشان انبیا ایستاده بودند و علما ایستاده بودند. آنها عقلشان نمی‌رسید؟! خدای تبارک و تعالی که موسی را می‌فرستد که این شاهنشاه را از بین ببر، خدای تبارک و تعالی مثل من و شما نمی‌دانست قضیه را که نباید با شاه مخالفت کرد؟! در روایت است، [از] «طبری» نقل می‌کنند یا از «ابن اثیر» روایت است که «مَلِكُ الْمُلُوكِ» پیغمبر فرموده است که منفورترین کلمات است پیش من<sup>۱</sup>؛ یعنی شاهنشاه. این جزو کلمات منفور است که به کسی از بشر نسبت داده بشود. این مال خداست. از اولی که بساط انبیا بوده است تا زمان رسول اکرم، تا بعدها زمان ائمه - علیهم السلام - مرتب مقابله کردند. تو حبس هم [که] بودند مقابله کردند. موسی بن جعفر تو حبس هم مقابله می‌کرد. حضرت ابی‌عبدالله با آن تقیة کذایی و کذایی، آن «روایت مقبوله» را می‌فرماید و مقابله می‌کند با آنها. مقابله می‌کند با کلام، با تبلیغ؛ تبلیغ بر ضدشان می‌کند، مردم را سوق می‌دهد به خلاف آنها. معاویه یک سلطان بود در آنوقت؛ حضرت امام حسن بر خلافتش قیام کرد در صورتی که آن وقت همه هم با آن مردک بیعت کرده بودند و سلطانش حساب می‌کردند. حضرت امام حسن قیام کرد تا آن وقتی که می‌توانست.

وقتی که یک دسته علاف نگذاشتند که کار را انجام بدهد، با آن شرایط صلح کرد که مفتضح کرد معاویه را. آنقدری که حضرت امام حسن معاویه را مفتضح کرد به همان قدر بود که سیدالشهداء یزید را مفتضح کرد. مقابله همیشه بوده است. بعدها هم علمای بزرگ همیشه، همیشه علمای بزرگ مخالفت می‌کردند؛ با قدرتها همیشه علمای بزرگ مخالفت می‌کردند برای اینکه می‌دیدند که این مخالفین، این قلدرها، بودجه مملکت را خرج عیاشیهای فرنگشان و کذا می‌کنند؛ قرض می‌کنند به عهده این ملت و می‌روند به عیاشی. چند کرور قرض کرد آن شخص و [به اروپا] رفت دو مرتبه، سه مرتبه. مگر تمام می‌شود شهوات انسان. علما [که] با آنها مخالفت می‌کردند آن وقت هم قدرت داشتند.

ملت یک ملت زنده‌ای بود که همراهی می‌کرد با اینها؛ کار از پیششان می‌رفت. ما هم اگر زنده باشیم کار از پیشمان می‌رود؛ اشتباه نکنید. منتها ما هر کداممان یک حکمی داریم. اگر صد میلیون آدم صد میلیون رأی داشته باشد، این نمی‌تواند کار بکند - *يُدَّ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ*<sup>۱</sup> اجتماع می‌خواهد؛ متفرقه‌ها کار ازشان نمی‌آید. اگر امروز علمای ایران، قم، مشهد، تبریز، اصفهان، سایر ارجاء مملکت، اگر چنانچه اعتراض کنند به این مطلب و به این کثافتکاریهایی که اینها دارند می‌کنند، این جنایتکاریهایی که اینها دارند می‌کنند، این عیاشیهایی که اینها می‌خواهند راه بیندازند و مملکت را به باد فنا بدهند، ملت را به باد فنا بدهند برای شهوات نفسانی خودشان، اگر اینها اعتراض بکنند، اعتراض دسته‌جمعی بکنند، شک نکنید که تأثیر می‌کند اما وقتی بنا شد که یکی برای یک جهتی، یکی برای یک جهتی، یکی تکلیف شرعی [را] اینطور می‌داند، آن یکی تکلیف شرعی‌اش را آنطور

۱. دست خدا، همراه جماعت است؛ ترمذی؛ صحیح؛ ج ۹، ص ۱۰.

می‌داند، این مصیبت [است]. اینها مصیبت اسلام [است]. اسلام داشتن یک همچو معممینی برایش مصیبت است. مثل من معمم مصیبت است برای اسلام. من این را برای شما می‌گویم که آتیه شما تاریکتر است خدای نخواستہ از حالا.

شما یک قدری به فکر باشید، یک قدر توجه داشته باشید. هی ننشینید تکلیف شرعی برای خودتان درست کنید: کار تنبلها! تکلیف شرعی ام این نیست؛ تکلیف شرعی آنی است که پیغمبر... شما قوه‌تان بیشتر از قوای سیدالشهداء است. قوایی نداشت در مقابل آن قوه [ولی] باشد قیام کرد، مخالفت کرد، چه کرد، تا کشته شد. آن هم می‌توانست اگر تنبل بود - نعوذبالله؛ می‌توانست بگوید که تکلیف شرعی من نیست. از خدا می‌خواستند آنها که سیدالشهداء ساکت باشد و آنها به خرسواری خودشان سوار باشند. از قیام او می‌ترسند. او «مُسلم» را فرستاده که مردم را دعوت کند به بیعت تا حکومت اسلامی تشکیل بدهد؛ این حکومت فاسد را از بین ببرد. اگر او هم سر جای خودش می‌نشست و در مدینه وقتی که مردک می‌آمد می‌گفت که بیعت کن، می‌گفت بسیار خوب سلمه‌الله تعالی! نعوذبالله اگر یک همچو چیزی می‌گفت، از خدا می‌خواستند؛ خیلی هم احترامش می‌کردند، دستش را هم می‌بوسیدند، روی سرشان هم می‌گذاشتند؛ پسر پیغمبر بود. شما هم اگر احترامتان کنند، مثل احترام به امامزاده مرده! به امامزاده مرده خیلی احترام می‌کنند: می‌آیند در مقابل امامزاده یا امام - علیه‌السلام - می‌ایستند و خیلی هم احترام می‌کنند اما یک امامزاده زنده‌ای اگر یک کلمه‌ای بگوید، اگر خود حضرت امیر - خدا می‌داند که - اگر حضرت امیر در مقابل این حرفها بود همان بساطی را که سر دیگران می‌آوردند سر او هم می‌آوردند. خدا می‌داند اینطور است. برای اینکه شهوت است: **يَا كُلُّونَ كَمَا تَأْكُلُ الْاَنْعَامُ**. حیوان نمی‌داند

که خوراکی [که] دارد از کنجاست، چه جور است، چه وضعی دارد. تمام دنیا کشته بشوند این علفش سر جای خودش باشد. بسیار خوب، همه عالم هم کشته بشوند بشوند. اینها حیوانند: **يَا كُلُّونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ**<sup>۱</sup>. بشارت باد برایشان که نار جای آنهاست. عار دارند! دنیا عار از اینها دارد، مسلمین عار دارند از این شاهنشاهها. (۳۰۴)

۵۰/۴/۱

\* \* \*

در اذهان بسیاری - بلکه اکثری، بیشتری از مردم، بیشتری از اهل علم، بیشتری از مقدسین - این است که اسلام به سیاست چه کار دارد؛ اسلام و سیاست اصلاً جداست از هم. همین که حکومتها میل دارند، همین که از اول القا کرده‌اند این اجانب در اذهان ما و حکومتها در اذهان ما که اسلام به سیاست... آخوند چه کار دارد به سیاست. فلان آخوند را وقتی عیبش را می‌گیرند می‌گویند: آخوند سیاسی است! اسلام را می‌گویند از سیاست کنار است؛ دین علی حده است، سیاست علی حده. اینها اسلام را نشناخته‌اند. اسلامی که حکومتش تشکیل شد در زمان رسول الله و باقی ماند حکومت - به عدل یا به غیر عدل. زمان حضرت امیر بود، باز حکومت عادلۀ اسلامی بود؛ یک حکومتی بود با سیاست، با همه جهاتی که بود. مگر سیاست چی است؟ روابط مابین حاکم و ملت، روابط مابین حاکم با سایر حکومتها - عرض می‌کنم که - جلوگیری از مفاسدی که هست، همه اینها سیاستی است که هست. احکام سیاسی اسلام بیشتر از احکام عبادت است. کتابهایی که اسلام در سیاست دارد بیشتر از کتابهایی است که در عبادت دارد. این غلط را در ذهن ما جاگیر کردند. حتی حالا باورشان آمده است آقایان به اینکه

اسلام با سیاست جداست. این یک احکام عبادی است که بین خودش است و خدا. شما بروید توی مسجدها و هر چه می خواهید دعا کنید، هر چه می خواهید قرآن بخوانید، حکومتها هم به شما کار ندارند. اما این اسلام نیست. اسلام در مقابل ظلمه ایستاده است؛ حکم به قتال داده، حکم به کشتن داده است. در مقابل کفار و در مقابل متجاسرین و کسانی که [طاغی] هستند احکام دارد. این همه احکام در اسلام نسبت به اینها هست، این همه احکام - حکم به قتال، حکم به جهاد، حکم به اینها هست؛ اسلام از سیاست دور است؟! اسلام فقط تو مسجد رفتن و قرآن خواندن و نماز خواندن است؟! این نیست؛ این احکام را دارد و باید این احکام هم اجرا بشود. (۳۰۵)

۵۶/۷/۶

\* \* \*

راجع به اسلام شروع کردند تبلیغات کردن به اینکه اسلام یک مکتبی است می گوید: ملایم! کم کم لابد پیش می آیند؛ یک مکتبی است که مربوط به دعا و ذکر، و یک روابطی مابین مردم و مابین خالق، و سیاست را کاری به آن ندارد. اسلام به حکومت کار ندارد، به سیاست کار ندارد. این را آنقدر تبلیغات روی آن کردند که در جامعه خود روحانیت هم به خورد آنها هم دادند، که بسیاری از آنها هم همین اعتقاد را پیدا کردند که روحانی به سیاست چه کار دارد، به حکومت چه کار، به نظام حکومت چه کار دارد. روحانی مسجد برود و نماز بخواند و عرض می کنم که از این صنف کارها: درس بگوید و مباحثه بکند و این آداب شرعی را به مردم نشان بدهد.

آنها دیدند که نماز روحانیون و نماز اسلام هیچ به آنها ضرر ندارد؛ هر چه می خواهند نماز بخوانند. آنها به نفت کار نداشته باشند، نماز

بخوانند تا هرچه می‌خواهند خسته بشوند. درس هرچه دلشان می‌خواهد بگویند؛ مباحثه هم هرچه می‌خواهند بکنند؛ کار نداشته باشند به اینکه سیاست استعماری در اینجا نباید اجرا بشود، هر کاری می‌خواهند بکنند. اینقدر خوانند به مردم و تبلیغات کردند که مردم همه تقریباً، به این معنی عادت کردند - که حالا هم باز این صحبت هست - که دخالت در سیاست در شأن روحانیت نیست؛ شأن روحانیت نیست که برود و ببیند که کیفیت حکومت چیست، و چه می‌کنند این ظلمه با مردم. شأن روحانیت همانهاست که توی مدارس باشند و نماز جماعتی هم بخوانند اول ظهر و اول مغرب! مردم هم همین مقدار به روحانیت بیشتر نظر نداشته باشند. اسلام را اصلش می‌گفتند کاری ندارد به سیاست. ... سیاست و دیانت از هم جداست. سیاست مال آنها و دیانت مال ما! مراکز قدرت دست آنها که هر کاری می‌خواهند بکنند، و مساجد و پیرمردهای توی مسجد هم مال ما! این تقسیمی است که از اول کردند.

و آنهایی که یک قدری جرأتشان زیاده بوده است، گفتند که: «ارتجاع» است! اصل دین در بین بشر که آمده است، برای این است که مردم را خواب کند؛ ... دین از اول به دست قدرتمندها و سرمایه‌دارها پیدا شده، برای اینکه به واسطه دیانت مردم را آرام کنند و آنها مال مردم را بخورند. کم‌کم این مطلب باور حتی خود مسلمانها، حتی بعضی از روحانیون و معممین هم ... آمده است که نه، این [دین] یک چیزی است که حالا نمی‌شود این را پیاده‌اش کرد. این یک چیزی است که مال هزار و چند صد سال پیش از این بوده است! اینطور معرفی کرده‌اند اسلام را به خود جوامع مسلمین [علیه] آخوندها هم شروع کردند تبلیغات کردن به اینکه اینها یک مردمی هستند که فقط نشسته‌اند آنجا و می‌خواهند بگیرند مال مردم را، و زندگی کنند ....

بنابراین، اسلام را [معرفی کردند] به اینکه اولاً مکتبش بیش از اینکه یک نمازی خوانده بشود و یک روزه‌ای گرفته بشود و اینها، نیست و کاری به زندگی مردم ندارد، کاری به دنیای مردم ندارد؛ و از آن طرف روحانیون را معرفی کردند که قدرتها اینها را روی کار آوردند برای اینکه افیون باشند از برای جامعه. اینها مردم را خواب کنند، سست کنند، که اگر آنها ببرند [اموال مردم] را، اینها نتوانند حرف بزنند؛ یعنی دیگر مردم را نگذارند حرف بزنند. اینها خواب کنند مردم را، و آنها ... اموالشان را ببرند. این را اینقدر تبلیغ کردند و گفتند که حتی بعضی روشنفکرهای ما هم که بی اطلاع از قرآن و سنت بودند، باورشان آمده است؛ و آنها هم دنبال کردند و هم نفس شدند با آنها. (۳۰۶)

۵۷/۷/۲۳

\* \* \*

اکنون در این موقع حساس مسئولیت مراجع عظام و علمای اعلام بلاد - دامت برکاتهم - و خطبای محترم - دامت افاضاتهم - بسیار بزرگ است و در پیشگاه خداوند تعالی همه و همه مسئولیم. سستی و سهل انگاری، کمک به دستگاه ظالم و به هدر دادن خون مظلوم است و موجب انهدام مصالح عالیة اسلام و کشور اسلام است. (۳۰۷)

۵۷/۹/۱۱

\* \* \*

سؤال: [نقش روحانیت و رهبران مذهبی را در دولت آینده چگونه می بینید؟...]

جواب: روحانیون در حکومت آینده نقش ارشاد و هدایت دولت را

دارا خواهند بود. (۳۰۸)

۵۷/۱۰/۱۸

\* \* \*

مسئله جدا بودن دین از سیاست، مسئله‌ای که با کمال تزویر و خدعه طرح کردند، حتی بر ما هم مشتبه کردند! حتی کلمه «آخوند سیاسی» یک کلمه فحش است در محیط ما! فلان آخوند سیاسی است! در صورتی که آقایان خواندند در دعا‌های معتبر *سَاسَةُ الْعِبَادِ* مع ذلک از بس تزریق شده است، از بس اشتباه کاری شده است، ما خودمان هم باورمان آمده است که دین از سیاست جداست. آخوند در محراب برود، و شاه هم مشغول دزدی‌اش باشد! (۳۰۹)

۵۷/۱۱/۱۴

\* \* \*

فقه و درس و بحث برای حفظ اسلام است. آن روزی که اسلام محتاج به این است که فقها هم در میدان بروند، باید بروند. آن روزی که اسلام محتاج به این است که حوزه‌ها تعطیل بشود و مشغول به یک کاری بشوند، برای حفظ بیضه اسلام باید درسها تعطیل بشود. و امروز آن روزی است که بسیار حساس است برای اسلام و مسلمین و ملت ما، که شاید حساستر از این موقع نباشد. و آن این است که سرنوشت مملکت اسلام باید تعیین بشود. (۳۱۰)

۵۷/۱۲/۱۵

\* \* \*

---

۱. «ساسة» جمع «سائس» به معنی مرد سیاست و نیز متولی امر است. این تعبیر در زیارت «جامعه کبیره» وارد شده است. من لایحضره الفقیه؛ ج ۲، ص ۳۷۰.



کوشش کنید آقایان در تهذیب نفس، در تحکیم مبادی اسلام، در تحکیم فقه اسلام، در بسط فقه اسلام؛ این فقه غنی. در عالم مثل فقه شما چیزی نیست؛ این فقه غنی را بسطش بدهید. لکن در عین حالی که فقیه هستید جناح سیاست را رها نکنید. تفکر کنید در امور، وارد بشوید در امور، دخالت کنید در امور. «من فقیهم و دیگر کاری ندارم به چیزی»، نمی شود این. شما فقیه هستید ولی باید در امور دخالت کنید، در مقدرات مردم دخالت کنید. شما پاسداران اسلام هستید؛ باید پاسداری کنید. (۳۱۱)

۵۷/۱۲/۱۱

\* \* \*

آقایان علما و روحانیون وظیفه‌شان از همه مردم زیادتر است، سنگین تر است. اینها موظفند از طرف خدای تبارک و تعالی. الآن هم ملت مسلم آنقدری که به حرف این طایفه گوش می دهند به حرف کسان دیگر گوش نمی دهند. بنابراین حاجتی است این از خدای تبارک و تعالی بر ما که شمایی که مردم به شما گوش می دادند و مردم از شما اطاعت می کردند، چرا - مثلاً - قصور در این معنی داشتید؟ چرا کم - مثلاً - چیزی گفتید؟ ان شاء الله نداشته باشند لکن - خدای نخواسته - اگر در بین بعضیها باشد، وظیفه ما بسیار سنگین است. چه از جهت اینکه تهذیب این دانشگاه اسلامی - دانشگاه بزرگ اسلامی - که باید به دست مراجع بزرگ بشود، و چه باب تعلیم و تعلم که باید باز تصفیه بشود و به دست بزرگان ما اداره و تصحیح بشود. (۳۱۲)

۵۷/۱۲/۲۹

\* \* \*

آنکه الآن محل ابتلای همه ما هست این است که یک پیش‌نویسی از قانون اساسی شده است و این پیش‌نویس به معرض افکار عمومی گذاشته شده است. الآن باید همه قشرها و شما روحانیون و همه روحانیون همه بلاد و همه روشنفکران اسلامی و همه متفکرین اسلامی، با دید اسلامی، برای جمهوری اسلامی، این قانون را بررسی کنند و نظر بدهند. این قانونی که پیش‌نویس شده است برای این است که همه نظر بدهند. شما آقایان، شما علمای اعلام، شما متفکرین اسلامی، شما اشخاصی که علاقه به اسلام و علاقه به دیانت مقدسه اسلام دارید و عقیده دارید به اینکه هیچ حکومتی مثل حکومت اسلام نیست و هیچ رژیمی مثل رژیم اسلامی نیست، باید نظر کنید به این قانون. یکی یکی موادش را یک ماه مهلت دارید، یکی یکی موادش را در نظر بگیرید، و هرچه به نظرتان رسید که برای اسلام مفید است و موافق با جمهوری اسلامی است و در این قانون ناقص است، در آن جهت تذکر بدهید و بنویسید و در روزنامه‌هایی که هست منتشر کنید. آقایان ننشینید که دیگران قلمها را بردارند و بررسی از قانون بکنند؛ و به خیال خودشان آنها را ... اصلاح بکنند. این حق، حق شماست. قانون اسلام را اسلام‌شناس باید نظر بدهد. قانون اساسی جمهوری اسلام یعنی قانون اساسی اسلام. حق این مطلب با شماست؛ با علمای اعلام است؛ با مراجع عظام است؛ با همه روشنفکران اسلامی است. ننشینید تا اینکه روشنفکران خارجی، روشنفکرانی که به اسلام عقیده ندارند، اظهار نظر بکنند و این حرفهایی که می‌نویسند بنویسند. شماها قلم را بردارید. در همه مساجد، در همه مدارس، در همه کوجه و بازار، مسائلی را که به نظرتان می‌رسد باید در این قانون اساسی باشد طرح کنید. علما طرح کنند و مردم دنباله ننشینید دیگران برای شما تکلیف معین کنند. خودتان تکلیف را معین کنید. خودتان قانون را

بررسی کنید. خودتان نظر بدهید. خودتان روزنامه‌ها را پر کنید از مقالات خودتان. ننشینید دیگران برای شما مقاله بنویسند و مسائلی طرح بکنند، که یکوقت خدای نخواستہ برخلاف مسائل اسلامی و برخلاف شئون اسلام باشد. همه موظفیم؛ همه باید این کار را انجام بدهیم و نظر بدهیم؛ و همه حق نظر داریم؛ و شما علمای اعلام بیشتر حق نظر دارید. آنهایی که اسلام را می‌شناسند، آنهایی که علاقه به اسلام دارند، آنها بیشتر باید در این امر جدیت کنند و پیشقدم باشند. ... ما می‌خواهیم قانون اساسی جمهوری اسلامی را بررسی کنیم. و این لازم است که اشخاصی که انتخاب می‌کنند، مردم انتخاب می‌کنند، آقایان روحانین پیشنهاد می‌کنند، مراجع پیشنهاد می‌کنند، اشخاصی را پیشنهاد کنند، مردمی را پیشنهاد کنند، که اینها علاقه‌مند به اسلام باشند؛ اینها بدانند اسلام یعنی چه. ... در این زمان هم که بناست این قانون اساسی بررسی بشود و دست‌ظالم کوتاه شده است و مطلب به دست خود شما افتاده است، ملت علما را تعیین کنند. اختیار هست؛ الزامی نیست؛ لکن پیشنهاد است. علمایی که اطلاع دارند از قانون اسلام، اطلاع دارند از مسائل روز، آنها را تعیین کنند. و علما هم ابا نکنند از رفتن در مجلس. برای اینکه مجلس مجلسی است که سرنوشت اسلام در آن تعیین می‌شود. وقتی سرنوشت اسلام در یک مجلسی باید تعیین بشود، حق علما است که بروند و این سرنوشت را به دست مبارک خودشان تعیین کنند. (۳۱۳)

۵۸/۳/۳۰

\* \* \*

الآن که طرح شده است قانون اساسی و به دسترس مردم گذاشته شده است، کسانی که صاحب‌نظرند، مسلمانهایی که صاحب‌نظرند، علمایی که

صاحب‌نظرند، اسلام‌شناسهایی که می‌دانند اسلام چه هست، آنها بررسی کنند، نظر بدهند، بنویسند، در روزنامه‌ها منتشر کنند، نگذارند که دیگران مشغول بشوند به نوشتن، و سرنوشت ما را دیگران درست کنند.

خود شماها، همه: اشخاصی که می‌توانند قانون را بفهمند و می‌توانند اسلام را بفهمند که این آیا فلان ماده‌اش منطبق با قوانین اسلام است یا نه؛ و آیا صلاح برای مملکت اسلامی چه است. الآن این چیزی که مهم است این معناست که همه شما با هم نظر کنید به قانون اساسی، و اهل نظرتان، حقوقدانهای مسلم، روشنفکرهای متعهد به اسلام، مهندسين، روحانیین، همه اینها، الآن نظر بدهند راجع به قانون اساسی، نگذارند که دیگران نظر بدهند و بعد ببینند چه خواهد شد. حالا خودشان نظر بدهند. هر ماده‌ای از این مواد قانون اساسی را که روحانیون تشخیص دادند که این برخلاف اسلام است، سایر طبقات هم، آنهایی که می‌دانند که خلاف اسلام است، آنها هم نظر بدهند. و آنها که اطلاع از این معنا ندارند تبعیت کنند و بخواهند که باید این جور باشد. (۳۱۴)

۵۸/۳/۳۰

\* \* \*

یکی از فحشهایی که گاه [به] یک آخوندی، اگر می‌خواست یک حرفی بزند که به درد مملکتش بخورد، می‌گفتند «سیاسی» است. اوایل که ما آمده بودیم به قم، یکی از علمای محترم - که محترم و رئیس بود در قم - این را بعض مقدس‌مآبها اشکال به او داشتند می‌گفتند منزلش روزنامه پیدا می‌شود! این طور، مغزها را تهی کرده بودند که اگر یک مآیبه منزلش روزنامه بود، این اسباب طعنه‌ش

می شد. چه کار دارد ملا به روزنامه؛ ملا چه کار دارد به سیاست. ما را وقتی که از حبس می خواستند بیرون بیاورند، آمدند گفتند که بیاید توی آن اتاق، از حبس درآمدیم رفتیم توی اتاق مجللی هم بود نشستیم. پاکروان<sup>۱</sup> آمد پیش ما و آن مولوی<sup>۲</sup> - هر دو آنها هم رفتند - آمدند آنها و پاکروان در ضمن صحبتهايش گفت که سیاست عبارت از دروغ گفتن است، عبارت از تقلب است، عبارت از خُدعه است، عبارت از فریب است، عبارت از پدرسوختگی است! - این تعبیر آخرش بود - این را بگذارید برای ما. می خواست ما را وادار کند به اینکه ما دخالت در سیاست نکنیم. من به آن گفتم خوب، اگر این سیاست عبارت از اینهاست، اینکه مال شما هست! بله، بعد هم برداشتند در آنجا نوشتند که تفاهم شد بین ما و فلان. من هم که آمدم سر منبر حسابش را رسیدم. اینها تبلیغات همچو کرده بودند که به خورد ما معممین هم داده بودند که شماها بروید کنار، سراغ مدرسه تان، و این منافع مملکت را بدهید دست ما! مطلب این بود. مقدّرات مملکت را بدهید دست ما؛ شما بروید آن گوشه مدرسه بنشینید و آن طور زندگی کنید و مسئله بگویید برای مردم. آن هم نه هر مسئله ای را. اگر ما درست مسئله می گفتیم که وضع این طور نبود. مسائل اسلام را کنار گذاشته بودند؛ و یک دسته ای از مسائل شخصی را پیش کشیدند. مسائل اجتماعی اسلام، مسائل سیاسی اسلام، مسائل جنگ اسلام. آن قرآن را شما ملاحظه می کنید، قرآن مسائل سیاسیش و جنگیش و مقاتله اش و اینهايش زیاد در آن طرح شده، آهلاً و سهلاً! اما دیگر کار نداشته باشید به اینکه تکلیف ملت با دولت چیست و تکلیف دولت با ملت چی هست؟ چه جور باید دولت باشد، شرایط

۱. سرلشکر حسن پاکروان، معاون نخست وزیر و رئیس وقت سازمان اطلاعات و امنیت کشور.

۲. سرهنگ مولوی، معاون ساواک تهران که در سال ۱۳۵۰ در سانحه سقوط هلی کوپتر به قتل رسید. او در زمان مرگ، فرمانده پلیس راه ژاندارمری بود.

حاکم چیست، شرایط شُرْطه<sup>۱</sup> چیست؛ شرایط قاضی چیست؟ اینها را دیگر شما کار نداشته باشید. شما هم بروید این مسائل [را کنار بگذارید] و ما هم باورمان آمده بود. همچو باورمان آمده بود که روزنامه خواندن را [عیب می‌دانستیم]. اولی که ما آمدیم قم، سنه<sup>۲</sup> چهل، روزنامه خواندن را عیب می‌دانستند! ما هم اصلاً جرئت نمی‌کردیم؛ یعنی ما هم خودمان جزء آنها بودیم. (۳۱۵)

۵۸/۴/۳۰

\* \* \*

این یک جور تحولی بود که حاصل شد. یک تحولِ دخالتِ همه در مسائل روز و مسائل سیاسی. همین جمعیتی که روزنامه خواندن رادر آن وقتها اشکال می‌کردند، حالا همانها منزلهایشان هم رادیو هست و هم تلویزیون هست و هم عرض می‌کنم اصلاً مشروعش هست، غیر مشروعش نیست - و هم مسائل روز طرح است. (۳۱۶)

۵۸/۴/۳۰

\* \* \*

اینها تبلیغاتشان و طرحشان این بود که اسلام را نگذارند ظهور پیدا بکند. آن مقداری که کاری به استفاده‌های آنها ندارد آن مقدار را مضایقه نداشتند، لکن آن بُعدهای دیگری که با استفاده آنها مخالف بود آنها را می‌خواستند اصلاً نگذارند تحقق پیدا بکند. اینها کوشش داشتند به اینکه این معنا را به باور همه بیاورند که دین از سیاست جداست. دیانت یک احکامی است که بروند نمازی بخوانند، و چند تا

۱. پلیس.

۲. سال ۱۳۴۰ ه. ق.

هم از این مسائلی که هیچ ربطی به آن چیزهایی که آنها می‌خواهند نداشته باشد بگویند، و برگردند مشغول کارشان بشوند. آنها مشغول چپاولگری باشند و مشغول ظلم و جور به ملت. و قشرهایی که دینی هستند؛ اینها مشغول به اعمال دینانی خودشان باشند، کاری نداشته باشند که چه می‌گذرد در این مملکت؛ کار نداشته باشند که خارجیا چه به سر این مملکت می‌آورند. برنامه دولتها در زمان طاغوت این بود. و دامن زده بودند به اینکه نگذارند روحانیون در سیاست دخالت بکنند. و شاید بسیاری از خود روحانیون هم باورشان آمده بود که نباید در امور سیاسی دخالت کنند. و بسیاری از جوانهای ما هم باورشان آمده بود که نباید اینها در امور سیاسی دخالت بکنند. حتی، از قراری که گفتند، یکی از همین افراد فاسد وابسته، در همین چند روز، در یک جایی به این صورت گفته بود که ما می‌خواهیم قداست روحانیون محفوظ باشد؛ اینها دخالت در امور مملکتی نکنند تا قداستشان محفوظ باشد! این یک حيله‌ای است که غریبها به کار بردند؛ و وابستگان به آنها هم از آنها تقلید کردند به اسم اینکه قداست اینها محفوظ باشد؛ یعنی اینها همان بروند توی مسجدها و دعا بخوانند تا قداستشان محفوظ باشد، و کاری به مملکت و کاری به دولت و کاری به مجلس و کاری به دیگر قشرهایی که باید باشد نداشته باشند؛ اینها را بگذارند برای چپاولگرها، و دعا و ذکر خودشان را بگویند و کاری نداشته باشند. این یک برنامه‌ای است که ریخته شده است و ریخته شده بوده است در سالهای طولانی. و در زمان این پدر و پسر به آن دامن زیاد زده شده است، این حرف آنهاست.

حرف ما این است که نه روحانی تنها، همه قشرها باید در سیاست دخالت بکنند. سیاست یک ارثی نیست که مال دولت باشد، یا مال مجلس باشد، یا مال افراد خاصی باشد. سیاست معنایش همین وضع

آن چیزهایی [است] که در یک کشوری می‌گذرد از حیث اداره آن کشور. همه اهالی این کشور در این معنای حق دارند. خانمها حق دارند در سیاست دخالت نکنند؛ تکلیفشان است. روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت نکنند، تکلیف آنهاست. دین اسلام یک دین سیاسی است. یک دینی است که همه چیزش سیاست است، حتی عبادتش. (۳۱۷)

۵۸/۶/۲۶

\* \* \*

علما نقششان این است که هدایت کنند و مردم را راه ببرند و کوشش شده بود به اینکه علما را منعزل کنند از ملت. یعنی دین را از سیاست جدا کنند. دین را بگذارند کنار، سیاست را بگذارند کنار. اسلام دین سیاست است اصلش. اسلام را شما مطالعه دارید در آن. اسلام یک دینی است که احکام عبادی‌اش هم سیاسی است. این جمعه، این خطبه‌های جمعه، آن عید، آن خطبه‌های عید، این جماعت، اجتماع، این مکه، این مشعر، این منی، این عرفات، همه‌اش یک مسائل سیاسی است. با اینکه عبادت است، در عبادتش هم سیاست است. سیاستش هم عبادت است. اینها جدا می‌کردند اسلام را و دین را از سیاست. می‌گفتند که امپراتور سر جای امپراتوری است، آخوند هم برود در مسجد. آخوند چه کار دارد به اینکه رضاخان مردم را [غارت] می‌کند و [اذیت] می‌کند. آخوند برود نمازش را بخواند و برود. آخوند چه کار دارد که نفت را دارند می‌برند. آخوند چه کار دارد که قراردادهای کمرشکن برای یک مملکتی حاصل می‌شود. آخوند برود عبايش را سرش بکشد. تو مسجد نمازش را بخواند. هرچه هم دلش می‌خواهد دعا بخواند. کی با او مخالف است؟



هر که هر چی دلش می خواهد دعا بخواند هیچ کس با او مخالف نیست. من احتمال نمی دهم که حضرت مسیح به این جور باشد که حالا درستش کردند. مگر امکان دارد که حضرت مسیح تعلیمش این داده که ظلم قبول کنی. صورتت را اینطور بگیری وقتی می زنی، آن طرف می گیری، این تعلیم خدا نیست. این تعلیم مسیح نیست. حضرت مسیح مبرای از این است. حضرت مسیح با زور مخالف است. حضرت مسیح مبعوث شدند، اینها برای اینکه رفع کنند این ظلمها را. برای اینکه چه بکنند، مستها مبتلا شده است به یک دستگاههایی که بد معرفی می کند از او. اسلام هم همین ابتلا را پیدا کرده بود. لکن در هر عصری یک علمایی بودند که نمی گذاشتند اینطور بشود. حالا یک قدری توسعه پیدا کرده است. زمان فرق کرده و افکار مردم فرق کرده و این چیزها هم فرق کرده.

اگر مقصود از اینکه نقش داشته باشد روحانیت، بله روحانیت نقش دارد. در حکومت هم نقش دارد. نمی خواهد حاکم بشود، لکن می خواهد نقش داشته باشد. شما در همین قضیه رئیس جمهوری به ما پیشنهاد می کردند که، پیشنهاد کردند از اشخاص، حتی از دانشگاه به اینکه ما حالا بعد از مدتها فهمیدیم که اطمینان به دیگران نیست. روحانی باشد من می گفتم نه،<sup>۱</sup> روحانی نقش باید داشته باشد، خودش رئیس جمهور نشود. لکن در ریاست جمهور نقش باید داشته باشد. کنترل باید بکند. آن به منزله کنترل یک ملتی است. یک مملکتی است. نمی خواهد روحانی رئیس - مثلاً فرض کنید که - رئیس دولت باشد. لکن نقش دارد در آن. اگر رئیس دولت بخواهد باشد کذا، پا را کج

۱. حضرت امام مکرراً تصریح کرده اند که از ابتدا نظرشان این نبود که روحانیت، مسئولیتهای اجرایی درجه اول را عهده دار شوند؛ ولی تجربه دولت موقت و حوادث سالهای اول انقلاب ثابت نمود که مادام که اشخاص امین و متعهد و وفادار به حقیقت اسلام ناب که اعتماد و توان ایستادگی در مقابل شرق و غرب را داشته باشند از میان غیر روحانیون کمتر یافت شوند، چاره‌ای جز قبول مسئولیت توسط روحانیون واجد این شرایط نیست.

بگذارد این جلویش را می‌خواهد بگیرد. اینکه در این قانون اساسی یک مطلبی - ولو به نظر من یک قدری ناقص است و روحانیت بیشتر از این در اسلام اختیارات دارد و آقایان برای اینکه خوب دیگر خیلی با این روشنفکرها مخالفت نکنند یک مقداری کوتاه آمدند - اینکه در قانون اساسی هست، این بعضی شئون ولایت فقیه هست نه همه شئون ولایت فقیه. و از ولایت فقیه آنطوری که اسلام قرار داده است، به آن شرایطی که اسلام قرار داده است، هیچ‌کس ضرر نمی‌بیند. یعنی آن اوصافی که در ولی است، در فقیه است که به آن اوصاف خدا او را ولی امر قرار داده است و اسلام او را ولی امر قرار داده است با آن اوصاف نمی‌شود که یک پایش را کنار یک قدر غلط بگذارد. اگر یک کلمه دروغ بگوید، یک کلمه، یک قدم برخلاف بگذارد آن ولایت را دیگر ندارد.

استبداد را ما می‌خواهیم جلویش را بگیریم. با همین ماده‌ای که در قانون اساسی است که ولایت فقیه را درست کرده این استبداد را جلویش را می‌گیرند. آنهایی که مخالف با اساس بودند می‌گفتند که این استبداد می‌آورد. استبداد چی می‌آورد. استبداد با آن چیزی که قانون تعیین کرده نمی‌آورد. بلی ممکن است که بعدها یک مستبدی بیاید. شما هر کاری‌اش بکنید مستبدی که سرکش است بیاید هر کاری می‌کند. اما فقیه مستبد نمی‌شود. فقیهی که این اوصاف را دارد عادل است، عدالتی که غیر از اینطوری عدالت اجتماعی، عدالتی که یک کلمه دروغ او را از عدالت می‌اندازد، یک نگاه به نامحرم او را از عدالت می‌اندازد، یک همچو آدمی نمی‌تواند خلاف بکند. نمی‌کند خلاف. این جلوی این خلافها را می‌خواهد بگیرد. این رئیس جمهور که ممکن است یک آدمی باشد ولی شرط نکردند دیگر عدالت و شرط نکردند، این مسائلی که در فقیه است، ممکن است یکوقت بخواهد

تخلف کند، بگیرد جلویش را، کنترل کند. آن رئیس ارتش اگر یکوقت بخواهد یک خطایی بکند آن حق قانونی دارد که او را رهایش کند، بگذاردش کنار. بهترین اصل در اصول قانون اساسی این اصل ولایت فقیه است. و غفلت دارند بعضی از آن و بعضی هم غرض دارند. روحانی می‌گوید که بعد می‌خواهد در دولت [وارد بشود] نمی‌خواهد نخست وزیر بشود و نمی‌خواهد - عرض می‌کنم که - رئیس جمهور بشود و صلاحشان هم نیست که اینها بشوند، لکن مراقبت دارد، نقش دارد. روحانیت در دولت نقش دارد، نه روحانیت دولت است. این نقش از اول هم بوده است، منتها این را کنارش زده بودند، حالا خدا یک مهلتی داده است. یک جمعیتی، این مردم جمع شدند، هیاهو کردند، این هیاهوهاست که این کارها را کرده است. جمع شدند هیاهو کردند، حالا یک نقشی پیدا کرده روحانیت. همان نقشی که برای روحانیت است که باید کنترل کند این چیزها را، و الا سررشته ندارد. مگر می‌تواند که یک روحانی برود رئیس فوج بشود. سررشته‌ای از این کار ندارد. یک روحانی که اطلاعاتش در باب یک اموری کم است، برود بخواهد آنها را بگیرد. این معنا ندارد، اما روحانی چون موارد خطا و اشتباهی که از قانون اسلام که یک قانونی است که اگر اجرا بشود، همه مقاصد برای ما حاصل می‌شود این مطلع است، این سررشته‌دار این قانون است، این را قرارش دادند با آن همه قیودی که همه‌اش قیود یک چیزی بوده است که قرار دادند و ما هم تابعیم. لکن مسئله این نیست. مسئله بالاتر از این است. اما خوب البته ملت یک چیزی را که خواستند ما همه تابع آن هستیم و یک همچو روحانی اگر نقش داشته باشد در دولت، نمی‌گذارد دیگر نخست‌وزیرش، رئیس جمهورش هر جا که ظلم ببیند، روحانی نقش دارد بر اینکه جلویش را بگیرد. و هر وقتی بخواهد یک قلدری پیش بیاید جلویش را

می‌گیرد. یک دیکتاتوری باشد جلویش را می‌گیرد. می‌خواهد خلاف آزادی باشد، جلویش را می‌گیرد. بنخواهد یک دولتی یک قراردادی با یک دولتی ببندد، که اسباب این بشود که این تابع آن بشود، پیوند آن بشود، پیوسته او بشود روحانی جلویش را می‌گیرد. یک اصلی است که اصل یک مملکت را اصلاح می‌کند. این یک اصل شریفی است که اگر چنانچه ان‌شاءالله تحقق پیدا بکند، همه امور ملت اصلاح می‌شود.

بنابراین اینکه شما سؤال کردید که آیا روحانی می‌خواهد به دولت منضم بشود یا چی؟ نه نمی‌خواهد دولت باشد اما خارج از دولت نیست. نه دولت است، نه خارج از دولت. دولت نیست یعنی نمی‌خواهد برود در کاخ نخست وزیری بنشیند و کارهای نخست وزیری را بکند. غیر دولت نیست برای اینکه نخست وزیر اگر پایش را کنار بگذارد این جلویش را می‌گیرد، می‌تواند بگیرد. بنابراین نقش دارد و نقش ندارد. (۳۱۸)

۵۸/۱۰/۷

\* \* \*

روحانیون همه، ملت همه، باید حاضر باشند در مسائل سیاسی، حضور داشته باشند. اینکه بعضی از عناصر حالا هم گاهی می‌گویند که روحانیون بروند توی مجلسها، توی مدرسه‌های خودشان و مشغول کارشان باشند، و ماها باید وارد این کارها باشیم، این یا از بی توجهی به عمق مسائل است که من باید بگویم بعضی‌شان بی توجه هستند، و یا اینکه عمال همانها هستند که در زمان رضاخان یک همچو کارها را می‌کردند. و در طول تاریخ تقریباً حدود سیصدسال اینقدر تزیق کردند بر این ملت و بر خود روحانیون، که شما نباید در سیاست

دخالت بکنید که خود آقایان هم باورشان آمده بود. اگر یک مطلبی - مثلاً - راجع به یک امر سیاسی که به نفع ملت بود، اینها می‌خواستند دخالت بکنند، یک قشر از خود روحانیت می‌گفتند یک امر سیاسی است، به ما چه! خودشان را کنار کشیده بودند. یعنی کنارشان زده بودند اینها را. باورشان آورده بودند که روحانیون باید فقط بروند مسئله بگویند؛ آن هم بعض مسائل، نه همه مسائل. مسائل اگر همه‌اش باشد که بیشتر کتب فقه، کتب سیاست است. لکن باورشان آمده بود این، مردم هم این را باور کرده بودند، و این تبلیغاتی بود که از آن وقتی که پای غربیها باز شد در ایران، مطالعاتشان را کردند، به آنجا رسید که این جمعیت خطرناکند و باید اینها را کنار زد و مشغول به خودشان کرد، و ملت را هم باید از اینها جدا کرد. اگر یکی از اینها بخواهد وارد بشود در یک امر سیاسی، ملت با اینها موافقت نکند برای اینکه امر سیاسی است به شما چه؟ در عین حالی که باید همه قشرهای ملت و خصوصاً روحانیت حاضر باشند در سیاست کشور، و توجه داشته باشند به مسائلی که در کشور می‌گذرد، چه در مجلس و چه در دولت و دیگران. در عین حال باید آن شغلی را که دارند از آن دست بردارند. گمان نکنند به اینکه - آن وقت این گمان بود - ما هیچ نباید دخالت بکنیم، و حالا [گمان] این باشد که ما شغلیمان فقط دخالت است. خیر، در آن وقت هم این کار صحیح نبوده برای ما و شما، حالا هم این کار صحیح نیست. (۳۱۹)

۵۹/۴/۲۰

\* \* \*

باید در عین حالی که هر کس به شغل خودش باید مشغول باشد، و هر کسی باید همان کاری که دارد خوب انجام بدهد، لکن حاضر باشد در

مملکت و غایب نباشد از سیاستی که در مملکت می‌گذرد. توجه داشته باشد که اگر یکوقت مثلاً یک جمعیتی یا یک فردی، یک حکومتی پایش را کج گذاشت، همه اعتراض کنند و نگذارند که واقع بشود. یا یک افراد غیرصحیحی را چنانچه در مأموریت‌هایی گذاشتند و آقایان و علمای بلاد می‌دانند که این فاسد است خودشان نروند سراغش، اطلاع بدهند به آنجاهایی که باید اینها را تغییر بدهند، و از آنها بخواهند که تغییر بدهند. اگر خودشان بروند، ولو یک آدم فاسدی را خود آقایان بفرستند یا بروند و آن فاسد را از آنجا بیرون کنند، این موجب وهم می‌شود برای اهل علم. اینها باید ارشاد کنند دولت را. ارشاد کنند به اینکه این مأموری که اینجا فرستادی اشتباه بوده است و دولت را وادار کنند، مجلس را وادار کنند تا اینکه اصلاح بشود. خودشان اگر بخواهند مستقیماً دخالت بکنند، موجب این می‌شود که در بین مردم موهوم بشوند، و شما حفظ حیثیت خودتان برایتان واجب است. هر مؤمنی حفظ عرض خودش برایش واجب است، لکن علما بیشتر مأمورند به این امور. حجت بر علما تمامتر است. این وظیفه ماهاست که باید هر کسی شغل خودش را محترم بشمارد. دلسرد نشود امام جماعت از جماعتش، اهل منبر از منبرش، و - عرض می‌کنم که - مراجع از مرجعیتشان، علمای بلاد از مسائلی که خودشان دارند. اینها باید حفظ کنند آن چیزهایی که مال خودشان است و حاضر باشند برای امور سیاسی. (۳۲۰)

۵۹/۴/۲۰

\* \* \*

یک مطلبی که همه می‌دانید و می‌دانیم این است که شیاطین بزرگ و کوچک و آنهایی که می‌خواستند و می‌خواهند تمام قدرتها را در

هر جا قبضه کنند و تمام منافع ملتها را چپاول کنند، از سالهای طولانی نقشه‌های عجیب و غریبی داشته‌اند، و مع‌الأسف قشرهای زیادی غافل بودند؛ از جمله این مطلب که روحانیون در امور سیاسی نباید دخالت کنند. آنها باید مردم را در این نماز و روزه و امثال اینها هدایت کنند، و جای آنها و شغل آنها مسجد است و منزل، مسجد بیایند و نماز بخوانند، منزل بروند و استراحت کنند، و به طوری این تبلیغ شده بود که همه باورشان آمده بود تقریباً، و دخالت در سیاست یک فحشی بود برای اهل علم. اگر می‌گفتند فلان آخوند سیاسی است، این به منزله یک فحش تلقی می‌شد. و خود مردم و بلکه خود روحانیون هم بسیاریشان این مسئله را باورشان آمده بود. اگر راجع به یک امر اجتماعی، یک امری که راجع به ملت است گفته می‌شد، بعضیها می‌گفتند که ما در امور سیاسی دخالت نمی‌کنیم. و اگر یک ملامی در امر سیاست ملت و مصالح کشور صحبت می‌کرد، می‌گفتند که این سیاسی است و برخلاف موازین است. این مسئله‌ای بود که این قدر رویش تبلیغات کرده بودند در داخل و خارج که به این زودی نمی‌شد از ذهن مردم بیرون کرد. آنها می‌خواستند که یک قشر بزرگی از جامعه را - که جامعه هم تبع آنها هست - منزوی کنند و خودشان به جای آنها بنشینند. حکومت مال ما، نماز جماعت خشکی که در آن اصلاً صحبت از اجتماعی و سیاسی نباشد هم مال شما.

من یک قصه‌ای از مرحوم حاج آقا روح‌الله خرم‌آبادی<sup>۱</sup> شنیدم و یک قصه هم خودم دارم. مرحوم آقای کاشانی<sup>۲</sup> - رحمه‌الله - را که تبعید کرده بودند به خرم‌آباد و محبوس کرده بودند و در قلعه

۱. آیت‌الله سید روح‌الله کمالوند خرم‌آبادی، از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم، و از دوستان امام که رهبری مبارزات مردم لرستان را برعهده داشت. وی در سال ۱۳۴۴ ه. ش. رحلت نمود.

۲. آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی (۱۳۰۳ - ۱۳۸۰ ه. ق.) از علمای مبارز و مجاهد که در مبارزه با انگلستان و ملی شدن صنعت نفت ایران نقش بسزایی داشت.

فلک الافلاک یا کجا، آقای حاج آقا روح‌الله می‌فرمودند که من از آن کسی که رئیس ارتش آنجا، و آقای کاشانی هم تحت نظر او بود و محبوس بود - من حالا وقتی می‌گویم محبوس در زمان رضاخان، شما خیال می‌کنید مثل حبسهای عادی زمانهای دیگر بود، البته پسرش هم مثل پدر بود لکن آن کسی که گرفتار می‌شد اگر از اشخاصی عادی بود همچو مرعوب می‌شد که در حبس یک کلمه‌ای که برخلاف مثلاً دولت یا آن کسی که در آنجا هست بزنند، امکان نداشت برایشان - مرحوم حاج آقا روح‌الله گفتند که من از این رئیس ارتش که در آنجا بود خواهش کردم که من را ببرد خدمت مرحوم آقای کاشانی، قبول کرد و ما را بردند پیش ایشان. آن رئیس، آنجا بود و من هم بودم و آقای کاشانی. آن شخص شروع کرد صحبت کردن، و رو کرد به آقای کاشانی که آقا شما چرا خودتان را - قریب به این معانی - به زحمت انداختید؟ آخر شما چرا در سیاست دخالت می‌کنید؟ سیاست، شأن شما نیست، چرا شما دخالت می‌کنید؟ از این حرفها شروع کرد گفتن. آقای کاشانی فرمودند: «خیلی خری!» شما نمی‌توانید که این کلمه در آن وقت مساوق با قتل بود. ایشان گفتند: «تو خیلی خری، اگر من دخالت در سیاست نکنم کی دخالت بکنند؟» یک قصه هم من خودم دارم. وقتی که ما در حبس بودیم و بنا بود که حالا دیگر از حبس بیرون بیاییم و برویم قیصریه و در حصر باشیم، آن رئیس امنیت آن وقت در آنجا حاضر بود و ما بنا بود از آن مجلس برویم، ما را بردند پیش او. او ضمن صحبتهايش گفت که: آقا! سیاست عبارت از دروغگویی است، عبارت از خُده است، عبارت از فریب است، عبارت از پدرسوختگی است، این را بگذارید برای ما. من به او گفتم: این سیاست مال شماست! البته بعدش آمد دروغی گفت که [فلانی] بنا گذاشتند که در سیاست دخالت نکنند و ما هم جوابش را



دادیم. مسئله این است، البته سیاست به آن معنایی که اینها می‌گویند که دروغ‌گویی، با دروغ‌گویی، چپاول مردم و با حيله و تزویر و سایر چیزها، تسلط بر اموال و نفوس مردم، این سیاست هیچ ربطی به سیاست اسلامی ندارد، این سیاست شیطانی است. و اما سیاست به معنای اینکه جامعه را راه‌بردار و هدایت‌کننده به آنجایی که صلاح جامعه و صلاح افراد هست، این در روایات ما برای نبی اکرم با لفظ «سیاست» ثابت شده است. و در دعای، در زیارت جامعه ظاهراً هست که «ساسة العباد»<sup>۱</sup> هم هست. در آن روایت هم هست که پیغمبر اکرم مبعوث شد که سیاست امت را متکفل باشد.

باید عرض کنم که سیاست برای روحانیون و برای انبیا و برای اولیای خدا حقی است، لکن سیاستی که آنها دارند، دامنه‌اش با سیاستی که اینها دارند فرق دارد. ما اگر فرض کنیم که یک فردی هم پیدا بشود که سیاست صحیح را اجرا کند، نه به آن معنای شیطانی فاسدش، یک حکومتی، یک رئیس‌جمهوری، یک دولتی سیاست صحیح را هم اجرا کند. و به خیر و صلاح ملت باشد، این سیاست یک بُعد از سیاستی است که برای انبیا بوده است و برای اولیا و حالا برای علمای اسلام. (۳۲۱)

۵۹/۱۰/۳

\* \* \*

شما آقایان و همه ملت باید توجه کنید که سابقاً ما را آن طور تربیت کرده بودند، و به واسطه تبلیغاتی که قدرتهای چپ‌اولگر درست کرده بودند که ما را از سیاست جدا کنند و ما دخالت در هیچ امر اجتماعی مردم، در هیچ امر سیاسی مردم نکنیم، و آنهایی که می‌خواهند انجام

بدهند وظیفه‌شان را برای ابرقدرتها، به دست بگیرند سیاست را و حکومت را و همه چیزها را، و بکشانند مردم را به طرف آن مرتبه‌ای، آن چیزی که خودشان می‌خواهند و قدرتهای بزرگ می‌خواهند؛ یعنی ما را بکشانند یا به دامن شرق و یا به دامن غرب. و این سیاست، سیاست شیطنانی است. و بر فرض اینکه اینها سیاست انسانی هم داشته باشند، بیش از یک بُعدش را ندارند. تمام ابعادش را انبیا داشته‌اند و از آنها ارث رسیده است به علمای متعهد. ما نباید [خیال کنیم]، خیال نکنید که این قدرتهای بزرگ از ما دست برداشته‌اند. الآن همه حیل‌ها در کار است که شما را از سیاست کنار بزنند، شما را نگذارند در امور اجتماعی دخالت بکنید، شما را نگذارند در حکومت هیچ دخالتی بکنید. بله، ما یک وقتی که در نجف بودیم این کلمه را گفته‌ام من که علما مرتبه‌شان بالاتر از این است که داخل بشوند در امور اجرایی. لکن در وقتی که افرادی باشد که آن افراد، متعهد به اسلام باشند و بتوانند کارها را روی موازین اسلامی اجرا کنند، نه اینکه اگر هیچ کس هم نباشد و اشخاصی باشند که نتوانند روی مجاری اسلامی عمل کنند یا نخواهند روی مجاری اسلامی عمل کنند، باز هم آقایان بروند کنار بنشینند و تماشاچی باشند که آنها ما را بکشانند به آنجایی که خودشان می‌خواهند. مسئله این نیست. مسئله این است که اگر سیاستمدارانی باشند که همان معنایی را که مسلمین می‌خواهند ولو در همین یک بعدش، ولو در همین بعد دنیایی‌اش. آنها طوری سیاست را انجام بدهند که ما استقلالمان و آزادیمان محفوظ بماند، و ما به طرف شرق یا به طرف غرب کشیده نشویم، البته آنها بکنند، هیچ مانعی ندارد و علما هم می‌روند. وقتی دیدند که اینها هستند، می‌روند مشغول کارهای خودشان می‌شوند که آن هم سیاست است منتها سیاست روحانی. اما وقتی که ما ببینیم که این طور

نیست که تمام این پستها را و تمام این قدرتها را اینها اگر دستشان بیاید صرف می‌کنند در اینکه جامعه ما را به جامعه مستقل و آزاد بکشند، ناچاریم ما که اشخاصی که متعهد هستیم و ما را نمی‌کشاند به این طرف و آن طرف، دخالت بدهیم در امور، نظارت بدهیم در امور. و همه ما و همه شما و همه نسلهای آتیه، آنها باید چشم و گوششان را باز کنند که دوباره هی شیطانها نیایند تزریق کنند که آقا، علما را چه به سیاست. علما را چه به دخالت در امور مملکتی. این یک نقشه شیطانی است که الآن هم مشغول پیاده کردن آن هستند و مشغول تبلیغاتش هستند و بناء علیه بر شما ائمه جمعه و جماعت و بر همه ائمه جمعه‌ها و جماعتها در همه قُطرهای اسلامی، در همه ممالک اسلامی این مطلب لازم است بلکه فرض است که مردم را بیدار کنید و به مردم بفهمانید این معنا را که این نغمه‌ای که در همه ممالک اسلامی بلند است که علما نباید دخالت در سیاست بکنند، این یک نقشه‌ای است مال ابرقدرتها. مجری‌اش اینها هستند که در داخل کشورها هستند. به حرف اینها گوش ندهید. و بخوانید به گوش ملت که ملت بفهمد این معنا را که این نغمه، نغمه‌ای است که می‌خواهند علما را از سیاست کنار بزنند، و آن بکنند که در زمانهای سابق بر ما گذشته است. بیدار باشیم و همه توجه به این معنا داشته باشیم. و نسلهای آینده هم توجه به این معنا داشته باشند که راهشان را یک وقت، این راهی که الآن مسلمین خودشان این راه را پیدا کرده‌اند، این راه را گم نکنند آنها. (۳۲۲)

۵۹/۱۰/۳

\* \* \*

برادران عزیز من، فرزندان اسلام! توجه داشته باشید که باز یک

جریانی در کار است شما را منعزل کنند از این امری که در او هستید. مبادا گروه‌ها یا آنهایی که نمی‌خواهند روحانیون در این کشورها نفس بکشند شما را اغفال کنند و برگردانند به کنجهای مدارس و منزوی کنند در حجره‌ها! شما همان‌طوری که علم باید بیاموزید و تقوا در رأس برنامه شما باشد، [در] مهیا بودن از برای دخالت در امور سیاسی و امور اجتماعی و دخالت در مشکلات مسلمین و حاضر بودن از برای دفاع از کشور اسلامی هم باید کوشش کنید. (۳۲۳)

۵۹/۱۲/۱۴

\* \* \*

ما امید آن را داریم که همان‌طور که علمای آذربایجان در مقابل ظلم و ستمکاری رژیم سابق قیام کردند و نهضت کردند، ولو اینکه گرفتار بعضی از چیزهایی که نباید بشوند، شدند، ما امیدواریم که علمای آذربایجان در صحنه باشند و همه نابسامانیها را توجه داشته باشند و در حل مشکلاتی که امروز گرفتار آن هستیم و هستند کوشا باشند. و توجه داشته باشند که دستهای ناپاکی و گروههای فاسدی بالخصوص در مقابل روحانیون و در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده‌اند و باید با هشیاری همه ملت و خصوصاً علمای آنها و خصوصاً آذربایجان که در آنجا توطئه‌ها شاید بیشتر باشد، علمای آذربایجان و سایر قشرهای مؤمن آذربایجان دین خودشان را به اسلام و جمهوری اسلام ادا کنند. (۳۲۴)

۶۰/۲/۲۱

\* \* \*

روحانین باید در صحنه باشند. باید همه این حرفهای نامربوطی که

زده بودند و شما را می‌خواستند از دخالت در امور جامعه کنار بگذارند، همه آنها را پشت سر بگذارید - و گذاشته‌اید پشت سر. علمای اعلام نباید بروند کنار بنشینند تا مقدرات آنها در امریکا تدوین بشود و یا در شوروی تدوین بشود. (۳۲۵)

۶۰/۴/۱۰

\* \* \*

اگر شما، خصوصاً شما اهل علم را، که هدف اصلی شما هستید، اگر شما را از صحنه خارج کنند، اسلام را کنار زده‌اند. طب بی‌طیب نمی‌تواند عمل بکند؛ طبیب می‌خواهد، متخصص می‌خواهد. اسلام به استثنای روحانیت مثل طب به استثنای طبیب است. این که اسلام را تا اینجا رسانده، همین طبقه بوده‌اند و شما الآن موظفید؛ مکلفید که اسلام را با قدرت به نسلهای آتیه تحویل بدهید. (۳۲۶)

۶۰/۴/۱۰

\* \* \*

علمای اسلام احساس کردند، اکثریت قریب به اتفاقشان احساس کردند که باید ما این سد عدم دخالت در سیاست را بشکنیم و ما باید وارد بشویم در امور. باید ما دخالت کنیم. باید اهتمام به امر مسلمین داشته باشیم. اهتمام به امر مسلمین این نیست که من بروم نماز بخوانم و اقتدا کنم؛ اینکه امر مسلمین نیست، این امر خداست. امور مسلمین عبارت از امور سیاسی و اجتماعی مسلمین است. تمام انبیا از صدر بشر و بشریت، از آن وقتی که آدم - علیه السلام - آمده تا خاتم انبیا - صلی الله علیه و آله و سلم - تمام انبیا برای این بوده است که جامعه را اصلاح کنند؛ فرد را فدای جامعه می‌کردند. ما فردی بالاتر از خود انبیا

نداریم. ما فردی بالاتر از ائمه نداریم - علیهم السلام - این فردها خودشان را فدا می‌کردند برای جامعه. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم **يَقُومُ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**؛ غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلمها از بین برود، ستمگریها از بین برود، ضعفا به آنها رسیدگی بشود، قیام به قسط بشود. دنبالش هم می‌فرماید: **وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ**. تناسب این چیست؟ تناسب این است که با حدید باید اینها انجام بگیرد؛ با بینات، با میزان و با حدید. **فِيهِ نَاسٌ شَدِيدٌ**؛ یعنی، اگر شخصی یا گروهی بخواهند یک جامعه را تباه کنند، یک حکومتی را که حکومت عدل است، تباه کنند، با بینات با آنها باید صحبت کرد. نشیندند، با موازین، موازین عقلی صحبت کرد. نشیندند با حدید. (۳۲۷)

۶۰/۶/۱۸

\* \* \*

شما کدام یک از انبیا را سراغ دارید که در امور اجتماعی، به آنطور حادثش شرکت نکرده و سردمدار نبوده است؟ موسی - علیه السلام - یک شبان با عصایش راه می‌افتد می‌رود سراغ فرعون؛ نمی‌آید توی بازار مسئله بگوید. این هم هست البته، اما می‌رود سراغ فرعون. خدا هم او را می‌فرستد دنبال فرعون؛ بروید او را دعوت کنید، دعوتش کنید؛ به قول لَئِن هم دعوتش کنید و امثال ذلک. وقتی که قول لَئِن نشد، خوب، آن وقت قیام می‌خواهد. پیغمبر اکرم کدام روز نشست همین طوری فقط مسئله بگوید، کاری به کار جامعه نداشته باشد؟ اینهایی که می‌گویند «آخوند چه کار دارد به امور سیاسی»، پیغمبر اکرم

کدام روزش از مسائل سیاسی خارج بود؟ دولت تشکیل می‌داد، با اشخاصی که به ضد اسلام، ستمگر بر مردم بودند، با آنها مبارزه می‌کرد، جنگ می‌کرد.

ما را آنطور می‌خواستند منزوی کنند که لباس جندی را می‌گفتند با عدالت منافات دارد. حضرت امیر لباس جندی داشت، با عدالت منافات داشت؟! حضرت سیدالشهدا نداشت لباس جندی؟ اینها با آن تبلیغات بسیار وسیعشان ما را منزوی کرده بودند؛ یعنی، خود ما را، به مغزهای ما آنقدر خوانده بودند که خودمان باور کرده بودیم که نباید ما در سیاست دخالت کنیم. نخیر، مسئله این نیست. مسئله دخالت در سیاست در رأس تعلیمات انبیاست. مسئله جنگ مسلحانه با اشخاصی که آدم نمی‌شوند و می‌خواهند ملت را تباه کنند، در رأس برنامه‌های انبیا بوده است. ما همه تعلیمات انبیا را کنار گذاشتیم، فقط به آن تعلیماتی که با - عرض می‌کنم - دخالت نکردن در سیاست و دخالت نکردن در جامعه و اینها [مرتبط است] فقط همینش را گرفته‌ایم. نمازش را گرفته‌ایم، باقی را رها کردیم. مگر امکان دارد که انسان مسلمان باشد به فقط نماز خواندن و روزه گرفتن و حج رفتن و امثال ذلک و در امر مسلمین دخالت نکردن؟ اگر اهتمام به امر مسلمین کسی نکند مسلم نیست، به حسب روایت منسوب الی رسول الله<sup>۱</sup>.

ملت ما باید همان طور که بیدار شده است و هوشیار و توجه به مسائل پیدا کرده و فهمیده است که اینهایی که با روحانیون مخالفند با ملت مخالفند، نه با روحانیون. اگر روحانیون کاری به کار دولتها نداشتند خیلی هم محترم بودند و خیلی هم معزز؛ اما یک احترام میان تهی آبرو پیش خدا رفته و این [که - مثلاً -] حاکم شهر به آدم احترام می‌گذارد. امروز همه فهمیده‌اند این را، مگر آنهایی که

۱. مَنْ أَصْحَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ وسائل الشیعة؛ ج ۱، ص ۵۵۹.

خودشان را به نفهمی می‌زنند و آنهایی که مغزهایشان خشک است که نمی‌فهمند هیچ چیز را که این مسئله دخالت در امور سیاسی از بالاترین مسائلی است که انبیا برای او آمده بودند. قیام بالقسط و مردم را به قسط وارد کردن مگر می‌شود بدون دخالت در امور سیاسی؟ مگر امکان دارد بدون دخالت در سیاست و دخالت در امور اجتماعی و در احتیاجات ملتها، کسی بدون اینکه دخالت کند، قیام به قسط باشد؟ **يَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**<sup>۱</sup> باشد؟ مگر می‌شد ما و شما با محمدرضا بسازیم که بیا، دیگر ما کاری به شما نداریم؟ آمد گفت دیگر که ای مراجع اسلام، ای چه، ای چه، من دیگر از آن کارها دست برداشتم. همانی که مراجع اسلام را می‌گفت که «این سیاه روزها» و این کذا و کذا؛ بدگویی می‌کرد به آنها، همان آمد گفت. چرا آمد گفت؟ برای اینکه دوباره بازی بدهد. خیال می‌کرد حالا دوباره می‌شود بازی داد. یک وقت بازی نخورید! یک وقت این شیاطین نیابند بگویند که به شما چه دخالت در اسلام، دخالت در سیاست؛ شما بروید سراغ مسئله گفتنتان! خیلی هم معزز هستید و چنانچه مسئله می‌گفتید، دیگر [شهادتی] واقع نمی‌شد؛ برای دخالت در سیاست بود که چندین هزار معلول و [شهید] دارید. این اشکال اولش به نبی اکرم وارد است. اگر ایشان هم به سرمایه‌دارهای مکه و حجاز کاری نداشت و تو مسجد می‌نشست و مسئله می‌گفت، جنگ پیش نمی‌آمد، کشتار نمی‌شد، عموی معظمش کشته نمی‌شد. و به سیدالشهدا وارد است. اگر سیدالشهدا می‌رفت پیش یزید و بیعت می‌کرد و مسئله گو، مسئله می‌گفت، با او می‌ساخت و مسئله می‌گفت، یزید خیلی هم احترام می‌کرد، دستش [را] هم می‌بوسید. ولی تکلیف این بود؟ ما وحشت داریم از اینکه چند هزار آدم از ما کشته شده است؟ اگر ما



وحشت داریم، باید ما اصلاً طریقه انبیا را کنار بگذاریم. باید آن چیزی که انبیا آوردند، آن چیزی را که خدا امر کرده به آنها که بروید این سردمدارها را دعوت کنید، [رها کنیم]. دعوت همین نبود که بروند بگویند: آقا، مسلمان شو؛ چنانچه نشد، دیگر بروند سراغ کارشان. نخیر، دعوت می کردند، با شمشیر توی سرشان می زدند تا آدم بشوند، کشته می دادند و می کشتند. مگر شهادت یک امری است که انسان برای آن عقب نشینی نکند؟! هی گفته بشود به اینکه خوب اگر اینطور مسائل نبود، اگر ما با شاه کنار می آمدیم، دیگر اینقدر کشتار واقع نمی شد. پیغمبر هم اگر با ابوسفیان کنار می آمد، نمی شد. سیدالشهدا هم اگر با یزید، حضرت امیر هم اگر با مخالفینش، که مخالف اسلام بودند، کنار می آمد، دیگر کشتاری نمی شد، دیگر جنگ صفینی در کار نمی آمد، جنگ جملی در کار نمی آمد. چشمها را هم می گذارند و خودشان را یا به نفهمی می زنند یا نفهم اند و نمی بینند که انبیا چه کردند و چه زحمتهایی و چه جانفشانی هایی برای مقاصد خودشان کردند، و اسلام - از صدر اسلام تا آخر - اولیای خدا چه کردند و چه جانفشانی هایی کردند و چه فداکاریهایی کردند.

اگر الآن به شما ملت مسلمان و به شما روحانیون معظم اشکال بکنند که آقا، چنانچه نشسته بودید سر جایتان، خوب، چی تان لنگ بود؟! خوب، محمدرضا کارها را انجام داده بود؛ حالا امریکا هم یک قدرش را ببرد، خوب به ما چه؟ مال دنیا که اینقدر ارزش ندارد؛ نفت هم یک چیز بوگندی است که ارزشی ندارد، خوب، بردشان جان ما را فارغ کند از نفت؛ اگر شما با آنها ساخته بودید، حالا دیگر این اجتماعات نبود و این راهپیماییها نبود و این زحمتهای نبود و این تعطیلات نبود و این کشتارها نبود و این گرانیها - مثلاً - نبود و امثال ذلک، همه این حرفها به انبیا وارد است. اگر شما خودتان را

دنباله‌رو انبیا می‌دانید و ملت ما خودش را دنباله‌رو پیغمبر اکرم می‌داند، باید این مسائل را با کمال جدیت [ادامه دهد با] همان طوری که پیغمبر اکرم در همان وقتی که زمان رحلتش بود، همان وقت یک جیشی را فرستاده بود بیرون مدینه، مهیا بودند که بروند به جنگ. کدام روز پیغمبر خالی از این مسائل سیاسی و اجتماعی بود؛ از جنگ بود؟ پیغمبر نمی‌دانست مگر در احد اینقدر کشته می‌شود و در فلان، این همه عزیزان از بین می‌روند؟ لکن تکلیف بود؛ خدا گفته بود این را. پیغمبر هم نمی‌توانست تخلف کند؛ امر خدا بود. خدا بینات فرستاده و میزان فرستاده و حدید فرستاده: **يَقُومُ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**<sup>۱</sup>. اگر شد با بینات، با میزان - موازین هر چه هست - اگر نشد، حدید است. تو سر مردم با حدید زد تا اینکه اینها را آدم کرد، تا جامعه را جامعه صحیح کرد. (۳۲۸)

۶۰/۶/۱۸

\* \* \*

اگر روحانیون، ملت، خطبا، علما، نویسندگان، روشنفکران متعهد سستی بکنند و از قضایای صدر مشروطه عبرت نگیرند، به سر این انقلاب آن خواهد آمد که به سر انقلاب مشروطه آمد. (۳۲۹)

۶۰/۸/۴

\* \* \*

چنانچه همه ما، همه شماها، همه ملت و خصوصاً روحانیت و خطبا در صحنه نباشیم و حاضر نباشیم در قضایایی که می‌گذرد، مطمئن باشید که با عدم حضور شما، به سر انقلاب آن خواهد آمد - ولو حالا

در دراز مدت هم باشد - که بر سر مشروطه آمد. حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی، هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است. اگر بنا باشد که روحانیون کنار بروند و همین گاهی با یک قلمی - فرض کنید که - اشکالات را بگویند و در رفع اشکالات کوشش نکنند و خطبا در منابر خودشان، مسائل روز را فراموش کنند و مسائل انقلاب را فراموش کنند، این انقلاب صدمه خواهد دید. (۳۳۰) ۶۰/۸/۴

\* \* \*

من از اول که در این مسائل بودیم و کم‌کم آثار پیروزی داشت پیدا می‌شد، در مصاحبه‌هایی که کردم، چه با کسانی که از خارج آمدند، حتی در نجف و در پاریس و چه در حرفه‌هایی که خودم زدم، این کلمه را گفته‌ام که روحانیون شغلشان یک شغل بالاتر از این مسائل اجرایی است - و چنانچه اسلام پیروز بشود، روحانیون می‌روند سراغ شغل‌های خودشان. لکن وقتی که ما آمدیم و وارد در معرکه شدیم، دیدیم که اگر روحانیون را بگوییم همه بروید سراغ مسجدها، این کشور به حلقوم امریکا یا شوروی می‌رود. ما تجربه کردیم و دیدیم که اشخاصی که در رأس واقع شدند و از روحانیون نبودند، در عین حالی که بعضیشان هم متدین بودند، از باب اینکه آن راهی که ما می‌خواستیم برویم و آن راهی که مستقل باشیم و بانان و جو خودمان بسازیم و زیر فرمان قدرتهای بزرگ نباشیم، آن راه، با سلیقه آنها موافق نبود. و لهذا، چون آنجا دیدیم که ما نمی‌توانیم در همه جا یک

افرادی پیدا بکنیم که صد در صد برای آن مقصدی که این ملت ما برای آن، جوانهاشان را دادند و اموالشان را دادند، نمی‌توانیم پیدا بکنیم، ما تن دادیم به اینکه رئیس‌جمهورمان از علما باشد. و گاهی - رئیس‌فرض کنید که - نخست وزیرمان هم همین طور. و در جاهای دیگر هم که قبلاً گفته بودیم، بنا نداریم اینطور باشد و الآن هم عرض می‌کنم هر روزی که ما فهمیدیم که این کشور را یک دسته از این افرادی که روحانی نیستند، به آن طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است، اداره می‌کنند، آقای خامنه‌ای تشریف می‌برند سراغ شغل روحانی بزرگ خودشان و نظارت بر امور و سایر آقایان هم همین طور. ما اینطور نیست که هر جا یک کلمه‌ای گفتیم و دیدیم مصالح اسلام، حالا ما آمدیم دیدیم اینجور نیست، اشتباه کرده بودیم، بگویم ما سر اشتباه خودمان باقی هستیم. ما هر روزی فهمیدیم که این کلمه‌ای که امروز گفتیم اشتباه بوده و ما قاعده‌اش این است که یک جور دیگر عمل بکنیم، اعلام می‌کنیم که آقا این را ما اشتباه کردیم، باید اینجوری بکنیم. ما دنبال مصالح اسلام هستیم، نه دنبال پیشرفت حرف خودمان.

به من مهلت بدهید که عرایضمان را به آقایان عرض بکنم - بنابراین، مسئله یک چیزی نیست که آقایان به ما بگویند: شما آن روز اینجوری گفتید. راست است، ما آن روز خیال می‌کردیم که در این قشرهای تحصیلکرده و متدین و صاحب افکار، افرادی هستند که بتوانند این مملکت را به آن جوری که خدا می‌خواهد، ببرند، آنطور اداره کنند. وقتی دیدیم که نه، ما اشتباه کردیم، آمدند بعضیشان خودشان را به ما جا زدند - ما هم که غیب نمی‌دانیم. و بعضیشان هم خوب بودند لکن رأیشان با رأی ما مخالف بود - ما از حرفی که در مصاحبه‌ها گفتیم، عدول کردیم و موقتاً تا آن وقتی که این کشور را غیر

روحانی می‌تواند اداره کند، آقایان روحانیون به ارشاد خودشان و به مقام خودشان برمی‌گردند و محول می‌کنند دستگادهای اجرایی را به کسانی که برای اسلام دارند کار می‌کنند و تا مسئله اینطور است که ابهام پیش ما هست، احتمال هست.

اگر در یک میلیون احتمال، یک احتمال ما بدهیم که حیثیت اسلام با بودن فلان آدم یا فلان قشر در خطر است، ما مأموریم که جلویش را بگیریم تا آنقدری که می‌توانیم. هر چه می‌خواهند به ما بگویند، بگویند که کشور ملایان، حکومت آخوندیسم و از این حرفهایی که می‌زنند. و البته این هم یک حربه‌ای است برای اینکه ما را از میدان به در کنند. ما نه، از میدان بیرون نمی‌رویم. (۳۳۱)

۶۱/۳/۳۱

\* \* \*

طرح مسئله جدا بودن سیاست از روحانیت، چیز تازه‌ای نیست. این مسئله در زمان بنی‌امیه طرح شد و در زمان بنی‌عباس قوت گرفت. در این زمانهای اخیر هم که دستهای بیگانه در ممالک باز شد، آنها هم به این مسئله دامن زدند به طوری که مع‌الأسف بعضی از اشخاص متدین و روحانیون متعهد هم باورش‌ان آمده است که مثلاً اگر یک ملایی در مسائل سیاسی وارد بشود، به او ضربه می‌خورد. این یکی از نقشه‌های بزرگ استعمار است که بعضی باور کردند. (۳۳۲)

۶۱/۵/۲۵

\* \* \*

تحصیل علم از اموری است که واجب کفایی است و از امور مهم است، لکن اگر ما یک وقت احتیاج داشتیم به اینکه علما و افراد مستعد

الآن تحصیل علم را کنار بگذارند و بروند در جبهه‌ها و دلداری بدهند به اینها، هدایت کنند اینها را یا بروند به شهرهای دور افتاده و هدایت کنند آنها را، این مستحب بسیار بزرگ را باید کنار بگذارند، بروند آن کار را انجام بدهند؛ برای اینکه آن واجب است. انجام بدهند، بعد که آرامش حاصل شد برگردند آقایان تحصیل بکنند چنانچه همه متصدیان روحانی که هستند، الآن از باب اینکه می‌بینند که نمی‌تواند و نخواهد توانست کسان دیگر اداره این کشور را آن طوری که اسلام می‌خواهد اداره بکنند و ما تجربه کردیم که نشد، این آقایان با اینکه شغلشان این نیست و حالا من عرض می‌کنم که بنای روحانیون بر این نیست که حکومت را بگیرند. حکومت چیست؟ اما بنای روحانیون بر این نیست که اسلام را حفظ کنند؟! ما گمان می‌کردیم که در بین روشنفکران ما - به اصطلاح - خوب، اشخاصی پیدا می‌شوند که متعهدند و حفظ می‌کنند این را. اگر حالا هم پیدا شد یک همچو اشخاصی، یک همچو جمعیت‌هایی، آقایان پستهای مهمتر دارند، می‌روند سراغ کارشان؛ آقای هاشمی هم می‌روند، آقای خامنه‌ای هم می‌روند و همه کسانی که متصدی هستند. اما، ما چه بکنیم؟ امروز وضع ما، وضع ایران، وضع گرفتاریهای داخل و خارج به جوری است که بدون اینها نمی‌شود اداره کرد این مملکت را؛ یا می‌کشاندش به طرف امریکا و یا کمونیسیم؛ یا می‌کشاندش به طرف امریکا و سرمایه‌داری یا می‌کشاندش طرف کمونیسیم و آن بساط، و ما لازم است برایمان حفظ کنیم. (۳۳۳)

۶۱/۶/۹

\* \* \*

الآن ما علمای بزرگی داریم که از قضا اطلاعی ندارند. اطلاعشان در

جاهای دیگر بسیار عالی و خوب است، اصول را خیلی خوب می‌داند، فقه را، آن مباحثی که بوده است خیلی خوب می‌داند، اما در قضا باید مراجعه کنند. و این هم یک مطلبی بوده است که محتوای حوزه‌ها از آن خالی بوده.

و بالاتر از آن، قضیه دخالت در امور سیاسی، در امور کشوری است که یک عیبی شده بود. و الآن هم شاید بعضی اشخاص این را یک عیبی می‌دانند که فلان ملاً چه کار دارد به اینکه در ایران چه می‌گذرد؛ تو نمازت را بخوان و برگرد منزلت، دعا بکن، این بلا اشکال. این یک نقشه‌ای بوده است که تحمیل بر همه ما شده بود. (۳۳۴)

۶۱/۷/۲۲

\* \* \*

من به قشر روحانیت هم عرض می‌کنم که کناره‌گیری موجب این می‌شود که همان طوری که در زمان سابق از [این] کناره‌گیری علمای مذاهب، اسباب این شد که ملت ما و بزرگان نشان جدا شدند و هر کاری خواستند دولتها کردند و دولتها را به حال خود گذاشتند و هرطور سرکشی خواستند کردند، چنانچه شما از صحنه بیرون بروید و علما، دانشمندان از صحنه بیرون بروند، این اسباب این می‌شود که باز آن مسائل سابق پیش بیاید. امروز تکلیف است؛ مجلس خبرگان تکلیف است برای همه که هم در آن که می‌خواهد خبره بشود باید برود اسم‌نویسی کند، آن که لایق است برود و اسم‌نویسی کند و ملت به آنها رأی بدهند. در هر صورت، چنانچه ما همه‌مان در صحنه نباشیم و همه به فکر این نباشیم که این کشور را از شرّ مفسدان نجات بدهیم، اگر به فکر نباشیم - خدای نخواست - اگر در وضع حاضر هم خیلی تأثیر نکند، در وضع آینده ملت باز تأثیر می‌کند و - خدای نخواست -

دوباره ملت ما را گرفتار آنطور اشخاص می‌کند که بر صغیر و کبیر ما رحم نکنند. (۳۳۵)

۶۱/۸/۲۷

\* \* \*

من امیدوارم که شما آقایان با صفای قلب در کنار یکدیگر باشید و مردم را به صلاح و سداد دعوت کنید و همه در صحنه باشید و مردم را به حضور در صحنه دعوت کنید. اینطور نیست که آدم خوب کسی باشد که در کناری نشسته باشد و تسبیحی دست بگیرد و در مسجد ذکر بگوید. اگر انسان خوب اینگونه بود حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - و حضرت امیرمؤمنان هم این کار را می‌کردند. ما ندیدیم در تاریخ کسی گفته باشد رسول اکرم و امیرمؤمنان در جایی از صحنه کناره‌گیری کنند و در مسجد بنشینند و ذکر بگویند، بلکه بعکس در همه جا حضور داشتند و در صحنه بودند. بنابراین، اینکه عده‌ای نشسته‌اند و می‌گویند باید کناره‌گیری کرد، درست نیست. (۳۳۶)

۶۱/۹/۳

\* \* \*

علمای بلاد، ائمه جمعه و جماعات، مبلغین، مردم را دعوت کنند به حضور در صحنه. تاکنون هر چه برکات به این جمهوری اسلامی رسیده است و هر چه پیروزی نایل این ملت مظلوم - که در طول تاریخ مظلوم بود - عاید شده است، از حضور ملت و همه قشرهاست [که] در صحنه‌اند و از اینکه جمهوری اسلامی را از خود می‌دانند، چنانچه از خودشان است. اسلام اختصاص به شخصی دون شخصی ندارد. اسلام، اسلام همه است و جمهوری اسلامی خدمتگزار به همه



است و مال همه است.

من عرض می‌کنم که هم علما این مطلب را همیشه به مردم گوشزد کنند و هم مبلغین گوشزد کنند که این حضور شما در صحنه و پشتیبانی شما از جمهوری اسلامی و از مجلس و از دولت و از قوّه قضاییه و از ارتش و از سپاه پاسداران و همه، این رمز پیروزی است که عاید شما شده است و به شکرانه نعمت پیروزی، مردم را دعوت کنید به اینکه در صحنه باشند و مردم دنبال این باشند که مشکلاتی که برای دولت یا برای مجلس یا برای ارتش پیش می‌آید، ننشینند و نگاه کنند و ناظر باشند؛ در صحنه باشند و فعالیت کنند. به فعالیت شماهاست که این جمهوری زنده مانده است و ان شاء الله، با فعالیتهای شما هم زنده و شکوفا خواهد بود. (۳۳۷)

۶۱/۹/۱۱

\* \* \*

یکی از امور مهمی که همه، بسیاری از آقایان می‌دانند، قضیه - که برای سلطه آنهاست - انزوای روحانیت از جامعه‌هاست. و برای این امر نقشه‌های مختلف است؛ از آن جمله جدایی سیاست از دیانت، که مع‌الأسف این نقشه بسیار مؤثر بوده است و گرفته است. و گرفتاریهای مسلمین اکثراً، بلکه همه از این راه بیشتر بوده است تا راههای دیگر. الآن هم بوقهای استعماری و آنهایی که سرسپرده استعمار هستند این فریاد را می‌زنند، و اسلام را از سیاست جدا می‌دانند، و برای مسلمان جایز نمی‌دانند که در سیاست دخالت کند، و دامن می‌زند به این حرف، به این مطلب. روحانیونی که وابسته به دولتها هستند و درباری هستند آنها دامن می‌زنند به این مطلب، خصوصاً در این عصر. و آقایان ائمه جمعه و جماعات و همه خطبای

کشورهای اسلامی باید این مطلب را به مردم برسانند که بنابر منطق این طایفه که می‌گویند «باید مسلمان در سیاست دخالت نکند» و او را طرد می‌کنند و لعن شاید بکنند باید رسول الله را طرد کنند.

رسول الله، پایه سیاست را در دیانت گذاشته است. رسول الله -صلی الله علیه و آله و سلم- تشکیل حکومت داده است؛ تشکیل مراکز سیاست داده است. و سایر خلفای اسلام تا آنجایی که به انحراف کشیده نشده بود در صدر اسلام، باید همه آنها را نفی کنند. باید آنها را این آخوندهای درباری و این سلاطین نوکر مآب، باید پیغمبر اکرم و خلفای اسلام را طرد کنند، و بگویند که آنها مسلم نبودند. برای اینکه آنها دخالت در سیاست می‌کردند. سیاستی که در صدر اسلام بود یک سیاست جهانی بود. پیغمبر اسلام دستش را دراز کرده بود در اطراف عالم و عالم را داشت دعوت می‌کرد به اسلام؛ و دعوت می‌کرد به سیاست اسلامی و حکومت تشکیل داد، و خلفای بعد حکومت تشکیل دادند. و از صدر اسلام از زمان رسول خدا تا آن وقتی که انحراف در کار نبود، سیاست و دیانت توأم بودند. این آخوندهای درباری و این باصطلاح سلاطین امریکایی یا شوروی، یا باید پیغمبر و پیغمبران را و خلفای پیغمبر و پیغمبران را تخطئه کنند، یا باید خود و حکومت‌های خود را تخطئه کنند. امر دایر بین این دو است و از این خارج نیست. نمی‌شود منطقی که در مکه، سیاست ما تخطئه می‌کند و مسلمین را که می‌خواهند شعار بر ضد ستمگران بدهند جلوگیری می‌کند، و در سایر بلاد که بعضی ائمه درباری، ائمه -اگر باشد بینشان- جمعه درباری و ائمه جماعت درباری در یک دوراهی واقع هستند، هر کدام را می‌خواهند اختیار کنند. یا اختیار کنند که نه رسول الله و نه بعد از او خلفا و نه آنهایی که متصدیان امور اسلام بوده‌اند از اصحاب و از وابستگان به آنها در صدر اسلام، آنها مسلم نیستند -یا اقرار کنند

که خودشان و حکومتهایی که در بلاد خودشان هست مسلم نیستند. جمع مابین این دو نخواهد شد. سر این دوراهی همه هستند و گرفتاری مسلمین هم در همین است که به آنها تزریق کرده‌اند، تبلیغ کرده‌اند که روحانیون باید بروند در کنج مدرسه‌ها و مسجدها و بعضی مسائل اسلام را بگویند، نه همه را. اساس مطلب اینجاست که اسلام آیا دین سیاست است و با سیاست به همه ابعاد، با مسائل اجتماعی ملتها به همه ابعاد، با مسائل اقتصادی و فرهنگی و همه چیزهایش با همه افراد توأم است، یا اینکه اسلام باید منزوی باشد، و در صدر اسلام آنهایی که حکومت دادند همه در اشتباه بودند.

اگر مسلمین مطلع بشوند که این بوقهای استعماری، آنها را دارند از اسلام جدا می‌کنند و اسلام‌زدایی می‌کنند و محتوای اسلام را از آن چیزی که دارد خالی می‌کنند من جمله مسئله امامت جمعه. در صدر اسلام مسائل سیاسی در مسجد و به وسیله آنهایی که امام جمعه بودند حل و فصل می‌شد، و نقشه‌های جنگ در آنجا کشیده می‌شد، و مع الأسف ما را رساندند به آنجا که در خطبه‌های جمعه جز چند کلمه موعظه و تحذیر از اینکه نبادا در امور دخالت کنید چیزی نبوده است. یا نماز جمعه نبود یا اگر بود، محتوا نداشت. یا حج را نمی‌گذاشتند بروند و اگر می‌گذاشتند، حج بیمحتوا بود. حجی که یک مجمع عمومی است برای مسلمین، و همه مسلمین در آنجا گرفتاریهای ایام سالشان را باید حل بکنند و باید همه دور هم بنشینند و دانشمندان آنها، عقلای آنها دور هم بنشینند و مسائل اسلامی را طرح کنند و گرفتاریهایی که در هر کشور هست که از دست حکومتها این گرفتاریها بوده است یا از دست قدرتهای بزرگ بوده است، خاطر نشان کنند و در راه حلش فکر کنند، نقشه بکشند. حج را به یک صورت بیمحتوا و مبتدل بیرون آورده‌اند. و امروز هم که یک طایفه از

مسلمین از ایران و غیر ایران در فکر این هستند که در آن مجمع عمومی، مسائل اسلامی، گرفتاری مسلمین، مسائل اجتماعی، مسائل دیگری که گرفتارند مسلمین، مسائلی که قدرتهای بزرگ برای آنها پیش آورده‌اند و گرفتاریهایی که حکومتها برای آنها پیش آورده‌اند در آنجا حل و فصل بشود، مع ذلک به یک صورت مبتدلی درآورده بودند، و به مردم هم باورانده بودند به اینکه غیر از این چیزی نیست. و امروز هم که یک طایفه‌ای می‌خواهند این کار را تجدید کنند، با تمام قوا مخالفت می‌کنند. امروز هم بعضی از آخوندهای درباری، ایران را تکفیر می‌کند، و مسلمین ایران را مسلم نمی‌داند، برای اینکه آنها با امریکا مخالف‌اند. و چه جرمی بالاتر از این و چه چیزی که انسان را از اسلام بیرون ببرد بالاتر از اینکه به امریکا و اسرائیل کسی جسارت کند! این گرفتاریهای شما مسلمانهاست. (۳۳۸)

۶۱/۱۰/۱۲

\* \* \*

ای ائمه جمعه بلاد اسلامی و کشورهای اسلامی، باید چه کرد؟ چرا ما به این روز نشانده شدیم که امریکا از آن ور دنیا بیاید و مقدرات کشورهای ما را تعیین کند، و مقدرات علمای اسلام را تعیین کند ولو با دست دیگران، و بصراحت بگوید که من منفعت دارم در منطقه، و دخالت آشکار در منطقه بکند و مسلمین نشسته باشند و ناظر باشند؟ ای ائمه جمعه همه بلاد اسلامی، مردم را آگاه کنید، این «چرا» را بین مردم بگویید، این «چرا» هم به غرب وارد است و هم به شرق وارد است. و چرا شوروی در ممالک اسلامی دخالت می‌کند، دخالت نظامی؟ امریکا هم همه جور دخالت می‌کند در همه کشورهای که تحت سلطه او هستند یا می‌خواهد تحت سلطه ببرد؛ هم دخالت

نظامی می‌کند، هم دخالت سیاسی می‌کند و همه جور دخالت. خوب، این چرا ندارد در دنیا؟ این یک میلیارد جمعیت نباید بگویند چرا؟ از این یک میلیارد جمعیت اگر نصفشان فریاد بزنند که چرا، امریکا کنار می‌رود. امریکا با دست خود دولتهای وابسته، با دست خود نویسندگان خبیث و گویندگان فاسد مقاصد خودش را پیش می‌برد و مسلمین نشسته‌اند، و این نویسندگان می‌نویسند و این گویندگان می‌گویند، و این درباریها و روحانیون درباری کمک می‌کنند به این قدرتهای بزرگ و مردم نشسته‌اند و گوش می‌دهند و می‌بینند. تکلیف نیست؟ مسلمین دیگر در این عصر تکلیفی ندارند؟ مسلمین تنها هستند؟ ما نباید از تاریخ رسول الله عبرت بگیریم؟ (۳۳۹)

۶۱/۱۰/۱۲

\* \* \*

شما مردم را آگاه کنید، در این سمینارها راه را پیدا کنید و مردم کشورهای خودتان را از مسائل، از مسائل سیاسی بالخصوص. نترسید از این چهار تا درباری که می‌گویند آخوند نباید در سیاست دخالت کند. ایران بحمد الله الآن اکثریت قاطع اهل علمش در سیاست دخالت می‌کنند؛ در امور اجتماعی دخالت می‌کنند. و آن چندتایی که آن ته مانده، از دربار ماندند، آنها هم دیگر از شان کاری نمی‌آید. شما باید ملت را این طور کنید. (۳۴۰)

۶۱/۱۰/۱۲

\* \* \*

اگر امروز جامعه روحانیت در سرتاسر کشور ما، چه روحانیینی که اشتغال به یک عملی داشته باشند از اعمالی که در جمهوری

اسلامی لازم است و چه آنهایی که اشتغال ندارند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه علمایی که در غیر این دو شغل هستند و در بین مردم برای ارشاد هستند، و چه وعاظ محترم، اینها الآن اسلام سپرده به اینهاست. پیغمبر اکرم توجه به این ملت دارد. تمام ذرات کارهای ما تحت نظر خدای تبارک و تعالی است. و نامه اعمال ما به حسب روایات عرضه می‌شود به امام وقت؛ امام زمان - سلام الله علیه - مراقب ما هستند، مراقب روحانیت هستند که چه می‌کنند اینها. امروز که اسلام به دست آنها سپرده شده است و تمام عذرهای منقطع شده است، نمی‌توانند بگویند نمی‌توانستیم، نمی‌توانند بگویند نمی‌دانستیم، نمی‌توانند بگویند که رژیم شاهنشاهی ما را نمی‌گذاشت کاری انجام بدهیم. همه اینها مرتفع شده است، و اسلام به دست شما افتاده است، به دست روحانیون در سرتاسر کشور و تحت مراقبت شدید هستید؛ مراقبت خدای تبارک و تعالی و مراقبت فرشتگانی که مأمور این کار هستند. (۳۴۱)

۶۲/۳/۲۱

\* \* \*

از اول نقشه بود که اسلام را مثل مسیحیت که در کلیسا محبوس است، در مدرسه‌ها محبوس کنند. متأسفانه خودمان به این نوع تفکر کمک کردیم. به زبان آوردن کلمه «سیاست» جرم بود برای اینکه، القا کرده بودند که سیاست مال منحرفین است. اصولاً اساس اسلام از سیاست است. به وسیله پیغمبر اسلام و پس از آن تا مدت‌ها حکومت تشکیل داده می‌شد، و آنها تمام امور سیاسی را در دست می‌گرفتند، لکن در زمان ما کلمه و لغت سیاست را نمی‌شد به کار برد. (۳۴۲)

۶۲/۶/۲

از مسائلی که باید عرض کنم این است که جبهه‌ها محتاج به روحانی هستند، چنانچه همه مردم محتاج هستند که روحانیون آنها را هدایت کنند، ارشاد کنند، اگر توطئه‌ای در کار هست آنها آن توطئه را خنثی کنند. در جبهه‌ها، در شهرهای مرزی احتیاج هست به روحانیون. برای خدا روحانیون به جبهه‌ها بروند، به شهرهای مرزی بروند و مردم را هدایت کنند. شیاطین همه جا هستند، باید در مقابل‌شان جُندالله هم باشد. از جبهه‌ها مکرر این مطلب گفته شده است که روحانیون بیایند در اینجا، ما احتیاج داریم. و انصاف نیست که این جوان‌های عزیز ما در آنجا فداکاری کنند. و از شماها تقاضا کنند که بیایید ما را هدایت کنید، بیایید ما را خط هدایت بدهید و ما مضایقه کنیم. این هم یکی از اموری است که باید آقایان توجه به آن بکنند. و ایام محرم و صفر هم یک فرصتی است که می‌توانند آقایان بروند در آنجا، و می‌توانند در شهرهای مرزی، ولو به نوبت - در بعضی شهرهای مرزی می‌گویند که حتی برای عقد کردن هم روحانی نیست - ولو به نوبت باشد، آقایان در آن شهرها بروند یک ماه بمانند، بعد یکی دیگر یک ماه بمانند، مردم را هدایت کنند، امور شرعیه مردم را به آنها بگویند. (۳۴۳)

۶۲/۷/۱۳

\* \* \*

این مسائل به عهدهٔ علما و خصوصاً ائمهٔ جمعه است، که همه دست در دست یکدیگر بدهند تا انقلاب محفوظ بماند؛ و مثل زمان مشروطیت نشود که آنها که اهل کار بودند مأیوس بشوند و کنار بروند - که در زمان مشروطیت همین کار را کردند، و مستبدین آمدند و مشروطه خواه شدند و مشروطه خواهان را کنار زدند - و عده‌ای که با

اسلام سروکار ندارند به نام اسلام و پیروی از آداب اسلامی روی کار  
بیایند. (۳۴۴)

۶۲/۸/۴

\* \* \*

ما تَوْقَعْمَانِ این است که این آقایان که آمده‌اند این جا این طور نباشد که  
یک اجتماعی باشد و یک صحبت‌هایی باشد و یک قطعنامه‌هایی باشد  
و تمام شد و رفت، هر کس وقتی رفت سر جای خودش، مشغول  
کارهای خودش بشود. اگر ائمه جمعه اجتماع کردند در یک مرکزی،  
یا ائمه جمعه خارج را خواستند و اجتماع کردند، این جور نباشد که  
چند تا نطق باشد و چند تا صحبت باشد و حرف‌های خوب هم خیلی  
بزنند و قطعنامه هم بعد درست کنند و یک جایی را محکوم کنند و  
یک جایی را هدایت کنند و درش را ببندند و بروند منزلشان  
بنشینند؛ این، انسان را ناکام می‌کند. باید آن کسی که بخواهد یک  
جامعه را تهذیب کند، یک ملت را تهذیب کند، یک جمعیت کوچک  
را تهذیب کند، دنبال کند مسائل را. وقتی که در این جا یک اجتماعی  
شد برای اندیشمندان، یک اجتماعی شد برای مهمانان، اجتماعی شد  
برای ائمه محترم جمعه بلاد و سایر بلاد خارج، اینها بعد نقشه این را  
داشته باشند که وقتی رفتیم به محل خودمان، چه بکنیم، اگر شما صد تا  
اعلامیه صادر کنید و صد تا نطق بکنید و صد تا محکوم بکنید، بعدش  
دنبالش را نگیرید، این تمام می‌شود؛ یک صحبتی کردید، یک زحمتی  
کشیدید، نتیجه‌ای هم نبردید. اما اگر بنا باشد که هر کدام در هر محلی  
هستید، دنبال کنید مسئله را، مفاسدی را که دیدید واقع شده است  
بگویید به مردم، مفاسدی را که قدرت‌های بزرگ بر بشریت دارند  
می‌کنند، بگویید به مردم، مسائلی را که انگل‌های قدرت‌های بزرگ



دارند به مسلمین می‌کنند، بگویند به مردم، آنچه که در ایران دیدید، از بد و خوب هر دو را بگویند به مردم تا آنها بیدار بشوند. (۳۴۵)

۶۳/۱۱/۱۴

\* \* \*

من امیدوارم که خداوند به ما مرحمت کند و ما را بیدار کند، ما را بر احکام اسلام به همهٔ جوامعش، به همهٔ مطالبش، به همهٔ اطرافش بیدار کند و متوجه کند. خیال نکنید که اسلام فقط این تکه است؛ نماز و روزه است فقط، نیست این طور، اگر این طور بود پیغمبر هم می‌نشست توی مسجدش و نماز می‌خواند. چرا از اول عمرش تا آخر زحمت کشید، جنگ کرد، زد و خورد کرد، شکست خورد، شکست داد تا مسائل را آن قدری که می‌توانست عمل کرد. امیرالمؤمنین هم همین طور، دیگران هم همین طور، صلحا هم همین طورند، اشخاص بیدار این طورند. این طور نیست که بنشینند توی مسجد و کار به این کارها نداشته باشند. بنشینند توی خانه‌هایشان و کار به کسی نداشته باشند؛ بی طرف باشند؛ کاری ما به این کارها نداریم! اگر این منطق انبیا بود که موسی نمی‌رفت سراغ فرعون. اگر منطق انبیا این بود که ابراهیم نمی‌رفت هجمه کند بر آنها، پیغمبر این کار را نمی‌کرد. منطق انبیا این نیست. منطق انبیا این است که «اشداء» باید باشند بر کفار و بر کسانی که بر ضد بشریت هستند، بین خودشان هم رحیم باشند. و آن شدت هم رحمت است بر آنها. خداوند همهٔ ما را بیدار کند و به همهٔ [ما] و به همه شما ان شاء الله سلامتی و نصرت عنایت کند. این بشر مظلوم را از گرفتاری‌هایی که از دست این قدرت‌های بزرگ دارند می‌کشند، نجات بدهد و دین و دنیای همهٔ ما را حفظ کند. (۳۴۶)

۶۳/۱۱/۱۴

علمای هر ناحیه مسئولیت شان از سایر طوایف بیشتر است، اینها عذر ندارند، ممکن است که بسیاری از مردم عذر داشته باشند؛ یا عذر اینکه نمی‌دانستیم یا عذر این که نمی‌توانستیم که هیچ کاری نکنیم. روحانیون الآن در ایران هیچ عذری ندارند، برای اینکه، راه را می‌دانند و می‌توانند هم کار نکنند. اگر خدای نخواست، در بین روحانیون کسی از اشخاصی پیدا بشود که برخلاف عمل می‌کند، این یا از باب این است که با اصل مبنای اسلامی مخالف است یا نمی‌فهمد که این اسلام در اینجا وضعش چطور است. (۳۴۷)

۶۴/۲/۱۶

\* \* \*

برادران روحانی قویاً، با هم باشند و کناره‌گیری نکنند، همه در میدان باشند، با هم باشند. ما می‌خواهیم حفظ اسلام را بکنیم، با کناره‌گیری نمی‌شود حفظ کرد. خیال نکنید که با کناره‌گیری تکلیف از شما سلب می‌شود، تکلیف دو چندان است. باید در صحنه باشید، بیایید، همه روحانیت بیاید، کنار رفتن، از مکاید ابلیس است که نمی‌گذارد که همه با هم باشند. قدرت را روی هم بگذارید؛ ارتش، سپاه، بسیج و گروه‌های مردمی همه با هم باشید. اگر باشید با هم، خدای تبارک و تعالی نصرت می‌کند شما را. (۳۴۸)

۶۵/۳/۱۹

\* \* \*

یکی از فرصتهای بسیار مناسب و مغتنم برای روحانیون، ارتباط با صاحب‌نظران و اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی است. هر چند که استکبار جهانی، یا سران بعضی کشورهای اسلامی بشدت از

این نوع ملاقاتها و رابطه‌ها بیمناک و از آن جلوگیری و مراقبت می‌نمایند، ولی برنامه‌ریزی سالم و استفاده کردن از این موقعیت مناسب برای تبادل افکار و اندیشه‌ها و پیدا کردن راه حل برای معضلات جوامع اسلامی از خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است و در این فرصت مغتنم، روحانیون معظم و مسئولین تبلیغات حج برای انتقال تجارب انقلاب و ارائه خط مشی‌های سیاسی در پرتو احکام قرآن و نقش عظیم روحانیت اسلام در رهبری مردم و جامعه، نقش کارسازی باید ایفا بنمایند.

متأسفانه نه تنها مردم کشورها، بلکه روحانیون ممالک اسلامی اکثراً از کارآیی و نقش سازنده و تعیین کننده خود در مسائل روز و سیاستهای بین‌المللی بیخبر هستند و متأثر از القائات و برداشتهای مادی، تصور می‌کنند که در عصر تمدن و تکنیک و صنعت و تحولات علمی و پیشرفتهای مادی، نفوذ روحانیت کم شده است و نعوذ بالله اسلام از اداره کشورها عاجز مانده است، که بحمدالله پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت، خلاف این تصورات را ثابت نمود و علی‌رغم همه کارشکنیها و سنگ‌اندازیها و توطئه‌های شرق و غرب و حسادت و کینه‌توزی ایادی آنان، توانمندی و اقتدار روحانیت اسلام آشکار گردید. که من از تمامی علما و متفکرین و دانشمندان اسلامی سراسر جهان دعوت می‌کنم که در فرصتهای مناسب به کشور عزیز اسلامی ایران سفر کنند و در وضع گذشته این مملکت که نظام شاهنشاهی آن را به مملکتی غربزده و تهی از ارزشهای اسلامی مبدل ساخته بود و ایران می‌رفت تا پایگاهی برای اسلام‌زدایی و محو آثار رسالت گردد و از تاریخ تا فرهنگ و همه مظاهر اسلام نابود شود، فکر نمایند و همچنین به بررسی وضعیت کنونی بپردازند که اساس قوانین و مقررات این کشور را وحی و اسلام

معین نموده است و تمامی مظاهر کفر و شرک و معاصی علنی حتی‌المقدور بر چیده شده و علی‌رغم همه نغمه‌های شوم التقاطیها و چپها و راستها و ملیگراها که در روزهای اول پیروزی انقلاب و برای قبضه نمودن قدرت و تفکر ملت ایران از حلقوم آنان برمی‌خاست، خداوند بر ما منت نهاد که توطئه آنان کشف و در تمامی کشور ما قوانین و برنامه‌های اسلامی در حال پیاده شدن است و از میدانهای نبرد و کارزار گرفته تا مراکز تحقیقات علمی، دانشگاهها و حوزهها و از مجالس قانونگذاری و تدوین همه مقررات کشوری و لشکری تا قوه مجریه که دست‌اندرکاران حل و فصل بزرگترین مسائل اداری و اجرایی یک کشور بزرگ و در حال جنگ و محاصره و با جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است و از قوه قضاییه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت بار سنگین تأمین امنیت جان و نوامیس و اموال و شخصیت یک جامعه انقلابی را به عهده دارد تا فرماندهی قوای نظامی و انتظامی که مسئولیت امنیت مرزها و داخل کشور و خنثی نمودن صدها توطئه رنگارنگ به عهده آنان است و باید جلوی تخریب و جنایات منافقین و ضدانقلاب و اشاعه فحشا و منکرات و دزدیها و قتلها و مواد مخدر را بگیرند، که همه اینها با رهبری روحانیت متعهد و به برکت احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله - صلی الله علیه و آله وسلم - و پیروی از ائمه هدی - علیهم السلام - اداره می‌شود و خدا را سپاس می‌نهم که با تکیه بر آیات وحی و کتاب خدا توانسته‌ایم کشورمان را از وابستگیها نجات دهیم. البته تا پیاده کردن تمامی احکام و مقررات اسلامی و عمل کامل در همه سطوح جامعه راه زیادی در پیش داریم ولی به یاری خداوند همچنان به تلاش و کوشش خود ادامه می‌دهیم و در عمل به همه غریب‌دگان و سرفردگان و

خودباختگانی که از مطرح کردن شعار اسلام و اعتماد به قرآن کریم و اهمه داشته‌اند، نشان می‌دهیم که چگونه می‌توان جامعه را از سرچشمه‌های معرفت کتاب خدا و هدایت اسلام عزیز سیراب نمود، که بحمدالله همه اینها از برکات و ورود علما در مسائل سیاسی و استنباط احکام در مسائل مستحدثه بوده است، که روحانیت کشور ایران فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسائل روزمره اکتفا ننموده است و با دخالت در مهمترین مسائل سیاسی کشور خود و جهان توانسته است قدرت مدیریت روحانیت اسلام را به نمایش بگذارد و اتمام حجتی برای همه قائلین به سکوت و سازشکاران بی‌تعهد و علم فروشان بی‌عمل باشد و تعجب است که چگونه بسیاری از علما و روحانیون کشورها و بلاد اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است غافلند و عطش ملتها را درک نمی‌کنند و از التهاب و گرایش جوامع بشری به ارزشهای وحی بیخبرند و قدرت و نفوذ معنوی خود را دست کم گرفته‌اند، که در همین شرایط پر زرق و برق حاکمیت علوم و تمدن مادی بر نسل معاصر، علما و خطباء و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی با وحدت و انسجام و احساس مسئولیت و عمل به وظیفه سنگین هدایت و رهبری مردم، می‌توانند دنیا را در قبضه نفوذ و حاکمیت قرآن در آورند و جلوی اینهمه فساد و استثمار و حقارت مسلمین را بگیرند و از لانه کردن شیاطین کوچک و بزرگ خصوصاً آمریکا در ممالک اسلامی جلوگیری کنند و به جای نوشتن و گفتن لاطائلات و کلمات تفرقه‌انگیز و مدح و ثنای سلاطین جور و بدبین کردن مستضعفان به مسائل اسلام و ایجاد نفاق در صفوف مسلمین به تحقیق و نشر احکام نورانی اسلام همت بگذارند و با استفاده از این دریای بیکران ملتهای اسلامی، هم عزت خود را و هم

اعتبار امت محمدی - صلی الله علیه و آله وسلم - را پایدار نمایند. (۳۴۹)

۶۶/۵/۶

\* \* \*

من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القائنات روحانی نماها و مقدس‌مآبها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی نماها و به ظاهر عقلای قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزیهای بیمورد و ساده‌اندیشیها سبب مراجعت آنان به پستهای کلیدی و سرنوشت ساز نظام شود. (۳۵۰)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

به جامعه محترم روحانیت خصوصاً مراجع معظم، وصیت می‌کنم که خود را از مسائل جامعه خصوصاً مثل انتخاب رئیس جمهور و وکلای مجلس، کنار نکنند و بی تفاوت نباشند. همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دست سیاست‌بازان پیرو شرق و غرب، روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنجها بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست‌بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غربزدگان سپردند؛ و به سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبرانش احتیاج به زمان طولانی دارد. (۳۵۱)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولتها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرتهای بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید. و نیز ملتها را دعوت به وحدت کنند؛ و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند؛ و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده. و اگر این برادری ایمانی با همت دولتها و ملتها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند. به امید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود. (۳۵۲)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

### فقرستیزی و حمایت از محرومان

علمای اسلام موظفند با انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند؛ و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند، و در کنار آنها ستمگران غارتگر و حرامخوار در ناز و نعمت به سر ببرند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آنها را ملزم کرده که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستمدیدگان ساکت ننشینند و بیکار نایستند:

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبِ مَظْلُومٍ، لِأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا

بِكَأْسٍ أَوْ لَهَا؛ وَلَا لَفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ عَنزٍ<sup>۱</sup>.  
 سوگند به آنکه بذر را بشکافت و جان را بیافرید، اگر حضور یافتن  
 بیعت کنندگان نبود و حجت بر لزوم تصدی من با وجود یافتن نیروی  
 مددکار تمام نمی‌شد، و اگر نبود که خدا از علمای اسلام پیمان گرفته  
 که بر پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی جانکاه و محرومیت  
 ستمدیدگان خاموش نمانند، زمام حکومت را رها می‌ساختم و از پی  
 آن نمی‌گشتم. و دیدید که این دنیاتان و مقام دنیایی‌تان در نظرم از نمی  
 که از عطسه بزی بیرون می‌پرد، ناچیزتر است. (۳۵۳)

\* \* \*

یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده‌ی علما و فقها و روحانیت است،  
 مقابله‌ی جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و  
 مبارزه با سیاستهای اقتصاد سرمایه‌داری و اشتراکی در جامعه است،  
 هرچند که این بلیه دامنگیر همه ملت‌های جهان گردیده است و عملاً  
 بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در  
 زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده‌اند و حق  
 تصمیم‌گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و  
 علی‌رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین‌های حاصلخیز جهان و آبها و  
 دریاها و جنگل‌ها و ذخایر، به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند و  
 کمونیستها و زراندوزان و سرمایه‌داران با ایجاد روابط گرم با  
 جهانخواران، حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده‌اند و  
 با ایجاد مراکز انحصاری و چند ملیتی، عملاً نبض اقتصاد جهان را در  
 دست گرفته و همه راه‌های صدور و استخراج و توزیع و عرضه

۱. نهج‌البلاغه؛ خطبه ۳.



و تقاضا و حتی نرخ‌گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده‌اند و با القای تفکرات و تحقیقات خود ساخته، به توده‌های محروم باورانده‌اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الا راهی برای ادامه حیات پابرنه‌ها، جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یک لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندک هم از پرخوری و اسراف و تعیشها جانشان به لب آید. به هر حال این مصیبتی است که جهانخواران بر بشریت تحمیل کرده‌اند و کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریتها و وابستگی، به وضعیت آسفبار گرفتار شده‌اند که این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورند. البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق، بدون حاکمیت همه‌جانبه اسلام میسر نیست و ریشه‌کن شدن آثار سوء و مخرب آن، چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد، ولی ارائه طرحها و اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری‌ای از این جهت بر فقرا ندارند و ابداً اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلم راه شکوفایی و پرورش

استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرهنگان را فراهم می‌کند. و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را به بهانه فخرفروشی و مباحات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشهای متعالی و فرار از تملق‌گوییها می‌گردد و حتی بعض ثروتمندان را از اینکه تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می‌کند.

خلاصه کلام اینکه بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر از آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنگها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرهنگها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شبهات و القائنات خاتمه می‌دهد، که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است. (۳۵۴)

۶۶/۵/۶

\* \* \*

خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و

ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است، تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. از آنجا که محرومیت زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ما است، جهانخواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته‌اند و برای ناتوان ساختن دولت و دست‌اندرکاران کشور ما حلقه‌های محاصره را تنگتر کرده‌اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی - اقتصادی ظاهر ساخته‌اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت‌طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند و مسلم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملت‌های جهان به اسلام زیادتر می‌شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی‌شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بیدریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم. (۳۵۵)

۶۶/۵/۶

\* \* \*

آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پابرهنگان است؛ چراکه هرکسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده

است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده‌دار این مسئولیت بزرگ بدانیم. و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم. (۳۵۶)

۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

ای کاش همه تجاوزات جهانخواران همانند تجاوز شوروی به کشور مسلمان و قهرمان‌پرور افغانستان علنی و رودررو بود تا مسلمانان ابهت و اقتدار دروغین غاصبین را در هم می‌شکستند؛ ولی راه مبارزه با اسلام امریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد، کاملاً مشخص نشده است. و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است، که اگر این کار توسط حوزه‌های علمیه صورت پذیرفته بود، به احتمال بسیار زیاد سید عزیز ما، عارف حسین<sup>۱</sup>، در میان ما بود. وظیفه همه علماست که با روشن کردن این دو تفکر، اسلام عزیز را از ایادی شرق و غرب نجات دهند. (۳۵۷)

۶۷/۶/۱۴

\* \* \*

۱. شهید عارف حسین‌الحسینی، در سال ۱۹۴۲ میلادی در پیشاور پاکستان متولد شد. وی از روحانیون مبارز و مجاهد پاکستان بود و ریاست نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان را برعهده داشت و در سال ۱۳۶۷ ه. ش. مطابق با ۱۹۸۷ میلادی به دست وهابیون پاکستان به شهادت رسید.

صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتها و تلخیهایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارتها و تبعیدها، زندانها و اذیت و آزارها و زخم زبانها، شهدای گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند. (۳۵۸) ۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

امروز نیز همچون گذشته شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان از مصر و پاکستان و افغانستان و لبنان و عراق و حجاز و ایران و اراضی اشغالی به سراغ شیردلان روحانیت مخالف شرق و غرب و متکی به اصول اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - رفته‌اند و از این پس نیز جهان اسلام هر از چندگاه شاهد انفجار خشم جهانخواران علیه یک روحانی پاکباخته است. علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه‌داران در یک کاسه است. و خداوند کسانی را که اینگونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد. روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار

منت و ذلت نرفته‌اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پرفتوت آنان برای کسب معارف می‌کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگواری زیستند.

در ترویج روحانیت و فقاہت نه زور سر نیزه بوده است، نه سرمایه پول پرستان و ثروتمندان، بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده‌اند. مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط‌آمیز کنند. علمای راستین از بس که دروغ و فریب از جهانخواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آنها را می‌دادند. آیا رادیو و تلویزیون در کشورهای چون ایران و سائیلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و تلویزیون برای بی‌اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی‌نمود؟ به هر حال خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرتها و مهمتر از همه احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است و چه عزتی بالاتر از اینکه روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است و نهال مقدس فقاہت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است. (۳۵۹)

### حفظ وحدت<sup>۱</sup>

امید است با وحدت کلمه علمای اعلام اسلام و مراجع وقت - کثرالله أمثالهم - حفظ استقلال مملکت و قطع دست اجانب را نموده، از حریم اسلام و قرآن کریم دفاع کرده، نگذاریم دست خیانت به احکام مسلمة اسلام دراز شود. (۳۶۰)

۴۲/۱/۲۳

\* \* \*

اینجانب دست اخلاص خود را به سوی جمیع مسلمین، خصوصاً علمای اعلام و مراجع عظام - أطال الله بقائهم - دراز کرده، و از عموم طبقات برای صیانت احکام اسلام و استقلال ممالک اسلامی استمداد می‌کنم. و اطمینان دارم با وحدت کلمه مسلمین، سیما علمای اعلام، صفوف اجانب و مخالفین درهم شکسته، و هیچ‌گاه به فکر تجاوز به ممالک اسلامی نخواهند افتاد. ما تکلیف الهی خود را ان شاء الله ادا خواهیم کرد؛ و به إحدى الحسینین نایل خواهیم شد: یا قطع دست خائنین از حریم اسلام و قرآن کریم؛ و یا جوار رحمت حق جل و علا: **إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَرَمًا**. (۳۶۱)

۴۲/۱/۲۳

\* \* \*

من نمی‌دانم که این اختلافات سر چیست؟ سر دنیا هست؟ شما که دنیا نداشته‌اید؛ ما و شما که دنیا نداریم که سر دنیا این اختلافات را داشته

۱. لازم است اشاره شود بحث وحدت به مفهوم جامع آن، در یک مجموعه مستقل جمع‌آوری و تنظیم شده است. در اینجا عمدتاً به وحدت بین علما و روحانیون و وحدت حوزه و دانشگاه اکتفا شده است.

۲. من مرگ را جز سعادت و خوشبختی، و زندگی با ستمگران را چیزی جز رنج و نکبت نمی‌دانم؛ تحف‌العقول؛ ص ۱۷۴؛ تاریخ طبری؛ ج ۷، ص ۳۰۰.

باشید. همهٔ زندگی‌های ما را که روی هم بریزند، به مرتبهٔ زندگی اشخاص مرفه نیست. برای یک امر خیلی مبتدل و خیلی پیش پا افتاده آیا لازم است که آقایان قیام بکنند و با هم جبهه‌بندی کنند؟ و خوف این برود که سه دسته از آقایان در بعضی موارد بریزند به جان هم؟ شما احتمال نمی‌دهید که یک دستی در کار باشد برای اینکه این حوزه‌ها را مفتضح کند؟ از این مفتضح‌تر؟ شما احتمال نمی‌دهید که دشمن دنبال این مطلب باشد و دست داشته باشد در این مسائل، به طوری که شما ملتفت نشوید. از پشت یک حجابی باشد، با آن زرنگی‌هایی که آنها دارند و سیاستی که آنها دارند و خدعه‌ها و فریبی که آنها دارند، یک دستی دنبال این مطلب باشد، دست ناپاکی، و بخواهد شما را در جامعه مفتضح کند و بعد از افتضاح از بین ببرد، و مردم تشکر کنند بر اینکه این آخوندها از بین رفتند. احتمال این معنی نمی‌رود به صورت دیانت، به صورت عرض می‌کنم که مقدسی، به صورت ظاهرالصلاح، اشخاصی وارد بشوند در بین شما؛ یا اشخاصی اشخاص دیگری را که از خود شما هستند اغفال کنند؛ یا این اغفال شده‌ها در بین شما بیایند و یک مطلبی را پخش بکنند که به واسطهٔ این مطالب یک مفسده‌هایی پیدا بشود، علاوه بر این مفسده‌هایی که در حوزه‌ها انسان می‌بینند؟ (۳۶۲)

بین ۱۳۴۴ تا شهریور ۱۳۴۶

\* \* \*

اگر چنانچه شما خودتان حذف کنید خودتان را، و خود جامعه‌های علمی به جان هم بیفتند و هم را حذف کنند و فحش بدهند و تفسیق بکنند و تکفیر بکنند، و عرض می‌کنم هیاهو درست کنند و امثال ذلک، اگر ما خودمان را بشکنیم و خودمان را از بین ببریم، در



جامعه دیگر از قول ما اسلام قوت نمی‌گیرد؛ ما نمی‌توانیم پخش اسلام بکنیم.

این امانت است در دست ما آقا! خدای تبارک و تعالی دینش را امانتاً در دست ما - الآن اشخاصی که در اینجا هستیم، اشخاصی که در جاهای دیگر هستند - امانت گذاشته خدا این دیانت را؛ خیانت به این امانت نکنید. این جبهه‌بندیها خیانت است. مگر شما از دو دین هستید؟ مگر مذهب شما شعب مختلفه دارد؟ مگر مآلهای شما هر کدام به یک دینی دعوت می‌کنند؟ جبهه‌بندی یعنی چه؟ این دنبال آن مآ، آن دنبال آن مآ. اینها غلط است؛ اینها کفر است؛ اینها از کبایر، از اعظم کبایر است... شما چیزی ندارید که سر او دعوا کنید. سر دیانت است؛ دیانت هم که دعوا ندارد. الحمدلله دیانت دارید اما دیانت که دعوا ندارد. سر همه اینها به دنیا برمی‌گردد. انسان خودش را بازی می‌دهد که من در فلان جبهه که واقع شدم تکلیف شرعی اقتضا می‌کند! تکلیف شرعی اقتضا می‌کند که انسان اهانت کند به مسلمین؟! اهانت کند به مآ؟! اهانت کند به - عرض می‌کنم که - همجنس خودش؟! این تکلیف شرعی است؟! دنیاست آقا اینها! هواهای نفس است. (۳۶۳)

بین ۱۳۴۴ تا شهریور ۱۳۴۶

\* \* \*

من و شما که قدرتی نداریم، اگر از یک آخوندی، از یک مرجعی، بترسند، نه از دعای او می‌ترسند و نه از نفرین او می‌ترسند، کی آنها اعتقاد به دعا و نفرین دارند؟ آنها از ملتها می‌ترسند؛ می‌ترسند که اگر اهانتی به فلان بکنند ملتها بر آنها چه بشود. اگر ما به جان هم بیفتیم و من آن را تکفیر کنم، او من را تکفیر کند، هر دو مان ساقط بشویم،

خوب در بین ملت‌ها هم، ملت هم از دست ما می‌رود؛ چنانچه رفته است حالا؛ یک مقدار کمی از آن مانده، باقی‌اش از بین رفته. (۳۶۴)  
بین ۱۳۴۴ تا شهریور ۱۳۴۶

\* \* \*

از علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین انتظار دارم که با تشریک مساعی، قرآن و اسلام را از خطری که در پیش است نجات دهند. و از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و علمای اسلام را خواستارم. (۳۶۵)

۴۲/۲/۱۶

\* \* \*

کسی گمان نکند که، بشود با پخش یک چیزهای مسموم بتواند که بین علمای اسلام جدایی بیندازد؛ هیچ امکان ندارد این مطلب؛ ما همه با هم هستیم؛ ما برای ذب<sup>۱</sup> از اسلام و ذب از ایران و ذب از استقلال ایران و ذب از کیان اسلام، همه یک هستیم، یک حلقوم داریم. گمان نشود که خدای نخواست، بچه‌ها خیال کنند که اختلافی در کار هست. و من یک نصیحت می‌کنم به بچه‌های طلاب؛ طلاب جوان که تازه آمده‌اند و حاد و تندند؛ و آن این است که آقایان، متوجه باشید اگر چنانچه شَطْر کلمه‌ای به یک نفر از مراجع اسلام، شطر کلمه‌ای اهانت بکند کسی به یک نفر از مراجع اسلام، بین او و خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می‌شود. کوچک فرض می‌کنید؟ فحش دادن به مراجع بزرگ ما را کوچک فرض می‌کنید؟ اگر به واسطه بعضی از جهالت‌ها

لطمه‌ای بر این نهضت بزرگ وارد بشود، معاقبید<sup>۱</sup> پیش خدای تبارک و تعالی؛ توبه‌تان مشکل است قبول بشود، چون به حیثیت اسلام لطمه وارد می‌شود. اگر کسی به من اهانت کرد، سیلی به صورت من زد، سیلی به صورت اولاد من زد، والله تعالی راضی نیستم در مقابل او کسی بایستد دفاع کند؛ راضی نیستم. من می‌دانم، من می‌دانم که بعضی از افراد یا به جهالت یا به عمد می‌خواهند تفرقه مابین این مجتمع بیندازند. تفرقه بین این مجتمع معنایش این است که در اسلام خدای نخواستہ خلل واقع بشود؛ استعمار به آرزوی خودش برسد.

... همه مراجع از شصت به آن طرف هستند؛ دیگر می‌شود که این اشخاصی که ریششان را در اسلام سفید کرده‌اند، اینها خدای نخواستہ برخلاف مصالح اسلام عملی بکنند؟ نمی‌شود آقا. اگر یکوقت اختلاف اجتهاد در کار باشد؛ مثل سایر مسائل شرعیہ اختلاف اجتهاد در کار باشد، بچه‌ها و جوانها نباید دخالت بکنند؛ خطرناک است؛ دشمن بیدار است. گمان نکنید که فحش به یک نفر است؛ فحش به یک جامعه اسلامی است؛ اهانت به یک جامعه اسلامی است؛ و هُن وارد شدن بر یک جامعه اسلامی است.

من که اینجا نشسته‌ام دست تمام مراجع را می‌بوسم؛ تمام مراجع اینجا، نجف، سایر بلاد، مشهد، تهران، هر جا هستند، دست همه علمای اسلام را من می‌بوسم. مقصد بزرگتر از این است آقا. من دست برادری دراز می‌کنم به تمام ملت‌های اسلام، به تمام مسلمین دنیا؛ در شرق و غرب عالم هر چه مسلم هستند، من از اینجا دست برادری دراز می‌کنم و دست آنها را می‌فشارم. ما خاضع هستیم برای همه علمای اسلام؛ شما هم باید خاضع باشید؛ همه، همه، همه باید خاضع باشید. این هم امری است که به حضرات آقایان [گفتم]. البته نمی‌گویم

واقعه‌ای هست؛ ان شاء الله هیچ ابدأ نیست؛ اما جوانند، بچه‌اند، گاهی وقتها عصبانیتی پیدا می‌کنند از این امور. آقا ما اهل یک ملت، اهل یک مملکت، اهل یک دیانت، اهل یک بساط، همه بر خوان نعمت خدای تبارک و تعالی نشستیم؛ همه باید شکر این نعمت را بگزاریم که یک همچو مراجع بزرگ داریم؛ متشکر باشیم از خدا که یک همچو افراد برجسته داریم؛ قدردانی کنیم از آنها؛ عزت آنها، عزت اسلام است؛ اهانت به آنها اهانت به اسلام است. توجه داشته باشید، مبدا یکوقت خدای نخواست، یک اهانتی به یک مسلمی، یک اهانتی به یک مرجعی، یک اهانتی به یک مؤمنی بشود که خدای تبارک و تعالی راضی نیست؛ و من می‌ترسم که یکوقت خدای تبارک و تعالی ما را اخذ بکند، اخذ عزیز مقتدر. (۳۶۶)

۴۳/۱/۲۶

\* \* \*

اینجانب، که یک نفر از خدمتگزاران علمای اعلام و ملت اسلام هستم، در موقع خطیر و برای مصالح بزرگ اسلامی حاضرم برای کوچکترین افراد تواضع و کوچکی کنم، تا چه رسد به علمای اعلام و مراجع عظام - کثر الله امثالهم. لازم است جوانهای متعصب و طلاب تازه‌کار از زبان و قلم خود جلوگیری کنند؛ و در راه اسلام و هدف مقدس قرآن از اموری که موجب تشمت و تفرقه است خودداری نمایند. (۳۶۷)

۴۳/۸/۴

\* \* \*

این پیوستگی، قدم اول است که به رغم اجانب و نوکرهای چشم و

زبان بسته آنها، در راه آزادی ملتهای زیر دست برداشته شده، و اساس و زیر بنای شکست نهایی چپاولگران و عمال خبیث کسانی است که با تبلیغات مسموعه، سالیان دراز شما برادران و فرزندان ملت را مانند دشمنان به جان هم افکنده و هر کدام از دیگری بیزاری می جستند و در این میان دشمنان ستمگر ملتهای ضعیف، بر مرکب آمال به تاخت و تاز و بندکشیدن ملل اسلامی و مکیدن خون آنها با کمال امنیت و آرامش خاطر اشتغال داشتند.

اکنون که می بینم شما فرزندان عزیز، شاهراه اساس را یافته و بر پایه وحدت اسلامی به هم پیوسته اید، و نور تابناک قرآن مجید - دستور آزادی ملل ضعیف و راهنمای چگونگی نهضت مردان تاریخ و پیمبران پاک در هر عصری بر ضد ستمگران و استثمار و استعمارپیشگان - بر قلبهای شما پرتو افکنده است، به خود نوید می دهم که به خواست خدای بزرگ آتیه درخشان نزدیکی در انتظار ملل مظلوم است. (۳۶۸)

۱۳۴۶ ه. ش.

\* \* \*

ما هم اگر زنده باشیم کار از پیشمان می رود؛ اشتباه نکنید. منتها ما هر کدامان یک حکمی داریم. اگر صد میلیون آدم صد میلیون رأی داشته باشد، این نمی تواند کار بکند - *يُدُّ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ* اجتماع می خواهد؛ متفرقه ها کار از شان نمی آید. اگر امروز علمای ایران، قم، مشهد، تبریز، اصفهان، سایر ارجاء مملکت، اگر چنانچه اعتراض کنند به این مطلب و به این کثافتکاریهایی که اینها دارند می کنند، این جنایتکاریهایی که اینها دارند می کنند، این عیاشیهایی که اینها می خواهند راه بیندازند و مملکت را به باد فنا بدهند، ملت را به باد فنا

بدهند برای شهوات نفسانی خودشان، اگر اینها اعتراض بکنند، اعتراض دسته‌جمعی بکنند، شک نکنید که تأثیر می‌کند اما وقتی بنا شد که یکی برای یک جهتی، یکی برای یک جهتی، یکی تکلیف شرعی [را] اینطور می‌داند، آن یکی تکلیف شرعی‌اش را آنطور می‌داند، این مصیبت [است]. اینها مصیبت اسلام [است]. اسلام داشتن یک همچو معممینی برایش مصیبت است. مثل من معمم مصیبت است برای اسلام. (۳۶۹)

۵۰/۴/۱

\* \* \*

اگر علمای اسلام احساس مسئولیت نکنند و بپانخیزند، اگر اسلام واقعی که عامل وحدت و تحرک کلیه فرقه‌های مسلمین در مقابل بیگانگان است، و ضامن سیادت و استقلال ملل مسلمان و کشورهای اسلامی می‌باشد، به دست عوامل و ایادی اجانب همین طور در زیر پرده سیاه استعماری پوشیده بماند و آتش اختلاف و تشتت در میان مسلمین افروخته گردد، روزهای سیاهتر و نکبت‌بارتری برای جامعه اسلامی در پیش است، و خطر ویران‌کننده‌ای متوجه اساس اسلام و احکام قرآن می‌باشد. (۳۷۰)

۵۱/۱۲/۲۴

\* \* \*

بدخواهان و مغرضین بدانند با این دروغها و حيله‌ها نمی‌توانند بین روحانیون خلاف ایجاد کنند. کسانی که به روحانیون منتسب هستند و از اسلام و مذهب دفاع می‌کنند، لازم است از این دستجات مفسده‌جو تبری کنند و از مقام شامخ روحانیت دفاع کنند و از تفرق و

اختلاف احتراز کنند، و با هوشیاری نیرنگهای اجانب را خشتی کنند. از روحانیون عظیم الشان تقاضا دارم که با طبقات جوان به چشم عطوفت و پدری نظر کنند؛ و بر طبقات جوان است که در حفظ روحانیت و روحانیون معظم کوشا باشند. (۳۷۱)

مرداد ۱۳۵۶

\* \* \*

از آقایان هم - علمای اعلام هم - گله دارم. اینها هم غفلت از بسیاری از امور دارند. اینها هم از باب اینکه یک اذهان صافیه‌ای دارند، تحت تأثیر یک تبلیغات سوئی که دستگاه راه می‌اندازد واقع می‌شوند. هر روز یک الم شنگه درست می‌کنند برای یک امر جزئی. این امر بزرگ را، این امری که همه گرفتار آن هستیم، از آن غفلت می‌کنند و اینها را به غفلت وا می‌دارند؛ یعنی، دستهایی هست که یک چیزی درست می‌کنند، دنبالش یک صدایی راه می‌اندازند. هر چند وقت یک‌دفعه یک مسئله‌ای درست می‌شود در ایران. تمام وعاظ محترم، تمام علمای اعلام، وقتشان را که باید صرف بکنند در یک مسائل سیاسی اسلام، در یک مسائل اجتماعی اسلام، صرف می‌کنند در اینکه زید کافر و عمرو مرتد و او وهابی است. و عالمی که پنجاه سال زحمت کشیده، فقهش از اکثر اینهایی که هستند ثقیل تر است، می‌گویند وهابی است این. آخر اشتباه است این حرفها. آقا، جدا نکنید همه را از هم. شما همی، یکی یکی راهی کنار بگذارید و بگویید که اینکه وهابی است، این هم که بی دین است، این هم که نمی‌دانم چه، خوب چه می‌ماند برای ما؟!

پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - (عرض کردم من تاریخ درست نمی‌دانم اما اینهایی که به گوشم مانده) بعد از اینکه فتح حنین

کردند، دو مطلب است که آموزنده است برای اشخاصی که بخواهند چیز بفهمند؛ دو کار ایشان کردند - از قراری که در تاریخ است - یکی اینکه یکی از سران این کفار فرار کرد و رفت به جده که توی کشتی بنشیند و فرار کند. پیغمبر اکرم جبهه مبارکشان را - به حساب این نقل - دادند به کسی که ببر به او بده؛ من از او گذشتم، بیاورش. این ابوسفیان که تا آخر عمرش هم اسلام نیاورد [به] همین صورت بود. آن اولادش هم همین طور. آن ابوسفیان با این همه چیز و آن کفار قریش با آن همه کذا، غنائم را وقتی که آوردند، غنائم حنین را جنگ حنین را، وقتی که آوردند حضرت به اینها داد: صد شتر به این، صد شتر - سیصد شتر به این، چقدر شتر به این، چقدر چیز به اینها داد، با اینکه خوب حضرت می دانست که اینها کافرند، حضرت که می دانست اینها مشرکند. مقدسین ایستادند که آقا آخر ما چی داریم، اینها طماعند. حضرت فرمود که اینها شتر بردند، من همراه شما هستم. شما میل ندارید رسول الله به جای شتر همراه شما بیاید؟! شما ببینید چه بزرگی بود. چه آدم بزرگی بوده است این مرد. با قطع نظر از باب نبوت، مغز چه مغز عالی است. از آن طرف کفار قریش را آنطور استمالت می کند که اینها لا اقل اگر در باطن خبیث هستند، ظاهرشان ظاهر مسلم شود و بیایند بچسبند به اسلام. از این طرف هم آنهایی که اشکال می کنند، به آنطور نرم و خوب و قشنگ جواب می دهد و قانعشان می کند.

اینهایی که دارند الآن برای اسلام کار می کنند و چیز می نویسند و - عرض می کنم که - حالا حتماً یک خطایی هم کرده اند، خطایش را رفع بکنید. شما عالمید خطایش را رفع بکنید، طرد نکنید. آقا، ما امروز یک دانه آدم را لازم داریم، یک دانه هم برای ما غنیمت است الآن. در یک زمانی که همه قلمها و همه قدمها و همه تبلیغات بر ضد ماها هست، نه رادیو داریم که حرف ما را به کسی برساند، نه



مطبوعاتی داریم، نه مطبوعات آزاد است که بگذارند یک کلمه توی آن نوشته بشود، در یک همچو زمانی که ما دستمان بسته است، ما هیچ کار ازمان نمی‌آید، به این معنا که تبلیغاتی نداریم، راهی نداریم، در یک همچو زمانی ما هر فرد را لازم [داریم]. آنهایی که قلم را دستشان گرفته‌اند و دارند ترویج می‌کنند از شیعه، فرض کنید چهارتا هم غلط دارد، خوب غلطش را رفع بکنید؛ طرد نکنید، بیرون نکنید. شما دانشگاه را رد نکنید از خودتان. این دانشگاهیها فردا مقدرات مملکت دست اینهاست. تو که وزیر نمی‌شوی، من و تو که وزیر نمی‌شویم، ما که شغلیمان علی‌حده است. فردا مقدرات این مملکت دست این دانشگاهیهاست. اینها هستند که می‌آیند یا وکیل می‌شوند یا وزیر می‌شوند یا - عرض می‌کنم - چه می‌شوند. شما اینها را برای خودتان حفظ کنید. هی طرد نکنید؛ هی منبر نروید و بد بگویید. منبر بروید و نصیحت کنید. (۳۷۲)

۵۶/۸/۱۰

\* \* \*

من گله‌ام از آقایان هم این است که آقایان جدا نکنند این جناحها را از خودشان، جدا نکنند این جناحها را. این جناحها را با هم ربط بدهند. از این طرف هم، روحانیون باید قدر این جمعیتی که برای اسلام دارند کار می‌کنند، برای اسلام دارند چیز می‌نویسند [بدانند]. اینها را باید بیاورند توی کار. آقا، آغوشتان را باز کنید. نگویید که این دانشگاهی - عرض کنم که - فاسق و فاجر! و ... دائماً جدا نکنید. آنها شما را جدا کنند که این نمی‌دانم مرتجع است و قدیمی! کی آخوند مرتجع است؟ آخوند در صف اول پیشروها واقع است؛ این مرتجع است؟! شما هم از آن طرف بگویید که این نمی‌دانم دانشگاهی است، و این بی‌دین

است، و این نمی‌دانم چطور و فلان. نخیر، غلط است اینها. هر دو با هم دست برادری بدهید، دست برابری بدهید، مسائلتان را طرح بکنید. امروز یک فرجه پیدا شده. من عرض می‌کنم به شما یک فرجه پیدا شده. اگر این فرجه پیدا نشده بود، این اوضاع امروز نمی‌شد در ایران. یک فرجه‌ای است این. اگر الآن غنیمت بشمارند این راه، این فرصت است. این فرصت را غنیمت بشمارند آقایان. بنویسند، اعتراض کنند. الآن نویسند، احزاب دارند می‌نویسند، امضا می‌کنند. می‌نویسد، اشکال می‌کند، امضا می‌کند. شما هم بنویسید. (۳۷۳)

۵۶/۸/۱۰

\* \* \*

سلام به روحانیت مترقی شیعه که با هم پیوستگی زایدالوصف در مقابل سرنیزه عمال بی‌حیثیت اجانب ایستاده و از هیاهو و دست و پا زدنهای مذبحخانه آنها نهراسید. سلام به روحانیون و علمای اعلام مذهب از نجف اشرف تا سراسر ایران که با وحدت کلمه در مقابل ستمکاران و چپاولگران به جواب مثبت دست زدند. درود بر جوانان غیور حوزه علمیه بیدار قم و سایر حوزه‌ها که با سرفرازی به نهضت روحانیت ادامه و رونق دادند. (۳۷۴)

۵۶/۱۱/۲

\* \* \*

روحانیون محترم باید به طبقه جوان روشنفکر که در خدمت اسلام و کشور اسلامی است و به همین جهت مورد حمله عمال اجانب است، احترام گذاشته آنها را چون فرزندان عزیز و برادرانی ارجمند بدانند

و این قدرت بزرگ که مقدرات - خواه ناخواه - در دست آنها خواهد افتاد، از دست ندهند؛ و از تبلیغات سوئی که بر ضد آنها در این چند صد سال شده و آنها را در نظر بعضی طور دیگر جلوه داده‌اند تا از تفرقه استفاده هر چه بیشتر برند، احتراز کنند. و کسانی را که جهلاً یا از سوءنیت موجب دور نگه‌داشتن این طبقه مؤثر است از روحانیت، از خود برانند و به آنها اجازه ایجاد تفرقه ندهند و مطمئن باشند که با ضم این دو قدرت بزرگ پیروزی به دست می‌آید و با جدایی روی آن را نخواهند دید. (۳۷۵)

۵۶/۱۱/۲۴

\* \* \*

همه دست به دست بدهید. علی حده هر کس برای خودش یک سازی بزند، این غلط است؛ این شکست است. باید سازمان داده بشود به این قیام، به این نهضتی که الآن بالفعل موجود است. باید عقلای قوم، سران قوم، سازمان بدهند به این؛ یعنی روابط پیدا بشود بین همه جناحها. همه شهرستانها باید با هم روابط داشته باشند. باید مجالس در روز واحد [باشد]. یکی از اقسام روابط که من سابق می‌خواستم در قم ایجاد بکنم و نگذاشتند ایجاد بشود - خداوند اصلاحشان کند ان شاء الله. من بنا بر این گذاشتم که در تمام ایران، یک روز تعطیل، یک روز اجتماع باشد؛ اجتماع اهل علم. یعنی فرض کنید روز شنبه یا شب شنبه تهران یک اجتماع اهل علم باشد، خراسان اجتماع اهل علمی باشد، فلان ده هم اجتماع اهل علمی باشد، فلان جا هم [چنین] باشد. این یک سازمانی بود، نگذاشتند؛ نفهمیدند. (۳۷۶)

۵۷/۲/۲۳

\* \* \*

آقایان علما با همه جناحها، همه جناحها با آقایان علما، همه ملت با هم سازمان داشته باشد. سران قوم در یک وقت معین اجتماع داشته باشند با هم، که اگر یک روزی یک کلمه‌ای فرض کنید از یک جایی صادر شد، تمام با هم یک کلمه باشند، یک حرکت باشند اهالی ایران. (۳۷۷)  
۵۷/۲/۲۳

\* \* \*

ما همه موظفیم که روابط داشته باشیم؛ بین ما و خارج، بین جناحهای داخل و جناحهای خارجی، بین علمای اسلام با سایر علما، عظیمای مراکز با سایر علمای بلاد، بین علمای اسلام با احزاب. روزی نیست که حزب علی حده باشد و عالم علی حده. حزب خودش، هیچ کار ارزش نمی‌آید؛ عالم هم احتیاج دارد که احزاب باشند در کار. این دو طایفه هستند که مسلمین را باید با هم، مسلمین ایران را باید با هم جوش بدهند و همه با هم روابط داشته باشند و با صاحب‌منصبان هم باید روابط داشته باشند. ایجاد روابط باید باشد با صاحب‌منصبایی که شرافتشان از دست نرفته و شریف هستند. زیاد است باز بین اینها؛ زیاد است که خون دل می‌خورند بیچاره‌ها از این گرفتاری؛ با آنها هم باید روابط داشته باشند تا یک روزی که بشود قیام بشود و با قیام این آدم<sup>۱</sup> نباشد، ان شاء الله. (۳۷۸)

۵۷/۳/۱۰

\* \* \*

طلاب علوم دینی و دانشجویان با هم روابط دوستانه و فعالانه داشته باشند، و بر اساس به دست آمدن استقلال و آزادی و خلع ید غاصبان

۱. محمدرضا پهلوی.

از حقوق ملت در تمام ابعادش، به سایر طبقات ملت پیوندند. (۳۷۹)  
۵۷/۷/۱۶

\* \* \*

شما می‌بینید که الآن در ایران که یک وحدت کلمه - فی الجمله - پیدا شده است چطور لرزانده است همه تختها و تاجها را و همه ابرقدرتها را؟ همه به دست و پا افتاده‌اند؟ این را می‌بینید؟ می‌بینید که الآن در ایران که جناحها با هم نزدیک شدند یک قدری، دانشگاه با روحانیت نزدیک شده، روحانیت با دانشگاه نزدیک شده، بازار با دانشگاه و با روحانیت یکی شده‌اند - در صورتی که باز اختلافات فی الجمله‌ای هست و بعد عرض می‌کنم - شما می‌بینید که الآن یک وحدت فی الجمله‌ای که در ایران پیدا شده است، امریکا را آنجا متزلزل کرده و شوروی را آنجا متزلزل کرده؛ و این قلدرها هم در خود ایران به دست و پا افتاده‌اند و همین آدمکشیه‌ها و همین تشبثاتی که این مرد می‌کند برای همین است که می‌بیند که مردم با هم مجتمع شده‌اند و چه بکنیم که این اجتماع رفع بشود، چه بکنیم که به هم بزیم این را! (۳۸۰)

۵۷/۱۰/۳

\* \* \*

خدمت علمای اعلام و خطبای کرام و عموم اهالی محترم  
کردستان - ایدهم‌الله تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت، در این موقع که وطن ما حساسترین مراحل تاریخ را می‌گذراند و ملت مسلمان ایران با وحشی‌ترین دژخیمان شاه روبه‌رو هستند بر تمام طبقات محترم کشور است که با وحدت کلمه از کشور و اسلام عزیز دفاع کنند و دست خائنان و

جانیان را از آن قطع کنند که غفلت از وظیفه، موجب سستی نهضت اسلامی و -خدای نخواستہ- شکست آن می‌شود. (۳۸۱)

۵۷/۱۰/۲۴

\* \* \*

جدا کردند از مردم روحانیت را؛ منتها نقشه‌شان نگرفت. خواستند بکنند هر چه کردند [اما] خداوند: **وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ**<sup>۱</sup>. لکن یک جایی نقشه‌شان گرفت و آن جدا کردن روحانیت از دانشگاهها [بود]. یک روحانی حق نداشت، پیش خودمان حق نداشت که از دانشگاهی صحبتی بکنند... سراغ نمی‌دانم [دانشگاهی برود]. دانشگاهی هم آخوند به نظرش می‌آمد که یک موجود مضر است که انگلیسها آوردند گذاشتند اینجا! من خودم این را شاهد بودم. با دو نفر از آقازاده‌های محترم قم ما سوار اتوبوس بودیم، در چندین سال پیش از این می‌رفتیم. چند نفر دیگر هم سوار همان اتوبوس بودند. یکی‌شان به دیگری گفت که من حالا سالهاست که از این «هیکل»ها دیگر ندیدم - اشاره به ماها - بعد گفت اینها را انگلیسها آورده‌اند در نجف و آنجاها گذاشتند برای اینکه مردم را [گمراه] بکنند! در نظر دانشگاهی، آخوند یا درباری است یا بسته به انگلیس! در نظر شما هم این آدم دانشگاهی نمی‌دانم. [فرنگی مآب است!] جدا کردند ملت را بعضی‌اش را از بعضی؛ استفاده بردند از این جدایی. (۳۸۲)

۵۷/۱۱/۱۴

\* \* \*

ما گرفتاریهای زیاد داشتیم، و گرفتاریهای زیاد هم در راه داریم.

۱. و خداوند بهترین مکرکننده است (آل عمران/۵۴).

تاکنون آنقدر که عمل شده است و پیروزی بحمدالله حاصل شده است، رمز این پیروزی وحدت کلمه است. وحدت کلمه ایرانی‌ها - همه اقشار ایران - موجب شد که ابرقدرتها را به زانو درآورد؛ آن قدرت شیطانی را رَفُض کرد. قدرتهای بزرگ شیطانی که پشت سراو بوده‌اند، همه را رَفُض کرد، همه را کنار زد. این رمز وحدت کلمه است. این وحدت کلمه را باید حفظ کنید؛ و با حفظ وحدت کلمه تا آخر ان شاءالله خواهید رفت. باید همه آقایان، همه اقشار، همه کسانی که علاقه‌مند به اسلام هستند، علاقه‌مند به مسلمین هستند، علاقه‌مند به امام زمان - سلام‌الله علیه - هستند باید همه در صف واحد به مبارزه ادامه دهند، در صف واحد به نهضت ادامه دهند. این نهضت مقدس هست تا آن وقتی که ما به نهایت برسیم؛ به پیروزی نهایی که عبارت از رفتن همه قوای شیطانی و جانشین شدن قوای رحمانی در مملکتی که تعلق به امام دارد، تعلق به امام زمان دارد، تعلق به خدا دارد، تعلق به پیغمبر اسلام دارد. همه با هم، هم کلمه باید بشویم تا اینکه رَفُض کنیم این قوای شیطانی را؛ این قوای شیطانی که الآن دیگر در حال تزلزل هستند و حشاشه‌ای بیشتر از آنها باقی نمانده است. (۳۸۳)

۵۷/۱۱/۱۷

\* \* \*

حضرات آقایان! همه ما مسئول هستیم. روحانیون در درجه اول مسئولیت هستند. روحانیون باید بروند در بلاد و در جاهایی که دوردست است لازم است که بروند در دهات و قصبات و اعلام کنند مسائلی را که ما می‌گوییم. در جاهای دورافتاده ممکن است که یک اغفالهایی باشد، یک تبلیغات سوئی باشد. اینها در مراکز مثل تهران یا سایر بلاد عظیم نمی‌توانند تبلیغات خلاف بکنند، لکن در قرا و

قصبات دورافتاده، یک حرفهای غیرظاهر می‌زنند، غیر صحیح می‌زنند؛ مثلاً می‌گویند که اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلام باید از بین بروند! این خلاف اسلام است. اسلام اقلیتهای مذهبی را احترام گذاشته است؛ اسلام اقلیتهای مذهبی را در مملکت ما محترم می‌شمرد. و همین طور در اسلام بین شیعه و سنی ابداً تفرقه نیست؛ بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد. باید وحدت کلمه را حفظ کنید. ائمه اطهار ما سفارش کردند به ما که بییونید با هم؛ و با هم اجتماعمان را حفظ کنیم. و کسی که این اجتماع را بخواهد که به هم بزند، یا جاهل است و یا مغرض. و نباید به این حرفها گوش بکنند. برادران سنی ما نباید به یک تبلیغاتی که از طرف دشمنان اسلام می‌شود ترتیب اثر بدهند. ما با آنها برادر هستیم، آنها با ما برادر هستند. این مملکت مال همه ماست، مال همه ما. مال اقلیتهای مذهبی، مال مذهبیون ما، مال برادران اهل سنت ما. همه ما با هم هستیم. (۳۸۴)

۵۷/۱۱/۱۷

\* \* \*

ما در این نهضت اخیر آنچه را که می‌توانم بگویم بهترین ثمرات این نهضت است، این وحدتی [است] که حاصل شد بین قشرهای مختلف. دانشگاهی به روحانیین نزدیک شد، روحانیین به آنها نزدیک شدند، بازاری با همه اینها نزدیک شد، دهقان با همه اینها نزدیک شد. و شما الآن می‌بینید که در سرتاسر ایران تمام طبقات با هم همفکر و هم عقیده و یکصدا جمهوری اسلامی را می‌خواهند. و رمز موفقیت ما، که قدرتهای بزرگ دنیا را عقب نشانند و یک قدرت شیطانی مثل قدرت خاندان پهلوی را فرو ریخت، این رمز موفقیت



همین وحدت اقشار و وحدت کلمه بود. اگر بنا بود که قشر روحانی تنها می‌خواست به جنگ اینها برود خفه می‌کردند او را؛ نویسنده می‌خواست به جنگ آنها برود آنها را از بین می‌بردند؛ دانشگاهی می‌خواست این کار را بکند نمی‌توانست؛ بازار می‌خواست این کار را تنها بکند نمی‌شد؛ دهقان می‌خواست بکند نمی‌شد. اینکه همه چیز را ما به دست آوردیم، و ان‌شاءالله بعد هم به دست می‌آوریم، این برای همین پیوستگی است که بین اقشار ملت حاصل شد. و ما باید این همبستگی را نگه داریم. (۳۸۵)

۵۷/۱۱/۲۹

\* \* \*

بر شما مأمورین کردستان و علمای کردستان، به حَسَب وظیفه ملی و شرعی است که اگر چنانچه آنجا نغمه‌هایی از جُهل یا از مفسده‌جوها در این امور بلند شد، بدانید که این از حلقوم اجانب است. آنها می‌خواهند این اختلاف را ایجاد کنند تا باز برگردند به حال اول، منتها به فرم دیگر. باید بیدار باشید، باید هوشیار باشید، اسلام را در نظر بگیرید، قرآن را در نظر بگیرید؛ همه با هم - با دست واحد و ید واحده - همه با هم قیام کنید و اسلام را تقویت کنید. (۳۸۶)

۵۷/۱۲/۷

\* \* \*

من از روحانیت می‌خواهم با برادران خود در جهت گسترش مبانی مبارزاتی همکاری کنند و با آنان با مهربانی رفتار نمایند. من همه افرادی را که از من غیبت کرده یا به من اهانت نموده‌اند، عفو نمودم و از خدای تعالی برای همه طلب عفو می‌کنم و تقاضا دارم که آقایان ائمه

جماعت را - که از قرار مسموع تشریف نیاورده‌اند - به مسجد دعوت نمایند و احترام آنان را حفظ کنند. البته حساب کسانی که معلوم است در خدمت دستگاه ظلم بوده‌اند جداست. (۳۸۷)

۵۷/۱۲/۹

\* \* \*

اگر در قشر روحانی خدای نخواستہ مردم احساس کنند که این اختلافات برای دنیاست - برای دین که اختلافی در کار نیست، همه ما، همه ما یک دین داریم، یک قرآن داریم، اگر اختلافی پیدا بشود اختلاف روی اساس دنیاست، شیطان است که اختلاف می‌اندازد - اگر سایر مردم توجه کنند که مآلها روی هواهای نفسانی با هم مختلف هستند، طلبه‌ها روی هواهای نفسانی با هم مختلف هستند، مردم از شما رو برمی‌گردانند. [اگر] از شما رو برگردانند، اسباب شکست شماست؛ شکست شما شکست اسلام است. و وظیفه شما سنگین است. آقا! شما باید با اخلاق خودتان، با اعمال خودتان مردم را دعوت کنید. شما هادی مردم هستید. شما باید چراغ باشید. شما باید نور باشید. تهذیب کنید نفوس خودتان را. حب دنیا را از نَفْسِتان بیرون کنید، رأس کل خطیئه است. همه خطاها از حب دنیاست، از حب شهرت است. این حب را از دل خودتان بیرون کنید، بمیرانید این حب را؛ زنده بشوید به زندگانی اسلام: زندگانی الهی. شما الهی بشوید. وحدت پیدا بکنید. صفتان را واحد کنید.

دشمنها در کمین شما هستند، در کمین ملت ما هستند. دشمنها حالا فهمیدند که وحدتی که در ایران پیدا شده است، آنها را شکست داد. الآن بیشتر درصدد هستند برای اینکه چشیدند آن مزه‌ای را که وحدت داشت در بین ما. آنها عذاب او را چشیدند! الآن درصدد اینند

که شماها را متفرق کنند، از هم جدا کنند شما را: خودتان را از هم جدا کنند، شما را از قشرهای دیگر جدا کنند، دانشگاه را از دانشگاههای اسلامی - دانشگاه علوم قدیمه - جدا کنند، قشرهای متجدد و متنور را از شماها جدا کنند. چنانچه در دو بیست - سیصد سال به این طرف این نقشه بوده است. نقشه‌ای بوده است که ایران را ویران نگه دارند برای پیشرفت [خودشان]. شما مطالعه کنید کتبی که در این باب هست. ایران را نمی‌شود ویران کرد الا به ویران کردن جناحها؛ نمی‌شود فتح کرد الا به اینکه شما را از هم جدا کنند.

روحانیون با هم باید باشند؛ اینها همه لشکر امام زمان هستند: همه با هم. اگر خدای نخواست در صفوف شما یک خللی پیدا بشود، این خلل خلل شیطنی است، برای هواهای نفس است؛ و اگر این خلل پیدا بشود، در ملت خلل واقع می‌شود. در ملت اگر خلل واقع شد، آنهایی که در کمین هستند حمله خواهند کرد و شما را ازین خواهند کُتد. این دفعه اگر خدای نخواست اینها غلبه بکنند، نه از روحانی چیزی باقی می‌گذارند و نه از متنورالفکر، منورالفکر؛ نه از قشر جدید چیزی باقی می‌گذارند و نه از قشر قدیم. اینها فهمیدند که با این وحدت ما قدم برداشتیم استعمار را شکست دادیم؛ اما شکستی که اولش است. اگر چنانچه خدای نخواست یک خللی واقع بشود، خدای تبارک و تعالی از شما ناراضی است، از قشر روحانی ناراضی است. روحانی مبدأ امور است. اگر خللی واقع بشود: **إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ**؛ عالم فاسد عالم را متعفن می‌کند؛ تعفن عالم، عالم را متعفن می‌کند. در جهنم از تعفن عالم پناه می‌برند به آتش! و این **تَعْفُنْ تَعْفُنْ** توجه به دنیاست، توجه به مقام است، توجه به ریاست است. از این چیزها اجتناب کنید. (۳۸۸)

این را من حالا نمی‌گویم؛ نجف هم که بودم - و سابق هم، قبل از آن هم - می‌گفتم که ما این قشر روحانی را اگر از دست بدهیم شکست می‌خوریم. ماها دیگر عرضه نداریم؛ اینها هستند که می‌توانند کار انجام دهند. این قشر را نباید از دست بدهیم. روحانی هم گمان نکند که دانشگاهی چی! مقدرات مملکت ما دست دانشگاهیهاست. فردای امروز مقدرات مملکت ما دست اینهاست. این دو قشر با هم باید جور بشوند. این دو طایفه، که هر دو از منورالفکرها هستند لکن مع‌الأسف شما خیال می‌کنید که آنها فناتیک هستند، آنها هم خیال می‌کنند شما بی‌دین هستید - خیال می‌کردند - حالا نیست اینطور دیگر، این دو طایفه با هم مجتمع بشوند، رشد داشته باشند، رشد سیاسی داشته باشند، بفهمند که از غیر دارند هدایت می‌شوند، از اجانب دارند هدایت می‌شوند به اینکه «آن طایفه را کنار بگذار، اسلام منهای آخوند»، بفهمند که این مسئله چیزی است که از خارج دارد انجام می‌گیرد، اغفال می‌کنند شما را، از آن طرف هم آن طایفه بفهمند از اینکه دانشگاهی یک عضو مؤثری است که ما فردا همه چیزمان دست اینهاست، اگر ایران بخواهد یک سعادت پی‌دا کند با دست اینها سعادت پی‌دا می‌کند، اگر خرابی هم پی‌دا کند به دست اینها خرابی پی‌دا می‌کند، این دو قشر با هم متحد بشوند. توجه داشته باشند که مبادا در این هیاهویی که گاهی ایجاد می‌شود ایجاد اختلاف بشود. در این مسائلی که پیش می‌آید مبادا یکوقت یکی دستی باشد که بخواهد شماها را از هم جدا بکند. همه با هم باشید، همه با هم همکار باشید، همه این نهضت را پیش ببرید. (۳۸۹)

یکی از برکات این نهضت این بود که این قشرها را به [هم] نزدیک کرد. قشر دانشگاهی با قشر روحانی و طبقه جوان روحانی، اینها با هم نزدیک شدند، همکار شدند، و همه با سایر طبقات مردم نزدیک شدند، همکار شدند. و همه اینها در این کلمه که رژیم طاغوتی نباید باشد و باید یک جمهوری عدل اسلامی باشد، همه با هم مشترک شدند. غرض همه بود و مقصود همه این معنا بود. این نزدیک شدن این قشرها به هم، متحد شدن این قشرهایی که از هم جدا بودند، با تأیید خدای تبارک و تعالی و با اینکه همه مقصدشان یک مقصد الهی بود، این سد عظیمی که همه امکان نمی‌دانستند، ممکن نمی‌دانستند که این سد شکسته بشود، این سد را شکست. (۳۹۰)

۵۸/۴/۶

\* \* \*

قرآن کریم فرموده است: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**؛ این یک دستور است. دستور الزامی است، امر است؛ مشتمل بر یک امر است و یک نهی: مجتمع باشید با هم، به اسلام تمسک بکنید، همه با هم به اسلام تمسک بکنید، تفرقه بیتان نباشد. اینطور نباشد که ملتها، آنهایی که ناظر ما هستند، آنهایی که دشمن ما هستند و نظارت بر ما می‌کنند، بگویند که در هر شهری آن شلوغکار عبارت از معممین آن است! این برای ما سرشکستگی دارد. (۳۹۱)

۵۸/۴/۱۳

\* \* \*

به دانشگاه که می‌رفتند، [افراد] دستگاہی که مأمورند که این دو را از

---

۱. به ریسمان خدا همگی چنگ زنید و پراکنده نشوید (آل عمران/۱۰۳).

هم جدا کنند، راجع به روحانیین مطالبی می‌گفتند که مع‌الأسف جوانهای ما باورشان می‌آمد. پیش روحانیون که می‌رفتند مطالبی از دانشگاه می‌گفتند که آنها هم باور می‌کردند، و هر دو قشر غالباً غافل از این بودند که دارند آنها را به کجا می‌کشانند. هر دو قشر توجه نداشتند که آنها قصد این ندارند که یک دانشگاه خوبی درست بشود، یا یک روحانی خوب. آنها دنبال این بودند که این دو قدرتی که قدرت متفکر ملت هست و ممکن است که ملتها را اینها بیدار بکنند، اینها را از هم جدا بکنند. نه فقط جدا، طوری بکنند که مقابل هم بایستند، صف‌آرایی بکنند. آنها به اینها مطالبی بگویند، آنها به اینها، اینها سرگرم خودشان باشند و غافل از مسائل اصلی که بر ملت و مملکت می‌گذرد. (۳۹۲)

۵۸/۴/۲۴

\* \* \*

خطبای محترم و اهل منبر، مردم را به وحدت کلمه و ادامهٔ نهضت و تقوا و صبر انقلابی دعوت کنند، و از اختلاف و تفرقه - که اساس شکست و عقب ماندگی است - بترسانند. (۳۹۳)

۵۸/۵/۳

\* \* \*

امروز توطئه‌ها بیشتر و شاید دقیقتر باشد، و الآن توطئه است برای اینکه این قشر را از این قشر جدا کنند. در مشهد توطئه‌اش دارد پیاده می‌شود، در اصفهان هم شده است، در تهران هم هست، شاید قشرهای دیگر را هم فرو بگیرد.

سرچی دعوا دارید؟ سر اینکه یک نفر آدم آیا خیلی آدم خوبی

است، یا خیلی آدم بدی است؟ یک دسته‌ای بگویند بالای منبر و پایین منبر که این آدم کافر است، و یک دسته‌ای هم بگویند که این آدم مُسَلِّم است و از اولیا است؟ نتیجه چی؟ نتیجه این است که شماها، از اینها جدا، اینها از شما جدا. هر دو مقابل هم ایستاده‌اید و آن وحدت کلمه‌ای که داشتید از دست دادید، سر هیچی! سر هیچ وحدت کلمه را از دست بدهید، و جدا شدن شما از هم اسباب این می‌شود که سایر قشرها هم از شماها جدا بشوند، مختلف بشوند؛ این اختلافات اسباب این بشود که این نهضت نتواند کار خودش را عمل کند. آنکه همه خارجی‌ها می‌خواهند: آنی که شرقی‌ها و غربی‌ها همه می‌خواهند، این را که شماها از هم جدا و متفرق باشید. (۳۹۴)

۵۸/۴/۱۴

\* \* \*

اختلافاتی که در بلاد مختلفه من می‌شنوم که گاهی بین بعضی از مثلاً اشخاص هست، اشخاص روحانی هست، بسیار ناراحت کننده است. اختلاف ما سر چه بکنیم؟ ما به اختلافمان چه باید باشد؟ اسلام را همه قبول داریم. قرآن را همه قبول داریم. ائمه هدی را همه قبول داریم. طریق را همه می‌دانیم این است، راه همین است. همه مخالفت کردید با رژیم طاغوتی. همه موافقت کردید با جمهوری اسلامی. این اختلاف که گاهی شنیده می‌شود ان شاء الله صحیح نباشد اینهایی که من می‌شنوم، لکن اگر خدای نخواست اختلافی باشد، این به ضرر هم طرفین منازعه و هم اسلام تمام می‌شود. این جور گمان نشود که اگر من با شما مخالفت کردم، به ضرر شما تنهاست، به ضرر هر دویمان است؛ به ضرر هر دو روحانی مثلاً یک شهری؛ به ضرر روحانیت آن شهر است؛ به ضرر مطلق روحانیت است؛ به ضرر اسلام است. باید

بسیار توجه داشت به این معنا. اگر شما فرض کنید که در یک جایی که تشریف دارید دیدید که بعضی از اشخاص مخالف با بعضی هستند، خوب، ممکن است یک سوء تفاهمی باشد؛ ممکن است یک اشتباهاتی باشد. خود آقایان شهر و خود ائمه جماعت شهر و خود اهل منبر و خطبای شهر بروند پیش آقایان، از آقایان خواهش بکنند که اختلاف نداشته باشند؛ رفیق باشند؛ برادر باشند؛ با هم باشند. همه می‌خواهید که اسلام رشد بکند و ترقی. همه ما در پناه اسلام هر چه داریم هست. ما چیزی نیستیم خودمان، هرچه هست اسلام است. و ما در پناه اسلام اگر چیزی باشیم، هستیم. این اسلام را ما باید حفظش بکنیم و این اختلافات جزئی اگر باشد، در نظر توده مردم ممکن است که صحیح نباشد؛ ولو در نظر فرض کنید که زیدی که با عمر و اختلاف می‌کند، هر دویشان خودشان را مُجَقِّ می‌دانند. لکن باز هم که مُجَقِّ می‌دانند، چون انعکاسش در توده مردم یک انعکاس صحیحی نیست، ممکن است موجب این بشود که مردم از روحانیت یک قدری سرخورده بشوند و بگویند حالایی که دست اینها هم افتاده، همین است می‌بینید. دارند می‌گویند به ما اینها را؛ حالا هم که جمهوری اسلامی شده، اینها هم نتوانسته‌اند کاری بکنند؛ نمی‌توانند یک کاری انجام بدهند. (۳۹۵)

۵۸/۶/۱۷

\* \* \*

من به آقایان روحانین هم کراراً گفته‌ام، حالا هم عرض می‌کنم که اولاً مسئولیت شما زیاد است، مسئولیت بزرگی به عهده شماست. این ملت که همه دارند می‌گویند نایب‌الامام و نایب پیغمبر اگر خدای نخواست از شما یک انحرافی ببینند؛ این روحانیت را می‌شکنند.



روحانیت اگر شکسته بشود، اسلام شکسته شده است. روحانیت، اسلام را نگه داشته؛ اگر این شکسته بشود، اسلام شکسته می‌شود. اگر در این مقطع زمان به دست ما شکسته بشود، ما خیانت به اسلام و قرآن کردیم. خودتان را بپایید، متوجه باشید! اعمالتان را با اسلام تطبیق بدهید. اگر کسانی در بین شما خدای نخواستہ انحراف دارند، از صف خودتان خارج کنید.

و نصیحت دیگری که به آنها می‌کنم و کرده‌ام اینکه این قدرت دانشگاهی و طبقه جوان را حفظ کنید، در مقابل او نایستید، همه اهل یک ملتید؛ همه اهل یک کشور و خانه هستید؛ این خانه خودتان را هر دو حفظ کنید. مقدرات مملکت شما بعد از چندی به عهده این دانشگاههاست، اینها وزیر و نمی‌دانم چه خواهند شد؛ اینها را حفظشان کنید. همان طوری که به آنها عرض می‌کنم که این قدرت را از دست ندهند؛ به شما عرض می‌کنم که این قدرت را از دست ندهید، برادر باشید؛ با هم باشید. (۳۹۶)

۵۸/۶/۲۳

\* \* \*

جهات سیاسی زیادی در اجتماعات، جماعات و جُمعات، و خصوصاً اجتماع گرانهای حج می‌باشد؛ که از آن جمله اطلاع بر گرفتاریهای اساسی و سیاسی اسلام و مسلمین است، که با گردهمایی روحانیون و روشنفکران و متعهدان زائر بیت‌الله‌الحرام ممکن است طرح، و با مشورت از راه حلها مطلع، و در بازگشت به کشورهای اسلامی در مجتمعهای عمومی گزارش داده، و در رفع آنها کوشا شوند. و از جمله وظایف در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است؛ که خطبا و

گویندگان و نویسندگان در این امر حیاتی اقدام نمایند؛ و کوشش کنند در به وجود آوردن جبههٔ مستضعفین؛ که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار «لا اله الا الله» از تحت اسارت قدرتهای شیطانی اجانب و استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند، و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند. (۳۹۷)

۵۸/۷/۷

\* \* \*

برای پیوستگی بیشتر لازم است روحانیون عزیز قم و تهران و سایر شهرستانهای نزدیک به تهران در مراسمی که در دانشگاه تهران است، شرکت نمایند و همچنین روحانیون تمام شهرهای ایران در دانشگاه هر نقطه از ایران که بدین مناسبت<sup>۱</sup> مجلس بزرگداشتی برقرار کرده‌اند، شرکت نمایند و با حضور در دانشگاههای سراسر ایران و پیوستن به دانش‌آموزان و دانشجویان و استادان عزیز، توطئه‌های جدایی‌افکنانه بین این دو نیروی مترقی را خنثی کنند. (۳۹۸)

۵۸/۸/۱۰

\* \* \*

من از تمام قشرهای جوان دانشگاهی و مدارس علوم دینی و روشنفکران و دانشمندان و نویسندگان عاجزانه استدعا می‌کنم در این وقت حساس از هرگونه اختلاف دست برداشته و دشمن بزرگ را هدف قرار دهند. من امروز این امر را تکلیف شرعی الهی و وظیفه ملی می‌دانم. از خداوند تعالی وحدت کلمه ملت و عظمت اسلام و

۱. اشاره به روز ۱۳ آبان (روز دانش‌آموز).

مراجع عالیقدر و پیروزی ملت مسلمان را خواستارم. (۳۹۹)

۵۸/۹/۱۵

\* \* \*

این روزها حملات به روحانیت اصیل که برآستی چه در زمان شاه و چه در زمان پدرش از بارزترین اقشاری بودند که با قیامهای متعدد خود در مقابل فساد دستگاه به افشاگری و مبارزه پرداختند و مبارزات ضدشاهی - امریکایی را در طول مبارزات بر حق مردم شریف هدایت می‌کردند و به پیروزی رساندند، از طریق ایادی شاه و دارودسته‌اش گسترش پیدا کرده است. درست زمانی که روحانیت، مبارزه سرسختش را در سالهای ۴۱-۴۲ علیه شاه خائن شروع کرد، شاه روحانیت متعهد و مسئول را «ارتجاع سیاه» نامید، زیرا تنها خطر جدی برای او و سلطنتش روحانیون مبارزی بودند که ریشه در عمق جان مردم داشتند و در مقابل او و ستمکاری‌اش ایستادند.

درست اکنون ایادی شاه برای خرد کردن روحانیت که اساس استقلال و آزادی این مملکت است کلمه «ارتجاع» را در دهان فرزندانم که از عمق جریانات مطلع نیستند انداخته‌اند.

فرزندان عزیز و انقلابی‌ام! امروز توهین و تضعیف روحانیت ضربه به استقلال و آزادی و اسلام است. امروز راه شاه خائن را رفتن و کلمه ارتجاع را به این طبقه محترم که از نادرترین قشرهایی هستند که زیر بار شرف و غرور نمی‌روند، خیانت است. خواهران و برادران عزیزم! بدانید آنانی که روحانیون را مرتجع می‌دانند در نهایت راه شاه و امریکا را می‌روند. ملت شریف ایران با پشتیبانی از روحانیت اصیل و متعهد ایران که همیشه حافظ و سنگریان این مرز و بوم بوده‌اند، دین خود را به اسلام ادا می‌نمایند و طمع ستمکاران تاریخ را از کشور قطع

می‌نمایند. از طرف دیگر من به روحانین محترم در هر جا هستند اعلام می‌کنم، ممکن است شیاطین با ایادی خود تبلیغات سوئی علیه جوانان عزیز خصوصاً جوانان دانشگاهی بکنند، باید روحانیون بدانند که امروز تکلیف آن است که همه قشرهای ملت خصوصاً دو قشر معظم که مغز متفکر ملت هستند دست به دست هم داده و علیه قدرتهای شیطانی و مستکبرین کوشش نموده و در صف واحد، نهضت اسلامی را جلو رانده و استقلال و آزادی را چون جان عزیز خود نگهبانی کنید. نقشه جهانخواران و عمال آنان، جدا کردن این دو طبقه مؤثر متفکر در زمان رژیم طاغوتی بود و مع‌الأسف موفق شد و کشور را به تباهی کشاند، و آن نقشه بار دیگر در دست اجرا است که با غفلت جزئی رو به تباهی خواهیم رفت. امیدوارم که همه طبقات ملت بخصوص این دو طبقه محترم در این سال جدید از توطئه‌ها و دسیسه‌ها غافل نباشند و با وحدت کلمه نقشه‌های شوم را باطل کنند. (۴۰۰)

۵۹/۱/۱

\* \* \*

ما علاوه بر اینکه گرفتار امریکا هستیم و گرفتار شوروی هستیم، گرفتار بعض اشخاصی [هستیم] که دعوی اسلام می‌کنند؛ بعضیها که در رأس روحانیت بعضی ممالک واقع هستند، گرفتار آنها هم هستیم. آنها هم ما را تکفیر می‌کنند، آنها هم کلمات ما را تعبیر می‌کنند و دنبالش تکفیر می‌کنند. اینها اگر چنانچه واقعاً خطاکار هستند، خوب است که مطالعه کنند، بفهمند دارند چه می‌گویند و به نفع کی کار می‌کنند و اگر متعمد هستند و در مقابل یک کشور اسلامی، در مقابل یک کشوری که کوشش می‌کند که بین همه برادرها را متصل کند و

همه را با هم آشتی بدهد، و ما قبل از بیست سال به این طرف، دنبال این معنا بودیم که ممالک اسلامی، همه با هم برادر باشند، این او را تکفیر نکند، او این را تکفیر نکند. اینهایی که اینطور سمپاشی می‌کنند و مع‌الأسف در لباس مفتی هستند و یا مفتی اعظم هستند، اینها نمی‌دانند که این کارها بر ضد اسلام و بروفاق میل ابرقدرتهاست؟ اینها نمی‌دانند که دانسته یا ندانسته، برای ابرقدرتها دارند خدمت می‌کنند؟ چطور اینها در مقابل «سادات»<sup>۱</sup> و آنهمه جنایاتی که کرده است نمی‌ایستند و تکفیری ما نشنیدیم از آنها؟

اما ما که از امام مهدی که قوه اجرایی اسلام است صحبت می‌کنیم و می‌گوییم که عدل در زمان او فراگیر خواهد شد و از طرق خود آنها هم همین معنا هست که *يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا*<sup>۲</sup>، ما که راجع به آن می‌گوییم و می‌گوییم که انبیا موفق نشده‌اند اجرا کنند مقاصد خودشان را و خداوند در آخر زمان کسی را می‌آورد که اجرا کند مسائل انبیا را، این بیچاره‌ها برای خدمت به اجانب یا نفهمیده، تأویل می‌کنند که فلان گفته است که حضرت مهدی تتمیم می‌کند شریعت را. این بسیار ناگوار است برای ما. ما حضرت مهدی را یکی از افرادی می‌دانیم که تابع اسلام است، تابع پیغمبر اسلام است، لکن تابعی است که نور چشم پیغمبر اسلام است و اجرا می‌کند آن مطالبی را که حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه وآله و سلم - فرموده است. چرا باید اینها در حجاز، در کویت، در بعضی جاهای دیگر تأویل کنند حرفها را بر ضد یک مملکت اسلامی که کوشش دارد همه برادرها را با هم مجتمع کند و کوشش دارد دست ابرقدرتها را از سر این ممالک اسلامی کوتاه کند، آنها در خدمت ابرقدرتها دانسته یا

۱. اشاره به انور سادات، رئیس جمهور سابق مصر، که توسط سروان شهید خالد اسلامبولی در سال ۱۹۸۱ م. به هلاکت رسید.

۲. زمین را از عدل و داد پر می‌کند پس از آنکه از جور و ستم پر شده است؛ بحار الانوار؛ ج ۵۲، ص ۲۲۵، ح ۸۷.

ندانسته هستند و می‌خواهند که تفرقه بین مسلمین بیندازند. اینها نمی‌دانند که نباید تفرقه بین مسلمین انداخت و بر خلاف نص قرآن است؟ اینها مطلق نیستند یا اینکه در خدمت - خدای نخواستہ - ابرقدرتها هستند؟

ما می‌خواهیم که همه ممالک اسلامی اولاً، در محیطی که خودشان هستند، به حسب حکم اسلام، بین حکومت و بین مردم مخالفت نباشد و همه با هم باشند و ممالک اسلامی همه با هم باشند و همه متحد بشوند تا اینکه آسیبی برای آنها واقع نشود. شما دیدید که ما وقتی که در ایران ملت‌مان اتحاد پیدا کرد، چه قدرت بزرگی را شکست داد. ما می‌خواهیم که یک میلیارد جمعیت دنیا از مسلمین، اینطور با هم متحد بشوند. اگر متحد بشوند، نه قضیه‌ی قدس دیگر باقی می‌ماند و نه قضیه‌ی افغانستان و نه قضایای دیگر و اگر وعظ السلاطین بگذارند و اتحاد ما را به هم نزنند، ان‌شاءالله، پیروز خواهیم شد و دول اسلامی و ممالک اسلامی پیروز خواهند شد.

من از خداوند تبارک و تعالی، عظمت اسلام و مسلمین و وحدت کلمه اسلام و مسلمین را خواهان هستم و این عید سعید<sup>۱</sup> را باز هم به همه مسلمین و همه کشورهای اسلامی تبریک عرض می‌کنم. (۴۰۱)  
۵۹/۵/۲۱

\* \* \*

چه مجلس شورانگیزی است و چه اجتماع مبارکی! یک روز بود که دانشگاه و حوزه‌های علمیه نه آنکه از هم جدا بودند، جوی به وجود آورده بودند که با هم شاید دشمن بودند. نه دانشگاهی تحمل روحانی را داشت و نه روحانی تحمل دانشگاهی. اساس هم این بود که دو

۱. عید سعید فطر.

قشری را که با اتحادشان تمام ملت متحد می‌شوند از هم جدا نگه دارند، و با هم مخالفشان کنند تا ملت اتحاد پیدا نکند. بحمدالله در این نهضت اسلامی، این انقلاب اسلامی، این تحول بزرگ حاصل شد که هیچ یک از این دو طایفه خودشان را از دیگری ان شاءالله جدا نمی‌دانند. آن وحشتی که دانشگاهیها از معمم داشتند و آن وحشتی که معممین از دانشگاهیها داشته‌اند، به اذن خدای تبارک و تعالی مرتفع شد. و حالا شما برادران دانشگاهی و برادران روحانی در کنار هم برای رفع مشکلات و برای به پیروزی رساندن انقلاب مجتمع هستید. (۴۰۲)

۵۹/۹/۲۷

\* \* \*

حالا شما آقایان یک قدم برداشتید و این قدم پُر برکتی است و او اینکه آن دیوار بزرگی که بین شما کشیده بودند، آن سدّ عظیمی را که مابین به اصطلاح فیضیه و دانشگاه کشیده بودند، آن سد را شما شکستید. این قدم اول است که شما برداشتید، و قدمهای بعد، کوشش در اینکه از همه جهات مستقل باشید و وابسته نباشید. من این عرضی را که می‌کنم، خوب دیگر نمی‌توانم بعد ببینم شما را که به آن مرتبه رسیده‌اید. دیگر اواخر کار است برای من. اما من می‌گویم که دیگران و نسلهای آتیه‌ای که - ان شاءالله - می‌آیند متوجه باشند که این دو مرکز باید با هم باشند. و این دو مرکز باید علم و عمل، و علم و تهذیب را به منزله دو بالی بدانند که با یکی از آنها نمی‌شود پَرید، قدمهای بعد؛ تهذیب است. (۴۰۳)

۵۹/۹/۲۷

\* \* \*

ان شاء الله خداوند تبارک و تعالی، این قدمی را که شما عزیزان برداشتید و آن وحدت بین شما و دانشگاه و شما و روحانیون، این قدم را مبارک کند و توجه به این داشته باشید که حالا که شما نزدیک به هم دارید می‌شوید، نقشه‌هایی که برای جدا کردن شما از هم است، بیشتر به کار می‌افتد.

آن وقت جدا کرده بودند شما را از هم. یک دیواری کشیده بودند. شما آن طرف و آنها هم آن طرف. هر دو هم به هم بدبین و آنها هم استفاده‌اش را می‌کردند. حالا که می‌بینند که یک تحولی پیدا شده است؛ دانشگاهی متمایل شده است به روحانی، روحانی متمایل شده است به دانشگاهی، با هم هستند و می‌خواهند با هم کشور خودشان را به پیش ببرند، حالا شیاطین بیشتر در فکر هستند که روحانی را از یک طرف بکوبند و دانشگاهی را از یک طرف، و فساد کنند بین این دو تا. به آنها بگویند که اینها چطورند، به اینها بگویند آنها چطورند. چشمه‌ایتان را باید خیلی باز کنید. در این زمان چشم و گوشها باید خیلی باز باشد که یک وقت می‌بینید از داخل خود دانشگاه و از داخل خود فیضیه شما را به فساد می‌کشاند. شما را به تفرقه می‌کشاند، اینها نمی‌توانند ببینند. اینهایی که نمی‌خواهند این کشور یک کشور صحیح و سالم باشد، و اربابهای آنها که از اول هم نمی‌خواستند، نمی‌توانند ببینند که شما با هم مجتمع شده‌اید و می‌خواهید با هم کار کنید. آنها عواقب این امر را برای خودشان می‌دانند که اگر حقیقتاً دانشگاهی و حوزه‌های علمی و همه دانشگاهها در هر جا که هستند اینها با هم بشوند و با هم نقشه داشته باشند برای پیروز کردن انقلاب، این برای آنها چه عواقبی دارد. آنها این مطالب را مطالعه کرده‌اند، می‌فهمند و در صدد این هستند که نگذارند شماها با هم باشید. چشم و گوشتان را - چه دانشگاهیها و چه طلاب علوم روحانی - چشم و



گوشتان را باز کنید. و هر که به شما یک مطلبی بود گفت که در آن مسیر باشد، توجه کنید که این یک غرضی در آن هست. هر وقت آمدند گفتند روحانی چه جوری است، و هر وقت آمدند گفتند دانشگاهی چه جوری است، بدانید که این کاری که شما کردید، برای آنها سنگین دارد تمام می شود.

و باید - ان شاء الله - به پیش بروید و اشخاصی هم که هر کس در هر جا هست و می تواند خدمت بکند به این اجتماع و خدمت بکند به این دانشگاه و خدمت بکند به این فیضیه، باید خدمت بکند که آنها را، هم مهذب کند و هم عالم، متخصص و هم متحد. (۴۰۴)

۵۹/۹/۲۷

\* \* \*

نبادا در بین شماها کسی بیاید و از دانشگاه بخواهد انتقاد کند. و نبادا در بین دانشگاهیها بروند و از روحانیت انتقاد کنند. این انتقاد از اینها و انتقاد از آنها نه برای نفع شماست، و نه برای نفع آنها؛ بلکه برای نفع ابرقدرتهاست. آنها به این زودی دست از این کشورهای اسلامی بر نمی دارند و از ایران - که سرچشمه های نفت ما به جیب آنها بود و تمام مخازن ما به نفع آنها بودند و تمام اشخاصی که از آنها کاری انجام می گرفت به نفع آنها بودند - اینها الآن دستشان کوتاه شده است. و به این زودی از ما دست بر نمی دارند.

عزیزان من، برادران من، خواهران من! تمام قشرهای ملت توجه بکنید که جریانهایی در کار است که روحانین را در چشم مردم یک نحو دیگری جلوه بدهند؛ و مردم را از روحانیت جدا کنند، و دانشگاه را از روحانیون جدا کنند؛ و مقاصد خودشان را انجام بدهند؛ و لو بایک رژیم که به طور سالوسی در ملت ایجاد کنند؛ یعنی یک رژیم

به صورت صد در صد اسلامی و بیشتر از شما فریاد «وا اسلاما» بکشد، لکن در باطن منافق باشد و در باطن بر خلاف مصالح کشور عمل کند. امروز حیل‌های شیطانی قدرتهای بزرگ در کار است که ملت را از روحانیت جدا کند و اینها را از ملت جدا کند و اینها را از دانشگاه‌ها جدا کند و از قشر جوان ملت جدا کند. این همان نقشه‌ای است که آنها می‌خواهند که روحانیین منزوی بشوند در حجرات و در مساجد، و آنها کارهای خودشان را انجام بدهند. (۴۰۵)

۵۹/۱۲/۱۴

\* \* \*

من به شما و تمام نسلهایی که بعد از شما و ما خواهند آمد هشدار می‌دهم که ملت و روحانیت، دانشگاه و روحانیت، از هم جدا نشوند که جدا شدن اینها از هم؛ هلاکت ملت و هلاکت اسلام و هلاکت کشور است. (۴۰۶)

۵۹/۱۲/۱۴

\* \* \*

از متصدیان امور در جمهوری اسلامی؛ خصوصاً قشر روحانی تقاضا دارم که در تدبیر امور کشور و حل و فصل قضایا از خط اسلام به طور دقیق پیروی کرده و تحت تأثیر گروه‌گرایی و طرفداری از قشری و مخالفت با قشری دیگر قرار نگرفته و با عدل اسلامی و عطف متوقع از جمهوری اسلامی با مردم و مراجعین رفتار و حکومت اسلامی را در انظار واژگونه جلوه ندهند، و از سوء رفتار و کاغذبازیهای رژیم سابق شدیداً احتراز نمایند که جمهوری اسلامی ودیعه‌ای است الهی به دست همه ملت خصوصاً شما و مسئولیت شما

نزد خالق و خلق بسیار است. (۴۰۷)

۵۹/۱۲/۲۹

\* \* \*

طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بیخبر آنان از آن جمله و عاظ السلاطین که از سلاطین جور، سیاه‌روی‌ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند و گریبان چاک می‌کنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند، طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند. (۴۰۸)

۶۰/۶/۱۵

\* \* \*

الآن یک مسئولیت بزرگی به دوش همه ماها هست؛ همه ائمه جمعه، همه ائمه جماعت و همه علمای بلاد؛ یعنی، خدا دیگر عذر را برداشته است. اگر ما در چند سال پیش از این عذر داشتیم که خوب با سرنیزه که ما نمی‌توانیم مقابله کنیم، یک کلمه بگوییم حبس است، اینها خوب، یک عذر بود. امروز دیگر تمام عذرهای منقطع شده است؛ یعنی، خدا حجت را بر ماها تمام کرده است. نمی‌توانیم بگوییم که ما نکردیم چون نمی‌توانستیم. الآن همه شما توانایی دارید که هر کدام در محیط خودتان، آن محیط را اصلاح کنید. به اصلاح خودتان، و با تفاهم با مردم و تفاهم با مسئولین امور می‌توانید اصلاح کنید مسائل را. از این جهت ما همه‌مان موظف به این معنا هستیم که عملاً وحدت را [حفظ کنیم] بین این محلهایی که هستیم؛ حالا هر کدام، شهرها در

شهرها و دهاتیها در دهات و روستاییها در روستاها. اگر اینها همه با هم تفاهم کنند و تبلیغ بشود به اینکه ما همه باید با هم باشیم، ما همه باید با هم کار بکنیم - مثلاً - مسائلی که هست حل می‌شود و بحمدالله مردم هم حاضرند. (۴۰۹)

۶۰/۱۰/۲۲

\* \* \*

امیدوارم ائمه جمعه که در همه جا هستند، چه در مناطق برادران اهل سنت و چه شیعه، به این مسئله زیاد توجه کنند که الآن هم اشخاصی هستند که قصد اخلال دارند و می‌خواهند بین این دو قشر اختلاف ایجاد کنند و این یک مصیبتی است برای مسلمین که باز هم گاهی زمزمه می‌شود، ولی بحمدالله، کم شده است و توطئه اخلالگران شکست خورده است.

چند روز قبل نامه‌ای به من نوشتند که در بعضی از مناطق مثل سیستان و باختران، افرادی در مجالس مذهبی و در بعضی خطبه‌ها مسائل تفرقه افکنی را عنوان کرده‌اند که خود برادران اهل سنت هم به آنها اعتراض کرده و گفته‌اند: حالا وقت این حرفها نیست.

شما می‌دانید که آقایان اهل سنت و علمای شیعه مدتهاست که زحمت می‌کشند که تفرقه را کنار بگذارند و [با] کسانی که پیغمبرشان و دینشان یکی است همراه و برادر باشند، لکن افرادی کوشش می‌کنند که تفرقه ایجاد کنند و شما خوب می‌دانید که چه کسانی از تفرقه سود می‌برند.

شما به مردم توجه دهید که اینگونه کارها که از این قبیل افراد سر می‌زند، به نفع مسلمین نیست و آنها خیرخواه ما نیستند. اینگونه

کارها و این تفرقه‌ها خدمت به امپریالیسم و خدمت به دشمن است. (۴۱۰)

۶۱/۵/۲۵

\* \* \*

شما آقایان اساتید دانشگاه، علمای حوزه‌ها، این روابطتان را حفظ نکنید. یکی از خیانت‌هایی که به این کشور شد، جدا کردن فیضیه باصطلاح با دانشگاه بود. اساتید از ملاها می‌ترسیدند. می‌گفتند اینها هیچ‌اند. اینها تهی مغزند. اینها هیچی نمی‌دانند. حوزه‌های ما هم از دانشگاهیها می‌ترسیدند. می‌گفتند آنها بی‌دین‌اند همه‌شان. تفاهم وقتی بشود، من گمان می‌کنم امروز این جور نیست دیگر مسئله. وقتی که پای علما در دانشگاه باز شد و پای اساتید دانشگاه در حوزه‌ها باز شد، آن وقت می‌فهمند که چه جنایتی وارد شده است بر این کشور. وقتی که اساتید دانشگاه تشریف بردند به قم و با آقایانی که مشغول هستند به این کارها تماس گرفتند و با هم نشستند و مسائل را طرح کردند، آن وقت می‌فهمند که این قدر فریاد که زده می‌شود که اسلام یک فرهنگ غنی‌ای است در همه چیز. این اسباب این نمی‌شد که آن وقت در دیوارهای دانشگاه نوشته بشود که اسلام یک... یا به تعبیر این طور هم نباشد، نظیر این را. این برای این است که، تفاهم در کار نبوده است. از اول این طوری می‌خواستند درست بکنند دانشگاه را، و اطفال ما را از اول می‌خواستند به یک فرمی اینها را بار بیاورند که دشمن بشوند با اسلام، و با هر چه که مربوط به اسلام است. اسم آخوند را توی دانشگاه نمی‌شد ببری. اسم دانشگاهی هم در محیط فیضیه نمی‌شد ببری. هر یک از اینها اگر می‌رفتند آنجا، خودشان را غریب می‌دیدند. خودشان را هیچ می‌دیدند. می‌دیدند که به محیط

بدی وارد شده‌اند. این برای این بود که، این طوری درست کردند تا اینکه این دو جبهه‌ای که می‌توانند کشور را حفظ کنند و می‌توانند نجات بدهند از گرفتاریها، اینها دشمن هم بشوند. این سرکوبی او را بکند، او سرکوبی او را بکند، آنها نتیجه‌اش را بگیرند و نتیجه را گرفتند، دیدیم که گرفتند. آن قدر پافشاری در دشمن کردن این دو قشر، برای چه بود؟ آن قدر تبلیغات سوء از همه اطراف نسبت به این طبقه مظلوم علما و از آن طرف در آنجا، آن همه تبلیغات برای دانشگاهی و دانشگاه و اینها چه بود؟ برای چه این طور بود؟ آن برای این بود که، می‌ترسیدند که اگر اینها به هم نزدیک بشوند و تفاهم کنند و بفهمند که اسلام چه چیز است، اگر بروند این آقایان اساتید دانشگاه در حوزه‌های علمی و پیش اساتید ببینند که اسلام چیست و حشت نمی‌کنند آن وقت. آن وقت می‌فهمند که ما چقدر مصیبت کشیدیم در این دورانها و خصوصاً این پنجاه سال. برای اینکه ما با برادرهای خودمان دشمن بودیم. هر کدام دیگری را تضعیف می‌کردیم. شما توجه داشته باشید به این معنا که باید این پیوند بین دانشگاه و فیضیه برقرار باشد. بین حوزه‌های علمی قدیمی و حوزه‌های علمی جدید باید پیوند باشد تا بتوانید شما کشور خودتان را حفظ کنید. (۴۱۱)

۶۱/۶/۲۸

\* \* \*

مطلب دیگری که باز انسان را می‌ترساند که خدای نخواست، مبادا این انقلاب به واسطه این مطلب صدمه ببیند، و بدانید که می‌بیند اگر خدای نخواست بشود، و او این است که بین آقایان در بلاد اختلاف باشد. اگر در صنف - فرض کنید که - کامیونداران و آنهایی که شغل‌های مختلف دارند، اگر اختلافی در بین آنها وارد بشود، به صنف

دیگر سرایت نمی‌کند. کامیوندارها اگر با هم مختلف بشوند به بازار هیچ کاری ندارند، سرایت هم نمی‌کند، اما اگر در صنف ما اختلاف پیدا بشود، این اختلاف به بازار هم کشیده می‌شود، به خیابان هم کشیده می‌شود؛ برای اینکه شما هادی مردم هستید، مردم توجه دارند. قهراً یک دسته دنبال شما، یک دسته دنبال آن کسی که با شما مخالف است و یک وقت می‌بینید که در همه ایران یک اختلافی از ناحیه ما پیدا شده است، مایی که همه دعوت می‌کنیم به اینکه مردم با هم باشند. اتحاد کلمه، ملت را به اینجا رسانده است، خودمان اختلاف پیدا کنیم! و این را من به شما عرض کنم، ما و شما نباید خودمان را بازی بدهیم. اختلاف ریشه اش از حب نفس است. هرکس خیال می‌کند که من برای خدا این آقا را باهاش اختلاف می‌کنم، یک وقت درست بنشیند در نفس خودش فکر کند ببیند ریشه کجاست. حسن ظن به خودش نداشته باشد، سوءظن داشته باشد. ریشه همان ریشه شیطانی است که آن حب نفس انسان است. و این اختلاف اگر خدای نخواستہ در بین آقایان پیدا بشود، در هر شهری که پیدا بشود قهراً این اختلاف به بازار می‌کشد، به خیابان می‌کشد و آن چیزی که این جمهوری را حفظ کرده وحدت و انسجام این جمعیت است. یعنی ملت همه با هم بودند که توانستند یک همچو معجزه‌ای را ایجاد کنند. اگر چنانچه به واسطه اختلاف ماها یک وقت اختلاف به بازار هم بکشد که خواهد کشید، به خیابان‌ها هم بکشد، به اصناف دیگری هم بکشد، این تمام و زرش به گردن ماست. اینکه شما خیال کنید که نه، من برای خدا این آقا را مثلاً به او چه می‌کنم، این اشتباه است. برای خدا نیست. انسان گول نفس اماره خودش را می‌خورد و گول شیطان را می‌خورد. گول می‌خورد به اینکه چیزهایی که در دیگران است هی به نظرش می‌آید خیلی بد است، خیلی کار بدی دارد می‌شود، دارد اسلام از بین می‌رود،

برای اینکه یک قاضی در فلان جا چه کرده، این برای اسلام نیست. نباید ما خودمان را گول بزنیم. بنشینید آخر شب فکر کنید. محاسبه یکی از اموری است که در سیر انسانی باید باشد که در آخر شب فکر کند به اینکه - نمی‌گویم در من هست، من هم پایین تر از دیگران - حساب کند انسان به اینکه تو امروز که با این آقا اختلاف داری و حالا شدید دو دسته، یک دسته دنبال آن آقا، یک دسته دنبال آن آقا، ریشه‌اش چی است؟ برای خداست؟ این عیبی که شما دراو می‌گویید، در خودتان نیست؟ این چیزی را که در دیگران بزرگ می‌شمارید و در خودتان هر چه می‌توانید کوچکش می‌کنید و پرده پوشی می‌کنید، این عمل شیطانی نیست؟

اگر از اختلاف ماها، آن هم اختلافی که من شک ندارم در سر دنیاست، نه برای خدا، اگر این اختلافات موجب اختلاف بین مردم بشود و موجب این بشود که شکست بخورد جمهوری اسلامی و تا قرن‌ها نتواند سرش را بلند کند، این جرمی است که خدا می‌بخشد بر ما؟ باید توجه بکنیم ما. نباید ما هی به خودمان مغرور بشویم و حسن ظن به خودمان داشته باشیم که این ماییم که چه هستیم و دیگران نیستند. باید به دیگران ما حسن ظن داشته باشیم و اعمالشان را حمل به صحت بکنیم و نسبت به خودمان سوءظن داشته باشیم و اعمالمان را تفتیش بکنیم که برای چی است. (۴۱۲)

۶۲/۴/۲۸

\* \* \*

مبادا به واسطه اختلافی که گاهی بین ماها فرض کنید پیدا می‌شود، اختلاف کشیده بشود به جاهای دیگر و موجب بشود به اینکه یک وقت ملت دو دسته بشوند. یک دسته این، هر شهری دو دسته



بشوند، یک دسته طرفداران آن آقا، یک دسته طرفداران آن آقا، و فراموش نکنند - آن چیز را - خدای تبارک و تعالی را و فراموش نکنند انقلاب را. این دو تا مطلبی است که من نگرانش هستم و بسیار از اینها گاهی رنج می‌برم که می‌شنوم مثلاً در فلان جا بین فلان و فلان اختلاف هست. و بدانید که اختلاف، اختلاف سر اسلام نیست. اختلاف سر «من» هست، من اسلام را باید تقویت کنم، اسلامی که من تقویت کنم قبول دارم، اسلامی که رفیق من تقویت کند نه، او را من قبول ندارم. این در باطن ذات آدم هست ولو نگوید؛ نمی‌گوید البته اما در باطن ذات انسان این مسئله هست؛ مگر خدای تبارک و تعالی توفیق بدهد به انسان که خودش را مُهذب کند. (۴۱۳)

۶۲/۴/۲۸

\* \* \*

آنچه که امروز آنها دست به آن زده‌اند قضیهٔ ایجاد - به خیال خودشان - تفرقه است، مثلاً می‌گویند راه فلان مقام، خط فلان مقام چی است و خط فلان مقام هم مقابل اوست. دو مقامی که هر دو و سایر مقامات همه با هم هستند و در همهٔ چیزها با هم دوست و برادر هستند، و آنها خودشان می‌دانند که راهی جز همان راهی که همهٔ دارند ندارند، لکن ساده دل‌ها ممکن است که گاهی باور کنند. راه فلان حوزه چی هست، راه فلان حوزه چی هست، راه فلان آقا چی هست، راه فلان آقا چی هست، راه روحانیون فلان قسم شان چی است، راه فلان قسم شان چی است. خطوط مختلفی آنها عرضه می‌کنند و به مردم می‌خواهند بیاورانند که یک همچو مسائلی هست در ایران و اینها هر کدام یک خط خاصی دارند، در صورتی که مسئله اینطور نیست، هیچ خطی جز خط اسلام در ایران نیست و همه با هم در یک خط هستند....

امروز همه مقامات با هم هستند، همه رؤسای که در کار هستند، همه اینها با هم هستند و همه برای اسلام دلسوزی می‌کنند و برای اسلام حرکت می‌کنند، خطوط مختلفی ما نداریم در ایران. اینها افتراپی است که دشمن‌های ما و ایادی آنها درست می‌کنند. بعد از اینکه مایوس شدند از قیام مسلحانه، و مایوس شدند از حمله و از راههای مختلفی که تاکنون اعمال کردند، حالا این هم یک راهی است که پیش گرفته‌اند، که «حوزه علمیه قم» چه می‌گوید و حوزه «روحانیت مبارز تهران» چی می‌گوید، و رؤسا، فلان رئیس با چند نفر یک راهی دارند، فلان رئیس با چند نفر راه دیگری دارند، روحانین هر جا یک مطلبی دارند، در صورتی که مسائل این نیست. من می‌دانم که شما خودتان هم می‌دانید این را، لکن ساده دل‌ها ممکن است که باور کنند.

تاریخ یک درس عبرت است برای ما. شما وقتی که تاریخ مشروطیت را بخوانید می‌بینید که در مشروطه بعد از اینکه ابتدا پیش رفت، دست‌هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم بندی کرد. نه ایران تنها، از روحانیون بزرگ نجف یک دسته طرفدار مشروطیت، یک دسته دشمن مشروطه، علمای خود ایران یک دسته طرفدار مشروطه، یک دسته مخالف مشروطه. اهل منبر یک دسته بر ضد مشروطه صحبت می‌کردند، یک دسته بر ضد استبداد. در هر خانه‌ای دو تا برادر اگر بودند، مثلاً در بسیاری از جاها این مشروطه‌ای بود، آن مستبد. و این یک نقشه‌ای بود که نقشه هم تأثیر کرد و گذاشت که مشروطه به آن طوری که علماء بزرگ طرحش را ریخته بودند، عملی بشود. به آنجا رساندند که آنهایی که مشروطه خواه بودند به دست یک عده کوبیده شدند. (۴۱۴)

باید مردم توجه کنند، و خصوصاً روحانیون، روحانیون مبارز تهران، مدرسین محترم قم، روحانیون مشهد، اصفهان، همه جا توجه کنند که مسئله، مسئله مشروطه نشود. مسئله این نشود که یک دسته برای خاطر اینکه یک کاندیدایی دارند، دیگران را بکوبند، آن دسته هم برای همین کاندیدای خودشان، این را بکوبند.

اگر همه برای خدا هست، با هم تفاهم کنید. البته تبلیغ هیچ مانعی ندارد، لکن مثل مشروطه نشود. آن طور نشود که هر کدام دیگری را بکوبند و آنی که دشمن ما می خواهد، خطوط مختلفه را در انتخابات عملی کند. شما همه می خواهید که اسلام در این مملکت تحقق پیدا کند، همه می خواهید که این جمهوری اسلامی ادامه پیدا بکند، ادامه این به این است که شما در مواردی که می بینید که دارند شیاطین نقشه می کشند و توطئه می کنند تا شما را به جان هم بیندازند، بنشینید با هم و تفاهم کنید و آنها را مایوس کنید. (۴۱۵)

۶۲/۷/۱۳

\* \* \*

شما با روابطی که اکنون با حوزه های علمیه دارید، خدمات زیادی می توانید انجام دهید. شاید شما توجه نداشته باشید که در مدت سلطنت رضاخان و پسرش، که من از اول تا آخر شاهد آن بودم، چقدر بر حوزه های علمیه فشار وارد می کردند تا حوزه های در کار نباشد. از یک طرف درها را باز کردند و گفتند هرکس به طرف ما بیاید چه می کنیم و چه خواهیم کرد، و از طرف دیگر به قدری روی طلبه ها فشار بود که نمی توانستند روز در حجره هایشان بمانند و می بایست قبل از طلوع آفتاب بیرون رفته و بعد از غروب آفتاب برگردند که الحمدلله موفق نشدند. و حوزه های علمیه باقی ماند و با همان وضع

اول حفظ گردید که الآن نیز باید به همان گونه حفظ گردد. و دانشگاه‌ها با حوزه باید روابط داشته باشند و مسائلشان را با یکدیگر مبادله کنند. (۴۱۶)

۶۲/۸/۲۴

\* \* \*

هزاران شکر خدای متعال را که با دست عنایت خود تحولی در این ملت عظیم الشان ایجاد فرموده که همه اقشار آن به هم پیوسته و یگانه شده‌اند و با اتکال به قدرت الهی در مقابل همه ایستاده و از این هیاهوها و چنگ و دندان نشان‌دادنها به خود هراس راه نمی‌دهند و هر روز مصمم‌تر و مهیاتر برای دفاع از آرمانهای اسلامی هستند. در این حال، تکلیف و وظیفه همگان بویژه روحانیون معظم و مجلس محترم و دولت و سران قوای مسلح بسیار حساس و سنگین است. اینان حافظان این وحدت و انسجامند، و با اعمال شایسته خود می‌توانند اسلام و کشور را از میان این فتنه‌های غم‌انگیز نجات دهند. شک نیست که مقدم بر هر چیز وحدت و انسجام خود حضرات نمایندگان و دست‌اندرکاران و پشتیبانی هر قشر از سایر اقشار است. امروز با وضع حاضر جهان نسبت به ایران، اختلافات و تفرقه در داخل هر قشر یا قشری با اقشار دیگر که ناچار به اقشار ملت نیز سرایت می‌کند سم مهلکی است که اول خود و در پی آن کشور و ملت و بالاتر از همه اسلام بزرگ را به خطر نابودی می‌کشاند. و در عصر حاضر و وضع موجود گناهی عظیم‌تر و جنایتی هولناک‌تر از آن نخواهید یافت. حضرات علمای اعلام و ائمه جمعه - کثرالله امثالهم - توجه کنند که گاه یک جمله آنان یا یک مصاحبه و خطبه، جمهوری اسلامی را در سطح جهان زیر سؤال می‌برد، و در داخل فاجعه

می‌انگیزد و منشأ اختلاف و تفرقه می‌شود و موجب تضعیف سپاه و ارتش و سایر قوای مسلح می‌شود؛ یا موجب اختلاف بین سپاه و ارتش و سایر قوای مسلح می‌گردد؛ که خدای نخواستہ منتهی به از بین رفتن زحمات چندین ساله خود آقایان می‌گردد؛ و یا موجب تضعیف و دلسردی دولت خدمتگزار می‌شود؛ و با شکست خوردن دولت، پایه‌های جمهوری اسلامی متزلزل می‌شود. (۴۱۷)

۶۳/۳/۷

\* \* \*

گویندگان در مجالس، اهل منبر، اهل علم، خطبای جمعه، کسانی که قبل از خطبه صحبت می‌کنند بدانند که مسئله‌ای که بنده را ناراحت کرده است و می‌کند این است که در این کشور اختلاف ایجاد بشود. آن روز من برای رفع اختلاف یک کلمه گفتم، دنبالش یک مسائلی پیش آوردند که خودش اختلاف انگیز بود. امروز من عرض می‌کنم که آقایانی که در منابر در این ماه مبارک یا بعدش، فرق نمی‌کند، خصوصاً ماه مبارک که بیشتر منبر می‌روند و بیشتر صحبت می‌شود، بدانند که اسلام از آنها می‌خواهد که با هم باشید. (۴۱۸)

۶۳/۳/۹

\* \* \*

امریکا می‌داند که عرضه این را ندارد که در ایران وارد بشود یک کاری انجام بدهد، خودش هم می‌داند، این را خودشان هم گفتند که ما نمی‌خواهیم که سربازهای امریکا در خلیج از بین بروند، آقایان هم گفتند این را. آنها این مسئله را ظاهر می‌کنند که با هو و جنجال ما را از میدان بیرون کنند، آنها خوفی ندارد. آنی که خوف دارد این است که با

این شیطنتها، ایادی آنها که باز هستند در کشور، با این شیطنتها ایجاد اختلاف کنند، دو دسته کنند، یک دسته از آن ور، یک دسته از آن ور. بین علمای بلاد اختلاف ایجاد کنند، دو دسته بشوند. اختلاف علما اختلاف ملت است، نه اختلاف افراد. اگر یک عالمی که در یک شهری نفوذ دارد مردم چشم و گوششان به آن است، با یک عالم دیگری که آن هم نظیر اوست، اختلافشان ظاهر بشود، اختلاف سلیقه را برسانند به اختلاف در جمعه‌ها و جماعات و در جاهای عمومی، این همچو نیست که اختلاف زید و عمرو است، این یک اختلافی است که هر شهر را دو قسمت می‌کند، دو بخش می‌کند، یک بخش از آن ور، یک بخش به این ور، و این کم کم اضافه می‌شود. دشمنهای ما هم حوصله‌شان خیلی زیاد است، حالا نقشه می‌کشند برای پنجاه سال دیگر. این همین طور کم کم جلو می‌رود، این فساد جلو می‌رود تا یک روزی که مهیا بشود کشور برای اینکه در داخل خودش یک انفجار حاصل بشود از ایادی آنها. ما از این غافل نباید باشیم. (۴۱۹)

۶۳/۳/۹

\* \* \*

خود ما متوجه باشیم که کارهایی انجام بدهیم و طریقه‌هایی را انتخاب کنیم که به طور سلامت با هم برخورد کنیم. اگر هم اشکال داریم، مثل اشکال طلبه‌های مدرسه با هم رفتار کنیم، دوستند با هم. خوب! آقایانی که بسیاریشان اهل مدرسه‌اند، دوست‌اند، رفیقند، برادرند، سر یک مبحثی داد و قال هم با هم می‌کنند، بعد از اینکه مباحثه تمام شد، با هم می‌نشینند چای می‌خورند و دوستی می‌کنند. شما با هم دشمنی ندارید. شما همه یک مقصد دارید و آن این است که به آن چیزی که اسلام فرموده است برسید. امید است که برسید ان شاء الله.

وقتی مقصد واحد باشد و مقصود همه یک مطلب باشد و آن اسلام، باید فکر بکنید که اگر یک صحبتی بر خلاف باشد که یک وقت خدای نخواستہ به حیثیت جمهوری اسلامی صدمه بزند، از آن جلوگیری کنید، خودتان را بازدارید از او. در عین حالی که در همه جا باید مناقشه باشد، لکن مناقشات طلبگی، مناقشات علمی. در محضر علمای بزرگ هم مثل میرزای شیرازی<sup>۱</sup> که دو تا درس - از قراری که برای من نقل کردند - دو تا درس ایشان می گفتند و پنج ساعت هم طول می کشید، همه داد و قالها بوده است، اما مخاصمه نبوده، مباحثه بوده. یک وقت مخاصمه هست، این طرف می خواهد او را بگوید، آن طرف می خواهد او را بگوید، این، نه راه اسلام است، نه مقصد اسلامی می تواند داشته باشد، مقصد اسلامی نمی شود. یک وقت مباحثه است و مطلب را گفتن است و صحبت کردن، این البته باید باشد. باید معایب را گفت، باید دنبال مطلب رفت، باید نقایص را گفت، لکن روی هم رفته ما باید همه امور را بسنجیم، یعنی، وضع امری ما با دنیا و گرفتاری ما در دنیا و در کشور خودمان. با این وضع ما باید برخورد بکنیم، یعنی، با این دید که مسائل را روی هم بریزیم و جنبه های مخالف و موافقش را با هم جمع بکنیم و درست تأمل بکنیم و تعمق بکنیم و آن وقت وارد کار بشویم. (۴۲۰)

۶۳/۵/۱۸

\* \* \*

دنبال این باشید که دائماً درصدد این باشید که اخوت خودتان را حفظ کنید.

بین خودتان اخوت ایجاد کنید، روحانیون در فکر این باشند که

همه با هم اخوت داشته باشند و ملت را داشته باشند و حفظ کنند. ملت هم باید فکر این معنا باشند که همه با هم با روحانیون و غیر آن، همه با هم باشند. مادامی‌که این وضع از برای شما باشد، شما پیروزید. (۴۲۱)

۶۴/۲/۴

\* \* \*

شما باید اجتماعتان را حفظ کنید. روحانیون باید اخوت روحانیتیشان را حفظ بکنند.

... بین خودشان برادر باشند، رفتار، رفتار برادری باشد. اجتماع داشته باشند، در هر شهری با هم در هر هفته یک روز، دو روز با هم مجتمع باشند، مسائل خودشان را بگویند. اگر یک خیالی دارند، اگر یک کاری دارند او را بگویند، حل کنند بین خودشان و هیچ وقت یک مسئله ای را به خطبه های نماز جمعه نکشانند، چه اشکال داشته باشند به فلان استاندار، فلان حاکم یا فلان وزارتخانه و چه اشکال داشته باشند به فلان آدم یا فلان شخص. این جای خطبه نماز جمعه، جای دعوت به حق است و دعوت به تقوا و مصالح مسلمین را در او گفتن، و تعرض به این خرده ریزی ها، اینها از شأن ائمه جمعه خارج است؛ پرهیز کنند از این معنا. (۴۲۲)

۶۴/۲/۱۶

\* \* \*

شما آقایان پشتیبانی و هدایت کنید، چرا که پشتیبانی شما مؤثر است. و ماباید موارد مثبت را رو به اثبات بیشتر و موارد منفی را کم کنیم. اگر



خدای نخواستہ، بین جامعہ مدرسین<sup>۱</sup> با دولت یا جامعہ با مجلس یا مجلس با دولت اختلاف پیدا بشود، شکست می‌خوریم. اما اگر همه با هم باشیم، همان طور که تا به حال بوده‌ایم، و شما در تبلیغات و وعاظ در منابر و علما در مساجد مردم را دعوت به وحدت کنند، این جمهوری باقی می‌ماند و امور بتدریج درست می‌شود. ما هم میل داریم که احکام اسلام صددرصد اجرا شود، ولی این طور نیست که کسی قدرت داشته باشد و نکند. باید قدرت دولت و حجم کار آنها را ببینیم چقدر است، و بسنجیم که اگر من جای او باشم چه می‌توانم بکنم، اگر نخست وزیر را برداریم، جنابعالی را نخست وزیر بکنیم چقدر می‌توانید کار بکنید؟ حساب کار را با حساب قدرت باید بسنجید و مسائل را باید دوستانه حل نمود. این نظری است که من از اول داشته و دارم و بعد از این هم خواهم داشت. (۴۲۳)

۶۴/۴/۹

\* \* \*

ممکن است برداشتهای اشخاص با ما مخالف باشد و ما باب اجتهاد را نمی‌توانیم ببندیم. همیشه اجتهاد بوده، هست و خواهد بود، و حال آنکه مسائلی که امروز پیش آمده است با مسائل سابق خیلی فرق می‌کند. و برداشتهای از احکام اسلام مختلف است. ما نباید بر سر برداشتهای دعوا بکنیم. (۴۲۴)

۶۴/۴/۹

\* \* \*

روحانیون مکلف‌اند، خودشان هم می‌دانند مکلف‌اند که حفظ اسلام

---

۱. منظور امام، جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم است.

را بکنند، حفظ اسلام به حفظ وحدت است و باید بکنند و این واجب است بر همه که حفظ کنند وحدت را، مردم را نگه دارند. اگر در یک شهری از شهرها بنا بود یک اختلافی واقع بشود، بدانند که دست شیطان در کار است، باید این را از بین ببرند و نگذارند یک وقت -خدای نخواست- ولو در یک شهری، در یک روستایی اختلاف واقع بشود. برادران روحانی قویاً، با هم باشند و کناره‌گیری نکنند، همه در میدان باشند، با هم باشند. ما می‌خواهیم حفظ اسلام را بکنیم، با کناره‌گیری نمی‌شود حفظ کرد. خیال نکنید که با کناره‌گیری تکلیف از شما سلب می‌شود، تکلیف دو چندان است. (۴۲۵)

۶۵/۳/۱۹

\* \* \*

آخوندهای درباری، کتاب نوشتند در همین زمان در مکه منتشر کردند؛ باز کتاب تفرقه. اینها نمی‌دانم چه فکر می‌کنند، جز این است که اینها نوکر امریکا یا بعض بلاد دیگر هستند که اینها را وادار به این می‌کنند که یک همچو مسائلی را بگویند و تفرقه ایجاد کنند؟ در بین خود ما هم خوب، تفرقه‌هایی هست؛ این شیخی است و آن صوفی است و آن اخباری است و آن اصولی است. و عقاید مختلف اسباب اختلافات خارجی چرا بشود؟ چرا در این امری که همه مشترک هستیم با هم نباشیم؟ اینها جوری است که یک تربیتی پیدا شده است به دست این توطئه‌گراها که از جوانی، از بچگی ما را تربیت کردند به این طور که شماها باید یک طوری کنید که دیگران نباشند، آنها هم یک جور دیگری شما نباشید، همه با هم مختلف، از این اختلاف نتیجه‌اش را آنها می‌برند، عقل چه اقتضا می‌کند! (۴۲۶)

۶۵/۶/۲

امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف بر نوشته‌هایشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و الا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان‌گونه‌ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مایوس نشوید. در غیراین صورت خدای ناکرده به دام لیبرالها و ملیگراها و یا چپ و منافقین می‌افتند؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده‌سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم‌کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد. (۴۲۷)

امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می‌پذیرد. (۴۲۸)

۶۷/۹/۲

\* \* \*

حال بحث این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها چه باید کرد؟ گرچه کار مشکل است ولی چاره چیست باید فکری کرد. اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی حفظ شود و گرنه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل<sup>۱</sup>.

امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه‌ها و برداشتها و حتی ضعف مدیریتها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد. ممکن است هر کس در فضای ذهن و ایده‌های خود نسبت به عملکردها و مدیریتها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین انتقادی داشته باشد، ولی لحن و تعبیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرتها که همه مشکلات و نارساییها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعفها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیر منصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین

۱. اشاره به بیٹی از حافظ:

شب تاریک و بیم موج و گردابی

چنین هایل

کجا دانند حال ما سبک‌بالان ساحلها

می برد و زمینه را برای ورود بی تفاوتها و بی دردها به صحنه انقلاب آماده می کند. (۴۲۹)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

امروز مقابله و تجزیه روحانیت انقلابی به سود کیست؟ دشمنان از دیرباز برای اختلاف افکنی میان روحانیون آماده شده اند. غفلت از آن، همه چیز را بر باد می دهد. حال اختلاف به هر شکلی باشد، بدبینی شدید نسبت به مسئولین بالا باشد یا مرزبندی فقه سنتی و پویا و امثال آن. اگر طلاب و مدرسین حوزه علمیه با یکدیگر هماهنگ نباشند، نمی توان پیش بینی نمود که موفقیت از آن کیست و اگر بر فرض محال حاکمیت فکری از آن روحانی نماها و متحجرین گردد روحانیت انقلابی جواب خدا و مردم را چه می دهد.

ان شاء الله در بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی اختلافی نیست، اگر باشد بر سر چیست؟ بر سر اصول یا بر سر سلیقه ها؟ آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه های علمیه بوده اند - نعوذ بالله - به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده اند؟ مگر همانها نبودند که در کوران مبارزه حکم به غیرقانونی بودن سلطنت دادند؟ مگر همانها نبودند که وقتی یک روحانی به ظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت، او را به مردم معرفی کردند؟ آیا مدرسین عزیز از جبهه و رزمندگان پشتیبانی نمودند؟ اگر خدای ناکرده اینها شکسته شوند چه نیرویی جای آنان را خواهد گرفت؟ و آیا ایادی استکبار، روحانی نماهایی را که تا حد مرجعیت تقویت نموده است، فرد دیگری را بر حوزه ها حاکم نمی کنند؟ و یا آنها که در توفان پانزده سال مبارزه قبل از انقلاب و ده سال حوادث کمرشکن بعد از انقلاب

نه غصه مبارزه و نه غم جنگ و اداره کشور را خورده‌اند و نه از شهادت عزیزان متأثر شده‌اند و با خیالی راحت و آسوده به درس و مباحثه سرگرم بوده‌اند می‌توانند در آینده پشتوانه انقلاب اسلامی باشند؟ راستی شکست هر جناحی از علما و طلاب انقلابی و روحانیون و روحانیت مبارز و جامعه مدرسین، پیروزی چه جناحی و چه جریان‌ی را تضمین می‌کند؟ جناحی که پیروز شود یقیناً روحانیت نیست و اگر آن جناح الزاماً به روحانیت رو آورد، راستی به سراغ کدام قشر و تفکر از روحانیت می‌رود؟ خلاصه اختلاف به هر شکلی کوبنده است. وقتی نیروهای مؤمن به انقلاب حتی به اسم فقه سنتی و فقه پویا به مرز جبهه‌بندی برسند، آغاز باز شدن راه استفاده دشمنان خواهد بود. جبهه بندی نهایتاً معارضه پیش می‌آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می‌کند، یکی متهم به طرفداری از سرمایه‌داری و دیگری متهم به التقاطی می‌شود که من برای حفظ اعتدال جناحها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام، چرا که همه را فرزندان و عزیزان خود می‌دانم البته هیچ‌گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام ولی نگران تقابل و تعارض جناحهای مؤمن به انقلابم که مبدا منتهی به تقویت جناح رفاه طلب بی‌درد و تقبزن گردد.

نتیجه می‌گیرم که اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بچینند ابرقدرتها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می‌دهند. جامعه مدرسین باید طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتک خورده و جبهه رفته را از خود بدانند. حتماً با آنان جلسه بگذارند و از طرحها و نظریات آنان استقبال نمایند و طلاب انقلابی هم مدرسین عزیز طرفدار انقلاب را محترم بشمارند و با دیده احترام به آنان بنگرند و در مقابل طیف بی‌عرضه و فرصت طلب و تقزن ید واحده

باشند و خود را برای ایثار و شهادت در راه هدایت مردم آماده‌تر کنند، حال جامعه و مردم، طالب حقیقت باشند مثل زمان ما که حقیقاً مردم بیشتر از آنچه که ما فکر می‌کنیم وفادار به روحانیت بوده و خواهند بود، یا نباشند مثل زمان معصومین - علیهم‌السلام. (۴۳۰)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

شما<sup>۱</sup> از قول من به فرزندان انقلابی‌ام بفرمایید که تندروی عاقبت خوبی ندارد. اگر آنان جذب حضرات آقایان جامعه محترم مدرسین نشوند، در آینده گرفتار کسانی خواهند شد که مروج اسلام امریکایی‌اند.

من باز می‌گویم اگر طلاب انقلابی و مدرسین طرفدار انقلاب هماهنگ کار نکنند، هر دو شکننده‌اند. باید تمام تلاش را نمود که به این نقطه مهم رسید. آقایان به روشنی دیدند که دشمن از نقاط ضعف چه ضربه‌ای به اسلام و روحانیت زد. مؤمن از یک سوراخ دوبار نباید گزیده شود. (۴۳۱)

۶۸/۲/۷

\* \* \*

بار دیگر به فرزندان خوب و انقلابی‌ام سفارش می‌کنم که شورای مدیریت حوزه علمیه قم مورد تأیید اینجانب می‌باشند. سعی کنند تندروی نکنند که تندروی باعث شکست خودشان می‌گردد.

باید طلاب جوان اساتید محترم حوزه را که در خدمت انقلاب و اسلام و علوم اسلامی می‌باشند یاری کنند تا آنان

---

۱. مخاطب امام، آیت‌الله مشکینی، رئیس مجلس خبرگان بوده است.

بتوانند به هدفهای مهم تعلیم و تربیت برسند. شورای مدیریت و اساتید عزیز هم توجه داشته باشند که بدون طلاب انقلابی به هیچ یک از خواسته‌های مشروع خود نخواهند رسید. طلاب انقلابی و مبارز، پیشتازان انقلاب اصیل اسلامی مان می‌باشند. چهره گلگون و روشن فیضیه‌های ایران در جهان اسلام مرهون زندانها و شکنجه‌های این عزیزان است.

این مسئله باید در نظر گرفته شود که شورای مدیریت حوزه علمیه قم از خدا می‌خواهند کاری کنند که طلاب عزیز در فراگیری علم و دانش با مشکلات روبه‌رو نشوند. اگر در بعضی جهات بدین نتیجه نمی‌رسند، لابد در حد توانشان نیست. شعار همیشه از آن کسانی است که وارد گود اجرا نیستند.

از خداوند متعال توفیق سرداران و سربازان علوم اسلامی را خواستارم. (۴۳۲)

۶۸/۲/۱۷

\* \* \*

از نقشه‌های شیطانی قدرتهای بزرگ استعمار و استعمارگر که سالهای طولانی در دست اجرا است و در کشور ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روشهای مختلف دنباله‌گیری شد، به انزو و اکشاندن روحانیت است؛ که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و هتک حرمت و اعدام و امثال آن، و در زمان محمدرضا با نقشه و روشهای دیگر که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاہیان و روحانیان بود، که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد؛ و مع‌الأسف به واسطه بیخبری هر دو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرتها نتیجه چشمگیری گرفته شد. از یک طرف، از



دبستانها تا دانشگاهها کوشش شد که معلمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاهها از بین غریزدگان یا شرفزدگان و منحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و به کارگماشته شوند و متعهدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را به دست می‌گیرند، از کودکی تا جوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً، و اسلام بخصوص، و از وابستگان به ادیان خصوصاً روحانیون و مبلغان، متنفر باشند. و اینان را اعمال انگلیس در آن زمان، و طرفدار سرمایه‌داران و زمینخواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی می‌نمودند. و از طرف دیگر، با تبلیغات سوء، روحانیون و مبلغان و متدینان را از دانشگاه و دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی‌دینی و بی‌بند و باری و مخالف با مظاهر اسلام و ادیان متهم می‌نمودند. نتیجه آنکه دولتمردان مخالف ادیان و اسلام و روحانیون و متدینان باشند؛ و توده‌های مردم که علاقه به دین و روحانی دارند مخالف دولت و حکومت و هر چه متعلق به آن است باشند، و اختلاف عمیق بین دولت و ملت و دانشگاهی و روحانی راه را برای چپاولگران آنچنان باز کند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخایر ملت در جیب آنان سرازیر شود، چنانچه دیدید به سراین ملت مظلوم چه آمد، و می‌رفت که چه آید. (۴۳۳)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

### تکفل امر قضا

من می‌خواهم به قشر روحانیون یک کلمه عرض بکنم که قضیه قضاوت، محوّل به آنها به حسب شرع هست. من به آن آقایانی که نشست‌اند و به قضاوتی که در ایران می‌شود اشکال می‌کنند یک عرض

دارم و یک عرض هم به قضاتی که در سرتاسر کشور هر جا هستند. عرض من به قضات این است که توجه کنند به اینکه اگر باکوشش آنها مسئله قضاوت حل نشود، تا آخر، قضیه قضاوت به زمین خواهد ماند. کوشش کنند که اولاً علما و اشخاص دانشمند را معرفی کنند و ثانیاً آنها که متصدی امور قضایی هستند، توجه کنند به اینکه مسئله بسیار مشکل و مهمی و پرمسئولیتی برعهده آنهاست. حتی مسئولیت قضیه قضا از همه مسئولیت‌هایی که در یک کشور هست بالاتر است؛ برای اینکه قاضیان، متصدی اموری هستند که جان مردم، مال مردم، نوامیس مردم، در گرو کارهای آنها و قضاوت آنهاست. و القاضی علی شفیق جهنم<sup>۱</sup>. باید توجه کنند که - خدای نخواست - جانی به واسطه فتوای آنها و یا قضاوت آنها بدون مجوز شرعی از بین نرود، مالی از بین نرود، حیثیتی، آبرویی از بین نرود که بسیار اهمیت دارد این مطلب و امروز اهمیتش بیشتر از سابق است. سابق قضیه این نبود که اگر قاضی تخلف می‌کرد، اصل اسلام را مشوه کند. امروز قلم‌هایی هست که چنانچه یک قاضی یا چند قاضی ولو اشتباهاً یک کاری انجام بدهد، یا - خدای نخواست - عمداً انجام بدهد، این را پای روحانیت حساب می‌کنند و پای جمهوری اسلامی حساب می‌کنند و بالاخره پای اسلام حساب می‌کنند و لهذا، قاضی امروز مسئول حیثیت اسلام است؛ مسئول حیثیت جمهوری اسلام است و مثل قضات در طول تاریخ نیست که فقط مسئول باشد نسبت به آن قضاوتی که در مورد شخصی می‌کرد. امروز قضاوت علاوه بر آن بعدی که همیشه داشته است، یک بعد خاصی دارد و آن بعد خاص آن چیزی است که بر می‌خورد به حیثیت اسلام. اگر چند قاضی در چند محل اشتباه بکنند، یا بعضی از آنها مثلاً - خدای نخواست - عمداً یک

۱. حکم‌کننده، بر لب پرتگاه جهنم ایستاده است.

کاری را انجام بدهند، این اسباب این می‌شود که قلمهایی که می‌خواهند این جمهوری اسلامی را از بین ببرند یکی را چند و چند را صدها جلوه می‌دهند و با قلمهای خودشان به اصل جمهوری اسلامی و به اسلام حمله می‌کنند. بنابراین، اگر سابق شغل قضا یک شغل در عین حال بسیار مهم و پرمسئولیتی بود، امروز مسئولیت او بسیار زیادتر است؛ باید بگوییم صدچندان است. این یک [مطلبی] است که به متصدیان قضا، چه در حال و چه بعدها که تصدی می‌کنند، عرض کردم.

و یک عرضی هم دارم به اینهایی که کنار نشسته‌اند، توی حجره‌ها نشسته‌اند، توی خانه‌ها نشسته‌اند و وارد صحنه‌ها نیستند، لکن اشکال می‌کنند، یک عرضی به علمایی است که در این مسائل اشکال می‌کنند، مصاحبه می‌کنند، چیز می‌نویسند؛ اشکال امر آسانی است، انسان می‌تواند یک جایی بنشیند و فکر خودش را جمع بکند و اشکال بکند، آنچه مشکل است حل اشکال است. ما امروز چند هزار قاضی در این کشور لازم داریم، قاضی‌ای که قاضی شرع باشد. این آقایان باید یکی از چند امر را قبول بکنند؛ یا قبول بکنند که اصل قضا را در این جمهوری اسلامی حذف بکنند، اصلاً قضاوت هیچ نباشد، هر ج و مرج باشد، هر کس مال هر کس را برد و ناموس هر کس را تجاوز کرد و هر کس را کشت یک محل رسیدگی نباشد، این یک فرض است. فرض دوم اینکه نه، باشد، اما مثل سابق باشد؛ مثل زمان رژیم پهلوی باشد؛ یعنی، قاضی لازم نیست مسلمان باشد. از قراری که به من گفتند، در این قاضیها کمونیست هم بوده، در این قاضیها مبتلای به مشروبات هم بوده. این علمای اعلام یا این را قبول کنند که نه، لازم نیست که قاضی معمم و ملا باشد و اهل علم باشد، به همان ترتیب سابق باشد و قضاوت به دست همان اشخاصی که سابق بودند باشد،

این هم یک فرض است. فرض دیگر این است که نه، باید قاضی به دست همین طبقه‌ای که شرع معین کرده است باشد. آقایان می‌دانند که حوزه‌های علمیه در ایران و در خارج، از باب اینکه قضاوت از آنها بکلی سلب شده بود، مهیا نبودند برای اینکه قاضی تربیت کنند و ما امروز چند هزار قاضی لازم داریم و کمبود داریم. آقایان به جای اینکه بنشینند و بگویند بچه طلبه‌ها دارند قضاوت می‌کنند، خودشان هم بیایند قضاوت کنند، کی جلوییشان را می‌گیرد؟ معرفی کنند هر عالمی در هر استانی که هست، علمایی که لایق‌اند، برای قضاوت و حاضرند برای قضاوت، معرفی کنند، شورای قضا قبول می‌کند. آن آقای که می‌فرماید که این قضاوت قضاوت شرعی نیست، خوب، ایشان خودشان بیایند در رأس قضاوت قرار بگیرند و در هر جایی که هستند معرفی کنند اشخاصی را که لیاقت برای قضاوت دارند، تا آنها را قاضی قرار بدهند، تا وقتی که وارد در عمل شدند، بفهمند که مسئله، مسئله آسانی نیست، مسئله‌ای است که حالا از صفر شروع شده است. اگر کمک کنند همه علمای بلاد و آنهایی که دلسوزند برای اسلام و در امر قضاوت می‌بینند که یک اشخاص غیر لایق هستند، آنها بیایند خودشان متکفل قضا بشوند یا معرفی کنند اشخاص لایقی که می‌توانند قضاوت کنند. هر کس در هر جا هست پیدا کند قاضیهای شرعی اسلامی را و معرفی کند. بهتر نیست اینکه همه آقایان کمک کنند تا اینکه قضاوت به آن طوری که در اسلام است درست بشود؟ این بهتر از این نیست که بنشینند و بگویند که بچه طلبه‌ها دارند قضاوت می‌کنند؟ خیر، بچه طلبه‌ها نیستند، لکن قضاوت کار آسانی نیست، تازه کارند. البته قضاوت به آن ترتیبی که در شرع مقرر شده و با آن شرایط به این آسانی نمی‌شود او را پیدا کرد و قاضی پیدا کرد، لکن بهتر نیست که آقایان برای اینکه تا یک حدی این قضاوت به صورت

واقعی شرعی درآید کمک کنند، نه اشکال کنند؟ اشکال را همه می‌توانند بکنند، اما کمک بکنند. این علمای بلاد، اینهایی که برای اسلام دلسوز هستند، اینها بنشینند و پیدا کنند افراد را، تربیت کنند افراد را. همان طوری که در قم الآن مشغولند برای پیدا کردن قاضی و تربیت کردن قاضی، آقایانی هم که در بلاد دیگر هستند و خارج هستند از صحنه و نمی‌دانند که مسئله چه مسئله مشکلی است، کمک کنند بر این مشروع و بر این امر شرعی. کمک کردن به امر شرعی تکلیف آقایان است یا فحاشی تکلیف آقایان است؟ کمک کردن به اینکه قضاوت به طور شرعی انجام بگیرد یک تکلیف شرعی است یا اینکه به باد فحش گرفتن قضاوت را و جمهوری اسلامی را؟ این امری است که من به علمای اعلام بلاد عرض می‌کنم که هر جا هستند و در هر ناحیه‌ای که هستند کمک کنند به این جمهوری نوپای اسلامی؛ با هم همکاری کنند. اگر قاضیهای خوبی را در هر استانی پیدا کردند و معرفی کردند و شورای قضایی قبول نکرد، آن وقت حق این دارند که [بگویند] شما قاضی خوب را قبول نکردید و قاضی بد به جای او گذاشتید. بهتر این است که آقایان، کسانی که اشکال دارند، بنشینند و رفع اشکال بکنند. (۴۳۴)

۶۰/۲/۲۱

\* \* \*

روحانینی که در قوه قضاییه و مشغول قضاوت هستند یا مشغول یک کار دیگری هستند، اینها وظیفه‌شان زیادتر از دیگران است. اگر -خدای نخواست- یک قضاوتی برخلاف حق واقع بشود -ولو اشتباهاً- این منعکس می‌شود که اینها دارند خرابکاری می‌کنند. (۴۳۵)

۶۰/۴/۱۰

علما باید کمک کنند به این جمهوری اسلامی، کنار نشینند. کنار نشستن مثل کنار نشستن صدر مشروطیت است، و حالا بدتر از آن وقت است. کنار نشینند و بگویند که قضاوت کذا و کذاست. خوب قضاوت به عهده شماهاست. اسلام قضاوت را به عهده فقها گذاشته است. شما کنار می‌نشینید و می‌گویید که چرا قضاوت خوب نمی‌شود؟! قضاوت خود به خود خوب بشود؟ قضاوت با کوشش شما باید خوب بشود. در هر حوزه‌ای، علمای آن حوزه قاضی درست کنند. یک کشور سی و چند میلیونی، چند، چندین هزار قاضی لازم دارد. و ما از باب اینکه قضاوت به عهده‌مان هیچ وقت نبوده است، دنبال این نبوده‌ایم که مسائل قضا را بحث کنیم، مسائل قضا را یاد بگیریم. و الآن ما برای قضاوت احتیاج داریم، دنبال قاضی داریم می‌گردند. آقایان که می‌توانند قاضی بشوند، می‌توانند کمک کنند به قضاوت، تربیت کنند قضات را. کنار می‌نشینند و اشکال می‌کنند. اشکال آسان است، حلش مشکل است. خوب بعد از آنکه ما افراد کم داریم، کمبودی از حیث قضاوت - خصوصاً - در این مملکت کمبودی دارد، آقایان مکلف نیستند که تربیت کنند قضات را؟ حوزه‌های علمیه موظف نیستند که حالا که قضاوت می‌خواهد به طور مشروع عمل بشود، قاضی‌اش هم باید قاضی شرعی باشد، این می‌شود به اینکه همه کنار بنشینند و هی اشکال کنند؟ اول اشکال به خود آقایانی است که کنار می‌نشینند. خود آقایان وارد بشوند در میدان.

آقا اسلام امروز آمده است در اینجا و می‌خواهد پیاده بشود و فریاد می‌زند که نصرت کنید! نصرت این است که قاضی لازم داریم. حوزه‌های علمیه باید قاضی تهیه کند برای دادگاهها. ما بسیار قاضی لازم داریم، باید تهیه بکنند. و اگر - خدای نخواست - اینهایی که در شغل قضاوت خواستند، الآن یکوقت اعمال غرضی بکنند، انحرافی

داشته باشند، علاوه بر آنکه پیش خدای تبارک و تعالی مسئول هستند، پیش ملت هم مسئول هستند، پیش مردم هم مسئول هستند و دولت هم تعقیب خواهد کرد از آنها. ما باید قاضی تحویل جامعه بدهیم، یعنی، حوزه‌های علمیه باید قاضی تهیه کنند، فقهای که از قضاوت، توجه به قضاوت دارند و در قضاوت رأی دارند، آنها را باید تربیت کنند و آنها هم دیگران را تربیت کنند تا اینکه ان شاء الله، قضیه قضاوت حل بشود. کار بسیار مشکلی است، لکن باید بشود. البته کار مشکل است، لکن باید بشود و این «باید» هم به عهده علمای بلاد و علمای حوزه‌هاست، بالخصوص.

اگر ما برویم کنار و صحنه را رها کنیم کی می‌تواند قضاوت را اداره کند؟ کی می‌تواند قاضی درست کند؟ ما قضاوت لازم نداریم؟ دارند الآن می‌گویند ما قضاوت شرعی می‌خواهیم بکنیم؛ کی باید این کار را انجام بدهد؟ ما بنشینیم کنار و بگوییم که بچه‌ها رفتند، دارند قضاوت می‌کنند! خوب شما که بزرگان هستید بیاید درست کنید. بچه‌ها هم نیستند، منتها به نظر شما می‌آید که بچه‌ها هستند. نخیر، بچه‌ها نیستند و قضاتی که هستند از امثال شماها بهترند.... ما قاضی لازم داریم. شما هم می‌گویید که اینها جوانند، نمی‌توانند قضاوت کنند. خوب، شما بیاید قضاوت کنید. شما لااقل، یک نفر قاضی هستید بیا، قاضی بشو! چرا اشکال می‌کنید؟ اشکال به خود شما وارد است که وارد نمی‌شوید. خودتان نمی‌توانید، ستان اقتضا نمی‌کند، حالتان اقتضا نمی‌کند، قاضی تربیت کنید و همین طور سایر چیزها را. (۴۳۶)

حوزه‌های مقدسه علمیه در تمام کشور در تربیت قضات شرع و مبلغان و فقها و دانشمندان بیش از پیش کوشش نمایند، که امروز احتیاج به این قشرها بیش از سابق است و تکلیف مهم بیشتری متوجه آنان است. (۴۳۷)

۶۰/۹/۴

\* \* \*

امروزی که می‌توانید همه کاری را بکنید، افراد لازم است و باید حوزه‌ها را ایجاد کنید. حوزه‌ها باید درش باز باشد. در هر جا حوزه باشد، در اطراف شما حوزه باشد، حوزه در آنجا باشد، برای اینکه این روستاییها را بیاورید در آنجا تربیت کنید، عالم کنید برای آتیه. الآن -مثلاً فرض کنید که -مسئله قضاوت [محل ابتلا است] یکی از مسائل مهم اسلام قضیه قضاوت است، این سر و کار دارد با نوامیس مردم، با جان مردم، با مال مردم.

امروز ما کمبود قاضی داریم؛ برای اینکه قضاوت دست اینها نبود تا تربیت کنند، اصلش کتاب قضا یک کتاب منسی بود. امروز که آزاد شده است و قضاوت آمده است به اینطرف دست شما، افراد را تربیت کنید. (۴۳۸)

۶۰/۱۰/۲۲

\* \* \*

البته کمبودهایی داریم از قبیل کمبود قاضی، کمبود مبلغ، که این به عهده علمای حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌هاست که با کمال کوشش در این مطلب پافشاری کنند. و وجود قاضی امروز خیلی محل احتیاج است و چند هزار قاضی ما لازم داریم، ایران لازم دارد و



آن باید به همت والای علمای بلاد و مدرسین محترم حوزه علمیه قم -ایدهم الله تعالی- این کمبود ولو به دراز مدت، اما نه خیلی دراز مدت، این کمبود ان شاء الله، حل بشود و حل می شود. و همین طور تربیت مبلغین؛ مبلغین امروز خیلی مورد احتیاج است. در شهرها، در روستاها، در مناطق جنگی و همه جا، در کارخانه ها، همه جا مبلغ مورد احتیاج است و کمبود داریم. بسیاری از اوقات می آیند اینجا و شکایت دارند از اینکه نداریم مبلغ. باید باز حوزه علمیه، حوزه های علمیه همه جا خصوصاً، حوزه علمیه قم همت کنند که این نقیصه را هم ان شاء الله، رفع کنند و مسئله ای نیست و خواهد رفع شد. (۴۳۹)

۶۰/۱۱/۴

\* \* \*

امروز هزاران قاضی و مبلغ مورد حاجت است، که باید با همت اکابر و علما و مدرسین و فضلاء حوزه ها در سراسر کشور، خصوصاً قم، مشهد و شهرستانهای بزرگ، تربیت شوند. از گوشه و کنار کشور قاضی می خواهند و مبلغ؛ و هر روز احتیاجات روز افزون می شود. حوزه های علمیه باید با صرف وقت برای این امر بسیار مهم کوشش خستگی ناپذیر نموده و بپاخیزند؛ البته در قم به همت فضلاء و مدرسین محترم این امر شروع شده است لکن چون حجم کار بسیار زیاد است، لازم است حوزه ها تعلیماتشان را افزایش دهند که ان شاء الله این کمبودها تا چند سال دیگر رفع شود. (۴۴۰)

۶۰/۱۱/۲۲

\* \* \*

مدرسین محترم حوزه علمیه قم، که بحمدالله، بسیار فعال هستند، باید

این مسئله را در حوزه علمیه قم مطرح کنند که امروز اشخاصی که صلاحیت دارند، ولو تقلیداً برای قضاوت، این اشخاص اسم نویسی کنند و بیایند در این مواردی که، زندانهایی که اشخاص هستند تا اینکه حل این قصه بشود که مثلاً، اشخاصی باید زود کارشان تمام بشود و ما نداریم افراد. این یک امر واجبی است؛ یعنی، بر همه واجب است تا آن وقتی که آن مقداری که احتیاج است بر آورده بشود. گاهی وقتها انسان به واسطه احتیاط، خلاف احتیاط می‌کند. احتیاط می‌کند فلان آقا که امر قضا مشکل است و نمی‌شود رفت و نمی‌شود کرد و این طور چیزها، با اینکه واجب کفایی، واجب عینی است اول به همه. وقتی یک عده‌ای عمل کردند و کفایت حاصل شد، آن وقت از دیگران ساقط می‌شود، و الا همه معاقب هستیم اگر چنانچه قضا به زمین بماند، و احتیاط بر این است که وارد بشوند؛ یعنی، امری است واجب، معلوم الوجوب؛ این احتیاط می‌کنند، این عذر نمی‌تواند باشد. یا اشخاصی مثلاً می‌خواهند ادامه بدهند تحصیلاتشان را و باید هم ادامه بدهند، اما در یک وقتی که یک واجبی به عهده آنها هست، نمی‌توانند به این امر مستحب بسیار ارزنده مشغول باشند؛ باید بروند این کار را به اندازه کفایت انجام بدهند که مبدا - خدای نخواست - یک نفر آدم بی گناه [باشد که] به کارش رسیدگی نتوانستند بکنند. باید بیایند آقایان و وارد بشوند و رسیدگی بکنند. و این امر را من امروز به عهده مدرسین قم و علمای مشهد و اصفهان و جاهای دیگری که حوزه‌های علمیه هست، این عهده آنها می‌گذارم که آنها خودشان به فکر این باشند که افراد را بخواهند و افراد را تشویق کنند، به هر ترتیبی که می‌توانند، و تحذیر کنند از اینکه یک امر واجب شرعی است، نمی‌شود یک امر واجب شرعی زمین مانده [باشد] و من مشغول نماز شب بشوم. وقتی آن واجب شرعی است، اگر مزاحم با

هر مستحبی بشود، آن واجب شرعی را باید من عمل کنم. این یک مسئله است که لازم است که تذکر داده بشود، و آقایان مدرسین هم و علمای اعلام بلادهم تذکر بدهند و این نقیصه را کم کنند تا اینکه این مشکل حل بشود. (۴۴۱)

۶۱/۵/۳۱

\* \* \*

چنانچه حوزه‌های علمیه هم یک بعدی بود. هی زحمت می‌کشیدند، تحصیل می‌کردند و چه، اما وضعیت همین بود که تحصیل علوم اسلامی آن هم؛ در فقه بیشتر ابوابش - تقریباً - منسی بود. چند بابش بود که همه فکرها متمرکز شده بود در همان چند بابی که آن وقت متعارف بود. امروز که می‌بینید که در مسئله قضا هم چنین مشکلات بزرگی برای ما حاصل است. (۴۴۲)

۶۱/۷/۲۲

\* \* \*

قضاوت یک امری است که به حسب حکم الهی حق روحانیون است، و تا زمانی که رژیم سابق بود همان طوری که همه را از حقوق خودشان محروم کرده بود این حق الهی هم که برای آنها در عین حالی که رنج دارد، لکن حقیقتش بود، باید به آن قیام کنند، نمی‌توانند تخلف کنند.

الآن هم که آقایان در هر جا باشند و خدمت بکنند این طور نیست که بخواهند یک جایی را قبضه کنند. (۴۴۳)

۶۱/۱۰/۱۹

\* \* \*

امروز ما قاضی لازم داریم. قضاوت، شما می‌دانید که در طول مدت سلطنت، به دست روحانیون نبود که به حسب احکام اسلام مختص به آنهاست. قضاوت به یک صورت مشوه درآمده بود و قاضی یک آدمی بود که به حسب اکثر که به درد هیچ چیز نمی‌خورد «سیما قضا». امروز قضاوت احتیاج دارد به افراد، به افراد حوزه‌های علمیه هر جا که هست، قم، مشهد، آذربایجان، هر جا که حوزه علمیه هست، اصفهان. علما و مدرسین حوزه‌ها باید قاضی تربیت کنند و این یک واجب کفایی است برای همه. قضاوت یک واجب کفایی است که اگر کسی بتواند انجام بدهد و به زمین بماند این امر، معاقب است. اینکه «من حالا حالش را ندارم، قضاوت امر مشکلی است» این حرفها عذر نیست. باید همه افرادی که خودشان را شایسته می‌دانند بیایند و این امر بزرگ را و این امر زمین مانده را از زمین بردارند. (۴۴۴)

۶۱/۱۰/۲۶

\* \* \*

من از حوزه‌های علمیه و از علمای اعلامی که در بلاد هستند و از فضایی که در حوزه‌ها هستند، از آنها می‌خواهم که در این امور، در امور قضایی و در امور دادگستری به این کشور کمک کنند. و حوزه‌ها می‌توانند در عین حالی که حوزه بقایش هست و باید باشد، می‌توانند عده به مقداری که احتیاج هست به قضای، تحویل بدهند قاضی را، تربیت کنند قاضی را. این یک امر مهمی است برای اسلام و برای مسلمین. اعراض مردم دست قضات است؛ باید آنها را، هم تعلیم کنند و هم تربیت کنند تا بیایند و خدمت کنند به این کشور. (۴۴۵)

۶۱/۱۰/۲۶

\* \* \*

من هم مشکلات دادگاههای انقلاب را و دادرهای انقلاب را می‌دانم که خیلی زیاد است، و هم زحمات آنها را می‌دانم که زحمات بسیاری است؛ برای اینکه، خود مواجه شدن با امثال آنهايي که سر و کارشان با این دسته از آقایان است، اصلاً مواجه شدن با آنها هم خودش مشکل است. فرضاً که انسانی بخواهد به آنها مسائلی را بگوید و آنها جواب بدهند، اینها، این مسائل هم البته حجمش خیلی زیاد است و من می‌دانم که با حجم زیاد و کمبود افرادی که حوزه‌های علمیه نمی‌توانند، حالا من سفارش زیاد کرده‌ام و می‌کنم، ولیکن خوب، کمبود دارند. و این هم نکته‌اش این است که در فکر این مسائل، حوزه‌ها نبودند، یعنی حوزه‌ها دنبال همان احکامی بودند که رایج بین خودشان هست و محل ابتلای مردم است، مسئله دولتی در پیش نبود که راجع به این هم فکری بکنند. تازه این کار واقع شده است و حوزه‌ها هم دنبالش هستند که افراد تربیت کنند، افراد پیدا کنند و من هم سفارش زیاد کرده‌ام و باز هم می‌کنم؛ لکن این مسئله البته مشکل است، لکن شما در یک انقلابی که پیش می‌آید توقع اینکه مسائل به آسانی رفع بشود نباید داشته باشید و ندارید هم. (۴۴۶)

۶۱/۱۱/۱۸

\* \* \*

قوه قضاییه که امروز برای قضای شرعی احتیاج مبرم به افراد عالم متقی با فضیلت دارد، حوزه‌های علمیه در هر جا هستند، خصوصاً حوزه‌های بزرگ باید این مسئله را یک واجب کفایی شرعی مهم تلقی نمایند. و برای این مقصد مهم اسلامی از علمای موجود در حوزه‌ها و شهرستانها دعوت نمایند. و همه علمای اعلام می‌دانند که قضا امر بسیار مهمی است که در رژیمهای طاغوتی به دست اشخاصی که

اکثریت آنان صلاحیت نداشته‌اند سپرده شده بود. در رژیم سابق ما معذور بودیم، چون اشخاص صلاحیتدار را در هیچ امری، چه رسد به قضای شرعی، نمی‌پذیرفتند، ولی امروز که قضای اسلامی می‌خواهد اجرا شود عذری نیست. و بر اشخاص صلاحیتدار واجب است تا حد کفایت به این واجب عمل کنند و دیگران را هدایت نمایند و بسیج کنند. و نیز لازم است حضرات مدرسین محترم حوزه‌ها و علمای اعلام و مجتهدین عظام، کتبی را که به آنها «علوم غریبه» نام می‌نهادند - زیرا در بحثها و حوزه‌های علمی منسی بودند، چون محل ابتلا نبودند - امروز که شدیداً به آنها احتیاج است، مثل کتاب قضا و شهادت و قصاص و حدود و دیات و دیگر کتب محل حاجت را مورد بحث و تدریس و تحقیق قرار دهند، که در آینده مثل امروز گرفتار کمبود اشخاص نباشیم. امید است برای رضای خدای تعالی و برای عمل به وظیفه، به این امر توجه زیاد شود، و مسئله قضا که امروز از مشکلات جمهوری اسلامی است به برکت مراجع بزرگ و علمای اعلام حل شود؛ و نیز شورای قضایی قوانین مربوط به قضا را با جدیت تهیه نمایند، و مجلس محترم هم تصویب این قوانین شرعیه را مقدم بر سایر کارها قرار دهند که قضای اسلامی در کشور اجرا شود. (۴۴۷)

۶۱/۱۱/۲۲

\* \* \*

مسئله قضا یک مسئله‌ای است که به عهده اهل علم است، اینها مسئول هستند پیش خدا و نمی‌شود که انسان بنشیند نگاه کند و قضاوت به وضعی باشد که نتوانند، شورای قضایی نتواند در هر جا یک قاضی متوسط بفرستد. البته آن قضایی که اسلام فرموده است و آن شرایطی که اسلام فرموده است باید بتدریج دنبالش برویم. باید حوزه‌ها دنبال

این مطلب بروند که قاضی به آن نحوی که شارع مقدس مقرر فرموده است پیدا نکنند. لکن امروز که ما دستمان از آن مرتبه بالا کوتاه است نباید بنشینیم تا اینکه قضاوت به حال سابق باقی بماند. باید ما کوشش کنیم و آن قدری که می‌توانیم حوزه‌ها باید کوشش کنند و افرادی که الآن در حوزه‌ها هست و صلاحیت دارند از برای این کار و در حوزه‌ها هم مدرس مثلاً نیستند، مشغول کارهای تدریسی و امور این طوری نیستند اینها، خوب اشخاص زیادی هستند که می‌توانند بروند؛ از حوزه اصفهان می‌تواند یک عده کثیری را، از مشهد می‌شود، از تبریز می‌شود، از اینجاها می‌شود، از حتی دهات هم ما داریم افرادی را، که این کاری است که باید انجام بگیرد. ما می‌بنشینیم که کی برای ما انجام بدهد، کی قوه قضائیه را اداره کند، غیر از حوزه‌های علمیه، کی قدرت این مطلب را دارد؟ البته، هم باید به فکر آتیه باشند و درست کردن یک قاضیهای صالح بزرگ، و هم الآن که ما گرفتار هستیم و بخواهیم معطل بماند قضا، بخواهد معطل بماند اصلش رسیدگی به گرفتاریهای مردم، امروز با اجازه فقها، خوب، یک عده‌ای باید متصدی این امر بشوند که می‌دانند به طور - فرض کنید - تقلیدی هم حتی کار را انجام بدهند و این یک تکلیفی است از برای همه ما. (۴۴۸)

۶۲/۱/۱

\* \* \*

امور قضایی از باب اینکه قضاوت و یادگیری آن از حوزه‌ها سلب شده بود، و کسی هم فکر دخالت در آن نمی‌کرد، و از این جهت نقیصه زیاد داشت و دارد. و با اینکه پیش از این من اجازه نمی‌دادم که با تقلید، قضاوت انجام شود، لکن چون کمبود داریم افرادی که با تقلید

می‌توانند عهده دار این مسئله باشند، مانعی ندارد. و شاید شما مطلع باشید با آنکه شارع مقدس به امر قضا آن همه اهتمام داشته است، در سابق برخلاف این حتی یک عدّه کمونیست هم قضاوت می‌کردند. و آقایان به خاطر اینکه این منصب بزرگ به دست بی‌تقواها نیفتد باید در این امر شرکت کنند. و ما تکلیف داریم که قضاوت و سایر جهات را حفظ کنیم، تا زمانی که جمهوری اسلامی در سیر خود قرار بگیرد، آنگاه علما به پست‌های خودشان که از همه شریفتر است برگردند. و من از ابتدا همین مطلب را می‌گفتم که علما شأنشان نیست مسئولیت دولتی بپذیرند؛ خیال می‌کردم که بدون آنها کارها درست می‌شود. ولی پس از مدتی دیدم که اگر به این وضع باقی بمانیم، اصل اسلام هم در خطر می‌افتد، و از آن مبنای اول برگشتم. و تا مادامی که اینها اشخاص صالح را به جای خود پیدا نکرده‌اند، باید باشند. ان‌شاءالله خداوند شما را حفظ کند و بتوانید به تحصیل و خدمت خودتان ادامه دهید. (۴۴۹)

۶۲/۶/۱۳

\* \* \*

حوزه‌ها و علما باید همت کنند که درس قضا بگویند و قضاات را از فنونی که در سابق، مانند زمان حضرت امیر - علیه‌السلام استفاده می‌شد آگاه کنند؛ که مسئله قضاوت تنها یک مسئله علمی نیست، بلکه یک مسئله فنی هم هست؛ که گاهی از همین طریق قاضی به «اطمینان» می‌رسد، که در باب قضا حجت است. (۴۵۰)

۶۲/۸/۴

\* \* \*



جمهوری اسلامی وارث به اصطلاح یک دادگستری و قضاوت عاری از احکام اسلام و متکی به قضاوت اجنبی، با آن شرایط بسیار سنگین و مهمی که برای قضاوت و قضاوت در شرع اسلام اعتبار شده است گردید؛ که تغییر و تحول در آن، ولو به طور ابتدایی، از مشکلات عظیم بود. و چون حوزه‌های علمیه، که باید قاضی جامع‌الشرایط تحویل دهند، از همه امور بویژه قضاوت به طور مایوسانه بر کنار بودند، همت علمای اعلام و فقهای بزرگ مصروف به کتب عبادی فقه و بعضی کتب معاملات گردید و از تحویل صدها قاضی، قاضی جامع‌الشرایط، عاجز بودند. ناچار برای کوتاه کردن دست قضاوت بی‌اعتنا به احکام اسلام و احیاناً ضد اسلام از اعراض و نفوس ملت و معطل نماندن قضاوت که موجب هرج و مرج و هجوم به اعراض و اموال می‌گردید، عده‌ای از فضلاء متدین که مسائل قضا را ولو تقلیداً می‌دانستند مجاز در امر قضاوت شدند و از حوزه‌ها خواسته شد که در تربیت قضاوت عنایت بیشتری کنند که این امر مهم حیاتی به وجه شایسته ولو در درازمدت تحقق یابد. و با جدیت شورای محترم قضایی تاکنون پیشرفتهای چشمگیری شده است لکن کافی نیست. و لهذا از حوزه‌های علمیه تقاضا می‌شود که در این امر اهتمام بسیار نمایند که این واجب مهم کفایی به حد کفایت برسد. (۴۵۱)

۶۳/۱۱/۲۲

\* \* \*

مطلبی که راجع به قضاوت عرض می‌کنم، یک صحبت راجع به این است که باید پرسنل این قوه تقویت بشود و این یک جهتش به عهده حوزه‌های علمیه سرتاسر کشور است و خصوصاً حوزه علمیه قم. مسئله قضا یک مسئله مهمی است که سر و کارش با همه حیثیت

کشور است و مسلمانان است. و آن قدری که اسلام درباره قضا سفارش کرده است، شاید کمتر در چیزهای دیگر سفارش کرده باشد. بنابراین، یک تکلیف است بر همه کسانی که می‌توانند قضاوت کنند و در حوزه‌ها معطل مانده‌اند. خیلی اشخاص هستند که اگر توجه به این مسئله داشته باشند که یک تکلیفی است، بر همه هست تا آن جایی که به مقدار کفایت تحقق پیدا بکند، و الا واجبات کفایه هم بر همه آحاد واجب است. وقتی وجوب برداشته می‌شود که به مقدار کفایت، این عمل تحقق پیدا کرده باشد. بنابراین، به عهده همه حوزه‌های علمیه سرتاسری است که در این امر اهتمام کنند؛ افرادی که در آن جا قدرت این معنا را دارند که قضاوت کنند، بیایند مشغول کار بشوند. این یک خدمتی به اسلام است، یک خدمتی به کشور است و یک تکلیفی است که خدای تبارک و تعالی بر همه کرده است و امیدوارم که این کار را انجام بدهند. (۴۵۲)

۶۴/۵/۸

\* \* \*

روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که در حوزه ننشسته‌اند بلکه برای اجرای حکم خدا راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند. اگر طلبه‌ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می‌شود و هرگز عذر او موجه نیست، ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و

استقبال بی سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت. (۴۵۳)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

با پشتکار و جدیت بتدریج دادگستری را متحول نمایند؛ و قضات دارای شرایطی که، ان شاء الله با جدیت حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه مبارکه علمیه قم تربیت و تعلیم می‌شوند و معرفی می‌گردند، به جای قضاتی که شرایط مقررۀ اسلامی را ندارند نصب گردند، که ان شاء الله تعالی بزودی قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کند. (۴۵۴)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*



## فصل چهارم

### آفتهای فردی و اجتماعی روحانیت

- سطحی‌نگری و تحجر
- هوای نفسانی و عدم تهذیب نفس
- دنیاطلبی و خروج از زیّ طلبگی
- لطمه زدن به شئون روحانیت
- خطر روحانی‌نماها



## سطحی نگری و تحجر

آنان که در این طایفه شیاد و کلاه بردار نیستند و خود سالک طریق آخرت و در صدد تحصیل معارف و مقامات هستند، گاهی اتفاق افتد که از شیطان قاطع طریق، گول خورده مغرور شوند و معارف و مقامات را حقیقتاً عبارت از اصطلاحات علمیّه که خود تراشیده یا از تراشیدن دیگران استفاده کرده‌اند می‌دانند. اینان نیز تا آخر عمر نقد جوانی و روزگار زندگانی را صرف در تکثیر اصطلاح و ضبط کتب و صحف کنند؛ مثل یک طایفه از علمای تفسیر قرآن که استفادت از قرآن را منحصر به ضبط و جمع اختلاف قرائت و معانی لغات و تصاریف کلمات و محسنات لفظیّه و معنویّه و وجوه اعجاز قرآن و معانی عرفیّه و اختلاف افهام ناس در آنها دانند، و از دعوات قرآن و جهات روحیّه و معارف الهیّه آن بکلی غالفند. اینان نیز به مریضی مانند که رجوع به طبیب نموده، نسخه او را گرفته و معالجه خود را به ضبط نسخه و حفظ آن و کیفیت ترکیبات آن دانند. اینان را مرض خواهد کشت و علم به نسخه و مراجعه به طبیب برای آنها بکلی بی نتیجه است. (۴۵۵)

\* \* \*

دست‌های اجانب برای اینکه مسلمین و روشنفکران مسلمان را، که نسل جوان ما باشند، از اسلام منحرف کنند، وسوسه کرده‌اند که اسلام چیزی ندارد؛ اسلام پاره‌ای احکام حیض و نفاس است! آخوندها باید حیض و نفاس بخوانند!

حق هم همین است! آخوندهایی که اصلاً به فکر معرفی نظریات و نظامات و جهان‌بینی اسلام نیستند، و عمدۀ وقتشان را صرف کاری می‌کنند که آنها می‌گویند و سایر کتابهای [«فصول»] اسلام را فراموش کرده‌اند، باید مورد چنین اشکالات و حملاتی قرار بگیرند. آنها هم تقصیر دارند؛ مگر خارجیه‌ها تنها مقصرند؟ البته بیگانگان برای مطامع سیاسی و اقتصادی که دارند از چند صد سال پیش اساس را تهیه کرده‌اند؛ و به واسطه اهمالی که در حوزه‌های روحانیت شده موفق گشته‌اند. کسانی در بین ما، روحانیون بوده‌اند که ندانسته به مقاصد آنها کمک کرده‌اند تا وضع چنین شده است. (۴۵۶)

\* \* \*

شما به حوزه‌های علمیه نگاه کنید، آثار همین تبلیغات و تلقینات استعماری را مشاهده خواهید کرد. افراد مهمل و بیکاره و تنبل و بی‌همتی را می‌بینید که فقط مسأله می‌گویند، و دعا می‌کنند؛ و کاری جز این از آنها ساخته نیست. ضمناً به افکاری و رویه‌هایی برخورد می‌کنید که از آثار همین تبلیغات و تلقینات است. مثلاً اینکه حرف زدن منافی شأن آخوند است! آخوند و مجتهد باید حرف بلد نباشد! و اگر بلد است حرف نزند! فقط. لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید! و گاهی یک کلمه بگوید! در حالی که این غلط است، و برخلاف سنت رسول الله است. خدا از سخنگویی و بیان و قلم و نگارش تجلیل کرده، و در



سوره «الرحمن» می فرماید: عَلَّمَهُ الْبَيَانَ<sup>۱</sup>! و این را که بیان کردن آموخته رانعمتی بزرگ و اکرامی می شمارد. بیان برای نشر احکام خدا و تعالیم و عقاید اسلام است. با بیان و نطق است که می توانیم دین را به مردم بیاموزیم و مصداق «يَعْلَمُونَهَا النَّاسُ»<sup>۲</sup> شویم. رسول اکرم (ص) و حضرت امیر (ع) نطقها و خطبه ها ایراد می کرده و مرد سخن بوده اند. اینگونه افکار ابلهانه که در ذهن بعضی وجود دارد به استعمارگران و دولتهای جائر کمک می کند که وضع کشورهای اسلامی را به همین صورت نگه دارند، و از نهضت اسلامی جلوگیری کنند. اینها افکار جماعتی است که به «مقدسین» معروفند؛ و در حقیقت «مقدس نما» هستند، نه مقدس. باید افکار آنها را اصلاح کنیم و تکلیف خود را با آنها معلوم سازیم؛ چون اینها مانع اصلاحات و نهضت ما هستند و دست ما را بسته اند. روزی مرحوم آقای بروجردی<sup>۳</sup>، مرحوم آقای حجت<sup>۴</sup>، مرحوم آقای صدر<sup>۵</sup>، مرحوم آقای خوانساری<sup>۶</sup> - رضوان الله علیهم - برای مذاکره در یک امر سیاسی در منزل ما جمع شده بودند. به آنان عرض کردم که شما قبل از هر کار تکلیف این مقدس نماها را روشن کنید. با وجود آنها، مثل این است که دشمن به شما حمله کرده و یک نفر هم محکم دستهای شما را

۱. الرحمن / ۴.

۲. اشاره به این حدیث که حضرت امیر (ع) از حضرت رسول (ص) نقل می فرمایند: خدایا، جانشینان مرا رحمت کن؛ و این سخن را سه بار تکرار فرمودند. پرسیده شد که ای پیغمبر خدا، جانشینان چه کسانی هستند. فرمودند: کسانی که بعد از من می آیند، حدیث و سنت مرا نقل می کنند، و آن را پس از من به مردم می آموزند؛ وسائل الشیعة؛ کتاب قضا، ابواب قاضی، باب ۸، ح ۵۰.

۳. ص ۴.

۴. آیت الله سید محمد حجت (۱۳۱۰ - ۱۳۷۳ ه. ق.) از مدرسان و مجتهدان فقه و اصول که پس از مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به همراهی آیات عظام: صدر و خوانساری، حوزه علمیه قم را اداره می کردند.  
۵. آیت الله سید صدرالدین صدر (۱۲۹۹ - ۱۳۷۷ ه. ق.) از شاگردان آخوند خراسانی و آیت الله نایینی و مشاور مرحوم حائری که پس از ایشان به همراه آیات عظام: حجت و خوانساری، حوزه علمیه قم را اداره می کردند.

۶. ص ۱۰۶، پاورقی ۳.

گرفته باشد. اینهایی که اسمشان «مقدسین» است - نه مقدسین واقعی - و متوجه مفاسد و مصالح نیستند دستهای شما را بسته‌اند. و اگر بخواهید کاری انجام بدهید، حکومتی را بگیرید، مجلسی را قبضه کنید، که نگذارید این مفاسد واقع شود، آنها شما را در جامعه ضایع می‌کنند. شما باید قبل از هر چیز فکری برای آنها بکنید.

امروز جامعهٔ مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند و به اسم اسلام به اسلام صدمه می‌زنند. ریشهٔ این جماعت که در جامعه وجود دارد، در حوزه‌های روحانیت است. در حوزه‌های نجف و قم و مشهد و دیگر حوزه‌ها افرادی هستند که روحیهٔ مقدس‌نمایی دارند؛ و از اینجا روحیه و افکار سوء خود را به نام اسلام در جامعه سرایت می‌دهند. اینها هستند که اگر یک نفر پیدا شود بگوید بیایید زنده باشید، بیایید نگذارید ما زیر پرچم دیگران زندگی کنیم، نگذارید انگلیس و امریکا اینقدر به ما تحمیل کنند، نگذارید اسرائیل اینطور مسلمانان را فلج کند، با او مخالفت می‌کنند. (۴۵۷)

\* \* \*

من و شما هم دانشجوی قدیم هستیم لکن خواب و گرفتار. [دربارهٔ] اوضاع اینجا<sup>۱</sup> که نباید یک کلمه صحبت کرد! اصلش صحبت با مرجعیت منافات دارد! صحبت با آخوندی اصلاً منافات دارد! آخوند نباید صحبت کند؟! (۴۵۸)

۵۰/۴/۱

\* \* \*

در بین ما هم اشخاصی هستند که [می‌گویند] اولوالامر هر چه، هر زهرماری می‌خواهد باشد، باید ما از او اطاعت کنیم! اولوالامر است! اولوالامر یعنی زورگو! با زورگو نباید حرف زد. خوب، پس چرا امام حسن مخالفت کرد؟ چرا امام حسین مخالفت کرد با اولوالامر، آن وقت که اولوالامر عبارت از یزید بود؟ **تَوْتَى الْمَلِكَةَ!** یکی از آخوندها به من نوشته بود - چند سال پیش از این - که شما مخالفت چرا می‌کنید با او... این مملکت را خدا داده [به او]؛ من جواب او را که ندادم، قابل جواب نبود اما این تکذیب قرآن است. مگر فرعون را کس دیگر مُلک به او داده بود؟ آن هم خدا به او داده بود، پس چرا موسی رفت با او مخالفت کرد؟ مگر نمرود را کسی دیگر به او اعطای مُلک کرده بود؟ آن هم از طرف خدا است، پس چرا ابراهیم می‌رود با او مخالفت می‌کند؟ چرا پیغمبر مخالف است؟ چرا حضرت امیر با معاویه؟ خوب معاویه هم در آنجا یک اولوالامری است برای خودش. خوب، بعد از آن چرا امام حسن با او مخالفت کرد؟ امام حسن پدر معاویه را درآورد. امام حسین چرا پا شد با چند نفر از عیالاتش رفت؛ با پنجاه - شصت نفر راه افتاد رفت آنجا مخالفت اولوالامر کرد. این حرفها حرفهای نامربوط است. آن اولوالامری که پهلوی خدا و رسول قرار می‌گیرد باید پهلوی خدا و رسول باشد. باید مثل خدا و رسول - بلاتشبهه - یعنی **ظَلَّ** خدا و رسول باید باشد. حکومت سلطان اسلام «**ظَلَّ اللهُ**» است. معنی «**ظَلَّ**» این است که حرکتی ندارد خودش، حرکت به حرکت اوست: سایه آدم خودش که حرکتی ندارد؛ هر حرکتی آدم می‌کند سایه هم، دستش را این جور می‌کند، سایه هم همان طور. «**ظَلَّ اللهُ**» این است؛ آن کسی را که اسلام به «**ظَلَّ اللهُ**» شناخته است، این است که از خودش یک چیزی مایه نگذارد، به **تَبِعَ** احکام اسلام حرکت بکند، حرکت حرکت **تَبَعِي** باشد.

رسول‌الله اینطور بود، «ظَلَّ اللهُ» بود. این مردیکه<sup>۱</sup> هم ظَلَّ اللهُ است؟! اولوالامر! یک طایفه از ما هم، بیچاره‌ها غفلت کردند و غافل شدند و اولوالامر را ... یزید هم اولوالامر است! بر ضد یزید هم اگر قیام کرد قتلش واجب است! قتل سیدالشهداء [را] واجب می‌داند! قاضی‌شان است حکم کرد به اینکه واجب القتلند! قیام برخلاف مصالح مسلمین! (۴۵۹)

۵۶/۱۱/۱۹

\* \* \*

هر انقلاب اسلامی توی آن یک مطلبی هست، توی آن یک گشتنی هست، یک ناراحتی هست، همچو نیست که خوب [بدون قربانی باشد]؛ اسلام را ما باید ببینیم اولش چه جور به دست آمد. این اسلام، این پیغمبر اکرم - صلی‌الله علیه و آله و سلم - آن وقتی که اجتماعات را درست کرد و توانست قیام بکند بر ضد شرک و کفر و بی‌عدالتیها، با چه مصیبت‌هایی گرفتار بود، چه جنگ‌هایی کرد و چه کشته‌هایی داد و خودش چه زحماتی کشید و چه جراحاتی برداشت. اسلام از اول، وقتی زاییده شده است، آن روزی که اعلام شد به اینکه حالا دیگر باید قیام کرد در مقابل [طاغوت]، از آن روز برنامه‌اش این بود که بزند و بکشد و کشته بشود برای اصلاح حال جامعه. برای اینکه این دزدها و این خیانتکارها را قطع ایادیشان را بکند، قطع حیاتشان را بکند؛ اینها مضر به جامعه هستند. این باغدارها و این کارواندارهای قریش مضر به جامعه هستند، اینها باید از بین بروند. اصلاً اول اسلام وضعش این بوده. وقتی دست من و شما رسیده، اسلام به این صورت در آمده که جز مطالعه کتاب کاری دیگر نمی‌کنیم و کاری دیگر

نمی‌گوییم بکنند<sup>۱</sup>. (۴۶۰)

۵۷/۲/۲۳

\* \* \*

اما در قضیه خرید و فروش آلات مشترکه برای مقصد حلال، اشتباه بزرگی کرده‌اید که گمان کرده‌اید خرید و فروش برای منفعت حلال، یعنی استفاده حرام کردن و این برخلاف آنچه نوشته شده است می‌باشد. البته در این زمینه‌ها مسائل زیادی است که حال و وقت من اجازه تعقیب آنها را ندارد. از جنابعالی که فردی تحصیلکرده و زحمت کشیده‌ای می‌باشید، توقع نبود که اینگونه برداشت کرده و آن را به اسلام نسبت دهید. شما خود می‌دانید که من به شما علاقه داشته و شما را مفید می‌دانم، ولی شما را نصیحت پدران می‌کنم که سعی کنید تنها خدا را در نظر بگیرید و تحت تأثیر مقدس‌نماها و آخوندهای بیسواد واقع نشوید، چرا که اگر بنا است با اعلام و نشر حکم خدا به مقام و موقعیت‌مان نزد مقدس‌نماهای احمق و آخوندهای بیسواد صدمه‌ای بخورد، بگذار هرچه بیشتر بخورد. از خداوند متعال توفیق جنابعالی را در خدمت به اسلام و مسلمین چون گذشته خواهانم. (۴۶۱)

۶۷/۷/۲

\* \* \*

شما باید نشان دهید که در جمود حوزه‌های علمیه آن زمان که هر حرکتی را متهم به حرکت مارکسیستی و یا حرکت انگلیسی می‌کردند، تنی چند از عالمان دین باور دست در دست مردم کوچه و بازار، مردم

---

۱. برای اطلاع از تأکیدات حضرت امام در مورد ابعاد سیاسی اسلام، به فصل دخالت در سیاست مراجعه شود.

فقیر و زجر کشیده گذاشتند و خود را به آتش و خون زدند و از آن پیروز بیرون آمدند.

شما باید به روشنی ترسیم کنید که در سال ۴۱، سال شروع انقلاب اسلامی و مبارزه روحانیت اصیل در مرگ‌آباد تحجر و تقدس‌مآبی چه ظلمها بر عده‌ای روحانی پاکباخته رفت، چه ناله‌های دردمندانه کردند، چه خون دلها خوردند، متهم به جاسوسی و بی‌دینی شدند ولی با توکل بر خدای بزرگ کمر همت را بستند و از تهمت و ناسزا نهراسیدند و خود را به توفان بلا زدند و در جنگ نابرابر ایمان و کفر، علم و خرافه، روشنفکری و تحجرگرایی، سرافراز - ولی غرقه به خون یاران و رفیقان خویش - پیروز شدند. (۴۶۲)

۶۷/۱۰/۲۵

\* \* \*

روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست تقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مروج اسلام امریکایی‌اند و دشمن رسول الله. آیا در مقابل این افعیها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟ (۴۶۳)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است،

بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس‌نمای واپسگرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختیهای دیگران نخورده است. وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست [و] حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعضی افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سرپای وجودش بیارد و الا عالم سیاست و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هر کس کج راه می‌رفت متدینتر بود. یاد گرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک بشمار می‌رفت. در مدرسه فیضیه فرزند خردسال، مرحوم مصطفی از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود.

علمای دین باور در همین حوزه‌ها تربیت شدند و صفوف خویش را از دیگران جدا کردند. قیام بزرگ اسلامی مان نشأت گرفته از همین بارقه است. البته هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند و یکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود، همین قضیه است که چگونه در دوران وانفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده‌لوحان بیسواد، عده‌ای کمر همت

بسته‌اند و برای نجات اسلام و حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشته‌اند. اوضاع مثل امروز نبود، هر کس صد در صد معتقد به مبارزه نبود زیر فشارها و تهدیدهای مقدس نماها از میدان به در می‌رفت؛ ترویج تفکر «شاه سایه خداست» و یا با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و اینکه ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه‌کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان - علیه السلام - باطل است و هزاران «إن قُلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تسلیغات جلوی آنها را گرفت؛ تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند. اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می‌نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید. در آن زمان روزی نبود که حادثه‌ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار امریکا و شاه به شایعات و تهمتها متوسل شدند حتی نسبت تارک الصلوة و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده داشتند می‌دادند. (۴۶۴)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*



دیروز مقدس نماهای بیشعور می گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می گویند مسئولین نظام کمونیست شده اند! تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - را مفید و راهگشا می دانستند، امروز از اینکه در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ می دهد، فریاد «وا اسلاما» سر می دهند! دیروز «حجتهای»<sup>۱</sup> مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابیتر از انقلابیون شده اند! «ولایتی»<sup>۲</sup> های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند! راستی اتهام امریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرامها و حرام کردن حلالها، اتهام کشتن زنان آبستن و جلیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می شود؟ از آدمهای لامذهب یا از مقدس نماهای متحجر و بیشعور؟! فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعنها و کنایه‌ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست؟ کار عوام یا خواص؟ خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معممین یا غیر آن؟ بگذریم که حرف بسیار است. همه اینها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه هاست، و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است.

۱. اشاره به هواداران گروه انجمن حجته که معتقد هستند هرگونه قیام و حرکتی قبل از ظهور امام زمان(عج) باطل است.

۲. کسانی که به اسم دوستی اهل بیت، خود را سرگرم عبادتهای صورتی کرده، هرگونه مبارزه سیاسی را مردود می دانند.

از یک طرف وظیفه تبیین حقایق و واقعیات و اجرای حق و عدالت در حد توان و از طرف دیگر مراقبت از نیفتادن سوژه‌ای به دست دشمنان کار آسانی نیست. (۴۶۵)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند؛ و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت، و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند. (۴۶۶)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

وصیت اینجانب به آن طایفه از روحانیون و روحانی‌نماها که با انگیزه‌های مختلف با جمهوری اسلامی و نهادهای آن مخالفت می‌کنند و وقت خود را وقف براندازی آن می‌نمایند و با مخالفان توطئه‌گر و بازیگران سیاسی کمک، و گاهی به طوری که نقل می‌شود با پولهای گزافی که از سرمایه‌داران بیخبر از خدا دریافت برای این مقصد می‌کنند کمکهای کلان می‌نمایند، آن است که شماها طرفی از

این غلط کاریها تاکنون نبسته و بعد از این هم گمان ندارم ببندید. بهتر آن است که اگر برای دنیا به این عمل دست زده‌اید - و خداوند نخواهد گذاشت که شما به مقصد شوم خود برسید - تا در توبه باز است از پیشگاه خداوند عذر بخواهید و با ملت مستمند مظلوم هم صدا شوید و از جمهوری اسلامی که با فداکاریهای ملت به دست آمده حمایت کنید، که خیر دنیا و آخرت در آن است. گرچه گمان ندارم که موفق به توبه شوید.

و اما به آن دسته که از روی بعضی اشتباهات یا بعضی خطاها، چه عمدی و چه غیرعمدی، که از اشخاص مختلف یا گروهها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید می‌کنند و برای خدا در براندازی آن فعالیت می‌نمایند و با تصور خودشان این جمهوری از رژیم سلطنتی بدتر یا مثل آن است، با نیت صادق در خلوات تفکر کنند و از روی انصاف مقایسه نمایند با حکومت و رژیم سابق. و باز توجه نمایند که در انقلابهای دنیا هرج و مرجها و غلط رویها و فرصت طلبیها غیر قابل اجتناب است و شما اگر توجه نمایید و گرفتاریهای این جمهوری را در نظر بگیرید - از قبیل توطئه‌ها و تبلیغات دروغین و حمله مسلحانه خارج مرز و داخل، و نفوذ غیر قابل اجتناب گروههایی از مفسدان و مخالفان اسلام در تمام ارگانهای دولتی به قصد ناراضی کردن ملت از اسلام و حکومت اسلامی، و تازه کار بودن اکثر یا بسیاری از متصدیان امور و پخش شایعات دروغین از کسانی که از استفاده‌های کلان غیر مشروع بازمانده یا استفاده آنان کم شده، و کمبود چشمگیر قضات شرع و گرفتاریهای اقتصادی کمرشکن و اشکالات عظیم در تصفیه و تهذیب متصدیان چند میلیونی، و کمبود مردمان صالح کاردان و متخصص و دهها گرفتاری دیگر، که تا انسان وارد گود نباشد از آنها

بیخبر است - و از طرفی اشخاص غرضمند سلطنت طلب سرمایه‌دار هنگفت که با رباخواری و سودجویی و با اخراج ارز و گرانیفروشی به حد سرسام‌آور و قاچاق و احتکار، مستمندان و محرومان جامعه را تا حد هلاکت در فشار قرار داده و جامعه را به فساد می‌کشند، نزد شما آقایان به شکایت و فریبکاری آمده و گاهی هم برای باور آوردن و خود را مسلمان خالص نشان دادن به عنوان «سهم» مبلغی می‌دهند و اشک تمساح می‌ریزند و شما را عصبانی کرده به مخالفت برمی‌انگیزانند، که بسیاری از آنان با استفاده‌های نامشروع، خون مردم را می‌مکنند و اقتصاد کشور را به شکست می‌کشند.

اینجانب نصیحت متواضعانه برادرانه می‌کنم که آقایان محترم تحت تأثیر اینگونه شایعه‌سازیه‌ها قرار نگیرند و برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند. و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد، به جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیه‌الله - روحی فداه - یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد، بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می‌رسد و محرومان جهان، که به اسلام و حکومت اسلامی رو [ی] آورده و دل باخته‌اند، مأیوس می‌شوند و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد؛ و شماها روزی از کردار خود پشیمان می‌شوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد. و شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یک اشتباه است، و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد. (۴۶۷)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

## هوای نفسانی و عدم تهذیب نفس

در ارباب ریاضت و سلوک، اشخاصی هستند که ریاضت و اشتغال آنها به تصفیة نفس، قلوب آنها را منکدرتر و باطن آنها را ظلمانیتر نموده. و اینها از آن است که بر سلوک معنوی الهی و مهاجرت الی الله محافظت ننمودند و سلوک علمی و ارتیاضی آنها با تصرف شیطان و نفس به سوی شیطان و نفس بوده. و همین طور در طلاب علوم نقلیة شرعیة اشخاصی را دیدیم که علم در آنها تأثیر سوء بخشیده و بر مفاسد اخلاقی آنها افزوده، و علم که موجب فلاح و رستگاری آنها باید باشد باعث هلاکت آنها شده و آنها را به جهل و ممارات و استطاله و ختل کشانده. (۴۶۸)

\* \* \*

یکی از عصبیتهای جاهلیت ایستادگی در مطالب علمیه است و حمایت کردن از حرفی است که از خودش یا معلمش یا شیخش صادر شده، نه برای اظهار حق و ابطال باطل. معلوم است این عصبیت از جهاتی زشت تر و از حیثیاتی نارواتر است از سایر عصبیتهای: یکی از جهت متعصب؛ زیرا که اهل علم، که باید مربی بنی نوع بشر باشد و شاخه شجره نبوت و ولایت است و به وخامت امور مطلع و عواقب اخلاق فاسده را می داند، اگر خدای نخواستہ خود عصبیت جاهلیت داشته باشد و متصف به صفات رذیله شیطانیه باشد، حجت بر او تمامتر و مورد مؤاخذه بیشتر واقع گردد. کسی که خود را معرفی کند به اینکه چراغ هدایت مردم و شمع محفل انس و راهنمای سعادت و معرف طرق آخرت است، اگر خدای نخواستہ عامل به قول خود نباشد و باطنش با ظاهر مخالف باشد، در زمره اهل ریا و نفاق به

حساب آید و از علمای سوء و عالم بلاعمل است که جزای آن بزرگتر  
و عذاب آن الیمتر است. (۴۶۹)

\* \* \*

تو طلبهٔ فقه و حدیث و سایر علوم شرعیه نیز در مقام علم بیش از یک  
دسته اصطلاحات که در اصول و حدیث به خرج رفته ندانی. اگر این  
علوم که همه‌اش مربوط به عمل است در تو اضافه‌ای نکرده و تو را  
اصلاح ننموده، بلکه مفسد اخلاقیه و عملیه بار آورده، کارت از علمای  
سایر علوم پست‌تر و ناچیزتر، بلکه از کار همهٔ عوام پست‌تر است. این  
مفاهیم عرضیه و معانی حرفیه و نزاعهای بی‌فایده، که بسیاری از آن به  
دین خدا ارتباطی ندارد و از علوم هم حساب نمی‌شود که اسمش را  
بگذاری ثمرهٔ علمیه دارد، اینقدر ابتهاج و تکبر ندارد. خدا شاهد است و  
کفی به شهیداً که علم اگر نتیجه‌اش اینها باشد و تو را هدایت نکند و مفسد  
اخلاقی و عملی را از تو دور نکند، پست‌ترین شغلها از آن بهتر است؛  
چه که آنها نتیجهٔ عاجلی دارد و مفسد دنیوی و اخرویش کمتر است، و  
تو بیچاره جز وزر و وبال نتیجه‌ای نبوی و جز مفسد اخلاقی و اعمال  
ناهنجار حاصلی بر نداری. پس، علم تو هم از نظر اعتبار علمی تکبر  
ندارد. متنها از بس افق فکرت کوتاه است به مجرد آنکه دو تا اصطلاح  
درهم و برهم کردی، خود را عالم و سایر مردم را جاهل دانستی؛ و پر  
ملائکهٔ مقربین را به زیر پای خود پهن می‌کنی و جایگاه را در مجالس و  
راه را در کوچه‌ها بر بندگان خدا تنگ می‌نمایی، و علم و علمای آن [را]  
تضییع می‌کنی و توهین به نوع خود می‌نمایی. (۴۷۰)

\* \* \*

ای مدعی ایمان و خضوع قلب، در بارگاه ذوالجلال اگر تو به کلمه توحید ایمان داری و قلبت یکی پرست و یکی طلب است و الوهیت را جز برای ذات خدای تعالی ثابت ندانی، اگر قلبت موافق با ظاهرت است و باطنت موافق با دعویت است، چه شده است که برای اهل دنیا اینقدر قلبت خاضع است؟ چرا پرستش آنها را می‌کنی؟ جز این است که آنها را مؤثر در این عالم می‌دانی و اراده آنها را نافذ و زر و زور را مؤثر می‌دانی؟ چیزی را که کارکن در این عالم نمی‌دانی اراده حق تعالی است. پیش تمام اسباب ظاهری خاضعی، و از مؤثر حقیقی و مسبب جمیع اسباب غافل. با همه حال دعوی ایمان به کلمه توحید می‌کنی! پس، تو نیز از زمره مؤمنان خارج و در سلک منافقان و دو زبانان محشوری.

و ای مدعی زهد و اخلاص، اگر تو مخلص هستی و برای خدا و دار کرامت او زهد از مشتبهات دنیا می‌کنی، چه شده است که از مدح و ثنای مردم، که فلان اهل صلاح و سداد است، اینقدر خوشحال می‌شوی و در دل غنچ و دلال می‌کنی، و برای همنشینی با اهل دنیا و زخارف آن جان می‌دهی، و از فقرا و مساکین فرار می‌کنی؟ پس، بدان که این زهد و اخلاص حقیقی نیست. زهد از دنیا برای دنیاست، و قلبت خالص از برای حق نیست، و در دعوای خود کاذبی و از دورویان و منافقانی. (۴۷۱)

\* \* \*

اینکه در روایات ما هست که اهل جهنم متأذی می‌شوند از بوی عالمی که به علمش عمل نکند، این برای چیست که عالم وضعش اینطور است؟ این برای این است که فرق است مابین عالم و غیر عالم

-از جهاتی فرق است. عالم اگر خدای نخواستہ منحرف شد، یک امت را ممکن است منحرف بکند. من خودم دیده‌ام این مطلب را که در بعضی از شهرستانهایی که در ایام تابستان ما می‌رفتیم، بعضی از شهرستانها را من می‌دیدم که اینها بسیار مؤدب به آداب، جامعه آنجا مؤدب به آداب شرع هستند - مثل محلات که آن وقتها این جور بود - انسان وقتی ملاحظه می‌کرد می‌دید که عالم خوبی آنجا بوده. چند تا ملای متدین خوب اگر در یک جامعه‌ای، در یک شهری، چند نفر ملای متوجه به دیانت، عاقل و عامل به علم خودش باشد، لازم نیست موعظه کند اصلاً، خود وجود او موعظه است. ما اشخاصی را دیدیم که خود وجودشان در انسان تأثیر می‌کرد. مآلهایی یکوقتی در قم بود [ند] که خود وجودشان، اصلاً انسان وقتی نگاه می‌کرد به او - همان نگاه - موعظه بود. از آن طرف، ما الآن می‌بینیم که، تهران را من یک قدری اطلاع دارم؛ محلات مختلف تهران فرق دارد، یک گوشه می‌بینید که یک آدم منحرف آنجا معمم است یا امام جماعت شده است، یک طایفه‌ای را منحرف کرده است! این گندش چقدر است؟ همان گند است که اینجا به مشام می‌رسد. این گندی است که ما در دنیا تهیه می‌کنیم؛ نه یکی یک گندی را به ما اضافه بکنند؛ این گند خود ماست. هر چه در عالم آخرت واقع می‌شود، یک چیزی است که از اینجا ما تهیه کرده‌ایم و وارد می‌کنیم در عالم آخرت. به ما یک چیزی خارج از عملمان نمی‌دهند؛ اعمال ماست اینها.

وقتی بنا شد که یک عالمی مفسده جو باشد و یک حوزه را در معرض خطر قرار بدهد، این گندش یک حوزه را بلکه یک امت را می‌گیرد؛ و همین گند است که الآن شامه ما درست نمی‌تواند ادراک کند؛ وقتی که در جهنم رفتیم - خدای نخواستہ - آنجا ادراک می‌کند شامه‌ها. و این گندی که از این عالم بلند شده است و در دنیا اینطور



کرده، آنجا مردم را متأذی می‌کند. و در همین روایت است که **أَشَدُّ النَّاسِ حَسْرَةً**<sup>۱</sup> آنهايي هستند که دعوت می‌کنند اشخاص را به صلاح و خیر و آنها استجابت می‌کنند و عمل می‌کنند به قول این آدم و آنها در بهشت می‌روند، و خود این آدم عالمی است که به علم خودش عمل نمی‌کند و در جهنم می‌رود! آن شاید می‌بیند آنها را که آن بقال بود که به واسطه<sup>۲</sup> ارشاد من و به واسطه<sup>۳</sup> امر و نهی من الآن وارد شده است در **نَعِيمٍ مَّقِيمٍ**، و این منم که به واسطه<sup>۴</sup> اینکه عمل نکردم به علم خودم وارد شدم در این. این چقدر حسرت دارد!

وظایف عالم خیلی زیاد است. همان طوری که آن همه تعریف از برای عالم شده است در روایات کریمه، در قرآن هم تعریف شده است، وظایفی که در روایات شریفه<sup>۵</sup> ما وارد شده است مراجعه بفرمایید، کتاب کافی را مراجعه بفرمایید، کتاب وسائل را، آن ابوابی که مُعَدَّ برای این چیزهاست مراجعه بفرمایید، اصول کافی خصوصاً<sup>۶</sup> در این مسأله، در این مسائل مراجعه بفرمایید که آن وظایفی که از برای مآلها هست، آن وظایفی که از برای اهل علم هست، آن آدابی که از برای مفید و مستفید هست.

... اگر تهذیب نفس در کار نباشد، به ضرر دنیا و آخرت جامعه<sup>۷</sup> مسلمین تمام می‌شود. اصطلاحات اثری ندارد. علم توحید، اگر چنانچه مشفوع نباشد با این صفای نفس، همان علم توحید برای انسان وبال خواهد شد! چه بسا اشخاصی که عالم به علم توحید بودند و منحرف کردند طوایفی را؛ اشخاصی را منحرف کردند؛ و حال اینکه عالم به علم توحید بودند. چه بسا اشخاصی که همین اطلاعات شما را

۱. امام صادق (ع) فرمود: **أَشَدُّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ عَمَلَ بِغَيْرِهِ**؛ حسرت دیده‌ترین مردم در قیامت، کسی است که در عدالت و نیکرفتاری سخن می‌گفته و برخلاف آن عمل می‌کرده است؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۲۹۹.

۲. اصول کافی، تألیف محدث کلینی (متوفای ۳۲۸ ه. ق.) بوده، که حاوی مباحث اعتقادی و اخلاق است.

بہتر می‌دانستند لکن از باب اینکه انحراف داشتند، وقتی که وارد شدند در یک جامعه، منحرف کردند یک جامعه را. از اموری که باید مواظبت بشود - و نکته این است که عالم وضعش اینطوری است - این است که (آقا بفرمایید) [خطاب به یکی از حضار] در سایر مردم اصلاً وضع این جور شده اگر یک بقالی یک خلافی بکند مردم می‌گویند فلان بقال آدم بدی است؛ یک عطاری، یک اداری، یک کذا، اینطور می‌گویند؛ لکن اگر یک آخوندی یک کاری را بکند، می‌گویند «آخوندها» کذا! نمی‌گویند که، آخوند را تجزیه و تحلیل نمی‌کنند که در بین آخوند، خوب، اینها هم بشرند، دو طایفه هستند، یک طایفه‌شان مردم صالحی هستند، یک طایفه‌شان هم مردم - نعوذبالله - غیر صالحی هستند. اینجا تجزیه نمی‌کنند؛ اینجا اگر من یک کار بدی بکنم، می‌گویند «آخوندها» کذا هستند! این لطمه‌اش به اسلام وارد می‌شود؛ این لطمه‌اش به حوزه‌های دیانتی وارد می‌شود؛ این لطمه‌اش به احکام اسلام وارد می‌شود. (۴۷۲)

۱۳۴۴ تا شهریور ۱۳۴۶

\* \* \*

به شما عرض می‌کنم تا جوان هستید می‌توانید یک کاری انجام بدهید. ریشه‌های فساد در قلب جوان ضعیف است؛ هر چه بزرگ شد... آن روایت را ملاحظه کرده‌اید؛ من سابقاً [در احادیث] دیده‌ام که قلب انسان نقطه سفید است؛ بعد که چیز می‌کند، گناه می‌کند، نقطه سیاهی پیدا می‌شود؛ و هر چه گناه زیاد بشود، سیاه سیاهتر می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. در روایتی از امام باقر(ع) آمده است که: مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نَكْتَةٌ بِيضَاءٌ فَإِذَا... كَلَّأَ بُلُّ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ هر بنده‌ای در دلش نقطه سفیدی است، که چون مرتکب گناه گردد، خال سیاهی در آن پیدا شود؛ سپس اگر توبه کند آن سیاهی از بین می‌رود؛ لیکن اگر به گناه ادامه دهد، آن سیاهی افزایش می‌یابد تا روی سفیدی را بپوشاند؛ و

این جوان قلبش لطیف است، ملکوتی است، لکن وقتی که وارد شد در این جامعه‌ها، وارد شد در این چیزها، کم‌کم - خدای نخواستہ - ابتلائات پیدا می‌کند. دائماً یک کاری می‌کند؛ یک شب و روزی از او نمی‌گذرد الا اینکه یک کار - نعوذ بالله - خلافی می‌کند. خوب، این یک نقطه سودا در قلبش پیدا می‌شود؛ نه در این قلب، در آن قلبی که نفسانی و روحانی است. کم‌کم آن نقطه سیاه زیاد می‌شود؛ وقتی که به پیری رسید و قلبش سیاه شده است، او نمی‌تواند به این زودیها این قلب را برگرداند به حال اول؛ لکن شما جوانها می‌توانید؛ قدرت دارید؛ قدرت جوانی دارید. از این طرف قدرت جوانی دارید، از آن طرف این امور در شما ضعیف است الآن. هر چه سن شما اضافه بشود و هر قدمی که بردارید و برداریم، بروی به طرف آخرت، آن چیزهایی که منافی است با سعادت انسان زیاد می‌شود؛ قدرت هم کم می‌شود. به سن پیری که رسید نمی‌تواند دیگر؛ از او نمی‌آید توبه.

توبه یک امری نیست که انسان بالفظ *أتوبُ إلى الله* کارش درست بشود! ندامت است. این ندامت به این زودیها نمی‌آید برای یک اشخاصی که پنجاه سال غیبت کرده؛ پنجاه [سال] فحش داده؛ ریشش را سفید کرده در فحش و غیبت! او نمی‌تواند. او تا آخر عمر مبتلاست. اما [شما] جوانها که گاهی اتفاق می‌افتد - و نگذارید اتفاق بیفتد - اگر یک مجلسی دیدید که غیبت می‌کنند، در یک روایتی مثل اینکه هست که حضرت می‌فرماید: پاشو از این مجلس. می‌گوید نمی‌شود. گفت: اگر به پدرت فحش می‌داد تو پانمی‌شدی که جلوگیری؟ پامی‌شدی دیگر! مثل اینکه یک همچو روایتی هست؛ نگذارید غیبت

---

چون سفیدی پوشیده شد، دیگر صاحب آن دل هرگز به خیر نگراید؛ و این سخن خداوند - عزوجل - است که می‌فرماید: نه چنین است، بلکه آنچه مرتکب شدند بر دلشان زنگاری بست (مطفین / ۱۴). رجوع کنید به: بحار الانوار؛ ج ۷۳، ص ۳۳۲.

بشود **السَامِعُ أَخَذَ الْمُغْتَابِينَ**<sup>۱</sup>. این جور نیست که او غیبت می‌کند؛ منی هم که گوش می‌کنم **أَخَذَ الْمُغْتَابِينَ** هستم. نگذارید که این مفسده‌ها پیدا بشود؛ خودتان را نصیحت کنید.

آقا شما چند نفر جوانید که عمرتان را گذاشته‌اید روی این کار، در صورتی که این کار برای شما یک منافع سرشاری ندارد. جوانیتان را دارید تلف می‌کنید. اگر چنانچه این جوانی را در راه خدا بدهید و در راه خدا تلف بکنید، تلف نشده؛ برای شما باقی است. اگر چنانچه خدای نخواستہ شما هم مثل سایر اهل دنیا باشید، جوانی از دستتان برود، آنها دنیا را دارند، شما جوانی را دادید دنیا را هم ندارید، **خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ**. خوب، آنها دنیا را لااقل دارند. اگر بنا شد که حب دنیا و حب نفس در ما همچو غلبه کند که نگذارد حقایق را ببینیم، نگذارد واقعیات را ملاحظه کنیم، سد راه هدایت ما بشود، کم‌کم زیاد بشود این معنی تا آنجایی که گفته می‌شود که شیطان ایمان را می‌خواهد... همه وسایل برای این است که ایمان را از انسان بگیرد. این آخر امر ایمان را از دست ما بگیرد. کسی سند ندارد که من ایمانم همین طور صاف! زیرا شاید **مُسْتَوْدَعٌ**<sup>۲</sup> باشد.

من باید جدیت کنم؛ شما باید جدیت کنید. مهذب کنید خودتان را. موظفید علاوه بر تهذیب خودتان، رفقاییتان را هم مهذب کنید. جرم شما مثل جرم سایرین نیست؛ در روایت است فقط این نیست که یک گناهی من می‌کنم؛ اگر چنانچه عالم ارتکاب یک معصیتی بکند، این جامعه را فاسد می‌کند: **إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ**. این یک مطلب واضحی است که هر مقداری که شعاع وجودی این عالم است، همان مقدار فاسد می‌کند. الآن عالمهایی پیدا می‌شود - که در فرض کنید - که

۱. گوش‌کننده به غیبت هم، غیبت‌کننده است. بحار الانوار؛ ج ۷۲، ص ۲۲۶.

۲. به ودیعه نهاده شده، امری که پس گرفته می‌شود.

یک جایی، در تهران، در جاهای دیگر، پیدا می‌شود که همان جا که هستند یک محله را به گند زده‌اند! خوب گند این آخوند در آنجا یک محله را برده؛ در جهنم هم گندش را همه می‌شنوند؛ اذیت می‌کند همه را. (۴۷۳)

۱۳۴۴ تا شهریور ۱۳۴۶

\* \* \*

باید از همین حالا، همین جوان شانزده ساله، همین جوان بیست ساله که [در] مدارس هست، در مدارس علمی هست، از حالا باید آنطوری که رضای خداست، آنطوری که دستورات الهی است، از حالا باید خودش را عادت بدهد به اینکه آنطور باشد. یک قدم که برای تحصیل علم برمی‌دارد، یک قدم هم برای تحصیل اخلاق خوب و تهذیب بردارد. اگر خدای نخواستہ عالمی مهذب نباشد، اگر خدای نخواستہ عالمی آنطوری که اسلام می‌خواهد نباشد، این ضررش از نفعش بیشتر است. تمام ادیانی که مخترع است و تمام ادیانی که اختراع شده است و کذب است، این اشخاص تحصیل کرده مؤسسه هستند، اشخاصی که در حوزه‌های علمیه تحصیل کرده‌اند لکن مهذب نبودند. شما ملاحظه بفرمایید رؤسای مذاهب باطله را، می‌بینید که رؤسای مذاهب باطله تمامشان از اشخاصی هستند که درس خواندند، ملایند لکن مهذب نبودند.

اینجا، در پناه حضرت امیر - سلام الله علیه - است. بودن آقایان در ارض مقدس نجف، در پناه حضرت امیر - سلام الله علیه - هم یک تکلیف زیاد برای انسان می‌آورد. اصل خود بودن در نجف فرق دارد با اینکه کسی در - فرض کنید که - کویت باشد، یا کسی در تهران باشد، یا کسی در بغداد باشد. بودن در نجف خودش یک مسئله‌ای است؛ یک

مسئولیتی دارد. انسان ببیند که حضرت امیر - سلام‌الله علیه - در زندگی‌اش چه وضعی داشته است؛ چه سلوکی در زندگی داشته است - چه در زندگی انفرادی، چه در زندگی اجتماعی. انسان تفکر کند بر احوال حضرت امیر - سلام‌الله علیه؛ ملاحظه کند که چه زحماتی برای اسلام کشیده است؛ چقدر زخم خورده است؛ چقدر رنج برده است؛ چقدر جنگ کرده است؛ چقدر تشنگی خورده است - اینها را ملاحظه کند انسان. یک همچو اسلامی که به دست ما سپرده شده است، به دست شما آقایان سپرده شده است، مسئولیت دارید اگر خدای نخواستہ در خلال تحصیل علم همان فکر این باشید که دقایق علمی را ادراک نکنید لکن فکر تهذیب نباشید. مهذب کنید خودتان را؛ مهذب بشوید به آداب‌الله؛ به سُنن‌الله؛ اگر چنانچه این نباشد علم اثری ندارد.

آن نوری که خدای تبارک و تعالی *يَقْدِفُهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ*، اگر مهذب نباشد قذف نخواهد شد. یک فنی است، یک فنی است آن علمی که نورانیت می‌آورد و نور است و خدای تبارک و تعالی آن را عنایت می‌فرماید. آن به هر قلبی عنایت نمی‌شود؛ هر قلبی لایق آن نیست. تا مهذب نباشد، تا خودش را خالی نکند از اخلاق زشت، خالی نکند از اعمال زشت، تا متوجه به خدا نباشد و تمام قلب را به او تسلیم نکند، خدای تبارک و تعالی قذف نمی‌فرماید. گزاف نیست این مطلب؛ اینطور نیست که: خیر، من دقایق علوم را می‌دانم. خیر، خیلیها دقایق علوم را [می‌دانستند] «غزالی» هم خیلی خوب می‌دانست، «ابوحنیفه» هم خوب می‌دانست، خیلیها می‌دانستند، خیلی از اشخاص هستند که دقایق علوم را از همه بهتر می‌دانند و آن نوری که خدای تبارک و تعالی به آنها عنایت باید بکند نمی‌فرماید. این تهذیب می‌خواهد؛ این زحمت می‌خواهد؛ این ریاضت می‌خواهد. آقا شما که آمدید وارد

شدید در این قوم، باید ریاضت بکشید؛ باید زحمت بکشید؛ باید مراعات کنید؛ محاسبه کنید نفس خودتان را؛ شب که از مطالعه فارغ می شوید، آخر شب، محاسبه کنید امروز چند تا کار خلاف، نعوذ بالله - ان شاء الله که نیست - امروز چند تا - نعوذ بالله - غیبت کردم، به چند تا عالم جسارت کردم. می دانید که اگر یک کلمه، یک کلمه، به یکی از مراجع اسلام اهانت بشود، پیش خدا چه است؟ «فَقَدْ بَارَزَ اللَّهُ بِالْمُحَارَبَةِ!» اینها اولیای خدا هستند.

باید هر قدمی که در راه تحصیل برداشته می شود، اگر عرض نکنم دو قدم، لا اقل یک قدم هم در باب تهذیب اخلاق، در باب تحکیم عقاید، در باب استقرار ایمان در قلب [برداشته شود]. اینها تفکر لازم دارد؛ محاسبه لازم دارد؛ مراقبه لازم دارد. آقایان باید مراقبه کنند، باید مراقبت کنند خودشان را. از صبح تا عصر باید مراقب خودشان باشند. نفس انسان سرکش است، یک آن از آن غافل بشویم، نعوذ بالله، انسان را به کفر می کشد نه به فسق، اگر غافل بشود انسان. شیطان راضی نیست به فسق ما، او کفر ما را می خواهد. او می خواهد همه را منتهی کند به کفر؛ منتها از معاصی کوچک می گیرد و کم کم وارد می کند در بزرگتر، و کم کم در بزرگتر، و کم کم بالاتر تا برسد به آنجا که خدای نخواستہ انسان را منحرف کند اصلاً از اسلام. باید مراقبت کنید آقا از خودتان؛ باید از اول صبح که از خواب پا می شوید، یا اول اذان یا ان شاء الله قبل از اذان که پا می شوید از خواب ... باید مراقب خودتان باشید. در این مجتمع باید مراقبت کرد؛ در این اجتماعات، در این اجتماعات دو تایی، چهار تایی، صد تایی، ده تایی باید مراقبت کرد: احترام کرد از بزرگان، احترام کرد از رفقا، احترام کرد از مؤمنین. لسان سوء، نعوذ بالله، نداشت؛ اشکال [و] مناقشه بیجا انسان نکند. اگر فرض بفرمایید شما در نظرتان یک کسی یک کاری انجام می دهد یا

انجام نمی‌دهد و ناگوار است در نظر شما، محمول به صحت است. نباید انسان همین‌طور بدون اینکه توجه کند به مطلبی، یکوقت خدای نخواستہ جسارت کند به یک مؤمنی، به یک مسلمی، به یک طلبه‌ای، به یک اهل علمی، فضلاً از اینکه به یک عالمی، فضلاً از اینکه به یک مرجعی. اینها [را] باید مواظبت کرد؛ انسان باید خودش را مواظبت کند؛ حفظ کند این جهات را تا موفق بشود. (۴۷۴)

۴۴/۸/۲۳

\* \* \*

امروز آبروی اسلام بسته به اعمال روحانین است. روحانین که مربی انسانها هستند، به جای انبیا نشسته‌اند، مبعوث از طرف انبیا هستند. آبروی اسلام امروز، آبروی اسلام در ایران امروز، بسته به اعمال همه است، و خصوصاً روحانیون. اگر خدای نخواستہ از این طایفه یک اشتباهی صادر بشود، یک خطایی صادر بشود، این به پای اسلام تمام می‌شود. متوجه باشید که مسئولیت بزرگ است. همه مسئولیم، همه مسئولید لکن روحانیون بیشتر مسئولند. (۴۷۵)

۵۸/۴/۲

\* \* \*

من امیدوارم که شما آقایان، که در این راه قدم برداشتید و در مدرسه دینی و علمی وارد شدید، بعدها از ذخایر این امت و از مبلغین اسلام باشید. راه، راه خوبی است، و خطرناک. راه خوبی است که راه انبیاست... و خطرناک است. که اگر ما به وظایف محوله به خودمان عمل نکنیم، غیر از این است که دیگران نکنند. اگر یک بقال، یک کارمند، یک شخصی که بسمه روحانیت ندارد، یک کار زشتی خدای



نخواستہ انجام بدهد، این برای خودش عیب است؛ اما اگر شما ان شاء الله روحانی شدید و هر کدامتان در یک بلدی یا در یک مملکتی ان شاء الله سرشناس شدید و مروج دین اسلام، اگر خدای نخواستہ انحرافی در شما پیدا بشود، این انحراف انحرافی نیست که مثل سایر مردم باشد.

... اگر خدای نخواستہ از اینهایی که نماینده هستند از طرف اولیای خدا، از طرف رسول خدا، اینها اگر یکوقت یک انحرافی از آنها پیدا بشود، شاید اشخاص غرضمند این را به پای اسلام حساب کنند؛ خیال کنند تعلیمات اسلامی اینطور است. ولہذا راه، راه پرخطری است، و راه شریفی. جدیت کنید که از این راه پرخطر خوب عبور کنید، که این صراط است. صراط مستقیم الهی از اینجا شروع می شود.

چسب جہنم از دنیا تا بہشت امتداد دارد. و شما الآن در بین راه هستید و در صراط هستید. توجه کنید که این راه را منحرف نشوید. مستقیم این راه را تا بہشت ان شاء الله، تا سعادت ان شاء الله. و توجه داشته باشید کہ شما در آتیه، ان شاء الله در آتیه، مربی مردم هستید؛ و مربی مردم باید خودش منزہ باشد، مہذب باشد. توجه داشته باشید کہ آخوند شغلش بزرگترین شغلها و مسئولیتش بزرگترین مسئولیتهاست. یک شخص روحانی می تواند یک ملت را نجات بدهد؛ و یک شخص روحانی می تواند یک ملت را بہ تباهی بکشد. توجه داشته باشید کہ مبدا از آن اشخاص بشوید کہ یک ملت را بہ تباهی بکشید. از آن اشخاص باشید کہ یک ملت را بہ سعادت برسانید؛ یا شعاع شما در ہر جا هست، آنها را بہ سعادت برساند. با ارشاد شما مردم ہدایت بشوند. نکند کہ یکوقت با عمل شما، با قول شما، با رفتار شما، یک اعوجاجی در مردم پیدا بشود؛ یک انحرافی پیدا بشود. این انحراف برای شما ضررش زیاد است. شما ان شاء الله بعد کہ ہر یک، از

علمای اعلام شدید، توجه کنید که در خلال تحصیل علم، تقوا تحصیل کنید، مهذب بشوید، اخلاقتان را مهذب کنید، اعمالتان را مهذب کنید. باید بر طبق کتاب و سنت باشد که شما خودتان کتاب و سنت بشوید؛ یعنی کتاب و سنت عملی. روحانی باید طوری باشد که مردم وقتی که او را دیدند به یاد رسول خدا بیفتند. و شما این بار را به دوش گرفتید، و باید این بار را به سلامت به آخر برسانید و مردم را هدایت کنید. خداوند شما و دوستان شما و رفقای شما، که در آن مدرسه و در سایر مدارس هستند، همه را سلامت و سعادت عنایت کند؛ و همه شما را خداوند از علمای اعلام مهذب که برای خدا قدم برداشتید قرار بدهد. (۴۷۶)

۵۸/۴/۲

\* \* \*

شما آقایان همان طور که شغلان محترم و شریف است، مسئولیتان زیاد است. شما باید خودتان را بسازید، و بعد ملت را بسازید. خودسازی به اینکه تمام ابعادی که انسان دارد، و انبیا آمدند برای تربیت آن - تمام ابعاد را - ترقی دهید؛ جنبه علمی، همه ابعاد علم؛ جنبه اخلاقی، همه ابعاد اخلاق؛ تهذیب نفس، وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا؛ که سرمنشأ همه کمالات وارسته شدن نفس از تعلقات است، و بدبختی هر انسان تعلق به مادیات است. توجه و تعلق نفس به مادیات، انسان را از کاروان انسانها باز می‌دارد، و بیرون رفتن از تعلقات مادی و توجه به خدای تبارک و تعالی انسان را به مقام انسانیت می‌رساند. انبیا هم برای همین دو جهت آمده بودند: بیرون کردن مردم از تعلقات، و تشبث به مقام ربوبیت.

شما آقایان اهل علم، که بعضی لباس [...] ملبس به لباس علم

هستید، و بعضی، یا اکثراً ان شاء الله بعد ملبس خواهید شد، ان شاء الله این مراتب را طی بکنید. علم تنها اثر ندارد؛ بلکه گاهی مضر است. عمل بدون علم بی نتیجه است. علم و عمل دو بالی است که انسان را به مقام انسانیت می رساند. علم به همه شئون و عمل - عمل نفسانی، عمل جسمانی، عمل عقلانی - انسان را به مراتب انسانیت می رساند. امید است که شما آقایان در خلال تحصیل، توجه به این مطلب داشته باشید که در مدرسه‌ها منزه کنید خودتان را از تعلقات دنیا. تمام گرفتاریهای بشر از این تعلقات است. اگر این تعلقات نبود، اگر این توجه به دنیا و تعلق به دنیا نبود، ما اینقدر گرفتاری در ظرف بیش از پنجاه سال و قریب شصت سال نداشتیم. (۴۷۷)

۵۸/۴/۳

\* \* \*

در رژیم سابق اگر چنانچه یک معمم، یک مُلبَس به این لباس، یک کار خلاف انجام می داد، معلوم نبود به اسلام نسبت بدهند؛ می گفتند این منحرف است، این ساواکی است، این درباری است. الآن که رژیم رژیم جمهوری اسلامی است و همه نظرها به شما دوخته شده است، اگر خدای نخواستہ یک انحرافی واقع بشود در مدارس، در کمیته‌ها، در جاهای دیگر، در دادگاهها، این پای اسلام حساب می شود. گفته می شود که جمهوری اسلامی است و جمهوری اسلامی هم همینهاست؛ همین است که می بینید. (۴۷۸)

۵۸/۴/۵

\* \* \*

باید آقایان همان طوری که در تحصیل علم کوشا هستند، در تهذیب

اخلاق، در اعمال، در عقاید، در فضایل اخلاقی کوشا باشند؛ که علم بدون عمل و بدون تقوا بسیاری از اوقات مُضِرّ است. باید عالمِ مَتَّقی باشد و متوجه به خدای تبارک و تعالی باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند. باید خودش تربیت شده باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند. (۴۷۹)

۵۸/۴/۵

\* \* \*

شما آقایان، که در راه اسلام و علم قدم برمی دارید و متلبس به لباس اسلام و لباس انبیا شده‌اید و متلبس به لباس روحانیت شده‌اید، گمان نکنید که درس خواندن بدون اینکه قرائت به اسم رب باشد برایتان فایده دارد. گاهی ضرر دارد. گاهی علم غرور می‌آورد. گاهی علم انسان را پرت می‌کند از «صراط مستقیم». اینهایی که دین‌ساز بودند اکثراً اهل علم بودند. اینهایی که دعوت برخلاف واقع کردند اکثراً از اهل علم هستند. چون علم قرائت به اسم رب نبوده است. انحراف داشته است از اول. این راه انحرافی هر چه پیش رفت، بیشتر انحراف حاصل می‌شود؛ دورتر می‌شود از انسانیت. چه بسا یک نفر آدم فیلسوفِ اعظم است، به حسب نظر مردم، فقیه اکرم است به حسب نظر مردم، همه چیز می‌داند، انبار معلومات است، لکن چون قرائت به اسم رب نبوده است، از صراط مستقیم دورتر شده است. و از همه دورتر. هر چه انبار زیادتر و زرش زیادتر. هر چه انبار بزرگتر و زر و ظلماتش بیشتر. **ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ**<sup>۱</sup> گاهی علم ظلمت است؛ نور نیست. آن علمی که شروع بشود به اسم رب، آن نور هدایت دارد. آن علمی که برای این است که یاد بگیرد، آن خویش این است که می‌خواهد یاد بگیرد. و الا می‌خواهم مَسْنَد بگیرم؛ می‌خواهم

امام جماعت بشوم؛ می خواهم اهل منبر باشم؛ می خواهم مقبول عامه باشم، مقبول مردم باشم. انحراف است. اینها انحرافات است. و همه دقیق! صراط مستقیم، به حسب وصفی که شده است، باریکتر از پوست. بسیار دقیق است.

چه بسا انسان یک عمر در ریا بوده و خودش نفهمیده. یک عمر هر عملی کرده ریا بوده است، و نفهمیده خودش ریا است. اینقدر دقیق است که خود آدم هم نمی فهمد! (۴۸۰)

۵۸/۴/۷

\* \* \*

شما حالا آقایان، از قراری که گفتند، بنا دارید که تشریف ببرید در قرا و قصبات و شهرها برای ترویج، برای هدایت. توجه داشته باشید اگر قدمی برخلاف موازین، برخلاف رضای خدا بردارید، یک جرمی است که به این زودی نمی توانید جبران بکنید. شمایی که به اسم «هدایت» بین مردم می روید غیر عامه مردم است و ضععتان. غیر وضع عامه مردم است. شمایی که برای هدایت می روید شما رسول از طرف اسلام هستید؛ رسول رسول خدا هستید. باید بفهمید که در این رسالت چه باید بکنید. این کارهایی که بنا دارید بکنید آیا به اسم رب است؟ آیا از اول که شروع می کنید به اینکه هدایت کنید مردم را، اسلام را معرفی کنید به مردم، ولو همین قدر که می دانید، آیا این به اسم رب است؟ از اسم خدا شروع می شود؛ یا خدای نخواستہ نفسانیت آدم در آن دخالت دارد. **أَعْدَى عَدُوِّكَ**<sup>۱</sup> همین نفسی است که در انسان هست. این از همه دشمنها برای انسان دشمنتر است. همه دشمنهای عالم آنقدری که از آنها می آید این است که انسان را بکشند، زجرش بدهند؛

---

۱. بدترین دشمن تو.

اما آنکه **يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ** آن «نفس اماره» انسان، آن غیر این است که انسان را بکشد؛ انسانیت را می‌کشد! همه عالم جمع بشوند که انسانیت شما را بکشند، تا آن چیزی که در خود شما هست، آن نباشد و تغییر نکند، کسی نمی‌تواند. **اعِدَىٰ عَدُوکَ هَمِيْنِ نَفْسِي** است که **يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ** ببینید که حالا که تشریف می‌برید و می‌خواهید مردم را هدایت کنید، به اسم رب هدایت می‌کنید، یا به اسم نفس، که همان به اسم شیطان است؟ ببینید با آقایانی که در محل هستند شما چه جور رفتار می‌کنید؟

ما فرض می‌کنیم که شما در محل که رفتید، بعضی از اشخاص منحرف هستند - پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و اله و سلم - برای همینها غصه می‌خورد. برای همین مردم منحرف غصه می‌خورد! **لَقَدْ كَفَرَ الَّذِي كَفَرَ** [از] آنکه مؤمن نشدند همچو غصه‌ای که مثل اینکه می‌خواهی خودت را بکشی! - ما فرض می‌کنیم که شما وقتی که رفتید یک انحرافات دیدید، انحرافات را با انحراف خیال نکنید [می‌توانید] اصلاح بکنید. انحراف نمی‌تواند انحراف را مستقیم کند. انحرافات را با نور هدایت خدا و با اسم ربک مستقیم کنید. با اسم خدا حرکت کنید. و با اسم خدا هدایت کنید. و با اسم خدا ترویج کنید. و با اسم خدا انحرافات را مستقیم کنید. اگر دیدید آنجا می‌خواهد نفس اماره بگوید که حالا این آقا که اینجا مدتی بوده است و عنوانی دارد، بخواهید عنوانش را یکوقت خدای نخواستہ از دستش بگیرید، بدانید که این الهی نیست. این شیطانی است. بخواهید مقابل یک اهل علمی که آنجا هست بایستید و بشکنید خدای نخواستہ حیثیت او را، بدانید که این انسانی نیست و الهی نیست. شیطانی است. با همه محبت کنید. با محبت می‌شود منحرفها را مستقیم کرد؛ بهتر از اینکه با شدت و جدت. گاهی نمی‌شود، **وَالْاَغْلَابُ** می‌شود. (۴۸۱)

اگر غفلت بکنید، هر قدمی که در علم بردارید از انسانیت دور شده‌اید؛ هر دورتر. انسانیت یک راه مستقیمی است، یک راه مستقیم که اگر از این ورکسی برود مُعَوَج است و برخلاف انسانیت است؛ اگر از آن ور هم برود برخلاف است و آن کسی که اعوجاج پیدا کرد و راه مستقیم نرفت، هر چه پیش برود دور می‌شود از راه انسانیت. مثل این می‌ماند که یک خط مستقیم بکشید، دو خط این طور، هر چه این خط جلوتر برود، از خط مستقیم دور می‌شود.

هر چه درس بخوانید و بخوانیم، اگر چنانچه به راه مستقیم نباشیم و مهار نکنیم معلومات خودمان را و مهار نکنیم نفس خودمان را و در این راه مستقیم نکشیم نفس را، هر چه معلومات زیادتر بشود، از انسانیت، انسان دورتر می‌شود و مشکلتر می‌شود انسان خودش را برگرداند.

شما که الآن جوان هستید قوای جوانی را الحمدلله دارید و مبتلای به سستیهای پیری نشدید، زود می‌توانید خودتان را اصلاح کنید. خیال نکنید که بگذاریم آخر عمر، آن وقت توبه بکنیم. آخر عمر توبه ممکن نیست برای آدم، اگر از اول عمر دنبال قضیه نباشد، خودش خودش را نسازد، آخر عمر دیگر نمی‌تواند؛ قوای شیطانی در انسان ریشه کرده و قوی شده و قوه خود آدم، ضعیف شده و اراده‌اش ضعیف شده و کاری از او نمی‌آید. (۴۸۲)

۵۸/۴/۱۷

\* \* \*

روحانیون که نماینده رسول خدا هستند در بین مردم، اگر خدای نخواستند روحانیونی که مدعی این هستند که نماینده امام زمان الآن هستند در بین مردم، اگر خدای نخواستند، از یکیشان یک چیزی صادر

بشود که برخلاف اسلام باشد، اینطور نیست که فقط خودش را از بین برده، این حیثیت روحانیت را لکه‌دار کرده. این یک وظیفه بزرگی به عهده‌اش هست. روحانی همچو نیست که اگر یک خلافی بکند، بگویند که زید این خلاف را کرده. خلاف روحانی، به اندازه‌ای که سعه شعاع نفوذش هست، خطایش خطای بزرگ هست. خطایی است که عفوش در درگاه خدا بسیار مشکل است. برای اینکه این نماینده، یعنی مدعی نمایندگی از طرف امام زمان - سلام‌الله علیه - و اسلام دارد. نماینده امام زمان اگر خدای نخواستہ یک قدمی کج بگذارد این اسباب این می‌شود که مردم به روحانیت بدبین بشوند. بدبین شدن به روحانیت و شکست روحانیت، شکست اسلام است. آن که حفظ کرده است تا حالا اسلام را، این طبقه بودند. و اگر در این طبقه شخصی، اشخاصی پیدا بشوند که برخلاف مصالح اسلام خدای نخواستہ عمل بکنند، جرمی است که از آدمکشی بدتر است. جرمی است که از همه معاصی بدتر. برای اینکه جرم صادر می‌شود از کسی که آبروی یک روحانیت را از بین می‌برد. مردم را؛ آنهایی که غافل هستند از اسلام، گاهی وقتها برمی‌گرداند. اینطور نیست که وارد شده است که - چنانچه عالم فاسد بشود عالم فاسد می‌شود. برای اینکه عالم - به حسب ظاهر - نماینده امام است. و اگر خدای نخواستہ یک فسادی در او پیدا بشود، فاسد بشود، قشرهای ملت را فاسد می‌کند. گاهی عالم را فاسد می‌کند. و از آن طرف اگر صالح باشد، صالح می‌کند قشرهای ملت را. صالح می‌کند عالم را. (۴۸۳)

۵۸/۹/۲۵

\* \* \*

اگر روحانی علم داشته باشد لکن ایمان نداشته باشد، مسیرش مسیر



انبیا نباشد، منشأ مفاسد بسیار می شود. اکثر این دین سازها که بوده است اینها از طبقه مآلاها بودند، مآلهایی که فقط علم به خیال خودشان کافی بوده است و دنبالش مسیر انبیا نبوده. (۴۸۴)

۵۸/۳/۳

\* \* \*

اگر نفوس تزکیه نشوند، تطهیر نشوند، از آن اوصاف فاسد بیرون نروند، علم اثر سوء در آنها می کند. تمام ادیان باطله را علما اختراع کردند. دانشمندا اختراع کردند. برای اینکه علم وارد شده بود در یک جایی که پرورش نداشته، تزکیه نشده. وقتی که علم آمد در جایی که تزکیه نشده، این عالم که حامل این علم است و مُزکّی هم نیست، خطرناک می شود. برای جامعه فرقی نیست ما بین علمای روحانی و علمای دانشگاهی و غیره. اگر در حوزه های علمیه و همین طور در دانشگاهها تزکیه نباشد، این علمهایی که در آنجا انباشته می شود، یک انباری است که خدای تعالی این تعبیر را در آن فرموده: **مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِنَانِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً**<sup>۱</sup> آن کسی که حتی علم توحید را، علم ادیان را، علم اخلاق را، همه این علوم را دارد لکن تزکیه نکرده نفسش را، این یک موجود خطرناک می شود برای جامعه. (۴۸۵)

۵۹/۴/۱۰

\* \* \*

اگر تهذیب در کار نباشد، علم توحید هم به درد نمی خورد. «الْعِلْمُ هُوَ

---

۱. وصف حال آنان که تحمل علم تورات کرده و خلاف آن عمل نمودند، در مَثَل به جَماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد (جمعه / ۵).

الْحِجَابُ الْأَكْبَرُ»<sup>۱</sup> هرچه انباشته‌تر بشود علم، حتی توحید که بالاترین علم است، انباشته بشود در مغز انسان و قلب انسان، انسان را اگر مُهذَّب نباشد، از خدای تبارک و تعالی دورتر می‌کند. باید کوشش بشود در این حوزه‌های علمیه، چه حال و چه بعدها کوشش بشود که اینها را مهذَّب کنند. در کنار علم فقه و فلسفه و امثال اینها، حوزه‌های اخلاقی، حوزه‌های تهذیب باشد، و حوزه‌های سلوک «الی الله تعالی». شما می‌دانید که مرحوم شیخ فضل الله نوری<sup>۲</sup> را کی محاکمه کرد؟ یک معمم زنجانی؛ یک ملای زنجانی محاکمه کرد و حکم قتل را او صادر کرد؛ وقتی معمم، ملای؛ مهذَّب نباشد، فسادش از همه کس بیشتر است. در بعض روایات هست که در جهنم، بعضیها - اهل جهنم - از تعفن بعض روحانیین در عذاب هستند، و دنیا هم از تعفن بعضی از اینها در عذاب است.<sup>۳</sup>

تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را، از خودتان شروع نکنید و خودتان را تهذیب نکنید، شما نمی‌توانید دیگران را تهذیب کنید. آدمی که خودش آدم صحیحی نیست نمی‌تواند دیگران را تصحیح کند؛ هرچه هم بگوید فایده ندارد. کوشش کنند علمایی که الآن در حوزه‌ها هستند؛ در هر حوزه‌ای از حوزه‌های اسلامی که این جوانها که با یک فطرت سالم می‌آیند، بعد از ده، بیست سال با یک فطرت فاسد بیرون نروند. تهذیب لازم است؛ هم در شما و هم در شما. البته همه، همه ملت و همه انسانها باید مهذَّب بشوند. لکن تاجر اگر مهذَّب نشد، کارش یک کار گرانفروشی و نمی‌دانم اینهاست که وقتی

۱. علم، بزرگترین پوشش و حجاب است.

۲. شیخ فضل الله نوری (۱۲۵۹-۱۳۲۷ ه. ق.) از شاگردان میرزای شیرازی و نماینده ایشان در تهران بود و از رهبران مشروطه که بعداً به دلیل مخالفتهايش با منحرفان و ندای «مشروطه مشروعه» توسط آنان به دار آویخته شد.

۳. قال رسول الله: وَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَذُّونَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِهِ؛ و بدرستی که اهل دوزخ از بوی بد عالمی که به علمش عمل نکرده است، متأذی می‌گردند؛ اصول کافی؛ ج ۱، ص ۵۵.

همه‌اش را روی هم بگذارند فسادش زیاد است، اما یک نفر این قدرها فساد ندارد. اما عالم اگر فاسد بشود، یک شهر را، یک مملکت را به فساد می‌کشد، چه عالم دانشگاه باشد و چه عالم فیضیه، فرقی نمی‌کند. ان شاء الله خداوند تبارک و تعالی، این قدمی را که شما عزیزان برداشتید و آن وحدت بین شما و دانشگاه و شما و روحانیون، این قدم را مبارک کند و توجه به این داشته باشید که حالا که شما نزدیک به هم دارید می‌شوید، نقشه‌هایی که برای جدا کردن شما از هم است، بیشتر به کار می‌افتد. (۴۸۶)

۵۹/۹/۲۷

\* \* \*

شما بدانید که چنانچه عالم، هر عالمی باشد، تهذیب اسلامی و اخلاق اسلامی پیدا نکند، برای اسلام مضر است، که نافع نیست. آنقدری که از زبان و قلم اشخاصی که تعهد به اسلام نداشته‌اند و انحراف داشته‌اند کشور ما صدمه دیده است از توپ و تانک و از محمدرضا و پدرش صدمه ندیده است. صدمه اینها صدمه روحی است. صدمه روحی بالاتر از صدمات جسمی است. چنانچه عالم مهذب نباشد، ولو اینکه عالم به احکام اسلام باشد، ولو اینکه عالم به توحید باشد اگر مهذب نباشد، برای خودش و برای کشورش و برای ملتش و برای اسلام ضرر دارد که نفع ندارد. اگر بخواهید خدمتگزار اسلام باشید، خدمتگزار ملت اسلامی باشید، و اسیر در دست ابر قدرتها و آنها که پیوند با ابر قدرتها دارند نباشید، باید دانشگاه و فیضیه و همه آنها که مربوط به دانشگاهند و همه آنها که مربوط به فیضیه هستند در رأس برنامه‌های تحصیلی شان برنامه اخلاقی و برنامه‌های تهذیبی باشد؛ تا

امثال مرحوم مطهری<sup>۱</sup> - رحمه الله - را به جامعه [تقدیم] کند. و اگر خدای نخواستہ بر خلاف باشد، آن وقت افرادِ مقابلِ این افراد را به جامعه می‌فرستد؛ و اینها جامعه را به فساد می‌کشند و مردم را به اسارت. (۴۸۷)

۵۹/۱۲/۱۰

\* \* \*

باید توجه داشته باشید! باید دانشگاهها و مدارس و همه جا توجه داشته باشد! دانشگاه پیوند خودش را با فیضیه محکم کند. و فیضیه محکم کند پیوستگی خودش را به دانشگاه. شما دو قشری هستید که اگر اصلاح بشوید، اصلاح می‌شود ملت‌ها. و اگر خدای نخواستہ شما اصلاح نشوید، یا منزوی بشوید، مملکتتان و کسانی که می‌توانند در مملکت کاری بکنند منزوی خواهند شد، و قدرتهایی که منافع خودشان را از دست داده‌اند به میدان می‌آیند و یک حکومت وجیه‌المله می‌آورند روی کار، و آن حکومت وجیه‌المله تمام چیزهای ما را به باد فنا خواهد داد!

شما، برادران و عزیزان من! همان طوری که الآن سلاح در دستتان است باید در دست دیگر صلاح باشد. باید شما صلحا باشید. باید شما رفتاری بکنید که اسلام را آن طور که هست عرضه کنید. شما بدانید که اگر خدای نخواستہ از روحانیین و از کسانی که مُلبَس به لباس روحانی هستند مطلبی که بر خلاف دستورات اسلام است صادر بشود، روحانیت را با این اعمال منزوی خواهید کرد؛ و قلمها بر ضد شما به کار می‌افتد و شما را از ملت جدا می‌کنند و ملت را از شما جدا

۱. استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، از اساتید حوزه و دانشگاه که در سال ۱۳۵۸ توسط گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید. وی از یاران امام خمینی(س) و عضو شورای انقلاب بود.

می‌کنند؛ و به سر این کشور آن می‌آورند که در زمان رضاخان و پسرش آمد.

این اسلام امروز در دست همه ماها، سرتاسر کشورهای اسلامی و خصوصاً ایران که جمهوری اسلامی - انسانی را در این کشور اعلام کرده؛ امانت است؛ امانت بزرگ است. این امانت به دست ماهاست چنانچه به این امانت خیانت بکنیم؛ خیانت به اسلام است - خیانت به احکام نورانی خداست؛ و خیانت به ملت‌های ضعیف است. توجه کنند روحانیون در سرتاسر کشور، چه جوانها که در میدانها می‌روند و فداکاری می‌کنند و چه آنهایی که در مدارس مشغول تحصیل علوم هستند و چه آنهایی که مشغول به تدریس هستند و چه آنهایی که ائمه جمعه و جماعات هستند و چه آنهایی که در دادگاهها و مقامات قضایی هستند و چه آنهایی که در کمیسیونها و جاهای دیگر هستند، توجه کنند که اسلام در دست شما طایفه بالخصوص امانت است. انحراف شما ولو بعضی از شما موجب می‌شود که اشخاصی که با شما و با اسلام دشمن هستند با قلمهای خودشان و گفتار خودشان به شما حمله کنند و یک مطلب را بزرگ کنند. (۴۸۸)

۵۹/۱۲/۱۴

\* \* \*

من به همه روحانیین سرتاسر کشور اعلام خطر می‌کنم! من به همه ملت اعلام خطر می‌کنم! به روحانیون اعلام خطر می‌کنم که چنانچه خدای نخواستہ در بین شما کسی است که بر خلاف موازین اسلام عمل می‌کند، او را نهی کنید. اگر نپذیرفت از جرگه روحانیت اخراج کنید. اگر نکنید این کار را، خدای نخواستہ صورت روحانیت - که عزت اسلام است - این را مُشوّه می‌کنند. و با مُشوّه کردن صورت روحانیت،

اسلام به انزوا خواهد [رفت]. اسلام بدون روحانیت مثل کشور بدون طبیب است. گویندگان شما و دانشمندان شما باید توجه داشته باشند که حوزه‌ها را با تدبیر، با نصیحت و همین طور جاهای دیگری که روحانین مشغول کارهایی هستند، آنها را با تدبیر و با نصیحت و ادار کنند به اینکه خدای نخواستہ از آنها کاری صادر نشود که بهانه به دست آنها بی که می‌خواهند شما را از صحنه خارج کنند بیفتند، و قلمها به کار برود و خدمتهای شما ناچیز و نادیده گرفته بشود، و لغزشی اگر در یکی از شما یا در دو تا از شما پیدا شد به حساب روحانیت بگذارند. باید تهذیب بشوید شما، خودتان را تهذیب کنید. کسانی که در حوزه‌ها هستند، اساتیدی که در حوزه‌ها هستند کوشش کنند که حوزه‌ها مُهذَّب باشد. (۴۸۹)

۵۹/۱۲/۱۴

\* \* \*

شما آقایان تکلیف دارید که کارهایی که انجام می‌دهید، در تمام قشرهای روحانیت که در ملت هستند و مشغول خدمت هستند، کارها بر وفق موازین شرعیه باشد، هیچ تخلف از موازین شرعیه نشود تا بهانه به دست دشمن ندهد. این تکلیف شماست که تخلف از احکام اسلام نکنید، و ان شاء الله نمی‌کنید. (۴۹۰)

۵۹/۱۲/۱۴

\* \* \*

من این جهت را باید عرض کنم که کسانی که به این پُست بسیار مهم گماشته شده‌اند و خودشان داوطلب آمده‌اند و وارد در سنخ روحانیون و خطبا شده‌اند، باید خودشان را تهذیب کنند و خودشان را

با اخلاق اسلامی تطبیق بدهند؛ عامل به احکام اسلام باشند.  
فساد اخلاقی - خدای نخواستہ - مبادا در بین آنها [باشد؛] یکی -  
دوتایی [اگر] پیدا بشود که فساد اخلاق دارند، باید اخلاق خودشان  
را، اعمال خودشان را، کردار خودشان را، رفتار خودشان را تعدیل  
کنند و موافق اسلام تطبیق بدهند تا حرفهایشان در مردم تأثیر کند. اگر  
- خدای نخواستہ - یک گوینده‌ای خودش آلوده باشد، نمی‌تواند با  
گفتار خودش، دیگران را از آلودگی جلوگیری کند. اول باید خودمان  
را اصلاح کنیم و کوشش کنیم که ان‌شاءالله، خودمان اصلاح بشویم و  
مردم را اصلاح کنیم. (۴۹۱)

۶۰/۸/۴

\* \* \*

روحانیون هستند که باید قدر این مسائل را بدانند. روحانی اگر  
درست شد همه چیز درست می‌شود و اگر - خدای نخواستہ - فاسد  
شد، فَسَدَ الْعَالَمِ. این مسئله، واقعیتی است. من در جوانی در بعضی از  
بلادگاهی در ایام تابستان می‌رفتم و بعضی جاها را می‌دیدم که مردم  
همه خوبند. [شهر] محلات را - محلاتی که نزدیک خمین است -  
می‌دیدم که مردم چقدر متدین و خوبند. بعد وقتی که انسان متوجه  
می‌شد می‌دید که عالم آنجا مرد خوبی است. یکی - دو تا عالم خوب  
بودند، مردم به تبع آنها خوب می‌شدند. هر جا عالم خوب باشد  
اصلاح می‌کند مسائل را، البته عالم عاقل متدین. و اگر - خدای  
نخواستہ - انحرافی در این قشر پیدا بشود، انحراف سرایت  
می‌کند. (۴۹۲)

۶۰/۱۰/۲۲

\* \* \*

تمام کمالاتی که برای اولیای خدا و انبیای خدا حاصل شده است از این دل‌کندن از غیر و بستن به اوست؛ و علامات این مسائل در اعمال ماها ظاهر می‌شود. علاوه بر اینکه، ما مسئولیت خودمان را، مسئولیت شخصی داریم، مسئولیت نوعی هم به عهده ماست، مسئولیت ملت هم به عهده ماست. همان طوری که سوره «هود» به پیغمبر فرموده است که *فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ*<sup>۱</sup>، به شما هم می‌گوید که استقامت کنید و از استقامت خودتان مردم را مستقیم کنید. اگر مردم از ما خطا ببینند، و اگر چنانچه انصراف پیدا کنند از روحانیت برای خطاهای بعضی از ما، مسئولیت، مسئولیت شخصی نیست، مسئولیت اسلامی است، مسئولیت عمومی است.

اگر ما خدای نخواست، با اعمالمان طوری بکنیم که این ملت از ما جدا بشود و این ملت ما را زیر سؤال قرار بدهد که شما امروز که دستتان باز است یک نحو دیگر دارید عمل می‌کنید و جدا بشود از شما، این مسئولیت اسلام به عهده ماست. اسلام به انزوا کشیده می‌شود و آنهایی که با اسلام مخالفند روی کار می‌آیند خدای نخواست، و این مسئولیت به عهده ماست. قضیه، قضیه شخصی نیست که یک شخص بگوید خوب من یک همچو کاری می‌کنم به دیگران چه، این نیست مسئله. سابق هم وقتی که یک طلبه کاری می‌کرد می‌گفتند طلبه‌ها اینطورند، اگر خدای نخواست، یک روحانی یک کاری می‌کردند می‌گفتند روحانیون اینطورند. حالا دیگر مسئله اینطور است که اگر اسلام شکست بخورد به وسیله ماها شکست خورده است. اگر شما درست بشوید اسلام شکست نمی‌خورد، با درست شدن شما مردم درست می‌شوند، با مهذب شدن شما مردم مهذب می‌شوند. اگر خدای نخواست در منبر شما چیزی بگویید که

۱. پس ای رسول ما، چنانکه مأموری پایداری کن و کسی که همراه تو به خدا رجوع کرد (هود/۱۱۲).



خودتان عاملش نیستید و در مسجد چیزی بگویید که خودتان برخلاف او عمل می‌کنید، مردم دلهاشان از شما منصرف می‌شود و این کم کم موجب شکست اسلام می‌شود و این به عهده همه ماست. (۴۹۳)

۶۲/۳/۲۱

\* \* \*

من این نگرانی که همیشه می در دلم هست این است که من خوف این را دارم که مردم به واسطه امثال من به بهشت بروند؛ آنها برای خدا توجه به آقایان دارند، و ما هم و شما هم دعوت می‌کنید مردم را به خیر و صلاح؛ من خوف این را دارم که آنها برای خاطر ما و شنیدن حرف ما به بهشت بروند و ما برای خاطر اینکه خودمان مهذب نبودیم به جهنم. و آن خوف زیادی که من دارم این است که ما روبرو بشویم با آنها، ما در جهنم باشیم، آنها در بهشت باشند و اشراف به ما پیدا کنند. و این خجالت را انسان کجا ببرد که اینها برای خاطر ما به آن مقامات رسیده‌اند و ما برای خاطر هواهای نفسانی به این درجهٔ سُفلی. این یک خوفی است که بسیاری از اوقات من متذکرش هستم. (۴۹۴)

۶۲/۴/۲۸

\* \* \*

انسان اگر در جوانی تهذیب کرد خودش را، شده است. اگر بگذارد تا به پیرمردی برسد، هم قوای خودش ضعیف می‌شود و هم آن درختی که در دل انسان شیطان کاشته است قوی می‌شود، و آن درخت قوی را نمی‌شود با یک ارادهٔ ضعیف انسان بکند. این یکی از اموری است که من نگرانم هستم و آقایان هم باید نگران باشند، و در هر جا هستند سفارش کنند به اهل علم و آنها را تحذیر کنند از دنیا. و این خیال نکنید

که دنیا عبارت از این طبیعت است، این طبیعت را خدای تبارک و تعالی هیچ از آن تکذیب نکرده، بلکه در روایات تعریف هم از آن شده است، این یکی از مظاهر الهی است. دنیا آنی است که در ما هست که ما را از مبدأ کمال دور می‌کند و به نفس و نفسانیت خودمان مبتلا می‌کند. دنیای مذموم همین است که انسان توجه داشته باشد ولو به یک تسبیح، ولو به یک کتاب. چه بسا که دل بستن یک کسی به یک تسبیح و یک کتابی، به دنیا بیشتر توجه کرده باشد تا دل بستن یک کس دیگری به یک پارکی و باغی و کذا. انسان باید توجه بکند به اینکه رفتنی است و آن طور هم نیست که به پیشانی انسان نوشته شده باشد که تو سنت به چه حد می‌رسد، کم است که سن شان به حدود پیری برسد. بنابراین، انسان باید متوجه این معنا باشد، و خصوصاً این طبقه، این طبقه‌ای که می‌خواهند مردم را ارشاد کنند، اینها باید اقوالشان با اعمالشان موافق باشد، یعنی شمایی که مردم را تحذیر از دنیا می‌کنید، اگر خدای نخواست، خودتان توجه‌تان به دنیا باشد و حریص در دنیا، مردم دیگر از شما باور نمی‌کنند؛ بلکه انحرافات در آنها پیدا می‌شود. آن کلمه‌ای که آن حاجی گفته است که شاید در پشت کتاب یک چیز دیگری باشد، این تکان دهنده است.

اگر خدای نخواست، به واسطه اعمال روحانیون، در عقاید بعض اشخاص ضعیف که هستند، سستی پیدا بشود، آن وقت این چه مصیبتی است که ما تحملش را باید بکنیم. این یک باب واسعی است که در حوزه‌ها باید اشخاص متقی و اشخاص آشنای به حقایق اسلام، طلبه‌ها را تربیت کنند و آقایانی هم که در بلاد هستند دوستان خودشان را، طلبه‌هایی که در آنجا هستند، جوان‌هایی که آنجا هستند، آنها را ارشاد کنند به اینکه مبدا خدای نخواست، یک وقت از این زی طلبگی خارج بشوند و خروج آنها موجب تزلزل عقیدتی در

مردم بشود.

شمایی که برای هدایت مأمور شدید و خودتان را در سنخ اشخاصی که ارشاد می‌کنند مردم را، وارد کردید، مبدا خدای نخواسته، به واسطه اعمال - اعمال بعضی - عکس آن مطلبی که در ایده شماست تحقیق پیدا بکنند. (۴۹۵)

۶۲/۴/۲۸

\* \* \*

من امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی، به شما آقایان که برگزیده این ملت هستید، برای این مسئله‌ای که در قانون اساسی است و برای تعیین رهبر یا شورای رهبری توجه به این معنا بسیار داشته باشید که آیا تعیین فلان آدم که در ذهن من است، برای خدا من می‌خواهم تعیین کنم یا چون دوست من است، چون رفیق من است؟ و آن که می‌گوید این صلاحیت ندارد، برای خدا دارد این حرف را می‌زند یا اینکه مثلاً رقابتی با او دارد؟ شک نکنید که ما نباید پیش خودمان به خودمان تعمیمه کنیم. شک نکنید که اینها ریشه‌اش اصل ریشه‌اش در نفس انسان است، و انسان تا آن دم آخر، آنوقتی هم که می‌خواهد بمیرد این ریشه هست؛ آن وقت بیشتر هم شاید ظاهر بشود. یکی از علمای قزوین - رحمه الله - گفتند که من رفتم بالای سر یک کسی که محتضر بود، گفت به من که آن ظلمی را که خدا به من کرده است هیچ کس به هیچ کس نکرده، برای اینکه من این بچه‌ها را با ناز و نعمت بزرگ کرده‌ام، حالا دارد من را می‌برد. و این مسئله خطرناک است برای انسان، خطر جدی دارد برای انسان که انسان گمان کند که شیطان از او دست بر می‌دارد در آخر عمر. از حالا، حالا که فرصت هست - وقتی که پیرمرد شدید مثل من دیگر نمی‌توانید کاری بکنید - از حالا که

جوان هستید و قوای جوانی محفوظ است جدیت کنید به اینکه هوای نفس را از نفس خودتان خارج کنید. همه گرفتاریها روی همین هوای نفس است. (۴۹۶)

۶۲/۴/۲۸

\* \* \*

راجع به مدرسه‌ها و حوزه‌ها کراراً عرض کرده‌ام که علم بی تقوا اگر مضر نباشد، مفید هم نیست. آن مقداری که اسلام از عالم‌های بی تقوا صدمه دیده است، معلوم نیست از مردم عادی دیده باشد. آنچه اصل است تقواست، ولی اگر همین تقوا نزد اشخاصی جاهل باشد، گاهی ضرر می‌زند. آدم‌هایی که ظاهر صالح دارند ممکن است به واسطه ناآشنایی به مبانی اسلام، اشتباهاتی انجام دهند، اما علم و تقوا اگر در کسی جمع شد در دنیا و آخرت سعادت‌مند است. (۴۹۷)

۶۲/۶/۱۳

\* \* \*

آنکه خودش را به این زئی درآورده و خودش را به صورت معلم، استاد، مدرس، فقیه، دانشمند و امثال اینها نمایش می‌دهد، این اگر بخواهد تهذیب کند جامعه را، اول از خودش باید شروع کند، و بعداً تکلیف دارد که جامعه خودش را تهذیب کند. اگر خودش تهذیب نشود نمی‌تواند جامعه را تهذیب کند. کسی که خودش فاسد است، نمی‌تواند کلامش را یک طوری ادا کند که مردم صحیح بشوند، تأثیر ندارد. آن وقتی کلام تأثیر دارد که از قلب مهذب و پاک بیرون بیاید، اگر چنانچه از قلب ناپاک بیرون بیاید و از قلب شیطانی بیرون بیاید، به زبان شیطانی گفته بشود، این تأثیر نمی‌تواند بکند در

قلب اشخاص. (۴۹۸)

۶۳/۱۱/۱۴

\* \* \*

ملت عزیز عموماً و متعهدان و متخصصان خصوصاً و دولتمردان بالأخص به این دستگاہهای آدم ساز و پشتوانه ارزشمند اهمیت ویژه‌ای دهند و با جان و دل در تقویت و تهذیب آن بکوشند. و حوزه‌های معظمه علمیه و اساتید محترم در کنار تعلیم قرآن و فقه و مقدماتش، تهذیب اخلاق و معارف اسلامی را که اساس است با عنایات خاص مورد توجه قرار دهند که إِذَا صَلَّحَ الْعَالِمُ صَلَّحَ الْعَالَمُ، و إِذَا فَسَدَ فَسَدَ<sup>۱</sup>. (۴۹۹)

۶۳/۱۱/۲۲

\* \* \*

قدرت طلبی در هر که باشد، این اسباب این می‌شود که زمین بخورد. قدرت طلبی از هر که باشد از شیطان است؛ می‌خواهد رئیس جمهور امریکا قدرت طلبی کند یا یک طلبه‌ای در مدرسه بخواند قدرت طلبی بکند یا یک امام جمعه‌ای در مرکزی که دارد. اگر وضع این باشد که قدرت طلبی در کار بیاید و کار اینکه من این طور باید باشم، بشود، بدانند که این از شیطان است. شیطان این تزریق را از ابتدا کرده است و ما را هم از این راه، بیشتر از جاهای دیگر می‌تواند بازی بدهد، که تو فلانی هستی، تو چه هستی، دیگران چی‌اند، از این معانی. هیچ فرقی مابین آن آدمی که به حسب ظاهر قدرتمند دنیاست و دارد باز هم دنبال قدرت می‌گردد، با آن آدم زاهدی که توی یک صومعه

نشسته است، در این جهت فرق نیست که اگر هر دو شان بگویند: من این طور، این زاهد بگویند: من این زاهد هستم، من چه، یا آن بگوید، من قدرتمند هستم، هر دویش از شیطان است، بلکه این فسادش بیشتر از آن است. خودخواهی همیشه اسباب این است که انسان را به فساد بکشد. تمام فسادهایی که در عالم پیدا می‌شود، از خودخواهی پیدا می‌شود، از حب جاه، از حب قدرت، از حب مال، از امثال اینهاست و همه اش برمی‌گردد به حب نفس و این «بُت» از همه بزرگتر است و شکستش هم از همه مشکل تر است. تعقیب کنید که اگر نمی‌توانید به تمام معنا بشکنید - که می‌توانید ان شاءالله - مشغول باشید به شکستن دست و پای یک همچو بتی. اگر ره‌ایش کنید شما را به هلاکت می‌کشاند. این طور نیست که ما را رها کند، ما یک معصیتی بکنیم ما را رها کند، یک کار دیگری بکنیم زیادتر ما را رها کند. درجه به درجه پیش می‌برد تا آن جایی که دین انسان را از دست انسان می‌گیرد. این یک مسئله طبیعی است که شغل شیطان هم همین است، هم شیطان باطنی انسان، هم آن شیطانی که اینها هم به او بستگی دارند. (۵۰۰)

۶۴/۲/۱۶

\* \* \*

شما آقایانی که می‌خواهید مردم را دعوت کنید به آخرت، دعوت کنید به صفات کذا، باید قدم اول را خودتان بردارید تا دعوت تان دعوت حق باشد، و الا دعوت حق است، دعوت کن شیطان است، از زبان شیطان دعوت می‌کند انسان. آن هم که درس توحید می‌گوید، آن هم همین طور است که اگر چنانچه در او آن منیت باشد، زبان، زبان شیطان است و درس توحید را به زبان شیطان می‌گوید. شما آقایانی که می‌خواهید بروید در جاهای دیگر و تربیت کنید مردم را، ملتفت

باشید که یک وقت خدای نخواسته، خودتان آلوده نباشید و آنها را دعوت کنید. (۵۰۱)

۶۴/۲/۱۶

\* \* \*

## دنیاطلبی و خروج از زیّ طلبگی

حوزه های روحانیت محل تدریس و تعلیم و تبلیغ و رهبری مسلمانان است. جای فقهای عادل و فضلا و مدرسین و طلاب است. جای آنهاست که امانت دار و جانشین پیغمبران هستند. محل امانت داری است؛ و بدیهی است که امانت الهی را نمی توان به دست هرکس داد. آن آدمی که می خواهد چنین منصب مهمی را به عهده بگیرد و ولی امر مسلمین و نایب امیرالمؤمنین باشد و در اعراض، اموال و نفوس مردم، مغانم، حدود و امثال آن، دخالت کند، باید منزّه بوده، دنیا طلب نباشد. آن کسی که برای دنیا دست و پا می کند هر چند در امر مباح باشد، امین الله نیست، و نمی توان به او اطمینان کرد. آن فقیهی که وارد دستگاه ظلمه می گردد و از حاشیه نشینان دربارها می شود و اوامرشان را اطاعت می کند، امین نیست و نمی تواند امانت دار الهی باشد. (۵۰۲)

\* \* \*

لازم است خودمان را از لحاظ روحی و از حیث طرز زندگی کاملتر کنیم. باید بیش از پیش پارسا شویم و از حطام دنیوی رو بگردانیم. شما آقایان [خطاب به روحانیون] باید خود را برای حفظ امانت الهی مجهز کنید. امین شوید. دنیا را در نظر خود تنزل دهید. البته نمی توانید

مثل حضرت امیر (ع) باشید که می‌فرمود دنیا در نظر من مثل «عطفه عنز»<sup>۱</sup> است؛ لیکن از حطام دنیا اعراض کنید، نفوس خود را تزکیه کنید؛ متوجه به حق تعالی شوید؛ متقی باشید. اگر خدای نکرده برای این درس می‌خوانید که فردا به نوایی برسید، نه فقیه خواهید شد، و نه امین اسلام خواهید بود. (۵۰۳)

\* \* \*

باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند، لذا زی‌اهل علم خودتان را حفظ کنید. درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید. در گذشته چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر زندگیشان از سطح معمولی مردم پایتتر بود و یا مثل آنها بود. امروزی‌سعی کنید زندگیتان از زی‌آخوندی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید؛ برای اینکه مردم می‌گویند ببینید آن وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می‌کردند، امروز که دارند و دستشان می‌رسد از مردم فاصله گرفتند. باید وضع مثل سابق باشد، باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم. (۵۰۴)

۶۲/۳/۴

\* \* \*

وَاللهِ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ<sup>۲</sup> ماه «رمضان‌ها» می‌آید و می‌رود، و ماهها یکی پس از دیگری می‌روند و عمرها هم می‌رود، آنچه که باقی می‌ماند آن صفحات اعمال شماست که در قلب شما ثبت است، و شاید نامه عمل

۱. آب بینی بز؛ نهج‌البلاغه؛ خطبه ۳ (شقشقیه).

۲. و خدا بر همه احوال و افعالشان محیط است (بروج / ۲۰).



هم همان باشد. قلب شما نسبت به دنیا چه بوده است؟ دنیا با قلب شما چه کرده است و شما توجه‌تان به دنیا چه اندازه بوده است؟ آن روزی که دستتان نمی‌رسید زاهد و عابد بودید، آن روزی که دست رسید خدای نخواستہ عکس او بود؟ مراقبت در کار است. امروز مسئولیت روحانیت و کسانی که در این لباس مقدس هستند، مسئولیتی است که در طول تاریخ بر عهده روحانیت نبوده است. در طول تاریخ از صدر اسلام تاکنون جمعیت‌های روحانیت اینطور حجتی که بر آنها امروز تمام است، حجت بر آنها تمام نبوده است. در طول تاریخ یک همچو فرصتی برای هیچ کشوری پیدا نشده است؛ و اسلام به دست شما سپرده شده است و از شما می‌خواهند حفظش را، به دست این ملت سپرده شده است و از این ملت می‌خواهند حفظش را. شما در ارشادات، در توجه نداشتن به زرق و برق دنیا مهم توجه قلبی است. (۵۰۵)

۶۲/۳/۲۱

\* \* \*

من خوف این را دارم که در این انقلاب که باید روحانیت تقویت بشود و آنچه که شده است به هدایت آقایان بوده است، مبدا خدای نخواستہ به واسطه بعض از اعمالی که از بعض از این روحانیون و معممین صادر می‌شود، این موجب این بشود که یک وقت یک سستی در روحانیت پیدا بشود. یکی قضیه اینک که از آن زئی روحانیت و زئی طلبگی بوده است، اگر ما خارج بشویم، اگر روحانیون از آن زی که مشایخ ما در طول تاریخ داشته‌اند و ائمه هدی - سلام الله علیهم - داشته‌اند، ما اگر خارج بشویم خوف این است که یک شکستی به روحانیت بخورد، و شکست به روحانیت شکست به اسلام است.

اسلام با استثناء روحانیت محال است که به حرکت خودش ادامه بدهد. این‌ها ایند که اسلام را معرفی می‌کنند و به پیش می‌برند و از اول هم همین طور بوده.

اگر ما از زی متعارف روحانیت خارج بشویم و خدای نخواسته، توجه به مادیات بکنیم، در صورتی که خودمان را با اسم روحانی معرفی می‌کنیم، این منتهی ممکن است بشود به اینکه روحانیت شکست بخورد. (۵۰۶)

۶۲/۴/۲۸

\* \* \*

من از این دو جهت نگران هستم. یک جهتی که قبلاً عرض کردم که زی طلبگی در بین ما ضعیف بشود یا از بین برود. یک جهت دیگر هم اینکه مبدا خدای نخواسته، اختلاف پیدا بشود، که هر دوی اینها از باب اینکه شما در جایی واقع شدید که مردم به شما توجه دارند و شما ارشاد می‌خواهید بکنید مردم را، مبدا یک وقتی به واسطه خارج شدن ماها از زی طلبگی مردم را از ما منصرف کنند و انصراف از روحانیت منتهی می‌شود به انصراف از اسلام. (۵۰۷)

۶۲/۴/۲۸

\* \* \*

یکی از امور مهم هم این است که روحانیون باید ساده زندگی کنند. آن چیزی که روحانیت را پیش برده تا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کردند. آنهایی که منشأ آثار بزرگ بودند، در زندگی ساده زندگی کردند... هرچه بروید سراغ اینکه یک قدم بردارید برای اینکه خانه تان بهتر باشد، از معنویت تان به همین مقدار، از ارزش تان

به همین مقدار کاسته می‌شود. ارزش انسان به خانه نیست، به باغ نیست، به اتومبیل نیست. اگر ارزش انسان به اینها بود، انبیا باید همین کار را بکنند. انبیا سیره شان را دیدید چه جور بوده. ارزش انسان به این نیست که انسان یک هیاهو داشته باشد، یک اتومبیل گذا داشته باشد، یک رفت و آمد زیاد داشته باشد. ارزش روحانیت به این نیست که یک بساطی داشته باشد و یک دفتری و یک دستکی داشته باشد. فکر کنید ارزش انسان را به دست بیاورید، ارزش روحانیت را از دست ندهید. در کیفیت تحصیل علوم هم هرچه بروید سراغ تجملات - و ان شاء الله نمی‌روید - از علموتان کاسته می‌شود. آنهایی که این کتاب‌های قطور را نوشتند و پر ارزش را، زندگی شان یک زندگی طلبگی بوده، مثل شیخ انصاری<sup>۱</sup> و مثل امثال اینها؛ یک زندگی طلبگی بوده. آنها توانستند اسلام را در همه جهات حفظ کنند و فقه را به پیش ببرند و مسائل دینی را افزایش بدهند - یعنی فروع را - و آن کتاب‌های ارزشمند را عرضه کنند به مردم. برای اینکه، آنها ارزش را به این نمی‌دانستند که من خانه‌ام باید چه جور باشد، حالا سه تا اتاق داریم کم است، چهارتا. شما خیال می‌کنید که اگر ده تا اتاق هم باشد کافی برای شما هست؟ خیر، اگر همه این دنیا را به یک کسی بدهند، کافی نیست، می‌گوید: باید برویم جای دیگر. این فطرت انسان است. (۵۰۸)

۶۴/۲/۱۶

\* \* \*

از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسئله‌ای است که به همه روحانیت

۱. شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ه. ق.) از احفاد جابرین عبدالله انصاری بود که ریاست علمی و مرجعیت شیعه، پس از صاحب جواهر به او رسید. وی در تقوا کم‌نظیر و موجب تحوّل شگرف در فقه و اصول شد.

و دست‌اندرکاران کشور مربوط می‌شود، و همیشه نگران آن هستیم که مبدا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‌اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را بپا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواست، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست، و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان. البته من این نکته را عرض کنم، یک دسته‌ای که در معرض خطر هستند باید خودشان را حفظ کنند، ولی همین‌ها هم باید مواظب باشند که زاید بر میزان نباشد. شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید و جبهه‌تان پیش مردم بزرگ می‌شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد، همان‌طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین و ائمه ما زندگی‌شان ساده و عادی بود بلکه پایین‌تر از عادی. آنها هم که جمهوری اسلامی را بپا کردند، مردم عادی هستند، و کسانی که بالابالاها نشسته‌اند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند. این مردم بازار و کشاورز و کارگران کارخانه‌ها و طبقات ضعیف - به حسب دنیا و قوی به حسب آخرت - هستند که این توقع را دارند که اگر خدای نخواست، نفوس این مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن برای ما تنها نیست، بلکه برای اسلام است. و ما باید حفظ کنیم آنهایی را که اسلام و جمهوری اسلامی را نگه داشته‌اند و بعد از این هم نگه خواهند داشت، و حفظ آن به این است که زندگی ما ساده و

عادی باشد. آنهایی هم که می خواهند خودشان را حفظ کنند، باید بدانند که گاهی با یک اتومبیل پیکان بهتر می توانند محفوظ باشند تا وسیله دیگر. وائمه جمعه و جماعتی که اگر عادی بیرون بیایند ممکن است از بین بروند، باید به آن مقداری حفظ کنند که زیاد نباشد. و این طور نباشد که امام جمعه ای وقتی در خیابان می آید، خیابان را خلوت کنند و هیاهو به راه بیندازند، این طور چیزها حیثیتشان را در جامعه ساقط می کند. بزرگی شما آقایان به دنیا نیست، بزرگی شما به آخرت است، و اینکه پیش خدا آبرومند باشید. و این یک مسئله مهمی است که دخالت در حفظ جمهوری اسلامی دارد و ما باید خیلی مواظب باشیم، و اهل علم و دولت و دست اندرکاران بیشتر باید مواظب باشند، چرا که همه دنبال این هستند که نقطه ضعفی، خصوصاً از اهل علم پیدا کنند و در همه جا مطرح سازند. و ما باید به گونه ای زندگی کنیم که اگر چنانچه آن را از ما گرفتند، حسرت نخوریم. (۵۰۹)

۶۴/۴/۲۵

\* \* \*

نکته ای که در اینجا ضمن تشکر از علما و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسئله ساده زیستی و زهدگرایی علما و روحانیت متعهد اسلام است که من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان عزیزان روحانی خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زنی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دامن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و برحذر باشند که

هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست که بحمدالله روحانیت متعهد اسلام امتحان زهدگرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از این برای خدشه‌دار کردن چهره این مشعلداران هدایت و نور، دست به کار شوند و با کمترین سوژه‌ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که ان‌شاءالله موفق نمی‌شوند. (۵۱۰)

۶۶/۵/۶

\* \* \*

من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم. و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزیهای بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه‌داری و سرمایه‌داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشت‌سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید بشدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمانها و انجمنها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرد صد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. (۵۱۱)

۶۷/۴/۲۹

## لطمه زدن به شئون روحانیت

اگر امروز خدای نخواستہ در طبقات مردم، خصوصاً در طبقات روحانیین که آنها در رأس هستند و آنها نمایندهٔ اسلام هستند، اگر خدای نخواستہ بعض اشخاص ملبس به لباس روحانیین یک کاری بکنند به اسم روحانی، یک کاری بکنند به اسم کمیتهٔ کذا، و این کار برخلاف موازین شرعیه باشد، این را دیگر نمی‌آیند حساب کنند به اینکه این رژیم طاغوتی است؛ می‌گویند رژیم اسلامی است و این هم کارهایش! این هم حرفهایی است. (۵۱۲)

۵۸/۴/۳

\* \* \*

امروز اگر خدای نخواستہ یک نفر روحانی - که نمی‌کند او؛ یک نفر صورت روحانی - بیاید در بینشان واقع بشود یا در کمیته‌ها برود و یک خلافتی بکند، امروز دیگر نمی‌گویند ساواکی است، امروز می‌گویند روحانی است دارد این کار را می‌کند. دیروز ساواکی این کار را می‌کرد، امروز روحانی این کار را می‌کند. (۵۱۳)

۵۸/۴/۳

\* \* \*

در طبقهٔ روحانیون، که آنها پاسدار اسلام و احکام اسلام هستند، اگر خدای نخواستہ یک ملبس به لباس روحانیون یک کار خلاف بکند، این فرق دارد با اشخاص عادی؛ برای اینکه اینها پاسدار اسلام هستند، ملبس به لباس روحانیت هستند، به لباس پاسداری از قرآن و سنت هستند. اگر خدای نخواستہ از اینها یکوقت اشتباه، خطایی حاصل

بشود، فرق دارد تا اینکه از یک آدم عادی حاصل بشود. و لهذا شما جوانها که پاسدار جمهوری اسلامی هستید و روحانیون که پاسدار احکام اسلام و قرآن هستند وظیفه‌تان زیاد و شغلتان شریف. شغل شغل شریف؛ برای اینکه پاسداری از اسلام یک شغل بسیار شریفی است؛ و مسئولیتش هم زیاد است. باید حفظ کنید این حدود و ثغور اسلامی را. فقط این نباشد که ما پاسدار هستیم، ما هم بگوییم ما روحانی هستیم، شما هم بگویید ما پاسدار، و خدای نخواستہ به وظایفی که پاسداران و روحانیون باید عمل بکنند ما یکوقت خدای نخواستہ نکنیم. (۵۱۴)

۵۸/۴/۴

\* \* \*

حوزه‌ها باید توجه داشته باشند که در این وقت، در این حالی که الآن ما واقع هستیم و دشمنها می‌خواهند خرده‌گیری کنند، خصوصاً نسبت به اهل علم و علما و فضلا و طلاب، باید بسیار توجه داشته باشند که اگر خدای نخواستہ در این زمان - که اینها مورد بررسی هستند و مورد توجه هستند - اگر خدای نخواستہ یک انحرافی از بعض اشخاص مُلبَس به این لباس واقع بشود، ممکن است این پای اسلام حساب بشود. در رژیم سابق اگر چنانچه یک معمم، یک مُلبَس به این لباس، یک کار خلاف انجام می‌داد، معلوم نبود به اسلام نسبت بدهند؛ می‌گفتند این منحرف است، این ساواکی است، این درباری است. الآن که رژیم جمهوری اسلامی است و همه نظرها به شما دوخته شده است، اگر خدای نخواستہ یک انحرافی واقع بشود در مدارس، در کمیته‌ها، در جاهای دیگر، در دادگاهها، این پای اسلام حساب می‌شود. گفته می‌شود که جمهوری اسلامی است و جمهوری



اسلامی هم همینهاست؛ همین است که می بینید. (۵۱۵)

۵۸/۴/۵

\* \* \*

باید کوشش کنند به اینکه گفته نشود روحانیون این جور هستند؛ آخوندها این جورند. امروز همه چشمها به این کشور دوخته است. و بیشتر چشم آنها که می خواهند مناقشه کنند؛ می خواهند اشکال تراشی کنند؛ می خواهند این نهضت ما را یک نهضت صحیح ندانند. چشمها الآن [به] این مطلب دوخته شده است. مناقشه می کنند؛ می نویسند در روزنامه های خارج، زیاد می نویسند. اینجا در روزنامه ها شاید با اشاره و این چیزها باشد؛ اما آنها با صراحت می نویسند. باید ما بهانه به دست آنها ندهیم. آنها خلاف می نویسند؛ لکن اگر ما یک قدم خلاف برداریم، بهانه به دست آنها می آید و یک کار را هزار کار نمایش می دهند. (۵۱۶)

۵۸/۴/۶

\* \* \*

من خوف این را دارم امروز. و خدایا، به فریاد اسلام برس! امروز [مبادا] که مکتب ما منحرف جلوه داده بشود: یا از اعمال من و شما؛ یا از اعمال کمیته ها؛ یا از اعمال دادگاهها؛ یا از اعمال ادارات و وزارتخانه ها، و امثال ذلک. رژیم سابق برای ما خطر نداشت. رژیم سابق ادعا نمی کرد که من [اسلامی هستم] ادعایش را می کرد، لکن کسی از آن قبول نمی کرد. رژیم سابق خطری نداشت. اگر معممی در رژیم سابق یک کار خلاف می کرد، می گفتند این ساواکی است؛ این درباری است؛ این ساواکی است. امروز که ساواکی در کار نیست و

همه دفن شده‌اند، اگر از شما آقایان یک چیزی صادر بشود، می‌گویند جمهوری اسلامی این است. مکتب ما متزلزل می‌شود. مسئولیتتان زیاد است آقایان! خیال نکنید که بروید یک حرفی بزنید، و چیزی نشده. خیر، هر یک از شما مسئولیت دارید، و مسئولیت بزرگ. خیلی بزرگ. امروز مکتب ما بسته به اعمال ماست. مکتب ما بسته به اعمال روحانیین است. اگر روحانیین سابق خدای نخواسته یک حرف خلاف، یک کار خلاف می‌کردند، مردم خود او را یک طعن و لعنی می‌کردند، ولو یک دسته‌شان هم می‌گفتند روحانیون این جورند. آخرش این بود که می‌گفتند روحانیون این جور [هستند]؛ اما رژیم رژیم اسلامی نبود. نمی‌گفتند رژیم اسلامی. نمی‌گفتند مکتب اسلام اینطوری است. امروز قلمهای دشمنهای ما در خارج، و گاهی در داخل، برداشته شده است، قلمفرسایی می‌شود که مکتب ما را بد جلوه بدهند.

آن مکتبی که آمده است، اسلامی که آمده است، و تهذیب می‌خواهد بکند همه قشرها را؛ همه فسادها را از بین ببرد. با اعمال من و شما و با اعمال دادگاهها و با اعمال پاسدارها و با اعمال کمیته‌ها و اینهایی که همه الآن دم از اسلام می‌زنند، همه دم از اسلام [می‌زنند] حالا این دیگر به اصطلاح شما «مُد» شده که همه بگویند اسلام و جمهوری اسلام همه دم می‌زنند از اسلام حالا، اینهایی که الآن دم از اسلام می‌زنند، و اینهایی که دارو دستة اسلام هستند، مثل شما که اولی هستید از همه، اگر خدای نخواسته در اینها یک خلاف واقع بشود، یک کاری واقع بشود که صحیح نباشد، مکتب ما متزلزل می‌شود؛ اسلام لکه‌دار می‌شود. این اهمیت دارد؛ و الا من و تو را بکشند چه اهمیتی دارد. اسلام هستش. سیدالشهدا را کشتند اسلام ترقی‌اش بیشتر شد. ماها را اگر با مظلومیت بکشند، ترویج از اسلام است.

خوب شما دیدید بعض افراد را کشتند و ترویج شد. اما اگر کار ما اسلام را از بین ببرد، کار ما اسلام را بکشد - عمل ما، حرف ما، قول ما - این است که مصیبت است. این مصیبت مصیبت اعظم است. و باید شما آقایان که تشریف می برید مواظبت کنید. امروز اسلام رهین کارهای من و شماست. مثل دیروز نیست.

بروید در این قرا و قصبات. نخواهید هم که در آنجا خیلی زیاد به شما اهمیت بدهند. نخواهید، خدا می دهد. شما خودتان لازم نیست دست و پا کنید. نمی توانید هم بکنید. گاهی بدترش می کنید! (۵۱۷)

۵۸/۴/۷

\* \* \*

آدم فاسد در عالم خیلی هست. آدم مخالف با موازین عمل کن زیاد است. اما اگر ما خودمان را پاسدار اسلام بدانیم، ما که در لباس روحانیت هستیم، این صف، و شما که پاسداران اسلام هستید - و همه مان ان شاء الله پاسداران اسلام باشیم - اگر امروز ما، از این طبقه، و از شما و این طبقه و از آقایان و آن طبقه اگر امروز یک خلافی صادر بشود، اشخاصی با قلمهای زهرآلود چشمها را دوخته اند که یک چیزی پیدا بکنند برش یک هزار تا اضافه بکنند و به اسلام نسبت بدهند؛ نه به شما، نه به من. اگر یک کاری یکوقتی من کردم، می گفتند خمینی یک آدم مخالف با عقل و اسلام است، این اشکالی نداشت. خوب، خیلی اشخاص مخالف بودند، یکی اش هم من. اما اگر من حالا یک کاری بکنم و بگویند که رژیم اسلامی اینطوری است، یا آقا خدای نخواسته یک کاری بکنند، که نسبت داده بشود به اینکه این حکومت اسلام هم همین است [این خطرناک است]. اینهایی که نشسته اند و الآن در داخل و خارج چشمها را دوخته اند

که یک مناقشه‌ای بکنند، یک چیزی از شما، از من، از آقا، ببینند، از روحانیون، از پاسداران، از کمیته‌ها، از دادگاه انقلاب، از حکومت ... از همه اینها، یک چیزی ببینند، یکی را هزار می‌کنند. آن هم پای من و آقا حساب نمی‌کنند؛ پای اسلام حساب می‌کنند. امروز مکتب مادر خطر است. آن وقت که رژیم بود، مکتبمان سرچایش بود، خودمان در خطر بودیم. اگر در زمان طاغوت ما با آنها مبارزه می‌کردیم و ما را می‌کشتند، اشکال نداشت؛ شکست [می] خوردیم. اگر در زمان طاغوت از یک معمم یک [خلافی] صادر می‌شد، نمی‌گفتند اسلام؛ می‌گفتند این ساواکی هست؛ به اسلام نسبت نمی‌دادند. الآن اگر از پاسدارهای اسلام، چه شما که پاسدارید و چه ما که پاسداریم، یک مطلبی صادر بشود، این اشخاصی که در صددند که تخطئه کنند مکتب ما را، اسلام را تخطئه کنند، اینها قلمها را برمی‌دارند، اینجا به کنایه و در خارج به صراحت، می‌نویسند؛ و مکتب ما یکوقت در دنیا شکست می‌خورد. شکست مکتب مصیبت بزرگ است. امروز مسئولیت طبقه روحانی، مسئولیت پاسدارهای اسلام، مسئولیت حکومت اسلامی رئیس‌الوزرای اسلام، نخست وزیر اسلام، مسئولیت امروز مثل سابق نیست. امروز مسئولیت زیاد است. مسئولیت این است که اگر یک کاری ما بکنیم، روحانی خدای نخواستہ یک کاری بکنند، در کمیته‌ها یک کاری بشود، در دادگاههای انقلابی یک کار خلافی بشود، پاسدارهای انقلاب یک کاری بکنند، مردم یک کاری بکنند، بازار یک بازار غیر اسلامی باشد، آنهایی که برای مناقشه نشست‌اند و چشمهایشان را دوخته‌اند به ما، آنها برای ما یک کاری می‌کنند که اصل مکتب ما شکست بخورد؛ یعنی تا ابد اسلام دفن بشود. مصیبت این است. و الا مصیبت کشته شدن که مصیبتی نیست؛ خوب، جوانهای ما

کشته شدند، در راه اسلام کشته شدند، شهید شدند، هَيِّنًا لَهُمْ<sup>۱</sup>. اما کشته شدن و دفن شدن مکتب اهمیت دارد. این را حفظش کنید.

ای برادرهای پاسدار من! ای عزیزان ما! مبادا از شما یک مطلبی صادر بشود که قلمها برداشته بشود و نوشته بشود که اسلام اینجوری است؛ اینها هم مثل ساواکیهایند. ای آقایان روحانیون! مبادا از روحانیون ...، حالایی که یک قدرتی پیدا شده است، یک چند نفر تفنگدار دور خودشان جمع کنند و یک کاری بکنند که اسلام را لکه دار بکنند. امروز اگر از یک روحانی مطلبی صادر بشود که برخلاف موازین باشد، آنهایی که باید ما را لکه دار کنند می گویند این هم آخوندها، الآن دیکتاتوری کفش و عمامه! بهانه دست مردم ندهید. اسلام دیکتاتوری نیست. آنکه دیکتاتور است مسلم نیست. روحانیت دیکتاتور نیست. آنکه دیکتاتور است روحانی نیست. لکن قلمها برداشته می شود و نوشته می شود که اینها همانها هستند؛ آن وقت ساواک بود، حالا پاسدار هست. نکند خدای نخواستہ یکوقت یک [عملی] از شما صادر بشود؛ از ما صادر بشود؛ از روحانیون صادر بشود؛ از کمیته ها صادر بشود. اینها همه الآن اجزای مملکت اسلام است. ما ادعا داریم که یک مملکت اسلامی حالا داریم. الآن اینهایی که به اسم دادگاه اسلام و کمیته اسلام - عرض می کنم - پاسداران اسلام و روحانیین اسلام [هستند]، الآن دیگر آنطور نیست که مثل رژیم سابق باشد که اگر شما یک کاری می کردید به شما نسبت بدهند؛ اگر من یک کاری می کردم به من نسبت بدهند. الآن یک وضعی ما داریم که اگر خدای نخواستہ یک قدم کجی برداریم، این را به اسم اسلام تمام می کنند. (۵۱۸)

امروز خطای ما، خصوصاً خطای قشر روحانی و قشر پاسبان، قشر پاسدارهای اسلام، اینها پای اسلام حساب می‌شود. یعنی دشمنهای ما می‌آیند تبتش می‌کنند به اسم اسلام؛ و در خارج و داخل، در خارج با صراحت، در داخل با اشاره، منعکس می‌کنند که جمهوری اسلامی همین است.

حالا که ما هیچ کاری نکردیم و معممین دیکتاتوری نکردند، خوب، حالا دارند به ما می‌گویند دیکتاتور! باید معممین متوجه باشند که اشخاص می‌خواهند برای شما مناقشه کنند. اگر خدای نخواستہ در یک جا یک معممی یک خلاف بکند، یک زوری خدای نخواستہ بخواهد به کسی بگوید، حرف اینها همه آخوندها را می‌گویند دیکتاتورند، می‌گویند همه دیکتاتورند. از آن وقت تا حالا دیکتاتوری محمدرضا بود، حالا دیکتاتوری عمامه و کفش است! اینها دنبال این‌اند که درست کنند. و ما باید مراقبت کنیم. این مراقبت از آن مراقبتی که شما از دزدها می‌کنید و از خیانتکارها می‌کنید، این مراقبت بالاتر است. این مراقبت مراقبتی است که اساس اسلام در خطر است؛ مکتب در خطر است. (۵۱۹)

۵۸/۴/۱۲

\* \* \*

اگر خدای نخواستہ یک نفر از کسانی که ادعای اهل منبری می‌کنند یا محرابی، یا در منبر می‌روند و یا در محراب، اگر چنانچه آن کسی که منبر می‌رود زبانش یک وقتی یک زبانی باشد که برخلاف مسیر اسلام باشد، این غیر از یک آدم عادی است که توی دکانش یک خلافی می‌کند؛ یک کمفروشی می‌کند؛ این خطر، خطر به مکتب است. شماها سخنگوی اسلام هستید، اگر سخنگوی اسلام یک چیزی بگوید که با

برنامه اسلام مخالف باشد، با مقاصد اسلام مخالف باشد، این مسئولیتش غیر از آن مسئولیتی است که یک نفر آدم عادی یک چیزی می‌گوید. یا باید این ادعا را نکنید و این شغل را قبول نکنید، یا اگر قبول کردید و این ادعا را کردید؛ باید سرش بایستید، همه‌مان، همه‌ما. الان این لباسی - که الان شعار است، لباس اسلام است، شعار است، لباس روحانیت است - که ما این لباس را پوشیدیم، به لوازم این لباس باید التزام پیدا بکنیم. دنبال این باشیم که شئون این لباس - که ما می‌گوییم لباس اسلام است - شئون این را باید حفظ بکنیم. اگر خدای نخواستہ ما شئون این را حفظ نکنیم، لباس، یک لباس غصبی است. ما قاجاق هستیم آن وقت! برای اینکه لباسی که باید یک فردی بپوشد که اسلامی باشد، ما این لباس را از او غصباً پوشیده‌ایم. باید ما فکر این مطلب باشیم. اول شرط روحانی بودن، چه آن قشر از روحانی که اهل منبر و خطبا هستند که سر و کار با روحانیت دارند، سر و کار با روح دارند، و چه آن قشری که اهل محراب و اهل تحصیل و اهل فتوی و همین چیزها هستند، این یک مسئله‌ای است که برای همه سنگینی دارد و مشکلات دارد. و برای همه هم مسئولیت دارد؛ منتها مسئولیتها کم و زیاد دارد....

الآن همه چشمها دوخته شده است به این مملکت. و شاید بیشتر به این بنگاه که این بنگاهی که در اسلام در طبقه بالا واقع شده‌اند، مربی هستند، تربیت می‌خواهند بکنند، سخنگوی اسلام هستند، اینها چه می‌کنند، وضع همان وضع است، و لفظ تغییر کرده است یا خیر؟ حالا وضع را دارند تغییر می‌دهند، محتوا را دارند تغییر می‌دهند و متبدل شده‌اند، این همین طوری که حکومتشان، رژیمشان، متبدل شد از طاغوتی به رژیم اسلامی، این قشر هم که قشر روحانی باشند، اعم از مراجع اسلام، و از علمای اسلام و از خطبای اسلام، از همه اینها

مسئله گوی اسلام، همهٔ اینها که در این بنگاه واقع شده‌اند، نظرها الآن دوخته شده است به اینکه اینها چه می‌کنند، الآن در چه حالی هستند، تغییری در روحیهٔ اینها پیدا شده، در اعمال اینها پیدا شده است؟ یا اعمال همان اعمال و روحیه همان روحیه و یک لفظی را برداشتند و یک لفظ دیگر جایش گذاشتند... اینها چشمهایشان را دوخته‌اند به ما که از ماها اشکال بگیرند، به ما اشکال بکنند و اشکال را به آن [دامن] بزنند تا زیاد بشود، یکی را چندین هزار کنند و در مجلات اینجا و روزنامه‌های اینجا به طور همچو کنایه و رمز، و در خارج به طور صریح، حمله کنند، نه حمله به بنده و شما، حمله به مکتب، مسئله این است که از اعمال ماها یک بهانه‌ای دست دشمن داده بشود که مکتب ما را بگویند این طوری است. این مکتبدارها شما هستید، اگر مکتبدارها خدشه در آنها پیدا شد، آنها می‌گویند مکتب خدشه دارد. برای اینکه سایر قشرها سر و کار با موارد طبیعت دارند، با اسلام هم اگر سر و کار دارند، به این رژیم طبیعی اسلام آنها سر و کار دارند، اما شماها و ماها همه ادعایمان این است که ما سر و کار با ارواح مردم داریم، ما می‌خواهیم روح مردم را تربیت کنیم، چنانچه ما که سر و کارمان با معنویات اسلام است، با واقعیات اسلام است، از ما یک مسائلی ببینند، در محراب ببینند، در مسند ببینند، در منبر ببینند، اگر ببینند، نمی‌گویند که این آقا که منبر [ی] است یک آدم کذایی است، می‌گویند که روحانیون اینطورند، اهل منبر، خطبای اسلام، اینطورند، بعد منجرش می‌کنند به اسلام که اصلاً این همین است دیگر، این رژیم هم همان رژیم است، منتها یک اسمی را تغییر دادند و یک افرادی رفتند، یک ظلمه‌ای رفتند؛ یک ظلمه‌ای دیگر جایشان نشستند. یک منحرفینی رفتند، یک منحرفهای دیگر جایش نشستند. اینها برای ما یک همچو چیزهایی درست می‌کنند.



ما امروز مسئولیت‌مان مسئولیت شخصی نیست که من موظفم که حفظ آبروی خودم را بکنم. این وظیفه است برای همه، هر کسی وظیفه دارد حفظ حیثیت و آبروی خودش را بکند؛ اختیار ندارد که آبروی خودش را بریزد. قضیه این نیست که حیثیت شخص من حیثیت شخص شما یک وقتی خدشه‌دار می‌شود تا مسئولیت به حدود همان خود آدم برگردد، صحبت در این است که با عمل ما مکتب ما دفن بشود. یعنی حالایی که ما جمهوری اسلامی پیدا کردیم و هیاهو کردیم که ما ظلم نمی‌خواهیم، ما عدالت می‌خواهیم، حالا ما که اولی هستیم به اینکه این عدالت را اجرا بکنیم، اولی هستیم به اینکه اعوجاجات را مستقیم کنیم. خدای نخواستہ از ما عملی صادر بشود که برخلاف مجاری عدالت است، انحراف است، اگر اینطور شد، جمهوری اسلامی شکست می‌خورد.

اگر این جمهوری اسلامی شکست خورد، اسلام مدفون می‌شود؛ دیگر خیال نکنید بعدها شما بتوانید دوباره یک کاری انجام بدهید. (۵۲۰)

۵۸/۴/۱۷

\* \* \*

شما آقایان باید حافظ حیثیت اسلام باشید. امروز آنچه که به شما احتیاج است، آنچه شما تکلیف دارید و همه روحانیت در سرتاسر کشور، در سرتاسر کشورهای اسلامی وظیفه دارند این است که حدود اسلام را [حراست کنند]. امروز اگر از یکی از ماها برخلاف مقررات اسلامی، برخلاف احکام اسلام یک مطلبی از او صادر بشود؛ اسلام رو به شکست می‌رود. امروز مملکت، مملکت اسلامی است و محتوا باید محتوای اسلامی باشد. وقت حساسی است؛ روحانیت

زمان حساسی را می‌گذرانند. نبادا این کمیته‌ها به اسم روحانیت کارهای خلاف بکنند. و مبادا پاسداران به اسم پاسداری از اسلام کار خلاف بکنند. و نبادا که دادگاهها - که اسلامی هستند - بر خلاف موازین اسلام باشند. اسلام امروز احتیاج دارد به همه این قشرها برای محافظت.

اولیای اسلام نظر دوختند به شما روحانیون و سایر اقشار ملت که حفظ کنید حدود اسلام را و از آزادیها سوء استفاده نشود. آزادی در حدود اسلام است در حدود قانون است؛ تخلف از قانون نشود به خیال اینکه آزادی است. از همه بالاتر مسئولیت روحانیت است.

دشمنها چشمها را دوخته‌اند که از روحانیت چیزی ببینند و آن را بزرگ کنند و به اسلام نسبت بدهند. اگر امروز از شما، از علما، خدای نخواستہ از علمای اسلام، از فضیلتی آنام یک امر خلاف صادر بشود، دشمنهای شما آن را هزار امر می‌کنند، و با هیاهو و جنجال به اسلام نسبت می‌دهند می‌گویند جمهوری اسلامی هم مثل سایر رژیمهاست. این مسئولیت، مسئولیت بزرگی است. (۵۲۱)

۵۸/۴/۲۸

\* \* \*

الآن که جمهوری اسلامی شده است - که امیدوارم محتوایش هم تحقق پیدا بکند - این چیزی که بر دوش روحانیت است زیادتر از آن چیزی است که بر دوش دیگران است. همیشه بوده، لکن حالا زیادتر است. چشمها دوخته شده است به اینکه ببینند روحانیون که حالا یک قدرت ظاهری دست شان آمده است چه می‌کنند؛ با ملت چه می‌کنند. آیا آن طور است که قلمهای مسموم می‌گوید که ما از دیکتاتوری پهلوی خارج شدیم و به دیکتاتوری عبا و عمّامه مبتلا شدیم؟ اگر ما

بهانه دست اینها بدهیم، یکی را صد می‌کنند و در خارج و داخل منتشر می‌کنند. اگر در داخل هم یک قدری ملاحظه بکنند، در خارج و در مجلات ممالک غربی و شرقی و اینها، این یک مطلب را صد مقابل می‌کنند؛ و ما را معرفی می‌کنند به اینکه اینها تا قدرت دست شان نبود هی می‌گفتند باید آزادی باشد، چه باشد؛ حالایی که قدرت دست شان آمده خودشان مشغول شده‌اند به اینکه با مردم بد رفتاری می‌کنند. الآن وظیفه شما آقایان روحانیون - وَفَّقَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى - یک وظیفه سنگینی است، یعنی این طور نیست که مثل اشخاصی دیگر که وظیفه شخصی دارند. همه وظیفه دارند که خودشان را حفظ کنند و جهات اسلامی را مراعات کنند؛ لکن شما چون که در رأس جامعه هستید و روحانی هستید و سرپرست ارواح مردم هستید، وظیفه شما دوچندان است؛ بلکه صد چندان است؛ یعنی همان قدری که پُست شما یک پست شرافتمندی است و از همه بالاتر است، مسئولیت تان هم یک مسئولیت بزرگی است که از همه مسئولیتها بالاتر است. اگر خدای نخواستہ خطایی از بعض افراد ما صادر بشود، این را آنهایی که با اسلام مخالفند پای اسلام حساب می‌کنند، نمی‌گویند زید پایش را کج گذاشت، می‌گویند روحانیت این طوری است؛ می‌گویند اسلام هم همین است.

این وظیفه بزرگی است که الآن به عهده ما است؛ حفاظت از حیثیت اسلام. الآن که جمهوری اسلامی شده است، حفاظت ما باید بکنیم این جمهوری اسلامی را و نگذاریم که اجانب، دشمنهای ما، یک لکه ننگی به جمهوری اسلامی و اسلام وارد کنند؛ آن هم از ناحیه ما باشد. ما و شما باید با کمال دقت، با کمال دقت مواظب باشیم که بر طبق موازین شرعیه عمل بکنیم... اگر چنانچه ما بهانه دست اینها بدهیم و اعمال ما برخلاف دستور عمل روحانیت باشد، این پای مطلق

روحانیت و پای اسلام تمام می‌شود. و لهذا یک مسئولیت بزرگ الآن ما گرفتار آن هستیم. یعنی همان قدری که شما شغلستان شریف است، به اندازه شرافت شغل مسئولیتتان زیاد است. همان طوری که انبیا شغلشان بزرگ بود، مسئولیتشان بزرگ بود، متتها آنها از زیر بار مسئولیت درمی‌آمدند و می‌توانستند؛ و ماها باید جدیت کنیم که آن قدری که می‌توانیم توانایی خودمان را صرف کنیم در حفظ اسلام که الآن دست ما سپرده شده است. این امانت بزرگی که خدای تبارک و تعالی الآن به دست ما داده است، ما حفاظت کنیم این را.

شما چنانچه به وظایف روحانی، وظایف روحانیت عمل بکنید، قلوب مردم با شماست؛ مردم شما را می‌خواهند و اگر خدای نخواستہ یک خلافتی از بعضی بشود، این قلوبی که متوجه به شما شده است ممکن است خدای نخواستہ برگردد. برگشتن قلوب از شما، شکست روحانیت است؛ شکست روحانیت، شکست اسلام است. (۵۲۲)

۵۸/۶/۱۸

\* \* \*

ممکن است که ما یک وقتی خدای نخواستہ به آنها فرصت بدهیم، به آنها بهانه بدهیم، این بهانه اسباب این بشود که آنها با قلمهایشان شروع کنند بر ضد شماها نوشتن - گفتن. و مهم همان است که اینها نمی‌خواهند که اسلام در خارج تحقق پیدا بکند، از اسلام می‌ترسند؛ خصوصاً حالا که به مشاهده دیدند. یک وقتی همان قضیه، قضیه علمی بود و آن مسائل را که پیش می‌آوردند و تبلیغات سوئی که می‌کردند برای همان مسئله علمیش بود که می‌گفتند اگر اسلام پیدا بشود چه می‌شود؛ اگر روحانیون قدرت پیدا کنند چه خواهد شد. در این نهضت اینها بالعیان دیدند که مسئله همین است؛ اسلام

همچو قدرتی دارد که با دست خالی بر قدرتهای بزرگ غلبه می‌کند، و روحانیون هم همچو مردمی هستند که این ملت پشت سرشان ایستاده و هر کاری می‌خواهند، هر امری می‌کنند، عمل می‌کنند. حالا که بالعیان این مطلب را مشاهده کردند، حالا خوفشان صد چندان شده است؛ و دست و پا می‌زنند به اینکه شماها را آلوده بکنند و پیش ملت باز شماها را یک طوری بکنند که مردم از شما روگردان بشوند و شما را هم بگویند که اینها تا حالا چیزی دستشان نبود، حالا که دستشان آمده اینها هم همانها هستند. مطلب اینها این است که بگویند که این روحانیون تا حالا کاری دستشان نبود حالایی که کار دستشان آمده است اینها هم همان مسائل هست و همان کارها را دارند انجام می‌دهند. اگر یک قدم کج گذاشته بشود، این یک قدم کج را صد مقابل اینها عرضه می‌کنند و در کتابشان یا در مقالاتشان یا در روزنامه‌هایشان می‌نویسند. (۵۲۳)

۵۸/۶/۲۲

\* \* \*

مقصود من از این اطالۀ کلام این است - که عرض کنم که - همان طوری که مقام شما و پُست شما، یک پُست شرافتمند بزرگی است، مسئولیتتان هم یک مسئولیت بزرگی است. به همان اندازه که مقام شما بالاست، مسئولیتتان هم زیاد است. اگر یک وقتی مثلاً فرض بفرمایید یک کمیته‌ای تحت نظر بعضی از آقایان باشد و در آنجا یک شخص نابابی باشد و یک کاری انجام بدهد که برخلاف باشد، آنهایی که می‌خواهند مناقشه کنند با ما، نمی‌گویند که یک شخص نابابی در این کمیته بود، آقا خودش خوب است اما آن شخص ناباب این کار را کرد؛ می‌گویند آخوندها این کار را کردند! آنها به آخوند نسبت

می‌دهند نمی‌گویند که این کمیته این طور است؛ می‌گویند آخوند این طور است. حیثیت روحانیت، الآن بسته است به اعمال ما. همیشه بوده اما حالا بیشتر است. همیشه در زمان طاغوت بود ما هم هیچکاره بودیم، شما هم هیچکاره بودید و تحت فشار ظلم بودید و مظلوم؛ محبوب است؛ مظلومیّت محبوبیّت می‌آورد. حالایی که جمهوری اسلام و اسلامی شده و رژیم طاغوتی از بین رفته و رژیم اسلامی - انسانی بناست باشد و شما هم متصدی یک اموری هستید برای اینکه کمک بکنید به این نهضت و - بحمدالله - با کمک این طبقه است که این کارها دارد انجام می‌گیرد. الآن آن طور نیست که اگر یک کاری آن وقت می‌شد مردم از باب اینکه شما مظلوم باشید، مظلوم بودید و محبوب شده بودید، مردم مناقشه نمی‌کردند. اما امروز آن وضع دیگر نیست؛ امروز مناقشه می‌کنند. اگر یک کمیته‌ای که بعضی از آقایان مثلاً در آن ریاست دارند، یک نفری در آنجا یک کار خلافی بکند، کمیته را مطلقاً و چون با اهل علم مخالفند، اهل علمی که در آن کمیته هست بالخصوص او را و سرایت می‌دهند به همه اینها: اصلاً آخوند این طوری است! آخوند جماعت اصلاً این طور است، شلوغکار است! اینها الآن یک چیزی دستشان افتاد بنا کردند شلوغ کردن؛ این جماعت اصلاً این طوری هستند! مردم هم وقتی تبلیغات زیاد بشود؛ مردم هم خیلیها باورشان می‌آید.

... لکن ما باید توجه به این معنا بکنیم که حیثیت روحانیت و حیثیت اسلام الآن بسته به کارهای ماست. اگر ما کارمان یک کار صحیح مطابق با قواعد اسلام باشد، هم حفظ روحانیت می‌شود، هم حفظ اسلام و اگر خدای نخواستہ از ما ببینند که باز مخالفتها شروع شد و باز این بکش آن طرف و آن بکش آن طرف و این کمیته چه بکن، آن کمیته چه، یک همچو مسائلی اگر از ماها دیدند؟ روحانیت

حیثیتش را از دست می‌دهد، و با از دست دادن روحانیت حیثیت خود را، اسلام عقب نشینی می‌کند.

این که روحانیت را تا اینجا آورده همین طبقه بود، مردم هم تبع همینها هستند، الآن بسته به اعمال ماست، یعنی مسئولیتی که الآن به عهده ماست در این زمان بیش از مسئولیتی است که به روحانیت زمان طاغوت بود و بیش از مسئولیتی است که به روحانیت در زمانهای سابق بود، زمانهای سابق این طور مسائل اصلاً مطرح نبود، مردم بودند و روحانیت بود و احکام خدا. و اینها گاهی هم یک خان، یک جایی چه می‌کرده یا یک سلطانی یک جایی، اما این مسائلی که حالا طرح است نبوده اصلاً، حالا دنیا شده مثل یک عایله واحده، یک کلمه که اینجا گفته می‌شود فردا در همه ایران و آنجاها هم که موجهای رادیو و تلویزیون برود همه جا منعکس می‌شود؛ در همه دهات و قصبات، در همه خارج و داخل، منعکس می‌شود. ما اگر چنانچه به وظیفه اسلامی خودمان، روحانی خودمان عمل بکنیم، حیثیت روحانیت در یک همچو مقطع زمانی محفوظ می‌ماند و بیمه می‌شود. برای بعد هم اگر در این انقلاب، ما پیروزی معنوی پیدا بکنیم این پیروزی معنوی باقی می‌ماند و اگر خدای نخواست در این انقلاب ما پیروزی نداشته باشیم و حیثیت خودمان را از دست بدهیم، باید دیگر کنار برویم و فاتحه روحانیت را بخوانیم و دنبال آن فاتحه اسلام. (۵۲۴)

۵۸/۶/۲۲

\* \* \*

من تمام نگرانیم این است که ما روحانیون، معممین - که باید به حسب وظایف الهی که داریم پاسدار اسلام باشیم و اسلام را به آن طوری که هست عرضه کنیم - من خوف این را دارم که آنهایی که می‌خواهند با ما

مناقشه کنند - و اگر دیده باشید، مناقشه می‌کنند. و اخیراً هم جزوه نوشته‌اند راجع به این - یک وقت خدای نخواستہ از طرف ما هم بهانه‌ای دست آنها داده بشود، حالا که بهانه ندارند می‌گویند که روحانیون استبداد می‌کنند! روحانیون می‌خواهند فرصت طلبی بکنند؛ روحانیون می‌خواهند قبضه بکنند همه چیز حکومت را؛ روحانیون انحصارطلب هستند؛ قشر مذهبی انحصارطلب است! و این حرفهای نامربوطی که هرکس توی خانه‌ای می‌نشیند و می‌نویسد، بدون اینکه نظر کند که روحانیون تا حالا چه کرده‌اند، و حالا در چه حالی هستند. (۵۲۵)

۵۸/۷/۵

\* \* \*

شما آقایان، و همه علمای اسلام، همه علمای ایران، الآن در یک وقت حساسی واقع شدید که اگر خدای نخواستہ از یکی از جوانهای شما یک کار خلاف ببینند، همین آدمهایی که نشسته‌اند آنجا و مواظب‌اند که مبدا اسلام پیروز بشود، همینها شروع می‌کنند به قلمفرسایی و شما را متهم می‌کنند به اینکه اینها این کاره‌اند. از آن روز تا حالا منطق اینها این است! از آن روز تا حالا ما گرفتار دیکتاتوری پهلوی بودیم، رژیم سلطنتی بودیم؛ از حالا به بعد گرفتار دیکتاتوری عبا و عمّامه هستیم....

چنانچه خدای نخواستہ از من و شما یک مطلب خلافی صادر بشود که روی موازین اسلام نباشد، در کمیته‌ها هستید، در دادگاهها هستید، در هر جا هستید، بین پاسدارها رئیس پاسدار هستید، همین از این مسائلی که الآن موجود است و باید هم باشد، اگر خدای نخواستہ از یکی از شما یک مطلبی را ببینند که برخلاف موازین بود،



اینهایی که غرض با شما دارند شروع می‌کنند به تاخت و تاز. و نه شما، روحانیت را، و نه روحانیت را، اسلام را متهم می‌کنند به اینکه جمهوری اسلامی هم همان رژیم شاهنشاهی است با عوض شدن لفظ! (۵۲۶)

۵۸/۷/۵

\* \* \*

من و شما، همه ما و همه معممین و همه روحانیون، یک وظیفه شرعی الهی داریم برای حفظ حیثیت اسلام و حیثیت نهضت اسلامی، که غیر از قضیه این است که یک کسی بخواهد خودش آبروی خودش را از بین ببرد - آن هم برایش جایز نیست، آن هم حرام است - لکن اگر یک مطلبی از من و شما صادر بشود که موجب این بشود که اینها روی اسلام حساب کنند، و عمل ما را پای اسلام حساب بکنند و پای مطلق روحانیون حساب بکنند، اگر یک همچو کاری بشود، ما اسباب این شدیم که اسلام را شکست دادیم؛ چهره اسلام را به جور مُنکر نمایش دادیم. و این یک مسئله مهمی است برای همه ما. من که یک طلبه هستم و شما که آقایان هستید، همه مان، در این امر شرکت داریم. مشترکیم در اینکه باید حفظ کنیم این آبروی اسلام را. و او به این است که قدمهای خودمان را متوجه باشیم کجا می‌گذاریم؛ کارها چه جور انجام می‌گیرد؛ قلمها چه جور به کار می‌افتد. خیال نکنید که امروز قضیه شما و من است، امروز قضیه اسلام است؛ یعنی ما در یک حالی الآن واقع هستیم، در یک وقت حساسی واقع هستیم، که امر دایر بین این است که - خدای نخواست، خدای نخواست، و نخواهد شد ان شاء الله - اسلام زیر پای ما دفن بشود و برود سراغ کارش، شما خیال نکنید اگر در این نهضت خدای نخواست، روحانیت اسلام شکست

بخورد، شکستی است که تا آخر دیگر شکست است. (۵۲۷)

۵۸/۷/۵

\* \* \*

ما ادعا می‌کنیم که ما روحانیون مسلم هستیم. ما اول باید از خودمان مایه بگذاریم. بیخود [دائماً] نگوییم ما خوب و دیگران بد. مایی که دعوی این را داریم که ما هستیم که اسلام را می‌خواهیم ترویج کنیم، اسلام را می‌خواهیم تقویت کنیم، علاقه به اسلام داریم، احکام اسلام پیش ماست، ما باید احکام اسلام را پخش بکنیم. مایی که این مسائل را داریم می‌گوییم و خودمان هم به صورت یک نفر آدمی که به اسلام به همه معنا ایمان آورده است و قبول دارد همه چیزش را و یک آدم متقی صالح کذاست، اگر، خدای نخواسته در باطن برخلاف این باشیم، منافق نیستیم؟ همان ابوسفیان منافق است؟ من و شما هم منافقیم. آن ایمانش را عرضه می‌کرد و نداشت. شما هم کمال ایمانتان را عرضه می‌دارید. بگویید مسلمان هستیم اما منافقید. این مسلمان منافق در جهات دیگر. اینها هیچ کدام هم مهم نیست. مهم این است که اسلام دست ما آمده است. امانت خداست دست ما آمده است. این امانت را باید به آنطوری که هست بدهیم به اعقاب خودمان. عرضه کنیم این اسلام را به آنطوری که واقع اسلام است به دنیا. و خودمان جوری نکنیم که این اسلام را یک طور دیگری نمایش بدهیم به غیر. آنطوری که هست نمایش بدهیم. این دیگر فرق نمی‌کند بین آن بچه طلبه و طلبه نارس که تازه تو مدرسه رفته است یا شما آقایان که از علما هستید و در مساجد هستید یا سایرین، هیچ فرقی مابین آنها نیست. منتها شما آقایان که بزرگتر و بالاتر هستید، مسئولیتان بیشتر از امثال من طلبه است. اما همه مسئولند. مسئولیت کم و زیاد دارد. به

حسب اختلاف نفوس، اختلاف سعه کلمه. کاری بکنید که اسلام از ما گله‌مند نباشد. قرآن کریم از ما گله‌مند نباشد، که آقایان که شما خودتان را می‌گفتید که ما مروّج قرآن هستیم، مبین احکام قرآن هستیم، چرا خودتان یک کاری دارید می‌کنید یا کردید که اسلام یک جور دیگر جلوه کند پیش مردم.

خیلی مواظب باشید. این مسند خطرناک است. این عمامه خطرناک است. این محاسن خطرناک است. خودتان را از این خطرها نجات بدهید. حفظ کنید خودتان را. ... همه همین طور، فرق ندارد. اسلام مال اهل علم نیست. اسلام مال همه است. این امانتی است که خدا به همه داده است. (۵۲۸)

۵۸/۱۰/۱۰

\* \* \*

اگر خدای نخواستہ در قشر روحانی، چه آنهایی که در کمیته‌ها هستند، و چه آنهایی که در مدارس هستند، و چه آنهایی که در شهرستانها هستند، اگر خدای نخواستہ، یک کار اشتباهی واقع بشود، اینطور نیست که بگویند فلان فرد این کار را کرده است، به جامعه روحانیت نسبت می‌دهند؛ می‌گویند آخوندها اینطورند. آنهایی که غرض دارند، آنهایی که می‌خواهند روحانیت را بشکنند و اصل هدفشان اسلام است و می‌خواهند اسلام را بشکنند، و چون اینها را قشری می‌دانند که خدمتگزار اسلامند و اینها نگهدار اسلامند، به اینها حمله می‌کنند. اگر یک بهانه‌ای روحانیت دست اینها بدهد، اسباب این می‌شود که یک مطلب کوچک را بزرگ بکنند، آن هم اگر از یک نفر صادر شده باشد، به مطلق روحانین نسبت بدهند. اگر در این کمیته‌های شما خدای نخواستہ، یک امری واقع بشود که برخلاف

موازین اسلامی است، می‌گویند که آخوندها کمیته‌ها را گرفته‌اند و مشغول کارهای مثلاً خلاف هستند، نمی‌گویند که فلان آدم اینطوری است، می‌گویند روحانیت اینطوری است... امروز روحانیت و سایر قشرهای ملت مسئولند در مقابل خدا که حفظ کنند آبروی اسلام را، حفظ کنند آبروی انقلاب را. حفظ کنند آبروی نهضت را و این مسئولیت بزرگی است. خدمت شماها خدمت بزرگی است و مسئولیتتان بزرگتر، باید متوجه باشید. (۵۲۹)

۵۹/۲/۲۹

\* \* \*

من یک مطلبی را باید بگویم به همه ملت ایران و به همه روحانیین ایران: من خوف این را دارم که بعضی از این معممینی که در بین روحانیون، خودشان را جا زده‌اند و خرابکاری دارند می‌کنند، در بعض از جاهایی که اینها یک چیزی دستشان آمده است، من خوف این را دارم که اینها چهره اسلام را برگردانند از آن که هست. من به روحانیین ایران می‌گویم به اینکه، این اشخاصی که خودشان را جا زدند یا رفتند در کمیته یا رفتند در کجا، این اشخاص را شما به مردم معرفی کنید که اینها ربطی به ما ندارند. یک وقت ما می‌فهمیم که سرتا ته ایران کمیته امام درست شده. این امام کیست که کمیته [اش] درست شده است؟ چه اطلاعی از این دارد؟ ما بی اطلاع بودیم. هر که خودش خواسته یک کاری بکند با اسم فلان.

چند روز پیش از این، در حضرت عبدالعظیم - غیر آن کاری<sup>۱</sup> که آقای خلخالی<sup>۲</sup> کرد، آن مطلب صحیحی بود - یک شیخ دیگری

۱. اشاره به تخریب مقبره رضاخان پهلوی در شهر ری.

۲. آیت‌الله شیخ صادق خلخالی، حاکم شرع دادگاه انقلاب (در اوایل انقلاب).

- کیست، من نمی شناسمش - به اسم نماینده فلان، نماینده امام - به قول خودش - رفته یک مقبره‌هایی را خراب کرده و مقبره‌هایی که مال اشخاص بوده، ملک شخصی شان بوده، مقبره‌ای که موقوفه بوده، خانه‌ای که موقوفه بوده، خراب کرده. اینها یک اشخاصی هستند که یا نمی فهمند دارند چه می کنند و اگر - خدای نخواستہ بفهمند - اشخاصی هستند که می خواهند نهضت را به تباهی بکشند.

من به سرتاسر کشور ایران، به سرتاسر روحانیون ایران، این خطر را، که برای اسلام پیش آمده و برای روحانیت پیش آمده، می گویم به شما و حجّت را بر همه تمام می کنم: این آخوندهایی که خودشان را جا زدند و می روند و مردم را آزار می دهند و اذیت می کنند، بدون یک مجوّز شرعی الهی، اینها را از خودشان برانند. اینها نماینده من نیستند. اینها با اسم نماینده فلان، می خواهند کار را شلوغ بکنند تا اینکه ملت بگویند که خوب، این هم این به اصطلاح این اشخاص! (۵۳۰)

۵۹/۴/۴

\* \* \*

ما از این امور نمی ترسیم. ما از قشرهای خودمان می ترسیم؛ از خودمان.

چنانچه شما آقایان و همپالگیهای شما، سنخ روحانیت همه - ایدهم الله تعالی - اگر کارهایی خدای نخواستہ انجام بدهید که از چشم ملت بیفتید، ولو در دراز مدت، آن روز است که فانتوم لازم نیست دیگر، خود ملت شما را کنار می زند. و ملت هم بی هادی نمی تواند کاری انجام بدهد، و آنها ولو حالا تهیه برای چندین سال دیگر هم باشد کار خودشان را آن وقت می توانند انجام بدهند. من خوفم این است که ما نتوانیم، روحانیت نتواند آن چیزی که به عهده

اوست صحیح انجام بدهد. من خوف این را دارم که به واسطه بعض تبلیغات، حوزه‌های علمی از آن کار اساسی که حفظ فقاقت است سستی بکنند، و کم‌کم فقه منسی بشود، و در درازمدت اینها نتیجه بگیرند. (۵۳۱)

۵۹/۴/۲۰

\* \* \*

تذکر اکید به روحانیونی است که در دادگاهها و کمیته‌ها، جهادسازندگی و دیگر ارگانها اشتغال به خدمت دارند، که اولاً در اموری که صلاحیت آن را ندارند به هیچ وجه دخالت نکنند که دخالت آنان علاوه بر آنکه از جهت عدم صلاحیت آنان غیر مشروع است، از جهت بدبین شدن ملت به روحانیت و در نتیجه جدا شدن ملت از شما که لطمه‌ای بزرگ به اسلام و کشور اسلامی می‌باشد از گناهان بزرگ و نابخشودنی است. شیاطینی که شما را وادار به این نحو دخالتها می‌کنند دشمنان سرسخت روحانیت و اسلامند، با این عمل خود نتایج شیطانی گرفته و شما را منزوی و کشور را به تباهی می‌کشند. دخالت در امور اجرایی، عزل و نصب و امثال اینها به استثنای دخالت کسانی که دولت مستقیماً گماشته است، دخالت غیر مشروع و موجب اختلال در امر کشور و باید از آن اجتناب بشود.

من خوف آن دارم که جوانهای روحانی که مکلف به حفظ آبرو و حیثیت اسلام و روحانیت هستند، به حسب اعمالی که بعضی از آنها ولو با حسن نیت انجام می‌دهند، چهره روحانیت و اسلام را غیر از آنچه هست نمایش دهند. (۵۳۲)

۵۹/۱۱/۲۲

\* \* \*

من برای روحانیت که نگهبان اصیل اسلام است نگران هستم و خوف آن دارم که کسانی که کفالت امری از امور کشور را دارند، خصوصاً دادگاهها و کمیته‌ها و دادستانها با رفتار بعضی از آنان ولو به واسطه عدم توجه به موازین اسلامی، وجهه روحانیت، این سنگر اسلام، پیش ملت مشوه بشود و با شایعه‌سازیها و تهمتها از طرف مخالفین با اسلام یا با روحانیت، یک امر جزئی، چندین برابر به نمایش گذاشته شود. و متأسفانه بعضی از علما بی توجه به مسائل، به خیال پشتیبانی از اسلام تحت تأثیر شایعات واقع شده و یکسره به انتقاد از جمهوری اسلامی و از تمام دادگاهها و همه ارگانهای جمهوری اسلامی برخاسته و به دشمنان اسلام و قرآن کریم ناآگاهانه کمک و شریک جرم گروهکهای منحرف می‌شوند. (۵۳۳)

۶۰/۱/۱۲

\* \* \*

من به این اشخاصی که در بعض حوزة‌های علمیه مجتمع شدند، گوشزد می‌کنم و هشدار می‌دهم که از شیطنت دست بردارند که اشخاص شما شناخته شده‌اند. ما برای اینکه آرامش در کشور باشد، به شما تعرضی تاکنون نکرده‌ایم، لکن اگر ادامه پیدا بکند این شیطنتها، و این دسته‌بندیها، چه در تهران و چه در قم و چه در مشهد و چه در سایر جاهای ایران، افراد شناخته شده توسط دادگاهها خواسته خواهند شد و چنانچه آنها را در دادگاه حاضر کنند، خواهند فهمید که در طول این مدتی که این ملت شریف خون داده است و زحمت کشیده است و آوارگی دیده است، شماها چه کرده‌اید. (۵۳۴)

۶۰/۱/۲۶

\* \* \*

ملت روحانیت را به تبع اسلام می‌خواهد. اگر - خدای نخواستہ - روحانی هم برخلاف اسلام بکند، آن هم یک ساواکی است. فرقی نمی‌کند. بدتر از ساواکی هم هست! (۵۳۵)

۶۰/۳/۶

\* \* \*

کسی که نماینده اسلام است، وظیفه‌اش بسیار خطیر است. همه قشرها در هر جا هستند، وظیفه‌شان بسیار است، لکن در بین همه، شما وظیفه‌تان بیشتر است. ماها وظیفه‌مان بیشتر است. ماها اگر - خدای نخواستہ - یک خطایی، یک اشتباهی بکنیم، این پای نماینده پیغمبر اکرم و اسلام حساب می‌شود. آبروی اسلام به دست شماست. (۵۳۶)

۶۰/۴/۱۰

\* \* \*

امروز مسئولیت آقایان قضات شرع بسیار سنگین است، چون هم باید حیثیت اسلام را حفظ کنند و هم حیثیت روحانیت را در نظر بگیرند. دشمنان اسلام با اشاعه دروغ و با بزرگ جلوه دادن نقاط ضعف شما تلاش می‌کنند حیثیت روحانیت را لکه‌دار کنند تا از نفوذی که روحانیت در پیشبرد اسلام دارد کاسته شود و آنها بتوانند اسلام را از بین ببرند و به مقاصد شوم خود برسند. امروز مسئولیت آقایان قضات از صدر اسلام هم مهمتر است، چون در صدر اسلام به قضات شرع نسبت به رعایت حقوق مردم سفارش می‌شد، اما امروز علاوه بر آن، حیثیت و کیان روحانیت هم مطرح است. از این رو، شما باید در اعمال و رفتار خود کاملاً دقت و مواظبت داشته باشید. البته شما



صددرصد هم اسلامی عمل کنید، دشمنان اسلام دست از دروغ و اعتراض بر نخواهند داشت، چون آنها به اسلام و انقلاب عقیده ندارند. باید کاری کنید که آنها مصداق معینی از نقاط ضعف شما نداشته باشند. (۵۳۷)

۶۰/۱۲/۱۱

\* \* \*

همه آقایانی که در هر جای از این کشور هستند و صدای من را می شنوند، چه از طبقه علما و ائمه جماعات و جمعه و چه از طبقه خطبا - که آنها هم از علما هستند - و کسانی که در بلاد - از روحانیون - متصدی این امور هستند، توجه به این معنا داشته باشند که امروز آبروی جمهوری اسلامی به دست شما بسته است. اگر - خدای نخواست - یک دخالت‌های بیخود و بیجا، یک کارهایی که از روحانیون صحیح نیست، انجام بدهید، این جمهوری اسلامی لکه دار می شود. دولت باید به قدرت خودش باقی باشد. و امروز دولت، دولت اسلامی است و بر همه ماها فریضه است که از این دولت اسلامی پشتیبانی بکنیم. مأمورینی که از دولت می آیند، در همه جا، مأمورین دولت اسلامی هستند. اگر - خدای نخواست - از یک مأمور که من حیث اینکه درست اطلاع بر مسائل ندارد یا اشتباه می کند، یک مطلبی که بر خلاف ذائقه شماست یا بر خلاف مسائل اسلامی است، از او صادر بشود، مقابله نکنید، تضعیف نکنید، او را نصیحت کنید. چنانچه نصیحت را گوش نکرد، به مصادر امور مراجعه کنید. (۵۳۸)

۶۱/۳/۳۱

\* \* \*

یک قصه هم قصه بعضی ائمه جمعه و بعضی از علمای بلاد است که با دخالت‌های بی‌مورد خود در امور دولت، اسباب این می‌شوند که مردم از آنها کنار گیرند. اگر مردم از روحانیون کنار گیرند، موجب می‌شود که روحانیون شکست بخورند، و اگر روحانیون شکست بخورند، جمهوری اسلامی شکست می‌خورد. این مطلب را بارها گفته‌ام که روحانیون باید وضعی ارشادی داشته باشند، نه اینکه بخواهند حکومت کنند. کاری نباید بکنیم که مردم بگویند اینها دستشان به جایی نمی‌رسید، حالا که رسید دیدید این طور شدند. استبداد دینی خود تهمتی است که از کنارش نباید گذشت. رادپوها مرتب از آن سخن می‌گویند و ما را به خودکامگی متهم می‌کنند. روحانیون نباید کاری کنند که شاهد دست دشمن بدهند. دخالت ما باید نهی از منکر و امر به معروف باشد، و آلا به استاندار بگوییم تو باید این کار را بکنی، و آلا بگوییم از اینجا برو، این اولاً تضعیف دولت است و از آن گذشته موجب می‌شود که مردم از روحانیون متنفر شوند. این موضوعات را باید کاملاً در نظر داشته باشیم. (۵۳۹)

۶۳/۶/۱۱

\* \* \*

علاوه بر اینکه اخوت اسلامی بین همه قشرها باید باشد، روحانیون یک تکلیف فوق اینها دارند. اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد می‌گویند «روحانین این طورند»، نمی‌گویند فلان آدم، اگر یک بقالی کمفروشی کند می‌گویند «آن بقال کمفروشی کرده» نمی‌گویند «بقالها کم فروش اند»؛ این از تبلیغاتی است که شده است. اگر یک روحانی خدای نخواست، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می‌گویند روحانیون این جوری‌اند، مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی

است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می‌شود، شکست روحانیت اسلام است. این فرق دارد با آن که اگر خطایی بکند می‌گویند که این آدم خطا کرده است، نمی‌گویند که این صنف خطاکار است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواست، تحقق پیدا بکند علاوه بر آن مسئولیت شخصی که دارید، یک مسئولیت انسانی، مسئولیت اجتماعی، مسئولیت صنفی این را هم برای اینکه پای همه حساب می‌شود؛ بنابراین، حساب نکنید خودتان را یک آدم عادی. حتی طلبه در مدرسه، خودش را حساب نکند که «خوب، من مثل سایر مردم یک طلبه عادی هستم، اگر یک خلافی بکنم پای خودم حساب می‌شود». حتی آن طلبه ای که در مدرسه دارد درس می‌خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی‌شود، پای دیگران هم حساب می‌کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است، و این نمی‌شود الا اینکه تهذیب در خود انسان و وحدت با همه رفقا، با همه دوستان با همه اشخاص، همه قشرها. (۵۴۰)

۶۴/۲/۱۶

\* \* \*

وصیت اینجانب به حوزه‌های مقدسه علمیه آن است که کراماً عرض نموده‌ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته‌اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می‌نمایند، و یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه‌های علمیه است، که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه‌ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و

خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جا زدن خود را در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه‌مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد. و می‌دانیم که قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی به صورتهای مختلف از ملیگراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب‌رسانترند ذخیره دارند که گاهی سی-چهل سال با مشی اسلامی و مقدس مآبی یا «پان‌ایران‌یسم» و وطن‌پرستی و حیل‌های دیگر، با صبر و بردباری در میان ملت‌ها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند. و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه‌هایی از قبیل «مجاهد خلق» و «فدایی خلق» و «توده‌ای»ها و دیگر عناوین دیده‌اند، و لازم است همه با هوشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند. (۵۴۱)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

### خطر روحانی نماها

ما هرگز نمی‌گوییم که این طبقه<sup>۱</sup> یکسره خوب و منزهند و برای اصلاح آنها نباید قدمی برداشت، اینها هم مثل سایر طبقات خوب و بد دارند و بد‌های آنها از همه بد‌ها فساد و ضررشان بیشتر است؛ چنانچه خوبیهای آنها از تمام طبقات نفعشان هم برای مردم و هم برای کشور و استقلال آن بیشتر و بالاتر است؛ لکن اصلاح آنها را امثال رضاخان که

۱. منظور، روحانیون است.

نمی دانست روحانی را با های هوز می نویسند یا با های حطی نباید بکنند... کسی می تواند دست اصلاح به این دستگاه دراز کند که چند شرط زیر را داشته باشد:

۱. تخصص در علوم روحانیه که سخنهای او کورکورانه و از روی جهالت نباشد.
  ۲. علاقه مندی به دیانت و روحانیت و عقیده به اینکه روحانیت در کشور لازم است.
  ۳. پاک بودن نیت او که دست درازی اش برای نفع طلبی نباشد.
  ۴. عقل تدبیر و تمیز صلاح و فساد تا کارهایش از روی نقشه های خردمندانه باشد.
  ۵. نفوذ روحانی که نقشه های خود را بتواند عملی کند.
- این شرایط اگر پیدا شود فقط در روحانین درجه اول پیدا می شود دیگران بکلی از این حساب خارجند بعضی از آنها نیز کم و بیش به اصلاح کوشیده و می کوشند ولی البته آن نتیجه روشن را که اصلاح تمام افراد باشد نگرفته اند. (۵۴۲)

\* \* \*

یک طایفه آنانند که به کسب علمی پرداختند و اشتغال به تحصیل معارف علماً پیدا کردند، ولی از حقایق معارف و مقامات اهل الله به اصطلاحات و الفاظ و به زرق و برق عبارات اکتفا نموده، خود و عده ای بیچاره را در رشته الفاظ و اصطلاحات به زنجیر کشیده و از جمیع مقامات قناعت به گفتار نموده اند. در اینان یک دسته پیدا شود که خود خود را می شناسند، ولی برای ترأس بر یک دسته بیچاره این اصطلاحات بی مغز را مایه کسب معیشت قرار داده اند و با الفاظ

فریبنده و اقوال جالب توجه صید قلوب صافیة بندگان خدا را می‌کنند. اینها شیاطینی هستند انسی که ضررشان از ابلیس لعین کمتر نیست بر عبادالله. بیچارگان ندانند که قلوب بندگان خدا منزلگاه حق است و کسی را حق تصرف در آن نیست. اینها غاصب منزلگاه حقند و مخرب کعبه حقیقی هستند؛ بتهایی تراشند و در دل بندگان خدا که کعبه بلکه بیت المعمور است جای‌گزین کنند؛ اینها مریضانی هستند که به صورت طیب خود را در آورده و آنها را به مرضهای گوناگون مهلک گرفتار کنند.

و علامت این طایفه آن است که به ارشاد اغنیا و بزرگان بیشتر علاقه دارند تا ارشاد فقرا و درویشان. بیشتر مریدان اینان از صاحبان جاه و مال است، و خود آنها به زی اغنیا و صاحبان جاه و مال هستند. اینها سخنانی بسیار فریبنده دارند، که خود را در عین حال که به قذارات دنیاویّه هزارگونه آلودگی دارند، در نظر مریدان تطهیر کنند و از اهل الله قلم دهند. آن بیچارگان ابله نیز چشم خود را از همه معایب محسوسه آنها پوشیده و به اصطلاحات و الفاظی بی مغز دل خوش داشته‌اند.

اکنون که کلام بدین جا رسید، سزاوار باشد که یکی دو حدیث که در این موضوع وارد شده ذکر کنیم؛ گرچه از رشته سخن خارج است، ولی تبرک به کلام اهل البیت نیکو است.

عَنْ كِتَابِ الْخِصَالِ لِلشَّيْخِ الصَّدُوقِ رَحِمَهُ اللهُ بِإِسْنَادِهِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: إِنَّ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يُجِبُّ أَنْ يَجْمَعَ عِلْمَهُ وَ لَا يُجِبُّ أَنْ يُؤْخَذَ عَنْهُ؛ فَذَاكَ فِي الدَّرَكِ الْأَوَّلِ مِنَ النَّارِ. وَ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ إِذَا وَعَظَ أَنْفَ، وَإِذَا وَعَظَ عَنَفَ؛ فَذَاكَ فِي الدَّرَكِ الثَّانِي مِنَ النَّارِ. وَ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَرَى أَنْ يَضَعَ الْعِلْمَ عِنْدَ ذَوِي الثَّرْوَةِ وَالشَّرَفِ، وَ لَا يَرَى لَهُ فِي الْمَسَاكِينِ وَضَعًا؛ فَذَاكَ فِي الدَّرَكِ الثَّلَاثِ مِنَ النَّارِ. وَ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَذْهَبُ فِي

عَلِمَهُ مَذْهَبَ الْجَبَابِرَةِ وَالسَّلَاطِينِ: فَإِنْ رُدَّ عَلَيْهِ وَ قُصِرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ، غَضِبَ؛ فَذَاكَ فِي الدَّرَكِ الرَّابِعِ مِنَ النَّارِ. وَ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَطْلُبُ أَحَادِيثَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى لِيُغْزِرَ بِهِ عِلْمَهُ وَ يُكْثِرَ بِهِ حَدِيثَهُ؛ فَذَاكَ فِي الدَّرَكِ الْخَامِسِ مِنَ النَّارِ. وَ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَضَعُ نَفْسَهُ لِلْفُتْيَا وَ يَقُولُ: سَلُونِي. وَ لَعَلَّهُ لَا يُصِيبُ حَرْفًا وَاحِدًا، وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَلِّفِينَ؛ فَذَاكَ فِي الدَّرَكِ السَّادِسِ مِنَ النَّارِ. وَ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَتَّخِذُ الْعِلْمَ مَرْوَةً وَ عَقْلًا؛ فَذَاكَ فِي الدَّرَكِ السَّابِعِ مِنَ النَّارِ.<sup>۱</sup>

و عن الكَلْبِيِّ رَحِمَهُ اللهُ فِي جَامِعِهِ الْكَافِي بِإِسْنَادِهِ إِلَى الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ يُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ (به - خ) وَ جُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَلْيَتَّبِعْهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ - إِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا.<sup>۲</sup>

و عن الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا رَأَيْتُمْ الْعَالِمَ مُحِبًّا لِلدُّنْيَا فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ. فَإِنَّ كُلَّ مُحِبِّ شَيْءٍ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ. وَ قَالَ: أَوْحَى اللهُ تَعَالَى إِلَيَّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا، فَيَصُدُّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي. فَإِنَّ أَوْلِيكَ قُطَاعَ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ. إِنَّ أَدْنَى مَا

۱. امام صادق - علیه السلام - فرمود: گروهی از علما دوست دارند دانش فراهم آورند و دوست ندارند آن را به دیگران یاد دهند؛ این دسته در اولین طبقه زیرین جهنم می‌باشند. گروهی دیگر کسانی هستند که چون پند دهند، نخوت و مباحثات کنند، و چون دیگران به آنان پند دهند، شدت و خشم نشان دهند؛ اینان در دومین طبقه آتشند. طایفه‌ای دیگر کسانی‌اند که علم را در اختیار اشراف و ثروتمندان قرار دهند و در میان بینوایان جایی برای علم نمی‌بینند؛ اینها در طبقه سوم آتش هستند. جمعی دیگر از دانشمندان، روش گردنکشان و پادشاهان را در پیش گرفته‌اند، اگر جواب ردی به آنها داده شود و یا در خدمت به آنها قصور و تقصیری روی دهد، خشمگین می‌گردند؛ این دسته در طبقه چهارم دوزخند. عده‌ای دیگر کسانی‌اند که در پی گفتار یهود و نصارا می‌روند تا علم و حدیث خود را با آن انبوه سازند؛ اینان در طبقه پنجم جهنمند. گروهی دیگر عالمانی هستند که به مسند فتوا تکیه می‌زنند و می‌گویند: هرچه می‌خواهید، از من بپرسید، و چه بسا کلمه‌ای هم نمی‌فهمند - و خدا کسانی را که ناشایسته امری را به خود ببندد دوست ندارد - و این گروه در طبقه ششم آتش جای دارند. طایفه‌ای دیگر کسانی هستند که علم را وسیله نخوت و

فضل فروشی قرار می‌دهند؛ جای اینان در طبقه هفتم دوزخ است؛ الخصال؛ ج ۲، ص ۳۵۲، باب ۷، ح ۳۳.

۲. امام باقر - علیه السلام - فرمود: کسی که دانش بجوید تا با آن بر دانشمندان فخر بفروشد، یا با نادانان مجادله کند، یا توجه مردم را به خود جلب کند، منزلگاه او آتش است. ریاست جز برای اهل آن شایسته نیست؛ اصول کافی؛ ج ۱: کتاب فضل العلم؛ «باب المستأکل بعلمه...»، ص ۵۹، ح ۶.

أَنَا ضَائِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزَعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ.<sup>۱</sup> (۵۴۳)

\* \* \*

مبلغینی که در حوزه‌های روحانیت درست کردند، و عملی که در دانشگاه‌ها و مؤسسات تبلیغات دولتی یا بنگاه‌های انتشاراتی داشتند، و مستشرقینی که در خدمت دولتهای استعمارگر هستند، همه دست به دست هم داده در تحریف حقایق اسلام کار کردند. به طوری که بسیاری از مردم و افراد تحصیلکرده نسبت به اسلام گمراه و دچار اشتباه شده‌اند. (۵۴۴)

\* \* \*

افکار جماعت مقدس‌نما که مردم را از داخل حوزه‌های روحانیت از اسلام و اصلاحات اجتماعی باز می‌دارند، اصلاح شود؛ آخوندهای درباری که دین را به دنیا می‌فروشند از این لباس خارج و از حوزه‌ها طرد و اخراج شوند. (۵۴۵)

\* \* \*

آن فقیهی که وارد دستگاه ظلمه می‌گردد و از حاشیه نشینان دربارها

---

۱. از امام صادق - علیه‌السلام - روایت شده است: هرگاه دیدید عالمی دوستدار دنیاست، در دیستان متهمش دارید (در امور دین به آنها اعتماد نکنید)؛ همانا دوست دارنده هر چیزی، پیرامون محبوب خود می‌گردد؛ و فرمود - علیه‌السلام: خداوند تعالی به داود - علیه‌السلام - وحی فرمود: بین من و خودت، عالم شیفته و فریفته دنیا را واسطه قرار مده، که تو را از دوستی من باز می‌دارد. اینان راهزنان بندگان حق طلب من هستند. همانا کمترین کاری که با آنها می‌کنم این است که شیرینی مناجات خود را از قلبهایشان می‌گیرم؛ همان؛ ح ۴.



می شود و اوامرشان را اطاعت می کند، امین نیست و نمی تواند امانت دار الهی باشد. خدا می داند که از صدر اسلام تاکنون از این علمای سوء چه مصیبت‌هایی بر اسلام وارد شده است. ابوهریره<sup>۱</sup> یکی از فقهاست؛ لیکن خدا می داند که به نفع معاویه و امثال او چقدر احکام جعل کرد؛ و چه مصیبت‌هایی بر اسلام وارد ساخت. قضیه ورود علما در دستگاه ظلمه و سلاطین غیر از ورود افراد عادی است. یک آدم عادی اگر وارد دستگاه شود فاسق است، و بیش از این چیزی بر آن مترتب نیست؛ لیکن یک فقیه، یک قاضی، مثل ابوهریره و شریح قاضی، وقتی که در دستگاه ظلمه وارد شوند، دستگاه را عظمت می دهند؛ اسلام را لکه دار می کنند. یک نفر فقیه اگر وارد دستگاه ظلمه شد، مثل این است که یک امت وارد شده باشد، نه اینکه یک نفر آدم عادی وارد شده است! و لذا ائمه (ع) از ورود به این دستگاهها شدیداً تحذیر کردند، و فرمودند اگر شماها وارد نمی شدید، کار به اینجا نمی رسید. (۵۴۶)

\* \* \*

آن آخوندهایی که در آن زمان با دستگاه بودند، از مذهب ما نبودند. فقهای اسلام نه تنها اطاعت آنها را نکردند، بلکه مخالفت کردند؛ حبسها رفتند؛ زجرها کشیدند، و اطاعت نکردند. کسی خیال نکند که علمای اسلام در این دستگاهها وارد بوده یا هستند. البته بعضی مواقع برای کنترل یا منقلب ساختن دستگاه وارد می شدند که اکنون هم اگر چنین کاری از ما ساخته باشد، واجب است که وارد شویم. این

---

۱. ابوهریره (۵۷ یا ۵۸ ه. ق.) یکی از صحابی پیامبر (ص) که در سال هفتم هجری اسلام آورد. از وی احادیث بسیاری نقل شده؛ ولی مقدار زیادی از آنها را جعل کرده است.

موضوع مورد صحبت نیست. اشکال سر آنهاست که عمامه بر سر گذاشته و چهار کلمه هم اینجا یا جای دیگر خوانده یا نخوانده، و برای شکم یا بسط ریاست به این دستگاهها پیوسته‌اند. با اینها باید چه کنیم؟

اینها از فقهای اسلام نیستند. و بسیاری از اینها را سازمان امنیت ایران معمم کرده تا دعا کنند. اگر در اعیاد و دیگر مراسم نتوانست به زور و جبر ائمه جماعت را وادار کند که حضور یابند، از خودشان داشته باشند تا «جل جلاله» بگویند! اخیراً لقب «جل جلاله» به او [شاه] داده‌اند! اینها فقها نیستند؛ «شناخته شده‌اند»؛ مردم اینها را می‌شناسند. در این روایت<sup>۱</sup> است که از این اشخاص بر دین بترسید؛ اینها دین شما را از بین می‌برند. اینها را باید رسوا کرد تا اگر آبرو دارند در بین مردم رسوا شوند؛ ساقط شوند. اگر اینها در اجتماع ساقط نشوند؛ امام زمان را ساقط می‌کنند؛ اسلام را ساقط می‌کنند.

باید جوانهای ما عمامه اینها را بردارند. عمامه این آخوندهایی که به نام فقهای اسلام، به اسم علمای اسلام، اینطور مفسده در جامعه مسلمین ایجاد می‌کنند، باید برداشته شود. من نمی‌دانم جوانهای ما در ایران مرده‌اند؟ کجا هستند؟ ما که بودیم اینطور نبود؟ چرا عمامه‌های اینها را بر نمی‌دارند؟ من نمی‌گویم بکشند؛ اینها قابل کشتن نیستند؛ لکن عمامه از سرشان بردارند. مردم موظف هستند، جوانهای غیور ما در ایران موظف هستند که نگذارند این نوع آخوندها (جل جلاله‌گوها) معمم در جوامع ظاهر شوند و با عمامه در بین

۱. قال رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الْفُقَهَاءُ أَمْنَاءُ الرَّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا دُخُولُهُمْ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ: اتَّبَاعُ السُّلْطَانِ. فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ، فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ؛ رسول اکرم می‌فرماید: فقها، امین و مورد اعتماد پیامبرانند تا هنگامی که وارد (مطامع و لذایذ و ثروت‌های ناروای) دنیا نشده باشند. گفته شد: ای پیغمبر خدا، وارد شدنشان به دنیا چیست؟ می‌فرماید: پیروی کردن قدرت حاکمه. بنابراین، اگر چنان کردند، بایستی از آنها بر دیتان بترسید و پرهیز کنید؛ اصول کافی؛ ج ۱، ص ۵۸.

مردم بیایند. لازم نیست آنها را خیلی کتک بزنند؛ لیکن عمامه‌هایشان را بردارند، نگذارند معمم ظاهر شوند. این لباس شریف است، نباید بر تن هر کسی باشد. عرض کردم که علمای اسلام از این مطالب منزه‌اند و در این دستگاہها نبوده و نیستند. و آنهایی که به این دستگاہ وابسته‌اند مفتخورهایی هستند که خود را به مذهب و علما بسته‌اند و حسابشان اصلاً جداسست و مردم آنها را می‌شناسند. (۵۴۷)

\* \* \*

در این میان از همه اسفبارتر وضع ایران است که رژیم آن مأموریت دارد با چاپ قرآن، تظاهر به اسلام، به اسم سپاه دین، سازمان اوقاف و به عنوان فریبنده دیگر، یکباره اسلام را ریشه کن سازد؛ ملت اسلام را بیش از پیش به ذلت و اسارت بکشد؛ مسجد و محراب پیامبر اسلام را به صورت بنگاه تبلیغاتی دربار ضد اسلامی خود درآورد، و برای اجرای این نقشه‌های شوم، به کمک و مساعدت روحانی‌نماهای خود فروخته و سرسپرده نیاز کامل دارد، و با همکاری آنان می‌خواهد مساجد و دیگر محافل اسلامی را قبضه کند، مراسم مذهبی را تحت نظارت و مراقبت خود درآورد و به حوزه‌های علمیه دست یابد. (۵۴۸)

۵۱/۱۲/۲۴

\* \* \*

بر نسل تحصیل‌کرده مسلمان و مردان روشن ضمیر آگاه است که با کوششهای همه جانبه و از هر راه ممکن، اسلام و پیشوایان اسلامی و مسئولیتهای خطیر و سنگین علمای اسلام را به ملتهای مسلمان برسانند تا مردم آگاه شوند و آن دسته از روحانی‌نماهای منحرف را که

مستقیم و غیر مستقیم در خدمت رژیم جبار قرار گرفته‌اند طرد نمایند. اگر ملت اسلام به مبانی نورانی قرآن واقف گردد و به وظایف سنگین علما و پیشوایان اسلام آگاه شود، روحانی نماها و آخوندهای درباری در میان اجتماع ساقط خواهند شد. و اگر معممین ساختگی و روحانی نماهای بی حیثیت در جامعه ساقط شده نتوانند مردم را بفریبند، دستگاه جبار هیچ‌گاه موفق به اجرای نقشه‌های شوم استعمارگران نخواهد شد. ما پیش از هر کار لازم است تکلیف خود را با روحانی نماها - که امروز از خطرناکترین دشمن [ها] برای اسلام و مسلمین محسوب می‌شوند و به دست آنها نقشه‌های شوم دشمنان دیرینه اسلام و دست‌نشانندگان استعمار پیاده و اجرا می‌گردد - روشن سازیم و دست آنان را از حوزه‌های علمیه، مساجد و محافل اسلامی کوتاه کنیم تا بتوانیم دست تجاوزکار استعمار و مخالفین اسلام را از حریم اسلام و قرآن کریم قطع کرده از استقلال و صیانت کشورهای اسلامی و ملت اسلام دفاع نماییم.

امید است که علمای اعلام و مراجع بزرگ اسلام از خیانت و نفوذ اجانب و عمال استعمار به حوزه‌های علمیه و جامعه روحانیت جلوگیری به عمل آورند، و ایادی مخالفین را که در سلک روحانیت قرار دارند و اسلام و روحانیت را به سقوط و انحطاط تهدید می‌کنند طرد و رسوا سازند؛ و اجازه ندهند که مشتی فریب‌خورده و دنیاطلب، استقلال هزار ساله شیعه را دستخوش امیال و اغراض مخالفین اسلام و مزدوران استعمار قرار دهند. (۵۴۹)

۵۱/۱۲/۲۴

\* \* \*

اگر بعضی کسانی که به طور قاچاق وارد در روحانیت شدند، فساد

دارند، به روحانیت مربوط نیست، آنها مطرودند. (۵۵۰)

۵۸/۲/۲

\* \* \*

با آنکه در اسلام برای مجازات مجرمین فرقی بین گروهها نیست و همه در مقابل قانون برابر هستند، و باید مجرمینی که با پوشیدن لباس روحانیت خود را در این صف وارد کرده‌اند به مجازات برسند، لکن، به طوری که اطلاع می‌دهند، عده‌ای مخالف اسلام و روحانیت در صدد هستند که با اسم تصفیه، روحانیت را بکوبند، و راه را برای ستمگران باز کنند. لهذا لازم است به تذکرات زیر توجه شود:

۱. نظر به اینکه روحانیون از حال معممین بهتر آگاه هستند، در شهرستانها به وسیله علمای اعلام درجه اول، هیأت‌هایی مرکب از سه نفر از اهل علم مورد وثوق و دو نفر از معتمدین محل تشکیل، و مأموریت رسیدگی به پرونده‌های اشخاص به صورت روحانی یا اهل منبر را به آنان بدهند؛ و پس از ثبوت جرم - شرعاً - تحت نظر دادگاه انقلاب اسلامی به مجازات برسند.

۲. هیچ‌کس و هیچ گروهی حق ندارد متعرض معممین بشود و به روحانیون اهانت کند. در صورت تخلف، دادگاه انقلاب محل موظف است او را تعقیب و مجازات کند. تذکرات فوق برای کوتاه کردن دست عمال اجانب است از حریم محترم روحانیت، که می‌خواهند با نیت فاسد خود و با تز «اسلام منهای روحانیت»، روحانیت اسلام را که معارض منافع اربابان هستند بکوبند. ملت باید توجه به اینطور فکر استعماری و حیلۀ مغرضانه غربی داشته باشد؛ و ملت شریف موظف است این اقشار خائن را در صفوف خود راه ندهد. و در صورت تعرض به علما و روحانیون آنان را به دادگاه

معرفی کند. (۵۵۱)

۵۸/۳/۳

\* \* \*

هر معممی روحانی نیست و هر قائل به اسلامی، مُسَلِم نیست. و در دستگاه جور که از همه قشرها استفاده می‌کردند، از این قشر هم استفاده شده است و شما توقع نداشته باشید که در ظرف پنج ماه بشود همه را اصلاح کرد. (۵۵۲)

۵۸/۴/۳۰

\* \* \*

خدای متعال می‌داند این را که قضیه دادگاه ویژه اگر باشد، برای این نیست که دفاع باشد؛ برای این است که یک دسته اشخاص فاسد می‌خواهند اشخاص آبرومند را از بین ببرند؛ و اینکه آقایان طرح کردند که در محیط خود اینها باشد، برای اینکه خودشان هم می‌شناسند اینها را. والا ما ابداً نظر نداریم به اینکه اینها فرق داشته باشند با سایرین. نخیر، فرق دارند. فرق این است که شیطنت [و] ملعتشان بیشتر از دیگران است. آنقدر صدمه‌ای که اسلام از یک آخوند فاسد می‌خورد از محمدرضا نمی‌خورد! در روایات هست که آخوند فاسد و ملای فاسد در جهنم از بوی تعفنش اهل جهنم در عذاب هستند<sup>۱</sup>. در این دنیا هم از بوی تعفن بعضی از آخوندهای فاسد دنیا در عذاب است. ما طرفداری از عمامه نمی‌کنیم. ما طرفداری از اسلام می‌کنیم. این اسلام پیش شما باشد معظم هستید. پیش هر کس باشد معظم است. عمل نکردن به اسلام و خیانت کردن به اسلام [از]

۱. ← ص ۴۳۲، پاورقی ۳.

معمم باشد بدتر است از آن کسی که غیرمعمم باشد؛ برای اینکه  
ضررش به اسلام بیشتر از دیگران است. (۵۵۳)

۵۸/۷/۲۰

\* \* \*

ما علاوه بر اینکه گرفتار امریکا هستیم و گرفتار شوروی هستیم،  
گرفتار بعضی اشخاصی [هستیم] که دعوی اسلام می‌کنند؛ بعضیها که  
در رأس روحانیت بعضی ممالک واقع هستند، گرفتار آنها هم هستیم.  
آنها هم ما را تکفیر می‌کنند، آنها هم کلمات ما را تعبیر می‌کنند و  
دنبالش تکفیر می‌کنند. اینها اگر چنانچه واقعاً خطاکار هستند، خوب  
است که مطالعه کنند، بفهمند دارند چه می‌گویند و به نفع کی کار  
می‌کنند و اگر متعمد هستند و در مقابل یک کشور اسلامی، در مقابل  
یک کشوری که کوشش می‌کند که بین همه برادرها را متصل کند و  
همه را با هم آشتی بدهد، و ما قبل از بیست سال به این طرف، دنبال این  
معنا بودیم که ممالک اسلامی، همه با هم برادر باشند، این او را تکفیر  
نکند، او این را تکفیر نکند. اینهایی که اینطور سمپاشی می‌کنند و  
مع‌الأسف در لباس مفتی هستند و یا مفتی اعظم هستند، اینها نمی‌دانند  
که این کارها بر ضد اسلام و بروفاق میل ابرقدرتهاست؟ اینها  
نمی‌دانند که دانسته یا ندانسته، برای ابرقدرتها دارند خدمت می‌کنند؟  
چطور اینها در مقابل «سادات»<sup>۱</sup> و آنهمه جنایاتی که کرده است  
نمی‌ایستند و تکفیری ما نشنیدیم از آنها؟

اما ما که از امام مهدی که قوه اجرایی اسلام است صحبت می‌کنیم  
و می‌گوییم که عدل در زمان او فراگیر خواهد شد و از طرق خود آنها

---

۱. اشاره به انور سادات، رئیس جمهور سابق مصر، که توسط سروان شهید خالد اسلامبولی در سال ۱۹۸۱ م. به هلاکت رسید.

هم همین معنا هست که **يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا**<sup>۱</sup>، ما که راجع به آن می‌گوییم و می‌گوییم که انبیا موفق نشده‌اند اجرا کنند مقاصد خودشان را و خداوند در آخر زمان کسی را می‌آورد که اجرا کند مسائل انبیا را، این بیچاره‌ها برای خدمت به اجانب یا نفهمیده، تأویل می‌کنند که فلان گفته است که حضرت مهدی تتمیم می‌کند شریعت را. این بسیار ناگوار است برای ما. ما حضرت مهدی را یکی از افرادی می‌دانیم که تابع اسلام است، تابع پیغمبر اسلام است، لکن تابعی است که نور چشم پیغمبر اسلام است و اجرا می‌کند آن مطالبی را که حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده است. چرا باید اینها در حجاز، در کویت، در بعضی جاهای دیگر تأویل کنند حرفها را بر ضد یک مملکت اسلامی که کوشش دارد همه برادرها را با هم مجتمع کند و کوشش دارد دست ابرقدرتها را از سر این ممالک اسلامی کوتاه کند، آنها در خدمت ابرقدرتها دانسته یا ندانسته هستند و می‌خواهند که تفرقه بین مسلمین بیندازند. اینها نمی‌دانند که نباید تفرقه بین مسلمین انداخت و بر خلاف نص قرآن است؟ اینها مطلع نیستند یا اینکه در خدمت - خدای نخواست - ابرقدرتها هستند؟

ما می‌خواهیم که همه ممالک اسلامی اولاً، در محیطی که خودشان هستند، به حسب حکم اسلام، بین حکومت و بین مردم مخالفت نباشد و همه با هم باشند و ممالک اسلامی همه با هم باشند و همه متحد بشوند تا اینکه آسیبی برای آنها واقع نشود. شما دیدید که ما وقتی که در ایران ملتمان اتحاد پیدا کرد، چه قدرت بزرگی را شکست داد. ما می‌خواهیم که یک میلیارد جمعیت دنیا از مسلمین، اینطور با هم متحد بشوند. اگر متحد بشوند، نه قضیه قدس دیگر باقی می‌ماند و

۱. زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ پس از آنکه از جور و ستم پر شده است؛ بحارالانوار؛ ج ۵۲، ص ۲۲۵، ح ۸۷.



نه قضیه افغانستان و نه قضایای دیگر و اگر وعظ السلاطین بگذارند و اتحاد ما را به هم نزنند، ان شاء الله، پیروز خواهیم شد و دولت اسلامی و ممالک اسلامی پیروز خواهند شد.

من از خداوند تبارک و تعالی، عظمت اسلام و مسلمین و وحدت کلمه اسلام و مسلمین را خواهان هستم. (۵۵۴)

۵۹/۵/۲۱

\* \* \*

ملت عزیز باید در این وقتی که قدرتهای جهانی در پیکار با اسلام و کشور ما بسیج شده‌اند و مفتیان درباری به کمک صهیونیسم جهانی و قدرتهای شیطانی در تفرقه‌افکنی بین مسلمانان به پا خاسته‌اند، با اتکال به قدرت بی‌پایان حق تعالی و هوشیاری، وحدت خود را حفظ کنند و با شور انقلابی به پیش روند. و ملتهای مستضعف و پیروان مکتب اسلام از این شیاطین به صورت انسان، گول نخورند و خود و اسلام عزیز را با وحدت کلمه و قدرت الله اکبر، از دست قدرتهای شیطانی نجات دهند، و از این جنود ابلیسی نهراسند که خداوند تعالی با ماست مادامی که ما برای رضای او نهضت را به پیش بریم. (۵۵۵)

۵۹/۶/۱۹

\* \* \*

شیطان بزرگ جوجه‌های خود را فراخوانده است تا با هر حیلۀ متصور، بین مسلمین تفرقه افکند و امت توحیدی و برادران ایمانی را به اختلاف و دشمنی کشاند و راه سلطه‌گری و چپاول را برای خویش هر چه بیشتر باز کند. شیطان بزرگ که خوف آن دارد که انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورهای اسلامی و غیراسلامی صادر شود و

دست پلید او را از کشورهای تحت سلطه قطع کند، در حالی که از حصر اقتصادی و حمله نظامی طرفی نسبت به حیلۀ دیگری دست زده است تا انقلاب اسلامی ما را در پیشگاه مسلمانان جهان خدشه دار کند و مسلمانان را به جان هم اندازد و خود به ستمگریها و چپاولهایش در کشورهای اسلامی ادامه دهد، و آن اینکه درست در آستانۀ کوشش بی‌امان ایران برای وحدت کلمه و تشبث به اسلام بزرگ و توحید بین جمیع مسلمین جهان، به یکی از مهره‌های خبیث امریکا و از دوستان شاه مخلوع معدوم، دستور می‌دهند تا از فقها و مفتیان اهل سنت، فتوا بر کفر ایرانیان عزیز بگیرد. و بعضی از این مهره‌ها گفته‌اند: «اسلامی که ایرانیان می‌گویند، غیر از اسلامی است که ما می‌گوییم». آری اسلام ایران غیر از اسلام آنان است که از مهره‌های امریکا چون سادات<sup>۱</sup> و بگین<sup>۲</sup> پشتیبانی می‌کنند و در مقابل فرمان خدای متعال با دشمنان اسلام دست دوستی می‌دهند و برای تفرقه بین مسلمین، از هیچ افترا و کوششی دریغ نمی‌کنند.

مسلمانان جهان باید این تفرقه افکنها را بشناسند و توطئه پلید آنان را خشتی کنند. (۵۵۶)

۵۹/۶/۲۱

\* \* \*

شاید گاهی شما یا مردم خیال بکنند که من اگر از روحانیت طرفداری می‌کنم برای این است که من هم یک معمم هستم و این گروه‌گرایی است. و من کراراً گفتم که من با هر که معمم است و اسم خودش را روحانی گذاشته است موافق نیستم. و من کراراً گفتم که روحانی که

۱. ← ص ۴۹۳.

۲. اشاره به مناخیم بگین، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل، که با انور سادات پیمان صلح کمپ دیوید را امضا کرد.

برخلاف مسلک روحانیت و اسلام عمل بکند و توطئه گر باشد این از ساواکی بدتر است. برای اینکه ساواکی، ساواکی است و این ساواکی به صورت معمم، و لباس روحانیت پوشیده است. قضیه این نیست که من بگویم هر که عمّامه سرش هست، این مورد تأیید است. خیر، من از بسیاریان متنفرم، و بسیاریان را هم اعتقاد به آنها ندارم. و کراراً هم گفتم که اینجاها بی که دادگاه هست، آنجاها بی که مثلاً کمیته‌ها هستند، باید مواظب باشند که اگر یک روحانی بر خلاف [عمل] کرد، خودش را شکایت کنند و همان روحانی را هم بیاورند محاکمه کنند. (۵۵۷)

۵۹/۸/۲۶

\* \* \*

ما از طرف برادرهای اسلامی مان هم و کسانی که دست پرورده دیگران هستند و آنها را ما برادر حساب می‌کنیم، از آنها مورد ظلم و ستم واقع شدیم؛ من جمله، تبلیغات دامنه‌داری که از طرف بعض روحانیینی [می‌شود] که به ظاهر روحانی و در واقع، اجیر دولتها در ممالک اسلامی [هستند]. بعضی از آنها، که شاید از رژیم شاه بهره‌برداری می‌کردند، در طول این مدتی که جمهوری اسلامی راه خودش را گرفته و پیش می‌رود، آنها ساکت ننشسته‌اند و با اسم «اسلام» با اسلام طرف شده‌اند، مقالات نوشته‌اند. آنها بی که برای بگین تبلیغ می‌کنند و برای صهیونیسم به نفع آنها، برای جمهوری اسلامی ما و علیه ما تبلیغ می‌کنند با اسم «روحانیت اهل سنت»، در صورتی که روحانیون اهل سنت این قشر مزدور را از خودشان نباید حساب کنند. لکن ما مورد ظلم از طرف اینها هم واقع شدیم. البته این صحبت‌هایی که آنها می‌کنند و در خارج پخش می‌کنند،

ارزشی آنقدر ندارد، حتی پیش آنهایی که آنها را وادار می‌کنند  
به این معانی. (۵۵۸)

۶۰/۶/۲

\* \* \*

در همین قضیه مولد حضرت رسول - سلام الله علیه - که از طرف  
بعضی از علمای ایران؛ آقای منتظری دعوت شده است به اینکه از  
دوازدهم تا هفدهم شرکت کنند همه مسلمین در جشن تا وسیله  
وحدت بین مسلمین باشد، باز می‌بینیم که یک بوقی از یک آخوند  
بسیار بی توجه به مسائل اسلام و وابسته به دیگران فریاد می‌زند که  
شرک است احترام به پیغمبر، شرک است جشن گرفتن، متها او ایران  
را محکوم می‌کند و معلوم است چرا. یک آخوند که بسته به دربار  
است و مقاصد آنها را می‌خواهد اجرا بکند، در مقابل مسلمین  
می‌ایستد و اعلام می‌کند به اینکه احترام به رسول خدا شرک است،  
این آخوند معنی شرک را نمی‌فهمد. اگر احترام به رسول خدا شرک  
است، پس اول مشرک خود پیغمبر اکرم است و اول مشرک خدای  
تبارک و تعالی است که احترام پیغمبر را تا آنجا بالا برده است که در  
نمازها اسم او هست و اگر نباشد در بعضی جاهایش، باطل می‌شود  
نماز. اگر بعد از شهادت یا فوت حضرت رسول - صلی الله علیه و آله -  
اگر بعد از فوت ایشان به نظر این آخوند و دوستان نادان این  
آخوند وابسته به دربار، احترام پیغمبر شرک است، پس در نماز که بعد  
از فوت رسول اکرم همه مسلمین می‌خوانند و سلام به رسول اکرم  
می‌دهند، همه مسلمین، حتی خود آخوند هم مشرک است اگر نماز  
بخواند. این نیست الا اینکه مأمورند این نحو معممین که خودشان را  
به عنوان مفتی جا زدند در بعضی از بلاد مسلمین، مأمورند که ایجاد

اختلاف بکنند. از ایران صدای وحدت بلند می شود و از حجاز صدای اختلاف. از مرکز وحی که رسول اکرم در آنجا مردم را دعوت به اعتصام به حبیل الله و وحدت فرموده است، یک آخوند درباری صدای نفاق برمی دارد و فریاد نفاق انگیز می کشد و این ایران که به نظر آن آخوند مشرک هستند، ندای وحدت از این ایران بلند می شود. (۵۵۹)  
۶۰/۹/۲۵

\* \* \*

اساس روحانیت چیزی نیست که یک نفر مسلم با آن مخالف باشد و اما موافقت بی قید و شرط که هر کس با هر عمل و اخلاق و ایده مورد تأیید او<sup>۱</sup> باشد و لباس روحانیت به قامت هر کس اگر چه بر خلاف مشی اسلامی انسانی رفتار کند سزاوار و موجب لزوم غمض عین باشد از او و هیچ روحانی متعهد و مسلمان معتقد به ارزشهای اسلامی متوقع نیست و نباید باشد. و اینجانب کراراً گفته ام که روحانی نمای غیر مهذب و در غیرخط اسلام از ساواکی برای اسلام و جمهوری اسلامی خطرناکتر است. (۵۶۰)

۶۱/۸/۲۳

\* \* \*

ما در محیطی گذران می کنیم که مظلومان که جرمی جز دفاع از حق ندارند زیر چکمه ستمگران خرد می شوند و آخوندهای کثیف درباری به این اعمال و جهت اسلامی می دهند. (۵۶۱)

۶۲/۳/۲۸

\* \* \*

---

۱. منظور، فرزندان مرحوم حاج سیداحمد خمینی است.

ما می‌دانیم که ابرقدرتها و حکومت‌های وابسته به آنان با اسلام شاهنشاهی و مملکتی مخالف نیستند؛ بلکه بی‌شک آن را تأیید نیز می‌کنند. اسلامی که به وسیله‌ی ایادی ابلیسی خود و جهال بصورتِ عالم، عرضه شود - که علمای اسلام و مسلمانان نباید در امور سیاسی و اجتماعی مسلمین دخالت کنند و نباید در امور مسلمانان اهتمام نمایند، و حکم واضح عقل موافق با قرآن را نادیده گرفته و حدیث *مَجَارِي الْأُمُور يَدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ*<sup>۱</sup> را ضعیف و سخن شریف *وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَازْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُؤَاةِ أَحَادِيثِنَا*<sup>۲</sup>. و دیگر احادیث از این قبیل را بی‌مبنا یا به تأویل کشانند - صددرصد مورد تأیید آنان است. چه بهتر که دست علمای متعهد و مسلمانان بیدار را این درباریان روحانی نما و بازیخوردگان غافل از سیاست بازی شیاطین ببندند، و راه را برای چپاول و سلطه‌ی قدرت‌ها باز کنند. آنان از اسلامی که مؤید آنهاست چه باک دارند؟ (۵۶۲)

۶۲/۴/۲۲

\* \* \*

حکومت‌هایی که در عصر حاضر با دل و جان و اسم اسلام در خدمت ابرقدرتها، بویژه امریکا هستند و عامل تأمین منافع آنان در جهان می‌باشند، و آخوندهای درباری از خدا بی‌خبر که مؤید آنان و مخالف با رژیم اسلامی هستند و کوشش در هدم اسلام پرخاشگر بر ستمگران به سیره‌ی رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - و علم کردن اسلام شاهنشاهی و ملوکی هستند، که مسلمانان متعهد را به جرم شکایت از ظلم امریکا و اسرائیل می‌خواهند از فریضه‌ی

۱. سررشته امور مردم در دست علماست؛ تحف‌العقول؛ ص ۲۷۱.

۲. در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم؛ کمال‌الدین؛ ج ۲، «باب‌التوقعات»، ص ۴۸۴، ح ۴.

## آفتهای فردی واجتماعی روحانیت □ ۵۰۱

حج محروم کنند، باید مورد تأیید شوروی و امریکا و اسرائیل باشند. (۵۶۳)

۶۲/۴/۲۲

\* \* \*

آنطور که آخوندهای درباری منطقه و غیرمنطقه می‌گویند که حج باید از جهات سیاسی خارج باشد، اینها رسول الله را محکوم می‌کنند، اینها خلفای اسلام را محکوم می‌کنند، ائمه هدی را محکوم می‌کنند. اینها نمی‌دانند که این سفر حج و این حج برای این مسائل بوده است، برای قیام ناس بوده است، برای این بوده است که مسلمین مشکلات مسلمین را درک کنند و در رفعش کوشش کنند، برای این بوده است که بین مسلمین اخوت و مودت پیدا بشود. (۵۶۴)

۶۲/۵/۲۵

\* \* \*

آن ضرری که از این آخوندهای درباری، اسلام می‌خورد، بدتر از آن ضرری است که از امریکا می‌خورد، برای اینکه، اینها با یک ظاهر اسلامی اسلام را منزوی می‌کنند و آنها با این ظاهر نمی‌توانند بکنند، آنها وادار می‌کنند اینها را. (۵۶۵)

۶۲/۵/۲۵

\* \* \*

اکنون نیز مسلمین به غفلت خود و عمال استعمار به تبلیغات خود و ابرقدرتها به سلطه و چپاول خود ادامه می‌دهند؛ و آخوندهای مزدور و درباری به عقب‌نگه داشتن مسلمانان و جهالت و غفلت آنان

دامن می‌زنند. (۵۶۶)

۶۲/۶/۱۲

\* \* \*

باید به آن آخوند مزدور که فریاد مرگ بر امریکا و اسرائیل و شوروی را خلاف اسلام می‌داند گفت تأسی به رسول خدا و متابعت از امر خداوند تعالی خلاف مراسم حج است؟ آیا تو و امثال تو آخوند امریکایی فعل رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - و امر خداوند را تخطئه می‌کنید، و تأسی به آن بزرگوار و اطاعت فرمان حق تعالی را بر خلاف می‌دانید و مراسم حج را از برائت از کفار تنزیه می‌کنید، و اوامر خدا و رسول را برای منافع دنیایی خود به طاق نسیان می‌سپارید، و برائت و نفرین را نسبت به دشمنان اسلام و محاربان با مسلمانان و ستمگران بر مسلمین کفر می‌دانید؟ ما امیدواریم که دولت سعودی به وسوسه این آخوندهای از خدا بیخبر گوش فرادهد. (۵۶۷)

۶۲/۶/۱۲

\* \* \*

اسف در این است که در بین همه کشورهای، یک منحرفی با یک دستاری سرش و یک تحت الحنک، در بین جماعت مسلمین اینها هستند، و دامن می‌زنند به این امور. یعنی، اسلام را با آن دشمنند، آن آخوندهای درباری بدتر - برای این که - اگر اسلام بیاید، آخوند درباری بدتر لطمه می‌بیند تا آن ارتشی، آنها به صلاح نزدیکترند. این طایفه‌اند که اگر فاسد شدند، عالم را فاسد می‌کنند. (۵۶۸)

۶۳/۴/۱۰

\* \* \*



مع الأسف ابعاد مختلف این فریضه عظیم سرنوشت ساز به واسطه انحرافهای حکومتهای جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه درباری و کج فهمیهای بعضی از معممین و مقدس نماها در تمام کشورهای اسلامی در پرده ابهام باقی مانده است. کج فهمانی که حتی با تشکیل حکومت اسلامی مخالف، و آن را از حکومت طاغوت بدتر می دانند! کج فکرائی که فریضه بزرگ حج را محدود به یک ظاهر بی محتوا کرده، و ذکر گرفتاریهای مسلمانان و کشورهای اسلامی را بر خلاف شرع و تا سرحد کفر می شمارند. وابستگان به حکومتهای جابر انحرافی که فریاد مظلومانی را که از گوشه و کنار جهان در این مرکز فریاد جمع گردیده اند. زندقه و برخلاف اسلام وانمود می کنند. بازیگرانی که برای عقب نگه داشتن مسلمانان و باز کردن راه برای غارتگران و سلطه جویان، اسلام را در کنج مساجد و معابد محصور نموده اند و اهتمام به امر مسلمین را بر خلاف اسلام و وظایف مسلمانان و علمای اسلام معرفی می کنند. و مع الأسف دامنه تبلیغات گمراه کننده به قدری بوده و هست که دخالت در هر امر اجتماعی و سیاسی را در جامعه مسلمین برخلاف وظایف روحانیون و علمای دین می دانند؛ و دخالت در سیاست را گناهی نابخشودنی می خوانند؛ و فریضه نماز جمعه را به یک صورت خشک مقصور کرده و تجاوز از این حد را ضد اسلام می دانند. و باید گفت اسلام غریب و ناشناخته است، و ملتهای اسلامی منزوی و نا آشنا به حقایق اسلامند. (۵۶۹)

۶۳/۶/۴

\* \* \*

مع الأسف بعضی از آخوندهای بسیار نافهم یا بسیار مودی در همین مقطع از زمان شروع کردند به چیزهایی نوشتن و رساله هایی پخش

کردند و نسبت به شیعه و نسبت به ائمه شیعه و نسبت به طریقه شیعه جسارت کردند و این در یک همچو مقطعی که عقلای طرفین، عقلای مذاهب با هم جمع شدند و علمای مذاهب با هم جمع شدند و می‌خواهند فکر بکنند برای مصالح اسلام، در یک همچو مقطع یک همچو رساله‌هایی منتشر می‌شود، کأنه خطر برای امریکا دیدند و اوایلا بلند کردند.

آن آخوند احمقی که در یک همچو مقطع از زمان به بعض مقدسات شیعه جسارت می‌کند، در صدد این است که در مقابل او هم یک کسی پیدا بشود، آن هم یک چیزی بگوید و موجب بشود که بین مسلمین در یک همچو مقطع از زمانی که دارد وحدت ایجاد می‌کند، اختلاف ایجاد بشود. واقعاً اسلام چه کند با این طرز فکرها، با این طرز عملها؟ اسلام چه کند با این آخوندهایی که خودشان را به صورت یک روحانی درآوردند و در بین مردم پخش هستند؟ این گرفتاری است که در یک همچو موقعی که مسلمین دارند فکر می‌کنند، او به عنوان اینکه من دیدم که بعض از جوانها متمایل به این اجتماع شدند، متمایل به این ایران شدند، تکلیف دیدم به اینکه بگویم اینها مشترک‌اند، اینها مجوس‌اند اینها چطورند و به بعض مقدسات جسارت کردند. این، جز اینکه خدمت به استعمار است، خدمت به قدرتهای بزرگ است و کارشکنی برای اسلام و مسلمین است؟ ما باید فکر کنیم برای این مسائل. مسلمانها باید فکر کنند برای این مسائل و این اشخاصی که اینطور در صدد شکستن وحدت مسلمینند. (۵۷۰)

۶۳/۶/۱۵

\* \* \*

خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت به مقاتله کرده است، نه این که

خدای تبارک و تعالی می خواهد زحمتی برای مردم ایجاد کند؛ می خواهد رحمت درست کند، توسعه رحمت می خواهد عنایت کند. بنابراین، نباید از قرآن سوء استفاده کرد و آنهایی که با رژیم ما مخالف هستند، بگویند: این مخالف قرآن است؛ یا آخوندهای درباری بگویند: این مخالف قرآن است؛ یا آخوندهای بدتر از آخوندهای درباری بگویند: این مخالف قرآن است. خیر! این موافق قرآن است. و اگر کسی بگوید که: با فاسد جنگ نکنید، مخالف قرآن است. (۵۷۱)

۶۳/۹/۲۰

\* \* \*

ان شاء الله در مقابله با تبلیغات دروغین رسانه‌های گروهی، و از آن بدتر آخوندهای درباری که با قلم و بیان علیه جمهوری اسلامی به پا خاسته‌اند، پیروز شوید. (۵۷۲)

۶۴/۴/۲۸

\* \* \*

هان! ای مسلمانان قدرتمند، به خود آید و خود را بشناسید و به عالم بشناسانید؛ و اختلافات فرقه‌ای و منطقه‌ای را، که به دست قدرتهای جهانخوار و عمال فاسد آنها برای غارت شما و پایمال کردن شرف انسانی و اسلامی شما بار آمده، به حکم خدای تعالی و قرآن مجید به دور افکنید؛ و تفرقه افکنان، از قبیل آخوندهای جیره خوار و ملیگرایان بیخبر از اسلام و مصالح مسلمین را از خود برانید، که ضرر اینان بر اسلام از ضرر جهانخواران کمتر نیست. اینان اسلام را وارونه نشان می دهند، و راه را برای غارتگران باز می کنند. خداوند تعالی اسلام و ممالک مسلمین را از شرّ جهانخواران و پیوستگان و

وابستگی به آنان نجات دهد. (۵۷۳)

۶۴/۵/۲۵

\* \* \*

من باید عرض کنم که مقصد اصلی انبیا تا حالا کم حاصل شده است، خیلی کم. اگر فردا آخوندهای درباری نگویند که فلانی گفت پیغمبر کاری ازش نیامده!، اگر پیغمبر مقصدش حاصل شده بود، این آخوندهای درباری حالا نبودند. اگر مقصد انبیا حاصل شده بود، این دولت آمریکا و نمی‌دانم دیگران نبودند حالا. اگر اینها می‌گویند که الآن مقصد انبیا حاصل شده است، و این همه فساد در دنیا هست، پس مقصد انبیا معلوم می‌شود این فسادها بوده که حاصل شده مقصد انبیا حاصل نشده است. (۵۷۴)

۶۴/۹/۹

\* \* \*

شرط همهٔ مناسک و مواقف برای رسیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی، اجتماع همهٔ مسلمانان در این مراحل و مواقف و وحدت کلمهٔ تمامی طوایف مسلمین است بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصبیتهای جاهلی، و هماهنگ خروشدن بر دشمن مشترک است که دشمن اسلام عزیز است و در این عصر از آن سیلی خورده است و آن را مانع غارتگریهای خود می‌داند و با تفرقه‌افکنی و نفاق‌پراکنی می‌خواهد این مانع ملموس را از سر راه خود بردارد. و عمال مزدور آنان که در رأس آنها آخوندهای حسود دنیاگرای درباری‌اند و در هر جا و هر وقت خصوصاً در ایام حج و مراسم الهی آن، مأمور اجرای این مقاصد شوم می‌باشند. مسلمانان در

مواقف و مراسم این عبادت که یکی از مقاصد بزرگ آن، اجتماع مسلمین از تمام بقاع زمین برای منافع مستضعفان جهان است، و کدام نفع بالاتر از کوتاه کردن دست جهانخواران از ممالک اسلامی است، لازم است با هوشیاری مراقب اعمال ضد اسلامی و قرآنی این عمال خبیث و آخوندهای نفاق‌افکن باشند و آنان را که با نصیحت به اسلام و منافع مسلمین وقعی نخواهند گذاشت، از خود برانند که اینان از طاغوتیان شیطانتر و پست‌ترند. (۵۷۵)

۶۵/۵/۱۶

\* \* \*

لازم است حجج بیت‌الله‌الحرام در این مجمع عمومی و سیل خروشان انسانی فریاد برائت از ظالمان و ستمکاران را هر چه رساتر برآورند و دست برادری را هر چه بیشتر بفشارند و مصالح عالیة اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه‌گرایی و ملی‌گرایی نکنند و برادران مسلم خود را هر چه بیشتر متوجه به توحید کلمه و ترک عصیتهای جاهلی که جز به نفع جهانخواران و وابستگان آنان تمام نمی‌شود بنمایند، که این خود نصرت خداوند تعالی است و وعده حق تعالی به امید واثق شامل حالشان می‌شود. و اگر خدای نخواستہ از عمال جهانخواران که در رأس آنان آخوندهای جیره‌خوار تفرقه‌افکن واقعند پیروی کنند، به معصیت بزرگی دست زده‌اند و مشمول غضب قادر جبار خواهند شد و در قید و بند ابرقدرتها باقی خواهند ماند و باید به خداوند از آن پناه برد. (۵۷۶)

۶۵/۵/۱۶

\* \* \*

با اینکه آنی که پیغمبر می‌خواست حاصل نشده است حالا و بعدها هم حاصل نخواهد شد آن مسائلی که او می‌خواست، که می‌خواهد مردم چه بشوند، نه در زمان خودشان شد و نه بعد شد. و گرچه بعضی آخوندهای درباری می‌گویند که فلانی گفته است که پیغمبر نتوانست، بله، من عرض می‌کنم پیغمبر نتوانست! اگر توانسته بود، تو آخوند درباری حالا نبودی. (۵۷۷)

۶۶/۱/۱۸

\* \* \*

جناب حجت الاسلام آقای علی فلاحیان - دامت افاضاته  
 نظر به اهمیت و حفظ شئون روحانیت و حوزه‌های علمیه،  
 جنابعالی را با حفظ سمت، به عنوان دادستان دادرسی ویژه  
 روحانیت منصوب می‌نمایم تا برطبق موازین شرع مقدس به  
 جرایم روحانی نمایان و دین به دنیا فروشان رسیدگی نمایید. ضمناً  
 کلیه دادگاهها و دادرها موظفند تا با ارسال پرونده‌های  
 درخواستی که در حدود اختیارات این دادگاه و دادر است به شما  
 کمک نمایند. (۵۷۸)

۶۶/۳/۲۵

\* \* \*

جناب حجت الاسلام، آقای علی رازینی - دامت افاضاته  
 نظر به اهمیت و لزوم حفظ شئون روحانیت و حوزه‌های علمیه،  
 جنابعالی را با حفظ سمت به عنوان حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت  
 منصوب می‌نمایم تا برطبق موازین شرع مقدس به جرایم روحانی نمایان  
 رسیدگی نمایید. بدیهی است که شورای عالی قضایی در زمینه

صدور ابلاغ قضات دادگاه و دادسرا و تأمین نیرو و امکانات لازم کمال مساعدت را خواهد نمود. (۵۷۹)

۶۶/۳/۲۵

\* \* \*

اعلان برائت کهنه‌شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود، که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه‌خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فرادهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان‌شمولی اسلام، غفلت نکنند که مسلماً جهانخواران و دشمنان ملت‌ها، بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حیل‌ها و تزویرها و چهره‌های گوناگون متمسک می‌شوند و روحانی‌نماها و آخوندهای درباری و اجیرشدگان سلاطین و ملیگراها و منافقین به فلسفه‌ها و تفسیرها و برداشتهای غلط و منحرف روی می‌آورند و برای خلع سلاحهای مسلمانان و ضربه‌زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - به هر کاری دست می‌زنند و چه بسا جاهلان مُتَنَسِّک<sup>۱</sup> بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است نه میدان صف‌آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان مُتَهْتِک<sup>۲</sup> القا کنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز، کار دنیاداران و دنیا طلبان بوده است و ورود در مسائل سیاسی، آن هم در ایام حج دون شأن روحانیون و

۱. جاهلان زاهد.

۲. عالمان پرده‌در (رسوا و بیحیا).

علما می‌باشد. (۵۸۰)

۶۶/۵/۶

\* \* \*

دو چهره‌ها و روحانی‌نمایان و دین‌به‌دنیا‌فروشان و قیل و قال‌کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علمای سوء و تملق‌گویان ظلمه و ستمگران، خود را به جای پیشوایان و رهبران معنوی امتهای اسلامی بر مردم تحمیل کنند و از منزلت و موقعیت معنوی علمای اسلام سوء استفاده کنند. روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند، چرا که این بیخبران هستند که حکومت جابران و ظلم‌سران وابسته را توجیه و مظلومین را از استیفای حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان و آزادیخواهان در راه خدا حکم می‌دهند. (۵۸۱)

۶۶/۵/۶

\* \* \*

از خرده‌گیری کج‌روشان و آخوندهای درباری و وعاظ‌السلطین نهراسید و به آن روحانی‌نمایان یا روحانیان که از روی عمد یا کج‌فهمی، یا حسد و دسیسه‌های شیطانی [مخالفت می‌کنند] با موعظه حسنه و طریقه‌نبی اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و امیرالمؤمنین و سایر ائمه معصومین - علیهم صلوات الله - فهمانند که این کج‌رویها اگر خدای نخواست به جایی برسد و خللی در جمهوری اسلامی - که می‌خواهد اسلام مظلوم در طول تاریخ را تجدید کند - وارد شود،



اسلام چنان سیلی از غرب و شرق و وابستگان به آنان می خورد که  
قرنها فسادى بالاتر از عصر ستمشاهی را شاهد خواهیم بود. (۵۸۲)  
۶۶/۹/۲۸

\* \* \*

در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده  
کند متهم به شرک خواهد شد، و «مفتی»ها و مفتی زادگان این نوادگان  
«بلعم باعورا»ها،<sup>۱</sup> به قتل و کفر او حکم خواهند داد. (۵۸۳)  
۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

آل سعود برای پرده پوشی جنایات هولناک سال گذشته خود و  
همچنین توجیه صدّعن سبیل الله و منع حجاج ایرانی از ورود به حج،  
زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد؛ و  
آخوندهای درباری و «مفتی»های خود فروخته - لعنة الله علیهم - در  
کشورهای اسلامی خصوصاً حجاز توسط رسانه ها و مطبوعات  
دست به نمایشها و سخنرانیها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران  
درباره فهم و درک فلسفه واقعی حج و نیز پی بردن به ماجرای از پیش  
طراحی شده شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود. و  
مسلم در چنین شرایطی رسالت زائران بسیار سنگین است. (۵۸۴)  
۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

---

۱. «بلعم باعورا» از نوادگان لوط پیغمبر بود که عالم و مستجاب الدعوة شده بود؛ ولی هنگامی که خواست به دعوت  
پادشاه ستمگر بر علیه پیغمبر زمان خود و مؤمنین دعا کند، خداوند تمامی مقامات را از او گرفت. بحارالانوار؛ ج ۱۳،  
ص ۳۷۳-۳۷۹.

مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانونهای فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام مآله‌های کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بیشعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرنه‌ها، و در یک کلمه «اسلام امریکایی» را ترویج می‌کنند؛ و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، امریکای جهانخوار، می‌گذارند. (۵۸۵)

۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاهها مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شر اینها به خدا پناه بریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آنها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود. (۵۸۶)

۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبتها هر وقت نام «روحانیت» را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام، مقصودم

علمای پاک و متعهد و مبارز است؛ که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است. و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند؛ و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس‌مآب و دین‌فروش زده‌اند و می‌زنند. و روحانیون متعهد ما همواره از این بی‌فرهنگها متنفر و گریزان بوده‌اند. (۵۸۷)

۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

بزرگترین فرق روحانیت و علمای متعهد اسلام با روحانی‌نماها در همین است که علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای زهرآگین جهانخواران بوده‌اند و اولین تیرهای حادثه قلب آنان را نشانه رفته است؛ ولی روحانی‌نماها در کنف حمایت زیرپستان دنیاطلب، مروج باطل یا ثناگوی ظلمه و مؤید آنان بوده‌اند.

تا به حال یک آخوند درباری یا یک روحانی وهابی را ندیده‌ایم که در برابر ظلم و شرک و کفر، خصوصاً در مقابل شوروی متجاوز و امریکای جهانخوار ایستاده باشد. همان‌گونه که یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد و تا سر منزل جانان علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد. و عارف حسینی<sup>۱</sup> اینگونه بود. و ملتهای اسلامی حتماً دلیل این واقعه را دریافته‌اند که چرا در ایران «مطهری<sup>۲</sup>»ها و «بهشتی<sup>۳</sup>»ها و

۱. ← ص ۳۱۴.

۲. ← ص ۴۳۴.

۳. آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی، از یاران امام و رئیس دیوان عالی کشور که در حادثه انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی (۱۳۶۰/۴/۷) به شهادت رسید.

شهدای محراب<sup>۱</sup> و سایر روحانیون عزیز، و در عراق «صدر<sup>۲</sup>»ها و «حکیم<sup>۳</sup>»ها و در لبنان «راغب حرب<sup>۴</sup>»ها و «کُرَیم<sup>۵</sup>»ها، و در پاکستان «عارف حسینی»ها، و در تمامی کشورها روحانیون درد آشنای اسلام ناب محمدی-صلی الله علیه و آله-هدف توطئه و ترور می‌شوند. (۵۸۸)  
۶۷/۶/۱۴

\* \* \*

روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می‌گریست که چگونه امریکا و نوکرش پهلوی می‌خواهند ریشهٔ دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس نمای ناآگاه یا بازی خورده و عده‌ای وابسته که چهره‌شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می‌نمودند.

آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونهٔ بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین-علیه السلام- که در تاریخ روشن است. بگذارم و

۱. شهدای محراب عبارتند از: آیت‌الله سید اسدالله مدنی، امام جمعه تبریز، آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب، امام جمعه شیراز، آیت‌الله شیخ محمد صدوقی، امام جمعه یزد، آیت‌الله شیخ عطاءالله اشرفی اصفهانی، امام جمعه کرمانشاه.

۲. آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، از فقهای شیعه بود که در سال ۱۳۵۳ قمری به دنیا آمد و به سرعت مدارج عالی علمی را پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۹۰ پس از مرحوم آیت‌الله حکیم به مرجعیت رسید و در سال ۱۴۰۰ ه. ق. به دست رژیم بعث عراق به شهادت رسید. از آثار اوست: اقتصادنا، فلسفتنا، اسس المنطقية و دروس فی علم الاصول.

۳. منظور امام، فرزندان آیت‌الله العظمی حکیم است که به دست رژیم سفاک عراق در خرداد ۱۳۶۳ ه. ش. به شهادت رسیدند. این شهدا عبارتند از: آیت‌الله سید عبدالصاحب، سید علاءالدین، سید محمد حسین، سید کمال، سید عبدالوهاب و سید احمد حکیم.

۴. شیخ راغب حرب، از روحانیون مبارز جنوب لبنان و یکی از رهبران جنبش انقلابی حزب‌الله لبنان که توسط اسرائیل به شهادت رسید.

۵. کُرَیم، یکی از جوانان عضو جنبش حزب‌الله لبنان که طی یک عملیات شهادت‌طلبانه، تعدادی از نیروهای رژیم صهیونیستی را به هلاکت رساند.

بگذرم و ذائقه‌ها را بیش از این تلخ نکنم. ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز شده‌اند. آنها که به خود اجازه ورود در امور سیاست را نمی‌دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند. غائله قم و تبریز با هماهنگی چپها و سلطنت‌طلبان و تجزیه‌طلبان کردستان تنها یک نمونه است که می‌توانیم ابراز کنیم که در آن حادثه ناکام شدند ولی دست برداشتند و از کودتای نوژه سر در آوردند، باز خدا رسوایشان ساخت. دسته‌ای دیگر از روحانی‌نماهایی که قبل از انقلاب دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانه دربار می‌ساییدند، یکمرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آنهمه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند تهمت و هابیت و بدتر از وهابیت زدند. (۵۸۹)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت‌های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان و سیله‌ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد. و مع‌الأسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا بکلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی‌آورد و از سیاست، که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار -صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم- و قرآن و سنت

مشحون آن است، سخن می‌گفت گویی بزرگترین معصیت را مرتکب شده؛ و کلمه «آخوند سیاسی» موازن با آخوند بی‌دین شده بود و اکنون نیز هست.

و اخیراً قدرتهای شیطنانی بزرگ به وسیله حکومت‌های منحرف خارج از تعلیمات اسلامی، که خود را به دروغ به اسلام بسته‌اند، برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطنانی ابرقدرتها قرآن را با خط زیبا طبع می‌کنند و به اطراف می‌فرستند و با این حيله شیطنانی قرآن را از صحنه خارج می‌کنند. ما همه دیدیم قرآنی را که محمدرضا خان پهلوی طبع کرد و عده‌ای را اغفال کرد و بعضی آخوندهای بیخبر از مقاصد اسلامی هم مداح او بودند. (۵۹۰)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبه‌کار در حوزه‌های علمیه است، که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه‌ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جا زدن خود را در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه‌مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد. و می‌دانیم که قدرتهای بزرگ چپ‌اولگر در میان جامعه‌ها افرادی به صورتهای مختلف از ملیگراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب‌رسانترند ذخیره دارند که گاهی سی - چهل سال با مشی اسلامی و مقدس مآبی یا

«پانایرانیسیم» و وطن پرستی و حیلله‌های دیگر، با صبر و بردباری در میان ملتها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند. و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه‌هایی از قبیل «مجاهد خلق» و «فدایی خلق» و «توده‌ای‌ها» و دیگر عناوین دیده‌اند، و لازم است همه با هوشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند. (۵۹۱)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

وصیت اینجانب به آن طایفه از روحانیون و روحانی‌نماها که با انگیزه‌های مختلف با جمهوری اسلامی و نهادهای آن مخالفت می‌کنند و وقت خود را وقف براندازی آن می‌نمایند و با مخالفان توطئه‌گر و بازیگران سیاسی کمک، و گاهی به طوری که نقل می‌شود با پولهای گزافی که از سرمایه‌داران بیخبر از خدا دریافت برای این مقصد می‌کنند کمکهای کلان می‌نمایند، آن است که شماها طرفی از این غلط‌کاریها تاکنون نبسته و بعد از این هم گمان ندارم ببندید. بهتر آن است که اگر برای دنیا به این عمل دست زده‌اید - و خداوند نخواهد گذاشت که شما به مقصد شوم خود برسید - تا در توبه باز است از پیشگاه خداوند عذر بخواهید و با ملت مستمند مظلوم هم صدا شوید و از جمهوری اسلامی که با فداکاریهای ملت به دست آمده حمایت کنید، که خیر دنیا و آخرت در آن است. گرچه گمان ندارم که موفق به توبه شوید. (۵۹۲)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

**سؤال:** روحانی‌نمایی که امریکا و یا دولتهای دست‌نشانده امریکا و دیگر دولتهای کفر را با توجیهی که دارند، علناً تأیید می‌کنند، آیا جایز است که با چنین افرادی مبارزه شود و در مجالس و محافل از خط سیاسی آنان انتقاد شود تا به رسوایی کشیده شوند و عوام مردم، فریب آنان را نخورند؟

**جواب:** موارد مختلف است و ممکن است اشخاص مزبور را به مقامات جمهوری اسلامی معرفی کنند تا مسئولین اقدام مقتضی معمول دارند. (۵۹۳)



## فصل پنجم

### هشدارها و توصیه‌ها

- توطئه‌ها علیه اسلام و روحانیت
- توصیه به مردم برای مقابله با توطئه‌ها



## توطئه‌ها علیه اسلام و روحانیت

هریک از صاحبان آرای باطله و گفتارهای ناهنجار چون می‌دانند که تنها کسی که می‌تواند مشت آنها را در جامعه باز کند و دروغ‌پردازی آنان را روی دایره بریزد، ملاها هستند؛ و دیگر مردم یا تخصص در این میدان ندارند یا اگر هم اطلاعی کم و بیش داشته باشند وظیفه خود را جلوگیری از افسارگسیختگیها نمی‌دانند؛ تنها چیزی را که برای پیشرفت مقاصد مسموم خود مقدم بر هر چیز بر خود لازم می‌دانند آن است که با هر وسیله‌ای شده است به یاوه‌سرایی و دروغ‌پردازی و تهمت و افترا به ملاها، دست توده را از آنها کوتاه کنند و آنها را پیش مردم خوار و کوچک کنند و از نفوذ روحانی آنها، با هر جانفشانی هست بکاهند تا میدان تاخت و تاز برای آنها باز شود و با کمال آزادی و دلگرمی بتوانند با جان و ناموس و مال یک مشت بیچاره ستم‌دیده بازی کنند و گرنه به شهادت تواریخ معتبره از بعد از رحلت پیغمبر اسلام تا امروز تنها کسی که دین مردم را نگاه داشته و جلوگیری از یاوه‌سرایی افسارگسیختگان کرده علما و ملاها بودند و دیگران یا وظیفه این کارها را نداشتند یا خود را وظیفه‌دار نمی‌دانستند.

در این بیست سال که به درست دوره اختناق ایران و دین به شمار

می‌رفت همه دیدید و دیدیم که بالاتر هدف رضاخان علما بودند و آنقدر که او با آنها بد بود با دیگران نبود؛ چون می‌دانست اگر گلوی اینها را با سختی فشار ندهد و زبان آنها را در هر گوشه با زور سرنیزه نبندد تنها کسی که با مقاصد مسموم او طرفیت کند و با رویه‌هایی که می‌خواست برخلاف نفع مملکت و صلاح دین اتخاذ کند، مخالفت نماید، آنها هستند و زمامداران آن روز یا نوکرهای خاص او بودند و با مقاصد او همراه بودند و یا ضعیف‌النفس و ترسو بودند و با یک هو از میدان در می‌رفتند. او با مرحوم مدرس<sup>۱</sup> روزگاری گذراند و تماس خصوصی داشت و فهمید که با هیچ چیز نمی‌توان او را قانع کرد نه با تطمیع و نه با تهدید و نه با قوه منطقی از او حال علمای دیگر را سنجید و تکلیف خود را برای اجرا کردن نقشه‌های اربابهای خود فهمید با همه فشارها و شکنجه‌ها و اهانتها که بخصوص ملاها در آن روزهای اختناق ایران توجه پیدا کرد به نوبه خود چند مرتبه برای دفع فسادهایی که آنها خصوصی از منابع صحیح، اطلاع داشتند قیام و نهضت کردند. از اصفهان و تبریز و مشهد ولی سستی مردم که قوه اجرای مقاصد مدبرانه علما هستند اقدامات آنها را عقیم کرد. ملاها از همان روزهای اول تصدی رضاخان را برخلاف مصالح کشور تشخیص دادند و تا توانستند عمومی و وقتی نشد مخفیانه و خصوصی فسادهای خانمانسوز او را به مردم گوشزد کردند ولی تبلیغات آن دسته به توسط روزنامه‌های آن روز که ننگ ایران بودند و امروز نیز بعضی از آنها بازیگر می‌دانند آنها را، از نظر مردم ساقط کرد تا آنجا که آنها را سوار اتومبیل نمی‌کردند و هر عیبی اتومبیل می‌کرد از قدم آخوند می‌دانستند. من خود دیدم که دربین راه بنزین تمام شد شوهر گفت از نحوست این

آخونداست. (۵۹۴)

\* \* \*

(عنوان دیگری که برای روحانی درست کردند این است که «هر کس به کفش عالم بگوید کفشک، کافر می‌شود» دنباله این سخن دروغ نتیجه‌های بیخردانه گرفته) خوب است یکی بپرسد از این نویسنده که این حرف را از کدام کتاب یا رساله نقل می‌کنی یا کدام ملا به شما چنین حرفی را زده، مجتهدین در رساله‌های خود که در دسترس همه شماها هست چیزهایی که اسباب کفر است می‌نویسند و اسمی از روحانی در کار نیست، معروفترین رساله‌های عملی عروة الوثقی<sup>۱</sup> است در باب نجاسات می‌گوید (والمراد بالكافر من كان منكراً للالوهية او التوحيد او الرسالة او ضرورياً من ضروريات الدين مع الالتفات الى كونه ضرورياً بحيث يرجع انكاره الى انكار الرسالة) یعنی مراد از کافر کسی است که منکر خدا یا توحید خدا یا منکر پیغمبر باشد و یا منکر باشد یکی از ضروریات دین را با التفات و توجه به اینکه این از واضحات دین است به طوری که این انکار ضروری نیز برگردد به انکار پیغمبری. پس معلوم شد میزان در کفر بیش از انکار خدا و توحید خدا و پیغمبری نیست؛ انکار ضروری هم چون به انکار پیغمبری برمی‌گردد کفر می‌آورد و گرنه میزان همان سه امر است در این صورت روحانی هم مانند دیگر مردم است که کشتن او هم کفر نمی‌آورد. آری اگر کسی روحانی را توهین کند به اسم اینکه او بسته به پیغمبر است به طوری که به انکار پیغمبری و عداوت با

۱. عروة الوثقی، تألیف آیت الله العظمی سیدمحمد کاظم یزدی، از آثار گرانسنگ فقهی و دارای فروع فراوان می‌باشد که مراجع تقلید و فقهای بزرگ، فتاوی خود را به صورت حاشیه بر آن می‌نگارند.

پیغمبر و خدا برگردد او نیز کافر است، نه برای توهین به روحانی بلکه برای انکار رسالت. (۵۹۵)

\* \* \*

بخواهیم بگوییم مثل زمان مغول است، نمی‌توانیم همچو بی‌احترامی‌ای به مغول بکنیم. آنها یک جمعیتی بودند کفار، و شاید مهدور می‌دانستند دم ما را؛ و وارد شدند در مملکت برای گرفتن مملکت اجنبی، آن هم مملکتی که برخلاف مسلک آنها و دیانت آنها بود و کردند آن کارهایی را که کردند. اینجا در این قضایا، اینها مدعی اسلام هستند، مدعی ایمان هستند، مدعی تشیع هستند! در عین حال که با این ادعاها امرار روز می‌کنند و امرار حیات می‌کنند، کارهایشان همان کارهایی است که مغول باید انجام بدهد، چنگیز باید انجام بدهد. در مراکز علمی می‌ریزند، خون بیچه‌های شانزده ساله و هفده ساله [را] می‌ریزند، خراب می‌کنند مرکزهای علمی را، به علما اهانت می‌کنند، فحشهای ناموسی می‌دهند، در حبس می‌برند، زجر می‌کنند، می‌کشند، می‌زنند، خونخواری می‌کنند؛ در عین حال نطق می‌کنند، اظهار اسلامیت می‌کنند، اظهار تشیع می‌کنند، اظهار کشف [و] کرامت می‌کنند. آنها دیگر نمی‌گفتند که ما شیعه هستیم؛ دشمن بودند با ما، در حال تعدی وارد شدند در مملکت ما. اینها با حال دوستی و ادعای دوستی، ادعای تشیع، بالاتر از تشیع، با این ادعاها این اعمال را انجام دادند و می‌دهند.

من [آنچه] به شما عرض کنم مطلبی نیست که مال این چند ماهه باشد؛ این یک مطلب ریشه‌دار است، مطلبی است که مال چندین سال پیش از این است، اگر نگوییم چهل و چند سال پیش از این، لااقل

بیست سال پیش از این است که اینها نقشه‌شان این بود که قم نباشد. در زمان حیات مرحوم آقای بروجردی<sup>۱</sup> - رضوان‌الله‌علیه - هم نقشه این بود که ایشان نباشند و قم نباشد. قم را برای منافع خودشان مضر می‌دانند. قم لشکر حق است؛ جنود ابلیس، جنود حق را با مقاصد خودشان مخالف می‌دانند. در همان زمان ایشان هم، نسبت به ایشان تعبیراتی می‌شده است که من نمی‌توانم در این منبر عرض کنم. همان وقت بوده است که، نقشه خارج این بوده است که قم نباشد تا ما هر کاری می‌خواهیم انجام بدهیم و یک نفس‌کش در مقابل ما صحبت نکند، حرف نزنند، بحث نکنند، ایراد نکنند، اعتراض نکنند.

اینها از همان زمان مرحوم آقای بروجردی، اگر نگوییم از چهل و چند سال پیش از این، از زمان مرحوم آقای بروجردی این نقشه را داشته‌اند، منتها با بودن ایشان می‌دیدند که مفسده دارد اگر بخواهند کارهایی را انجام بدهند. بعد از اینکه ایشان تشریف بردند به جوار رحمت حق تعالی؛ از همان اول، اینها شروع کردند به اسم احترام از مرکزی، کوبیدن این مرکز را؛ نه از باب اینکه حُبی به آن مرکز داشته‌اند؛ به هیچ مرکزی از مراکز دیانت اینها احساس حُب نمی‌کنند؛ نه از باب اینکه به نجف علاقه داشتند، از باب اینکه قم را نمی‌خواستند. قم موی دماغ بود، نزدیک بود به اینها، مفاسد را زود ادراک می‌کرد و کارهای اینها زود برش منکشف می‌شد. اینها قم را نمی‌خواستند منتها نمی‌توانستند به صراحت لهجه بگویند: قم نه، می‌گفتند: نجف آره، مشهد آره؛ «در قم چیزی به نظر نمی‌خورد»! فهمیدند که چیزهایی به نظر می‌خورد، چیزهایی به چشم می‌خورد، چیزهایی به دهان می‌خورد، به گوش می‌خورد؛ فهمیدند که نه آنطور نبوده است. اینها از آن وقت نقشه کشیدند برای نابودی روحانیت و

دنبالش نابودی اسلام و دنبالش نفع رساندن به اسرائیل و عمال اسرائیل.

از اول، مطلب اینطور بود، منتها در پرده بود؛ اعلان نکرده بودند مطالبشان را؛ گاهی اعلان می‌کردند، لکن مضمضه می‌کردند مطلب کفر خودشان را. بعد از فوت ایشان، ابتدائاً یک نقشه شیطانی کشیدند و در بلاد ایران، آنجاهایی که من مطلع شدم، از مردم می‌خواستند التزام بگیرند به اینکه شما به فلان مرکز تلگراف کنید و انتخاب کنید فلان مرکز را؛ نه از باب اینکه علاقه‌ای به آن مرکز داشتند، از باب اینکه این مرکز را نمی‌خواستند. مردم اعتنا نکردند به آنها. (۵۹۶)

۴۲/۲/۱۲

\* \* \*

این سال<sup>۱</sup> بد بود برای اینکه حمله به اسلام زیاد شد، حمله به قرآن زیاد شد؛ مراکز علم را کوباندند به حَسَب توهم خودشان؛ بچه‌های ما را، عزیزهای ما را زدند، سرهایشان را شکستند، پاهایشان را شکستند، بعضی‌شان را کشتند، از پشت‌بامها انداختند. اگر اینها دهقانها بودند، پس چرا این دستگاه انتظامی کمکشان می‌کرد؟ اینکه دیگر مخفی نبود؛ این را صد هزار جمعیت از توی خیابانها و از توی صحن و از توی مدرسه، خوب می‌دیدند که دستگاه شهربانی دارد کمک مستقیم می‌کند؛ این دهقانها را کمک می‌کرد بر ضد اسلام. اگر راست می‌گویند که دهقانها بوده‌اند، پس چرا وقتی که مَرَضای ما را بردند در مریضخانه‌ها، شهربانی و [ساواک] فرستادند گفتند: دشمنهای اعلیحضرت را می‌برید در مریضخانه؟ پدرتان را درمی‌آوریم، اینها باید بروند. اگر دهقانها بودند، به اعلیحضرت چه

۱. منظور، سال ۱۳۴۱ ه. ش. است.



کار دارد؟ اگر کماندوها بودند و آنهایی که مربوط به خود ایشان است و از دستگاه خود ایشان هست، [آیا] با قول ایشان بوده، با فرمان ایشان بوده است و یا بدون اطلاع و بدون فرمان؟ اگر با اطلاع است، خوب بگوئید ما تکلیفمان را با ایشان بفهمیم؛ خوب بفهمیم؛ خوب ما، طرفمان کی است؟ یک نفر است. اگر اینطور نیست، خوب بگوئید تا ما بفهمیم که این کماندوها سر خود آمدند؟! و همین طور بیخود بیخودی آمدند؟! یا سازمان امنیت اینها را آورد؟ یا شهربانیها آوردند؟ یا نخست‌وزیر امر کرد، یا فلان وزیر و فلان امیر امر کرد؟ خوب بگوئید کی این کارها را کرده؛ چرا حاشا می‌کنند؟ پیش هر که می‌روی، گردن دیگری می‌گذارد، به هر که اعتراض می‌کنی، به دیگری نسبت می‌دهد، دستگاه شهربانی می‌گوید که سازمان امنیت؛ سازمان امنیت می‌گوید شهربانی؛ دوتایشان می‌گویند: امر اعلیحضرت؛ راست می‌گویند که امر اعلیحضرت است؟ اعلیحضرت با دیانت اسلام مخالف است؟ واقعاً با قرآن مخالف است اعلیحضرت، به حَسَب قول اینها؟ اگر مخالف است، آن حرفها چه هست دیگر؟ آنهمه کشف و کرامت کجاست؟ اگر مخالف نیستند، پس چرا جلوگیری نمی‌کنند از این وحشیگریها؟ چرا تودهنی نمی‌زنند به این شهربانیها، به این سازمانها، به این نخست‌وزیرها؟ ایشان که فعال مایشاء‌اند می‌توانند یک همچو کاری را بکنند؛ حالا که دیگر مطلبی نیست، برگرد [ند] به عصر سابق [دوران استبداد] و قبل از صد سال پیش از این. حالا که مطلب اینطوری است، خوب بزنند تودهنی به اینهایی که کار بد می‌کنند، کارهای خلاف اسلام می‌کنند، کارهای خلاف دیانت می‌کنند و نسبت می‌دهند به ایشان؛ تبرئه کند خودش را. آقا، نمی‌شود سلطان اسلام با اسلام مخالف باشد؛ نمی‌شود این. اگر نیستند بگویند، اظهار کنند، اظهار تأسف کنند به اینکه مردک

آمده است، ریخته مدرسه فیضیه را خراب کرده است. (۵۹۷)

۴۲/۲/۱۲

\* \* \*

### إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ<sup>۱</sup>

بعد از نصایح بسیار و ادای وظیفه روحانیت، نتیجه این شد که امروز - که ۲۶ شهر شعبان<sup>۲</sup> است - از اوایل روز عده‌ای رجاله با مأمورین دولت در شهر مقدس قم به راه افتادند و به مردم بی‌پناه قم و طلاب و روحانیون حمله کرده و اهانت نمودند و بسیاری را کتک زدند و به زندان بردند. جمعی از مأمورین و رجاله به مدرسه فیضیه، مجاور حرم مطهر، ریخته و تیراندازی کردند و با چوب و چماق طلاب مظلوم را کتک زدند؛ و به بازار و خیابان قم ریخته و بعضی دکانها را غارت کردند و درب و پنجره و شیشه مغازه‌ها را شکستند؛ هیچ کس پیدا نشد که به داد مردم متدین و روحانیت برسد. این است حال مادر این ساعت که ظهر است. و عاقبت امر معلوم نیست چه خواهد شد. این است معنای طرفداری دولت از دیانت. و این است معنای آزادی رأی و رأی‌دهندگان. ما این وضع را در شهر مذهبی قم و در جوار حرم مطهر و در حوزه علمیه قم به قضاوت افکار عمومی می‌گذاریم. و از خداوند تعالی اسلام و استقلال مملکت را خواهانیم. خداوند تعالی ان شاء الله اسلام و قرآن را حفظ کند. (۵۹۸)

۴۱/۱۱/۳

\* \* \*

۱. همانا همه از خداییم و به سوی او برمی‌گردیم (بقره/ ۱۵۶).

۲. روز ۲۶ شعبان‌المعظم ۱۳۸۲ ه. ق. مطابق با سوم فروردین ۱۳۴۱ ه. ش.

مسلمین آگاه باشند که اسلام در خطر کفر است. مراجع و علمای اسلام بعضی محصور و بعضی محبوس و مهتوک هستند. دولت امر داد حوزه‌های علمیه را هتک کنند، و طلاب بی‌پناه را کتک بزنند، و بازار مسلمین را غارت کنند و درب و پنجره مغازه‌ها را بشکنند. (۵۹۹)  
۴۱/۱۱/۳

\* \* \*

هدف اجانب قرآن و روحانیت است. دستهای ناپاک اجانب با دست این قبیل دولتها قصد دارد قرآن را از میان بردارد، و روحانیت را پایمال کند. ما باید به نفع یهود، امریکا، و فلسطین هتک شویم، به زندان برویم، معدوم گردیم، فدای اغراض شوم اجانب شویم. آنها اسلام و روحانیت را برای اجرای مقاصد خود مضر و مانع می‌دانند. این سد باید به دست دولتهای مستبد شکسته شود. موجودیت دستگاه رهین شکستن این سد است. قرآن و روحانیت باید سرکوب شود. (۶۰۰)

۴۱/۲/۲۲

\* \* \*

حملة کماندوها و مأمورین انتظامی دولت بالباس مبدل و به معیت و پشتیبانی پاسبانها به مرکز روحانیت خاطرات مغول را تجدید کرد. با این تفاوت که آنها به مملکت اجنبی حمله کردند، و اینها به ملت مسلمان خود. و روحانیون و طلاب بی‌پناه. در روز وفات امام صادق<sup>۱</sup> - علیه السلام - با شعار «جاوید شاه» به مرکز امام صادق و به اولاد جسمانی و روحانی آن بزرگوار حمله ناگهانی کردند؛ و در ظرف یکی

---

۱. روز ۲۵ شوال ۱۳۸۲ ه. ق. مطابق با دوم فروردین ۱۳۴۲ ه. ش.

دو ساعت تمام مدرسه فیضیه، دانشگاه امام زمان - صلوات‌الله و سلامه‌علیه - را با وضع فجیعی، در محضر قریب بیست هزار مسلمان، غارت نمودند؛ و دربهای تمام حجرات و شیشه‌ها را شکستند. طلاب از ترس جان، خود را از پشت بامها به زمین افکندند. دستها و سرها شکسته شد. عمامه‌ طلاب و سادات ذریه پیغمبر را جمع نموده آتش زدند؛ بچه‌های شانزده - هفده ساله را از پشت بام پرت کردند؛ کتابها و قرآنها را - چنانکه گفته شده - پاره کردند.

اکنون روحانیون و طلاب در این شهر مذهبی تأمین جانی ندارند. اطراف منازل علما و مراجع محصور کارآگاه و گاهی کماندو و مأمورین شهربانی است. مأمورین تهدید می‌کنند که سایر مدارس را نیز به صورت فیضیه درمی‌آوریم. طلاب محترم از ترس مأمورین لباسهای روحانیت را تبدیل نموده‌اند. دستور داده‌اند که طلاب را به اتوبوس و تاکسی سوار نکنند. در مجامع عمومی مأمورین به روحانیون - عموماً - و به بعضی افراد - به اسم - ناسزا می‌گویند و فحشهای بسیار رکیک می‌دهند. شبها پاسبانها ورقه‌های فجیع با امضای مجهول پخش می‌کنند. اینان با شعار «شاه دوستی» به مقدسات مذهبی اهانت می‌کنند. «شاه دوستی» یعنی غارتگری، هتک اسلام، تجاوز به حقوق مسلمین، و تجاوز به مراکز علم و دانش؛ «شاه دوستی» یعنی ضربه زدن به پیکر قرآن و اسلام، سوزاندن نشانه‌های اسلام و محو آثار اسلامیت؛ «شاه دوستی» یعنی کوبیدن روحانیت و اضمحلال آثار رسالت.

... اکنون که مرجع صلاحیتداری برای شکایت در ایران نیست و اداره این مملکت به طور جنون‌آمیز در جریان است، من به نام ملت از آقای علم<sup>۱</sup>، شاغل نخست‌وزیری، استیضاح می‌کنم: با چه مجوز

۱. اسدالله علم (۱۲۹۸ - ۱۳۵۷ ه. ش.) از مالکین بزرگ منطقه جنوب خراسان که در سال ۱۳۴۱ به نخست‌وزیری ←

قانونی در دو ماه قبل حمله به بازار تهران گردید، و علمای اعلام و سایر مسلمین را مصدوم و مضروب نمودید؟ با چه مجوز علما و سایر طبقات را به حبس کشیدید که جمع کثیری در حبس به سر می‌برند؟ با چه مجوزی بودجه مملکت را خرج فراندم معلوم الحال کردید؟ در صورتی که فراندم از شخص شاه بود- و بحمدالله ایشان از غنی‌ترین افراد بشر هستند- با چه مجوز مأمورین دولت را که از بودجه ملت حقوق می‌گیرند برای فراندم شخصی التزاماً به خدمت واداشتند؟ با چه مجوزی در دو ماه قبل بازار قم را غارت کردید، و به مدرسه فیضیه تجاوز نمودید و طلاب را کتک زده و آنها را به حبس کشیدید؟ با چه مجوز در روز وفات امام صادق<sup>۱</sup> - سلام الله علیه - کماندوها و مأمورین انتظامی را با لباس مبدل و حال غیرعادی به مدرسه فیضیه فرستاده و این همه فجایع را انجام دادید؟ (۶۰۱)

۴۲/۱/۱۳

\* \* \*

ما اکنون در محاصره همه جانبه به سر می‌بریم. بسیاری از تلگرافات ما به مقصد نمی‌رسد. تلگرافاتی که به ما شده است غالباً نمی‌رسد. مطبوعات کشور آزادانه یا به اجبار به هتک و اهانت ما قلمفرسایی می‌کنند. گویندگان با اشاعه اکاذیب به هتک و تضعیف روحانیت، یگانه پشوانه مملکت، کوشا هستند و از هیچ تهمت و افتزایی خودداری نمی‌کنند. این پشوانه باید شکسته شود تا اجانب آزادانه به مقاصد شوم خود برسند. روحانیت باید زجر ببیند، هتک شود؛ این لباس در خور سوختن است! در بیست و چند سال قبل به دست عمال

---

→ رسید و سپس به مقام وزارت دربار منصوب شد.

۱. روز ۲۵ شوال ۱۳۸۲ ه. ق. مطابق با دوم فروردین ۱۳۴۲ ه. ش.

انگلیس، دشمن سابقه‌دار اسلام و شرق، چه اهانتها و زجرها و شکنجه‌ها که دیدند. جوانها از سالخورده‌ها پرسند. امروز به دست عمال دیگران باید اهانت شوند و شکنجه ببینند. خداوند قهار کافی است. (۶۰۲)

۴۲/۱/۱۶

\* \* \*

بدیهی است با این شیوه که دستگاه جبار در پیش گرفته، اگر مسلمین غفلت کنند و مراقبت شدید نکنند و کوشش در دفاع از حریم قرآن کریم و اسلام نکنند، زمانی نگذرد که خدای نخواستہ دستگاه ناپاک و عمال اجنبی از احکام ضروری اسلام تجاوز کرده به اساس اسلام مقدس ضربه وارد خواهند کرد. شواهدی در دست است که دستگاه جبار، به حکم الزام و خیانت ذاتی، در صدد هدم اساس است. حمله مسلحانه به مرکز فقاہت و هتک مراجع و فقهای اسلام و حبس و زجر شاگردان مکتب اسلام و اهانت به قرآن کریم و سایر مقدسات مذهبی، نمونه بارز آن است. اعلام به تساوی حقوق زن و مرد از هر جهت، الغای اسلام و رجولیت از منتخب و منتخب و الغای اسلام و رجولیت از شرایط قضات، نمونه ظاهر دیگری است. سختگیری کردن و اجحاف نمودن به حجاج بیت‌الله الحرام، و در مقابل، وسایل فراهم نمودن و تسهیل نمودن برای مسافرت چند هزار نفر عمال اسرائیل به لندن برای توطئه بر ضد اسلام، و به آنها اسم مذهب گذاشتن (چنانچه [در] بعضی روزنامه‌ها [ست])، که حتماً تحت نظر سازمانهای دولتی و به دیکته آنهاست) یکی دیگر از نمونه‌های انحراف دستگاه جبار است. تخفیف در کرایه طیاره و به هر مسافری

از فرقه ضالّه<sup>۱</sup> پانصد دلار ارز دادن نمونه دیگری است. زمزمه «تغییر خط» که اخیراً بار دیگر آغاز شده، و زمزمه‌های دیگر، که ذکر آن اکنون صلاح نیست، و تعبیرهای بسیار ننگینی که در نطقهای مبتذلشان شده و می‌شود، یکی دیگر از همان نمونه‌هاست. اینها و امثال اینهاست که اینجانب را به وحشت انداخته. و برای من جای شبهه نیست که سکوت در مقابل دستگاه جبار علاوه بر هدم اسلام و مذهب تشیع، نابودی با ننگ است. (۶۰۳)

۴۲/۲/۱۶

\* \* \*

گاهی که وقایع روز عاشورا را از نظر می‌گذرانم، این سؤال برایم پیش می‌آید که اگر بنی‌امیه و دستگاه یزید بن معاویه تنها با حسین، سر جنگ داشتند، آن رفتار وحشیانه و خلاف انسانی چه بود که در روز عاشورا با زنه‌های بی‌پناه و اطفال بیگناه مرتکب شدند؟ بچه خردسال چه تقصیر داشت؟ زنها چه تقصیر داشتند؟ نظرم این است آنها با اساس سروکار داشتند، بنی‌هاشم را نمی‌خواستند، بنی‌امیه با بنی‌هاشم مخالفت داشتند، نمی‌خواستند شجره طیبه باشد. همین فکر در ایران [وجود] داشت. اینها با بچه‌های شانزده - هفده ساله ما چه کار داشتند؟ سید شانزده - هفده ساله به شاه چه کرده بود؟ به دولت چه کرده بود؟ به دستگاههای سفاک چه کرده بود؟ لکن این فکر پیش می‌آید که اینها با اساس مخالفند، با بچه مخالف نیستند. اینها نمی‌خواهند که اساس موجود باشد؛ اینها نمی‌خواهند صغیر و کبیر ما موجود باشد.

اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت دانشمند باشد؛ اسرائیل

---

۱. منظور امام، فرقه ضالّه بهائیت است.

نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت علمای دین باشند؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد. اسرائیل به دست عمال سیاه خود، مدرسه را کوپید. ما را می‌کوبند؛ شما ملت را می‌کوبند. می‌خواهد اقتصاد شما را قبضه کند؛ می‌خواهد زراعت و تجارت شما را از بین ببرد؛ می‌خواهد در این مملکت، دارای ثروتی نباشد، ثروتها را تصاحب کند به دست عمال خود. این چیزهایی که مانع هستند، چیزهایی که سد راه هستند، این سدها را می‌شکنند؛ قرآن سد راه است، باید شکسته شود؛ روحانیت سد راه است، باید شکسته شود؛ مدرسه فیضیه سد راه است، باید خراب شود؛ طلاب علوم دینیه ممکن است بعدها سد راه بشوند، باید از پشت بام بیفتند، باید سر و دست آنها شکسته شود برای اینکه اسرائیل به منافع خودش برسد؛ دولت ما به تبعیت اسرائیل به ما اهانت می‌کند.

شما آقایان قم، ملاحظه فرمودید آن روزی که آن فرماندم غلط انجام گرفت، آن فرماندم مفتضح انجام گرفت، آن فرماندمی که چند هزار نفر بیشتر همراه نداشت، آن فرماندمی که بر خلاف ملت ایران انجام گرفت، در کوچه‌های این قم، در مرکز روحانیت، در جوار فاطمه معصومه راه انداختند اشخاص را؛ چند نفر از بچه‌ها و اراذل را راه انداختند؛ در اتومبیلها نشانند و در کوچه‌ها گرداندند؛ گفتند: مفتخوری تمام شد، پلوخوری تمام شد. آقایان! ملاحظه بفرمایید، این وضع مدرسه فیضیه را ملاحظه کنید، این حُجرات را ملاحظه کنید، این اشخاصی که لُبَاب عمرشان را در این حُجرات می‌گذرانند، آن اشخاصی که مواقع نشاطشان را در این حُجرات می‌گذرانند، آن اشخاصی که بیش از سی - چهل الی صد تومان در ماه ندارند، اینها مفتخورند؟ آن اشخاصی که هزار میلیون‌نشان، هزار میلیون‌نشان یک قلم



است، هزاران میلیون‌نشان در جاهای دیگر است، اینها مفتخور، زیاد نیستند؟ ما مفتخوریم؟ مایی که مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم مان<sup>۱</sup> وقتی که فوت می‌شود، آقازاده‌های آن [مرحوم] همان شب چیز نداشتند، همان شب شام نداشتند [گریه شدید حضار]: ما مفتخوریم؟ مایی که مرحوم آقای بروجردی مان، وقتی که از دنیا می‌رود ششصد هزار تومان قرض می‌گذارد، ایشان مفتخورند؟ اما آنها که بانکهای دنیا را پر کرده‌اند، کاخهای عظیم را روی هم ساخته‌اند، و باز رها نمی‌کنند این ملت را، و باز دنبال این هستند که سایر منافع این ملت را به جیب خودشان یا اسرائیل برسانند، اینها مفتخور نیستند؟ باید دنیا قضاوت کند، باید ملت قضاوت کند که مفتخور کیست. (۶۰۴)

۴۲/۳/۱۳

\* \* \*

امروز به من اطلاع دادند که بعضی از اهل منبر را برده‌اند در سازمان امنیت و گفته‌اند شما سه چیز را کار نداشته باشید، دیگر هر چه می‌خواهید بگویید، یکی شاه را کار نداشته باشید؛ یکی اسرائیل را کار نداشته باشید؛ یکی هم نگویید دین در خطر است. این سه تا امر را کار نداشته باشید، هر چه می‌خواهید بگویید. خوب، اگر این سه تا امر را ما کنار بگذاریم، دیگر چه بگوییم؟! ما هر چه گرفتاری داریم از این سه تاست تمام گرفتاری ما.

آقا، اینها خودشان می‌گویند، من که نمی‌گویم، به هر که مراجعه می‌کنی، می‌گوید: شاه گفته؛ شاه گفته؛ شاه گفته مدرسه فیضیه را خراب کنید؛ شاه گفته اینها را بکشید... آن مردکه آمد در مدرسه فیضیه - حالا

---

۱. منظور، مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری می‌باشد.

اسمش را نمی‌برم، آن وقت که دستور دادم گوشه‌هایش را ببرند، آن وقت اسمش را می‌برم [براز احساسات حضار] - آمد در مدرسه فیضیه فرمان داد، سوت کشید؛ تمام مستقر شدند در یک گوشه‌ای. گفت: منتظر چه هستید، بریزید تمام حجره‌ها را غارت کنید، تمام را از بین ببرید. گفت: حمله کن، حمله کردند. از ایشان پرسی آقا چرا این کار را کردید؟ می‌گوید: اعلیحضرت فرموده. اینها دشمن اعلیحضرتند. اسرائیل دوست اعلیحضرت است؟ اینها دشمن اعلیحضرت هستند؟ اسرائیل مملکت را به باد می‌برد، اسرائیل سلطنت را می‌برد؛ [با کمک] عمال اسرائیل.

آقا، یک حقایقی در کار است، من باز سرم دارد درد می‌گیرد؛ یک حقایقی در کار است. شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این بهاییها مراجعه کنید؛ در آنجا می‌نویسد: تساوی حقوق زن و مرد، رأی عبدالبهاء است؛ آقایان از او تبعیت می‌کنند. آقای شاه هم نفهمیده می‌رود بالای آنجا، می‌گوید: تساوی حقوق زن و مرد. آقا! این را به تو تزریق کردند که بگویند بهایی هستی، که من بگویم کافر است؛ بیرون کنند. نکن اینطور؛ بدبخت! نکن اینطور... نظامی کردن زن، رأی عبدالبهاء است. آقا تقویمش موجود است، ببینید! شاه ندیده این را؟ اگر ندیده مؤاخذه کند از آنهایی که دیده‌اند و به این بیچاره تزریق کرده‌اند اینها را بگو. والله، من شنیده‌ام که سازمان امنیت در نظر دارد شاه را از نظر مردم بیندازد تا بیرونش کنند و لهذا مطالب را معلوم نیست به او برسانند. (۶۰۵)

۴۲/۳/۱۳

\* \* \*

ما را کهنه‌پرست معرفی می‌کنند، ما را مرتجع معرفی می‌کنند، علمای

اسلام را به ارتجاع سیاه تعبیر می‌کنند. جراید خارج از ایران، آنهایی که با بودجه‌های گزاف، برای کوبیدن ما مهیا شده‌اند، در خارج ما را مخالف اصلاحات - که اسلام در رأس اصلاحات واقع شده است؛ معرفی می‌کنند؛ مخالف ترقی مملکت معرفی می‌کنند؛ می‌گویند آخوندها می‌خواهند با الاغ باز سوار بشوند از این طرف به آن طرف بروند؛ آخوندها می‌گویند که برق نمی‌خواهیم؛ آخوندها می‌گویند طیاره نمی‌خواهیم؛ اینها مرتجع هستند؛ اینها می‌خواهند به قرون وسطی برگردند... اگر چنانچه قوانین را قبول دارید، اگر اسلام را قبول دارید (که ما تبع او هستیم و اسلام سرمنشأ همه آزادیها، همه آزادیها، همه بزرگیها، همه آقاییها، همه استقلالها هست) [اگر] اسلام را قبول دارید، این احکام اسلام کجایش ارتجاع است؟ بفرمایید کجای احکام اسلام را آقایان ارتجاع سیاه می‌دانند؟ (۶۰۶)

۴۳/۱/۲۶

\* \* \*

در یکی از کتابهای تاریخی که امسال به طبع رسیده است و به بچه‌های ما تعلیم می‌شود این است که، بعد از اینکه یک مسائل دروغی را نوشته است، آخرش نوشته است که معلوم شد که قطع نفوذ روحانیت، قطع نفوذ روحانیون، در رفاه حال این ملت مفید است! رفاه حال ملت به این است که روحانیون را از بین ببرند! (۶۰۷)

۴۳/۸/۴

\* \* \*

شما دیدید با نفوذ روحانی نمی‌توانید هر کاری را انجام بدهید، هر غلطی را بکنید، می‌خواهید نفوذ روحانی را از بین ببرید. شما گمان

کردید که با صحنه‌سازیها می‌توانید که بین روحانیون اختلاف بیندازید؟ نمی‌شود؛ این خواب باید در مرگ برای شما حاصل بشود! نمی‌توانید همچو کاری را انجام بدهید. روحانیون با هم هستند. من باز تمام روحانیین را تعظیم می‌کنم؛ دست تمام روحانیین را می‌بوسم. آن روز اگر دست مراجع را بوسیدم، امروز دست طلاب را هم می‌بوسم. (۶۰۸)

۴۳/۸/۴

\* \* \*

باید نفوذ ایرانی‌ها قطع بشود! باید مصونیت برای آشپزهای امریکایی، برای مکانیکهای امریکایی، برای اداری امریکایی، اداری و فنی‌اش، مأمورین، کارمندان اداری، کارمندان فنی، برای خانواده‌هایشان مصونیت باشد، لکن آقای قاضی<sup>۱</sup> در حبس باشد! آقای اسلامی<sup>۲</sup> را با دستبند ببرند این طرف و آن طرف! این خدمتگزارهای اسلام، علمای اسلام در حبس باید باشند، وعاظ اسلام در حبس باید باشند، طرفداران اسلام باید در بندرعباس حبس باشند، برای اینکه اینها طرفدار روحانیت هستند؛ خودشان یا روحانی‌اند یا طرفدار روحانی. تاریخ ایران دست مردم دادند اینها! سند [به] دست دادند که معلوم شد رفاه حال این ملت به این است که قطع نفوذ روحانیین بشود! یعنی چه؟ رفاه حال ملت به این است که قطع ید رسول‌الله از این ملت بشود؟! روحانیون خودشان چیزی نیستند که، روحانیون هر چه دارند از رسول‌الله است؛ باید قطع ید

۱. منظور، آیت‌الله قاضی طباطبایی از علمای معروف آذربایجان است که پس از پیروزی انقلاب از طرف امام به امامت جمعه تبریز منصوب شد و در دهم آبان ۱۳۵۸ توسط گروهک فرقان به شهادت رسید.

۲. منظور، حاج شیخ عباسعلی اسلامی است. وی از وعاظ و روحانیون معروف دوران نهضت بود و توسط رژیم ممنوع‌المنبر گردید.

رسول‌الله از این ملت بشود! اینها این را می‌خواهند. این را می‌خواهند تا اسرائیل، به دل راحت، هر کاری اینجا بکند. تا امریکا، به دل راحت، هر کاری می‌خواهد بکند. (۶۰۹)

۴۳/۸/۴

\* \* \*

تاکنون دست خیانت استعمار، به وسایل مختلفه، فاصله عمیق بین طبقه جوان و مسائل ارجمند دین و قواعد سودمند اسلام ایجاد نموده، طبقه جوان را به روحانیین و اینها را به آنها بد معرفی نموده و در نتیجه وحدت فکری و عملی از بین رفته و راه را برای مقاصد شوم اجانب باز نموده است. و تأسف بیشتر آنکه همین دستگاههای مرموز نگذاشته‌اند طبقه تحصیلکرده به احکام مقدسه اسلام - بخصوص قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی آن - توجه کنند، و با تبلیغات گوناگون وانمود نموده‌اند که اسلام جز احکام عبادی مطلبی ندارد؛ در صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی آن بیشتر از مطالب عبادی آن است. (۶۱۰)

۴۸/۱۰/۱۱

\* \* \*

مبارزه با علم و فرهنگ با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد و می‌خواهند ملت بدبخت را به دستور استعمارگران عقب مانده نگه دارند. با ادعای اسلام و تظاهر به مسلمانی کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدسه قرآن را یکی پس از دیگری محو و نابود می‌کنند. علمای اعلام و محصلین علوم اسلامی در تحت فشار عمال استعمار دست و پا می‌زنند. مدارس علوم دینیه، مساجد و محافل اسلامی را می‌خواهند

قبضه کنند و این برنامه را مقداری عملی کرده‌اند. (۶۱۱)

بهمن ۱۳۴۹

\* \* \*

از نخست‌وزیر اسبق خبیث دولت استعمارگر انگلستان نقل شده است که: «تا قرآن بین مسلمین است ما نمی‌توانیم در مقاصد خود پیشرفت کنیم». هدف اصلی دولت‌های استعمارگر محو قرآن، اسلام و علمای اسلام است؛ و برای وصول به اهداف استعماری خود هر چند، نغمه‌ای را به وسیلهٔ عمال خبیث خود آغاز می‌کنند و چهرهٔ ضد اسلامی و ضد ملی آنها را ظاهرتر می‌سازند؛ چنانکه اخیراً نغمهٔ «سپاه دین» را از حلقوم کثیف یکی از عمال سرسپردهٔ خود آغاز کرده‌اند.

نغمهٔ «سپاه دین» در شرایطی ساز می‌شود که دستگاه جبار هر روز ضربه‌های پیگیری به پیکرهٔ اسلام وارد می‌کند، و دست جنایتکار اسرائیل را در تمام شئون اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران باز گذاشته است. بسیاری از علمای اعلام، خطبای عظام، محصلین علوم اسلامی و ملت شریف ایران در زندان، تبعید و تحت شکنجه به سر می‌برند، و جوانان غیور و وطنخواه، اعدام و تیرباران می‌شوند و یا مقدمات محاکمه و اعدام آنها فراهم می‌شود.

اینجانب به ملت محترم ایران اعلام خطر می‌کنم که اگر خدای نخواست، ایادی اجانب و دشمنان اسلام در این مقصد شوم و کمرشکن توفیق پیدا کنند، اولاً علمای اعلام و وعاظ و مروجین اسلام را کنار زده، و ثانیاً اسلام و احکام آسمانی آن را محو و نابود می‌نمایند. خطر این سپاه نامیمون که باید در خدمت استعمار، جمیع حقایق اسلام را به نفع آنها توجیه و تأویل کند، بزرگترین خطری است که مسلمین و در رأس آنها علمای اعلام با آن مواجه شده‌اند. آنها در

تجربه‌های طولانی خود فهمیدند که علمای معظم اسلام و وعاظ محترم با مجاهدات پیگیر خود ملتها را به نفع اسلام و قرآن سوق داده هیچ‌گاه با تهدید و تطمیع به نفع دستگاه جبار و اجانب چپاولگر قدمی برنداشته‌اند، و با کمال قدرت پستهای خود را حفظ کرده و مساجد و مجامع را در خدمت قرآن کریم و اسلام عزیز در دست دارند؛ و اگر چند نفر معمم بی‌حیثیت و از خدا بیخبر به نفع دستگاه جبار قدمی بردارد، مطرود جامعه علمی و جوامع اسلامی است. لهذا این نقشه خطرناک را کشیده‌اند تا به خیال باطل خود دست علمای اعلام و مبلغین را کوتاه کرده و اسلام را به وسیله عمال خود بازیچه قرار دهند و اساس دیانت را برچینند تا به مقصد خود که قبضه کردن تمام ذخایر کشور است برسند، و ملت مسلم را عقب مانده و استعمارزده نگه دارند. (۶۱۲)

۵۰/۸/۲۱

\* \* \*

گرفتاریهای ملت محترم ایران و خصوص طبقه جوان روحانی و دانشگاهی در چنگال رژیم غیرقانونی و سرسپرده ایران موجب کمال تأسف است. سربازی بردن علما و روحانیون به جرم اظهار تأثر از رفتار غیرقانونی و غیرشرعی دستگاه جبار و ابراز تنفر از زجرها، شکنجه‌ها، اعدامها، تبعیدها و حبسهای بدون مجوز قانونی و شرعی، انتقامی است که رژیم دست‌نشانده استعمار از اسلام و هواداران آن می‌گیرد.

شما باید به سربازخانه‌ها بروید، مدارس دینی باید هتک شود، و حبس و تبعید و اعدام به مجرد اتهام باید واقع گردد تا راه برای اجانب چپ و راست و اذنان آنها از قبیل اسرائیل هر چه بیشتر

باز شود. (۶۱۳)

۵۱/۶/۲۰

\* \* \*

در این میان از همه اسفبارتر وضع ایران است که رژیم آن مأموریت دارد با چاپ قرآن، تظاهر به اسلام، به اسم سپاه دین، سازمان اوقاف و به عنوان فریبنده دیگر، یکباره اسلام را ریشه کن سازد؛ ملت اسلام را بیش از پیش به ذلت و اسارت بکشد؛ مسجد و محراب پیامبر اسلام را به صورت بنگاه تبلیغاتی دربار ضد اسلامی خود درآورد، و برای اجرای این نقشه‌های شوم، به کمک و مساعدت روحانی نماهای خود فروخته و سرسپرده نیاز کامل دارد، و با همکاری آنان می‌خواهد مساجد و دیگر محافل اسلامی را قبضه کند، مراسم مذهبی را تحت نظارت و مراقبت خود درآورد و به حوزه‌های علمیه دست یابد. (۶۱۴)

۵۱/۱۲/۲۴

\* \* \*

امروز نقشه‌های وسیعتر و دامنه‌دارتری در جریان است که چهره واقعی مأمورین استعمار و کیفیت مأموریت آنان را می‌نمایاند؛ نقشه‌هایی که با اجرای آن می‌خواهند سنگرهای مخالف با استعمار را در هم کوبیده به سنگرهایی در خدمت استعمار و صهیونیسم و عمال آنان مبدل سازند، علمای اعلام، خطبای محترم، خدمتگزاران به اسلام را عقب زده، معممین ساختگی و مأمورین سازمانهای فاسد را به جای آنان به محراب و منبر اسلام و رسول معظم - صلی الله علیه و آله - برسانند و به جای بیان احکام قرآن و حقایق اسلام، بلندگوهایی برای اجرای مقاصد شوم ضد اسلامی دستگاه خودفروخته و



دست نشانده درست کنند؛ نقشه‌هایی که با اجرای آن می‌خواهند به گمان فاسد خود تمام مراجع بزرگ، علمای اعلام و خطبای محترم را به صورت کارمند دولت، آن هم کارمندانی بسیار خفیف و بی‌ارزش درآورند و تمام حیثیات اسلام و روحانیت را در هم شکسته راه را برای استعمارگران هر چه بیشتر باز نمایند؛ و بالاخره نقشه‌هایی که با اجرای آن می‌خواهند به جای این سد بزرگ مخالف با ظلم و استبداد، سدی در خدمت ظلمه و مستبدین بنا کنند. و اینک چنانکه کراراً خبر رسیده، در راه اجرای این نقشه‌های استعماری خطرناک دست به کار شده‌اند که مساجد، تکایا، مدارس و دیگر مراکز اسلامی و شئون روحانیت را تحت نظارت سازمان ضد اسلامی اوقاف قرار داده علما، وعاظ و ائمه جماعت را مجری اغراض نامشروع دستگاه جبار و عمال کثیف استعمار سازند و یا به کناره‌گیری، انزوا و تسلیم سنگرهای اسلام به مخالفین و عمال اجانب وادارند. (۶۱۵)

۵۱/۱۲/۲۳

\* \* \*

همزمان با دفاع ملت بزرگ اسلام و عرب از نوامیس اسلام و مسلمین، به امر این مرد خبیث، به مدارس اسلامی دختران ایران هجوم برده هتک محترمت را نموده و از آنان سلب آزادی کرده‌اند. هنگامی که دشمنان اسلام، کشورهای اسلامی را تهدید می‌کنند و مردانی غیور برای دفاع و احقاق حقوق خود مردانه بپا خاسته‌اند، شاه ایران با صحنه‌سازی در سراسر ایران تظاهرات راه انداخته با امضای روحانی نمایان درباری و ساخته دست سازمانهای اوقاف و امنیت، به اسم علمای اسلام، تلگرافات تبریک صادر می‌نماید. در شرایطی که مسلمین برای آزادی فلسطین و سرزمینهای خود

جانفشانی می‌کنند، شاه جمعیت کثیری از علما، فضلا و اساتید برجسته حوزه‌های علمیه و بسیاری دیگر از روشنفکران ایرانی را به زندان و تبعید کشیده و تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار داده است. (۶۱۶)

۵۲/۷/۲۲

\* \* \*

با همه مصیبتها، بیداری ملت مایه امید است. مخالفت دانشگاههای سرتاسر ایران - به حَسَب اعتراف شاه - و مخالفت علمای اعلام و طبقه محصلین و طبقات مختلف ملت با همه فشارها و قلدریها، طلیعه به دست آوردن آزادی و رهایی از قید استعمار است. شرکت نکردن ملت غیور در حزب فرمایشی و انتخابات خائنه، نمونه بیداری و پیروزی است.

اینجانب به ملت بزرگ عزیز ایران پس از تسلیت در این مصیبتهای دلخراش و تسلیت در اهانت به قرآن کریم و حریم اهل بیت طهارت - علیهم السلام - و تسلیت در واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ و هفده خرداد ۵۴، تبریک می‌گویم بر این روشنفکری و آزادمنشی! تبریک می‌گویم بر طلوع صبح آزادی و قطع ریشه استعمار و عمال خبیث آن! (۶۱۷)

۵۴/۴/۲۰

\* \* \*

کارشناسان که می‌خواهند مخازن ما را بی‌مانع به غارت ببرند، برای

---

۱. در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۵۴ مراسم و تظاهراتی به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه برگزار شد. متعاقب آن در تاریخ هفده خرداد، نیروهای رژیم به مدارس فیضیه و دارالشفای قم حمله کردند.

تضعیف اسلام و محو اسم آن، نغمه شوم تغییر مبدأ تاریخ را ساز کردند. این تغییر از جنایات بزرگی است که در این عصر به دست این دودمان کثیف واقع شد. بر عموم ملت است که با استعمال این تاریخ جنایتکار مخالفت کنند؛ و چون این تغییر: هتک اسلام و مقدمه محو اسم آن است - خدای نخواستہ - استعمال آن بر عموم حرام و پشتیبانی از ستمکار و ظالم و مخالفت با اسلام عدالتخواه است. (۶۱۸)

۵۵/۷/۴

\* \* \*

اینجانب کراراً نظر خود را در این نحو موضوعات گفته و نوشته‌ام. بعید به نظر نمی‌آید که دستجاتی که در ایران اشتغال به فعالیت‌های ضد اسلامی و ضد مذهبی دارند، با اختلاف اسم و روش، گروه‌های سیاسی باشند که با دست اجانب برای تضعیف اسلام و مذهب مقدس تشیع و مقام عظیم روحانیت به وجود آمده باشند، برای انصراف ملت از مصالح روز. این جمعیتها در یک امر مشترک هستند و آن خیانت به کشور اسلامی و کوبیدن پاسداران آن و چون دشمنان اسلام و غارتگران ملل ضعیف، مصالح خود را با نفوذ روحانیت - که یگانه حافظ قرآن کریم و احکام نجات‌بخش اسلام است - در خطر می‌بینند ناچار برای حفظ مصالح استعماری خود دست به ایجاد احزاب انحرافی وابسته و گروه‌های به ظاهر مُتَّجِل به اسلام و در حقیقت مخالف با آن زده‌اند.

اسلام و مذهب مقدس جعفری سدی است در مقابل اجانب و عمال دست‌نشانده آنها - چه راستی و چه چپی - و روحانیت که حافظ آن است سدی است که با وجود آن، اجانب نمی‌توانند به نحوی که دلخواه آنهاست، با کشورهای اسلامی و خصوصاً با کشور ایران

رفتار کنند، لهذا قرن‌هاست که با نیرنگ‌های مختلف برای شکستن این سد نقشه می‌کشند: گاهی از راه مسلط کردن عمال خبیث خود بر کشورهای اسلامی، و گاهی از راه ایجاد مذاهب باطله و ترویج بابت و بهائیت و وهابیت، و گاهی از طریق احزاب انحرافی. امروز که مکتب بی‌اساس مارکس با شکست مواجه است و بی‌پایگی آن برملا شده است، عمال اجانب که خود بر ضد مکتب آن هستند در ایران از آن ترویج می‌کنند. برای شکستن وحدت اسلامی و کوبیدن قرآن کریم و روحانیت در ایران که مهد تربیت اهل بیت عصمت و طهارت است و با زنده بودن این مکتب بزرگ هرگز اجانب غارتگر به آرزوی غیرانسانی خود نمی‌رسند، ناگزیر هستند مذهب مقدس تشیع و روحانیت را که پاسداران آن هستند به هر وسیله تضعیف کنند و بکوبند. اُکذوبه<sup>۱</sup> انتساب بعضی از این منحرفین را به اینجانب نیز از همین قماش است. (۶۱۹)

مرداد ۱۳۵۶

\* \* \*

تمام گرفتاری ملت ایران در این پنجاه سال سلطنت غیرقانونی دودمان خیانتکار پهلوی از شخص آن پدر و این پسر سیاهروی بوده و هست؛ اینها بودند و هستند که دستشان تا مرفق در خون ملت مظلوم فرو رفته. آن پدر که قتل عام مسجد گوهرشاد<sup>۲</sup> و اهانت به مرقد مطهر ثامن الحجج - علیه السلام - کرد و این پسر که قتل عام ۱۵ خرداد را مرتکب شد و اهانت به مرقد مطهر فاطمه معصومه نمود، آن پدر که علمای بزرگ و فقهای عظیم‌الشان و آزادیخواهان را به جرم

۱. سخن دروغ، سخن بی‌پایه (شایعه).

۲. اشاره به قتل عام مردمی که در اعتراض به محاصره منزل آیت‌الله حاج آقا حسین قمی در مسجد گوهرشاد مشهد جمع شده بودند.

حق‌گویی، حبس و زجر و شکنجه و تبعید و کشتار کرد، و این پسر که همان معامله را سخت‌تر با علما و خطبا و آزادیخواهان و روشنفکران و سایر طبقات نمود. (۶۲۰)

۵۶/۸/۲۱

\* \* \*

چقدر از علما را اسیر کرد، چقدر به اسم اتحاد شکل به این ملت بیچاره فشار آوردند، و چقدر مظلومها را کتک زدند، و چقدر علما را هتک کردند، و چقدر عمامه‌ها را از سر اهل علم برداشتند. و این مرد بی‌صلاحیت وقتی که ترکیه رفت، آنجا دید که آتاتورک<sup>۱</sup> یک همچو کارها و همچو غلطهایی کرده است، از همانجا - از قراری که آن وقت می‌گفتند - تلگراف کرده است به عمال خودش که مردم را متحدالشکل کنید. آن وقت منتها به عذر اینکه این زارعین از باب اینکه در آفتاب می‌خواهند بروند کار بکنند، کلاه لبه‌دار داشته باشند تا اینکه توی آفتاب اذیت نشوند! لکن مطلب معلوم بود که اینها نیست. وقتی هم که از سفر آمد، که دیگر فشارها شروع شد.

یک رشته فشارهای زیاد دنبال همین اتحاد شکل بود و جنایات. چقدر علما را در این قضایا اذیت کردند، تبعید کردند، بعضی را کشتند. و بهانه دومی که باز به تقلید از آتاتورک بی‌صلاحیت - آتاتورک مسلح غیر صالح - باز انجام داد، قضیه کشف حجاب [بود] با آن فصاحت. خدا می‌داند که به این ملت ایران چه گذشت در این کشف حجاب. حجاب انسانیت را پاره کردند اینها. خدا می‌داند که چه مخدراتی را اینها هتک کردند و چه اشخاصی را هتک کردند. علما را

---

۱. مصطفی کمال پاشا (۱۲۹۹ - ۱۳۵۷ ه. ق.) ملقب به آتاتورک است. وی به دستور انگلیس از اطاعت دولت عثمانی سرپیچید و سلطنت مشروطه عثمانی را به جمهوری تبدیل کرد و کشور عثمانی را «ترکیه» نامید.

و اداری کردند با سرنیزه که با زنهایشان در مجالس جشن، یک همچو جشنی که با خون دل مردم با گریه تمام می‌شد، [شرکت کنند] (۶۲۱) دی ۱۳۵۶

\* \* \*

افاضل باید اسلحه‌دار باشند. اگر اسلحه در دست ناصالح باشد، آن وقت این مفاسد از آن پیدا می‌شود. و آن جنایاتی - کشتار عامی - که در مسجد گوهرشاد واقع شد و دنبال آن علمای خراسان را گرفتند آوردند به تهران حبس کردند؛ علمای بزرگ را حبس کردند و بعضی‌شان [را] هم محاکمه کردند و بعضی‌شان [را] هم کشتند. اسلحه در دست بی‌عقل بود. علمای اصفهان، علمای آذربایجان، اینها، به مجرد اینکه کلمه‌ای گفتند، یک نهضتی کردند، اینها را گرفتند و تبعید کردند و بردند به جاهایی. علمای آذربایجان مدت‌ها ظاهراً در سُئُر بودند. و مرحوم آقا میرزا صادق آقا<sup>۱</sup> - رَحْمَةُ اللهِ - تا آخر هم نرفت به تبریز. یک رشته هم در زمان آن مرد خبیث این رشته‌ها بود که چه کردند و قابل ذکر نیست یعنی من که حافظه ندارم، کسی هم حافظه داشته باشد با یک مجلس و دو مجلس نمی‌شود این مصایب را ذکر کرد. (۶۲۲)

دی ۱۳۵۶

\* \* \*

اخیراً باز زمزمه بسیار خطرناک دانشگاه اسلامی در مشهد مقدس آغاز شده است، غافل از آنکه اینها کوچکتر از آنند که بتوانند اسلام را با اسم اسلام بکوبند. ما همان طور که سابق گفتیم، کسانی که در این

دانشگاه قلابی وارد شوند به ملت معرفی می‌کنیم و آنها را از اعضای رسمی سازمان امنیت قلابی بدتر و مضرتر به اسلام و کشور اسلامی می‌دانیم، و ملت اسلام با آنها معامله معاند با اسلام خواهد کرد، و چنان آبروی آنها در جامعه ریخته می‌شود که نتوانند دم از اسلام شاه ساخته بزنند. (۶۲۳)

۵۷/۱/۴

\* \* \*

الآن قم - مرکز روحانیت، مرکز فقه اسلام - در قبضه لشکر جرّار مغول است. لشکر جرّار محمد رضا شاه بدتر از چنگیز است. و خانه‌های مردم را - آنطور که به ما اطلاع دادند - همان طور دارند، یکی پس از دیگری، دارند تفتیش می‌کنند و معلوم نیست که دنبال چه می‌گردند. الآن جیش در قم با توپ و تانک و مسلسل مقیم است، و تمام مدارس و خانه‌های آقایان هم به حسَب قاعده در تحت مراقبت پلیس و جیش است. و هجوم کرده‌اند به منزل مراجع و در داخل منزلشان آدم کشته‌اند و جنایت کرده‌اند. (۶۲۴)

۵۷/۲/۲۳

\* \* \*

این اشتباه است که بعضی جناحها - از قراری که امروز به من کاغذ بعضی از آقایان رسید - اینها دیگر از روحانیت صحبت نمی‌کنند. نمی‌فهمند اینها. اینها نمی‌دانند که بی روحانیت یک شاهی اینها ارزش ندارند. اگر دست ناپاکی در کار نباشد و اینها را وادار نکند به اینکه در نوشته‌هایی که می‌نویسند روحانیت را ساقط کنند و اگر مقصود این نباشد که جناحها با هم مختلف بشود و متشتت بشوند و از راه

بی‌فهمی باشد، بی‌ادراکی باشد، هوای نفس باشد، اصلاح کنند خودشان را. تمام جناحها با هم بشوند. سازمان واحد باشد. یک حزب الهی در مقابل «حزب رستاخیز». (۶۲۵)

۵۷/۲/۲۳

\* \* \*

اکنون که شاه خود را در بین ملت، شکست خورده و زبون می‌بیند به صحنه‌سازیهای دست زده است و می‌خواهد افرادی را که چندین سال است با مقاصد شیطنانی شاه همراه و به تغییر احکام اسلام و تبدیل تاریخ پرافتخار اسلام به تاریخ گبرها و آتش‌پرستها رأی داده‌اند، ملی جلوه دهد تا در مواقع حساس با نفوذ در صفوف روحانیون مبارز مأموریت شوم خود را با چهره‌ای ملی اجرا نمایند، روحانیون باید آنان را به جامعه معرفی نمایند. باید دید چه تغییری در نظام شاه پدید آمده است که اینان تا دیروز دستبوس بودند و چاکر، و امروز مخالف! باید ملت شریف هوشیار باشد که این مهره‌های خطرناک، خود را در بین آنان جا نزنند. (۶۲۶)

۵۷/۵/۵

\* \* \*

اکنون که ثابت شد توپ و تانک و ارعاب و تهدید در مقابل ملت پیاخاسته اثر خود را از دست داده، دست به نیرنگ شیطنانی زده و با مطالب بسیار اغفال‌کننده می‌خواهد جنایتها و خیانتهای خود را ادامه دهد.

تاریخ پر شرف اسلام را در مجلسین تغییر داده‌اند و امر شاه و وزیر در مقابل مجلسین ارزش قانونی ندارد. و این امر پوچ، شاهد



بزرگی است بر نیرنگ شیطانی شاه. امر بی‌ارزش به بستن قمارخانه‌ها، نیرنگ دیگری است برای اغفال جناح روحانی. در محیطی قمارخانه‌ها را به خاطر احترام به اسلام می‌بندند که تمام مراکز فحشا به قوت خود باقی و برخلاف مقررات اسلامی و آیات قرآنی، ستمکاری و قتل و غارت امری عادی برای دژخیمان شاه شده. در محیطی گفته می‌شود آزادی دادیم که بهترین فرزندان عزیز اسلام و ایران در حبس و زیر شکنجه شاهانه و در تبعید به سر می‌برند. در محیطی دم از احترام علمای اسلام می‌زنند که علمای اسلام در حبس غیرقانونی و در تبعیدگاهها - بدون مجوز - به سر می‌برند. اشخاصی دم از تعظیم شعائر مذهبی و احترام روحانیت و احکام اسلام می‌زنند که در طول نیم قرن شریک جرم دستگاه بوده و قوانینی که برخلاف احکام اسلام بوده تصویب نموده‌اند. (۶۲۷)

۵۷/۶/۶

\* \* \*

ملت ایران! مطمئن باشید که دیر و یا زود پیروزی از آن شماست. شاه با حکومت آشتی ملی می‌خواهد روحانیت شریف ایران و سیاسیون محترم را در کشتار خود سهیم گرداند ولی فریب او خیلی زود برملا گردید. **إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا**<sup>۱</sup>. (۶۲۸)

۵۷/۶/۱۸

\* \* \*

همه دنبال این هستند که این ملت ضعیف عقب بمانند؛ چشمهایشان باز نشود. مبلغهایشان، تبلیغاتشان، همیشه تبلیغ به ضد دین و به ضد

---

۱. بدرستی که مکر شیطان، ضعیف است (نساء/۷۶).

روحانیت است تا مردم را از اینها جدا کنند، مردم را از دیانت جدا کنند، مردم را از روحانیت جدا کنند، خودشان را به جان هم بریزند و آنها استفاده‌اش را ببرند. ما کشته بدهیم، محمدرضا خان استفاده کند؛ آن بالاتریها هم زیادتر استفاده کنند. (۶۲۹)

۵۷/۷/۲۱

\* \* \*

در ممالک اسلامی، دو چیز را دیدند که این اگر باشد، ممکن است که سد راه آنها باشد: یکی اصل اسلام، اگر اسلام به آنطوری که هست و به آنطوری که خدای تبارک و تعالی اسلام را تأسیس کرده، اگر به آنطور اسلام پیاده بشود، فاتحهٔ مُسْتَعْمِرین خوانده می‌شود. این راجع به اسلام، که فکر کردند برایش. یکی هم روحانیت اسلام، که اگر اینها قوه داشته باشند و اینها آنطوری که باید مقتدر باشند در این بلاد، باز هم [استعمارگران] نمی‌توانند آنطوری که می‌خواهند استفاده بکنند. اینها با تمام ملت سرو کار دارند و در بین ملت اگر قدرت داشته باشد کسی، اینها هستند، که در همهٔ ملت ممکن است قدرت داشته باشند. در صدد برآمدند که این دو تا سد را به هر جور هست بشکنند؛ یعنی کاری بکنند که خود ملت‌های اینها، هر جمعیتی که هستند، در هر جا که هستند، این دو تا سد را با دست خود [بشکنند] اینها. به واسطهٔ تبلیغاتی شروع کرده‌اند از زمانهای قدیم، با این تبلیغاتشان این دو تا سد را که احتمال قوی می‌دادند که اگر استعمار و منافع استعماری، مواجه با خطر بشود این دو تا سد است که خطر است، دیگر باقی‌اش خطر به آنطور نیست.

... راجع به اسلام شروع کردند تبلیغات کردن به اینکه اسلام یک مکتبی است می‌گوید: ملایم! کم‌کم لا بد پیش می‌آیند؛ یک مکتبی

است که مربوط به دعا و ذکر، و یک روابطی مابین مردم و مابین خالق، و سیاست را کاری به آن ندارد. اسلام به حکومت کار ندارد، به سیاست کار ندارد. این را آنقدر تبلیغات روی آن کردند که در جامعه خود روحانیت هم به خورد آنها هم دادند، که بسیاری از آنها هم همین اعتقاد را پیدا کردند که روحانی به سیاست چه کار دارد، به حکومت چه کار، به نظام حکومت چه کار دارد. روحانی مسجد برود و نماز بخواند و عرض می‌کنم که از این صنف کارها: درس بگوید و مباحثه بکند و این آداب شرعیه را به مردم نشان بدهد.

آنها دیدند که نماز روحانیون و نماز اسلام هیچ به آنها ضرر ندارد؛ هرچه می‌خواهند نماز بخوانند. آنها به نفت کار نداشته باشند، نماز بخوانند تا هرچه می‌خواهند خسته بشوند. درس هرچه دلشان می‌خواهد بگویند؛ مباحثه هم هرچه می‌خواهند بکنند؛ کار نداشته باشند به اینکه سیاست استعماری در اینجا نباید اجرا بشود، هرکاری می‌خواهند بکنند. اینقدر خواندند به مردم و تبلیغات کردند که مردم همه تقریباً، به این معنی عادت کردند - که حالا هم باز این صحبت هست - که دخالت در سیاست در شأن روحانیت نیست؛ شأن روحانیت نیست که برود و ببیند که کیفیت حکومت چیست، و چه می‌کنند این ظلمه با مردم. شأن روحانیت همانهاست که توی مدارس باشند و نماز جماعتی هم بخوانند اول ظهر و اول مغرب! مردم هم همین مقدار به روحانیت بیشتر نظر نداشته باشند. اسلام را اصلش می‌گفتند کاری ندارد به سیاست. ... سیاست و دیانت از هم جداست. سیاست مال آنها و دیانت مال ما! مراکز قدرت دست آنها که هرکاری می‌خواهند بکنند، و مساجد و پیرمردهای توی مسجد هم مال ما! این تقسیمی است که از اول کردند.

و آنهایی که یک قدری جرأتشان زیادتر بوده است، گفتند که:

«ارتجاع» است! اصل دین در بین بشر که آمده است، برای این است که مردم را خواب کند؛ ... دین از اول به دست قدرتمندها و سرمایه‌دارها پیدا شده، برای اینکه به واسطهٔ دیانت مردم را آرام کنند و آنها مال مردم را بخورند. کم‌کم این مطلب باور حتی خود مسلمانها، حتی بعضی از روحانیون و معممین هم ... آمده است که نه، این [دین] یک چیزی است که حالا نمی‌شود این را پیاده‌اش کرد. این یک چیزی است که مال هزار و چند صد سال پیش از این بوده است! اینطور معرفی کرده‌اند اسلام را به خود جوامع مسلمین [علیه] آخوندها هم شروع کردند تبلیغات کردن به اینکه اینها یک مردمی هستند که فقط نشسته‌اند آنجا و می‌خواهند بگیرند مال مردم را، و زندگی کنند ...

بنابراین، اسلام را [معرفی کردند] به اینکه اولاً مکتبش بیش از اینکه یک نمازی خوانده بشود و یک روزه‌ای گرفته بشود و اینها، نیست و کاری به زندگی مردم ندارد، کاری به دنیای مردم ندارد؛ و از آن طرف روحانیون را معرفی کردند که قدرتها اینها را روی کار آوردند برای اینکه افیون باشند از برای جامعه. اینها مردم را خواب کنند، سست کنند، که اگر آنها ببرند [اموال مردم] را، اینها نتوانند حرف بزنند؛ یعنی دیگر مردم را نگذارند حرف بزنند. اینها خواب کنند مردم را، و آنها ... اموالشان را ببرند. این را اینقدر تبلیغ کردند و گفتند که حتی بعضی روشنفکرهای ما هم که بی‌اطلاع از قرآن و سنت بودند، باورشان آمده است؛ و آنها هم دنبال کردند و هم نفس شدند با آنها. (۶۳۰)

کی اینها<sup>۱</sup> درباری بودند؟ البته توی همهٔ اقشار عالم چهار تا آدمی هم پیدا می‌شود که معوج و درباری باشد؛ توی ما هم همچو چیزی هست؛ اما این نیست که این مکتب یک مکتبی باشد برای اینکه تخدیر بکند؛ یا آن کسانی که این مکتب دستشان هست، اینها جزء اعوان ظلمه بودند و نورالسلطان بودند؟ خیر، این حرفها نبوده. اینها تبلیغات است. شما را تبلیغ کرده‌اند؛ یعنی به دست خود... این نفتخوارها این تبلیغات شده است که فلان آقا انگلیسی است؛ می‌خواهد بشکنند این را. خود انگلیسی و می‌دارد به اینکه [چنین] بگویند. چون می‌داند خودش اینقدر پست است که اگر یک کسی به او منتسب بشود، این هم پست خواهد شد. این، نخیر این انگلیسی است، این با امریکا روابط دارد، این با چه در روابط است! اینطوری، هی یکی یکی، یکی یکی را اینطور معرفی کرده‌اند. جوانهای ما هم -آنهایی که حسن نیت دارند- بازی خورده‌اند اینها. (۶۳۱)

۵۷/۷/۳۰

\* \* \*

[ما] مواجه هستیم با تبلیغاتی که از آن وقتی که خارجیها راه پیدا کردند به ایران و مطالعات کردند در ایران و خواستند ذخایر ایران را ببرند، شروع به تبلیغاتی کردند که اسلام و روحانیت اسلام را در نظر مردم یک [مطلب] مخالف با زندگی، مخالف با عقل، ارتجاعی، به درد زندگی نخور، از این چیزها [معرفی کنند]؛ با آن تبلیغات دامنه‌دارشان این تهمتها را زدند که اصل ادیان افیون هستند برای تخدیر مردم؛ و این [را] هم سرمایه‌دارها درست کردند و علمای اسلام هم عمال همین سرمایه‌دارها هستند و مردم را تخدیر می‌کنند که مردم

۱. منظور، روحانیون است.

صدایشان در نیاید، که انقلابی یکوقتی پیدا نشود؛ و این کاری است که [از جانب] مبلغین و آنهایی که اسلام را سدی از برای منافعشان می‌دانستند و علمای اسلام را هم سدی دیگر، این تبلیغات شده است. (۶۳۲)

۵۷/۸/۸

\* \* \*

جدا کردند اینها را از ملت. رضا خان هر کاری خواست کرد. آن آخوندها هم، آقایان هم قیام کردند، چند تا قیام کردند؛ لکن ملت از باب اینکه گول خورده بود نتوانست، همراهی نکرد؛ آنها هم لشکری نداشتند. الآن هم پشت سر هم تبلیغات هست؛ تبلیغ پشت سر تبلیغ. فلانی در قصر بیلاقی آنجا هست و جوانها می‌روند پیش او در قصر بیلاقی! این قصر بیلاقی ماست که نداریم یک اطاقی که آقایان بتوانند بنشینند! باید اینطوری بایستند! این تبلیغات است آقا؛ می‌خواهند اینطوری جدا کنند مردم [را] از دین؛ ولی حالا دیگر ایران این حرفها را گوش نمی‌دهند. (۶۳۳)

۵۷/۸/۸

\* \* \*

ما دیدیم که دو سال، سه سال - حالا هم تته‌ماش هست - کتاب شهید جاوید؛<sup>۱</sup> چه بساطی درست کردند برای کتاب شهید جاوید! با هم اختلافات؛ اهل منبر و اهل محراب و اهل بازار و اهل کذا. یکی از آن طرف کشید و یکی از آن طرف کشید؛ و یک ماه مبارک، یک ماه

۱. کتاب شهید جاوید، تألیف نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، پیرامون انگیزه و علل قیام امام حسین مطالبی را بیان داشته، که با مسلمانات شیعه تعارض دارد.

محرم، و سایر ایام خودشان را صرف کردند و قوا را هدر بردند، و «اعلیحضرت» با کمال آرامش اموال این ملت را خورد و سلطه خودش را تحکیم کرد بر آنها! آقایان هم، همه متحفظند که کجای کتاب شهید جاوید چی چی نوشته، کجایش چی چی نوشته، مقصودش این است، مقصودش آن است! دعوا کردند سر این مطلب و اختلافات؛ و منبرهایی که باید صرف این بشود که این سدی که سد برای اسلام، برای پیشرفت اسلام، برای پیشرفت مملکت است بشکنند، این سد محمدرضا شاهی را بشکنند، همه قوا صرف کتاب شهید جاوید شد و اختلافات سر کتاب شهید جاوید! هدر دادند قوای خودشان را چند سال. الآن هم دنباله‌اش هست. بعد از آن دوباره یک چیز دیگری را آوردند. مرحوم «شمس‌آبادی» - خدا رحمتش کند - رفتند مثلاً یا کشتندش یا کشته شد. یک بساطی هم آنطور بود. یک سال هم مردم را معطل این کردند که آن آقای شمس‌آبادی<sup>۱</sup> را کی کشته، کی نکشته. دعوا سر یک همچو مسئله‌ای کردند؛ و این بی‌نقشه نیست. شما خیال نکنید که همین طوری واقع شده، یک کسی را کشته و یک کسی هم چه کرده. خیر، این یک نقشه‌ای است که روی این نقشه حساب شده. آن وقتی که شما می‌خواهید اجتماع با هم پیدا کنید و آنها می‌ترسند که مبادا در این اجتماعات چه بشود، یک همچو مطلبی را پیش می‌آورند؛ یک قدری کهنه می‌شود یک چیز دیگر پیش می‌آورند. «علی شریعتی<sup>۲</sup>»؛ چقدر قوای ما را، قوای اسلامی را تحلیل بردند و همه را به هم متوجه کردند و همه قدرتها را کوبیدند برای اختلاف بین این اهل منبر. داد و قال و اهل محراب چه و دانشگاهی

۱. مرحوم سیدابوالحسن شمس‌آبادی که توسط سید مهدی هاشمی و همدستانش به جهت مخالفت با کتاب شهید جاوید، در سال ۱۳۵۵ به شهادت رسید.

۲. مقصود، دکتر علی شریعتی است که پاره‌ای از نظریات و عقاید او از سوی بعضی از علمای روحانی مورد اعتراض واقع شد. وی در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۶ به نحو مرموزی در لندن درگذشت.

چه و دانشکده‌ای چه.

الآن هم این اختلافات هست. همین اختلافات اسباب این شده که دشمنهای اصیل شما با دل راحت بخوابند. (۶۳۴)

۵۷/۸/۹

\* \* \*

تبلیغات سیصد ساله است که اسلام را، مسلمین و اسلام را از هم جدا کرده. تبلیغاتِ قریبِ سیصد ساله است که روحانین را با شما جدا کرده. روحانین [را] در زمان رضاشاه پهلوی سوار اتومبیلشان نمی‌کردند. مرحوم آقا شیخ عباس تهرانی<sup>۱</sup> - رحمة الله - گفت من اراک می‌خواستم سوار اتومبیل بشوم، شوfer گفت که ما دو طایفه را سوار نمی‌کنیم: یکی آخوند را یکی فاحشه را. زمان رضاشاه ما این جور بودیم. زمان این هم که شما دارید می‌بینید. اینها تبلیغاتی است از خارج برای اینکه شما را از روحانیتان جدا کنند و از اسلام جدا کنند، آن وقت تمام منافع شما را ببرند، یکی نباشد بگوید نه. (۶۳۵)

۵۷/۸/۱۴

\* \* \*

این شخص که از مراجع عظام و علمای اعلام برای فرو نشاندن نهضت اسلامی و باز کردن راهی برای چپاول و هدم اسلام و قرآن کریم استمداد می‌نماید، همان مردکی است که تا دیروز علمای اسلام و روحانیون عظیم‌الشأن را مرتجع و راه آنان را که راه اسلام و قرآن کریم است، ارتجاع سیاه می‌نامید؛ و در یکی از نطقهای خود با

۱. مرحوم حاج شیخ عباس تهرانی، از روحانیون اهل عرفان و معنی بوده و با حضرت امام در سالهای پیش از حوادث ۱۳۴۰-۱۳۴۲ مراداتی داشته است.



کمال وقاحت گفت «از آنها مثل حیوان نجس اجتناب کنید» و در نطقی دیگر با کمال بیشرمی گفت «اینها مثل کرمها در نجاست می لولند» چه شد که امروز اینچنین با روحانیون آشتی می‌کند؟! این نیز خدعه نیست؟! این مثل دولت آشتی نیست؟! او که امروز به سیاسیون و جوانان ملت روی آورده و از آنان برای وطن استمداد می‌کند، همان است که گروههایی از آنان را اعدام و شکنجه و زندان کرده و می‌کند. (۶۳۶)

۵۷/۸/۱۶

\* \* \*

از زمان رضا شاه این مطلب پیش آمد که اسلام را و خدمتگزاران به اسلام را - هر دو را کوبید. یک خطابه در تمام ایران نبود؛ یک منبر در تمام ایران نبود - همه منابر تعطیل بود که سر تا ته ایران در ماه محرمش، در ماه رمضان، هیچ چیز نبود! هر آخوندی از منزل در می‌آمد گرفتار شده بود، [گرفتار] می‌شد و می‌بردند او را به کلاتری. همین طور عبایش را می‌بریدند با جامه‌اش می‌گفتند: برو بیرون. آن یکی را رها می‌کردند، آن یکی را می‌گرفتند جای دیگری. همان وقت چه جنایاتی این مرد کرد به اسلام و مسلمین. بعد هم به ارث داد به این مرد، و این را همه دارید می‌بینید دارد چه می‌کند. (۶۳۷)

۵۷/۸/۱۷

\* \* \*

در زمان رضا شاه جناح روحانی را همچو به آن صدمه زده بودند که خود ملت در مقابل روحانیت ایستاده بود. خود ملت روحانیت را سوار اتومبیل، روحانی را سوار اتومبیل نمی‌کرد و می‌گفت که ما این طایفه را نمی‌خواهیم. من خودم سوار اتومبیل بوم و اتومبیل ظاهراً

بنزینش تمام شد یا آب آن تمام شد؛ یک شیخی هم همراه من بود. می‌گفت که این، چون این شیخ سوار اتومبیل است از این جهت اتومبیل ایستاد! با اینکه ایستادنش - نشکسته بود - آب تمام شده بود یا آبش تمام شده بود یا بنزینش، حالا یادم نیست اما یکی از اینها تمام شده بود، مع ذلک تبلیغات زمان رضا خان و مأمورین رضا خان، دژخیمان رضا خان، همچو کرده بود که این طبقه شوفری که الان شما ملاحظه می‌کنید یکی از طبقاتی است که در ایران فعالیت می‌کند و فلج می‌کند گاهی وقتها کارهای دولتی را، آن وقت اینطور بود که اگر چنانچه بنزینش تمام می‌شد می‌گفت شیخ توی اینجا بوده! تازه تفأل به او می‌زد؛ می‌گفت شیخ چون اینجا بوده! و همین طور سایر طبقات اینطور شده بود. (۶۳۸)

۵۷/۸/۲۸

\* \* \*

یک آدمی که یک روز می‌گوید به علما که اینها را مثل حیوانات نجس از شان اجتناب کنید! - به روحانیون اینطور گفت: مثل حیوان نجس از اینها اجتناب کنید؛ یک روز گفت که اینها مثل یک کرمهایی می‌مانند که در نجاست می‌لولند! یک روز هم می‌آید می‌ایستند می‌گویند مراجع عظام و آیات عظام و مراجع کذا، علمای اعلام. آن دستش هم چماق! چطور باور کند کسی از تو این حرفها را؟ خوب، لا اقل اگر در پیشگاه ملت، در پیشگاه علمای ملت، تو توبه می‌خواهی بکنی، لا اقل یک توبه ظاهرالصلاحی بکن. تو عقلت اینقدر نمی‌رسد که این توبه را هیچ بچه‌ای قبول نمی‌تواند بکند! (۶۳۹)

۵۷/۹/۲

\* \* \*

در آن اوایل امر یکوقت شاه گفته بود که این روحانیون می‌گویند که ما اصلاً سوار طیاره و اتومبیل نمی‌شویم، ما می‌خواهیم سوار الاغ بشویم! می‌خواهیم مثل زمان سابق که سوار الاغ می‌شدند، ما می‌خواهیم سوار الاغ بشویم! و حالا هم همین حرفها را با کم و زیادش می‌زنند که روحانیون می‌خواهند مملکت را برگردانند به عهد کذا. خیر، مسئله غلط است. روحانیون می‌خواهند مملکت را یک مملکت مستقل آزاد متمدنی کنند. (۶۴۰)

۵۷/۱۰/۱

\* \* \*

این معنایی که حالا زمزمه می‌شود که ما مثلاً زید را قبول داریم و دیگران را قبول نداریم، این یک امری است که در دهن شما انداخته‌اند. عمال خارجی شما را می‌خواهند جوری بکنند که منصرف کنند از علمای خودتان. اگر منصرف شدید از علمای خودتان - شما یک تیپ علی حده آنها یک تیپ علی حده - هر دو از بین می‌روید. (۶۴۱)

۵۷/۱۰/۳

\* \* \*

اینها می‌خواهند این قوه را از شما بگیرند؛ اسلام هم که می‌خواهند بگیرند؛ قرآن هم که می‌خواهند بگیرند - همه را می‌خواهند بگیرند شما بشوید یک افراد مخلوع از خدا، خلع سلاح شده: نه خدا داشته باشید و نه امام داشته باشید و نه قرآن داشته باشید و نه موعظه‌چی داشته باشید و نه منبری داشته باشید و نه محرابی و نه آخوند؛ هیچی. پس چه بکنند؟ پس همین کارهایی که تا حالا کردند ادامه بدهند؛

همین کارهایی که تا حالا کردند. تبلیغات کردند زمان آن مرد خدانشناس. چه تبلیغاتی بر ضد روحانیت کردند که روحانیت را دیگر توی اتومبیلها راه نمی‌دادند. (۶۴۲)

۵۷/۱۱/۱

\* \* \*

دشمنهای اسلام و شما، هم اسلام را بد معرفی کرده‌اند و هم شما را. دشمنهای بشریت ادیان را مطلقاً می‌گویند که برای این است که افیون باشد برای مردم، برای ملت‌ها! اینها چون دیده‌اند آن چیزی که در مقابلشان می‌ایستد دیانت است، و آن جمعیتی که در مقابلشان می‌ایستد جمعیت روحانی است، از این جهت با این دو نیرو به مخالفت برخاستند و از زمانهای بسیار سابق این دو نیرو را کوبیده‌اند. (۶۴۳)

۵۷/۱۱/۱۴

\* \* \*

از آن طرف کارشناسها... روحیات مردم را ملاحظه کردند، دیدند که روحیات شرق، خصوصاً مسلمین و خصوصاً در مسلمین شیعه، خصوصیاتشان این است که به روحانیتشان ارج قائل می‌شوند، تبع روحانیت هستند. چه بکنند که روحانیت را از مردم جدا کنند؟ نقشه کشیدند که روحانیت را مبتدل کنند پیش ملت. شما در زمان رضاشاه نبودید اکثرتان، من ادراک کرده‌ام، کسانی که به سن من بودند و پیرمرد هستند الآن ادراک کرده‌اند زمان او را. آقا اینها به واسطه نقشه‌ای که خارج ریخته بود، آخوند را همچو کرده بودند که آخوند نمی‌توانست نفس بکشد. آخوند در نظر مردم همچو شده بود که سوار اتومبیلش

نمی‌کردند! جدا کردند از مردم روحانیت را؛ منتها نقشه‌شان نگرفت. (۶۴۴)

۵۷/۱۱/۱۴

\* \* \*

در زمان رضا خان - اگر کسی یادش باشد، آقایان هر کدام یادشان باشد - همچو روحانیت را کوبیدند که دیگر نه خطیبی برای ما گذاشتند نه امام جماعتی، تمام را کوبیدند. نه مجلسی، مجلس خطابه‌ای برای ما ماند. و در بین ملت آنطور اینها را ذلیل کردند که حتی شوفرها مالاها را به اتومبیلها گاهی نمی‌نشانند، می‌گفتند نمی‌نشانیمت در اتومبیل! ملا را نمی‌نشانیم در اتومبیل. تضعیف کردند روحانیت را. از یک طرف اختلاف بین احزاب درست کردند؛ و این هم یک راه اختلافی شد که اینها به سر هم زدند، و این هم یک بساطی شد. (۶۴۵)

۵۷/۱۱/۱۸

\* \* \*

اینها یک راه بود که اینها جدا می‌خواستند بکنند اسلام را از ملت. و همین طور روحانیون را از ملت اینها می‌خواهند جدا کنند: «اینها درباری‌اند!» از حرفهایی که آنها درست کردند، ایجاد کردند: «اینها درباری‌اند! اینها مردم را خواب می‌کنند!» (۶۴۶)

۵۷/۱۲/۷

\* \* \*

یک مسئله دیگر این بوده است که روحانیون را که می‌دیدند که اشخاص مؤثری هستند و در تاریخ دیده بودند که در مقابل قدرتها

اینها قیام می‌کنند، اینها را بشکنند پیش ملت. و لهذا گفتند روحانیون درباری هستند! اینها اصلاً عمال دربار هستند! اینها اشخاصی هستند که می‌خواهند مردم را خواب کنند، و دیگران این مردم [را] استعمار کنند. (۶۴۷)

۵۷/۱۱/۲۷

\* \* \*

استعمار برای اینکه بتواند ذخایر ما را ببرد این کوششها را کردند که قشرهای روشن ملت را، قشرهای کارآمد ملت را، آنهایی که می‌توانند در مقابل آنها و اجانب ایستادگی کنند و می‌توانند آنها را عقب بزنند، برای اینکه اینها مجتمع نشوند و متفرق باشند بلکه با هم در دو جناح مخالف، و گاهی با هم اختلافات شدید و حدید پیدا بکنند، کوششها کردند. و البته به آمال خودشان هم بسیار رسیدند. روحانیون را در نظر شما - طبقه نویسنده متفکر - طوری قلمداد کردند که حاضر نبودید از آنها یادی بکنید؛ و شما را در مقابل روحانیون طوری قلمداد کردند که آنها هم حاضر نبودند از شما ذکری بکنند. این تفرقه باعث شد که آنها به آمال خودشان رسیدند و با آزادی همه ذخایر ما را بردند؛ و با آزادی - بدون مزاحم - مملکت ما را به عقب راندند و عقب مانده نگه داشتند و نیروهای انسانی ما را نگذاشتند شکوفا بشود. (۶۴۸)

۵۷/۱۱/۲۹

\* \* \*

تبلیغاتشان طوری در ملت تأثیر کرد، که ملت هم بسیاری از آنها - البته نه همه - بسیاری از قشرهای ملت هم مخالف شدند با روحانیت.

تبلیغات آنها تأثیر کرد [و روحانیون] را معرفی کردند به اینکه اینها انگلیسی هستند! همان خود انگلیسها اینها را این جور معرفی می‌کردند!

یعنی عمال انگلیسی توی مردم می‌افتادند که این آخوندها انگلیسی‌اند! این آخوندها کذا هستند. درباریندا! انگلیسی هستند، که مردم را از اینها جدا بکنند. (۶۴۹)

۵۸/۲/۲۹

\* \* \*

دنبال این افتادند که قشر روحانی را در بین مردم منحنط کنند: روحانیین مردم کهنه‌پرستی هستند، فناتیک هستند، اینها درباری هستند، اینها برای سلاطین کار می‌کنند! این هم یک تبلیغ وسیعی بود. مع‌الأسف در هر دو تبلیغ توفیق‌هایی پیدا کردند. یک قشر جوان بی‌اطلاع از مسائل که عمق مسائل را ادراک نمی‌کردند، اینها راجع به آن تبلیغ اول که ادیان افیون جامعه هستند، باورشان آمد؛ و شروع کردند اینها هم به تبع آنها این جور تبلیغات را کردند. و این درست بر عکس آن چیزی است که ادیان، به حسب تاریخ و دین اسلام که تاریخش دیگر نزدیک است به ما، درست بر خلاف آنطور مسائل بود. (۶۵۰)

۵۸/۲/۳۰

\* \* \*

اینهمه تبلیغاتی که می‌کنند اهل قلم - نمی‌دانم - اهل بیان، تبلیغاتی که می‌کنند که ما از آن دیکتاتوری فارغ شدیم، دیکتاتوری عمامه و کفش آمده است، اینها ضد اسلامند. می‌دانند که آخوند دیکتاتور نیست،

آخوند می‌خواهد مردم آزاد باشند، آخوند می‌خواهد استقلال باشد، آخوند با توطئه مخالف است نه با آزادی. اینها می‌خواهند که روحانیت را کنار بگذارند. مملکت را یک مملکت - آنهایی که حسن نیت دارند، حسن نیت به این معنا که نیتشان این است که رژیم سابق نه و خارجیه‌ها هم نه؛ اما چه؟ اما اسلام هم نه! اینها - آنهایی که به خیال خودشان حسن نیت دارند، نه رژیم سابق را می‌خواهند - با او دشمنند - و نه اجانب را می‌خواهند، با آنها هم دشمنند و نه اسلام و آخوند را؛ اسلام و هرچه وابسته به اسلام است. (۶۵۱)

۵۸/۳/۲

\* \* \*

دو جناح بود که این دو جناح بیشتر از هر چیزی مورد توجه مخالفین ما بود؛ مخالفین اسلام بود: یکی جناح «روحانیت»؛ یکی جناح «فرهنگ». این دو تا قوه را اینها می‌دیدند که این دو تا است که می‌توانند یک مملکتی را استقلال به آن بدهند و اداره‌اش کنند و لهدا در هر دوی اینها کارشکنی کردند. در فرهنگ برنامه‌هایی که درست کردند برنامه‌هایی نبود که درست به درد ما بخورد. در روحانیت، کوبیدند روحانیت را در هر نوبت.

از زمانی که رضاخان آمد، جز یک چند صباحی که می‌خواست بازی بدهد مردم را و اظهار دیانت کرد و اظهار چه کرد، از همان زمان عمده نظرش را دوخت روی روحانیت که اینها را از بین ببرد، با هر بهانه‌ای توانست. او می‌دید که مجالس روضه‌هایی که برپا می‌شود و در تمام ایران است، در تمام ده و قصبه و شهر و بیرون شهرها، این مجالس پربرکت هست؛ و از این مجالس پربرکت ممکن است که اشخاصی پیدا بشوند یا گروههایی پیدا بشوند که جلوگیری از این



استفاده‌های غیر مشروع را بکنند. این مجالس را، اگر هر کدام شماها یادتان نیست، اکثراً، شاید آقا یادشان باشد، این مجالس را قدغن کردند در سرتاسر ایران، دیگر ما مجلس روضه نداشتیم. در یک موقع اینطور بود. [که] هیچی نداشتیم. سرتاسر مملکت را اینها کنترل می‌کردند، مأمورینشان که مبادا یک صدایی یکجا بلند بشود؛ روضه‌ای در یکجایی باشد. و از آن طرف، فشار به اینها برای اینکه عمامه‌ها را بردارند! و عمامه‌ها را برداشتند. (۶۵۲)

۵۸/۳/۲۰

\* \* \*

آنهایی که می‌خواستند شرق را غارت کنند و ملت‌های اسلامی را به اسارت بکشند، آنها تبلیغاتی کردند که حتی خود شریکها هم، آنهایی که غافل بودند از اسلام و از مکتبهای توحیدی، باورشان آمد. آنها بعکس آن چیزی که مکتبهای توحیدی هست، که همه مکتب تحرک بوده‌اند، گفته‌اند دیانت افیون جامعه است! یعنی دین آمده است که مردم را خواب کند. روحانیت درباری است، روحانیون درباری هستند، روحانیون در خدمت سرمایه‌دارها هستند. این تبلیغاتی بوده است که در طول شاید چند صد سال شده است؛ و در این سالهای اخیر و زمان این پدر و پسر خیلی زیادتر شد. و این مطلب درست به عکس آن چیزی است که واقع هست. (۶۵۳)

۵۸/۴/۵

\* \* \*

من خودم در یک اتوبوسی در تهران، با دو نفر از آقایان نشسته بودم. در زمان رضاشاه بود. از طرف شمال شهر می‌آمدم به طرف جنوب.

چند نفر هم توی اتوبوس بودند. دو نفر با هم شروع کردند صحبت کردن. یکی شان به دیگری گفت که من سالها بود که این هیكلها را ندیده بودم. اشاره کرد به ما؛ ما سه نفر معمم بودیم. بعد گفت که اینها را انگلیسها درست کردند که در نجف و در قم مردم را [اغفال] بکنند، و به نفع آنها [ساکت] بکنند. البته آن آدم جاهل بود؛ نه اینکه [مغرض] بود. تزریق کرده بودند، گفته بودند، باورشان آمده بود. بسیاری از جوانهای ما هم باورشان آمده بود. در صورتی که تاریخ خود ما، همین چند سال، این صد سال اخیر، این صد سال اخیر را وقتی ما ملاحظه کنیم - جلوی ما هم همین طور بوده؛ ما این صد سال اخیر را که ما ملاحظه کنیم - هر جنبشی که واقع شده است از طرف روحانیون بوده است بر ضد سلاطین. (۶۵۴)

۵۸/۴/۵

\* \* \*

اگر یک دانشگاه صحیح ما داشته باشیم، یا یک جبهه روحانی به تمام معنا روحانی داشته باشیم، نخواهد اجازه داد به اجانب که همه حیثیت یک مملکت را از بین ببرند. از این جهت چون این دو جبهه را آنها برای خودشان خطر می‌دانستند، حمله‌شان به این دو جبهه بود. متنها فرم حمله‌شان فرق داشت. در زمان رضاخان که من یادم است، و اکثر شما یادتان نیست، در آن زمان با سرنیزه حمله می‌کردند این جبهه را بشکستند. و لهذا حمله می‌کردند مدارس را، افراد را می‌گرفتند می‌بردند، عمامه‌ها را بر می‌داشتند، لباسها را می‌کنند، مدرسه‌ها را می‌بستند، مساجد را تعطیل می‌کردند. مجالس و عظم و روضه و اینها را بکلی از بین بردند. به خیال اینکه با این فرم می‌شود از بین برد. متنها در دانشگاه چون انعکاس خارجی اش را می‌ترسیدند، به این فرم وارد

نمی‌شدند؛ به فرم دیگر وارد می‌شدند که نگذارند دانشجویان رشد کنند. بعد فهمیدند که این طرز نتیجه ندارد. فشار هرچه زیاده‌تر باشد بدتر خواهد شد. برای اینها بدتر خواهد شد. در زمان محمدرضا حمله به روحانیت را تغییر دادند شروع کردند به تبلیغات کردن که مردم را از روحانیت جدا کنند.

چون این دو قوه اسلام، قوه روحانیت و قوه دانشگاه، می‌توانست در مقابل اینها بایستد. آن ترتیبی که با فشار بخواهند روحانیت را از بین ببرند، این ترتیب نشد، تغییر دادند وضع را. شروع کردند تبلیغات به ضد روحانیت که جدا کنند روحانیت را از دانشگاه، و همه را از مردم. بین مردم، هم دانشگاهی و هم روحانی را، هم روحانین را، می‌خواستند - در بین مردم - یک طوری قلمداد کنند که اینها دیانت صحیح ندارند؛ اینها هم درباری و انگلیسی و - نمی‌دانم - امریکایی و اینها هستند. نقشه این بود که ملت جدا بشود از این دو قشری که از آنها کار می‌آید. بین خود این دو تا هم جدایی انداختند، به طوری که روحانین، بدبین بودند به دانشگاهیها؛ دانشگاهیها بدبین بودند به روحانین، و این نقشه‌ای بود برای اینکه این قشرهای مؤثر را از هم جدا بکنند، و همه را از ملت جدا بکنند، تا نتوانند اینها کاری انجام بدهند، و آنها بهره‌برداری خودشان را از این کشور بکنند. (۶۵۵)

۵۸/۴/۶

\* \* \*

اینها برای اینکه مبدا یک قدرتی یک وقت در مقابلشان قیام کنند، هر جا که احتمال یک قدرتی می‌دادند آن را با تمام قوا سرکوب کردند. احتمال می‌دادند که روحانیت جلوی آنها را بگیرد، زمان رضاخان هر که یادش است می‌داند با روحانیت چه کردند. و بعدش هم به آن طرز

نبود. به طرز شیطنت‌گری بدتر در زمان این یکی بود. دانشگاه را احتمال می‌دادند که یک وقت در مقابل اینها بایستند، دانشگاه را هم با طرحهایی نگذاشتند دانشگاه صحیح برای این مملکت باشد. مردم را احتمال می‌دادند که اگر اتکا بکنند به اسلام یا اتکا کنند به روحانیت، کاری از آنها بیاید. [آنها را] از روحانیت و اسلام جدیت می‌کردند که جدا کنند؛ مردم را بدبین کنند به روحانیت؛ بلکه بتوانند بدبین بکنند به اصل همهٔ مکتبهای توحیدی و اسلامی. از این جهت تبلیغات دامنه‌دار [ی] که باید گفت چند صد ساله طوری کرده بود که جوانهای ما اشخاصی که درست به عمق مسائل سیاسی نمی‌رسیدند. اینها هم باورشان آمده بود که اسلام، یا هر مکتب توحیدی، خلاف مسیر ملت‌هاست، و جلوگیری از رشد می‌کند؛ جلوگیری از تمدن می‌کند. اگر یادتان باشد، در زمان «محمد رضا»، در اوایل این نهضت، یک وقت در یکی از کلامش گفت که این معممین، روحانین می‌خواهند که مملکت برگردد به حال سابق؛ حتی کسی سوار اتومبیل هم نشود؛ سوار پیاده هم نشود؛ اینها با این هم مخالفند. اینها می‌خواهند مثل همان سابق مثلاً با الاغ این طرف و آن طرف بروند! (۶۵۶)

۵۸/۴/۱۲

\* \* \*

نقشه‌ها این است که تفرقه بیندازند؛ گروه گروه کنند مردم را. همان نقشه‌ای که در زمان سابق، زمان همین رژیم سابق بود، چه قبل از ماه رمضان و قبل از محرّم و صفر، این دو موعد جای تفرقه‌اندازی بود. برای اینکه ماه رمضان «شهرالله» بود و قدرت روحانیون در ماه رمضان نمایشش زیاد بود، اجتماع مسلمین زیاد بود. ماه محرّم هم، ماه امام حسین بود و قدرت اینها - اهل منبر و روحانیون - آن وقت هم

زیاد بود. جلو ماه رمضان یک چیزی درست می‌کردند. جلوه ماه محرم هم یک چیزی درست می‌کردند. حالا هم جلو ما ماه رمضان هست، الآن چیزی درست کرده‌اند. الآن اصفهان یک قصه‌ای درست شده است، مشهد هم همین طور، سر یک مطلب پوچی ریخته‌اند به هم... سر یک شخصی دعوا می‌کنند آیا این مسلمان است یا نه! مسلمان است به من چه؛ مسلمان نیست به تو چه! چرا همه قدرتها را به باد فنا می‌دهید برای اینکه زید مسلمان است یا غیر مسلمان؟ قضیه مرحوم شمس‌آبادی<sup>۱</sup> شما خیال کردید که یک چیز عادی بود. این هم جزء همانها بود که با طریقه‌های مختلف اینها می‌آمدند و درست می‌کردند. یک وقت «شهید جاوید<sup>۲</sup>» را پیش می‌آوردند، داز این ور، داز آن ور! یک ماه محرم و صفر و بیشتر، منبرها همه خرج این می‌شد که شهید جاوید چه! از این طرف یک دسته‌ای تأیید؛ از آن طرف یک دسته‌ای تکذیب. یک خورده که این سست می‌شد، یک چیز دیگر درست می‌کردند. مرحوم شمس‌آبادی هم از آن امور بود که شاید هم خودشان این کار را کردند - من نمی‌دانم - که یک کسی را بکشند صدا درآورند، یک دسته از آن طرف و یک دسته از این طرف، و بساط درست کنند یک قدری که این کمتر می‌شد آن وقت یک کس دیگر را به میدان می‌آوردند: این کتابهایش چه طور است! آن می‌گفت کافر است آن می‌گفت مسلمان است، آن می‌گفت که مسلمانی است تالی مثلاً انبیا! آن می‌گفت کافری است از ابوجهل بدتر! اما نقشه توی کار است! آنهایی که اینها را درست می‌کنند نه به اسلام عقیده دارند و نه به روحانیت عقیده دارند و نه به هیچ چیز. آنها مادیت در نظرشان هست، و مسلمانها را به جان هم بریزند تا آنها

۱. ← ص ۵۵۷، پاورقی ۱.

۲. ← ص ۵۵۶.

چپاول کنند. (۶۵۷)

۵۸/۴/۱۴

\* \* \*

اوایلی که من - همان سال اول و دوم - آمدم به قم، در قم وضع جوری بود که یکی از روحانیون که رئیس بود، مورد طعن مردم بود، می‌گفتند: در منزلش روزنامه پیدا می‌شود! روزنامه پیدا شدن در منزل یک روحانی را نقصش می‌دانستند. فلان آخوند «سیاسی» است! طعن می‌زدند به اینکه فلان آخوند «سیاسی» است. جدا می‌کردند روحانیون را، محدودشان می‌کردند به همان مسائل شخصی؛ و از مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی همچو جدا می‌کردند، و تبلیغات همچو بود که یک آخوندی اگر چنانچه می‌خواست در این امور دخالت کند می‌ترسید از مردم؛ مطعون می‌شد؛ کنار گذاشته می‌شد، اینطور درست کرده بودند. این هم یک باب واسعی بود برای جدا کردن روحانیون از مسائل روز. یک باب واسع هم جدا کردن روحانیون از دانشگاه بود که این هم نقشه بود، برای اینکه من باب اتفاق اینها به نظر نمی‌آید باشد، همه اینها طرحهایی بود که درست کرده بودند برای اینکه استفاده‌ها را ببرند و کسی حرف نزنند. جدا کردن روحانیون از دانشگاه، پیش روحانیون اینطور منعکس می‌کردند که دانشگاهیها یک دسته فُکلی نمی‌دانم کذا و کذا. پیش آنها هم می‌گفتند: آخوندها یک دسته درباری هستند! این دو تا قشر را از هم جدا می‌کردند. نه فقط جدا، دشمن؛ این به او بد می‌گفت؛ او به این بد می‌گفت. [با] درگیری تبلیغاتی جدا می‌کردند این دو طایفه را از هم. طرحها بود برای این جدایی، در قبل از ماه رمضان که وقت اجتماعات است، و قبل از ماه محرم که وقت اجتماعات است. اینها

یک طرحی درست می‌کردند - ماها غافل و بیچاره! - طرحی درست می‌کردند که تمام ماه مبارک مردم را در منابر، سر آن طرح با هم دعوا می‌داد. دانشگاهی به اینها حمله می‌کرد؛ اینها به دانشگاهی. تمام ماه مبارک را به یک مسائلی که ربطی نداشت به مسائل روز و زندگی، سر اینها را گرم می‌کردند به این، و آن کنار می‌نشستند و به ماها می‌خندیدند. ما اینطور بی‌اطلاع از مسائل روز و بی‌اطلاع از نقشه‌های شوم آنها. این هم یک باب واسعی بود که اینطور [کاری] کرده بودند؛ و همین طور امثال اینها. (۶۵۸)

۵۸/۵/۳

\* \* \*

اینهایی که به اسلام عقیده داشتند از چه راه این عقیده را پیدا کرده بودند؟ از طریق روحانیت. این اعتقاد را اینها تزریق کرده بودند و باز مطالعاتشان به اینجا رسیده بود که این مآلها در دهات و قصبات و همه جا هستند و هر وقت بخواهند، این مردم را ممکن است که به شورش وادارند. چه بکنند این نشود؟ دو نقشه می‌خواستند پیاده کنند. در زمان رضاشاه پیاده شد، و به طور سختی هم پیاده شد و بعد از آنکه دیدند آن سختیها مشکل است و نمی‌شود، به ترتیب شیطان‌ی، یکی اینکه اسلام را در بین توده‌ها، در بین مردم، کوچکش کردند. قلمهای اجیر آنها و تبلیغات دامنه‌دارشان راجع به اینکه این اسلام مال زمان سابق بوده است! چیزی که مال هزار و چهارصد سال پیش از این است، دیگر حالا - حتی حالا هم اگر شما دیده باشید، گاهی وقتها جرأت نمی‌کنند بگویند، اما می‌گویند ولو یک کلمه‌ای را. این یک راه بود که اسلام را اصلاً از نظر مردم بیندازند؛ اسلام کهنه شده است - دیگر حالا وقت عصر نوین است، حالا عصر تجدد است، حالا عصر

موشک است، در عصر موشک دیگر اسلام نباید مطرح بشود! یک راه دیگرش هم، که در عرض همین دنبال می‌شد، اینکه روحانیت را از دست مردم بگیرند؛ اینها در باری‌اند. اینها انگلیسی‌اند! خود انگلیسها تزریق می‌کردند، خود انگلیسها به مردم این‌طور می‌گفتند، که اینها انگلیسی‌اند؛ اینها منحرفند؛ انگلیسی‌اند! خودشان به مردم این‌طور می‌گفتند. آنهایی که اجیر بودند از طرف آنها به مردم این‌طور تزریق می‌کردند. خوب، سابق درده - بیست سال پیش از این، بیست سال پیش از این؛ یا یک قدری بیشتر، انگلیس معروف بود و مطرح بود، بعد امریکا جلو افتاد... اینها درباری‌اند، اینها انگلیسی‌اند، اینها را گذاشته‌اند برای اینکه مردم را خواب بکنند! دین اصلش تخدیر است، دین مثل مخدرات می‌ماند؛ مردم را خواب می‌کند که آنها ببرند، بچاپند. روحانیت هم عامل انگلیسها هستند! اینها آمده‌اند اینجا مردم را خواب کنند که آنها بچاپند و اینها حرف نزنند. مردم را اینها خواب می‌کنند. آنها اموالشان را می‌برند و خودشان خوابند و مُلتفت نیستند.

این دو نقشه بود که اسلام را از نظر مردم پایین بیندازند و مردم به آن بی‌اعتنا بشوند، و آنها هم که اسلام را ترویج می‌کنند - از آنها هم می‌ترسیدند - آنها را هم منحط کند؛ تا اینکه این دو تا قدرت وقتی که از ملت گرفته شد، دیگر ملت نمی‌تواند کاری انجام بدهد. نه می‌تواند وحدت داشته باشد و نه می‌تواند عمق مسائل را بفهمد.

از آن طرف هم، نویسندگانی که از خودشان هستند یا بدتر از خودشان هستند به این مسائل کمک می‌کردند. یکی از شعراشان در همان عصر - مضمون شعرش را می‌گویم، شعرش هم یادم است - می‌گوید تا «آخوند» و «قَجَر» در این مملکت هست، این ننگ را کشور



دارا به کجا ببرد! (۶۵۹)

۵۸/۶/۱۲

\* \* \*

رضاخان که آمد تمام نظرش به این بود که این قدرت آخوند را بشکند. تمام نظرش این بود، لکن مأمور بود، لکن مأمور معذور، نه. مأموری بود که معذور هم نبود. تمام قوایش را صرف این کرد که این لباس را از تن اینها بیرون بیاورد.

در آن مدرسه دارالشفاء<sup>۱</sup> من حجره آنجا داشتیم، در آن بحبوحه فشار به ملت، فشار به روحانیت، در آنجا ما یک حجره‌ای داشتیم. رفقای ما در مواقعی که از کارهاشان فارغ می‌شدند، آنجا می‌آمدند مجتمع می‌شدند. یک روز یک نفر کارآگاه آمد در حجره و بعد آمد توی حجره نشست گفت که: بنا بر این است که در تمام ایران شش نفر معمم باشد یک بنایی بود که از این عمامه‌ها اینها می‌ترسیدند، چرا؟ برای اینکه این عمامه‌ها توی مردم به عنوان «نایب پیغمبر ما جای تو خالی است» بودند، مردم از اینها حرف می‌شنیدند؛ از این مسجدها می‌ترسیدند.

اخیراً برای هر مسجد، یک سرهنگ بازنشسته گذاشته بودند مأمور مسجد! برای اینکه از این مساجد می‌ترسیدند. آنها کوشش کردند که این لباس را از تن روحانیت بیرون بیاورند و روحانیت را خلع کنند از آن پستی که دارند و بحمدالله نتوانسته‌اند. حالا نوبت شما شد؟ حالا نوبت این شده است که شما هی هر کدامتان یک نقی بزنید به روحانیت، یک روحانیتی که اینهمه خدمت به ملت کرده و نجات داده چندین مرتبه از مهلکه، این ملت را. حالا آقایان آمده‌اند با

---

۱. مدرسه علمیه، جنب حرم حضرت معصومه(س) در شهر قم.

قلمهایشان و با قدمهایشان و با کلماتشان از این روحانیت انتقاد می‌کنند. من نمی‌خواهم بگویم سرتاسر، هر که عمامه دارد کذاست، نایب‌الامام است، نیست، همچو حرفی نیست. لکن آنها که می‌شکنند، بدها را نمی‌شکنند؛ اینها با خوبها بدند، با بدها خوبند! بدهایی که هم پُست آنها هستند و هم‌رای آنها هستند و در خدمت دستگاه هستند و بودند، با اینها بدی ندارند. اینها با آنهایی که خوبند، بدند! اینها با طالقانی بدند. من می‌گویم که این قدرت را همچو یک کاسه نکنید و بشکنید. این یک قدرت الهی است که از آن استفاده کنید. (۶۶۰)

۵۸/۶/۲۳

\* \* \*

برنامه دولتها در زمان طاغوت این بود. و دامن زده بودند به اینکه نگذارند روحانیون در سیاست دخالت بکنند. و شاید بسیاری از خود روحانیون هم باورشان آمده بود که نباید در امور سیاسی دخالت کنند. و بسیاری از جوانهای ما هم باورشان آمده بود که نباید اینها در امور سیاسی دخالت بکنند. حتی، از قراری که گفتند، یکی از همین افراد فاسد وابسته، در همین چند روز، در یک جایی به این صورت گفته بود که ما می‌خواهیم قداست روحانیون محفوظ باشد؛ اینها دخالت در امور مملکتی نکنند تا قداستشان محفوظ باشد! این یک حيله‌ای است که غریبها به کار بردند؛ و وابستگان به آنها هم از آنها تقلید کردند به اسم اینکه قداست اینها محفوظ باشد؛ یعنی اینها همان بروند توی مسجدها و دعا بخوانند تا قداستشان محفوظ باشد، و کاری به مملکت و کاری به دولت و کاری به مجلس و کاری به دیگر قشرهایی که باید باشد نداشته باشند؛ اینها را بگذارند برای چپا و لگرها، و دعا و ذکر خودشان را بگویند و کاری نداشته باشند. این یک برنامه‌ای است

که ریخته شده است و ریخته شده بوده است در سالهای طولانی. و در زمان این پدر و پسر به آن دامن زیاد زده شده است، این حرف آنهاست. (۶۶۱)

۵۸/۶/۲۶

\* \* \*

از اولی که آمد رضاخان، بعد از اینکه مستقر شد، البته اولش خیلی هم روضه می‌گرفت؛ هم روضه می‌رفت و هم تکیه‌ها؛ همه را. یک دفعه در یک محرمی گفتند همه تکیه‌ها را رفته است! بعد که بازی داد ملت را، و ملت ما هم صفای نفس دارند زود بازی می‌خورند، بعد که بازی داد ملت را، آن وقت آن چهره‌اش را نشان داد؛ تمام روضه‌ها را در سرتاسر مملکت قدغن کرد؛ و بر معممین آن کرد که نمی‌توانست یک نفر معمم ظاهر بشود توی خیابان. بعضی از محترمین معممین، که نمی‌خواهم اسمش را ببرم، بردند در کلانتری، و همانجا با چاقو عبا و قبایش را بریدند به شکل اینکه کت و شلوار باید باشد، و رهایش کردند. و معممین را قدغن کرده بودند که شوفرها هم سوار نکنند. بعضی از شوفرها هم خوش رقصی می‌کردند برای آنها. مقصد آخوند نبود؛ مقصد اسلام بود. می‌دیدند که تا اینها هستند اسلام را نمی‌شود از بین برد؛ باید اینها را از بین برد، بعدش اسلام را از بین برد. «اسلام منهای روحانیت» همین تراس است. حالا یا گوینده‌اش ملتفت نیست، و یا ملتفت است. (۶۶۲)

۵۸/۷/۴

\* \* \*

سؤال: [روحانیت شیعه همیشه در رأس مبارزات بوده است، ولی آیا

این هم صحیح است که روحانیت که در جهان به این پیچیدگی قادر به اداره مملکت نبوده، در کارهای تکنیکی از غیر روحانی استفاده نکنیم؟]

جواب: این هم جزو تبلیغات سوئی است که بر ضد روحانیت می‌شود. آیا آقای کارتر که رئیس جمهور است همه کارها را خودش در امریکا انجام می‌دهد؟ نه، افرادی را وامی دارد که کارها را انجام دهند. روحانیت نمی‌خواهد خودش کارخانه راه بیندازد یا طیاره ببرد. اینهایی که می‌گویند روحانیت باید دخالت نداشته باشد، نمی‌فهمند. یا می‌فهمند و مردم را اغفال می‌کنند. این اشتباه است. روحانیت نظارت بر اوضاع دارد. کارها دست کارشناسهای غیر روحانی است. روحانیون نظارتی بر امور دارند که غلطکاری نشود. یک وقت کودتا نشود، یک وقت ظلم به مردم نشود. روحانیت می‌خواهد جلو غارتگری و ستم و دزدی را بگیرد. (۶۶۳)

۵۸/۹/۹

\* \* \*

الآن که ملاحظه می‌کنید دنبال این هستند که [پیوسته] مناقشه کنند، شکست بدهند اینها را. و این نه صلاح دینشان هست نه صلاح دنیاشان هست. من نمی‌خواهم تطهیر کنم این طایفه را که بگویم هر که عمامه سرش هست این یک آدم مهذب، صحیح [و] سالمی است. من چنین ادعایی ندارم. هیچ‌کس چنین ادعایی ندارد. لکن من می‌گویم که آنهایی که مخالف هستند با این جمعیت، اینطور نیست، آنهایی که نقشه دارند اینطور نیست که با بدها مخالف باشند، با خوبها مخالفند. با آنهایی که نفوذ دارند مخالفند. اگر چنانچه یک مقصد صحیحی بود که اینها صحبت می‌کردند خوب مطلبی بود. یک مقصد

صحیح است و باید تصفیه بشود. ما هم این را قبول داریم. و قتش هم اگر برسد تصفیه خواهد شد. اما در یکوقتی که ملت ما دچار یک همچو آشوبی هست، بعد از انقلاب است، انقلاب بعد از اینکه یک قدری جلو رفت و برگشت به حال خودش، همین گرفتاریها در همه دنیا بوده بیشتر از ما. الانی که ملت ما مواجه است با یک قدرت بزرگ و بلکه با قدرتهای بزرگ مواجه هست، امروز روزی نیست که آن پشتوانه ملت را، آن چیزی که می‌تواند تجهیز کند ملت را ما بشکنیم. ولو اینکه ما فرض کنید گله داریم از یک کسی، ولو اشکال داریم به یک کسی و کسانی، لکن وقت این نیست که بشکنیم. و آنهایی که نقشه دارند همه را می‌خواهند بشکنند، متنها بتدریج. (۶۶۴)

۵۸/۱۰/۷

\* \* \*

گرچه ملت شریف ایران خاطره‌های تلخی دارند از دستگاه سازمان امنیت و گروهی از قوای انتظامی و افرادی از روحانی‌نماها که به طور قاچاق خودشان را در سلک روحانیت و گویندگان اسلامی درآورده بودند. بسیاری از گروههای فوق پس از انقلاب اسلامی به مجازات خود رسیدند؛ لکن با گزارشاتی که از اطراف می‌رسد، توطئه‌هایی از گروههای منحرف که به نظر می‌رسد الهام از خارج می‌گیرند و می‌خواهند همان نقشی را که در زمان رضاخان بازی کردند عمل کنند، و با شکست حتمی روحانیت متعهد و آسیب رساندن به قوای انتظامی، کشور عزیز را به دامن چپ و یا راست بکشانند؛ و با ملت آن کنند که در زمان رژیم طاغوتی کردند؛ و این خطر عظیمی است که غفلت از آن و بی‌تفاوتی در مقابل آن به هدم اسلام و کشور منتهی

می‌شود. من خود شاهد زمان رضاخان از کودتا تا انقراض فضاحت‌بار رژیم بوده‌ام؛ و توطئه‌هایی را که به دست عمال خارجی می‌شد، یکی پس از دیگری دیده‌ام. من شاهد بودم که روحانیت را به اسم ارتجاع و اسمهای ننگین دیگر در نظر ملت ساقط نمودند و سنگرهای بزرگ اسلام را یکی پس از دیگری با دست جوانان بی‌خبر از عمق توطئه‌ها شکستند، و راه را برای مقاصد شوم استعمارگران باز کردند، و شاعران درباری و نویسندگان مزدور و گویندگان وابسته بر ضد اسلام، و خدمتگزاران به کشور و اسلام، از رجال پاکدامن گرفته تا علمای بزرگ طراز اول، با قلم و زبان و شعر و مقاله، آنان را از ملت و ملت را از آنان جدا کردند، و سایه شوم استبداد و استعمار را در طول پنجاه سال، آنچنان بر سرتاسر کشور عزیزمان گسترده کردند که احدی را مجال گفتن حق نماند. من به شما ملت شریف ستم‌دیده اخطار می‌کنم جای پای آن شیطان بزرگ و شیاطین دیگر را در سراسر کشور می‌بینم که با نقشه حساب شده همان طرح زمان رضاخان را ریخته و با شیطنت درصدد اجرای آن هستند؛ و آن نقشه تضعیف روحانیت متعهد و تضعیف قوای انتظامی است به اسم ساواکی و وابسته به رژیم طاغوتی. (۶۶۵)

۵۸/۱۲/۲۸

\* \* \*

این روزها حملات به روحانیت اصیل که برآستی چه در زمان شاه و چه در زمان پدرش از بارزترین اقشاری بودند که با قیامهای متعدد خود در مقابل فساد دستگاه به افشاگری و مبارزه پرداختند و مبارزات ضدشاهی - امریکایی را در طول مبارزات بر حق مردم شریف هدایت می‌کردند و به پیروزی رساندند، از طریق ایادی شاه و

دارودسته‌اش گسترش پیدا کرده است. درست زمانی که روحانیت، مبارزه سرسختش را در سالهای ۴۱-۴۲ علیه شاه خائن شروع کرد، شاه روحانیت متعهد و مسئول را «ارتجاع سیاه» نامید، زیرا تنها خطر جدی برای او و سلطنتش روحانیون مبارزی بودند که ریشه در عمق جان مردم داشتند و در مقابل او و ستمکاری‌اش ایستادند.

درست اکنون ایادی شاه برای خرد کردن روحانیت که اساس استقلال و آزادی این مملکت است کلمه «ارتجاع» را در دهان فرزندانم که از عمق جریانات مطلع نیستند انداخته‌اند. فرزندان عزیز و انقلابی‌ام! امروز توهین و تضعیف روحانیت ضربه به استقلال و آزادی و اسلام است. امروز راه شاه خائن را رفتن و کلمه ارتجاع را به این طبقه محترم که از نادرترین قشرهایی هستند که زیر بار شرف و غرور نمی‌روند، خیانت است. خواهران و برادران عزیزم! بدانید آنانی که روحانیون را مرتجع می‌دانند در نهایت راه شاه و امریکا را می‌روند. ملت شریف ایران با پشتیبانی از روحانیت اصیل و متعهد ایران که همیشه حافظ و سنگریان این مرز و بوم بوده‌اند، دین خود را به اسلام ادا می‌نمایند. (۶۶۶)

۵۹/۱/۱

\* \* \*

آن وقتی که رضاخان عمامه‌های معممین را برمی‌داشت، بعد هم یک حوزة امتحانیه گذاشته بود - به اصطلاح خودش - یکی از علمای قم - خداوند رحمتش کند - به من فرمود که خوب، می‌خواهند بدها را از خوبها جدا کنند، چه اشکال دارد. من به ایشان عرض کردم که اینها با خوبهایش بدند، نمی‌خواهند بدها را بشناسند، می‌خواهند خوبها را

بشناسند، کمر خوبها را بشکنند. (۶۶۷)

۵۹/۴/۴

\* \* \*

این یک توطئه است که می‌خواهند مسجدها را کم‌کم خالی کنند. دیگر چهار نفر آدمی که معلوم نیست اصلاً به مسجد و به اسلام و به اینها اعتقادی داشته باشد، یا معلوم است که ندارد، امام جماعت ایستاده آنجا نماز می‌خواهد بخواند، این هم چند نفر برمی‌دارد می‌آید آن طرف، یکی‌اشان می‌ایستد جلو، باقی‌اشان نماز می‌خوانند. این نماز نیست. با این نماز می‌خواهند اسلام را بشکنند. روحانیون باید حفظ حیثیت خودشان را بکنند و خدای نخواستگاری نکنند که بین ملت یک‌طور دیگری وجهه روحانیت نمایش داده بشود. مردم موظفند که مساجد خودشان را، مراکزی که مربوط به روحانیت است حفظ کنند. همان نقشه زمان رضاخان الآن شروع شده است. آن وقت هم یکی‌یکی آمدند، کم‌کم، کم‌کم آمدند وارد شدند. شعرای آنها شروع کردند به شعر گفتن: «تا آخوند و قجر هست در این مملکت، این کشور دارا به جایی نمی‌رسد». شاعرشان اینطور می‌گفت. حالا من شعرش را نمی‌خواهم بخوانم. مقالاتی که می‌نوشتند مقالاتی بود که به ضد روحانیت بود. و آن وقت با کمال وقاحت می‌نوشتند و تبلیغات می‌کردند. همه گروهها را وادار کرده بودند که به ضد این طایفه و ظایف خودشان را انجام بدهند. (۶۶۸)

۵۹/۴/۲۰

\* \* \*

با تمام قوا، از تبلیغات مجلات و روزنامه‌ها و گویندگان و اینها گرفته



تا هرجا که روشنفکری و روشن‌فکرانمایی بودند، بر ضد روحانیت بسیج شدند. کم‌کم آن صورت دومش را نشان داد. آن وجههٔ دومش را کم‌کم نشان داد. در زمان این شخص نالایق، که مملکت ما را به تباهی کشاند، به پیغمبر اکرم در روزنامه سب کردند، در روزنامه به پیغمبر سب کردند و به مرئی و منظر این دولت بود و آن دولتمردان. مجلس درست کردند و در آنجا از پیروزی اسلام بر کفر انتقاد کردند. این روشنفکرها دستمالها را درآوردند و گریه کردند که اسلام بر شاه ایران، شاه آن وقت ایران غلبه کرده است. شعرانشان شعر گفتند، نویسندگانشان نوشتند، گویندگانشان گفتند. ما از اینکه انگلستان اینقدر اصرار داشت بر اینکه این طایفه را از بین ببرد، می‌فهمیم که از این طایفه اینها رنج می‌برند و باید اینها سرکوب بشوند. (۶۶۹)

۵۹/۶/۱۱

\* \* \*

شروع کرد مخالفت با روحانیون با اسم اینکه می‌خواهیم اصلاح بکنیم، چه بکنیم. مجلسی در شاید جاهای دیگر و در مدرسهٔ فیضیه، که ما شاهدش بودیم، مجلس امتحان درست کردند و اشخاصی که مال خودشان بود، می‌آمد آنجا برای امتحان و اینها به خیال اینکه، تبلیغاتشان این بود که ما می‌خواهیم این اشخاصی که صحیحند و اهل علم صحیح هستند، از آنهایی که نه، لیاقت این لباس را ندارند، می‌خواهیم تمیز بدهیم. حتی بعضی از آقایان محترم قم هم این معنا را باور کرده بودند. خدا رحمت کند مرحوم آقای فیض<sup>۱</sup> را، به من فرمودند که - در مدرسهٔ فیضیه، که - خوب، اینکه بدکاری نیست که اینها بیایند خوبها را از بدها جدا کنند. من به ایشان عرض کردم که بله،

۱. آیت‌الله شیخ محمد فیض، از اساتید حوزه علمیه قم که در سال ۱۳۲۸ در گذشت.

اینها می‌خواهند خوبها را از بدها جدا کنند که خوبها را از بین ببرند، نه بدها را. و همین‌طور هم شد. ابتدا برای این معنا آمدند و چه تلخیها بر ماها گذشت از این امتحان و از این بساط. بعد هم با یک بهانه دیگر شروع کردند به اینکه باید ملت لباس واحد داشته باشد و عمامه‌ها را از سرها برداشتند و آنقدر خرابکاری کردند که روی تاریخ را سیاه کردند. (۶۷۰)

۵۹/۸/۱۴

\* \* \*

توطئه برای این است، که اینها در کار نباشند. اینها می‌گویند که روحانیها بروند در مسجدها و همان‌جا نماز جماعت بخوانند. بسیار خوب، شما می‌گذارید روحانیها در مسجد نماز جماعت بخوانند؟ شما توی همان مسجد هم می‌روید یک عده‌ای را از اشرار می‌برید. یک نفر آدمی که از اسلام هیچ اطلاع ندارد جلو وامی‌دارید. صورت نماز درست می‌کنید برای اینکه، مسجد را هم از اینها بگیرید. قضیه این نیست که اگر روحانین دست برداشتند از کارهای ارزنده‌ای که دارند می‌کنند و رفتند تو مسجدها، رهایشان کنند. می‌خواهند مسجدها را هم از روحانی پاک کنند باصطلاح خودشان. می‌خواهند مسجدها را از مسلمانها بگیرند. شما دیدید در زمان محمدرضا برای هر مسجدی در مساجد تهران، که مُسَلَّم جاهای دیگر هم شاید بوده - نمی‌دانم - یک نفر سرهنگ بازنشسته منحرف ساواکی را گذاشتند آنجا برای مراقبت کردن اوضاع. اگر اینها دست بردارند از این کاری که انجام دادند و به وسیله آنها انجام گرفته است، از اینها دست برمی‌دارند اینها؟ یا خیر، مسجد هم نباید داشته باشند؟ آن روز می‌گفتند عمامه هم نباید داشته باشند. حالا هم به آن خواهد رسید اگر

شما مسلمانها سست بگیرید.

اینها به روحانی هم کاری ندارند. اینها به اسلام کار دارند. آن که روحانی را تقویت می‌کند که یک کلمه‌اش را همه می‌پذیرند، آن اسلام است. اساس اسلام است. آنها با آن اساس مخالفند. (۶۷۱)

۵۹/۸/۲۶

\* \* \*

هر وقت کسی بر خلاف اصل روحانیت که گفت روحانیت باید برود منزوی بشود، این معنای اینکه برود در مساجد - با اینکه گفتم نمی‌گذارند این را، لکن برود در مسجد همان مشغول نماز بشود - یا به شخصی که در روحانیت مؤثر است، مورد توجه مردم است و مؤثر است در روحانیت، اگر قلمی یا بیانی این را خواست بشکنند؛ این نظرش به این شخص نیست، نظرش به آن گروه هم نیست؛ این نظرش به این است که این قشر که مخالف با اساسی است که آنها دارند، مخالف با این است که مملکت اسلامی تحت سلطه غیر باشد. قرآن امر فرموده است که نباید باشد. و این کلام قرآن را منتشر می‌کند. اینهایی که با اصل روحانیت ولو به صورت اینکه «نه، ما می‌خواهیم احترام اینها محفوظ باشد، اگر اینها وارد در سیاست بشوند احترامشان از بین می‌رود پیش مردم، و ما میل داریم احترامشان محفوظ باشد» با این دوز و کلکها می‌خواهند روحانیت را از صحنه بیرون کنند و کشور شما را تسلیم کنند یا به طرف شرق، یا به طرف غرب، اساس این است. (۶۷۲)

۵۹/۸/۲۶

\* \* \*

مجاهدات شما یک کلمه از آن گفته نشود، لکن انحراف شما دائماً گفته بشود و به گوش مردم خوانده بشود؛ مردم را از مجاهدات شما اغفال کنند. از زحماتی که از ۱۵ خرداد تاکنون بر شما وارد شده است و بزرگان شما را برده‌اند در حبسها و زجرها، و انجام دادند کارهایی را که با دزدان آن طور انجام نمی‌دهند، اینها را ذکری از آنها ندیدم بکنند! قلمها راجع به این مسئله شکسته است! اما اگر در یک دادگاهی یک کاری بشود که مثلاً در نظر آنها انحراف باشد، یا خدای نخواستہ به حسب واقع انحراف باشد، عمال آنها دوره بیفتند و این طرف و آن طرف و تبلیغ کنند که دیکتاتوری آخوندی در کار است! دیکتاتور روحانی در کار است. این کلمه، کلمه‌ای است که دشمنهای اسلام درست کرده‌اند و می‌خواهند که روحانیون را کنار بگذارند و روحانی برود گوشه مسجد و مسائل اسلامی را، نه آنکه مربوط به جامعه است، نه آنکه مربوط به مشکلات جامعه و اسلام است، بلکه مسائل عبادی را فقط انجام بدهند؛ لکن دیگران در صحنه باشند و آن کنند به ما که محمد رضا کرد. (۶۷۳)

۵۹/۱۲/۱۴

\* \* \*

شما می‌بینید که از اول یک جریانی در کار بوده که شماها را از ملت منعزل کند و لاقل، شماها را نگذارند در جاهایی که یک ارگان اجرایی یا تقنینی یا اینها باشد؛ همان چیزی که در غرب نسبت به کلیسا می‌گفتند: کلیسا برای خودش علی حده برود و مسائل ناسوت و لاهوت بگوید و مملکت را بدهند ما اداره‌اش بکنیم. [در] ایران هم همان معنا را تعقیب کرده بودند. شیاطینی که مطالعه کردند در همه مسائل ملتها و این را یافتند که اگر قشر روحانی وارد بشود در صحنه

سیاست، با داشتن پشتوانه عظیمی از ملتها، کلاه آنها پس معرکه است. باید چه بکنند؟ باید به طور عموم، این مطلب را القا بکنند که اهل علم را به سیاست چه کار؟ اهل علم فقط وظیفه‌اش این است که عبایش را سرش بکشد و اول ظهر برود نمازش را بخواند و بعد هم برود منبر چند تامسئله بگوید؛ نه مسائلی که مربوط به سیاست و مربوط به گرفتاریهای ملت است، همان مسائلی که دیدید، متعارف بود می‌گفتند و تقریباً اکثر ابواب فقه کنار گذاشته شده بود عملاً. تو کتابها نوشته شده بود و کنار گذاشته شده بود و اکثر آیات قرآن هم کنار گذاشته شده بود. قرآن را می‌خواندیم و می‌بوسیدیم و می‌گذاشتیمش کنار. آیاتی که مربوط به جامعه بود، آیاتی که مربوط به سیاست بود، آیاتی که مربوط به جنگ بود، آیات زیادی که اکثر آیات مربوط به این مسائل است، اینها را منسی کرده بودیم؛ یعنی، ما را وادار کرده بودند که منسی باشد.

شان بزرگ اهل علم این بود که این آقا نمی‌فهمد سیاست را! اگر یک آقای اصلاً عقلش نرسید به اینکه سیاست چیست، این بزرگوار بود خیلی؛ آقای است که دخالت در امور نمی‌کند، قربانش بروم، چه آقای خوبی، ظهر می‌آید نمازش را می‌خواند و می‌رود توی خانه‌اش می‌نشیند! و به ما این مطلب را تحمیل کرده بودند. این شیاطینی که می‌خواستند این جمعیت را کنار بگذارند، به ما همه تحمیل کرده بودند این مطلب را که اگر یک آقای - فرض کنید که - عقیده‌اش این بود که باید وارد بشود در سیاست و در گرفتاری ملت، می‌گفتند: این آقا سیاسی است! همین که می‌گفتند «سیاسی»، این دیگر باید برود، از جامعه باید جدا بشود.

این را تحمیل کرده بودند شیاطین به ما و نگذاشته بودند که ما خود پیغمبر اکرم را و حالاتش را مطالعه کنیم و نگذاشته بودند که ما حالات

حضرت امیر را مطالعه کنیم؛ ببینیم که آیا آنها چه جور وضعی داشتند. (۶۷۴)

۶۰/۴/۱۰

\* \* \*

از جمله چیزهایی که آنها بررسی دقیق کردند و دنبالش هم با تبلیغات و با طورهای دیگری عمل کردند، قضیه بررسی رابطه بین روحانیون با هم و رابطه بین روحانیون و مردم و کیفیت اینکه اینها در چه اوقاتی می‌توانند چه اعمالی را انجام بدهند و در چه زمانهایی می‌توانند اینها مردم را بسیج کنند. تمام اینها، کارشناس‌های آنها در دفاترشان حتماً نوشته‌اند و دنبالش هم فعالیت کرده‌اند، نه فعالیت یک بعدی، فعالیت چندین بعدی. آنقدری که می‌توانستند روحانیون را در بین مردم خفیف می‌کردند و آنقدری که می‌توانستند مردم را از روحانیت جدا می‌کردند و بین خود روحانیین اختلاف ایجاد می‌کردند و چنانچه این مطلب را کافی نمی‌دانستند - و نمی‌دانستند - آنها با گماشتن بعضی عوامل خودشان با فشار کارها را انجام می‌دادند. (۶۷۵)

۶۰/۶/۱۸

\* \* \*

باید سعی شود بین ائمه جمعه و سپاه پاسداران تفاهم باشد. اختلاف بین امام جمعه و سپاه امری عادی نیست، بلکه دستی در کار است و عده‌ای این کار را می‌کنند تا هم سپاه و هم روحانیت را تضعیف نمایند و با روش خاصی وارد شده‌اند. باید اشخاصی را مأمور کنید تا اگر در شهری اختلافی بین روحانیت و سپاه است، برطرف کنند. (۶۷۶)

۶۰/۷/۲۹

به من کراراً اطلاع دادند که بعض جوانها و بعض بیخبرها یا اشخاصی که با طرح وارد شده‌اند و آنها را اغفال کرده‌اند: به بعض مراجع بزرگ اسلام اهانت می‌کنند. در شهرهای مختلف، این مطلب دیده می‌شود. و شما بدانید که این مطلب اهانت کردن به مراجع جز اینکه یک اختلافی در بین ملت ایجاد کند و جز اینکه یک مطلب برخلاف رضای خدایی واقع بشود، نتیجه ندارد. من از عموم ملت تقاضا می‌کنم که هر جا یک همچو مسائلی دیدند، این جوانها اگر گول خورده‌اند، آنها را نصیحت کنند و اگر کسی است که مخصوصاً از این گروههای اختلاف‌انداز در بین آنها وارد شده، شناسایی کنند و به مراکزی که باید اطلاع بدهند، اطلاع بدهند. (۶۷۷)

۶۰/۸/۲۵

\* \* \*

مطلب... که باز اینها در فکر هستند این است که بین این ارگانهایی که هست؛ مثلاً، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، سایر [ارگانها] بسیج، چه، ... اینهایی که الآن هستند و اینها از خود مردم بودند بین اینها یک مناقشاتی را ایجاد بکنند. آن هم هر یک از آقایان احساس این مطلب را کردند و هر یک از علمای بلاد احساس این مطلب را کردند، این را هم باید با کمال جدیت جلوییش را بگیرند. (۶۷۸)

۶۰/۹/۲

\* \* \*

از قراری که گفتند در اعلامیه‌ای که این مجاهدین<sup>۱</sup> فاسد، منافقین داده‌اند به افراد خودشان، این است که معمم را بکشید، هر معممی

---

۱. سازمان مجاهدین خلق که بسیاری از روحانیون و خدمتگزاران اسلام را ترور کردند.

دیدید دیگر سؤال نکنید که این چه کرده، این عمامه خودش جرم است. و این عمامه جرمی است که در سابق هم بود این جرم و لهذا، هدف نوکرهای انگلیس هم در سابق همین بود که این عمامه را از بین بردارند و هر چه صالحتر، بیشتر باید از بین برود. و نکته‌اش هم این است که آن چیزی که آنها از آن می‌ترسند از اسلام است. (۶۷۹)

۶۰/۹/۲۱

\* \* \*

عده‌ای از روحانیون بزرگ را کشتند در زمان رضاخان. از شهرهای خودشان بیرونشان کردند، بردند یک جای دور دستی آنجا نگهشان داشتند. علمای آذربایجان را از آنجا برداشتند، بردند یک جای دیگر. علمای مشهد را همه را اسیر کردند، آوردند تهران. یکی از بزرگترین علمای آنجا را در همین تهران - من خودم این را دیدم - که توی یک خیابانی که اجازه داشت تا اینجا بیاید از خانه‌اش بیرون، با شبکلاه نشسته بود و مردم می‌آمدند، می‌رفتند، خیلها نمی‌شناختند، بعضیها هم می‌شناختند، جرأت نمی‌کردند سلام بکنند به او. و همین را که از علمای درجه یک مشهد بود؛ مرحوم «آقازاده<sup>۱</sup> بزرگ» که از علمای درجه یک بزرگ بود، با پاسبان توی خیابان می‌بردندش برای محاکمه. آخرش هم کشتند او [را]. (۶۸۰)

۶۱/۹/۲۸

\* \* \*

باید بدانید<sup>۲</sup> که تبهکاران و جنایت پیشگان بیش از هرکس چشم طمع

۱. ← ص ۱۰۷، پاورقی ۶.

۲. خطاب به رهبر آینده کشور.



به شما دوخته‌اند، و با اشخاص منحرفِ نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرصد اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای نخواستہ فاجعه به بار آورند، و با یک عمل انحرافی نظام را به انحراف کشانند، و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند. الله، الله، در انتخاب اصحاب خود. الله، الله، در تعجیل تصمیم‌گیری، خصوصاً در امور مهمه. و باید بدانید و می‌دانید که انسان از اشتباه و خطا مأمون نیست. به مجرد احراز اشتباه و خطا از آن برگردید، و اقرار به خطا کنید؛ که آن کمال انسانی است، و توجیه و پافشاری در امر خطا نقص، و از شیطان است. در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید، و جانب احتیاط را مراعات نمایید. (۶۸۱)

۶۲/۴/۲۲

\* \* \*

در مشروطه اینطور نبود، در مشروطه هر دو طرف قوی بودند. نجف بعضی علمای درجه اول مخالف بودند، بعضی علمای درجه اول موافق بودند. در ایران هم بین علما همین جور اختلافات را ایجاد کردند و این، اینطور نبود که خود به خود ایجاد شد، ایجاد کردند در بین آنها. ما باید از این تاریخ عبرت بگیریم که مبدا یک وقتی در بین شما آقایان روحانیون، بیفتند اشخاصی، یا در بین مردم و سوسه کنند و خدای نخواستہ آن امری که در مشروطه اتفاق افتاد در ایران اتفاق بیفتد. (۶۸۲)

۶۲/۷/۱۳

\* \* \*

در دانشگاه بعض از اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات،

دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می‌گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافی با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده‌اند حالا عکسش را دارند می‌گویند. این هم روی همین زمینه است، اینکه می‌گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدین است هر دویش غلط است. انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند. انتخابات بر فرض اینکه سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه ملت را تعیین می‌کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگیشان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این اینطور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند. این معنی دارد که مثلاً یک دویست تا مجتهد در قم داشتیم و یک صد تا مجتهد در جاهای دیگر داشتیم، اینها همه بیایند انتخاب کنند، دیگر مردم برونند کنار؟! این یک توطئه‌ای است که می‌خواهند همان طوری که در صدها سال توطئه‌شان این بود که باید روحانیون و مذهب از سیاست جدا باشد و استفاده‌های زیاد کردند و ما ضررهای زیاد از این بردیم، الآن هم گرفتار ضررهای او هستیم. حالا دیدند آن شکست خورد، یک نقشه دیگر کشیدند، و آن این است که انتخابات حق مجتهدین است، انتخابات یا دخالت در سیاست حق مجتهدین است. دانشگاهیها بدانند این را که همان طوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند. فرق مابین دانشگاهی و دانشجو و مثلاً مدرسه‌ای و اینها نیست، همه‌شان با هم هستند. اینکه در دانشگاه رفتند و یک همچو مطلبی را گفتند، این یک توطئه‌ای است برای اینکه شما جوانها را مأیوس کنند.

بیدار باشید! توجه کنید! اینها با توطئه‌هایشان می‌خواهند کار را

انجام بدهند، نمی‌توانند با دخالت نظامی کار بکنند، اینها می‌خواهند با شیطنتهایشان کار خودشان را انجام بدهند. آن وقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آنها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده. حالا می‌گویند که سیاست حق مجتهدین است یعنی، در امور سیاسی در ایران پانصد نفر دخالت کنند، باقیشان بروند سراغ کارشان. یعنی مردم بروند سراغ کارشان، هیچ کار به مسائل اجتماعی نداشته باشند، و چند نفر پیرمرد ملاً بیایند دخالت بکنند. این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران. برای اینکه، آن یک عده از علما را کنار می‌گذاشت، منتها به واسطه آنها هم یک قشر زیادی کنار گذاشته می‌شوند، این تمام ملت را می‌خواهد کنار بگذارد. یعنی نه اینکه این می‌خواهد مجتهد را داخل کند، این می‌خواهد مجتهد را با دست همین ملت از بین ببرد. باید دانشگاهیها متوجه باشند که اگر چنانچه افرادی در دانشگاه هستند که شیطنت دارند می‌کنند، اینها را باید توجه کنند که گول اینها را نخورند. خودشان دخالت در امور انتخابات بکنند. انتخابات سرنوشت حتی شمایی که در آنجا هستید را تعیین می‌کند. (۶۸۳)

۶۲/۱۲/۹

\* \* \*

امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاهها مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شرّ اینها

به خدا پناه بریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آنها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود. (۶۸۴)

۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

راستی اگر کسی فکر کند که استعمار، روحانیت را با اینهمه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی‌کند، ساده‌اندیشی نیست؟ مسئله کتاب آیات شیطانی کاری حساب شده برای زدن ریشه دین و دینداری و در رأس آن اسلام و روحانیت است. یقیناً اگر جهانخواران می‌توانستند، ریشه و نام روحانیت را می‌سوختند ولی خداوند همواره حافظ و نگهبان این مشعل مقدس بوده است و ان شاء الله از این پس نیز خواهد بود، به شرط آنکه حيله و مکر و فریب جهانخواران را بشناسیم. (۶۸۵)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه زدن انتخاب نمود؛ یکی راه ارباب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ در قرن معاصر. وقتی حربه ارباب و تهدید چندان کارگر نشد، راههای نفوذ تقویت گردید. اولین و مهمترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معركة سیاسيون تهمت وابستگی به

اجانب را به همراه می‌آورد؛ یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز؛ ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاریتر از اغیار بوده و هست. (۶۸۶)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

با اینکه در کشور ما در اجرای عدالت بین روحانی و غیر آن امتیازی نیست، ولی وقتی با متخلفی از روحانیت خوش سابقه یا بدسابقه برخورد شرعی و قانونی و جدی می‌شود، فوراً باندها فریاد می‌زنند که چه نشسته‌اید، جمهوری اسلامی می‌خواهد آبروی روحانیت را ببرد. اگر احیاناً کسی مستحق عفو بوده و بخشیده شود، تبلیغ می‌کنند که نظام به روحانیت امتیاز بیجا می‌دهد.

مردم عزیز ایران باید مواظب باشند که دشمنان از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به اصطلاح روحانیون سوءاستفاده نکنند و با موج‌آفرینی و تبلیغات اذهان را نسبت به روحانیون متعهد بدبین نمایند و این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچ‌کس قائل نیست و خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستیم. اگر تخلفی از من هم سرزند مهبای مؤاخذه‌ام. (۶۸۷)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

روحانیون و مردم عزیز حزب‌الله و خانواده‌های محترم شهدا حواسشان را جمع کنند که با این تحلیلهای افکار نادرست خون

عزیزانشان پایمال نشود. ترس من این است که تحلیل‌گران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم! (۶۸۸)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

### توصیه به مردم برای مقابله با توطئه‌ها

از اهالی<sup>۱</sup> محترم تقاضا می‌کنم... با حفظ آرامش اجازه ندهند بر خلاف شرع و قانون، مأمورین رفتار ناشایسته خود را تعقیب نمایند. شما اهالی محترم تحت نظر علمای اعلام و حجج اسلام و خطبای عظام، اجتماعات خود را خصوصاً در روز جمعه، هر چه بیشتر فشرده‌تر کنید. و به مراسم و شعائر مذهبی اهمیت دهید. و در مقابل زورگوییها و قانون‌شکنیها ساکت ننشینید و با کمال آرامش خلافکاریهای دستگاه جبار را به ملت ایران و ملل مسلمین گوشزد کنید. و از خدای تعالی به وسیله ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - استمداد نمایید. تا دولتهای جبار نتوانند بر خلاف اسلام و قوانین قرآن قدمی بردارند. (۶۸۹)

۴۳/۷/۲۱

\* \* \*

---

۱. اهالی کرمان، مخاطب امام بوده‌اند.

باید ملت اسلام بدانند خدمت‌هایی که علمای دین به کشورهای اسلامی در طول تاریخ کرده‌اند قابل شمارش نیست... در نظر اجانب و عمال خائن آنها باید این سنگر شکسته شود تا با خیال راحت به تاخت و تاز و چپاول و عیاشی به زندگانی ننگین خود ادامه دهند.

اینک بر مسلمین غیور و خصوص نسل جوان روشنفکر است که با کمال جدیت از این نغمه<sup>۱</sup> ناموزون خانمانسوز اظهار تنفر کنند، و مساجد و محافل دینی را هرچه بیشتر گرم کنند، و علاقه خود را به اسلام و علمای اعلام و وعاظ و خطبای محترم - دامت برکاتهم - بیش از پیش ابراز نمایند، و با این اظهار علاقه مشتی محکم به دهان عمال استعمار - خذلهم الله - بکوبند. (۶۹۰)

۵۰/۸/۲۱

\* \* \*

این گله هم، این گله‌ای که من دارم از این آقایان روشنفکرها این است که یک همچو جناح بزرگی که ملت پشت سرش ایستاده، این را از خودتان کنار نزنید بگویید که ما اسلام را می‌خواهیم ملا نمی‌خواهیم. این خلاف عقل است، این خلاف سیاست است. شما باید اینها را با آغوش باز بگیرید. و اگر چنانچه اینها در مسائل سیاسی اطلاعاتی ندارند، ضمّ به ایشان بشوید؛ اطلاعات سیاسی به اینها بدهید. اینها بهتر از شما توی مردم [آند]. - اینها - بهتر که شما نفوذ ندارید، اینها دارند. اینها در بین مردم نفوذ دارند. هر ملایی در محله خودش نافذ است. شما باید، شمایی که دلسوزید برای اسلام، شمایی که می‌گویید ما اسلام را می‌خواهیم، نگویید ما اسلام را می‌خواهیم، آخوند نمی‌خواهیم. شما بگویید اسلام را می‌خواهیم، آخوند هم

---

۱. تشکیل سپاه دین، توسط رژیم پهلوی.

می‌خواهیم. آخوند ملتفت - مثلاً - بعض مسائل سیاسی نیست؛ جمع بشوید دور آن آخوندی که مسائل سیاسی را نمی‌داند، یادش بدهید آن مسائل را تا او عمل کند تا ملت دنبالش باشد. تا بتوانید اجرا بکنید. اگر شما بخواهید خودتان باشید و منهای آخوند، تا قیامت هم در زیر بار دیگران هستید. شما همه جمع بشوید، همه با هم باشید، همه برادر باشید، اینها را رد نکنید. این یک قدرت لایزال است، این قدرت ملت است؛ شما این قدرت ملت را کنار نگذارید بگویید ما نمی‌خواهیم. شما هر چه هم بگویید ما نمی‌خواهیم، خوب مردم می‌خواهند. شما یک عده‌ای هستید، دیگران همه هستند؛ بازارها می‌خواهند اینها را، خیابانها اینها را می‌خواهند. گله من از این طبقه روشنفکر، در عین حالی که من علاقه دارم به اینهایی که خدمت می‌کنند به اسلام - خصوصاً این خارج، اینهایی که خارج کشور هستند، اینهایی که در امریکا هستند، اینهایی که در اروپا هستند، اینهایی که در هندوستان هستند - من با اینها روابط دارم، اینها خدمتگزارند، اینها می‌خواهند به اسلام خدمت بکنند، اینها گاهی که اشکالاتی در آنجا شده است با تمام قوت رفع کرده‌اند، اینها می‌خواهند رفع ظلم بکنند، اینها علاقه به اسلام دارند، لکن نباید اینهایی که علاقه به اسلام دارند - بعضی از اینها - خدمتهای علمای اسلام و آخوند جماعت را ندیده بگیرند و بگویند که ما اسلام می‌خواهیم منهای آخوند. نمی‌شود آقا این. اسلام و آخوند؛ مثل این است که بگویید ما اسلام می‌خواهیم، اسلامی که سیاست نداشته باشد. اسلام و آخوند اینطور توی هم هستند. اسلام بی‌آخوند اصلاً نمی‌شود. پیغمبر هم آخوند بوده؛ یکی از آخوندهای بزرگ پیغمبر است. رأس همه علما پیغمبر است. حضرت جعفر صادق هم یکی از علمای اسلام است. اینها فقهای اسلامند؛ رأس فقهای اسلام هستند. «من آخوند نمی‌خواهم» حرف شد؟! من



گله دارم از اینها. (۶۹۱)

۵۶/۸/۱۰

\* \* \*

می‌خواهند شما را از اسلام دور کنند و مالتان را بخورند، می‌خواهند شما را از روحانیت کنار بزنند و مالتان را بخورند، می‌خواهند نگذارند فرهنگ شما رشد پیدا کند و اموال زیرزمینی‌تان را بخورند و در اسارت نگهتان دارند تا آخر. و اگر امروز همه ملت دست به هم ندهند و هر چه خواهد شد خودشان را نجات ندهند از این گرفتاری، تا آخر در گرفتاری هستند. (۶۹۲)

۵۷/۸/۱۸

\* \* \*

توده‌ها با اینها هستند؛ اینها مظهر اسلامند، اینها مبین قرآنند، اینها مظهر نبی اکرمند. مردم اینها را این جور شناخته‌اند؛ مردم علاقه دارند به دین خودشان، علاقه دارند به اسلام خودشان. آن علاقه‌ای که به اسلام دارند، علاقه‌ای به علمای اسلامی دارند. اگر شما بخواهید از اینها جدا بشوید و اینها را منهدم کنید، هیچ کاری ازتان نمی‌آید. همان سیلی اول شما را می‌زنند و بیرونتان می‌کنند. چنانچه دیدیم که آن روزی که این جماعت وارد کار نبودند، شماها در انزوا خوابیده بودید، هیچ کاری هم از شما نمی‌آمد. وقتی که این جماعت آمدند و مردم همه دنبال این آمدند، بازارها با اینها هست، کشاورزها با اینها هستند، صنعتگرها و کارگرها، مسلمان همه اینها؛ وقتی مسلم شدند همه آنها، علاقه به خدا دارند، علاقه به پیغمبر خدا دارند، علاقه به امیرالمؤمنین دارند. اینها هم همانها هستند؛ یعنی دارند ترویج از آنها

می‌کنند. اینها تمام عمرشان را صرف کرده‌اند در اینکه کلمات ائمه اسلام را و پیغمبر اسلام را و احکام ائمه اسلام، پیغمبر اسلام را و احکام خدا را به مردم برسانند. کسی که هفتاد سال عمرش را صرف این معنا کرده و مردم او را به این سمت شناختند، مردم دنبالشان هستند. این معنایی که حالا زمزمه می‌شود که ما مثلاً زید را قبول داریم و دیگران را قبول نداریم، این یک امری است که در دهن شما انداخته‌اند. عمال خارجی شما را می‌خواهند جوری بکنند که منصرف کنند از علمای خودتان. اگر منصرف شدید از علمای خودتان - شما یک تیپ علی حده آنها یک تیپ علی حده - هر دو از بین می‌روید. شماها با آنها مخالفت می‌کنید، شما هم یک جمعیتی هستید و شما بدانید که منهای آخوند، هیچ کاری شما پیش نمی‌برید. شما در هر شهری که بروید می‌بینید که آن کس که شهر دستش هست و می‌تواند شهر را ببندد، باز بکند، باز یک ملاًست. شما تجربه کنید در تمام این تعطیلات، تجربه کنید ببینید که یکی از جناحها توانسته بازار را ببندد؟ آنکه بازار را بسته و به حکم او بازار را می‌بندند، آن عبارت از ملاًها هستند که امر می‌کنند. و آنکه ملاًها را پیش می‌برد برای این است که اینها برای خدا دارند حرف می‌زنند، و عمال اسلام هستند و مردم علاقه به اسلام دارند. این مطلب را کنار بگذارید که منهای آخوند. نمی‌شود آقا. شما بخواهید مملکتان را اصلاح کنید، منهای آخوند اصلاح بردار نیست. (۶۹۳)

۵۷/۱۰/۳

\* \* \*

کراراً سفارش علمای اعلام و ائمه جماعت محترم و خطبای ارجمند و سایر خدمتگزاران به شریعت مطهره را نموده‌ام. لازم است ملت

معظم بدانند که اگر خدای نخواستہ خللی در موقعیت این جماعت - که پاسداران اسلام و قرآن هستند - وارد شود، اجانب چپاولگر به آمال خود خواهند رسید و رشتهٔ امور از دست خواهد رفت. روشنگری این قشر محترم بود که ملت را با روحیه اسلامی به هیجان آورد. خدمت این طبقه را نباید فراموش کرد و اکنون نیز با کمک این طبقه است که در تمام کشور، اوضاع رو به آرامش است. من توصیه می‌کنم حتی نسبت به کسانی که به من اهانت نموده‌اند نباید تعرض شود. (۶۹۴)

۵۷/۱۲/۹

\* \* \*

از حوزه‌های علمیه تجلیل کنید... به حرفهایی که می‌زنند و می‌خواهند شما را از حوزه‌ها جدا کنند، از مراجع جدا کنند، گوش ندهید. اینها غرض دارند. این حوزه‌های علمیه است که اسلام را تا حالا نگه داشته است. اگر روحانیون نبودند از اسلام خبر نبود. آنکه اسلام را زنده نگه داشته است در مواقع سیاه، در این زمانهای سیاه، همین روحانیین بودند. پشتیبانی کنید از اینها. (۶۹۵)

۵۷/۱۲/۱۰

\* \* \*

هیچ‌کس و هیچ گروهی حق ندارد متعرض معممین بشود و به روحانیون اهانت کند. در صورت تخلف، دادگاه انقلاب محل موظف است او را تعقیب و مجازات کند. تذکرات فوق برای کوتاه کردن دست عمال اجانب است از حریم محترم روحانیت، که می‌خواهند با نیت فاسد خود و با تز «اسلام منهای روحانیت»، روحانیت اسلام را که معارض منافع اربابان هستند بکوبند. ملت

باید توجه به اینطور فکر استعماری و حیلۀ مغرضانۀ غربی داشته باشد؛ و ملت شریف موظف است این اقشار خائن را در صفوف خود راه ندهد. و در صورت تعرض به علما و روحانیون آنان را به دادگاه معرفی کند. (۶۹۶)

۵۸/۳/۳

\* \* \*

بر دانش‌آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینیه است که با تمام نیرو، وحدت خویش را حفظ و از انقلاب اسلامی خود طرفداری نمایند و بر ملت است که از این دو جناح عزیز با تمام قدرت پشتیبانی کنند. (۶۹۷)

۵۸/۸/۱۰

\* \* \*

سعه شعاع نفوذ روحانیین مختلف است با هم. اما هر کدام در هر شعاعی هستند، آن عده‌ای که آنجا هستند به حرف آنان گوش می‌دهند. یعنی می‌بینند که چنانچه دنبال حرف این بروند، این برایشان سعادت است. خیرخواهشان هست. اگر هم کشته بشوند، سعادت است.

اینها بودند که تجهیز کردند سرتاسر ایران، مردم را، این خطبا، این روحانیین، این مسجدیها خودشان آمدند و دنبالشان هم اینها آمدند. همه ملت آمدند و همه قشرها هم آمدند. لکن آنی که ملت را همچو به طور عمومی تجهیز کرد این طایفه بودند. و من همیشه از همه قشرها می‌خواهم که شما ملی هم هستید، اینها را حفظشان کنید. الهی که حفظشان می‌کند. ملی هم هستید اینها را حفظ کنید. اینها را از

دست ندهید. (۶۹۸)

۵۸/۱۰/۷

\* \* \*

بیدار باشید! ملت ما بیدار باشد! توجه داشته باشد که هر گوینده‌ای که بخواهد ایجاد اختلاف بکند، هر گوینده‌ای که بخواهد روحانیون را تضعیف بکند، نظر به روحانیون تنها نیست. آنها را تضعیف می‌کند، دنبالش شما هستید. آنها می‌خواهند که هجوم به این مملکت بکنند و همه چیز این مملکت را ببرند، و کسی نباشد یک تعرضی بکند، یک مقابله‌ای بکند. شما هر کدامتان که یادتان باشد، از اولی که این کودتای رضا خان تحقق پیدا کرد تا حالا در هر قضیه‌ای که بوده است روحانیون در صف مقدم، مخالفت کرده‌اند و زجرها کشیدند و حبسها رفتند و تبعیدها رفتند، و مردم مسلمان دنبال آنها هستند. و اگر آنها از مردم گرفته بشوند و مردم از آنها گرفته بشوند، آن روزی است که ابرقدرتها جشن می‌گیرند. (۶۹۹)

۵۹/۹/۱۵

\* \* \*

باید بیدار بشوید شما! باید ملت ما بیدار بشوند. ملت ما در خیابانها، در بازارها، در سایر نقاطی که هستند، در کارخانه‌ها، در صحراها مشغول به خدمت هستند، بیدار باشند که اینگه گفته می‌شود «دیکتاتوری آخوندی» این کلمه‌ای است که به باطل گفته می‌شود برای مقصد باطلتر! و الا پیدا کنند آنها این روحانیونی که دیکتاتوری می‌کنند. اگر دیکتاتوری معنایش این است که احقاق حق مظلوم را از ظالم می‌کنند و اگر دیکتاتوری معنایش این است که در

دادگاهها امثال نصیری‌ها<sup>۱</sup> را از بین می‌برند، این چیزی است که اسلام کرده است و امری است که با امر اسلام انجام می‌گیرد. و اگر دیکتاتوری معنایش این است که تحمیل به ملت چیزی را می‌خواهند بکنند، می‌خواهند با قدرت، ملت را آزار بدهند و مقاصد خودشان را انجام بدهند، این یک دروغ واضح است. باید مردم اشخاصی که این را می‌گویند، بگیرند آنها را و از آنها پرسند که این کدام یک است و چه کرده است و چه کار دیکتاتوری انجام داده است، تا بفهمند ریشه این مطلب از کجاست. (۷۰۰)

۵۹/۱۲/۱۴

\* \* \*

تکلیف ملت است که تبعیت از روحانیون بکند؛ و حرفها و تبلیغاتی که بر ضد روحانیت می‌شود گوش به آن ندهد. پیگیری کند اگر یک جایی گفتند، ببینند که آیا این دیکتاتوری که آنها می‌گویند در کجا واقع شده است. آیا رئیس مجلس ما یک دیکتاتور است و دارد دیکتاتوری می‌کند؟ یا مقامات دیگری که در کشور هستند. کدام یک از اینها مشغول دیکتاتوری هستند؟ یا زبانهای غیر متعهد اشخاص دارند دیکتاتوری می‌کنند و می‌خواهند روحانیت را تضعیف کنند و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند. زبانهایی که بر خلاف مصالح اسلام به روحانیت حمله می‌کنند بدون حجت شرعی، یا به جمهوری اسلامی حمله می‌کنند بدون یک دلیل واضح. اینها زبانهایی هستند که گویندگان آنها دیکتاتورند؛ و می‌خواهند روحانیت را از صحنه بیرون کنند، و آن وقت یک حکومتی به دست بیاید که این حکومت موافق

۱. نعمت‌الله نصیری، رئیس وقت ساواک مخوف شاه که توسط دادگاههای انقلاب به اعدام محکوم شد.

میل آقای ریگان<sup>۱</sup> باشد یا مطابق میل شوروی باشد! (۷۰۱)

۵۹/۱۲/۱۴

\* \* \*

باید توجه کنید تا کسانی ظاهر الصلاح، اسلام‌شناس نشوند و یکمرتبه متوجه شوید از راه راست منحرف شده‌اید؛ یعنی، سعی کنید اسلامتان از روحانیت جدا نشود و با آنان که اسلامشان با روحانیت مخالف است، مخالفت کنید. متوجه باشید، از آنجا که شما بیشتر زحمت می‌کشید، شیاطین از همه بیشتر متوجه شما می‌شوند تا شما را از بین ببرند. (۷۰۲)

۶۰/۷/۲۹

\* \* \*

نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. (۷۰۳)

۶۷/۴/۲۹

\* \* \*

اما مردم شریف ایران توجه داشته باشند که نوعاً تبلیغاتی که علیه روحانیت انجام می‌پذیرد به منظور نابودی روحانیت انقلاب است، ایادی شیطان در تنگناها و سختیها به سراغ مردم می‌روند که بگویند روحانیت مسبب مشکلات و نارساییهاست؛ آن هم کدام روحانی،

---

۱. رونالد ریگان، رئیس جمهور اسبق امریکا.

روحانی بی‌درد و بی‌مسئولیت نه، بلکه روحانیتی که در همه حوادث جلوتر از دیگران در معرض خطر بوده است. کسی مدعی آن نیست که مردم و پابره‌ها مشکلی ندارند و همه امکانات در اختیار مردم است. مسلم آثار ده سال محاصره و جنگ و انقلاب در همه جا ظاهر می‌شود و کمبودها و نیازها رخ می‌نماید ولی من با یقین شهادت می‌دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند امروز جز ننگ و ذلت و عار در برابر امریکا و جهانخواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی چیزی برایمان نمانده بود. (۷۰۴)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست برطبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد؛ و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیل‌کرده متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیروابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتهار به تقوا و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده، و با علما و روحانیون با تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده؛ و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند؛ که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه‌داران و زمینخواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابره‌نگان را نمی‌توانند بفهمند. (۷۰۵)

۶۸/۳/۱۵



اگر خبرگان که با انتخاب ملت تعیین می‌شوند از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علمای بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد، به مجلس خبرگان بروند، بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطه تعیین شایسته‌ترین و متعهدترین شخصیتها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد. و با نظر به اصل یکصد و نهم و یکصد و دهم قانون اساسی، وظیفه سنگین ملت در تعیین خبرگان و نمایندگان در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد، که اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد که احتمال آن، که در سطح بالای از اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد می‌کند. (۷۰۶)



## فصل ششم

### حوزه‌های علمیه

- مقاومت حوزه‌ها بر علیه توطئه‌های دشمنان اسلام
- اهمیت تحصیل علوم دینی و استمرار حوزه‌ها
- تأکید بر سنت سلف و فقه سنتی
- اهمیت تهذیب نفس و درس اخلاق
- ضرورت اصلاح برنامه‌ها و جامع‌نگری
- اهمیت نظم و همکاری طلاب و مدرسین
- خطرات و آفات



## مقاومت حوزه‌ها بر علیه توطئه‌های دشمنان اسلام

آیا علمای اسلام که حافظ استقلال و تمامیت کشورهای اسلامی هستند، گناهی جز نصیحت دارند؟ آیا حوزه‌های علمی، غیر از خدمت به اسلام و مسلمین و کشورهای اسلامی گناهی دارند؟ اجانب اینها را سد راه نفوذ خود می‌دانند و به انهدام و اضمحلال آنها کمر بسته و شماها مجری احکام دیگران و محکوم دلار هستید. کوبیدن حوزه‌های علمیه و حمله مسلحانه به مدرسه فیضیه و صحن مطهر قم، کشتار دسته جمعی ۱۵ خرداد جز خدمت کورکورانه به صاحبان دلار چه اسمی دارد؟ فشار به مراجع اسلام و علمای اعلام و محصلین حوزه‌های علمیه و تاخت و تاز به دانشگاه جز خدمت به اجانب چه نتیجه داشت؟ آنها نمی‌خواهند قرآن کریم و احکام آن حاکم بر ملل اسلامی باشد تا ذخایر آنها را به یغما ببرند و کسی حرفی نزند و در عوض آنها را مصونیت دهد؛ آنها نمی‌خواهند ما در بین ملت آزاد باشیم و گویندگان ما آزاد باشند و شماها مع‌الأسف مأمور اجرا هستید؛ مأمور چشم و گوش بسته؛ مأمور بی چون و چرا. حوزه‌های علمیه، سپاه دانش و اخلاق و درستی بوده و هست به معنای واقعی؛ نه گزافه و صرف تبلیغ. شماها اگر دانش دوست هستید، چرا حمله

وحشیانه به مراکز دانش می‌کنید؟ چرا مدرسه فیضیه و دانشگاه را به خاک و خون می‌کشید؟ چرا محصلین علوم دینیه را یک روز راحت نمی‌گذارید؟ چرا با دانشجویان در خارج و داخل این نحو معامله می‌کنید؟

... از قهر خدا بترسید؛ از قهر ملت بهراسید؛ با احکام خدای تعالی به نام دین مترقی بازی نکنید؛ با اسم قرآن به احکام مسلمة آن لطمه نزنید؛ با حوزه‌های دینیه به اسم سرباز و وظیفه پوچ و بیفایده و با خدمتگزاران به فرهنگ و ملت، این نحو سلوک وحشیانه نکنید. و بالاخره علمای امت را وادار نکنید که با شماها به طور دیگر سلوک کنند. (۷۰۷)

۴۶/۱/۲۶

\* \* \*

مبارزه با علم و فرهنگ با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد و می‌خواهند ملت بدبخت را به دستور استعمارگران عقب مانده نگه دارند. با ادعای اسلام و تظاهر به مسلمانی کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدسه قرآن را یکی پس از دیگری محو و نابود می‌کنند. علمای اعلام و محصلین علوم اسلامی در تحت فشار عمال استعمار دست و پا می‌زنند. مدارس علوم دینیه، مساجد و محافل اسلامی را می‌خواهند قبضه کنند و این برنامه را مقداری عملی کرده‌اند. (۷۰۸)

بهمن ۱۳۴۹

\* \* \*

کسی که دست نشانده دیگران است خدمت باید بکند؛ نمی‌تواند نکند. هوای نفس است، همه‌اش هوای نفس است. ریختن به دانشگاه

جز هوای نفس هیچی نیست؛ ریختن به مدرسه فیضیه و آن فضاحتی که در مدرسه فیضیه درآورد که شما خوابش را ندیدید؛ آن بساطی که در مدرسه فیضیه درآوردند: سید جوان را از پشت بام انداختند پایین که آوردندش منزل ما با کمر افسرده یا شکسته؛ آنقدر عمامه سر تفنگها کردند، آتش زدند؛ به جعفر بن محمد جسارت کردند، به قرآن جسارت کردند. (۷۰۹)

۵۰/۴/۱

\* \* \*

تأسف از واقعه جانسوز هفده خرداد (۵۴) مدرسه فیضیه و دارالشفاء - که واقعه قتل عام ۱۵ خرداد ۴۲ را زنده کرد - و یورش بی رحمانه و مسلحانه عمال استعمار بر مدارس دینی که جز با علم و فقه اسلام و دفاع از قرآن کریم و احکام سازنده اسلام سر و کاری ندارند، و شکستن سر و دستها و در و پنجره‌ها و کوبیدن تا سرحد مرگ و پرتاب کردن جوانان بی پناه را از پشت بامها (به جرم اظهار عقیده برخلاف حزب شاهی و به جرم سوگواری برای مقتولین ۱۵ خرداد) که به حساب نقل بعض مطبوعات خارجی، عدد مقتولین به ۴۵ نفر و عدد مجروحین بسیار است که در بیمارستانها پذیرفته نشده‌اند؛ و بیش از سیصد نفر در زندانها به سر می‌برند که سرنوشت آنها معلوم نیست. این است وضع کشور مترقی! این است معیار دموکراسی شاه! (۷۱۰)

۵۴/۴/۲۰

\* \* \*

رشد سیاسی دانشجویان قدیم و جدید است که به تبلیغات چند صد ساله اجانب و نقشه‌های تفرقه‌انداز استعمار پشت پا زده و

در صف واحد در مقابل رژیم، مردانه ایستاده و از حقوق ملت مظلوم دفاع می‌کنند، و از شکنجه‌ها و حبسها و محرومیتها هراس ندارند؛ رشد دانشجویان قدیم و جدید است که در بزرگداشت ۱۵ خرداد، روز رستاخیر ملت، در سراسر کشور به تظاهراتی دست زدند که شاه را دچار سرگیجه نمود و دستور حمله و حشیانه به مدرسه فیضیه و دارالشفاء، مهد تربیت اسلامی و کانون انفجار در مقابل ظلم و استبداد، صادر و محصلین قرآن و فقه اسلام را به اسم کمونیست پس از زجر و ضرب و جرح به زندانها و سربازخانه‌ها کشاند که سرنوشت آنها معلوم نیست. (۷۱۱)

۵۴/۷/۲

\* \* \*

شاه خواست ضرب شستی به ملت مسلمان نشان دهد؛ پس از تمامیت حساب با رئیس جمهور امریکا با بهانه مختصری که مأمورین ایجاد کردند، مرکز تشیع و حوزه فقاهاست اسلام را در جوار مرقد پاک فاطمه معصومه - سلام الله علیها - به مسلسل بست و جمعیت بیگناه فراوانی از جوانان حوزه علمیه و متدینین غیور شهر مذهبی قم را در خاک و خون کشیده به قتل رساند. (۷۱۲)

۵۶/۱۱/۲

\* \* \*

تا حالا چند دفعه مدارس ما به غارت رفته و مدارس ما به - عرض کنم - چپاول اینها رفته است. چند دفعه ریخته‌اند [تا] حالا در مدارس ما. آن وقت به مدرسه فیضیه چند دفعه ریخته‌اند و اینها جنایت کردند؛ حالا هم به مدرسه حجتیه و مدرسه خان. حالا محل حمله‌شان اینهاست. و



مدرسه حقانی و هر مدرسه‌ای که در آن باز است و یک قدری اجتماعات هست. مدرسه خان را تمام - از قراری که می‌گویند - تمام در و پنجره‌هایش را با تفنگ زده‌اند و شکسته‌اند. در مدرسه حجّتیہ سر یک کسی را بریده‌اند، یعنی تیر زده‌اند به او، تیر زده‌اند به او که خون جاری شده است؛ که یکی از علمای اینجا که رفته بود آنجا و بعد برگشت گفت که ما هم رفتیم دیدیم از آن محلی که این تیر خورده است خون ریخته؛ ریخته تا آمده است لب حوض. (۷۱۳)

۵۶/۱۱/۲۹

\* \* \*

حوزه علمیه قم و تبلیغات مراجع قم، علمای قم، دانشگاهها را که ما را جزء افیون ملت می‌دانستند، ما را دست نشاندۀ انگلیسها و مستعمرین می‌دانستند، بیدارشان کردند که نه؛ اینها تبلیغات است، تبلیغات خود آنها است، خود انگلیسها و آلمانها و شوروی و اینها تبلیغ می‌کنند که خیر حوزه‌های دین، حوزه‌های علمیه، علمای دین، اینها افیونند. خود آنها تبلیغ می‌کنند برای اینکه آنها می‌دانند که اینها چه فعالیتها دارند و چه تحرکها دارند و اسلام چه دین متحرکی است. اینها می‌دانند اینها را. می‌خواستند که از خاصیت بیندازند پیش ملت، تبلیغ کردند. (۷۱۴)

۵۶/۱۱/۲۹

\* \* \*

آنها با هر احتمالی یک سدی درست می‌کردند که جلوی آن محتمل را بگیرند، [چون] احتمال می‌دادند روحانیون از مقاصد آنها جلوگیری کنند، رضاخان را واداشتند به اینکه با روحانیون ... و آنطور که دیدید.

یعنی شاید شماها اکثراً یادتان نباشد، ولیکن من یادم است، و پیرمردها یادشان است، دیدید که با روحانین چه کردند. به طوری که در همین مدرسه فیضیه نمی‌توانستند طلبه‌ها روز توی حجره‌های خودشان بمانند. اینها مجبور بودند که قبل از آفتاب بروند به باغات، و آخر شب برگردند! برای اینکه اگر در مدرسه بودند، می‌آمدند پاسبانها می‌ریختند مدرسه و می‌بردند اینها را یا خلع لباس می‌کردند؛ یا حبس می‌کردند؛ و از این با بزرگان از روحانین هم مخالفت‌های زیاد شد. گرفتاریهای زیاد آنها داشتند. خیلی به حبس رفتند؛ [و] بعضی را کشتند. روی همین احتمال که روحانیون یک سدی باشند در مقابل اجانب. (۷۱۵)

۵۸/۲/۲۹

\* \* \*

من در همین مدرسه فیضیه - که حوزه‌ای آن وقت داشتم ... - یک روز آمدم دیدم یک نفر هست! گفتم که چه شده؟ گفت همه این طلبه‌ها قبل از آفتاب از ترس پاسبانها فرار کرده‌اند توی باغات. صبح که می‌شد قبل از آفتاب، این طلبه‌های اهل علم باید فرار کنند بروند در باغات؛ و شب برگردند توی حجره‌هایشان! آخر شب برگردند توی حجره‌هایشان. شما نمی‌دانید که به ما چه گذشت در این زمانها. ما نمی‌توانیم [همه آن را بیان کنیم].

من در مدرسه «دارالشفاء» حجره داشتم. رفقای ما یک عده‌ای بودند خوب، آنجا مجتمع می‌شدند و می‌نشستند و درد دل می‌کردند. چند روز که این اجتماع بود یک شخصی آمد - که خدا از او بگذرد - آمد نشست آنجا و گفت که خوب است که اینجا اجتماع نکنید؛ که ... با ملایمت گفت. رفقا هم با شوخی با او صحبت کردند و رفت. فردا یک

۱. مدرسه علمیه، جنب حرم حضرت معصومه (س) در شهر قم.

نفر کارآگاه آمد ایستاد دم در، گفت که آقایان اینجا نباید باشند، اگر باشند چه خواهد شد. که از فردا ... چند نفر جمعیت، هفت - هشت نفر بود؛ اجتماعی نبود، ما نتوانستیم این پنج - شش نفر، هفت - هشت نفری که بودیم در مدرسه دارالشفا، در آن حجره بمانیم. صبح که می شد، یواش می رفتیم در منزل یکی از آقایان آنجا - یا مثلاً دوره آنجا - مجتمع می شدیم و با هم درد دل می کردیم. (۷۱۶)

۵۸/۲/۱۹

\* \* \*

آنهایی که می خواهند این ممالک تحت نفوذ - ممالکی که حالا باید بگوییم ممالک شرق - آنهایی که می خواستند ممالک شرق را بچاپند، اینها به این دو جناح حمله کردند: به جناح علمای قدیم، و به جناح فرهنگ. منتها گاهی حمله ظاهر بود، و گاهی پشت پرده. حمله ظاهر آن بود که در زمان رضا شاه به علمای اسلام شد؛ که شاید اکثر شما یا همه شما یادتان نباشد که چه کردند با علمای اسلام. طوری کردند که این مدرسه‌های قم، مدرسه فیضیه، طلبه‌ها نمی توانستند توی مدرسه روز باشند. روز می رفتند توی باغات، آخر شب برمی گشتند. نمی توانستند یک جلسه درس داشته باشند؛ یک مجلس وعظ داشته باشند؛ و هکذا. (۷۱۷)

۵۸/۳/۱

\* \* \*

تمام نظر اجانب به این دو قطب دوخته شده بود. متنها هر جا را یکجور کوبیدند.

رضاخان که آمد - شماها هیچ کدام یادتان نیست. من دیدم - از اول

رضاخان که آمد، بعد از چندی که ابتدائاً به صورت یک مسلمان و یک آدم مثلاً ملی و اینها آمد، وقتی که پایه‌های حکومتش محکم شد، اول حمله‌ای که کرد به روحانین کرد، اینها را از همه طرف از هر طرفی کوبید. به طوری که من در مدرسه فیضیه یک جلسه درس داشتم؛ یک روز که رفتم دیدم یک نفر است! گفتم چطور؟ گفت که همه‌شان فرار کردند! قبل از آفتاب از مدرسه و از حجره‌ها فرار می‌کردند؛ و آخر شب برمی‌گشتند منزل، برای اینکه نمی‌توانستند. پلیس می‌آمد و می‌گرفت می‌بردشان، یا لباسشان را می‌کند؛ یا التزام از ایشان می‌گرفت؛ حبسشان می‌کرد و روحانیون سرتاسر کشور را در مضیقه گذاشتند و در فشار (۷۱۸)

۵۸/۳/۲۱

\* \* \*

همیشه، در همین عصر خودمان آنی که مورد هجوم واقع می‌شد همین مدرسه‌های علمی بود. همین مدرسه فیضیه قم چند دفعه مورد هجوم واقع شد و در شکستند و پنجره شکستند و کتابها را آتش زدند و عمّامه‌ها را آتش زدند و بعضی از افراد را از پشت بام پرت کردند پایین، و از این وحشیگریها که کردند؛ این هم برای این بود که می‌خواستند این دو تا قدرت را از مردم بگیرند. (۷۱۹)

۵۸/۴/۳۰

\* \* \*

## اهمیت تحصیل علوم دینی و استمرار حوزه‌ها

امید است توفیق پیدا شود که از مفاسد جلوگیری شود. اینکه من از

دور بودن شما<sup>۱</sup> از حوزه قم و همین‌طور دور بودن بعضی آقایان که خوب بود در این اوضاع آشفته و هرج و مرج حوزه‌های ما از آنها استفاده کنند، من ناراحتیم برای همین مفاسد منتظره است. اشخاصی را که اسم برده‌اید این مشکل را حل نمی‌کنند، اگر بر مشکل به واسطه دخالت بعضی از آنها که طبقه جوان از امثال آنها ناراحت هستند اضافه نکنند. قضیه شورا و اجتماع ارباب حل و عقد نیز عقده‌ای را حل نمی‌کند بلکه چنین اجتماعی محقق نخواهد شد؛ من تجربه بلکه تجربه‌ها دارم. آنچه در رأس مفاسد است همان امر سوم است که اشاره کرده‌اید که حوزه از درون تهدید می‌شود، باید آن علاج شود و علاجی [نیست] جز آنکه شخصیت‌هایی که مورد قبول باشند و از حیث معلومات قابل عرضه باشند در حوزه‌ها باشند و آنها ابتکار را به دست گیرند. شما برای انتخاب این اشخاص بهتر خبره هستید و می‌توانید اشخاصی را پیدا کنید که - ولو به نحو نوبت - تمام ایام، حوزه را اشغال کنند و بتدریج در روحیه جوانها مؤثر شوند.

من در نامه‌ای که اخیراً در جواب «اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا» نوشته‌ام - به طور تفصیل - مسائل اصلیه را توضیح دادم و راه را نشان دادم و مفاسد این عقیده فاسده را که علوم دینیه بلکه فرهنگ جدید نیز بیفایده است تذکر دادم و شاید اگر مجال پیدا شد ضمن پیامی به حوزه قم تفصیل دهم؛ لکن تذکر تنها کافی نیست و باید عملاً این انحرافات را جلوگیری کرد و آن به همت شخصیتها، که از آن جمله شما هستید، باید انجام گیرد. (۷۲۰)

اواخر ۱۳۵۶ ه. ش.

\* \* \*

آقایان ایرانی‌ها هم که ان شاء الله امیدواریم به سلامت به مقصد خودشان برسند و در حوزه‌های دینی مستقر بشوند... اگر در قم نتوانستند، در مشهد؛ و حوزه‌ها را حفظ بکنند و من امیدوارم همان طوری که حضرت رسول - صلوات الله علیه و آله و سلم - یک روزی از مکه خارج شدند... احتمال نمی‌داد که اینها برگردند... خدای تبارک و تعالی قادر است که شما آقایان را که الآن با زور از اینجا خارج می‌شوید و کمال علاقه‌ای که به جوار [حضرت امیر] دارید و به حوزه دارید... و من امیدوارم که ان شاء الله... خداوند تبارک و تعالی اینجا را حفظ می‌کند. (۷۲۱)

۵۰/۱۰/۲

\* \* \*

شما اهل علم هستید و همه از یک ریشه، و ورق یک شجره می‌باشید و اگر شما به عهد خود وفا کنید، خدای تعالی هم وفای به عهد خواهد کرد و شما را به حوزه‌ها باز خواهد گردانید، و ان شاء الله باز در اینجا یکدیگر را ملاقات می‌کنیم. و اگر من که روزهای آخر عمرم را می‌گذرانم در میان شما نبودم، شما هستید و بار دیگر در اینجا مجتمع خواهید شد.

در هر صورت مسئله زوال حوزه در کار نیست؛ حوزه سرچایش باقی خواهد بود. و صرف نظر از جنبه‌های معنوی و الهی، اصولاً از نظر موازین طبیعی هم زوال حوزه‌های علمیه ممکن نیست؛ زیرا حوزه‌ها مورد توجه تمام مسلمین بخصوص شیعه می‌باشد و پشتوانه آن، ملتها هستند، و آنچه ملتها پشتیبان آن باشند دولتها نمی‌توانند با آن مبارزه کنند. دولتها زودگذرند و عمرشان کوتاه است. پشتوانه نجف، ملتهای بزرگند و از این جهت محفوظ خواهد بود. اکنون در

حوزه‌های ما محصلین افغانی، پاکستانی، هندوستانی، عراقی، و دیگر ممالک عربی مشغول تحصیلند و این دولت که اصلاً نمی‌توان نام آن را دولت گذارد قدرت ندارد که در برابر ملتها ایستادگی کند و اگر با من و شما معارضه نماید، با ملتها نمی‌تواند معارضه کند. اگر آقایان ایرانی را اخراج کردند، دیگر آقایان که از ممالک دیگرند باید بایستند و به وظایف دینی خود اهمیت دهند. مثل شما مثل فوجهای سربازی است که اگر دشمن به فوجی حمله کرد و آنان را شکست داد، فوجهای دیگر پابرجا مانده و جای گروههای از بین رفته را می‌گیرند. دشمن از خدا می‌خواهد که وقتی یک گروه سرباز را از پای در آورد بقیه پا به فرار گذاشته میدان را خالی کنند.

آقایانی که از دیگر ممالک در اینجا هستند باید پابرجا باشند و به تحصیل علم و تهذیب نفس ادامه دهند و اگر مراجع و من - که یکی از طلاب هستم - از اینجا رفته‌ام، باز لازم است که آقایان بمانند و به وظایف خود عمل نمایند. (۷۲۲)

۵۰/۱۰/۱۰

\* \* \*

باید چه طبقه جوان روحانی و چه دانشگاهی، با کمال جدیت به تحصیل علم، هر یک در محیط خود ادامه دهند. این زمزمه بسیار ناراحت کننده که اخیراً بین بعضی جوانان شایع شده که درس خواندن چه فایده‌ای دارد، مطلبی است انحرافی و مطمئناً یا از روی جهالت و بیخبری است و یا با سوءنیت و از القائات طاغوتی شیطانی است که می‌خواهند طلاب علوم دینی را از علوم اسلامی باز دارند که احکام اسلام به طاق نسیان سپرده شود و محو آثار دیانت به دست خودمان تحقق پیدا کند، و جوانان دانشگاهی ما را انگل و متکی به قشرهای

استعماری بار بیاورند که همه کس چون همه چیز وارداتی باشد و احتیاج به اجنبی در تمام ابعاد و رشته‌های علمی هر چه بیشتر روزافزون شود؛ و این خطر بزرگی است که کشور را هر چه بیشتر به عقب می‌راند. اگر علوم اسلامی مردانی متخصص نداشت، تا کنون آثار دیانت محو شده بود؛ و اگر پس از این نداشته باشد، این سد عظیم مقابل اجانب منهدم می‌شود و راه برای استثمارگران هر چه بیشتر باز می‌شود و اگر دانشگاه‌ها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده و زمام امور اقتصادی و علمی ما را در دست می‌گیرند و سرپرستی می‌کنند. باید جوانان با این فکر غلط استثماری مبارزه کنند؛ و بهترین و مؤثرترین مبارزه با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم دین و دنیاست. و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت اسلامی است. (۷۲۳)

۵۶/۱۱/۲۴

\* \* \*

فقیه باید جنگجو هم باشد؛ فقیه باید سیّاف<sup>۱</sup> باشد، ولی فقیه هم باشد و فقهش را از دست ندهد.

اینطور نباشد که حالا بگویید که حالا که وقت نهضت است دیگر درس هیچی! این غلط است. علم همه چیز است؛ علم همه جهات است. حضرت امیر برای علم شمشیر می‌زد، برای توحید شمشیر می‌زد، برای بسط فقه شمشیر می‌زد. خیال نکنید که حالا که ما وارد شدیم در مسائل سیاسی، دیگر نباید وارد به مسائل علمی بشویم. شما که جوانید باید فقاقت ایجاد کنید، فقاقت در خودتان ایجاد کنید؛ باید

۱. شمشیرزن.



فقیه بشوید، فقیه، از او کار می‌آید اما فقیه مهذب، طلبه مهذب، انسان مهذب، ملت مهذب. (۷۲۴)

۵۷/۱۲/۱۱

\* \* \*

### تأکید بر سنت سلف و فقه سنتی

لازم است درس بخوانید، فقیه شوید، جدیت در فقاقت کنید، نگذارید این حوزه‌ها از فقاقت بیفتد، تا فقیه نشوید نمی‌توانید به اسلام خدمت کنید. (۷۲۵)

\* \* \*

من خوفم این است که ما نتوانیم، روحانیت نتواند آن چیزی که به عهده اوست صحیح انجام بدهد. من خوف این را دارم که به واسطه بعض تبلیغات، حوزه‌های علمی از آن کار اساسی که حفظ فقاقت است سستی بکنند، و کم‌کم فقه منسی بشود، و در درازمدت اینها نتیجه بگیرند. شما این را خیال نکنید که آنها خیلی دستپاچه‌اند که همین دو-سه روز این کارها را انجام بدهند. اگر توانستند، حالا، اگر نتوانستند نقشه می‌کشند که در پنجاه سال دیگر کار خودشان را انجام بدهند، دست بر نمی‌دارند. (۷۲۶)

۵۹/۴/۲۰

\* \* \*

فقه را در حوزه‌های علمیه مثل قم و مشهد و امثال اینها و همین‌طور

نجف باید فقاہت را حفظ کنند. حوزه‌ها باید حوزه فقاہت باشد. این حوزه‌های فقاہت بوده است که هزار و چند صد سال این اسلام را نگه داشته. این مشی‌ای بوده است که از زمان قدیم، از زمان ائمه هدی تا زمان ما، مشی‌ای بوده است که علمای ما داشته‌اند و آن حفظ فقاہت. نباید حالا شما فکر کنید که حالا که باید [در] امور سیاست هم ما دخالت بکنیم، پس به فقاہت کار نداشته باشیم. خیر، باید حوزه‌های فقاہت به فقه خودشان به همان ترتیبی که سابق بود هیچ تخطی نکنند. به همان ترتیبی که سابق تحصیل می‌کردید فقه و مقدمات فقه را [تحصیل کنید]، محکم فقاہت را حفظ کنند. ... اینطور نباشد که ما یکوقت خدای نخواستہ، از آن اصلی که اساس حفظ اسلام است رو برگردان بشویم و حوزه‌ها به فقاہت کم توجه بشوند. این فقہا هستند که حصون اسلام هستند و حفظ کردند اسلام را. باید حوزه‌ها عنایتشان به فقه و فقاہت از همه چیز بیشتر باشد. اگر حوزه‌های فقاہت خدای نخواستہ از بین برود یا سست بشود، رابطه ما بین فقہا و ملت قطع می‌شود. این حوزه فقاہت است که رابطه را محفوظ نگه داشته است. اگر یک اشخاصی آمدند در حوزه‌ها و پیشنهاد کردند که فقه لازم نیست، مثلاً به این طول و تفصیل باشد و فلان، و بیاییم یک چیزهای دیگر را هم چه بکنیم، اینها اشتباه می‌کنند یا مأمورند. فقه به همان قوت اولیه‌اش باید باقی باشد. حوزه‌های فقاہت، هم فقاہت را داشتند و هم یک جمعی هم معقول و سایر علوم را تحصیل می‌کردند. علمای اخلاق بودند در حوزه‌ها که مردم را و علما را و اهل علم را دعوت به مسائل اخلاقی می‌کردند. اهل معنویت و عرفان بودند که اشخاصی را دعوت می‌کردند به آنطور، و کارهای خودشان را انجام می‌دادند. لکن فقاہت که اساس است سر جای خودش بود و باید باشد. (۷۲۷)

اسلام با شماها، با این طبقه تا اینجا رسیده است و باید شما با تمام جدیت، فقیه درست کنید، ملاً درست کنید؛ فقیه در همه چیز. منافات ندارد که فقیه باشد، دخالت در امور مسلمین هم بکند، هیچ منافات با هم ندارد.

اما طبقه جوان باید مشغول باشند به تحصیل، و این حوزه‌های فقهاتی هر چه باید، هر چه بیشتر باید بشود و مراجع به اینها عنایت زیادتر بکنند و مدرسین عنایات زیادتر راجع به اینها داشته باشند. و حوزه فقهی به همان معنایی که تاکنون بوده است، حفظ کنید که اگر این حفظ نشود، فردا مردم دیگر شما را قبول نمی‌کنند. مردم معمم نمی‌خواهند، مردم عالم می‌خواهند. این متنها علامت علم است. اگر یک وقت - خدای نخواست - حوزه‌های علمی ما سست شدند در تحصیل، سست شدند در اینکه فقهت را تقویت بکنند، بدانند که این یک خیانت بزرگی به اسلام است. و اگر این فکر تقویت بشود که ما دیگر لازم نیست خیلی چه بکنیم و فقهت تحصیل بکنیم، این یک فکر شیطانی است؛ موافق آمال امثال امریکا در درازمدت. اگر شما حوزه‌های فقهاتی را؛ شما آقایان خراسان، آقایان قم، آقایان تبریز، سایر جاها، هر جا یک حوزه علمیه دارد، اگر تقویت نکنید اینها را به همان فقه که تاکنون بوده است؛ به همان فقه سنتی، اگر فقها تحویل جامعه ندهید، علما تحویل جامعه ندهید، مطمئن باشید که نمی‌گذرد یک نیم قرن، الا اینکه از اسلام هیچ اسمی دیگر نباید باشد. اگر فقهای اسلام، از صدر اسلام تا حالا نبودند، الآن ما از اسلام هیچ نمی‌دانستیم. این فقها بودند که اسلام را به ما شناساندند و فقه اسلام را تدریس کردند و نوشتند و زحمت کشیدند و به ما تحویل دادند. و ما باید همین جهت را حفظ بکنیم. و یک تکلیف الهی - شرعی است به اینکه حوزه‌ها باید تقویت بشود. و البته در بین حوزه‌ها، اشخاصی هستند

که آنها دخالت در امور اجتماعی و سیاسی می‌کنند و باید هم بکنند. اما غفلت از اینکه ما دیگر به فقاهت کار نداشته باشیم، این غفلت اسباب این می‌شود که اسلام را - خدای نخواست - منسی کنید بعد از چند وقت. باید حوزه‌ها به قوت خودش [باقی بماند]، بلکه هر روز قوتش زیادتر [شود]. حالا مزاحمها دیگر رفته‌اند. آنهایی که با عمامه شما کار داشتند حالا دیگر مدفون شده‌اند.

شما باید خودتان حفظ کنید اسلام را به حفظ فقاهت - اسلام همه‌اش توی این کتابهاست - با حفظ فقاهت، با حفظ این کتب، با نوشتن، با بحث کردن، با حوزه‌های علمی تشکیل دادن از همه علوم اسلامی، آن کتبی که منسی شده بود، آن کتب را باز به صحنه آوردن و بحث کردن و حفظ کردن این دژ محکمی که تاکنون اسلام را نگه داشته است. ما موظفیم که اسلام [را] به همان طوری که آمده است و به دست ما رسیده است، ما هم تحویل بدهیم به نسلهای آتیه ان شاء الله. آنها هم به نسلهای بعد و بعد، تا صاحبش بیاید و تسلیم او بکنند. (۷۲۸)

۶۰/۶/۱۸

\* \* \*

حفظ این حوزه‌ها، حوزه‌های فقاهت، حفظ این حوزه‌های علمی به همان معنایی که سابق بود، باید بماند. جدیت بکنید در اینکه تحصیل بکنید و محصل زیاد کنید، ملاً زیاد کنید. خیال نکنید که حالا ما دیگر احتیاجی نداریم، ما تا آخر احتیاج به علما داریم. اسلام تا آخر احتیاج دارد به این علما. این علما اگر نباشند، اسلام از بین می‌رود. (۷۲۹)

۶۰/۶/۱۸

\* \* \*

من کراراً، به همه تأکید کردم که این حوزه‌ها باید به همان وضع سنتی خودش محفوظ باشد. فقه، آن فقهی که در بین ما هست یک فقهی است که اگر از آن راه منحرف بشود فقه از بین می‌رود. باید همان طوری که، با همان قوتی که مشایخ ما از اول تا حالا فقه را حفظ کردند، ما هم به همان ترتیب حفظ بکنیم. و من امیدوارم که آقایان همه موفق باشند. (۷۳۰)

۶۰/۱۱/۱۴

\* \* \*

از امور مهمی که اینجانب نگران آن هستم مسائل حوزه‌های علمیه خصوصاً حوزه‌های بزرگ مثل حوزه مقدسه قم است. آقایان علمای اعلام و مدرسین محترم که خیر خواهان اسلام و کشورهای اسلامی هستند، توجه عمیق کنند که مبدا تشریفات و توجه به ساختمانهای متعدد برای مقاصد سیاسی و اجتماعی اسلام، آنان را از مسئله مهم اصلی حوزه‌ها که اشتغال به علوم رایج اسلامی و خصوصاً فقه و مبادی آن به طریق سنتی است، اغفال کند، و مبدا خدای نخواستہ اشتغال به مبادی و مقدمات موجب شود که از غایت اصلی که ابقا و رشد تحقیقات علوم اسلامی، خصوصاً فقه به طریقه سلف صالح و بزرگان مشایخ همچون «شیخ الطائفه<sup>۱</sup>» و امثاله - رضوان الله تعالی

۱. پایه‌گذاری حوزه عظیم و تاریخی نجف را در حقیقت باید به شیخ طوسی - رحمة الله علیه - نسبت داد. پس از آنکه طغرل بیک، با کمک مخالفان شیعه، حمله سختی را به شیعیان و مراکز دینی و علمی بغداد شروع کرد و کتابخانه عظیم بغداد که دارای هزاران جلد کتاب نفیس و بی‌نظیر بود به آتش کشید، شیخ طوسی که دیگر امکان فعالیت علمی و اجتماعی را در بغداد نمی‌یافت، به نجف اشرف هجرت کرد، و بتدریج جمعیت فراوانی از شاگردان به دور او جمع شدند و نطفه حوزه عظیم نجف منعقد گردید. شیخ طوسی، عالمی جامع‌الاطراف و ذوفنون و مبتکر بود و آثار علمی فراوان از خود به جای نهاد. وی یکی از برجسته‌ترین و متنفدترین رجال علمی تاریخ تشیع است، چنانکه امروز نیز حوزه‌های علمی شیعه، تحت تأثیر او قرار دارند. وی ملقب به «شیخ الطائفه» است. بعد از درگذشت شیخ طوسی

علیهم - و در متأخرین همچون «صاحب جواهر»<sup>۱</sup> و شیخ بزرگوار «انصاری»<sup>۲</sup> - علیهم رضوان الله تعالی - باز دارد. اسلام اگر خدای نخواست هر چیز از دستش برود ولی فقهش به طریقه موروث از فقهای بزرگ بماند، به راه خود ادامه خواهد داد. ولی اگر همه چیز به دستش آید و خدای نخواست فقهش به همان طریقه سلف صالح از دستش برود، راه حق را نتواند ادامه داد و به تباهی خواهد کشید. و با آنکه می‌دانیم مراجع عظام و علمای اعلام و مدرسین عالیقدر - دامت برکات و جودهم - توجه به این امر دارند، لکن خوف آن است که اگر تشریفات و زرق و برقهای شبیه به قطب مادیت رواج پیدا کند، در نسلهای بعد اثر گذارد و خدای نخواست آنچه از آن می‌ترسیم به سر حوزه‌ها بیاید. لازم است آقایانی که در این امور دست دارند و متصدی این مسائل هستند توجه کنند که حد افراط را جلوگیری کنند، و هر چه می‌کنند در خدمت حوزه‌های علمی و در خدمت اسلام و علوم اسلامی باشد، و کارها تعدیل شود و از افراط و تفریط احتراز گردد. از خداوند تعالی توفیق همگان را در خدمت به علم و علما و اسلام و ملت خواستارم. (۷۳۱)

۶۱/۱۱/۲۲

\* \* \*

۱. فرزند وی شیخ ابوعلی، حسن بن محمد حسن طوسی که بعدها از مشاهیر دانشمندان و روایت حدیث گردید، زعامت حوزه را احراز کرد. ابوعلی را به سبب علم و زهد فراوان «مفید ثانی» لقب داده‌اند. پس از شیخ ابوعلی و فرزندش، دوران جلا و رونق بیشتر حوزه علمیه، با وجود رجال بزرگان فقه و اصول و... آغاز گشت. سپس مدتی حوزه نجف از رونق افتاد و این امر تا هجرت شاگردان مرحوم آیت الله وحید بهبهانی به نجف ادامه داشت؛ ولی از آن پس، دوران نهضت علمی این حوزه با ظهور نوابغی مانند سیدبحرالعلوم، محقق نامدار کاشف الغطاء، محمدحسن نجفی (صاحب جواهر الکلام) و شیخ مرتضی انصاری آغاز گردید و در طول مدت کوتاهی به بالاترین درجه ممکن رسید.

۱. ← ص ۵۶.

۲. ← ص ۴۴۹.

از موضوعاتی که باید در فکر آینده اش باشیم، وضع روحانیت است، وضع درسی روحانیت است. در مورد وضع درسی آنچه پرسیدم، گفته‌اند خوب است. البته خوب داریم تا خوب، یک موقعی خوب است که صاحب جواهر و شیخ مرتضی تربیت می‌شود، و یک موقعی خوب است که ماها به وجود می‌آییم، بین این دو خیلی فاصله است. برای اینکه افرادی مثل صاحب جواهر تربیت شود باید دسته بسیاری مُمَحَّض بر تحصیل شوند، خود را مهیا کنند تا فقه را به صورت قدیم تحصیل نمایند. (۷۳۲)

۶۳/۶/۱۱

\* \* \*

مطلب دیگری که کراراً عرض کرده‌ام، مسئله تدریس و فقه است که هر چه می‌توانید آن را تقویت کنید. اسلام با فقه و احکام فقه باقی مانده است، باید عده‌ای کارها را انجام داده و عده‌ای هم مشغول بحث و درس بشوند. خداوند همه شما را حفظ و سلامت فرماید. (۷۳۳)

۶۴/۴/۹

\* \* \*

قضیه تحصیل هم باید به نحوی باشد که فقه سنتی فراموش نشود. و آن چیزی که تا به حال اسلام را نگه داشته است، همان فقه سنتی بوده است. و همه همتها باید مصروف این بشود که فقه به همان وضعی که بوده است، محفوظ باشد. ممکن است اشخاصی بگویند که باید فقه تازه‌ای درست کرد که این آغاز هلاکت حوزه است و روی آن باید دقت بشود.

البتة من همه شما آقایان را می‌شناسم و از شما به خاطر زحمتتان

در این امر، تشکر می‌کنم. ولی باید خیلی متوجه باشید. در هر صورت، آن چیزی که برای حوزه‌ها خطر است، این است که ما این فقه را به نحوی که به دست ما رسیده است، به نسل آینده تحویل ندهیم. باید همان‌طور که مبانی اسلامی، مبانی فقهی را تحویل داده‌اند، ما هم به آینده‌ها تحویل بدهیم که اگر این افراد در آینده نتوانستند کار خودشان را انجام بدهند، تقصیر ما نباشد. (۷۳۴)

۶۵/۱۱/۵

\* \* \*

در بُعد خدمات علمی حوزه‌های علمیه سخن بسیار است که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد. بحمدالله حوزه‌ها از نظر منابع و شیوه‌های بحث و اجتهاد، غنی و دارای ابتکار است. تصور نمی‌کنم برای بررسی عمیق همه جانبه علوم اسلامی طریقه‌ای مناسب‌تر از شیوه علمای سلف یافت شود. تاریخ بیش از هزار ساله تحقیق و تتبع علمای راستین اسلام گواه بر ادعای ما در راه بارور ساختن نهال مقدس اسلام است. (۷۳۵)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

این مسئله نباید فراموش شود که به هیچ وجه از ارکان محکم فقه و اصول رایج در حوزه‌ها نباید تخطی شود. البته در عین اینکه از اجتهاد «جواهری» به صورتی محکم و استوار ترویج می‌شود، از محاسن روشهای جدید و علوم مورد احتیاج حوزه‌های اسلامی استفاده گردد. (۷۳۶)

۶۸/۲/۱۷



لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درسهایی که مربوط به فقه است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریقه مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند، و کوشش نمایند که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیقها افزوده شود؛ و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است، محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد. (۷۳۷)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

### اهمیت تهذیب نفس و درس اخلاق

حوزه‌های علمیه در هر جا هست - در هر جا - حوزه‌های علمیه هم بیدار بشوند، هر جا هستند. امروز روزی نیست که حوزه‌های علمیه مثل سابق عمل کنند. سابق وضع دیگر داشت، حالا وضع دیگر. حوزه‌های علمیه بیدار باشند. تقوا را، تقوا را، تقوا را نصب عین خود قرار بدهید. فضلا، طلاب علوم دینی! تقوا، تقوا، تنزیه نفس، مجاهده با نفس. یک مجاهد با نفس می‌تواند بر یک امت حکومت کند. مجاهده کنید، تهذیب کنید... حوزه‌های خودتان را. (۷۳۸)

۵۷/۱۲/۱۰

\* \* \*

عزمتان جزم این معنا باشد، و توجهتان به خدا و اعمالتان خالص برای خدای تبارک و تعالی. جدیت کنید که در آن مدرسه که هستید تحصیل کنید. و بالاتر از تحصیل، تهذیب اخلاق [است]. اسلامی باشید و علوم

اسلامی را با نفوس اسلامی تکمیل کنید. در کنار تحصیل جدی در احکام اسلام و معارف اسلامی، تهذیب اسلامی داشته باشید. مدرسه‌های علمی و دینی و تمام مدارس که در آن تحصیل می‌شود، چه تحصیلات علوم دینی باشد یا تحصیلات دیگر، در رأس برنامه‌هایشان در این جمهوری اسلامی باید این معنا باشد که مَهذب باشند، قبل از اینکه عالم هستند. مَهذب باشند، قبل از اینکه محصل هستند. در مدارس، همه مدارس سرتاسر کشور، لازم است که اشخاصی که مَهذب هستند و علما و گویندگانی که راه حق را تا آن اندازه که قدرت داشتند پیموده‌اند در این مدارس بروند و حوزه اخلاقی و حوزه تهذیب و حوزه معارف اسلامی تشکیل بدهند، که در کنار تحصیلات علمی، تهذیب اسلامی و اخلاق اسلامی باشد. اگر تهذیب اسلامی در مدارس نباشد، چه مدارس دینی و چه مثل سایر دانشگاهها، که آنها هم باز مدارس اسلامی و دینی هستند، باید توجه کنند که معلمانی که در این مدارس هستند و کسانی که در این مدارس تبلیغ می‌کنند یا صحبت می‌کنند اشخاصی باشند که صد درصد اسلامی و معتقد به احکام اسلام و عقاید اسلامی باشند، که کسانی که پیش آنها تربیت می‌شود تربیت‌های اسلامی با تهذیب‌های اسلامی باشد. (۷۳۹)

۵۹/۱۲/۱۰

\* \* \*

اگر در حوزه‌های علمی قدیمی تهذیب نباشد، اخلاق نباشد، آموزش معنوی نباشد، فقط آموزش علمی باشد، فقط علم در کار باشد، آنجا هم افرادی از آن خواهند بیرون بیاید که دنیا را هلاک می‌کنند، به هم می‌زنند. (۷۴۰)

۶۱/۶/۲۸

علمای بلاد هم هر جا هستند و خصوصاً در حوزه‌های علمیه باید همه جهاتی که اهل علم را، آنهایی که تازه آمدند و مشغول درس خواندن هستند، آنها را به خدای تبارک و تعالی نزدیک می‌کند و علاقه‌مند می‌کند، همه آن جهات را باید حوزه‌ها داشته باشند. حوزه‌ها باید درس اخلاق داشته باشند، نه یکی، نه دو تا، ده تا، بیست تا، درس اخلاق داشته باشند. اگر بخواهید که آینده کشور شما یک آینده نورانی باشد، تربیت کنید اینهایی که وارد در حوزه‌ها هستند، یا در آنجایی که درس می‌گویید وارد می‌شوند، تربیتشان کنید به یک تربیتی که از این عالم هجرت کنند، توجه به ماورای اینجا بکنند، روحانی باشند؛ یعنی روح باشند، یعنی توجه به ماورای طبیعت داشته باشند. از اول قدمها که برداشته می‌شود، برای آن طرف برداشته بشود، وقتی این طور شد، اینجا هم درست می‌شود. آن کسی که جهات معنوی خودش را تقویت کرد، آن کس در جهات طبیعی هم قوی می‌شود. مَثَل، مَثَلِ انبیاست و اولیا، با همه آن معنویات، با همه آن معارف الهیه، کشورداری هم می‌کردند، حکومت هم تأسیس می‌کردند، حدود را هم جاری می‌کردند، کسانی هم که مضر به جامعه بودند از دم شمشیر می‌گذرانند، در عین حالی که در آن پایه از معارف بودند. (۷۴۱)

۶۴/۶/۵

\* \* \*

اخلاق باید در همه جا و در همه دروس، مورد توجه قرار گیرد. و اعتقاد بر این است که باید هر کس حوزه درسی بزرگ یا کوچکی دارد، یکی دو دقیقه - مقدماً یا مؤخرتاً - درس اخلاق بگوید که طلاب با اخلاق اسلامی بار بیایند. (۷۴۲)

۶۵/۱۱/۵

## ضرورت اصلاح برنامه‌ها و جامع‌نگری

معرفی و ارائه اسلام مستلزم این است که حوزه‌های روحانیت اصلاح شود. به این ترتیب که برنامه‌داری و روش تبلیغات و تعلیمات تکمیل گردد، سستی و تنبلی و یأس و عدم اعتماد به نفس جای خود را به جدیت و کوشش و امید و اعتماد به نفس بدهد؛ آثاری که تبلیغات و تلقینات بیگانگان در روحیه بعضی گذاشته از بین برود؛ افکار جماعت مقدس نما که مردم را از داخل حوزه‌های روحانیت از اسلام و اصلاحات اجتماعی باز می‌دارند، اصلاح شود؛ آخوندهای درباری که دین را به دنیا می‌فروشند از این لباس خارج و از حوزه‌ها طرد و اخراج شوند.

عمال استعمار و دستگاه‌های تربیتی و تبلیغاتی و سیاسی حکومت‌های دست‌نشانده و ضد ملی قرن‌هاست که سمپاشی می‌کنند، و افکار و اخلاق مردم را فاسد می‌سازند. کسانی که از میان مردم وارد حوزه‌های روحانیت می‌شوند طبعاً آثار سوء فکری و اخلاقی را با خود می‌آورند؛ حوزه‌های روحانیت جزئی از جامعه و مردم است؛ بنابراین، ما باید در اصلاح فکری و اخلاقی افراد حوزه کوشش کنیم. آثار فکری و روحی را که ناشی از تبلیغات و تلقینات بیگانگان و سیاست دولتهای خائن و فاسد است، از بین ببریم و با آن مبارزه کنیم. این آثار کاملاً مشهود است. مثلاً بعضی را می‌بینیم که در حوزه‌ها نشسته به گوش یکدیگر می‌خوانند که اینکارها از ما ساخته نیست. چکار داریم به اینکارها؟ ما فقط باید دعا کنیم و مسأله بگوییم. این افکار آثار تلقینات بیگانگان است، نتیجه تبلیغات سوء چند صد ساله استعمارگران است که در اعماق قلوب حوزه‌های نجف و قم و مشهد و دیگر حوزه‌ها وارد شده، و باعث افسردگی و سستی و تنبلی گردیده و

نمی‌گذارد رشدی داشته باشند.

مرتّباً عذرخواهی می‌کنند که این کارها از ما ساخته نیست. (۷۴۳)

\* \* \*

آقایان علما و روحانیون وظیفه‌شان از همهٔ مردم زیادتر است، سنگین‌تر است. اینها موظفند از طرف خدای تبارک و تعالی. الآن هم ملت مُسَلِم آنقدری که به حرف این طایفه گوش می‌دهند به حرف کسان دیگر گوش نمی‌دهند. بنابراین حجتی است این از خدای تبارک و تعالی بر ما که شمایی که مردم به شما گوش می‌دادند و مردم از شما اطاعت می‌کردند، چرا - مثلاً - قصور در این معنی داشتید؟ چرا کم - مثلاً - چیزی گفتید؟ ان شاء الله نداشته باشند لکن - خدای نخواسته - اگر در بین بعضیها باشد، وظیفهٔ ما بسیار سنگین است. چه از جهت اینکه تهذیب این دانشگاه اسلامی - دانشگاه بزرگ اسلامی - که باید به دست مراجع بزرگ بشود، و چه باب تعلیم و تعلم که باید باز تصفیه بشود و به دست بزرگان ما اداره و تصحیح بشود، و چه در کیفیت تحصیل که باید تجدیدنظر بشود. ما به همهٔ آقایان - با کمال خضوع - عرض می‌کنیم که شمایی که باید ارشاد کنید این ملت را، باید مجهز بشوید؛ باید مجهز به جمیع انحای ارشادات. مردم از شما توقع جمیع انحای ارشادات را دارند.

اسلام همان طوری که ابعاد مختلفه دارد به حَسَب ابعادی که انسان دارد اسلام برای انسان آمده است، برای انسان‌سازی آمده است، قرآن کتاب انسان‌سازی است - همان طوری که قرآن ابعاد مختلفه دارد حَسَب ابعادی که انسان دارد، علما هم باید ابعاد مختلفه داشته باشند در تعلیم، حَسَب ابعادی که اسلام دارد و حَسَب ابعادی که انسان دارد.

البته یک نفر نمی‌تواند همه این ابعاد را جوابگو باشد؛ لکن یک حوزه مرکب از ده هزار نفر یا حوزه‌های مرکب از - مثلاً - سی هزار نفر، اینها می‌توانند دسته دسته باشند و هر دسته‌ای یک بُعدی را اداره بکند: یکی جهات عقلی را، یکی جهات سیاسی را، یکی جهات اینهایی که همه در اسلام است؛ همه این جهات در اسلام هست و باید حوزه‌ها آنطور باشند، مجهز بشوند و همان طوری که [در] اسلام ابعاد مختلفه هست، حوزه‌ها هم ابعاد مختلفه داشته باشد: اشخاص مختلف برای هدایت مردم. و اگر چنانچه از این حوزه‌ها اشخاص صحیح و اشخاص به دردبخور، از این حوزه‌ها بلند نشود، جای دیگر ما توقع باید نداشته باشیم. باید اینها همین طوری که فقه را و انحای فقه را تعلم و تعلیم می‌کنند، سایر موارد اسلام را، سایر ابعاد اسلام را هم باید تحصیل بکنند و باید تدریس بکنند، و اشخاص ارزنده را بار بیاورند تا مردم را ارشاد و هدایت بکنند. (۷۴۴)

۵۷/۱۲/۲۹

\* \* \*

حوزه‌های علمیه ایران، چه حوزه‌های علمیه قدیمی و چه دانشگاهها یک وضعی داشتند که با این جهش باید آن وضع را متحول کنند و تهیه قبلی نداشتند. ناگهان تکلیفهایی به دوش همه آمد و چون مهیا نبودند هیچ یک از قشرهای ملت، از این جهت بار سنگین بود، لکن مع ذلک، بحمدالله همت والای همه قشرهای ملت این بار سنگین را هم دارد به پیش می‌برد، لکن کافی نیست این مقدار. حوزه‌های علمیه علوم شرعیه فعالیت‌هایشان در رژیمهای سابق و خصوصاً این پنجاه و چند سال اخیر بسیار محدود بود؛ هم برنامه‌های تحصیلیشان محدود بود، و هم فعالیت‌های خارجیشان که آن در حد - تقریباً - صفر بود.

مسئله قضاوت که یک مسئله مهم اسلامی است، حوزه‌های علمیه چون از این مسئله منزوی شده بودند و آنها را منزوی کرده بودند، مهیا نبودند که یک همچو بار سنگینی را بزودی از دوش خودشان بردارند. و چون حدود و تعزیرات و قضا و امثال اینها در آن رژیمها اصلاً مطرح نبود، رجالی که باید اینها را تکفل کنند و عمل کنند بسیار ناقص بودند حوزه‌ها از این جهات، نه از باب اینکه تقصیری کرده باشند، از باب اینکه مجالی برای آنها نبود [مشکل داشتند]. (۷۴۵)

۶۰/۹/۱۸

\* \* \*

حوزه‌های علمیه سراسر کشور خصوصاً حوزه قم، حوزه مشهد، حوزه اصفهان باید کوشش کنند که امروز که می‌توانند، مبلغ بفرستند به آن نحوی که بشناسد جامعه را و بفهمد که مشکلات چه است و باید چه بکند و چه بگوید؛ تربیت کنند و قاضی تربیت کنند و مخصوصاً مبلغین را زیاد احتیاج به آن هست. در سرتاسر کشور، ما احتیاج به مبلغ داریم، علاوه بر آن در خارج کشور احتیاج به مبلغ بیشتر داریم و الآن ما کمبود داریم. ما نباید امروز را مقایسه به دیروزها بکنیم. حوزه‌های علمی آن وقت در اختناق به سر می‌بردند، نمی‌توانستند که قاضی تحویل جامعه بدهند، از آنها پذیرفته نبود، نمی‌توانستند یک مبلغی که بتواند مسائل جامعه و مشکلات جامعه را به گوش مردم برساند تحویل جامعه بدهند. امروز را حوزه‌های علمیه نباید مقایسه کنند با دیروزها. امروز باید همه علمای بلاد و همه مراجع و همه مدرسین و دانشمندان حوزه‌های علمیه کوشش کنند که این تکلیفی که به عهده همه آمده است بطور شایسته انجام بدهند. شاید سرتاسر کشور، حدود - مثلاً - سه - چهار هزار نفر ما قاضی لازم داریم و

چندین هزار نفر مبلغ لازم داریم. بلادی هست که یک نفر مبلغ، یک نفر روحانی آنجا نیست. این حوزه‌هایی که افراد زیاد درشان هست، اجتماع زیاد هست، باید توجه به این مسئله داشته باشند که آمدن و درس خواندن به حسب امر خدای تبارک و تعالی مقدمه انذار است، مقدمه این است که بروند در بلاد خودشان یا بلاد دیگر مردم را تربیت کنند، مشکلات کشور را گوشزد کنند. امروز دیگر ما عذری نداریم که بگوییم نمی‌توانستیم. امروز می‌توانیم همه کارها را بکنیم و البته محتاج به صرف وقت است، صرف طولانی وقت است و چون تکلیف است باید بکنیم. مدرسین حوزه‌ها، خصوصاً حوزه علمیه قم، فضایی حوزه‌های قم و مشهد و سایر حوزه‌ها باید ترتیبی بدهند که این احتیاجی که در سرتاسر کشور به ملا هست، به مبلغ هست، به قاضی هست، این را رفع کنند. اگر الآن وضع قضا برخلاف یک موازینی که باید بشود - خدای نخواست - انجام بگیرد، این عهده ما است که نگذاریم انجام بگیرد، به عهده علمای بلاد و علمای حوزه‌های علمیه است که نگذارند اینطور بشود.

افراد بیایند در حوزه‌ها و بروند، باید رفت و آمد باشد. یک دسته معلم و مدرس ثابت و یک دسته‌های اکثریتی که وقتی که آمدند و کار خودشان را انجام دادند، خودشان را موظف بدانند که بروند در بین مردم، در یک جا متورم نشود و در یک جا هیچ. اینطور نباشد که یک شخصی در حوزه هیچ نحو فعالیت نداشته باشد و مع‌ذک، بماند. این به حسب وضع کشور ما مشروع نیست. (۷۴۶)

۶۰/۹/۱۸

\* \* \*

قوه قضاییه که امروز برای قضای شرعی احتیاج مبرم به افراد عالم



متقی با فضیلت دارد، حوزه‌های علمیه در هر جا هستند، خصوصاً حوزه‌های بزرگ باید این مسئله را یک واجب کفایی شرعی مهم تلقی نمایند. و برای این مقصد مهم اسلامی از علمای موجود در حوزه‌ها و شهرستانها دعوت نمایند. و همه علمای اعلام می‌دانند که قضا امر بسیار مهمی است که در رژیمهای طاغوتی به دست اشخاصی که اکثریت آنان صلاحیت نداشته‌اند سپرده شده بود. در رژیم سابق ما معذور بودیم، چون اشخاص صلاحیتدار را در هیچ امری، چه رسد به قضای شرعی، نمی‌پذیرفتند، ولی امروز که قضای اسلامی می‌خواهد اجرا شود عذری نیست. و بر اشخاص صلاحیتدار واجب است تا حد کفایت به این واجب عمل کنند و دیگران را هدایت نمایند و بسیج کنند. و نیز لازم است حضرات مدرسین محترم حوزه‌ها و علمای اعلام و مجتهدین عظام، کتبی را که به آنها «علوم غریبه» نام می‌نهادند - زیرا در بحثها و حوزه‌های علمی منسی بودند، چون محل ابتلا نبودند - امروز که شدیداً به آنها احتیاج است، مثل کتاب قضا و شهادت و قصاص و حدود و دیات و دیگر کتب محل حاجت را مورد بحث و تدریس و تحقیق قرار دهند، که در آینده مثل امروز گرفتار کمبود اشخاص نباشیم. امید است برای رضای خدای تعالی و برای عمل به وظیفه، به این امر توجه زیاد شود، و مسئله قضا که امروز از مشکلات جمهوری اسلامی است به برکت مراجع بزرگ و علمای اعلام حل شود. (۷۴۷)

۶۱/۱۱/۲۲

\* \* \*

البته روحانیت خوب عمل کرد و فقه اسلام را که فقه جعفری است با مجاهدت‌های زیاد زنده نگاه داشت، ولی بالاخره محصور شده بودند

در همان جهت فقهی، ولی همان را خوب عمل کردند. اشکال به ما این بود که به غیر از مسائل عبادی فقه هیچ کاری نمی‌کردیم. حوزه‌ها در زمینه‌های دیگر حرکتی نداشتند. تازه علمای بزرگ هم منبر نمی‌رفتند و تبلیغی که اساس کار است انجام نمی‌دادند. وضع فلسفه هم به صورت امروز نبود. آقای شاه آبادی<sup>۱</sup> -رحمة الله علیه- می‌گفت، مرحوم آقا میرزا علی اکبر یزدی که یکی از فلاسفه بزرگ و مردی عالم و صادق و پرهیزگار بود وقتی فوت کرد شخصی برای تعریف از او در منبر گفت، خودم دیدم که او قرآن می‌خواند. وضع حوزه‌ها اینگونه بود. علوم ریاضی یا سایر علوم یا نبود یا کم بود. اصولاً کسی به این فکر نبود که چه چیزهایی باشد و چه چیزهایی نباشد. حرکت در حوزه‌ها نبود. حوزه کسی را به عنوان مبلغ اعزام نمی‌کرد. البته افراد، خودشان برای تبلیغ می‌رفتند ولی حوزه کسی را نمی‌فرستاد. اعزام به خارج که در ذهن‌ها نبود و هیچ کس هم فکر نمی‌کرد که امکان دارد کسی را به خارج فرستاد. ولی بحمدالله امروز در حوزه‌ها این مسائل حل شده است. من باز عرض می‌کنم که فقه را نباید فراموش کرد. فقه به همان صورتی که بوده است باید باشد. «فقه جواهری» باید تقویت شود. باید حوزه‌ها وقت وافرشان را صرف فقه و اصول و فلسفه و مباحثه کنند زیرا فقه در رأس دروس است، ولی مسائل دیگر هم مهم است که باید به آنها عمل شود. (۷۴۸)

۶۲/۶/۲

\* \* \*

مدارس علمی که ما حالا از آن روی هم رفته تعبیر می‌کنیم به فیضیه،

۱. آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی (۱۲۹۲ - ۱۳۶۹ ه. ق.). فقیه، اصولی، عارف و فیلسوف برجسته قرن چهاردهم هجری، که حضرت امام در درس عرفان و اخلاق ایشان حاضر می‌شدند و از ایشان با احترام بسیار یاد می‌کردند. از آثار اوست: شذرات المعارف، الانسان و الفطرة، القرآن و العترة.

آن از جهات دیگر ناقص بود، آنجا را مستقیماً نیامدند مثل دانشگاه تصرف کنند و نتوانستند بکنند. آنها با همه سختیها در دوران رضاخان که سختیها زیاد بود، تحمل کردند و راه خودشان را ادامه دادند و زمان بعد هم همین طور. لکن ما محصور شده بودیم در یک کتابها و در یک عقاید خاصی. کتابها از حیث تعلیم و تعلم غالباً از طهارت و تجارت و صلوات - غالباً - تجاوز نمی‌کرد. علوم قضایی و حدود و دیات و اینها از علوم غریبه بود، البته مشایخ نوشته‌اند، همه را مستقصی نوشته‌اند، لکن در حوزه‌ها از باب اینکه، این امور خارج بود از حیطه عمل آنها، قضاوت دست آنها نبود، حدود و دیات و قصاص و اینها عملی نبود، از این جهت آنها مورد بحث واقع نمی‌شد و ما محصور شده بودیم در کتابها، در باب تعلیم و تعلم به همان مقدار....

بحمدالله امروز که ما از آن قیدوبندها رهایی پیدا کرده‌ایم باید توجه به این معنا داشته باشیم که امروز حوزه‌ها با دیروز حوزه‌ها فرق دارد. (۷۴۹)

۶۲/۶/۱۵

\* \* \*

ما امروز نمی‌توانیم مثل سابق فکر کنیم، ما سابق تبلیغاتمان محصور به ایران بود. گاهی اتفاق می‌افتاد که در یک جای دیگر هم می‌رفتند اما گاهی بود، خیلی کم. و تبلیغات آن قدری که برای خارج لازم است برای داخل کمتر از او لازم است. شما می‌بینید که امروز همه تبلیغات دنیا بر ضد اسلام است؛ با اسم ضدیت با جمهوری اسلامی اصل اسلام را محکوم می‌کنند. صورت اسلام را به یک صورت دیگری در آورده‌اند که غیر واقعیت اوست. پیشتر احتیاج به زبان، زبانهای خارجی نبود، امروز احتیاج است به این، یعنی جزو برنامه تبلیغات

مدارس باید زبان باشد، زبانهای زنده دنیا، آنهایی که در همه دنیا شایع تر است. این باید یکی از چیزهایی باشد که در مدارس دینی ما که می‌خواهند تبلیغ بکنند، این امروز محل احتیاج است، مثل دیروز نیست که ما صدامان از ایران بیرون نمی‌رفت. امروز ما می‌توانیم در ایران باشیم و به زبان دیگری همه جای دنیا را تبلیغ کنیم، در همه جا مبلغ باشیم، و علاوه بر آن امروز رفتن به همه جای دنیا یک امر آسان و عادی است که مبلغین ان‌شاء‌الله باید تربیت بشوند، و فیضیه و دانشگاه ما باید یک دانشگاه و یک فیضیه باشد برای همه دنیا، تبلیغ برای همه دنیا، برای همه کشورهای عالم. (۷۵۰)

۶۲/۶/۱۵

\* \* \*

مانه امروز مبلغ داریم و نه قاضی داریم. یک عده مختصری، آن قدری که ایران احتیاج به مبلغ دارد، ندارد، حوزه‌ها ندارند. آن قدری که قاضی لازم دارند، حوزه‌ها ندارند، حوزه‌ها تربیت قضات را نکرده‌اند، یک عده پیرمردها هستند لکن آنها نمی‌روند سراغ این کارها. ما الآن نسل جوان را باید برای قضاوت، برای تبلیغ تربیت کنیم. برای قضاوت که واجب است، واجب کفایی است برای همه، باید تربیت کنیم که این واجب کفایی تحقق پیدا بکند، و برای تبلیغ هم لازم است ما تبلیغ بکنیم. آن هم جزو واجبات است که ما از اسلام تبلیغ بکنیم. آن چیزی که وارد شده است در قرآن باید تبلیغ کرد به همه جا، و تبلیغ لازمه اش این است که زبان بدانند.

شما نمی‌توانید بروید در انگلستان برای انگلیسی‌ها با زبان فارسی تبلیغ کنید یا در امریکا اینطور یا در شوروی. شما باید با زبان اهلی آنها تبلیغ کنید، و این از امور لازمه‌ای است که پیشتر نمی‌شد اسمش را

برد، و حالا می‌بینیم جزو لازم‌هاست و واجبات است که باید عمل بشود.

بنابراین در عین حالی که من تشکر می‌کنم از همه آقایانی که در این امور دخیل هستند و مشغول خدمت و فداکاری هستند، در عین حال از آنها تقاضا دارم، و از همه حوزه‌های علمیه در هر جا که هست این تقاضا را دارم که دامن به کمر بزنند و نقیصه‌های سابق را که عقب‌افتادگی‌های سابق را جبران کنند. مبلغ درست کنند، قاضی درست کنند. چیزهایی که احتیاج دارد اسلام به آنها. و تبلیغ اسلام به غیر از اینها، یا عمل کردن به احکام اسلام بدون آنها نمی‌شود. بنابراین، با این همه تبلیغات علیه ما. ما هم باید تبلیغات داشته باشیم. ما باید اعزام مبلغ در خارج بکنیم به آن قدری که می‌سور است برای ما. و امیدوارم که موفق بشوید، آقایان موفق بشوند هم در دانشگاه و هم در فیضیه، موفق بشوند به اینکه تربیت کنند عده زیادی را از زن و مرد برای تبلیغ. (۷۵۱)

۶۲/۶/۱۵

\* \* \*

تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که *تَبَيَّنَا كُلَّ شَيْءٍ*<sup>۱</sup> است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تأییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع *مَنْ خُوِطِبَ بِهِ*<sup>۲</sup> از اسرار آن کسی آگاه نیست و به

۱. اشاره است به آیه ۸۹ سوره نحل: *تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ*؛ بیانی کامل مر همه چیز را.

۲. *إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ*؛ قرآن را فقط آن کس که قرآن به او خطاب شده، می‌شناسد؛ بحر الانوار؛ ج ۴۶،

برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده‌اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره‌مند شده‌اند و اکنون صورت کتبی آن، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی‌کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته‌های مختلف، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - بهره‌هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان با بررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه‌ای از آنچه قلب عوالم از «ادبني ربِّي»<sup>۱</sup> دریافت فرموده، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مؤدب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه‌ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هُدَى لِّلْمُتَّقِينَ<sup>۲</sup> هدایت یافته‌اند، برای عاشقان سوخته هدایت‌الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه‌ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این

۱. پروردگارم مرا تربیت کرد؛ فوجات مکيه؛ ج ۲، ص ۲۸۴.

۲. هدایت‌کننده متقین (بقره / ۲).

کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته‌ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و رؤسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم‌الشان آوردند.

هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های اهل تحقیق! پابخیزید و قرآن کریم را از سر جاهلان مُتَنسِّک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می‌گویم از عمر به باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را مَحْطَ نظر و مقصد اعلا‌ی خود قرار دهید. (۷۵۲)

۶۵/۵/۱۶

\* \* \*

در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است

حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاستها و حتی سیاسیون و فرمولهای دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگیهای یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. (۷۵۳)

۶۷/۱۲/۳

\* \* \*

این مسئله نباید فراموش شود که به هیچ وجه از ارکان محکم فقه و اصول رایج در حوزه‌ها نباید تخطی شود. البته در عین اینکه از اجتهاد



«جواهری<sup>۱</sup>» به صورتی محکم و استوار ترویج می‌شود، از محاسن روشهای جدید و علوم مورد احتیاج حوزه‌های اسلامی استفاده گردد. (۷۵۴)

۶۸/۲/۱۷

\* \* \*

لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درسهایی که مربوط به فقه است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریقه مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند، و کوشش نمایند که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیقها افزوده شود؛ و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است، محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد. و البته در رشته‌های دیگر علوم به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه‌هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید شود. و از بالاترین و والاترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی [است]، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله - رزقنا الله و ایاکم - که جهاد اکبر می‌باشد. (۷۵۵)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

## اهمیت نظم و همکاری طلاب و مدرسین

آتیه شما تاریک است، دشمنان زیادی از هر طرف و هر طبقه پیرامون

شما گرد آمده‌اند؛ نقشه‌های اهریمنانه خطرناکی برای نابودی شما و حوزه‌های علمیه در دست اجرا می‌باشد؛ ایادی استعمار خوابهای خیلی عمیق برای شما دیده‌اند؛ خوابهای خیلی عمیق برای اسلام و مسلمانان دیده‌اند؛ با تظاهر به اسلام نقشه‌های خطرناکی برای شما کشیده‌اند. شما فقط در سایه تهدیب، تجهیز و نظم و ترتیب صحیح می‌توانید این مفاسد و مشکلات را از سر راه خود بردارید و نقشه‌های استعماری آنان را خنثی کنید. من اکنون روزهای آخر عمرم را می‌گذرانم و دیر یا زود از میان شما می‌روم، ولی آینده تاریک و روزهای سیاهی برای شما پیش بینی می‌کنم. اگر خود را اصلاح نکنید، مجهز نگردید، نظم و انضباط در امور درسی و زندگی خود حکمفرما نسازید، در آتیه خدای نخواستہ محکوم به فنا خواهید بود. تا فرصت از دست نرفته، تا دشمن بر همه شئون دینی و علمی شما دست نیافته، فکری کنید؛ بیدار شوید؛ به پا خیزید. در مرحله اول در مقام تهدیب و تزکیه نفس و اصلاح خود برآیید مجهز و منظم شوید؛ در حوزه‌های علمیه نظم و انضباط برقرار سازید؛ نگذارید دیگران بیابند حوزه‌ها را منظم کنند، اجازه ندهید دشمنان به بهانه اینکه اینان لایق نیستند، کاری از آنان ساخته نیست و مشتی بیکاره در حوزه‌ها گرد آمده‌اند به حوزه‌های علمیه دست بیاندازند و به اسم نظم و اصلاحات، حوزه‌ها را فاسد سازند و شما را تحت سلطه خود درآورند. بهانه دست آنان ندهید. اگر شما منظم و مهذب شوید، همه جهات شما تحت نظم و ترتیب باشد، دیگران به شما طمع نمی‌کنند؛ راه ندارند که در حوزه‌های علمیه و جامعه روحانیت نفوذ کنند. شما خود را مجهز و مهذب کنید. (۷۵۶)

\* \* \*

یکی از امور مهمی که مورد توجه بزرگان و علمای حوزه علمیه قم بوده است، لکن عمل مثبتی درباره آن انجام نگرفته، ایجاد نظم و انضباط در حوزه‌هاست، که لازم است از حوزه علمیه قم شروع شود و به طور جدی و اساسی عمل شود. البته این امر برای حفظ حوزه‌ها از ورود عناصر منحرف از حیث عقاید و اخلاق و اعمال از اهم وظایف شرعی است، که به عهده همه خصوصاً فضلا و علما و مدرسین می‌باشد؛ و با همکاری جدی همگان و با تأیید مراجع معظم می‌تواند جامه عمل پوشد. در این زمان که حوزه‌های علمیه و روحانیون معظم در پیشبرد مقاصد اسلام و تحکیم جمهوری اسلامی نقش بسیار مؤثری دارند، شک نیست که قدرتمندان و قدرت‌طلبان بیکار ننشسته‌اند، بلکه در تلاشند تا این قدرت فعال را تضعیف کنند. و این امر برای آنان میسر نیست مگر با رخنه کردن عناصر فاسد در حوزه‌ها، که از داخل موجبات تباهی و از کار افتادن این پدیده الهی را فراهم آورده، و خدای نخواستہ به تدریج و در دراز مدت ملت را از آنها مأیوس و روی‌گردان کنند. و همه می‌دانیم که اگر خدای نخواستہ حوزه‌ها از عهده تربیت فقها و علما و خطبای موجه و مورد علاقه مردم برنیایند و به طور هرج و مرج و بدون برنامه صحیح و ضابطه اسلامی عقلایی حوزه‌ها اداره شوند، باید همه منتظر فاجعه شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ باشیم. و اگر اکنون با همت همگان از سرچشمه فساد جلوگیری نشود، فردا و فرداها دیر است، و بسا باشد که به جایی رسد که از قدرت همه خارج شود و مقایسه امروز حوزه‌ها با قبل از انقلاب، که روحانیون از سیاست و نظر در امور کشور به واسطه تبلیغات و فشارها و کج‌فهمیها منعزل و برکنار بودند، بسیار نابجا و غلط است. گرچه ممکن است بعضی کج‌فهمها با این امر حیاتی مخالف باشند و با تز «نظم در بی‌نظمی است» با توهمات

شیطانی دست به گریبان باشند، لکن اینان در اقلیت هستند؛ و قشرهای عظیم روحانیون متفکر و متوجه به مسائل و پیشامدها در این فکر هستند. و بالاخره همانطور که پاکسازی و تصفیه در همه ارگانهای دولتی و کشوری و لشکری لازم است، در حوزه‌ها و دانشگاهها، که همگام با حوزه‌ها هستند و هر دو از ویژگی خاصی برخوردارند، تصفیه و پاکسازی مهمتر است. و با تصفیه این دو پایگاه اسلامی و ملی، محتوای جمهوری اسلامی به رشد و ترقی خود ادامه خواهد داد. و با انحراف این دو، انقلاب و جمهوری از مسیر اصلی خود منحرف خواهد شد. (۷۵۷)

۶۰/۱۱/۲۲

\* \* \*

در قدیم حوزه‌ها محصور شده بود در چار دیواری که کسی نمی‌توانست از آن بیرون بیاید. تبلیغات سوء به صورتی بود که اگر طلبه‌ای می‌خواست حرفش را بزند و در فکر تشکیلات باشد، مورد طعن قرار می‌گرفت. همیشه صحبت «نظم در بی نظمی است» مورد تأیید بود. همه باید متأسف باشیم که این انقلاب دیر پیروز شد. اگر این انقلاب سی سال پیش پیروز می‌شد، وضع حوزه‌ها غیر از این بود. (۷۵۸)

۶۲/۶/۲

\* \* \*

بار دیگر به فرزندان خوب و انقلابی‌ام سفارش می‌کنم که شورای مدیریت حوزه علمیه قم مورد تأیید اینجانب می‌باشند. سعی کنند تندروی نکنند که تندروی باعث شکست خودشان می‌گردد.

باید طلاب جوان اساتید محترم حوزه را که در خدمت انقلاب و اسلام و علوم اسلامی می‌باشند یاری کنند تا آنان بتوانند به هدفهای مهم تعلیم و تربیت برسند. شورای مدیریت و اساتید عزیز هم توجه داشته باشند که بدون طلاب انقلابی به هیچ یک از خواسته‌های مشروع خود نخواهند رسید. طلاب انقلابی و مبارز، پیشتازان انقلاب اصیل اسلامی مان می‌باشند. چهره گلگون و روشن فیضیه‌های ایران در جهان اسلام مرهون زندانها و شکنجه‌های این عزیزان است.

این مسئله باید در نظر گرفته شود که شورای مدیریت حوزه علمیه قم از خدا می‌خواهند کاری کنند که طلاب عزیز در فراگیری علم و دانش با مشکلات روبه‌رو نشوند. اگر در بعضی جهات بدین نتیجه نمی‌رسند، لابد در حد توانشان نیست. شعار همیشه از آن کسانی است که وارد گود اجرا نیستند.

از خداوند متعال توفیق سرداران و سربازان علوم اسلامی را خواستارم. (۷۵۹)

۶۸/۲/۱۷

\* \* \*

از همه لازمتر حوزه‌های علمیه است که تنظیم و تصفیة آن با مدرسین محترم و افاضل سابقه‌دار است با تأیید مراجع وقت. و شاید تز «نظم در بی‌نظمی» است از القائات شوم همین نقشه‌ریزان و توطئه‌گران باشد.

در هر صورت وصیت اینجانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوت گرفته است، قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها لازم و ضروری است؛ که علما و مدرسین و افاضل عظیم‌الشأن صرف وقت نموده و با برنامه دقیق

صحيح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و ساير حوزه‌های بزرگ و با اهميت را در اين مقطع از زمان از آسيب حفظ نمايند. (۷۶۰)  
۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

## خطرات و آفات

### خطر نفوذیها

من چنانچه سابقاً نیز گفته‌ام، راجع به حوزه علمیه، عقیده‌ام بر این است که باید به آن بیشتر از همه چیز توجه کرد؛ چرا که حوزه علمیه اگر درست بشود، ایران درست می‌شود. و اگر - خدای نخواستہ - در حوزه علمیه فسادى به وجود آید - ولو در دراز مدت - در سرتاسر ایران آن فساد پیدا می‌شود و آنها که همیشه در فکر بوده‌اند که در حوزه علمیه نفوذ کنند، به همین خاطر است. نفوذ آنها، نفوذ ظاهری نیست که معلوم باشد فلان آقا نفوذی است. چه بسا بیشتر از شما اظهار دیانت بکند، معذک، در موقع مناسب کارش را انجام دهد. اینها از مشکلات حوزه است. (۷۶۱)

۶۵/۱۱/۵

\* \* \*

گروههای مختلف به این حوزه نظر دارند؛ چون در دراز مدت می‌توانند کارهایی که ما می‌کنیم به هم بزنند. و اینکه شما در رابطه با سابقه افراد تحقیق می‌کنید کار خوبی است؛ چرا که اگر کسی قبل از انقلاب یا بعد از آن کجروی داشته است و الآن می‌گوید من توبه کرده‌ام، ممکن است این توبه کردن مصلحتی باشد. باید توجه داشت

که این افراد، حوزه را فاسد نکنند. و شما همیشه با حضرات مراجع و سایر بزرگان مشورت کنید و از آنها نظر بخواهید و من هم به شما دعا کنم. (۷۶۲)

۶۵/۱۱/۵

\* \* \*

وصیت اینجانب به حوزه‌های مقدسه علمیه آن است که کراراً عرض نموده‌ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته‌اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می‌نمایند، و یکی از راه‌های با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبه‌کار در حوزه‌های علمیه است، که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه‌ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن درازمدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جا زدن خود را در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه‌مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد. و می‌دانیم که قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی به صورتهای مختلف از ملیگراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخاطرتر و آسیب‌رسانترند ذخیره دارند که گاهی سی - چهل سال با مشی اسلامی و مقدس مآبی یا «پان‌ایرانیسم» و وطن پرستی و حيله‌های دیگر، با صبر و بردباری در میان ملت‌ها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند. و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه‌هایی از قبیل «مجاهد خلق» و «فدایی

خلق» و «توده‌ای»ها و دیگر عناوین دیده‌اند، و لازم است همه با هوشیاری این قسم توطئه را خشتی نمایند. (۷۶۳)

۶۸/۳/۱۵

\* \* \*

### آفت تشریفات

از امور مهمی که اینجانب نگران آن هستم مسائل حوزه‌های علمیه خصوصاً حوزه‌های بزرگ مثل حوزه مقدسه قم است. آقایان علمای اعلام و مدرسین محترم که خیر خواهان اسلام و کشورهای اسلامی هستند، توجه عمیق کنند که مبدا تشریفات و توجه به ساختمانهای متعدد برای مقاصد سیاسی و اجتماعی اسلام، آنان را از مسئله مهم اصلی حوزه‌ها که اشتغال به علوم رایج اسلامی و خصوصاً فقه و مبادی آن به طریق سنتی است، اغفال کند، و مبدا خدای نخواستہ اشتغال به مبادی و مقدمات موجب شود که از غایت اصلی که ابقا و رشد تحقیقات علوم اسلامی، خصوصاً فقه به طریقه سلف صالح و بزرگان مشایخ همچون «شیخ الطائفه<sup>۱</sup>» و امثالہ - رضوان الله تعالی علیہم - و در متأخرین همچون «صاحب جواهر<sup>۲</sup>» و شیخ بزرگوار «انصاری<sup>۳</sup>» - علیہم رضوان الله تعالی - باز دارد. اسلام اگر خدای نخواستہ هر چیز از دستش برود ولی فقہش به طریقه موروث از فقہای بزرگ بماند، به راه خود ادامه خواهد داد. ولی اگر همه چیز به دستش آید و خدای نخواستہ فقہش به همان طریقه سلف صالح از دستش برود، راه حق را نتواند ادامه داد و به تباهی خواهد کشید. و با آنکه می‌دانیم مراجع عظام و علمای اعلام و مدرسین عالیقدر

۱. ← ص ۶۲۷-۶۲۸.

۲. ← ص ۵۶.

۳. ← ص ۴۴۹.



-دامت برکات وجودهم - توجه به این امر دارند، لکن خوف آن است که اگر تشریفات و زرق و برقهای شبیه به قطب مادیت رواج پیدا کند، در نسلهای بعد اثر گذارد و خدای نخواستہ آنچه از آن می‌ترسیم به سر حوزه‌ها بیاید. لازم است آقایانی که در این امور دست دارند و متصدی این مسائل هستند توجه کنند که حد افراط را جلوگیری کنند، و هر چه می‌کنند در خدمت حوزه‌های علمی و در خدمت اسلام و علوم اسلامی باشد، و کارها تعدیل شود و از افراط و تفریط احتراز گردد. از خداوند تعالی توفیق همگان را در خدمت به علم و علما و اسلام و ملت خواستارم. (۷۶۴)

۶۱/۱۱/۲۲

\* \* \*

مسئله دیگر، مسئله تشریفات حوزه‌های روحانیت است که دارد زیاد می‌شود. وقتی تشریفات زیاد شد، محتوا کنار می‌رود. وقتی ساختمانها و ماشینها و دم و دستگاہها زیاد شود، موجب می‌شود بنیه فقهی اسلام صدمه ببیند، یعنی با این بساطها نمی‌شود شیخ مرتضی و صاحب جواهر تحویل جامعه داد. این موجب نگرانی است و واقعاً نمی‌دانم با این وضع چه کنم. این تشریفات اسباب آن می‌شود که روحانیت شکست بخورد. زندگی صاحب جواهر را با زندگی روحانیون امروز که بسنجیم، خوب می‌فهمیم که چه ضربه‌ای به دست خودمان به خودمان می‌زنیم. (۷۶۵)

۶۳/۶/۱۱



## فهارس

□ فهرست مأخذ

□ فهرست منابع



## فهرست مآخذ

ردیف	تاریخ	عنوان	عنوان کتاب	جلد	صفحه
۱	۴۲/۲/۱۲	سخنرانی در جمع روحانیون قم	صحیفه امام	۱	۲۱۶-۲۰۶
۲	تا ۱۳۴۴	سخنرانی در جمع طلاب نجف	صحیفه امام	۲	۲۸-۱۴
	شهریور ۱۳۴۶				
۳	۶۷/۸/۱۰	نامه به آقای محمدعلی انصاری	صحیفه امام	۲۱	۱۸۰-۱۷۶
۴	۶۷/۱۲/۳	پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	صحیفه امام	۲۱	۲۹۳-۲۷۳
		جمعه و جماعات			
۵			ولایت فقیه		۱۴۶
۶	۵۷/۱۰/۳	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	صحیفه امام	۵	۲۸۰-۲۷۹
۷	۵۸/۲/۳۱	سخنرانی در جمع دانشجویان	صحیفه امام	۷	۴۱۱
۸	۵۸/۳/۳	سخنرانی در جمع وزیر فرهنگ و رؤسای	صحیفه امام	۷	۴۶۷
		دانشگاهها			
۹	۵۸/۳/۲	سخنرانی در جمع دانشجویان اهواز	صحیفه امام	۷	۴۶۱
۱۰	۵۸/۳/۸	سخنرانی در جمع روحانیون، پاسداران و اهالی کرج	صحیفه امام	۸	۲
۱۱	۵۸/۳/۲۱	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده پلیس	صحیفه امام	۸	۹۴-۹۳

			سخنرانی در جمع بانوان لنگرود و پرسنل سپاه پاسداران همدان	۵۸/۴/۲	۱۲
۲۵۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان لنگرود و پرسنل سپاه پاسداران همدان	۵۸/۴/۲	۱۳
۲۵۹-۲۵۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب مدرسه ولی عصر تبریز	۵۸/۴/۲	۱۴
۲۶۱	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۶۰/۴/۱۰	۱۵
۱۰	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۴۳/۱/۲۶	۱۶
۲۸۷-۲۸۶	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۴۳/۱/۲۶	۱۷
۲۹۴	۱	صحیفه امام	پیام به روحانیون و ملت ایران	۴۳/۸/۴	۱۸
۴۱۳-۴۱۲	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ایرانیان مقیم عراق	۵۰/۱۰/۱۰	۱۹
۴۱۱-۴۱۰	۲	صحیفه امام	پیام به عموم مردم	۱۳۵۶	۲۰
۲۰۴-۲۰۳	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۸/۱۰	۲۱
۲۴۱-۲۳۸	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۱۱/۲۹	۲۲
۳۳۸	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۷/۲۹	۲۳
۹۲	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۲۴
۲۷۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۷/۱۲/۱۵	۲۵
۳۲۳	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان اهواز، قم و بروجرد	۵۸/۳/۱۱	۲۶
۴۴-۴۳	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع جامعه و عاظ تهران	۵۸/۳/۲۶	۲۷
۱۹۱	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع و عاظ تهران	۵۸/۴/۱۷	۲۸
۵۲۲	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تبریز	۵۸/۶/۱۸	۲۹
۴۷۴	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۵۸/۶/۲۲	۳۰
۵۰۵	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت فاطمیون تهران	۵۸/۷/۴	۳۱
۱۲۱	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های علمیه	۵۹/۱۲/۱۴	۳۲
۱۹۰	۱۴	صحیفه امام	علمیه		

			سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و روحانیون	۶۰/۶/۱۸	۳۳
۲۱۹-۲۱۸	۱۵	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و روحانیون	۶۰/۶/۱۸	۳۴
۲۱۹	۱۵	صحیفه امام			
۳۲۱	۱۵	صحیفه امام	بیانات خطاب به شورای مرکزی سپاه پاسداران	۶۰/۷/۲۹	۳۵
۳۶۶	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان بنیاد شهید	۶۰/۸/۲۵	۳۶
۴۲۵	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان سمنان	۶۰/۹/۲۱	۳۷
۱۲۲-۱۲۱	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان همدان	۶۱/۹/۱۱	۳۸
۹۳	۲۰	صحیفه امام	پیام به مردم و زائران بیت الله الحرام	۶۵/۵/۱۶	۳۹
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳	۴۰
۲۷۵-۲۷۴	۲۱	صحیفه امام			
۹۰	۱	صحیفه امام	تلگراف به اسدالله علم	۴۱/۸/۱۵	۴۱
۱۲۱-۱۲۰	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و اهالی قم	۴۱/۹/۱۱	۴۲
۱۲۱	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و اهالی قم	۴۱/۹/۱۱	۴۳
۲۹۷-۲۹۶	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۴۳/۱/۲۶	۴۴
۴۱۰	۱	صحیفه امام	پیام به روحانیون و ملت ایران	۴۳/۸/۴	۴۵
۳۷۳-۳۷۲	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۱۷	۴۶
۱۲۶	۲	صحیفه امام	نامه سرگشاده به امیرعباس هویدا	۴۶/۱/۲۶	۴۷
۲۳۰	۳	صحیفه امام	هشدار به روحانیون حوزه نجف	۵۶/۷/۶	۴۸
۴۰۹-۴۰۸	۴	صحیفه امام	پیام به علما و روحانیون	۵۷/۸/۱۸	۴۹
۵۲۴	۵	صحیفه امام	مصاحبه با تلویزیون فرانسه	۵۷/۱۱/۳	۵۰
۸۶	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نیروهای نظامی	۵۸/۲/۲	۵۱
			سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و حزب جمهوری	۵۸/۶/۲۳	۵۲
۵۲۴	۹	صحیفه امام			
۳۶۱	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه علم و صنعت	۶۰/۳/۴	۵۳

			سخنرانی در جمع قضاات شورای عالی قضایی و دیوان عالی کشور	۶۱/۱۰/۱۹	۵۴
۲۲۷	۱۷	صحیفه امام			
۶	۱۸	صحیفه امام	پیام به نمایندگان مجلس خبرگان	۶۲/۴/۲۲	۵۵
۴۱۲	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان وزارت امور خارجه	۶۴/۸/۱۱	۵۶
۹۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۵۷
۱۴۱	۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۴۱/۱۱/۳	۵۸
۱۷۷	۱	صحیفه امام	پیام به علمای تهران	۴۲/۱/۱۳	۵۹
۲۴۴	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و اهالی قم	۴۲/۳/۱۳	۶۰
۳۰۲-۳۰۱	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۴۳/۱/۲۶	۶۱
۳۹۶	۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۰/۸/۲۱	۶۲
۲۰۴	۳	صحیفه امام	پیام به عموم مردم	۱۳۵۶	۶۳
۲۴۶	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۸/۱۰	۶۴
۳۲۱	۳	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا	۵۶/۱۱/۲۴	۶۵
۳۴۶	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۱۱/۲۹	۶۶
۵۰۰-۴۹۹	۴	صحیفه امام	پیام به کارکنان شرکت نفت	۵۷/۸/۲۴	۶۷
۲۸۰	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۳	۶۸
۵۱۴	۵	صحیفه امام	حکم به آقای یدالله سبحانی	۵۷/۱۰/۲۸	۶۹
۴۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۷/۱۱/۱۴	۷۰
۱۶۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع استادان دانشگاه	۵۷/۱۱/۲۷	۷۱
۲۷۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۷۲
۸۵	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نیروهای نظامی	۵۸/۲/۲	۷۳
۸۶	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نیروهای نظامی	۵۸/۲/۲	۷۴
۳۸۹	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان	۵۸/۲/۳۰	۷۵
۶۰-۵۹	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و اقشار مختلف مردم	۵۸/۳/۱۵	۷۶
۴۷۷	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تبریز	۵۸/۶/۱۸	۷۷



فهرست مآخذ □ ۶۶۳

۳۳۰-۳۲۹	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۶۰/۸/۴	۷۸
۱۵۱	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۳/۱۱/۲۲	۷۹
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۸۰
۲۷۴	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
۴۱۸-۴۱۷	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۴۳/۸/۴	۸۱
۴۱۲-۴۱۱	۱	صحیفه امام	پیام به روحانیون و ملت ایران	۴۳/۸/۴	۸۲
۱۲۶	۲	صحیفه امام	نامه سرگشاده به امیرعباس هویدا	۴۶/۱/۲۶	۸۳
۳۹۷-۳۹۶	۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۰/۸/۲۱	۸۴
۳۹۸-۳۹۷	۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۰/۸/۲۱	۸۵
۲۴۵-۲۴۱	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۱۱/۲۹	۸۶
۴۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۷/۱۱/۱۴	۸۷
۳۷۷-۳۷۶	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وزیر کشور و استانداران	۵۸/۲/۳۰	۸۸
۳۷۸	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وزیر کشور و استانداران	۵۸/۲/۳۰	۸۹
۹۳	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده پلیس	۵۸/۳/۲۱	۹۰
۱۵۰	۸	صحیفه امام	پیام به آقای سیدمحمد باقر صدر	۵۸/۳/۲۴	۹۱
			سخنرانی در جمع خانواده شهدا و بانوان مکتب	۵۸/۶/۱۲	۹۲
۴۰۳-۴۰۲	۹	صحیفه امام	ولی عصر		
			بیانات خطاب به حامد الگار متفکر مسلمان	۵۸/۱۰/۷	۹۳
۴۶۱-۴۶۰	۱۱	صحیفه امام	امریکایی		
۴۳۸	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان نظامی	۶۰/۳/۲۴	۹۴
۳۲۸	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۶۰/۸/۴	۹۵
۳۶۶	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان بنیاد شهید	۶۰/۸/۲۵	۹۶
۲۰۵-۲۰۳		کشف اسرار			۹۷
۳۹۰	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم قم	۴۳/۶/۱۸	۹۸
۲۹۶-۲۹۵	۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۱۰/۶	۹۹

۵۲۴-۵۲۳	۵	صحیفه امام	مصاحبه با تلویزیون فرانسه	۵۷/۱۱/۳	۱۰۰
۲۰۶-۲۰۵		کشف اسرار			۱۰۱
۳۷	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۴۴/۸/۲۳	۱۰۲
		شؤون و اختیارات			۱۰۳
۲۰		ولی فقیه			
		شؤون و اختیارات			۱۰۴
۵۶		ولی فقیه			
۲۲		ولایت فقیه			۱۰۵
۱۳۰		ولایت فقیه			۱۰۶
۱۵۰-۱۴۹		ولایت فقیه			۱۰۷
۷۶	۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۹/۱	۱۰۸
۲۸۰	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۳	۱۰۹
۳۹۰-۳۸۹	۵	صحیفه امام	مصاحبه با روزنامه «تایمز»	۵۷/۱۰/۱۸	۱۱۰
۶۲	۱۰	صحیفه امام	پیام به آقایان محی‌الدین انواری و فضل‌الله محلاتی	۵۸/۶/۲۹	۱۱۱
۱۶	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۶۰/۴/۱۰	۱۱۲
			سخنرانی در جمع ستاد نماز جمعه تهران و دانشجویان	۶۰/۹/۱۸	۱۱۳
۴۱۴-۴۱۳	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی	۶۱/۲/۲۶	۱۱۴
۲۵۳	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی	۶۱/۲/۲۶	۱۱۵
۲۵۴	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان کاروانهای حج	۶۱/۵/۳۱	۱۱۶
۴۲۲-۴۲۱	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۱۱۷

			سخنرانی در جمع روحانیون کاروانهای حج و	۶۲/۵/۲۵	۱۱۸
۵۳	۱۸	صحیفه امام	مسئولان وزارت ارشاد		
			سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات	۶۲/۶/۲	۱۱۹
۷۳-۷۲	۱۸	صحیفه امام	اسلامی		
۸۸	۱۸	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان	۶۲/۶/۱۲	۱۲۰
۱۰۴-۱۰۳	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای ستاد انقلاب فرهنگی	۶۲/۶/۱۵	۱۲۱
۱۷۷	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خطبا و واعظ	۶۲/۷/۱۳	۱۲۲
۲۰	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت	۶۳/۶/۴	۱۲۳
			سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و ائمه	۶۳/۱۱/۱۴	۱۲۴
۱۳۹-۱۳۸	۱۹	صحیفه امام	جمعه کل کشور		
۳۳۷-۳۳۶	۱۹	صحیفه امام	پیام به حجاج و مسلمانان ایران و جهان	۶۴/۵/۲۵	۱۲۵
			سخنرانی در جمع اعضای جامعه مدرسین و اساتید	۶۴/۶/۵	۱۲۶
۳۵۵	۱۹	صحیفه امام	دانشگاه		
۹۳	۲۰	صحیفه امام	پیام به مردم و زائران بیت الله الحرام	۶۵/۵/۱۶	۱۲۷
۹۱	۲۰	صحیفه امام	پیام به مردم و زائران بیت الله الحرام	۶۵/۵/۱۶	۱۲۸
۳۰۰	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان	۶۶/۴/۱۱	۱۲۹
۳۳۴	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام	۶۶/۵/۶	۱۳۰
۹۹-۹۸	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۱۳۱
۹۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۱۳۲
۱۹۵	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور	۶۷/۹/۲	۱۳۳
۱۵۱		چهل حدیث			۱۳۴
۳۷۹-۳۷۸		چهل حدیث			۱۳۵
۶۱-۶۰		جهاد اکبر			۱۳۶
۴۱۱	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ایرانیان مقیم عراق	۵۰/۱۰/۱۰	۱۳۷
۲۷۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۱۳۸

۲۸۶	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و اقشار مختلف مردم	۵۷/۱۲/۱۱	۱۳۹
			سخنرانی در جمع پزشکان، اساتید و دانشجویان	۵۸/۳/۱۶	۱۴۰
۶۱	۸	صحیفه امام	شیراز		
۹۸-۹۷	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده پلیس	۵۸/۳/۲۱	۱۴۱
۲۹۴	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع معلمان کشور	۵۸/۵/۲۷	۱۴۲
			سخنرانی در جمع رؤسای آموزش و پرورش و	۵۹/۴/۱۰	۱۴۳
۴۹۶	۱۲	صحیفه امام	انجمن اسلامی وزارت کشور		
			سخنرانی در جمع مردم و کارکنان مدرسه شهید	۵۹/۱۲/۱۰	۱۴۴
۱۷۰-۱۶۸	۱۴	صحیفه امام	مطهری		
۲۱۷	۱۴	صحیفه امام	پیام به مردم و مسئولین	۵۹/۱۲/۲۹	۱۴۵
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه اصفهان و چهارمحال	۶۰/۱۰/۳۰	۱۴۶
۵۰۶-۵۰۵	۱۵	صحیفه امام	بختیاری		
۳۹۳-۳۹۲	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۱/۱۲	۱۴۷
			سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و ائمه	۶۳/۱۱/۱۴	۱۴۸
۱۳۵-۱۳۴	۱۹	صحیفه امام	جمعه کل کشور		
			سخنرانی در جمع اعضای جامعه مدرسین و اساتید	۶۴/۶/۵	۱۴۹
۳۵۷-۳۵۶	۱۹	صحیفه امام	دانشگاه		
۲۱۶	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم	۴۲/۲/۱۲	۱۵۰
۱۳۷	۱	صحیفه امام	پیام به جمعی از متدینین تهران	۴۱/۱۱/۲	۱۵۱
۱۴۸	۱	صحیفه امام	اعلامیه مشترک امام خمینی و مراجع	اسفند ۱۳۴۱	۱۵۲
			نامه به علمای یزد	اردیبهشت	۱۵۳
۱۸۶	۱	صحیفه امام		۱۳۴۲	
۴۲۳	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۴۳/۸/۴	۱۵۴
۱۴۳-۱۴۲	۲	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا	۱۳۴۶ ه. ش.	۱۵۵
۲۷۸	۲	صحیفه امام	نامه به فضلا و محصلین حوزه‌های علمیه	۴۹/۴/۲۰	۱۵۶

۳۹۸	۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۰/۸/۲۱	۱۵۷
۴۸۷	۲	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان مقیم خارج	۵۱/۱۲/۲۴	۱۵۸
۴۸۵	۲	صحیفه امام	پیام به علما و امت مسلمان ایران	۵۱/۱۲/۲۳	۱۵۹
۷۵	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۳/۱۲/۲۱	۱۶۰
۲۶۲	۳	صحیفه امام	پیام به علما و ملت ایران	۵۶/۸/۲۱	۱۶۱
۴۳۵	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۵/۵	۱۶۲
۴۴۳	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۵/۲۲	۱۶۳
۴۷۵	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۶/۲۷	۱۶۴
۴۸۷	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۷/۱۶	۱۶۵
۷۷-۷۶	۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۹/۱	۱۶۶
۱۸۴	۵	صحیفه امام	مصاحبه با روزنامه «لوس آنجلس تایمز»	۵۷/۹/۱۶	۱۶۷
۳۳۲-۳۳۱	۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۱۰/۱۲	۱۶۸
۳۹۰	۵	صحیفه امام	مصاحبه با روزنامه «تایمز»	۵۷/۱۰/۱۸	۱۶۹
۴۴۵	۵	صحیفه امام	پیام به علما و اهالی کردستان	۵۷/۱۰/۲۴	۱۷۰
۷۰-۶۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و پرسنل نظامی	۵۷/۱۱/۱۶	۱۷۱
۸۴	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و کارکنان شرکت نفت	۵۷/۱۱/۱۷	۱۷۲
۱۲۹	۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۱۱/۲۳	۱۷۳
۱۳۳-۱۳۲	۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۱۱/۲۳	۱۷۴
۲۴۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون غرب تهران	۵۷/۱۲/۷	۱۷۵
۲۵۲-۲۵۱	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون غرب تهران	۵۷/۱۲/۷	۱۷۶
۳۲۵-۳۲۴	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۷/۱۲/۱۵	۱۷۷
۵۴۰-۵۳۹	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و گروهی از مردم یزد	۵۸/۳/۸	۱۷۸
۱۸۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع جامعه و عاظمای تهران	۵۸/۳/۲۷	۱۷۹
۳۰۳	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون اصفهان	۵۸/۴/۵	۱۸۰
۳۴۰	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و مبلغان	۵۸/۴/۷	۱۸۱

۱۰۲	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۱۸۲
۴۰۷-۴۰۶	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کشیشهای مسیحی	۵۸/۱۰/۴	۱۸۳
۲۷۸-۲۷۷	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۹/۲/۱۷	۱۸۴
۸۵	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای کنگره آزادی قدس	۵۹/۵/۱۸	۱۸۵
۱۶۹-۱۶۸	۱۵	صحیفه امام	پیام به مسلمین جهان و زائرین بیت‌الله‌الحرام	۶۰/۶/۱۵	۱۸۶
۲۵۱	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۷/۲	۱۸۷
۳۲۸-۳۲۷	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۶۰/۸/۴	۱۸۸
۳۳۳-۳۳۱	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۶۰/۸/۴	۱۸۹
۳۳۷	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۶۰/۸/۴	۱۹۰
۳۸۸	۱۵	صحیفه امام	پیام به بسیجیان و ملت ایران	۶۰/۹/۴	۱۹۱
۳۹۷	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان یزد و هرمزگان	۶۰/۹/۱۰	۱۹۲
۳۵۴-۳۵۳	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران و قم	۶۱/۳/۳۱	۱۹۳
۴۳۰	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان کاروانهای حج	۶۱/۵/۳۱	۱۹۴
۵۱۶	۱۶	صحیفه امام	پیام به مسلمانان جهان و زائران بیت‌الله‌الحرام	۶۱/۶/۲۹	۱۹۵
۵۷	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۱۹۶
۵۸-۵۷	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۱۹۷
۵۹-۵۸	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۱۹۸
۱۰۷	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان خراسان	۶۱/۹/۳	۱۹۹
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه و جماعات استانهای	۶۲/۳/۲۱	۲۰۰
۴۹۷	۱۷	صحیفه امام	خراسان، باختران و فارس		
۲۲-۲۱	۱۹	صحیفه امام	پیام به مسلمانان جهان و حجاج	۶۳/۶/۴	۲۰۱
			سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و ائمه	۶۳/۱۱/۱۴	۲۰۲
۱۳۷-۱۳۶	۱۹	صحیفه امام	جمعه کل کشور		
۲۲۱	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان بسیج مستضعفان	۶۴/۱/۲۵	۲۰۳
۴۵۶	۲۰	صحیفه امام	نامه به آقای خامنه‌ای	۶۶/۱۰/۲۱	۲۰۴

۶۸-۶۷		ولایت فقیه		۲۰۵
۴۱۱	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ایرانیان مقیم عراق	۵۰/۱۰/۱۰ ۲۰۶
۳۲۳-۳۲۲	۳	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا	۵۶/۱۱/۲۴ ۲۰۷
۳	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون، پاسداران و اهالی کرج	۵۸/۳/۸ ۲۰۸
۴	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون، پاسداران و اهالی کرج	۵۸/۳/۸ ۲۰۹
۲۰۸	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۹/۱/۱ ۲۱۰
۴۳۵	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور	۵۹/۱۰/۳ ۲۱۱
۴۴۲-۴۴۱	۲۰	صحیفه امام	نامه عرفانی - اخلاقی به آقای سیداحمد خمینی	۶۶/۹/۲۸ ۲۱۲
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳ ۲۱۳
۲۹۰-۲۸۹	۲۱	صحیفه امام	پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳ ۲۱۴
۲۹۲	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات	
۲۳-۲۲	۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۲۳/۲/۱۵ ۲۱۵
۲۱۳	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم	۴۲/۲/۱۲ ۲۱۶
۲۱۴	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم	۴۲/۲/۱۲ ۲۱۷
۱۲۰-۱۱۹	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و اهالی قم	۴۱/۹/۱۱ ۲۱۸
۱۴۱	۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۴۱/۱۱/۳ ۲۱۹
۱۴۹	۱	صحیفه امام	اعلامیه مشترک امام خمینی و مراجع	اسفند ۱۳۴۱ ۲۲۰
۱۵۲-۱۵۱	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب قم	۴۱/۱۲/۷ ۲۲۱
۱۷۸	۱	صحیفه امام	پیام به علمای تهران	۴۲/۱/۱۳ ۲۲۲
۱۷۹	۱	صحیفه امام	پیام به علمای تهران	۴۲/۱/۱۳ ۲۲۳
۱۸۲	۱	صحیفه امام	تلگراف تشکر از همدردی آقای حکیم	۴۲/۱/۲۳ ۲۲۴
			نامه به علمای یزد	اردیبهشت ۲۲۵
۱۸۷-۱۸۶	۱	صحیفه امام		۱۳۴۲
۲۲۱	۱	صحیفه امام	پیام به علمای اعلام و فقهای همدان	۴۲/۲/۱۶ ۲۲۶

۲۶۹-۲۶۸	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان و طلاب	۴۳/۱/۲۱	۲۲۷
۲۸۶	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۴۳/۱/۲۶	۲۲۸
۲۹۳-۲۹۲	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۴۳/۱/۲۶	۲۲۹
۳۰۶-۳۰۵	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۴۳/۱/۲۶	۲۳۰
۳۰۷	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مردم	۴۳/۱/۲۶	۲۳۱
۳۳۶-۳۳۵	۱	صحیفه امام	اعلامیه مشترک آیات عظام	۴۳/۳/۱۵	۲۳۲
۳۳۷	۱	صحیفه امام	اعلامیه مشترک آیات عظام	۴۳/۳/۱۵	۲۳۳
۱۴۸-۱۴۷		ولایت فقیه			۲۳۴
۶۱		جهاد اکبر			۲۳۵
۳۶۷	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۲۳۶
۳۶۹-۳۶۸	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۲۳۷
۴۵۲	۲	صحیفه امام	پیام به ملت، علما و روحانیون ایران	۵۱/۶/۲۰	۲۳۸
۴۵۲	۲	صحیفه امام	پیام به ملت، علما و روحانیون ایران	۵۱/۶/۲۰	۲۳۹
۴۸۵	۲	صحیفه امام	پیام به علما و امت مسلمان ایران	۵۱/۱۲/۲۳	۲۴۰
۲۳۰-۲۲۹	۳	صحیفه امام	هشدار به روحانیون حوزه نجف	۵۶/۷/۶	۲۴۱
۲۴۶-۲۴۵	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۸/۱۰	۲۴۲
۲۵۲-۲۵۱	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۸/۱۰	۲۴۳
۳۳۱-۳۳۰	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۱۱/۲۹	۲۴۴
۳۵۵	۳	صحیفه امام	پیام به اهالی آذربایجان	۵۶/۱۲/۸	۲۴۵
۳۹۴	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۵۷/۲/۲۳	۲۴۶
۴۳۵-۴۳۴	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۵/۵	۲۴۷
۴۶۱	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۶/۱۸	۲۴۸
۲۲-۲۰	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس	۵۷/۷/۲۳	۲۴۹
۱۰۱-۱۰۰	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۷/۳۰	۲۵۰
۲۱۷-۲۱۶	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۸	۲۵۱



فهرست مأخذ □ ۶۷۱

۳۸۹	۵	صحیفه امام	مصاحبه با روزنامه «تایمز»	۵۷/۱۰/۱۸	۲۵۲
۲۴۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون غرب تهران	۵۷/۱۲/۷	۲۵۳
۴۵	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان کمیته‌های انقلاب	۵۸/۱/۲۹	۲۵۴
۳۹۱	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان	۵۸/۲/۳۰	۲۵۵
۵۰	۸	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۳/۱۲	۲۵۶
۱۷۲	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان بابل	۵۸/۴/۳۰	۲۵۷
			سخنرانی در جمع خانواده شهدا و بانوان مکتب	۵۸/۶/۱۲	۲۵۸
۴۰۰-۳۹۹	۹	صحیفه امام	ولی عصر		
۴۷۹-۴۷۸	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تبریز	۵۸/۶/۱۸	۲۵۹
۴۹۵-۴۹۴	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان بیمه مرکزی ایران	۵۸/۸/۱۴	۲۶۰
۴۱۲-۴۰۸	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کشیشهای مسیحی	۵۸/۱۰/۴	۲۶۱
۳۹۷-۳۹۶	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۳/۱۴	۲۶۲
			سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های	۵۹/۱۲/۱۴	۲۶۳
۱۸۶-۱۸۵	۱۴	صحیفه امام	علمیه		
۱۴	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۶۰/۴/۱۰	۲۶۴
۵۰۱	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و عراق	۶۲/۳/۲۸	۲۶۵
			سخنرانی در جمع خانواده و طلاب مدرسه شهید	۶۲/۶/۱۳	۲۶۶
۱۰۱-۱۰۰	۱۸	صحیفه امام	قدوسی		
			سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و ائمه	۶۳/۱۱/۱۴	۲۶۷
۱۴۰-۱۳۹	۱۹	صحیفه امام	جمعه کل کشور		
۱۴۸	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۳/۱۱/۲۲	۲۶۸
۲۱۵	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل ارتش و سپاه	۶۴/۱/۱۵	۲۶۹
۳۳۷	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام	۶۶/۵/۶	۲۷۰
۳۳۸-۳۳۷	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام	۶۶/۵/۶	۲۷۱
۹۸	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۲۷۲

۹۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۲۷۳
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۲۷۴
۲۷۴-۲۷۳	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۲۷۵
۲۷۶-۲۷۵	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
۱۴-۱۳	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات	۵۹/۴/۲۰	۲۷۶
۲۰۲	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت و مسئولان کشور	۵۹/۱۲/۲۵	۲۷۷
			سخنرانی در جمع ستاد نماز جمعه تهران و دانشجویان	۶۰/۹/۱۸	۲۷۸
۴۱۶-۴۱۵	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان سمنان	۶۰/۹/۲۱	۲۷۹
۴۲۷-۴۲۶	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان کرمان	۶۱/۳/۴	۲۸۰
۲۶۰	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان کرمان	۶۱/۳/۴	۲۸۱
۲۶۱	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان زنجان	۶۱/۳/۱۶	۲۸۲
۳۰۳	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران و قم	۶۱/۳/۳۱	۲۸۳
۳۴۸	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران و قم	۶۱/۳/۳۱	۲۸۴
۳۴۹-۳۴۸	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع استانداران سراسر کشور	۶۱/۵/۱۷	۲۸۵
۴۱۶-۴۱۵	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان بوشهر	۶۱/۵/۲۵	۲۸۶
۴۱۹	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۲۸۷
۶۱	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان خراسان	۶۱/۹/۳	۲۸۸
۱۰۶-۱۰۵	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان همدان	۶۱/۹/۱۱	۲۸۹
۱۱۹	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نهضت سوادآموزی و هلال احمر	۶۱/۱۰/۵	۲۹۰
۱۸۸-۱۸۷	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۱/۱۰/۱۲	۲۹۱
۲۰۷-۲۰۶	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۱/۱۰/۱۲	۲۹۲
۲۱۱	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه مراکز استانها	۶۲/۸/۴	۲۹۳
۱۹۵	۱۸	صحیفه امام			

۱۹۷	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه مراکز استانها	۶۲/۸/۴	۲۹۴
			سخنرانی در جمع شرکت‌کنندگان کنگره جهانی ائمه جمعه	۶۳/۲/۲۳	۲۹۵
۴۲۷-۴۲۴	۱۸	صحیفه امام			
۲۴۹	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی	۶۴/۲/۱۶	۲۹۶
۲۵۰	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی	۶۴/۲/۱۶	۲۹۷
۳۳۹-۳۳۸	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله‌الحرام	۶۶/۵/۶	۲۹۸
۱۳۸-۱۳۷		ولایت فقیه			۲۹۹
۲۲		ولایت فقیه			۳۰۰
۱۲۹		ولایت فقیه			۳۰۱
۱۴۵-۱۴۴		ولایت فقیه			۳۰۲
۳۶۶-۳۶۵	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۳۰۳
۳۷۳-۳۷۰	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۳۰۴
۲۲۸-۲۲۷	۳	صحیفه امام	هشدار به روحانیون حوزه نجف	۵۶/۷/۶	۳۰۵
۱۸-۱۶	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس	۵۷/۷/۲۳	۳۰۶
۱۵۴	۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۹/۱۱	۳۰۷
۳۸۶-۳۸۵	۵	صحیفه امام	مصاحبه با روزنامه «اکونومیست»	۵۷/۱۰/۱۸	۳۰۸
۴۱	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۷/۱۱/۱۴	۳۰۹
۳۲۴-۳۲۳	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۷/۱۲/۱۵	۳۱۰
۲۸۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و اقشار مختلف مردم	۵۷/۱۲/۱۱	۳۱۱
۴۰۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت دولت موقت	۵۷/۱۲/۲۹	۳۱۲
۲۲۰-۲۱۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما	۵۸/۳/۳۰	۳۱۳
			سخنرانی در جمع نمایندگان مردم سیستان و سواحل جنوب	۵۸/۳/۳۰	۳۱۴
۲۲۸-۲۲۷	۸	صحیفه امام			
۱۷۸-۱۷۷	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان بابل	۵۸/۴/۳۰	۳۱۵
۱۷۹	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان بابل	۵۸/۴/۳۰	۳۱۶

۱۵-۱۴	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان لنگرود	۵۸/۶/۲۶	۳۱۷
			بیانات خطاب به حامد الگار متفکر مسلمان	۵۸/۱۰/۷	۳۱۸
۴۶۶-۴۶۲	۱۱	صحیفه امام	امریکایی		
۱۲-۱۱	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات	۵۹/۴/۲۰	۳۱۹
۱۵-۱۴	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات	۵۹/۴/۲۰	۳۲۰
۴۳۲-۴۲۹	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور	۵۹/۱۰/۳	۳۲۱
۴۳۴-۴۳۳	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور	۵۹/۱۰/۳	۳۲۲
			سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های	۵۹/۱۲/۱۴	۳۲۳
۱۸۶	۱۴	صحیفه امام	علمیه		
			سخنرانی در جمع روحانیون آذربایجان شرقی و	۶۰/۲/۲۱	۳۲۴
۳۳۶-۳۳۵	۱۴	صحیفه امام	غربی		
۱۳	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۶۰/۴/۱۰	۳۲۵
۲۱	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۶۰/۴/۱۰	۳۲۶
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و	۶۰/۶/۱۸	۳۲۷
۲۱۳-۲۱۲	۱۵	صحیفه امام	روحانیون		
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و	۶۰/۶/۱۸	۳۲۸
۲۱۷-۲۱۳	۱۵	صحیفه امام	روحانیون		
۳۲۸	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۶۰/۸/۴	۳۲۹
۳۲۹	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۶۰/۸/۴	۳۳۰
۳۵۱-۳۴۹	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران و قم	۶۱/۳/۳۱	۳۳۱
۴۱۸	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان بوشهر	۶۱/۵/۲۵	۳۳۲
۴۶۶-۴۶۵	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان کشور	۶۱/۶/۹	۳۳۳
۳۸	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور	۶۱/۷/۲۲	۳۳۴
۱۰۲	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان از اقلیت‌های مذهبی	۶۱/۸/۲۷	۳۳۵
۱۰۷	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان خراسان	۶۱/۹/۳	۳۳۶

فهرست مأخذ □ ۶۷۵

۱۲۰-۱۱۹	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان همدان	۶۱/۹/۱۱	۳۳۷
۲۰۶-۲۰۴	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۱/۱۰/۱۲	۳۳۸
۲۱۰-۲۰۹	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۱/۱۰/۱۲	۳۳۹
۲۱۲	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۱/۱۰/۱۲	۳۴۰
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه و جماعات استانهای	۶۲/۳/۲۱	۳۴۱
۴۹۲	۱۷	صحیفه امام	خراسان، باختران و فارس		
			سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات	۶۲/۶/۲	۳۴۲
۷۲	۱۸	صحیفه امام	اسلامی		
۱۷۴	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خطبا و وعاظ	۶۲/۷/۱۳	۳۴۳
۱۹۶	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه مراکز استانها	۶۲/۸/۴	۳۴۴
			سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و ائمه	۶۳/۱۱/۱۴	۳۴۵
۱۳۶-۱۳۵	۱۹	صحیفه امام	جمعه کل کشور		
			سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و ائمه	۶۳/۱۱/۱۴	۳۴۶
۱۴۱-۱۴۰	۱۹	صحیفه امام	جمعه کل کشور		
۲۴۷	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی	۶۴/۲/۱۶	۳۴۷
۵۷	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۵/۳/۱۹	۳۴۸
۳۳۷-۳۳۴	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام	۶۶/۵/۶	۳۴۹
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۳۵۰
۲۸۵	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
۴۲۰	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۳۵۱
۴۲۸	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۳۵۲
۳۸-۳۷		ولایت فقیه			۳۵۳
۳۴۱-۳۳۹	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام	۶۶/۵/۶	۳۵۴
۳۴۲-۳۴۱	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام	۶۸/۳/۱۵	۳۵۵
۱۰۰-۹۹	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۳۵۶

۱۲۱-۱۲۰	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان و علمای پاکستان	۶۷/۶/۱۴	۳۵۷
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۳۵۸
۲۷۵	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۳۵۹
۲۷۷-۲۷۶	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
۱۸۲	۱	صحیفه امام	تلگراف تشکر از همدردی آقای حکیم	۴۲/۱/۲۳	۳۶۰
۱۸۳-۱۸۲	۱	صحیفه امام	تلگراف تشکر از همدردی آقای حکیم	۴۲/۱/۲۳	۳۶۱
			سخنرانی در جمع طلاب نجف	بین ۱۳۴۴ تا	۳۶۲
۱۵-۱۴	۲	صحیفه امام		شهریور	
				۱۳۴۶	
			سخنرانی در جمع طلاب نجف	بین ۱۳۴۴ تا	۳۶۳
۲۰-۱۹	۲	صحیفه امام		شهریور	
				۱۳۴۶	
			سخنرانی در جمع طلاب نجف	تا ۱۳۴۴	۳۶۴
۲۱-۲۰	۲	صحیفه امام		شهریور	
				۱۳۴۶	
۲۲۱	۱	صحیفه امام	پیام به علمای اعلام و فقهای همدان	۴۲/۲/۱۶	۳۶۵
۳۰۸-۳۰۶	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۴۳/۱/۲۶	۳۶۶
۴۱۳	۱	صحیفه امام	پیام به روحانیون و ملت ایران	۴۳/۸/۴	۳۶۷
۱۴۲	۲	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا	۱۳۴۶ ه. ش.	۳۶۸
۳۷۲	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۳۶۹
۴۸۸	۲	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان مقیم خارج	۵۱/۱۲/۲۴	۳۷۰
۲۰۵-۲۰۴	۳	صحیفه امام	پیام به عموم مردم	۱۳۵۶	۳۷۱
۲۴۹-۲۴۷	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۸/۱۰	۳۷۲
۲۵۱	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۸/۱۰	۳۷۳

۳۱۴	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۶/۱۱/۲	۳۷۴
۳۲۶	۳	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا	۵۶/۱۱/۲۴	۳۷۵
۳۹۶-۳۹۵	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۵۷/۲/۲۳	۳۷۶
۳۹۶	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۵۷/۲/۲۳	۳۷۷
۴۱۸	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۵۷/۳/۱۰	۳۷۸
۴۸۶	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۷/۱۶	۳۷۹
۲۷۷	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۳	۳۸۰
۴۴۵	۵	صحیفه امام	پیام به علما و اهالی کردستان	۵۷/۱۰/۲۴	۳۸۱
۴۵-۴۴	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۷/۱۱/۱۴	۳۸۲
۸۲-۸۱	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و کارکنان شرکت نفت	۵۷/۱۱/۱۷	۳۸۳
۸۴-۸۳	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و کارکنان شرکت نفت	۵۷/۱۱/۱۷	۳۸۴
۱۸۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نویسندگان	۵۷/۱۱/۲۹	۳۸۵
۲۴۵-۲۴۴	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون کردستان	۵۷/۱۲/۷	۳۸۶
۲۶۴	۶	صحیفه امام	پیام چهارده ماده‌ای به ملت ایران	۵۷/۱۲/۹	۳۸۷
۲۸۵-۲۸۴	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و اقشار مختلف مردم	۵۷/۱۲/۱۱	۳۸۸
۴۱۲-۴۱۱	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان	۵۸/۲/۳۱	۳۸۹
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه	۵۸/۴/۶	۳۹۰
۳۱۲-۳۱۱	۸	صحیفه امام	تربیت معلم		
			سخنرانی در جمع پاسداران و روحانیون تربیت	۵۸/۴/۱۳	۳۹۱
۴۲۳-۴۲۲	۸	صحیفه امام	حیدریه		
۱۰۲	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و اساتید	۵۸/۴/۲۴	۳۹۲
۲۳۸	۹	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان	۵۸/۵/۳	۳۹۳
۴۶۶-۴۶۵	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان مشهد	۵۸/۴/۱۴	۳۹۴
۴۷۸-۴۷۷	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۸/۶/۱۷	۳۹۵
۵۳۹	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۸/۶/۲۳	۳۹۶

۱۵۹	۱۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان	۵۸/۷/۷	۳۹۷
۴۱۲	۱۰	صحیفه امام	پیام به دانش آموزان، دانشجویان و طلاب	۵۸/۸/۱۰	۳۹۸
۱۶۹	۱۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۹/۱۵	۳۹۹
۲۱۰-۲۰۸	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۹/۱/۱	۴۰۰
۹۸-۹۶	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان کشورهای اسلامی	۵۹/۵/۲۱	۴۰۱
۴۱۲	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و دانشجویان	۵۹/۹/۲۷	۴۰۲
۴۱۸	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و دانشجویان	۵۹/۹/۲۷	۴۰۳
۴۲۲-۴۲۰	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و دانشجویان	۵۹/۹/۲۷	۴۰۴
			سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های علمیه	۵۹/۱۲/۱۴	۴۰۵
۱۸۷-۱۸۶	۱۴	صحیفه امام	علمیه		
			سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های علمیه	۵۹/۱۲/۱۴	۴۰۶
۱۹۳	۱۴	صحیفه امام	علمیه		
۲۱۸	۱۴	صحیفه امام	پیام به مردم و مسئولین	۵۹/۱۲/۲۹	۴۰۷
۱۷۰	۱۵	صحیفه امام	پیام به مسلمین جهان و زائرین بیت‌الله الحرام	۶۰/۶/۱۵	۴۰۸
۴۸۴	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان گیلان	۶۰/۱۰/۲۲	۴۰۹
۴۱۹-۴۱۸	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان بوشهر	۶۱/۵/۲۵	۴۱۰
			سخنرانی در جمع مسئولان وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی	۶۱/۶/۲۸	۴۱۱
۵۰۲-۵۰۱	۱۶	صحیفه امام	پرورش و آموزش عالی		
۱۷-۱۶	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان	۶۲/۴/۲۸	۴۱۲
۱۹-۱۸	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان	۶۲/۴/۲۸	۴۱۳
۱۷۰-۱۶۹	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خطبا و وعاظ	۶۲/۷/۱۳	۴۱۴
۱۷۲	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خطبا و وعاظ	۶۲/۷/۱۳	۴۱۵
۲۱۹	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولین دانشگاه آزاد	۶۲/۸/۲۴	۴۱۶
۴۷۰-۴۶۹	۱۸	صحیفه امام	پیام به نمایندگان مجلس	۶۳/۳/۷	۴۱۷
۴۷۶	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی	۶۳/۳/۹	۴۱۸



فهرست مأخذ □ ۶۷۹

۴۷۸	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی	۶۳/۳/۹	۴۱۹
۱۰	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مقامات کشوری و لشکری	۶۳/۵/۱۸	۴۲۰
۲۳۹-۲۳۸	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان و پرسنل سپاه	۶۴/۲/۴	۴۲۱
۲۵۱-۲۴۸	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی	۶۴/۲/۱۶	۴۲۲
			سخنرانی در جمع اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶۴/۴/۹	۴۲۳
۳۰۵-۳۰۴	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶۴/۴/۹	۴۲۴
۳۰۴	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۵/۳/۱۹	۴۲۵
۵۷	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۵/۶/۲	۴۲۶
۱۲۱	۲۰	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۴۲۷
۹۹-۹۸	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و بسیجیان سلخشور	۶۷/۹/۲	۴۲۸
۱۹۵	۲۱	صحیفه امام	پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳	۴۲۹
۲۸۳-۲۸۲	۲۱	صحیفه امام	پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳	۴۳۰
۲۸۸-۲۸۶	۲۱	صحیفه امام	نامه به آقای علی مشکینی	۶۸/۲/۷	۴۳۱
۳۶۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به شورای مدیریت حوزه علمیه قم	۶۸/۲/۱۷	۴۳۲
۳۸۱-۳۸۰	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۴۳۳
۴۱۴-۴۱۳	۲۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون آذربایجان شرقی و غربی	۶۰/۲/۲۱	۴۳۴
۳۳۹-۳۳۶	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۶۰/۴/۱۰	۴۳۵
۱۰	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۶۰/۸/۴	۴۳۶
۳۳۵-۳۳۳	۱۵	صحیفه امام	پیام به بسیجیان و ملت ایران	۶۰/۹/۴	۴۳۷
۳۸۸	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان گیلان	۶۰/۱۰/۲۲	۴۳۸
۴۸۸-۴۸۷	۱۵	صحیفه امام			

۵۱۶-۵۱۵	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۱۱/۴	۴۳۹
۴۵	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۱۱/۲۲	۴۴۰
۴۲۴-۴۲۳	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان کاروانهای حج	۶۱/۵/۳۱	۴۴۱
۳۸-۳۷	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه سراسر کشور	۶۱/۷/۲۲	۴۴۲
			سخنرانی در جمع قضات شورای عالی قضایی و	۶۱/۱۰/۱۹	۴۴۳
۲۲۸-۲۲۷	۱۷	صحیفه امام	دیوان عالی کشور		
۲۳۶	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان صنایع دفاع	۶۱/۱۰/۲۶	۴۴۴
۲۴۰-۲۳۹	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان صنایع دفاع	۶۱/۱۰/۲۶	۴۴۵
			سخنرانی در جمع مسئولان و قضات دادگاههای	۶۱/۱۱/۱۸	۴۴۶
۲۸۳	۱۷	صحیفه امام	انقلاب		
۳۲۰-۳۱۹	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسئولین نظام	۶۱/۱۱/۲۲	۴۴۷
۳۷۹	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام جمهوری اسلامی	۶۲/۱/۱	۴۴۸
			سخنرانی در جمع خانواده و طلاب مدرسه شهید	۶۲/۶/۱۳	۴۴۹
۱۰۱	۱۸	صحیفه امام	قدوسی		
۱۹۵	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه مراکز استانها	۶۲/۸/۴	۴۵۰
۱۵۶-۱۵۵	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۳/۱۱/۲۲	۴۵۱
			سخنرانی در جمع مسئولان قضایی و وزارت امور	۶۴/۵/۸	۴۵۲
۳۲۵-۳۲۴	۱۹	صحیفه امام	خارجی		
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۴۵۳
۲۹۲	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
۴۲۴	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۴۵۴
۱۷۱		آداب الصلوة			۴۵۵
۱۳-۱۲		ولایت فقیه			۴۵۶
۱۴۵-۱۴۳		ولایت فقیه			۴۵۷
۳۷۰	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۴۵۸

فهرست مأخذ □ ۶۸۱

۳۴۸-۳۴۷	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۱۱/۱۹	۴۵۹
۳۹۳	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۵۷/۲/۲۳	۴۶۰
۱۵۲-۱۵۱	۲۱	صحیفه امام	نامه به آقای محمدحسن قدیری	۶۷/۷/۲	۴۶۱
۲۴۰	۲۱	صحیفه امام	نامه به آقای سیدحمید روحانی	۶۷/۱۰/۲۵	۴۶۲
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۴۶۳
۲۷۸	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۴۶۴
۲۸۰-۲۷۸	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۴۶۵
۲۸۲-۲۸۱	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
۳۹۸-۳۹۷	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۴۶۶
۴۴۷-۴۴۵	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۴۶۷
۲۲-۲۱		آداب الصلوة			۴۶۸
۱۵۱		چهل حدیث			۴۶۹
۹۲-۹۱		چهل حدیث			۴۷۰
۱۶۱		چهل حدیث			۴۷۱
			سخنرانی در جمع طلاب نجف	بین ۱۳۴۴ تا	۴۷۲
۱۹-۱۶	۲	صحیفه امام		شهریور ۱۳۴۶	
			سخنرانی در جمع طلاب نجف	بین ۱۳۴۴ تا	۴۷۳
۲۴-۲۲	۲	صحیفه امام		شهریور ۱۳۴۶	
۴۰-۳۷	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۴۴/۸/۲۳	۴۷۴
			سخنرانی در جمع بانوان لنگرود و پرسنل سپاه	۵۸/۴/۲	۴۷۵
۲۵۸	۸	صحیفه امام	پاسداران همدان		

			سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب مدرسه ولی عصر تبریز	۵۸/۴/۲	۴۷۶
۲۶۲-۲۶۱	۸	صحیفه امام			
۲۶۸-۲۶۷	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب حوزه علمیه اصفهان	۵۸/۴/۳	۴۷۷
۳۰۳-۳۰۲	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون اصفهان	۵۸/۴/۵	۴۷۸
۳۰۳	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون اصفهان	۵۸/۴/۵	۴۷۹
۳۲۹-۳۲۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و مبلغان	۵۸/۴/۷	۴۸۰
۳۳۱-۳۲۹	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و مبلغان	۵۸/۴/۷	۴۸۱
۴	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان اهواز	۵۸/۴/۱۷	۴۸۲
۲۵۰	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران	۵۸/۹/۲۵	۴۸۳
			سخنرانی در جمع وزیر فرهنگ و رؤسای دانشگاهها	۵۸/۳/۳	۴۸۴
۴۶۸	۷	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع رؤسای آموزش و پرورش و اعضای انجمن اسلامی وزارت کشور	۵۹/۴/۱۰	۴۸۵
۴۹۳-۴۹۲	۱۲	صحیفه امام			
۴۲۱-۴۲۰	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و دانشجویان	۵۹/۹/۲۷	۴۸۶
			سخنرانی در جمع مردم و کارکنان مدرسه شهید مطهری	۵۹/۱۲/۱۰	۴۸۷
۱۶۹	۱۴	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های علمیه	۵۹/۱۲/۱۴	۴۸۸
۱۸۸-۱۸۷	۱۴	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های علمیه	۵۹/۱۲/۱۴	۴۸۹
۱۹۱-۱۹۰	۱۴	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های علمیه	۵۹/۱۲/۱۴	۴۹۰
۱۹۰	۱۴	صحیفه امام			
۳۳۲	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۶۰/۸/۴	۴۹۱
۴۸۴-۴۸۳	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان گیلان	۶۰/۱۰/۲۲	۴۹۲

			سخنرانی در جمع ائمه جمعه و جماعات استانیهای	۶۲/۳/۲۱	۴۹۳
۴۹۴-۴۹۳	۱۷	صحیفه امام	خراسان، باختران و فارس		
۱۳	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان	۶۲/۴/۲۸	۴۹۴
۱۵-۱۴	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان	۶۲/۴/۲۸	۴۹۵
۱۹	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان	۶۲/۴/۲۸	۴۹۶
			سخنرانی در جمع خانواده و طلاب مدرسه شهید	۶۲/۶/۱۳	۴۹۷
۱۰۰	۱۸	صحیفه امام	قدوسی		
			سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و ائمه	۶۳/۱۱/۱۴	۴۹۸
۱۳۵-۱۳۴	۱۹	صحیفه امام	جمعه کل کشور		
۱۵۲	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۳/۱۱/۲۲	۴۹۹
۲۵۰-۲۴۹	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی	۶۴/۲/۱۶	۵۰۰
۲۵۴-۲۵۳	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی	۶۴/۲/۱۶	۵۰۱
۱۴۶		ولایت فقیه			۵۰۲
۱۴۹		ولایت فقیه			۵۰۳
۴۵۳-۴۵۲	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای شورای مرکزی ائمه جمعه	۶۲/۳/۴	۵۰۴
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه و جماعات استانیهای	۶۲/۳/۲۱	۵۰۵
۴۹۳-۴۹۲	۱۷	صحیفه امام	خراسان، باختران و فارس		
۱۳-۱۲	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان	۶۲/۴/۲۸	۵۰۶
۱۸	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان	۶۲/۴/۲۸	۵۰۷
۲۵۲-۲۵۱	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی	۶۴/۲/۱۶	۵۰۸
۳۱۸-۳۱۷	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان	۶۴/۴/۲۵	۵۰۹
۳۴۳-۳۴۲	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام	۶۶/۵/۶	۵۱۰
۹۹	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۵۱۱
۲۷۳	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اهالی اردکان فارس	۵۸/۴/۳	۵۱۲
۲۷۵	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اهالی اردکان فارس	۵۸/۴/۳	۵۱۳

۲۷۹	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل سپاه پاسداران همدان	۵۸/۴/۴	۵۱۴
۳۰۳-۳۰۲	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون اصفهان	۵۸/۴/۵	۵۱۵
			سخنرانی در جمع پرسنل کمیته انقلاب اسلامی	۵۸/۴/۶	۵۱۶
۳۲۰-۳۱۹	۸	صحیفه امام	تهران		
۳۳۸-۳۳۶	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و مبلغان	۵۸/۴/۷	۵۱۷
			سخنرانی در جمع هیأت بحرینی و روحانیون	۵۸/۴/۱۲	۵۱۸
۳۷۱-۳۶۹	۸	صحیفه امام	کردستان		
۳۹۰-۳۸۹	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران	۵۸/۴/۱۲	۵۱۹
۵۲۵-۵۲۲	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وعاظ تهران	۵۸/۴/۱۷	۵۲۰
			سخنرانی در جمع روحانیون کاشان، رفسنجان و	۵۸/۴/۲۸	۵۲۱
۱۵۰	۹	صحیفه امام	پاکستان		
۴۷۷-۴۷۴	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تبریز	۵۸/۶/۱۸	۵۲۲
۵۰۷-۵۰۶	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۵۸/۶/۲۲	۵۲۳
۵۱۰-۵۰۸	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۵۸/۶/۲۲	۵۲۴
۱۴۰	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون شرق تهران	۵۸/۷/۵	۵۲۵
۱۴۵-۱۴۴	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون شرق تهران	۵۸/۷/۵	۵۲۶
۱۴۶-۱۴۵	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون شرق تهران	۵۸/۷/۵	۵۲۷
۵۰۳-۵۰۲	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون ارومیه	۵۸/۱۰/۱۰	۵۲۸
۳۱۰-۳۰۹	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان کمیته‌ها	۵۹/۲/۲۹	۵۲۹
			سخنرانی در جمع اعضای شورای اسلامی کارگران و	۵۹/۴/۴	۵۳۰
۴۶۹-۴۶۸	۱۲	صحیفه امام	پرسنل ارتش		
۱۹-۱۸	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات	۵۹/۴/۲۰	۵۳۱
۷۵	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسلمانان جهان	۵۹/۱۱/۲۲	۵۳۲
۲۵۴	۱۴	صحیفه امام	پیام هفت ماده‌ای به ملت ایران	۶۰/۱/۱۲	۵۳۳
۲۹۷-۲۹۶	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از اهالی میانه	۶۰/۱/۲۶	۵۳۴

۳۷۲	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی	۶۰/۳/۶	۵۳۵
۱۰	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۶۰/۴/۱۰	۵۳۶
۷۹	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع قضات شرع دادگاههای انقلاب	۶۰/۱۲/۱۱	۵۳۷
۳۴۸	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران و قم	۶۱/۳/۳۱	۵۳۸
۴۳	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فقها و حقوقدانان شورای نگهبان	۶۳/۶/۱۱	۵۳۹
۲۴۹-۲۴۸	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون شعیه و سنی	۶۴/۲/۱۶	۵۴۰
۴۲۵-۴۲۴	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۵۴۱
۲۰۲-۲۰۱		کشف اسرار			۵۴۲
۱۷۱-۱۶۸		آداب الصلوة			۵۴۳
۱۰		ولایت فقیه			۵۴۴
۱۳۷		ولایت فقیه			۵۴۵
۱۴۷-۱۴۶		ولایت فقیه			۵۴۶
۱۴۹-۱۴۸		ولایت فقیه			۵۴۷
۴۸۹-۴۸۸	۲	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان مقیم خارج	۵۱/۱۲/۲۴	۵۴۸
۴۸۹	۲	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان مقیم خارج	۵۱/۱۲/۲۴	۵۴۹
۸۶-۸۵	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نیروهای نظامی	۵۸/۲/۲	۵۵۰
۴۶۶	۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۳/۳	۵۵۱
۱۹۳	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اهالی اسفراین	۵۸/۴/۳۰	۵۵۲
			سخنرانی در جمع اعضای سمینار دادگاههای	۵۸/۷/۲۰	۵۵۳
۲۷۹-۲۷۸	۱۰	صحیفه امام	انقلاب		
۹۸-۹۶	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان کشورهای اسلامی	۵۹/۵/۲۱	۵۵۴
۱۸۵-۱۸۴	۱۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۹/۶/۱۵	۵۵۵
۲۰۸	۱۳	صحیفه امام	پیام به مسلمین جهان و حجاج	۵۹/۶/۲۱	۵۵۶
۳۵۹	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۸/۲۶	۵۵۷

			سخنرانی در جمع پرسنل شهربانی و دانشجویان	۶۰/۶/۲	۵۵۸
۱۲۸	۱۵	صحیفه امام	خارج از کشور		
۴۴۱-۴۴۰	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۹/۲۵	۵۵۹
۹۳-۹۲	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۸/۲۳	۵۶۰
۵۰۰	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۳/۲۸	۵۶۱
۴-۳	۱۸	صحیفه امام	پیام به نمایندگان مجلس خبرگان	۶۲/۴/۲۲	۵۶۲
۵	۱۸	صحیفه امام	پیام به نمایندگان مجلس خبرگان	۶۲/۴/۲۲	۵۶۳
			سخنرانی در جمع روحانیون کاروانهای حج و	۶۲/۵/۲۵	۵۶۴
۵۲-۵۱	۱۸	صحیفه امام	مسئولان وزارت ارشاد		
			سخنرانی در جمع روحانیون کاروانهای حج و	۶۲/۵/۲۵	۵۶۵
۵۳	۱۸	صحیفه امام	مسئولان وزارت ارشاد		
۸۹	۱۸	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان	۶۲/۶/۱۲	۵۶۶
۹۲-۹۱	۱۸	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان	۶۲/۶/۱۲	۵۶۷
۵۰۳	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولین نظام جمهوری اسلامی	۶۳/۴/۱۰	۵۶۸
۲۱-۲۰	۱۹	صحیفه امام	پیام به مسلمانان جهان و حجاج	۶۳/۶/۴	۵۶۹
۵۰	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم و مسئولان	۶۳/۶/۱۵	۵۷۰
۱۱۶	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام اسلامی	۶۳/۹/۲۰	۵۷۱
۳۲۲-۳۲۱	۱۹	صحیفه امام	حکم انتصاب آقای مهدی کروی	۶۴/۴/۲۸	۵۷۲
۳۳۶	۱۹	صحیفه امام	پیام به حجاج و مسلمانان ایران و جهان	۶۴/۵/۲۵	۵۷۳
۴۳۷	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۴/۹/۹	۵۷۴
۹۱-۹۰	۲۰	صحیفه امام	پیام به مردم و زائران بیت‌الله‌الحرام	۶۵/۵/۱۶	۵۷۵
۹۴	۲۰	صحیفه امام	پیام به مردم و زائران بیت‌الله‌الحرام	۶۵/۵/۱۶	۵۷۶
۲۴۰	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۶/۱/۱۸	۵۷۷
۲۸۴	۲۰	صحیفه امام	حکم انتصاب آقای علی فلاحیان	۶۶/۳/۲۵	۵۷۸
۲۸۵	۲۰	صحیفه امام	حکم انتصاب آقای علی رازینی	۶۶/۳/۲۵	۵۷۹



۳۱۵	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله‌الحرام	۶۶/۵/۶	۵۸۰
۳۳۹	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله‌الحرام	۶۶/۵/۶	۵۸۱
۴۴۲-۴۴۱	۲۰	صحیفه امام	نامه عرفانی - اخلاقی به آقای سیداحمد خمینی	۶۶/۹/۲۸	۵۸۲
۷۵	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۵۸۳
۷۶	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۵۸۴
۸۱-۸۰	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۵۸۵
۸۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۵۸۶
۹۸-۹۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۵۸۷
۱۲۰-۱۱۹	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان و علمای پاکستان	۶۷/۶/۱۴	۵۸۸
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرّسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۵۸۹
۲۸۱-۲۸۰	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
۳۹۶-۳۹۵	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۵۹۰
۴۲۵-۴۲۴	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۵۹۱
۴۴۶-۴۴۵	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۵۹۲
۴۸۴	۱	استفتاآت			۵۹۳
۹-۸		کشف اسرار			۵۹۴
۲۰۰		کشف اسرار			۵۹۵
۲۰۸-۲۰۶	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم	۴۲/۲/۱۲	۵۹۶
۲۱۱-۲۱۰	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم	۴۲/۲/۱۲	۵۹۷
۱۴۲	۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۴۱/۱۱/۳	۵۹۸
۱۴۱	۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۴۱/۱۱/۳	۵۹۹
۱۵۳	۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۴۱/۱۲/۲۲	۶۰۰
۱۷۸-۱۷۷	۱	صحیفه امام	پیام به علمای تهران	۴۲/۱/۱۳	۶۰۱
۱۸۱-۱۸۰	۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۴۲/۱/۱۶	۶۰۲
۲۲۱-۲۲۰	۱	صحیفه امام	پیام به علمای اعلام و فقهای همدان	۴۲/۲/۱۶	۶۰۳

۲۴۵-۲۴۳	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و اهالی قم	۴۲/۳/۱۳	۶۰۴
۲۴۷-۲۴۶	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و اهالی قم	۴۲/۳/۱۳	۶۰۵
۲۸۷-۲۸۶	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۴۳/۱/۲۶	۶۰۶
۴۱۷	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۴۳/۸/۴	۶۰۷
۴۱۸	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۴۳/۸/۴	۶۰۸
۴۲۲-۴۲۱	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۴۳/۸/۴	۶۰۹
			پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان فارسی زبان در اروپا	۴۸/۱۰/۱۱	۶۱۰
۲۵۵	۲	صحیفه امام			
۳۲۴	۲	صحیفه امام	پیام به زائران بیت‌الله‌الحرام	۱۳۴۹	۶۱۱
۳۹۷-۳۹۶	۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۰/۸/۲۱	۶۱۲
۴۵۰	۲	صحیفه امام	پیام به ملت، علما و روحانیون ایران	۵۱/۶/۲۰	۶۱۳
۴۸۹-۴۸۸	۲	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان مقیم خارج	۵۱/۱۲/۲۴	۶۱۴
۴۸۳	۲	صحیفه امام	پیام به علما و امت مسلمان ایران	۵۱/۱۲/۲۳	۶۱۵
۶۰۵	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۲/۷/۲۲	۶۱۶
۱۰۱	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۴/۴/۲۰	۶۱۷
۱۷۱	۳	صحیفه امام	پیام به عموم مسلمین و دانشجویان	۵۵/۷/۴	۶۱۸
۲۰۴-۲۰۳	۳	صحیفه امام	پیام به عموم مردم	۱۳۵۶	۶۱۹
۲۶۱	۳	صحیفه امام	پیام به علما و ملت ایران	۵۶/۸/۲۱	۶۲۰
۲۹۹	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۱۳۵۶	۶۲۱
۳۰۰	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۱۳۵۶	۶۲۲
۳۶۱	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۱/۴	۶۲۳
۳۸۳	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۵۷/۲/۲۳	۶۲۴
۳۹۵-۳۹۴	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	۵۷/۲/۲۳	۶۲۵
۴۳۳	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۵/۵	۶۲۶
۴۵۰-۴۴۹	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۶/۶	۶۲۷

۴۶۰	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۶/۱۸	۶۲۸
۵۲۰	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان	۵۷/۷/۲۱	۶۲۹
۱۸-۱۵	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس	۵۷/۷/۲۳	۶۳۰
۱۰۱	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۷/۳۰	۶۳۱
۲۱۳	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۸	۶۳۲
۲۲۵-۲۲۴	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۸	۶۳۳
۲۳۷-۲۳۶	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۹	۶۳۴
۳۲۹	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۴	۶۳۵
۳۵۱-۳۵۰	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۱۶	۶۳۶
۳۹۲	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۷	۶۳۷
۳۸	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۸	۶۳۸
۸۷	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۲	۶۳۹
۲۶۲-۲۶۱	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۱	۶۴۰
۲۸۰	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۳	۶۴۱
۵۱۵-۵۱۴	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۱/۱	۶۴۲
۴۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۷/۱۱/۱۴	۶۴۳
۴۴	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۷/۱۱/۱۴	۶۴۴
۸۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وکلای دادگستری	۵۷/۱۱/۱۸	۶۴۵
۲۳۷	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وکلای دادگستری	۵۷/۱۲/۷	۶۴۶
۱۶۰-۱۵۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع استادان دانشگاه	۵۷/۱۱/۲۷	۶۴۷
۱۸۸-۱۸۷	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نویسندگان	۵۷/۱۱/۲۹	۶۴۸
۳۵۴	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع عشایر و ستاد نیروی هوایی	۵۸/۲/۲۹	۶۴۹
۳۸۸	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان	۵۸/۲/۳۰	۶۵۰
۴۶۱	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان اهواز	۵۸/۳/۲	۶۵۱
۷۸-۷۷	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای شورای آمار ایران	۵۸/۳/۲۰	۶۵۲

			سخنرانی در جمع پاسداران قم و کارمندان شرکت نفت آبادان	۵۸/۴/۵	۶۵۳
۲۹۱	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع پاسداران قم و کارمندان شرکت نفت آبادان	۵۸/۴/۵	۶۵۴
۲۹۴-۲۹۳	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم	۵۸/۴/۶	۶۵۵
۳۱۱-۳۱۰	۸	صحیفه امام			
۳۹۵-۳۹۴	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان سازمان مبارزه با اعتیاد	۵۸/۴/۱۲	۶۵۶
۴۶۱-۴۵۹	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نایب‌نایان مدرسه ابابصیر اصفهان	۵۸/۴/۱۴	۶۵۷
۲۴۴-۲۴۳	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان کاشان	۵۸/۵/۳	۶۵۸
			سخنرانی در جمع خانواده شهدا و بانوان مکتب ولی عصر	۵۸/۶/۱۲	۶۵۹
۳۹۵-۳۹۳	۹	صحیفه امام			
۵۳۸	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۸/۶/۲۳	۶۶۰
۱۵	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان لنگرود	۵۸/۶/۲۶	۶۶۱
۱۲۰-۱۱۹	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت فاطمیون تهران	۵۸/۷/۴	۶۶۲
۱۶۵	۱۱	صحیفه امام	مصاحبه با روزنامه «لوموند»	۵۸/۹/۹	۶۶۳
			بیانات خطاب به حامد الگار متفکر مسلمان امریکایی	۵۸/۱۰/۷	۶۶۴
۴۶۱	۱۱	صحیفه امام			
۱۹۴-۱۹۳	۱۲	صحیفه امام	پیام به رئیس جمهوری و دادستان کل انقلاب	۵۸/۱۲/۲۸	۶۶۵
۲۰۹-۲۰۸	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۹/۱/۱	۶۶۶
			سخنرانی در جمع اعضای شورای اسلامی کارگران و پرسنل ارتش	۵۹/۴/۴	۶۶۷
۴۷۱	۱۲	صحیفه امام			
۱۶۱۵	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات	۵۹/۴/۲۰	۶۶۸
۱۷۷	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل ژاندارمری	۵۹/۶/۱۱	۶۶۹
۳۱۹	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی	۵۹/۸/۱۴	۶۷۰
۳۶۰-۳۵۹	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۸/۲۶	۶۷۱

فهرست مأخذ □ ۶۹۱

۳۶۱	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۸/۲۶	۶۷۲
			سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های علمیه	۵۹/۱۲/۱۴	۶۷۳
۱۸۹-۱۸۸	۱۴	صحیفه امام			
۱۱-۱۰	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تهران	۶۰/۴/۱۰	۶۷۴
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و روحانیون	۶۰/۶/۱۸	۶۷۵
۲۰۷	۱۵	صحیفه امام			
۳۲۱	۱۵	صحیفه امام	بیانات خطاب به شورای مرکزی سپاه پاسداران	۶۰/۷/۲۹	۶۷۶
۳۶۵	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان بنیاد شهید	۶۰/۸/۲۵	۶۷۷
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه استانهای فارس و بوشهر	۶۰/۹/۲	۶۷۸
۳۸۰	۱۵	صحیفه امام			
۴۲۵	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان سمنان	۶۰/۹/۲۱	۶۷۹
۱۵۵-۱۵۴	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه و بسیج	۶۱/۹/۲۸	۶۸۰
۷-۶	۱۸	صحیفه امام	پیام به نمایندگان مجلس خبرگان	۶۲/۴/۲۲	۶۸۱
۱۷۱	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خطبا و وعاظ	۶۲/۷/۱۳	۶۸۲
۳۶۸-۳۶۷	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مدیران و کارکنان صدا و سیما	۶۲/۱۲/۹	۶۸۳
۸۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۶۸۴
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳	۶۸۵
۲۷۷	۲۱	صحیفه امام			
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳	۶۸۶
۲۷۸	۲۱	صحیفه امام			
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳	۶۸۷
۲۸۲	۲۱	صحیفه امام			
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳	۶۸۸
۲۹۲-۲۹۱	۲۱	صحیفه امام			
۴۰۳	۱	صحیفه امام	پیام به اهالی استان کرمان	۴۳/۷/۲۱	۶۸۹

روحانیت و حوزه‌های علمیه □ ۶۹۲

۳۹۸-۳۹۷	۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۰/۸/۲۱	۶۹۰
۲۴۷-۲۴۶	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۸/۱۰	۶۹۱
۴۲۸	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۸	۶۹۲
۲۸۰-۲۷۹	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۳	۶۹۳
۲۶۴	۶	صحیفه امام	پیام چهارده ماده‌ای به ملت ایران	۵۷/۱۲/۹	۶۹۴
۲۷۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۶۹۵
۴۶۶	۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۳/۳	۶۹۶
۴۱۳	۱۰	صحیفه امام	پیام به دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب	۵۸/۸/۱۰	۶۹۷
			بیانات خطاب به حامد الگار متفکر مسلمان	۵۸/۱۰/۷	۶۹۸
۴۶۱-۴۶۰	۱۱	صحیفه امام	امریکایی		
			سخنرانی در جمع پاسداران پادگان امام حسین و	۵۹/۹/۱۵	۶۹۹
۳۹۴-۳۹۳	۱۳	صحیفه امام	ولی عصر		
			سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های	۵۹/۱۲/۱۴	۷۰۰
۱۹۰-۱۸۹	۱۴	صحیفه امام	علمیه		
			سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های	۵۹/۱۲/۱۴	۷۰۱
۱۹۰	۱۴	صحیفه امام	علمیه		
۳۲۱	۱۵	صحیفه امام	بیانات خطاب به شورای مرکزی سپاه پاسداران	۶۰/۷/۲۹	۷۰۲
۹۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۷/۴/۲۹	۷۰۳
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۷۰۴
۲۸۸	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
۴۲۲	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۷۰۵
۴۲۳-۴۲۲	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۷۰۶
۱۲۷-۱۲۶	۲	صحیفه امام	نامه سرگشاده به امیرعباس هویدا	۴۶/۱/۲۶	۷۰۷
۳۲۴	۲	صحیفه امام	پیام به زائران بیت‌الله الحرام	۱۳۴۹	۷۰۸
۳۶۶	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۷۰۹

فهرست مأخذ □ ۶۹۳

۱۰۱	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۴/۴/۲۰	۷۱۰
			پیام به اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان امریکا	۵۴/۷/۲	۷۱۱
۱۱۴-۱۱۳	۳	صحیفه امام	و کانادا		
۳۱۵	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۶/۱۱/۲	۷۱۲
۳۳۷-۳۳۶	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۱۱/۲۹	۷۱۳
۳۳۸	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۶/۱۱/۲۹	۷۱۴
۳۵۳	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع عشایر و ستاد نیروی هوایی	۵۸/۲/۲۹	۷۱۵
			سخنرانی در جمع اعضای ایلات زراسوند و	۵۸/۲/۱۹	۷۱۶
۲۲۹-۲۲۸	۷	صحیفه امام	پادگانهای فارس		
۴۳۰	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرهنگیان اصفهان	۵۸/۳/۱	۷۱۷
۹۴	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده پلیس	۵۸/۳/۲۱	۷۱۸
۱۷۳	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان بابل	۵۸/۴/۳۰	۷۱۹
			نامه به آقای مرتضی مطهری	۱۳۵۶	۷۲۰
۳۲۹-۳۲۸	۳	صحیفه امام	ه. ش.		
۴۰۵	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ایرانیان مقیم عراق	۵۰/۱۰/۲	۷۲۱
۴۱۲-۴۱۱	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ایرانیان مقیم عراق	۵۰/۱۰/۱۰	۷۲۲
۳۲۷-۳۲۶	۳	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا	۵۶/۱۱/۲۴	۷۲۳
۲۸۷	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و اقشار مختلف مردم	۵۷/۱۲/۱۱	۷۲۴
۱۴۹		ولایت فقیه			۷۲۵
۱۹	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات	۵۹/۴/۲۰	۷۲۶
۱۳-۱۲	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات	۵۹/۴/۲۰	۷۲۷
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و	۶۰/۶/۱۸	۷۲۸
۲۲۰-۲۱۹	۱۵	صحیفه امام	روحانیون		
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و	۶۰/۶/۱۸	۷۲۹
۲۱۹-۲۱۸	۱۵	صحیفه امام	روحانیون		

۱۳	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه خوزستان	۶۰/۱۱/۱۴	۷۳۰
۳۲۶-۳۲۵	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسئولین نظام	۶۱/۱۱/۲۲	۷۳۱
۴۲	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فقها و حقوقدانان شورای نگهبان	۶۳/۶/۱۱	۷۳۲
			سخنرانی در جمع اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶۴/۴/۹	۷۳۳
۳۰۵	۱۹	صحیفه امام			
۱۹۱-۱۹۰	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع شورای مدیریت حوزه علمیه قم	۶۵/۱۱/۵	۷۳۴
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات	۶۷/۱۲/۳	۷۳۵
۲۷۵	۲۱	صحیفه امام			
۳۸۰	۲۱	صحیفه امام	پیام به شورای مدیریت حوزه علمیه قم	۶۸/۲/۱۷	۷۳۶
۴۲۶-۴۲۵	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۷۳۷
۲۷۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۷۳۸
			سخنرانی در جمع مردم و کارکنان مدرسه شهید مطهری	۵۹/۱۲/۱۰	۷۳۹
۱۶۹-۱۶۸	۱۴	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع مسئولان وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی	۶۱/۶/۲۸	۷۴۰
۵۰۱-۵۰۰	۱۶	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع اعضای جامعه مدرسین و اساتید دانشگاه	۶۴/۶/۵	۷۴۱
۳۵۷-۳۵۶	۱۹	صحیفه امام			
۱۹۱	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع شورای مدیریت حوزه علمیه قم	۶۵/۱۱/۵	۷۴۲
۱۳۸-۱۳۷		ولایت فقیه			۷۴۳
۴۰۱-۴۰۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت دولت موقت	۵۷/۱۲/۲۹	۷۴۴
			سخنرانی در جمع ستاد نماز جمعه تهران و دانشجویان	۶۰/۹/۱۸	۷۴۵
۴۱۱-۴۱۰	۱۵	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع ستاد نماز جمعه تهران و دانشجویان	۶۰/۹/۱۸	۷۴۶
۴۱۳-۴۱۲	۱۵	صحیفه امام			
۳۲۰-۳۱۹	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسئولین نظام	۶۱/۱۱/۲۲	۷۴۷



			سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات	۶۲/۶/۲	۷۴۸
۷۲-۷۱	۱۸	صحیفه امام	اسلامی		
۱۰۳-۱۰۲	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای ستاد انقلاب فرهنگی	۶۲/۶/۱۵	۷۴۹
۱۰۴-۱۰۳	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای ستاد انقلاب فرهنگی	۶۲/۶/۱۵	۷۵۰
۱۰۵-۱۰۴	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای ستاد انقلاب فرهنگی	۶۲/۶/۱۵	۷۵۱
۹۳-۹۱	۲۰	صحیفه امام	پیام به مردم و زائران بیت‌الله‌الحرام	۶۵/۵/۱۶	۷۵۲
			پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه	۶۷/۱۲/۳	۷۵۳
۲۸۹	۲۱	صحیفه امام	جمعه و جماعات		
۳۸۰	۲۱	صحیفه امام	پیام به شورای مدیریت حوزه علمیه قم	۶۸/۲/۱۷	۷۵۴
۴۲۶-۴۲۵	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۷۵۵
۶۱-۶۰		جهاد اکبر			۷۵۶
۴۷-۴۵	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۱۱/۲۲	۷۵۷
			سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات	۶۲/۶/۲	۷۵۸
۷۱	۱۸	صحیفه امام	اسلامی		
۳۸۱-۳۸۰	۲۱	صحیفه امام	پیام به شورای مدیریت حوزه علمیه قم	۶۸/۲/۱۷	۷۵۹
۴۲۵	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۷۶۰
۱۹۰	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع شورای مدیریت حوزه علمیه قم	۶۵/۱۱/۵	۷۶۱
۱۹۱	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع شورای مدیریت حوزه علمیه قم	۶۵/۱۱/۵	۷۶۲
۴۲۵-۴۲۴	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۷۶۳
۳۲۶-۳۲۵	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسئولین نظام	۶۱/۱۱/۲۲	۷۶۴
۴۳-۴۲	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فقها و حقوقدانان شورای نگهبان	۶۳/۶/۱۱	۷۶۵



## فهرست منابع

- خمینی، روح‌الله؛ آداب الصلوة؛ چ ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸.
- \_\_\_\_\_؛ استفتاآت؛ تهیه و تنظیم دفتر انتشارات اسلامی؛ چ ۳، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۵.
- \_\_\_\_\_؛ جهاد اکبر؛ مبارزه با نفس (تقریر بیانات)؛ چ ۱۰، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸.
- \_\_\_\_\_؛ چهل حدیث (اربعین حدیث)؛ چ ۲۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۰.
- \_\_\_\_\_؛ شؤن و اختیارات ولی فقیه: ترجمه مبحث ولایت فقیه از «کتاب البیع»؛ چ ۱، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
- \_\_\_\_\_؛ صحیفه امام (بیانات، پیامها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)؛ ۲۲ ج، چ ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
- \_\_\_\_\_؛ کشف اسرار.
- \_\_\_\_\_؛ ولایت فقیه؛ چ ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
- \_\_\_\_\_؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)؛ صحیفه امام؛ ۲۲ ج، چ ۳، تهران، ۱۳۷۹.